سال ۶۱

پس از بحران

کارنامه و خاطرات

هاشمی رفسنجانی









به اهتمام :
فاطمه هاشمی



بسم الله الرحمن الرحيم



هاشمی رفسنجانی

کارنامه و خاطرات ۱۳۶۱

پس از بحران

به اهتمام: فاطمه هاشمی

۱۳۸۰

دفتر نشر معارف انقلاب
تهران صندوق پستی: ٤٦٤٨ - ١٩٣٩٥

هاشمی رفسنجانی

کارنامه و خاطرات ۱۳۶۱

پس از بحران

به اهتمام: فاطمه هاشمی

طرح و پردازش: دفتر نشر معارف انقلاب
ویراستار: قادر باستانی
همکاران: باسم شریعتمدار
مهدی گیلوا، شهرام اصغر نیا
تیراژ: ۲۰/۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۸۰
جلد گالینگور: ۲۵/۰۰۰ ریال
جلد شومیز: ۲۳/۰۰۰ ریال

ISBN 964-7193-00-9 ● شابک: ۹-۰۰-۷۱۹۳-۹۶۴

هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ -
کارنامه و خاطرات، اسناد، گاه شمار، رویداد ها / هاشمی رفسنجانی
به اهتمام: فاطمه هاشمی- تهران: دفتر نشر معارف انقلاب ۱۳۸۰
۱○ هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۱۳ - خاطرات ۲○ ایران - تاریخ - ۱۳۶۱



فهرست سال ۱۳۶۱

حرف اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خاطرات و کارنامه سال ۱۳۶۰ با عنوان "عبور از بحران" در سال گذشته منتشر شد و مورد استقبال قرار گرفت و در مدت کوتاهی هشت بار تا چهل هزار نسخه چاپ شد و اکنون نیز کمیاب است. در مقدمه آن توضیحاتی در نحوه یادداشت‌ها و تنظیم و انتشار آن دادم و از خوانندگان محترم تقاضا کردم که برای بارورتر کردن و غنا بخشیدن به کار، پیشنهادها و انتقاها یشان را برایم ارسال دارند. در عمل تعداد زیادی انتقاد و پیشنهاد دریافت نشد ولی آنچه که رسید برای اصلاح کار مفید بود. همانگونه که در آن مقدمه یادآور شده‌ام، تقریباً تمام یادداشت‌ها به همان‌گونه که نوشته شده چاپ و منتشر می‌شود و اصلاح و تغییر و حذف و تکمیل جزئی و محدود است، از قبیل اصلاح‌های لفظی و ادبی و ویراستاری؛ در مواردی برای حفظ آبروی اشخاص یا حفظ اسراری که هنوز زمان افشای آن مناسب نیست و یا توضیحات مطالب مبهم برای امروزی‌ها که در گذشته روشن بوده و چیزهای دیگری در این حدود.

بعضی مطالب اضافی هم در حاشیه و پاورقی‌ها آمده که در اصل نوشتار نبوده و مشخص است.

نگاهی به گذشته

نیمه اول سال ۶۰ را با بحرانهای شدیدی گذراندیم و در نیمه دوم مخلوطی از بحران و ثبات را تجربه کردیم. گرچه در ماههای آخر سال ۶۰ حوادث بحران ساز کمی داشتیم، اما آثار حوادث بحران‌زای نیمه اول و نیمه دوم سال ۵۹ در تار و پود جامعه وجود داشت و نقاهت‌های آن پیکر جامعه را رنج می‌داد.

سیر تدریجی به سوی ثبات را با تداوم تصمیم‌ها و اقدامات گذشته و دریافت تجربیات جدید در سال ۶۱ با سرعت بیشتری شاهد بودیم.

پس از بحران

بعد از نوسان‌ها و تشنج‌های طولانی سال‌های ۵۹ و ۶۰، سال ۶۱ را با آرامش و هماهنگی نسبی آغاز کردیم؛ پیام‌های لحظه تحویل سال نو نشانی از آن است. احساس همدلی و همراهی مسئولان و بخش اعظم مدیران و جامعه قابل لمس بود. تصمیم‌ها آسان‌تر گرفته می‌شدند و راحت‌تر اجرا می‌گردیدند.

رئیس جمهور آیت‌الله خامنه‌ای رفته رفته بر نقاهت‌های فراوان ناشی از سوء قصد غلبه می‌کردند و قوه قضائیه خلاء زجر دهنده از دست دادن رئیس و بنیانگذارش شهید دکتر بهشتی و جمعی از همکاران را پر می‌کرد و مجلس از شر درگیری‌ها و کارشکنیها رها شده و جای نمایندگان شهیدش را نیز پرکرده بود و دولت همدل و فعالتر نشان می‌داد. تضادهای خطرناک در فرماندهی جبهه و جنگ نیز خیلی کم بود و در نتیجه امام از رنج مراجعات مربوط به اختلافات و نزاعهای وقت‌گیر و آزار دهنده راحت شده بودند و برای تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌های کلی فرصت بیشتری داشتند. امید و نشاط انقلابی جامعه را فراگرفته بود که پشتوانه خوبی برای حل مشکلات به شمار می‌آمد.

البته از سوی دیگر دشمن بخش عظیمی از پنج استان کشور را در اشغال داشت. ضدانقلاب به مثابه ستون پنجم دشمن حرکت‌های ایذائی تخریب و ترور و ایجاد ناامنی را مقداری ضعیف‌تر از پارسال ادامه می‌داد. زخم‌های ناشی از تحرکات ضدانقلابی در کردستان، آذربایجان، ترکمن صحرا، بلوچستان و خوزستان و شهادت شخصیت‌های بسیج کننده و تأثیر گذار دردآور بود و توطئه‌ها و کارشکنیهای استکبار غرب و شرق و همراهی ضدانقلاب و لیبرالها در ارتباط با

جنگ تحمیلی و کودتاها روز به روز افزایش می‌یافت.

مناسب است که در این مقدمه به بعضی از فرازها و مسائل مهم سال ۶۱ اشاره شود؛ البته خوانندگان عزیز در متن کتاب حوادث را با تاریخ و ویژگیها و پیرایه‌ها می‌خوانند. از آنجا که مهمترین مسئله آن روز ما جنگ بود طبیعی است که در این مقدمه بیشتر با مطالب مربوط به جنگ برخورد کنید، همانگونه که در متن کتاب خواهید خواند:

جنگ

پس از فرار بنی‌صدر و آزاد شدن فرماندهان جبهه در نیمه دوم سال ۶۰ تحرک در جبهه‌ها آغاز شد و همکاری ارتش و سپاه و بسیج و نیروهای مردمی که در دوران فرماندهی بنی‌صدر غیر عملی به نظر می‌رسید و جبهه را در بن‌بست قرار داده بود، آثار خود را بروز داد.

با انجام عملیات محدود دارخوین و سپس پیروزی درخشان در عملیات ثامن‌الائمه و بیت‌المقدس، ثابت شد که ایران در جبهه دست بالا را دارد. ارتش اشغالگر عراق از غرب کارون رانده شد. آبادان از حصر نجات یافت. بستان و هویزه و ... آزاد شدند و ضربه‌های کاری بر دشمن وارد شد و غنائم فراوان ـ که اکثر آنها مورد نیاز رزمندگان بود ـ بدست آمد و امید و نشاط و شور و شوق وافری بر جامعه انقلابیمان حاکم گردید.

فتح‌المبین

سال ۶۱ با پیروزی‌های افتخارآمیز فتح‌المبین شروع شد و مردم ما بهترین عیدی را از جان برکفان جبهه دریافت کردند. روزهای اول سال با جشن و شادی عمیق همراه بود. هر ساعت خبر جدیدی از پیشرفت حماسه‌سازان، انهدام دشمن و آزاد شدن سرزمین و تحصیل غنائم و انبوه اسرای دشمن همراه با شایعات خوشحال کننده‌ای از مشکلات و سردرگمی‌های داخل عراق می‌رسید[۱].

---

۱ ـ عملیات فتح‌المبین با رمز یا زهرا(س) در منطقه‌ای به وسعت ۲۵۰۰ کیلومتر مربع به مدت ده روز در سه مرحله با هدف تصرف ارتفاعات منطقه به منظور آزادی بخش وسیعی از جنوب غربی میهن اسلامی صورت گرفت. در این عملیات که در منطقه غرب دزفول و شوش و منطقه غربی رودخانه کرخه انجام شد جاده دهلران، دشت عباس، عین‌خوش و مناطق دشت چنانه و زمینهای سرخه، مناطق شمال غربی خوزستان از دست دشمن آزاد شد و شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

نغمه‌های موزون و نشاط آفرین، آهنگ‌ها و سرودهای پیروزی و مارش جنگ که صداوسیما در سراسر کشور پخش می‌کرد، فضای فوق‌العاده گوشنواز و دلنشینی خلق می‌کرد. تریبونهای نمازهای جمعه و رسانه‌های مکتوب مملو از تحلیلها و خبرهای روحبخش و امیدساز بودند. تصویرهای گویای صحنه‌های نبرد، افواج اسرای ذلیل عراقی و اخراج حرامیان بعثی از سرزمینهای گرانبهای آزاد شده و قیافه‌های متّبسم و مردانه دلاوران میدان جهاد، خیلی‌ها را پای تلویزیونها میخکوب کرده بود. صدام هم شرط‌بندی‌اش را باخته بود که "اگر ایرانیها بتوانند سایتهای غرب دزفول را از ارتش بعث بگیرند، او کلید بصره را می‌دهد" گرچه مثل بقیه موارد به عهد خود عمل نکرد.

البته این همه شادی و نشاط با خبر آمار شهدا و مجروحانمان همراه بود که تلخی ذائقه‌ها را به همراه داشت و وقت زیادی از مردم انقلابی و مسلمان، صرف عیادت مجروحان در بیمارستان‌ها و صفوف اهدای خون و تسلیت خانواده‌های عزادار و تشیع پیکرهای پاک شهدا و مراسم فراوان می‌شد.

خونین شهر و خرمشهر

حصر آبادان در تاریخ ۵ مهرماه ۱۳۶۰ شکسته شده بود ولی خرمشهر تا ماه سوم سال ۶۱ هنوز در اشغال حرامیان بود و اندوهی سهمگین قلوب مردم شریفمان را در کنار شادی پیروزی‌ها فشار می‌داد و مردم با اطلاع از صلابت و قدرت نیروهای نظامی در جبهه‌ها بی‌صبرانه در انتظار

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هوایی، جاده سراسری اندیمشک ـ اهواز و صدها روستا از زیر آتش دشمن خارج گردید.

طبق آمار رسمی در این عملیات ۱۸ فروند هواپیما، ۳ فروند هلی‌کوپتر، ۳۶۱ دستگاه انواع تانک و نفربر زرهی، صدها دستگاه خودرو نظامی و مقدار قابل توجهی از انواع سلاحهای سبک و نیمه سنگین دشمن منهدم شد. همچنین لشکر ۱۰ زرهی متشکل از تیپ ۴۲ زرهی، تیپ ۲۴ مکانیزه، تیپ ۱۷ زرهی، گردان ۶ از تیپ ۵ و لشکر ۱ مکانیزه شامل تیپ ۱ مکانیزه، تیپ ۲۷ مکانیزه، گردانهای تانک آندلس، قرطبه، اشبیله و گردان ۸ مکانیزه، تیپ ۳۴ زرهی و تیپ ۵۱ زرهی، تیپ ۴۲۲ پیاده، تیپ ۹۶ پیاده، تیپ ۹۳ پیاده، تیپ ۱۰ نیروهای ویژه و تیپ ۴۲۱ پیاده دشمن منهدم گردید.

در عملیات فتح‌المبین ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ۱۶۵ قبضه توپ ۱۸۲، ۱۳۰ و ۱۵۲ میلیمتری، مقدار زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین و یک رسد کامل موشک سام ۶ به همراه ۳ فروند موشک به غنیمت رزمندگان اسلام در آمد.

در این عملیات بیش از ۲۵۰۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و ۱۵۰۰۰ نفر به اسارت درآمدند.

آغوش گرفتن خرمشهر را داشتند.

از سوئی صدامیان که حیثیت و اعتبارشان را از دست داده بودند، همه همتشان را متوجه ادامه اشغال خونین‌شهر کرده بودند و صدام هم شرطبندی سایت‌های دزفول را به خونین‌شهر منتقل کرده بود و برای تحریک ارتش بعثی و توجه دادن به اهمیت خونین‌شهر، بصره را برای بار دوم جایزه پس گرفتن خونین‌شهر قرار داده بود.

در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد شب ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ و ۴۱ روز پس از فتح‌المبین، عملیات "بیت‌المقدس" آغاز شد و طوفان عظیمی به پا کرد. رزمندگان با سرعت از کارون گذشته و دشمن را در فاصله غرب کارون و جاده اهواز ـ خرمشهر تارومار کردند و بقایای دشمن بزدلانه از پایگاه مهم حمید فرار کردند و پایگاه را تحت تأثیر خشم و ترس با مواد منفجره منهدم نمودند. مردم از همان لحظه اعلان شروع عملیات، چشمشان به خونین‌شهر خیره شده بود و بی‌تابانه اخبار پیشرفت رزمندگان را پیگیری می‌کردند.

و صدامیان هم عمده امکانات را برای دفاع از "خونین‌شهر" و به ادعای خودشان "مُحَمّرة" متمرکز کردند و برای خریدن زمان، مقاومت‌های مرحله‌ای ضعیفی در مسیر پیشرفت سپاه اسلام داشتند که همه آنها به قیمت از دست دادن بخشی از عِده وعُدّه آنها تمام شد و فقط توانستند دو سه روز نیروهای اسلام را در مسیر معطل کنند و خطوط دفاعی خونین‌شهر را تقویت نمایند.

صبر و انتظار عاشقان خرمشهر بر دلها سنگینی می‌کرد و پیشرفتهای برق‌آسای فتح‌المبین، توقع‌ها را بالا برده بود و دو سه روز به اندازه دو سه سال طول کشید و سرانجام در بامداد روز سوم خرداد جان برکفان سپاه اسلام مرکب از ارتش و سپاه و بسیج از آخرین خاکریز دفاعی دشمن عبور کردند و از بالای خاکریز چشمشان با منظره خرمشهر عزیز و دردانه روشن و دلهایشان خرم و "خونین‌شهر" خرمشهر شد.

انتشار خبر بازگشت خرمشهر به آغوش میهن اسلامی، ایران را یکپارچه شور و نشاط و جشن و سرور و سرودکرد و بدینسان نزدیک یکسال پس از کوتاه شدن دست بنی‌صدر از نیروهای مسلّح و روان شدن کار جهاد و جبهه، ایران طعم این پیروزی‌های عظیم را چشید و نظامیان ما لیاقت و صلاحیت و صلابتشان را اثبات کردند[1].

---

۱ ـ در عملیات بیت‌المقدس که به آزادی شهر خرمشهر انجامید، ۲۸۵ دستگاه تانک و نفربر، دهها انبار مهمات، ۴۰ فروند

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پس از خرمشهر ـ موضع دفاعی عراق

امید و روحیهٔ نیروهای رزمنده در اوج است و با غنائم به دست آمده بـخشی از کـمبودها جبران شده، واحدهای عمده ارتش عراق منهدم شده‌اند یا آسیب جدی دیده‌اند، روحیه بعثیها متزلزل است و دنیا پذیرفته است که عراق دیگر توان تهاجم ندارد و می‌داند که ایـران قـدرت پیشروی دارد و به ناچار حرف‌های گذشته را پس گرفته‌اند و به بخشی از واقعیات صحنه اعتراف می‌کنند.

عراق سیاست کاملاً دفاعی انتخاب کرده؛ در نقاطی که موانع طبیعی برای پـیشرفت قـوای ایران وجود دارد از نیروی کمی بهره می‌گیرد. عـمدتاً از واحـدهای مـنهدم شـده کـه هـمان‌جا بازسازی را هم انجام می‌دهند و نیروهای کمتر آسیب دیده را در نقاط حساس و قابل عبور مستقر کرده و چون دیگر قدرت تهاجم ندارد، همه چیز را به دفاع اختصاص می‌دهد.

از تجربه پیشرفتهای لشکر اسلام استفاده کرده و برای ایجاد خطوط متوالی دفاع از میدان‌های وسیع مین و رشته‌های متعدد سیم خاردار و آب انداختن روی زمینها در فاصله بین خطوط دو طرف و ایجاد خاکریزهای متعدد و ساخت سنگرها و پناهگاههای بتونی در دل خاکریزها. از فاو تا بصره با وجود اروند خاطرش جمع است. و از شلمچه تا طلائیه از خطوط دفاعی فوق‌الذکر و از طلائیه تا بستان از وجود هورالعظیم بهره گرفته.

هنوز در بسیاری از نقاط جبهه در خاک ایران است. از جاهائی که آسیب‌پذیر بوده فرار کرده و آن را به حساب صلح‌جوئی و انصاف تبلیغ می‌کند و در جاهائی که برای دفاع مناسب دیده و یا برای بهره‌گیری در برنامه‌های آینده مفید می‌داند، جا خوش کرده و مانده است؛ مثل ارتفاعات میانی و غرب و شمال.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

هواپیما، ۲ فروند هلی‌کوپتر، ۵۰۰ دستگاه خودرو و مقدار زیادی سلاح سبک و سنگین دشمن منهدم شد. همچنین تیپ ۱۲ زرهی و ۸ مکانیزه از لشکر ۳، تیپ ۶۰۶ پیاده، تیپ ۲۴ مکانیزه، تیپ ۴۱۷ تیپ ۴۲۶، تیپ ۵۱، تیپ ۳۴ زرهی، تیپ ۲۷ مکانیزه، تیپهای ۶ و ۱۲ زرهی از لشکر ۲، تیپ ۶۰۵، تیپهای ۲ و ۶ پیاده، تیپ ۹۰ پیاده، تیپ ۸ و ۹ و ۱۰ گارد مرزی، تیپ ۳۳ نیروی مخصوص، تیپ ۲۳۸ گارد مرزی، تیپ ۱۴ زرهی، گردان تانک المنصور و یک گردان شناسای و تیپ ۲۴۳ توپخانه، توپخانه ستاد کل ارتش عراق منهدم گردیدند.

در عملیات بیت‌المقدس طبق آمار رسمی ۱۶۵۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و ۱۹۰۰۰ نفر به اسارت نیروهای اسلام در آمدند.

و به نظر کارشناسان نظامی بسیاری از این نقاط را برای نگهداشتن ابدی اشغال کرده است، نقاطی که ارزش دفاعی و تهاجمی در خطوط مرزی دارند و عمدتاً در خاک ایرانند.

استکبار و جنگ

امپریالیسم خبری و تبلیغاتی هم برنامه وسیعی را اجرا می‌کند، برای اثبات جنگ طلب بودن ایران و صلح خواهی بعث عراق؛ اظهارات دو پهلوی صدامیان و فرار آنها از نقاط آسیب‌پذیر در ایران را هم سرمایه تبلیغ دارند، به علاوه اظهارات حماسی و قدرت نمائی ایرانیها را.

اربابان سلاح و پول و تبلیغ که همگی از محرکان و حامیان بعث عراق و از دشمنان آشتی ناپذیر انقلاب اسلامی جوان ایرانند، از این موقعیت برای بازسازی ارتش شکست خورده عراق و روحیه منهدم شده بعثیان استفاده می‌کنند و بار دیگر امواج ارسال سلاح و پول و فن‌آوری و اطلاعات و تبلیغات به سوی عراق به حرکت در می‌آید و سهم ایران تشدید تحریم‌ها و تبلیغ‌ها و تهمت جنگ‌طلبی و بکارگیری اطفال در جنگ و پخش فیلمهای مونتاژ دروغ ـ که کشف یکی از آنها افتضاحی بر سر غربیها فرود آورد ـ و تهدید و توطئه و خرابکاری در پشت جبهه‌ها و چشم‌پوشی از اقدامات مجرمانه و خلاف مقررات بین‌المللی بعث عراق از قبیل زدن شهرها و استفاده از سلاحهای ممنوع و حمله به هواپیماهای غیرنظامی و کاروانهای تجاری دریائی و شکنجه اسرا و آواره کردن و اخراج بقایای ایرانیانی که از دهها سال پیش در عراق زندگی می‌کرده‌اند و من جمله طلاب حوزه نجف اشرف.

در تقویت صدامیان در این مرحله افراط کاری را به جائی رساندند که بعداً مجبور شدند، بعضی از عوامل ارسال کمکهای خطرناک را محاکمه و محکوم کنند ـ که باعث افتضاح سیاسی‌شان شد ـ و نیز برای پس گرفتن سلاحها و تکنولوژی‌های خطرناک در مقوله‌های شیمیائی، میکروبی، موشکی، لیزری و حتی هسته‌ای و مهار روحیه تجاوزگری عراق که این بار به سوی کویت پستوی مصالح حیاتی اقتصادی و انرژی غرب به حرکت درآمد، وادار شدند جنگ دیگری بیفروزند.

افکار عمومی ـ فشارها

در خود ایران در کار جنگ بی مشکل نبودیم. غیر از مشکلات عادی جنگ و تدارکات،

تصمیم‌گیری‌ها دچار مشکلاتی بود؛ گرچه حضور فرماندهی و رهبری قاطع امام راحل و اطاعت بی چون و چرای همه از فرامین ایشان مجالی برای بروز و ظهور مشکلات نمی‌گذاشت.

بعد از آن همه پیروزهای پی در پی و عملیات برق آسا و با وجود مطالبات حق و روشن ایران از بعثیان متجاوز و اشغالگر و جنگ افروز، توقع شتاب بیشتر برای تنبیه متجاوز و گرفتن حق ابراز می‌شد.

خونهای به ناحق ریخته شهدا و صدمات جسـمی و روانـی جـانبازان، وجـود آزادگـان در سیاه‌چالهای عراقی، مشکلات طاقت فرسای آوارگان جنگ، خسارات عظیم دولتی و مردمی و نظامی در جنگ و دلهای به حق خشمگین از گستاخی و اهانت بعثی‌ها به ملت بزرگ و انقلابی، توقعات بجای آوارگان و خانواده‌های مکرم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودان منابع روحی فشار بر نیروهای مسلح بود.

مهمتر از همه شعارهای ارزشی که اهداف دفاع مقدس را مشخص می‌کرد و معمولاً اظهارات محکم امام را پشتوانه خود داشت از قبیل: جنگ تا رفع فتنه‌هاو تنبیه و کیفر متجاوز، رسیدن به کربلا با آزادی مردم عراق، باز شدن راه فلسطین از طریق عراق و یا کندن ریشه‌های نفوذ استکبار در منطقه و خیلی چیزهای دیگر که بارها و بارها توسط مسئولان و مردم تکرار می‌شد و روز به روز اوج می‌گرفت و امید به تحقق آنها پررنگ‌تر می‌شد و قاطعیت امام در ادامه دفاع مقدس تا آخرین نفر و آخرین نفس ولو بیست سال هم طول بکشد، شرایط ویژه‌ای ایجاد می‌کرد. همه اینها باعث شده بود که در آن زمان راهی جز ادامه نبرد دیده نشود و کـوچکترین اظـهاری کـه احتمال توقف جهاد را نشان بدهد، خیانت تلقی گردد و کسی هم چنین نظری ابراز نمی‌کرد و استدلال محکم دیگری هم بود که اگر جنگ متوقف شود، عراق از باقیمانده اراضـی اشـغالی بیرون نخواهد رفت و پس از بازسازی دوباره پیشروی می‌کند.

فشار افکار عمومی و خود رزمندگان برای تعقیب صدامیان در داخل خاک عراق بسیار بالا بود و خیلی از کسانی که امروز حرفهای دیگری می‌زنند آن روز مسئولان دفاع مقدس را متهم به کوتاهی در پیشروی و ادامه نبرد می‌کردند و با بهره‌گیری از شایعات بی‌اساس، آمادگی عربها برای پرداخت خسارات جنگ، مسئولان کشور را متهم می‌نمودند که "بوی دلار به دماغشان خورده".

میانجی‌ها ـ شایعات

دشمنان هم از این حربه استفاده می‌کردند و معمولا از قول منابع نامعلوم شایع می‌کردند که حامیان سابق عراق آماده پرداخت خسارات جنگند و سپس در چنین فضائی آمد و رفت میانجی‌ها شروع شد و از سوی کنفرانس اسلامی هیئت مهمی مرکب از سران چندکشور اسلامی آمدند[1].

افراد جداگانه از سوی دولتها یا سازمان‌های جهانی هم می‌آمدند[2].

پیغامها و تلفن‌ها فراوان بود که معمولاً برای تحت فشار گذاشتن ایران، بزرگ می‌شد؛ قابل توجه اینکه هیچ یک از اینها پیشنهادی که بتواند بخشی از مطالبات مردم و حقوق مسلم ایران را تأمین کند، نداشتند و حتی حاضر نبودند تضمینی بدهند که عراق پس از بازسازی نیروهایش دوباره دست به تجاوز نزند و نظر بخشی از کارشناسان این شد که اینها بیشتر برای وقت‌کشی و تأخیر پیشروی ایران و خریدن زمان برای آمادگی بعث عراق و کسب اطلاع از وضع درونی و دادن فرصت به نیروهای استکباری برای حضور در منطقه می‌آیند؛ در عین حال ایران هیچ گاه مانع حضور میانجی‌ها نشد و همیشه آماده شنیدن پیشنهادها بود که تا آخر هم ادامه داشت.

اعتراضها

این اخبار و شایعات که گاهی مبلغ خسارات را هم بدون کارشناسی معین می‌کردند، باعث تحریک و خشم رزمندگان و نیروهای انقلابی و جهادگر می‌شد و فشارها را برای سرعت ادامه نبرد زیاد می‌کرد.

مراجعات اعتراضی و یا استفساری در این خصوص خیلی زیاد بود و در رسانه‌ها هم گاهی

---

۱ ـ اعضای هیأت میانجی عبارت بودند از: احمد سکوتوره رئیس جمهور گینه، حبیب شطی دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی، یاسرعرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین، حاج داود رئیس جمهور گامبیا، ضیاءالرحمن رئیس جمهور بنگلادش، ضیاءالحق رئیس جمهور پاکستان، بولنت الودسو نخست وزیر ترکیه، تنکو احمد وزیر خارجه مالزی و مصطفی نیاس وزیر خارجه سنگال.

۲ ـ از جمله هیأتی از سوی سازمان کشورهای غیر متعهد مرکب از ایزیدور ماکالمیر وزیر خارجه کوبا، ناراسیما رائو وزیر خارجه هند، گوما وزیر خارجه گامبیا و چند تن دیگر به عنوان هیأت صلح به تهران و بغداد سفر کردند. همچنین پیشنهاد میانجیگری از طرف برخی از سازمانها وکشورها از جمله سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و یا سازمان آزادیبخش فلسطین وکشورهایی نظیر مالزی و عربستان سعودی ارائه شد.

منعکس می‌شد با اینکه ستاد تبلیغات جنگ کنترل می‌کرد.

و من که در مجلس حضور داشتم و سخنگوی شورای عالی دفاع بودم، طبعاً بیشتر از دیگران مورد مراجعات این گونه بودم و موارد زیادی از آنها را شما در این کتاب می‌خوانید.

این را هم اضافه کنم که در نقطه مقابل، فقط از چند نفر از نمایندگان مجلس که به عـنوان "عقلا" جلسه‌ای داشتند، گاهی با احتیاط سوالهائی و ابراز نظر دیگری مطرح می‌شد.

مذاکرات ـ تصمیم

در چنین شرایطی در جلسات شورای‌عالی دفاع و جلسات دیگر بحث بر سر سیاست جنگ داغ بود.

امام اجازه توقف جنگ و حتی مطرح کردن آن را نمی‌دادند و طرح آن را بـاعث دلسـردی نیروهای رزمنده و بخصوص بسیجیان و داوطلبها که عنصر نیرومند دفـاع و پـیروزی بـودند، می‌دانستند و معتقد بودند که دشمنان انقلاب دنـبال بـدست آوردن فـرصتی بـرای تـقویت و بازسازی ارتش صدام و از دور انداختن دفاع ما هستند و مطمئناً در فرصت مناسب دیگر تهاجم را ادامه می‌دهند و باقی ماندن نیروهای بعث در بسیاری از نقاط حساس و استراتژیک مـرزی کشورمان و سابقه خصومت حامیان صدام، این نظر را تأئید می‌کرد.

نادیده گرفتن افکار عمومی و مطالبات نیروهای انقلاب را هم عامل مهمی در به وجود آمدن سستی در ارکان انقلاب می‌دیدند و راضی به بی توجهی به سرنوشت مردم مظلوم عراق نبودند که سالها در دوران تبعید شاهد مظلومیت و سرکوب آنان بوده‌اند.

فرماندهان نظامی و نیروهای رزمنده هم نظراتی مثل امام و بلکه جدی‌تر ابـراز مـی‌کردند. بحث بر سر توقف جنگ نبود، بلکه بر سر چگونگی ادامه جنگ بود. افکـار عـمومی طـالب حرکت سریع و بی‌وقفه در داخل خاک عراق بود. نظامیان هم در فرض سیاست ادامه جـنگ، شیوه صحیح را تعقیب ارتش بعثی در خاک عراق می‌دانستند و توقف پشت مرزها را منافی با سیاست ادامه نبرد می‌شناختند.

امام در خصوص ورود به خاک عراق ملاحظاتی داشتند، منجمله ۱- تحریک عواطف و میهن دوسـتی مـردم عـراق بـه نـفع حکـومت بـعث ۲- تـحریک کشـورهای عـربی بـا حس ناسیونالیستی عروبت ۳- آسیب دیدن مردم عراق که نهایتاً باید از همراهان انـقلاب اسـلامی

باشند ۴- احتمال دخالت قدرت‌های جهانی و منطقه.

اجازه ورود به خاک عراق

برای تصمیم نهائی در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ جلسه‌ای با حضور اعضای شورای عالی دفاع و فرماندهان اصلی جبهه‌ها در محضر امام در دفتر جماران برپا شد که بالاخره امام منطق نظامی‌ها را پذیرفتند و تصدیق کردند ادامه جنگ با توقف پشت خطوط مرزی، منطق نظامی ندارد.

ولی تأکید کردند ورود به خاک عراق در نقاطی صورت گیرد که مردم عراق حضور نداشته باشند و یا خیلی کم باشند و توضیحات لازم هم داده شود.

براساس این سیاست نقاطی مثل منطقه بین طلائیه و شلمچه تا کنار تنومه و پشت رودخانه و جزایر مجنون و غرب هورالعظیم و منطقه فاو در جنوب و جاهائی مثل حاج عمران و مائوت و دربندیخان در شمال، می‌توانستند مورد توجه فرماندهان نظامی باشند که به تدریج همه اینها در برنامه گنجانده شد. علاوه بر سیاست راندن بعثیها از نقاط باقی مانده در اشغال ـ از قبیل مهران و قصرشیرین و سومار و ارتفاعات حساس آن منطقه.

بعث عراق هم چنان جنگ روانی را ادامه می‌داد و به اسم عقب‌نشینی و به بهانه ماه مبارک رمضان و با اعلان اجازه عبور نیروهای ما از خاک عراق به مرزهای اسرائیل مسئله سازی می‌کرد. اما خواست عمومی برای ادامه نبرد نیرومندتر از آن بود که این گونه ترفندها بتواند در آن رخنه ایجاد کند و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان، رزمندگان این نگرانی را ابراز می‌کردند که نظام به بهانه ماه رمضان بخواهد آتش بس را بپذیرد.

عملیات رمضان و والفجر مقدماتی

بالاخره با آمادگی‌های لازم عملیات رمضان برای نزدیک شدن به بصره و تنومه در تاریخ ۲۳تیر ۱۳۶۱ آغاز شد، ولی در عمل مواجه با وضعی متفاوت از عملیات داخل خاک ایران شدیم. سیاست دفاعی عراق و استحکامات و موانع ایجاد شده کار پیشروی را مشکل کرد و رزمندگان ما تجربه عبور از اینگونه موانع را نداشتند. به خصوص منطقه آب اندازی شده و استفاده دفاعی عراق ازکانال ماهی که در اصل برای پرورش ماهی احداث شده بوده و کیلومترها

طول با عرض مناسب داشت و پر از آب بود.

در این عملیات پیشروی محدودی داشتیم؛ خیلی کمتر از اهداف تعیین شده. و اولین ضربه به روحیه رزمندگان که فکر می‌کردند، چیزی نمی‌تواند مانع پیشروی‌شان بشود، وارد شد. همین تجربه در عملیات والفجر مقدماتی هم تکرار شد؛ با موانعی از نوعی دیگر. البته نباید نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوه‌های کلاسیک جنگ می‌اندیشد و دیگری بر شیوه‌های ابتکاری انقلابی و شهادت‌طلبانه پای می‌فشرد.

اختلاف

همین تفاوت نظرها و شاید کمی هم علایق بخشی و صنفی، هماهنگی بدست آمده بعد از فرار بنی‌صدر را ضعیف کرد. و وقت زیادی از شورای عالی دفاع و مسئولان نظام و شخص امام صرف ایجاد هماهنگی سه نوع نیروی جبهه‌ها شامل ارتش، سپاه و بسیج و نیروهای کمکی از شهربانی و ژاندارمری و کمیته‌های انقلاب می‌شد و مدتی وقت ارزشمند هدر رفت و همین اتلاف وقت، فرصت بیشتری به عراقیها داد که خطوط دفاعی خود راکه امتحان خوبی هم داده بود، محکم‌تر کنند.

فرماندهی واحد

در سالهای بعد امام به این نتیجه رسیدند که برای کل جنگ فرماندهی واحدی ایجاد کنند که همه نیروها را تحت امر داشته باشد و این قرعه به نام اینجانب افتاد با حفظ مسئولیتم در مجلس که خود کاری مهم و سخت بود. این مسئولیت بعد از عملیات والفجر مقدماتی شروع شد و قبل از عملیات خیبر شروع شد و تا آخر جنگ ادامه داشت. از آن به بعد جنگ فرمانده واحد داشت و وضع هماهنگی‌ها و تبادل امکانات و وظایف وضع بهتری یافت ولی اختلافات واقعی تا آخر از سرما دست برنداشت و از این رهگذر عدم النفع‌ها و گاهی خسارت‌های جدی را تحمل کردیم و بالاخره امام به این نتیجه رسیدند که دستورات صریحی برای رفع مشکل نیروهای مسلح صادر

کنند که ضمن حکم جانشینی فرماندهی کل قوا به نام اینجانب اعلام شد[1].

پیروزیهای مهم در عملیات خیبر و والفجرها، کربلاها، نصرها، قدس‌ها، ظفرها، عاشوراها، فتح‌ها و بخصوص والفجر هشت و کربلای پنج و نصر چهار از نتایج همین دوره‌اند.

و مسائل و مشکلات آخر جنگ داستان دیگر دارد که در زمان مناسب خواهد آمد.

اشغال لبنان توسط اسرائیل

در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ اسرائیل به بهانه‌های واهی و با استفاده از حالت مشغول جنگ بودن عراق و ایران و نگرانی بخشی از دولتهای عرب از پیروزی ایران، از هوا و زمین و دریا به کشور مظلوم و گرفتار لبنان حمله کرد و تا بیروت پیش رفت و بخشی از جنوب را در اشغال نگهداشت و بعداً معلوم شد که یکی از اهداف آن کم کردن فشار ایران به عراق و نجات بعث عراق و گرفتار کردن سوریه است که حامی ایران و مخالف بعث عراق بود.

---

۱ - متن حکم امام خمینی(ره) به این شرح است: بسم‌الله الرحمن الرحیم، جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی دامة‌افاضاته با توجه به درگیری و رویاروئی آمریکای جنایتکار علیه اسلام و ایران و هماهنگی غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام به پیشنهاد رئیس جمهور محترم جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای دامة‌افاضاته جنابعالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرمانده کل قوا منصوب می‌نمایم و جنابعالی مؤظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشید: ۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل. ۲- هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای نظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است، انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمانهای مربوطه و پشتیبانی کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود. ۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدسمان و انسجام امکانات تعمیراتی و پشتیبانی، و فنی و مهندسی، رزمی و آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل. ۴- سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها و جلوگیری از بکار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری و در همین راستا حذف و یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری. ۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها. ۶- استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده. ۷- بهره‌برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها. قوای مقننه و اجرائیه و قضائیه مؤظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ بکار گیرند. از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبائی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمی‌ها و حیله‌ها است و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

والسلام علیکم و رحمة‌الله

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱۳۶۷/۳/۱۲

طبیعی بود که در ایران موجی از درخواست حمایت از فلسطین و مردم لبنان به وجود آید و بسیاری از رزمندگان خواستار حضور در جبهه‌های جهاد مستقیم با دشمن صهیونیستی بشوند و شدند و بعث عراق هم از این فرصت که اسرائیل برایشان خلق کرده بود، استفاده کنند و پیشنهاد متارکه جنگ و اجازه عبور ایران از خاک عراق به سوی مرزهای اسرائیل را بدهند.

وقت زیادی از شورای‌عالی دفاع و فرماندهان و مسئولان سیاسی صرف بحث در این موضوع می‌شد و جمعی از کارشناسان ما هم برای بررسی وضع جبهه‌های لبنان و اسرائیل به منطقه رفتند.

برای کمک‌های غیر نظامی‌مان تردیدی نبود و به سرعت انجام گرفت؛ در مورد کمک‌های نظامی نظر تیزبین امام مانع تقسیم نیروها و گرفتاری در دو جبهه شد و توطئه‌ای دیگر خنثی گردید.

نیروهای واکنش سریع آمریکا

حوادث لبنان و مسائل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بهانه‌ای به کاخ سفید داد که نیروهای واکنش سریع را به منطقه بیاورد و مانور تهدید برای ما و دلگرم کننده برای عوامل و مزدوران و دوستانش در منطقه برپا کند و از اول هم معلوم بود که آمریکا برای حفاظت از منافع حیاتی غرب ـ به قول خودشان ـ برنامه‌ریزی کرده است و ایجاد جنگها و تداوم آن در دستور کار است و تظاهر به طرفداری از آتش‌بس را برای تجدید حیات و تقویت صدامیان به منظور امکان تحمل طولانی مدت جنگ می‌خواهد و نگران پیروزی نهائی ایران اسلامی است که تعارض جدی با منافع استکباری آنها و به قول خودشان مصالح حیاتی‌شان دارد.

و بعد می‌بینیم که هر چه بعثیها ضعیف‌تر می‌شدند، کَفّهٔ حضور نظامی آمریکا در منطقه سنگین‌تر می‌شود و سرانجام هم برای بازداشتن ما از پیروزی علناً با ما وارد جنگ می‌شوند و پرچم آمریکا را برکشتی‌های حامل نفت عوامل خود که بخشی از هزینه جنگ عراق را به عهده گرفته بودند، نصب می‌کنند و سکوهای نفتی و ناوهای جنگی و هواپیمای مسافربری ایرباس را مورد حمله علنی قرار می‌دهد و به کاپیتان جنایتکار ناو جایزه و نشان می‌دهد.

شهادت وزیر خارجه الجزایر

در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۱ هواپیمای حامل بن یحیی وزیر خارجه الجزایـر کـه بـرای مأموریتی مشخص عازم ایران بود، هدف موشک جنگنده‌های عراقی قرار گرفت و در مرز ایران و ترکیه سقوط کرد و وی با ۱۴ تن از همراهان به شهادت رسیدند. عراق مخالف این سفر بود و دل خوشی از الجزایر نداشت. بوقهای تبلیغاتی بعثی‌ها و استکبار خواستند این جنایت را به پای ایران بنویسند، ولی تحرک سریع و مؤثر ایران این توطئه را خنثی کرد و جنایتکاری صدامیان را آشکار کرد و رسوائی دیگری به پرونده سیاه بـعثی‌ها و حـامیانشان اضـافه شـد. مـتأسفانه الجزایریها تحت فشار قدرتهای بزرگ و تحت تأثیر احساسات عروبت از همکاری مؤثر با مـا برای بهره‌برداری از این فاجعه علیه جنایتکاران دریغ کردند؛ ولی حداقل بار دیگـر سـلامت و مظلومیت ایران روشن شد.

اجلاس فاس

سران کشورهای عرب در ۱۵ شهریور ۶۱ در فاس اجتماع برپا می‌کنند و برای نجات بعثیان عراق و جلوگیری از پیروزی ایران اسلامی تصمیمات بدی می‌گیرند و کمکهای زیـاد مـالی و تسلیحاتی و تبلیغاتی و سیاسی آنها به بعث عراق پس از آن اوج می‌گیرد. علاوه بر کـمکهای فراوان بلاعوض، وامهای سخاوتمندانه‌ای تقدیم می‌کنند که خداوند آن کمکهای نابجا را بلای جان خودشان کرد و امروز نگران بهره‌گیری صدامیان از آنها علیه خودشان هستند که نمونه بارز آن را در اشغال کویت و تهدید بقیه کشورهای جنوب و ادعای مالکیت صدها کیلومتر از سواحل جنوب خلیج فارس توسط صدام حسین در نامه تاریخی او به اینجانب در ۸ مرداد۱۳۶۹ است. امروز آنها مدعی طلب و خواهان استرداد ده‌ها میلیارد وام سخاوتمندانه خود هستند و حکام عراق آنها را نتیجه طبیعی تعهد همکاری در جنگ ظالمانه علیه ایران مظلوم می‌دانند.

مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

در تاریخ ۲۵ آبان ۱۳۶۱ سازمان مجلس اعلای انقلاب اسـلامی عـراق شکـل مـی‌گیرد و احزاب و گروهها و افراد مؤثر و جریانهای اسلامی عراق ساکن ایران به آن می‌پیوندند. با هدف هماهنگ کردن مبارزات و مجاهدات مردم مظلوم عراق در مقابل سفاکیهای بـعثیان حـاکـم،

فعالیت را آغاز می‌کنند و امید زیادی در قلوب مردم آواره عراقی و عراقیان تحت ستم داخل عراق ایجاد می‌کنند، بسیاری از اسرای عراقی موجود در اردوگاههای ایران اعلان همبستگی با مجلس می‌کنند.

کنفرانس غیر متعهدها و سفر به هندوستان

عراق و حامیانش تلاش فراوانی برای تشکیل کنفرانس غیرمتعهدها در عراق کردند. میزبانی عراق در آن شرایط می‌توانست اعتبار زیادی به بعثی‌ها بدهد و به دلیل غیبت ما در کنفرانس مصوبات نامناسبی داشته باشند و یکی از بهانه‌ها نبودن میزبان مناسب دیگر بود.

سفری به هندوستان کردم، به دعوت رئیس مجلس هند. با توجه به احترامی که هندی‌ها برای انقلاب اسلامی ضداستکباری ایران قائل بودند و به پشتوانه افکار نیروهای انقلابی و اسلامی هندوستان، توانستیم خانم ایندیراگاندی را به پذیرش میزبانی کنفرانس غیرمتعهدها قانع نمائیم که خدمت مهمی به غیر متعهدها بود و هم ضربه‌ای به سیاست بعثی‌ها و ضمناً مردم و مجلس هند هم از این تصمیم استقبال خوبی کردند. در آن سفر هر جا رفتیم مواجه با امواج خروشان مردمی در استقبال از هیئت پارلمانی ایران بودیم و با حل مشکل قرارداد خرید سنگ آهن که با متوقف شدن طرح فولاد مبارکه به صورت مانعی بر سر راه همکاری قرار گرفته بود ـ راه همکاری‌ها را هموار کردیم که خوشبختانه هنوز هم ادامه دارد.

کودتا

از مسائل جنگ که بگذریم در عرصه‌های دیگر در این کتاب به مسائل زیادی برخورد می‌کنید. در حوادث مهم این سال کشف کودتائی بود که توسط صادق قطب‌زاده و چند تن از نظامیان و روحانیان طراحی شده بود و به مرحله اجرا نزدیک بود که کشف و خنثی شد.

لغو مقررات غیر اسلامی

در تاریخ ۳۱ مرداد ۶۱ امام دستورات قاطعی[1] صادر فرمودند، برای حذف مقررات غیر

۱ ـ این فرمان در دیدار حضرت امام(ره) با پرسنل دادستانی مرکز، دادسراها و دادگاههای انقلاب اسلامی و دادستانی ارتش

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اسلامی باقی مانده از زمان ستمشاهی و به دنبال آن شورای‌عالی قـضائی بـا مـصوبه‌ای کـلیه مقررات مخالف اسلام را "کان‌لم یکن" اعلام کرد و دادگاه‌ها از استناد به آنها منع شدند و مجلس شورای اسلامی هم‌کار متمرکزی را برای شناسائی و اصلاح مقررات مخالف اسلام آغاز کرد و در همین راستا لایحه مفصل ۲۵۵ ماده‌ای قصاص که از پیش به مجلس آمده بود و مخالفت‌های زیادی را از سوی لائیک‌ها برانگیخته بود از تصویب نهایی ـ به صورت آزمایشی ـ گذشت.

برنامه پنجساله

اولین برنامه پنج ساله اقتصادی توسط دولت تهیه و در تاریخ ۲۰ مهرماه ۶۱ بـه مـجلس تقدیم شد و بررسی‌ها در کمیسیون‌ها آغاز شد.

گرچه سرانجام به خاطر نواقص برنامه و نیز به خاطر شرایط جنگی که تـحمل پـیش‌بینی پنج‌سال آینده را نداشت برنامه به تصویب مجلس نرسید، اما مطالعات و تلاشها، سرمایه‌ای در اختیار نظام قرارداد که پس از جنگ و در آستانه شروع کار سازندگی دولت و مجلس توانستند با سرعت به تکمیل برنامه پنجساله اول برسند و گامهای بلندی برای بازسازی ویرانی‌های جنگ و ساخت زیربناها و روبناهای کشور اسلامی‌مان بردارند[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

صادر شد. امام فرموند: "و من حالا هم اعلام می‌کنم به تمام قضات سرتاسر کشور، کسانی که متصدی قضا هستند، کسانی که در دادگستری هستند، تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است و برخلاف شرع بوده است، تمام باید دور ریخته بشود و مسؤولیتش به گردن من، تمام را دور بریزید و به جای او قوانین شرع را عمل بکنید."

۱ ـ مرور تحولات دوران سازندگی (۱۳۷۶-۱۳۶۸) نشانگر موفقیتهای قابل توجهی است. رشد تولید ناخالص داخلی در این دوره به ۶/۴ درصد بالغ شد که در واقع میانگین رشد ۱۱ درصدی سرمایه‌گذاری و بالارفتن بهره‌وری نیروی کار از عوامل اصلی آن به شمار می‌آیند. مصرف کل به قیمتهای ثابت به طور متوسط ۶/۶ درصد رشد یافت، لیکن ترکیب تقاضای اقتصاد با توجه به شتاب رشد سرمایه‌گذاری جنبه تولیدی بیشتری به خودگرفت. کسری بودجه مزمن ۵۰ درصدی سال ۱۳۶۷ به توازن بودجه تبدیل شد و ترکیب هزینه‌های دولت به نفع هزینه‌های عمرانی تغییر کرد. تراز منفی بازرگانی خارجی کشور مـثبت و سـنگینی تـعهدات و بدهی‌های خارجی کسب شد. نرخ رشد جمعیت به کمتر از نصف یعنی ۱/۳ درصد تقلیل یافت و در مقابل امید به زندگی با بیش از ۶ سال افزایش به ۶۹/۵ سال رسید، درصد باسوادی از حدود ۶۸/۹ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۷۹/۵ درصد افزایش یافت و بیکاری ۱۴/۲ درصدی به ۹/۱ درصد کاهش یافت. مشارکت زنان در عرصه فعالیتهای اجتماعی افزایش یافت و از بار تکفل اقتصادی کاسته شد. شاخص فقر که در سال ۱۳۶۷ به ۳۱ درصد می‌رسید در سال ۱۳۷۶ به حدود ۱۸ درصد کاهش یافت. درکنار رشد و استحکام اقتصادی، درآمد سرانه و رفاه اجتماعی بالا رفت و سیاست محوری تسهیلات رفاهی و بهداشتی پوشش فراگیری در شهرها و روستاها و مناطق محروم یافتند. زیر بخشهای مختلف اقتصادی، کشاورزی و نیروگسترش چشمگیری پیدا کردند. بیش از

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

دانشگاه آزاد اسلامی

در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ و چند روز پیش از فتح کـامل خـرمشهر، در نـماز جـمعه تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی را اعلام داشتم. حضور سران قوا و حاج احمد آقا خمینی در هیئت مؤسس این نهاد و تأییدات و حمایت امام راحل از این پیشنهاد و هدیه یک میلیون تـومانی ایشان به عنوان اعلان حمایت، برکات زیادی برای پـیشرفت کـار داشت و نـیاز جـامعه بستر مناسبی بود، برای رشد و توسعه دانشگاه و جلوگیری از مزاحمت‌های کوتاه فکرانی که آن روزها همه چیز را متمرکز و دولتی می‌پسندیدند. استقبال وسیعی از این طرح مهم شد و به سرعت در سراسر کشور جا باز کرد و آن نهال، امروز تبدیل به درختی تنومند شده که ریشه در نـیازها و امکانات و استعدادهای جامعه دارد و شاخه‌های بارور آن به همه اقشار برو بار و میوه می‌افشاند.

و پا از مرزهای ایران اسلامی بیرون گذاشته و عضویت هیأت اجرایی انجمن بـین‌المـللی دانشگاههای سراسر جهان را بدست آورده و بیش از پنجاه کشور اعـتبار دانشـنامه‌هایش را بـه رسمیت شناخته‌اند و به عنوان یک نمونه کاملاً ابتکاری و موفق از آموزش عالی غیر دولتـی جایگاه مناسب خود را تحصیل و تحکیم کرده و این هنوز از نتایج سحر است[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

۶۰ سد مخزنی ساخته شد و توسعه شبکه‌های آبیاری و زهکشی و سایر اقدامات بخش کشاورزی سبب گردید که محصولاتی نظیر گندم و محصولات زراعی رشد سالانه‌ای حدود ۶ درصد را تجربه کنند. ظرفیت اسمی نیروگاههای کشور که کمتر از ۱۳ هزار مگاوات بود به ۲۳ هزار مگاوات بالغ شد و تولید انواع حاملهای انرژی و صنایع فولاد، مس و آلومینیوم به میزان قابل توجهی بالا رفت و محصولات فولاد، سیمان و پتروشیمی دارای رشد متوسطی معادل ۱۸/۳، ۵/۳ و ۲۱ درصد شدند. بخشهای اجتماعی و فرهنگی از آموزشهای عمومی گرفته تا تحقیقات عالی، فعالیتهای فرهنگی و امور جوانان و ورزش همگی رشدهای بالائی را تجربه نمودند. تعداد دانش آموزان از حدود ۱۳/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۶۸ به حدود ۱۸/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۶ افزایش یافت و علی‌رغم این رشد در نتیجه مجموعه سرمایه گذاریهای انجام شده تراکم دانش آموز در کلاس و نسبت دانش آموز به معلم کاهش یافت، تعداد دانشجویان از ۴۴۷ هزار نفر در سال ۱۳۶۸ به حدود ۱/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۷۶ رسید و زیر بناهای آموزش عالی و تحقیقات تا پنج میلیون مترمربع گسترش یافت و تیراژ مطبوعات از ۱۷۶/۵ میلیون نسخه به ۸۵۷ میلیون نسخه بالغ شد. و سرانجام زمینه مناسبی برای ادامه حیات رو به رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور فراهم شد. با اجرای طرحهای زیربنایی، ایجاد سخت افزارهای فنی، تربیت نیروی انسانی ماهر و تحقیقات کاربردی، ذخیره‌ای ارزشمند برای اداره کشور فراهم آمد.

برای آگاهی از دستاوردهای این دوران و شاخص‌های اقتصادی آن مراجعه کنید به کتاب "آمار سخن می‌گوید" به اهتمام: دکتر حمیدمیرزاده، سیدشمس‌الدین حسینی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۸

۱ ـ دانشگاه آزاد اسلامی اینک از همکاری بیش از بیست و پنج هزار استاد مجرب و اعضای هیأت علمی برخوردار است که هشت هزار تن از آنان اساتید تمام وقت، شش هزار تن اساتید نیمه وقت و یازده هزار تن اساتید حق‌التدریس می‌باشند و سهم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

فرمان هشت مادهای امام

۲۴ آذر ۱۳۶۱ فرمان مهم هشت مادهای امام صادر شد که تأثیر زیادی بر تلطیف فضای تند و انقلابی و نیز تسریع در اسلامی‌تر کردن نظام داشت. به مقتضای طبیعت انقلاب‌ها حرکت‌های تند و افراطی و سوء استفاده عوامل نفوذی یا فرصت‌طلب معمولاً اتفاق می‌افتد و در انقلاب اسلامی ایران هم از این نوع حرکت‌ها بـه وجـود آمـد و امـام در مـقاطع مـختلف تـذکرات و دستورهائی به تناسب شرایط برای مهار اوضاع و تعدیل شرایط داشتند.

از جمله آنها این بیانیه مهم است که نمونه‌ای از عملکرد رهبری آگاه و مسلط و دلسوز را نشان می‌دهد[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

خواهران در این تعداد بیش از سه هزاروپانصد نفر است. تعداد کل دانشجویان بالغ بر هفتصد هزار نفر می‌باشد که سهم زنان بیش از سیصدهزار نفر و مردان بیش از دویست و شصت و هشت هزار نفر است. از این میزان صدوبیست و یک هزار نفر در دوره کاردانی چهارصدوهشتادهزار نفر در دوره کارشناسی، سی و چهارهزار نفر در دوره کارشناسی ناپیوسته، بیست هزار نفر در دوره کارشناسی ارشد و سیزده هزار نفر در دوره دکترای حرفه‌ای و تخصصی مشغول به تحصیل هستند. دانشگاه آزاد اسلامی تاکنون ششصد هزار فارغ التحصیل داشته است که اکثر قریب به اتفاق آنها جذب بازارکار در بخشهای خصوصی، تعاونی و دولتی شده‌اند. اینک کل فضای فیزیکی دانشگاه در ۱۳۲ واحد دانشگاهی داخلی و دو واحد دانشگاهی در خارج از کشور حدود پنج میلیون متر مربع است که حدود ۵۰ درصد آن فضای آموزشی و ۵۰ درصد فضای خدماتی و خوابگاه دانشجویی اختصاص دارد. در ضمیمه این کتاب آماری از پیشرفت و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی از آغاز تشکیل تاکنون ارائه شده است.

۱ ـ متن فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی(ره) خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگانهای اجرایی در مـورد اسـلامی شـدن قـوانـین و عملکردها:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در تعقیب تذکر به لزوم اسلامی نمودن تمام ارگانهای دولتی به ویژه دستگاه‌های قضایی و لزوم جانشین نمودن احکام الله در نظام جمهوری اسلامی به جای احکام طاغوتی رژیم جبار سابق لازم است تذکراتی به جمیع متصدیان امور داده شود. امید است ان‌شاءالله تعالی با تسریع در عمل، این تذکرات را مورد توجه قرار دهند.

۱- تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد و قوانین مربوط به مسائل قضایی که مورد ابتلای عموم است و از اهمیت بیشتر برخوردار است در رأس سایر مصوبات قرار گیرد که کار قوه قضائیه به تأخیر یا تعطیل نکشد و حقوق مردم ضایع نشود، و ابلاغ و اجرای آن نیز در رأس مسائل دیگر قرار گیرد.

۲- رسیدگی به صلاحیت قضات و دادستان‌ها و دادگاه‌ها با سرعت و دقت عمل شود تا جریان امور شرعی و الهی شده و حقوق مردم ضایع نگردد و به همین نحو رسیدگی به صلاحیت سایر کارمندان و متصدیان امور، با بی طرفی کامل بدون مسامحه و بدون اشکالتراشی‌های جاهلانه که گاهی از تندروها نقل می‌شود، صورت گیرد تا در حالی که اشخاص فاسد و مـفسد تـصفیه می‌شوند اشخاص مفید و مؤثر با اشکالات واهی کنار گذاشته نشوند. و میزان، حال فعلی اشخاص است با غمض عین از بعض لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته‌اند مگر آنکه با قراین صحیح معلوم شود که فعلاً نیز کارشکن و مفسدند.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

۳- آقایان قضات واجد شرایط اسلامی، چه در دادگستری و چه در دادگاه‌های انقلاب باید با استقلال و قدرت بدون ملاحظه از مقامی احکام اسلام را صادر کنند و در سراسر کشور بدون مسامحه و تعویق به کار پراهمیت خود ادامه دهند و مأمورین ابلاغ و اجرا و دیگر مربوطین به این امر باید از احکام آنان تبعیت نمایند تا ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است. و عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضاییه و متعلقات آن نیست، که در سایر ارگان‌های نظام جمهوری اسلامی از مجلس و دولت و متعلقات آن و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها و بسیج و دیگر متصدیان امور نیز به طور جدی مطرح است و احدی حق ندارد با مردم رفتار غیر اسلامی داشته باشد.

۴- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید، هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

۵- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیر منقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی.

۶- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیر انسانی ـ اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعهٔ فحشا و گناهان از کبایر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌شوند.

۷- آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و تیمی و برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم بیگانه کوچه و بازار و برای نقشه‌های خرابکاری و افساد فی‌الارض اجتماع می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و همچنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضایی و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از حدود شرعیه حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنانچه مسامحه و سهل‌انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که آن هم مختصر است به محدودهٔ سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرره و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگترین گناه کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می‌باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی‌الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند. و همچنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر نمایند که به وسیله آن

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تشخیص ضرورتها ـ مجمع تشخیص مصلحت نظام

از اقدامات مهم و راهگشا و بن‌بست شکن امام راحل بازکردن راه توجه به مصالح در مقابل مقررات و احکام خشک یا مشکل زا بود.

در همه نظام‌های جهانی سازمانهائی وجود دارد که در شرایط خاص تصمیم‌های مشکل‌گشا و بن‌بست شکن می‌گیرند.

و در حکومت‌های دینی و ایدئولوژیکی که احکام بسیار با ماهیت ثابت و دائمی دارند، در طول زمان و تحول تاریخ و پیش آمدن شرایط ویژه چنین احکامی می‌توانند مشکل‌زا باشند و خود دین اسلام که بنا است ابدی و جاودانه باشد، چنین شرایطی را پیش بینی کرده و قواعدی دارد که اجازه می‌دهد در هنگام تعارض مصالح و قرارگرفتن مصلحت در مقابل قانون به مصالح مهم توجه بیشتری شود و با تمسک به آن از احکام ثابت چه شرعی و چه عرفی چشم پوشی شود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل‌های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه‌های دیگر علیه نظام جمهوری اسلامی، که صادرکننده و اجراکننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.

۸- جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور و جناب آقای نخست وزیر مؤظفند شرعاً از امور مذکوره با سرعت و قاطعیت جلوگیری نمایند و لازم است در سراسر کشور، در مراکز استانداری‌ها و فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها هیأت‌هایی راکه مورد اعتماد و وثوق می‌باشند انتخاب نمانید و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین اجرا، چه نسبت به حقوق و اموال آنان سر می‌زند بدین هیأت‌ها ارجاع نمایند و هیأت‌های مذکور نتیجه را به آقایان تسلیم و آنان با ارجاع شکایات به مقامات مسؤول و پیگیری آن متجاوزین را موفق با حدود و تعزیرات شرعی مجازات کنند.

باید همه بدانیم که پس از استقرار حاکمیت اسلام و ثبات و قدرت نظام جمهوری اسلامی با تأیید و عنایات خداوند قادرکریم و توجه حضرت خاتم‌الا و صیا و بقیةالله ـ ارواحنا لمقدمه الفدا ـ و پشتیبانی بی‌نظیر ملت متعهد ارجمند از نظام و حکومت، قابل قبول و تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن خدای نخواسته به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق کریم اسلامی از اشخاص بی‌توجه به معنویات صادر شود. باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضاییه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود وکشور خود بدانند. و این امور برعهده همگان است وکار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوندکریم خواهانم که همه ما را از لغزش‌ها و خطاها حفظ فرماید و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد ـ صلی‌الله علیه و آله ـ متصل فرماید. «انه قریب مجیب»

والسلام علی‌عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی الخمینی

در اوائل کار مجلس این گونه موارد باعث اختلاف شورای نگهبان و مجلس می‌شد که مجلس به کارشناسی بهای بیشتری می‌داد و شورای نگهبان روی فتوی‌ها و ظواهر قانون اساسی تکیه بیشتر داشت. امام با دادن تشخیص مصالح و ضرورتها به دو سوم نمایندگان مجلس مشکل را حل کردند[1] و سپس در سالهای بعد با تأسیس مجمع تشخیص مصلحت که در بازنگری قانون اساسی در قانون اساسی هم تثبیت شد، برای همیشه این گونه بن‌بست را از سر راه انقلاب اسلامی برداشتند؛ گرچه آن زمان آن اقدام تحت احکام ثانویه مطرح شد ولی نظر امام آن نبود و آن را با مبانی اجتهادشان در ردیف احکام اولیه می‌دانستند .

مطالب مهم کتاب محدود به این چند مورد نیست. خوانندگان محترم در هر صفحه مواجه با مسائل قابل توجهی می‌شوند که راهنمای مطالعه منظم تاریخ انقلاب است و با سیر جریان حوادث و امور کشور به خوبی آشنا می‌شوند.

اکبر هاشمی رفسنجانی
۱۳۷۹/۱۱/۲۶

۱ ـ بسم‌الله الرحمن الرحیم آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل یا ترک آن موجب اختلال نظام می‌شود و آنچه ضرورت دارد که ترک آن یا فعل آن مستلزم فساد است و آنچه فعل یا ترک آن مستلزم حرج است پس از تشخیص موضوع، به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن آن، مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع خود به خود لغو می‌شود، مجازند در تصویب و اجرای آن و باید تصریح شود که هر یک از متصدیان اجرا از حدود مقرر تجاوز نمود مجرم شناخته می‌شود و تعقیب قانونی و تعزیر شرعی می‌شود. روح‌الله الموسوی الخمینی

یادداشت ناشر

انتشار کتاب "عبور از بحران" حاوی خاطرات سال ۱۳۶۰ آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی توسط دفترنشرمعارف انقلاب، زوایای تازه‌ای از تاریخ معاصر ایران را بر خوانندگان مکشوف ساخت. اکنون به دنبال انتشار کتاب "عبور از بحران" که به همراه کتابهای مکمل سخنرانیها، مصاحبه‌ها، نطقهای پیش از دستور و خطبه‌های نماز جمعه سال ۱۳۶۰ در یک مجموعه ۵ جلدی به بازار کتاب عرضه شد، کتاب "پس از بحران" که خاطرات و کارنامه روز نوشته ایشان مربوط به سال ۱۳۶۱ است، به همراه کتابهای مکمل به صورت مجموعه‌ای ۵ جلدی تقدیم علاقمندان می‌گردد.

در این کتاب با توجه به نقش حساس و تعیین کننده نویسنده، نکات بسیار مهم و ناگفته‌ای بیان شده است که پژوهشگران و مورخان را در تدوین تاریخ معاصر ایران، انقلاب و جنگ یاری خواهد کرد. در سال ۱۳۶۱، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی علاوه بر ریاست مجلس شورای اسلامی، نمایندگی حضرت امام(ره) در شورای عالی دفاع را عهده‌دار بوده و عملاً در تصمیم‌گیریهای مربوط به سیاستهای کلان کشور نقش برجسته داشتند، به همین دلیل مطالبی که به قلم ایشان در آن روزها نوشته شده، علاوه بر اهمیت روایی و سندی، نشان دهنده بخشی از

تفکر، روحیه و عمل مسئولان کشور در آن سالها است. بنابراین این دست نوشته‌ها در تدوین واقعیت‌های تاریخ انقلاب اسلامی نقش ارزنده و مفید خواهد داشت.

دفترنشرمعارف‌انقلاب برای سهولت کار محققان و پژوهشگران و علاقه‌مندانی که کتاب خاطرات حاضر را مطالعه می‌نمایند، کتابهای دیگری را به صورت ضمیمه این کتاب تدوین و منتشر ساخته است، در این کتابها کلیه سخنرانیهای نویسنده به همراه پیامها، مصاحبه‌ها با مطبوعات و رادیو و تلویزیون، خطبه‌های نماز جمعه و نطقهای پیش از دستور مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۱ به شکل مرتب آماده و به همراه این کتاب به چاپ رسیده است.

خوانندگان با مطالعه کتابهای جنبی می‌توانند زمینه ذهنی مناسبی از اوضاع و احوال آن سالها داشته باشند و برخی از مطالب را که به صورت مختصر و مجمل در خاطرات آمده، با مطالعه آن کتابها به طور شفاف و روشن متوجه شوند؛ البته سعی گردیده است در این کتاب ابهامات در پاورقی‌ها توضیح داده شود و مطالب مطرح شده روشن باشد، اما مطالعه کتابهای مکمل نقشی فراتر برای خوانندگان، دانش پژوهان و محققین خواهد داشت. زیرا مطالب مهم در این کتابها به صورت مشروح و کامل به همراه تحلیل و تفسیر آمده است.

امید است انتشار چنین کتابهائی به روشن شدن حقایق و واقعیت‌هایی که در طول سالیان گذشته مکتوم مانده است، کمک نماید.

دفترنشرمعارف‌انقلاب از کلیه هموطنان ارجمند تقاضا دارد، در صورتی که سند، نامه، عکس و یا مجموعه‌ای در خور درباره تاریخ معاصر ایران در اختیار دارند، به دفترنشرمعارف انقلاب مراجعه نمایند تا در صورت اهمیت آن اسناد و مدارک، نسبت به استفاده از آنها در کتابهای بعدی و یا انتشار مستقل آنها اقدام شود.

در خاتمه از درگاه پروردگار متعال مسئلت می‌نماییم توفیقات خود را بر ما ارزانی دارد تا بتوانیم در خدمت فرهنگ ایران اسلامی باشیم و سهم خود را در انجام وظایف تاریخی اداء کنیم.

لازم است از تلاشهای همکارانم در دفترنشرمعارف انقلاب جناب آقایان سیدعلی نقی موسوی و داریوش باریکانی و خانم مهوش کاشانی‌زاده و ویراستار مجموعه آقای قادر باستانی قدردانی و تشکر گردد.

دفترنشر معارف انقلاب

تهران ـ بهار ۱۳۸۰ ـ محسن هاشمی

فــروردیــن ۱۳۶۱



یکشنبه ۱ فروردین ۱۳۶۱ ۲۵ جمادی الاول ۱۴۰۲ Mar. 21, 1982

ساعت دو بامداد برای دیدن مراسم تحویل سال از تلویزیون، به اتاق پایین آمدم. بچه‌ها را هم که پای تلویزیون به خواب رفته بودند، بیدار کردم. قبل از تحویل سال، سخنان آیت‌الله منتظری پخش شد. سپس پیام امام، رئیس جمهور، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس مجلس[1] و نخست وزیر و سرودی.

صبح پس از نماز و صبحانه، عفت و فاطی و مهدی و یاسر[2] برای رفتن به لیبی به فرودگاه رفتند؛ با جمعی از دوستان برای سالگرد انقلاب لیبی دعوت شده‌اند[3] مشغول مطالعه شدم؛ گزارش برگزاری مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب در پاریس و چند شهر دیگر فرانسه و برخورد با ضدانقلاب را می‌خواندم. اخوی محمد آمد و از اوضاع صداوسیما گفت[4].

برای زیارت امام به بیت ایشان رفتم. [اعضای] دولت، شورای نگهبان، شورای [عالی] قضایی و نمایندگان مجلس و... هم بودند. حسینیه پر از جمعیت بود. اول رئیس جمهور عید را به امام تبریک گفتند. سپس امام صحبت کردند و در اظهاراتشان تذکر به آیت‌الله گلپایگانی و سایر کسانی بود که انتظارهای غیر عملی از جمهوری اسلامی دارند[5]. تا ظهر در دفتر امام نشستیم. ظهر به خانه آمدم. همشیره زاده نصرت و بچه‌هایش آمده بودند. ناهار نداشتیم، از بیرون تهیه کردیم. عصر با

---

۱ - در این پیام دستاوردهای انقلاب اسلامی و شکست توطئه‌های ضدانقلاب مورد تحلیل قرار گرفته و از مخالفین انقلاب اسلامی درخواست شده است که به آغوش ملت بازگردند. در این پیام سال ۶۱ سال برنامه‌ریزی، سازندگی و سال برداشتن گامهای بلند به سوی عظمت، رفاه و تثبیت بیشتر انقلاب اسلامی نامیده شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - بانو عفت مرعشی همسر آقای هاشمی و فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر فرزندان ایشان هستند.

۳ - در این سفر دکتر حسن روحانی، همسر شهید استاد مطهری، خانواده همسر شهید فیاض‌بخش و خانواده شهید باهنر نیز حضور داشتند.

۴ - آقای محمد هاشمی در آن هنگام ریاست سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی را عهده‌دار بود.

۵ - اواخر سال ۱۳۶۰ از سوی برخی علمای حوزه علمیه قم انتقاداتی نسبت به جمهوری اسلامی مطرح شده بود که حضرت امام(ره) در این سخنرانی به صورت صریح و روشن به ادعاهای این افراد پاسخ دادند. رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی. جلد نهم، صفحه ۳۱۰ انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

رئیس جمهوری تلفنی صحبت کردم و درباره مسائل مهمی که داریم -از جمله نماز جمعه - مذاکره کردیم.

دوشنبه ۲ فروردین

صبح زود، حاج محسن رفیق دوست[۱] اطلاع داد که ساعت دوازده دیشب نیروهای ما در جبهه‌های دزفول به عراقی‌ها حمله کرده‌اند[۲] و تاکنون دو هدف از چهار هدف را تسخیر کرده‌اند و حدود هزار و سیصد اسیر گرفته‌اند و در سایت و رقابیّه درگیری شده است.

با اتاق فرماندهی در جبهه تماس گرفتم و با آقایان [علی] صیاد شیرازی، [علی] شمخانی و [شیخ فضل‌الله]محلاتی صحبت کردم. اخبار رسیده تأیید شد. اسرا را تاکنون دو هزار نفر اعلام می‌کنند. از ساعت نه صبح، خبر رسماً اعلام شده و رادیو مشغول اجرای برنامه ویژه جنگ است.

فائزه امروز صبح با هواپیما به کرمان رفت و من تنها شده‌ام. مشغول مطالعه و استراحت بودم. به لطف خدا وضع آرام و خوبی است. تا عصر و آخر شب با جبهه و چادر فرماندهی در تماس بودم. می‌گویند، حدود ده هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و مجروح شده‌اند. نزدیک سه هزار نفر اسیر گرفته‌اند. در عین‌خوش دشمن پاتک کرده و ضربه‌ای کوچک زده است. تلفات ما خیلی کم است[۳].

---

۱ - آقای محسن رفیق دوست در آن سالها وظیفه تأمین ملزومات و تدارکات جنگ را عهده‌دار بود.

۲ - عملیات فتح‌المبین با هدف تصرف ارتفاعات منطقه به منظور آزادی بخش وسیعی از جنوب غربی کشور در غرب دزفول و شوش و منطقه غربی رودخانه کرخه در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد اول فروردین ۱۳۶۱ به مدت ۱۰ روز و طی سه مرحله انجام شد. وسعت منطقه عملیاتی فتح‌المبین ۲۵۰۰ کیلومتر مربع بود. در این عملیات جاده دهلران، دشت عباس، عین خوش و مناطق دشت چنانه و زمینهای سرخه از دست دشمن آزاد شد. همچنین دزفول، اندیمشک، شوش، پایگاه چهارم هوایی، جاده سراسری اندیمشک - اهواز و صدها روستا از زیر آتش دشمن خارج گردید. دستیابی به چاههای نفت ابوغریب در ارتفاعات تینه و تصرف و تأمین پنج پاسگاه مرزی از دیگر دستاوردهای عملیات فتح‌البین بود.

۳ - به نوشته کتاب "کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس" در عملیات فتح‌المبین تعداد اسراء پانزده هزار نفر و تعداد کشته و زخمی‌های دشمن بیش از ۲۵/۰۰۰ نفر بوده است. همچنین در این عملیات ۱۸ فروند هواپیما، ۳ فروند هلیکوپتر، ۳۶۱ دستگاه انواع تانک و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

احمدآقا هم دوسه بار آمد، کمی نگران ولی خوشحال است. آقای خامنه‌ای نامه‌ای را فرستادند که کسی به نام مسعود کشمیری[۱] نوشته است. جوان است و ادعای مصلح کل بودن در آن به چشم می‌خورد. بنا شد که تحقیق کنیم. اخبار و برنامه‌های صداوسیما هم خوب است. نسبتاً از پیروزی خوب بهره‌برداری می‌نماید.

سه شنبه ۳ فروردین

صبح زود پیامی برای رزمندگان نوشتم*. با آقایان محسن رضائی و سرهنگ صیاد شیرازی تلفنی صحبت کردم. جنگ همچنان ادامه دارد. از وضع عین‌خوش کمی نگرانند ولی به پیروزی کامل امیدوار. گفتند، تعداد اسرا از مرز سه هزارو پانصد تن گذشته است و کم‌کم صحبت از چهارهزارو هفتصد نفر می‌شود. ما بیش از دوهزار مجروح و نزدیک به چهارصد شهید داشته‌ایم.

آقای [محسن]رفیق دوست و سفیر لیبی و دو تن از شخصیت‌های لیبی آمدند و راجع به طرحی که لیبی برای قیمت نفت و قانع کردن عربستان دارد، صحبت کردند. گفتم اول باید آن طرح را ببینیم و سپس نظر بدهیم.

احمد آقا هم آمد و از لزوم جذب چند روحانی متشخص در حزب جمهوری اسلامی گفت. خبر رسید که صدام می‌خواهد حدود صد اسیری را که اخیراً گرفته‌اند، به انضمام اسرای قدیم در خیابان‌های بغداد به نمایش بگذارد؛ برای کم اثر کردن ضربهٔ مهمّی که خورده است. آقای [میرحسین]موسوی نخست وزیر در مصاحبه‌ای این توطئه را فاش کرد. آقای رئیس جمهور برای

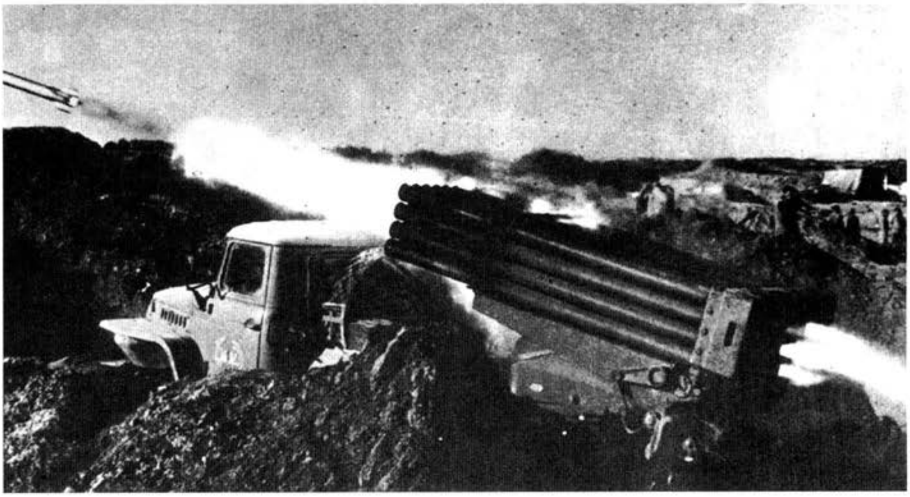
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نفربر زرهی، صدها دستگاه خودروی نظامی دشمن منهدم شده و ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۷۰ دستگاه نفربر، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ۱۶۵ قبضه توپ، مقدار زیادی سلاح سبک و نیمه سنگین و یک رسد کامل موشک سام ٦ به همراه ۳ فروند موشک به غنیمت گرفته شده است.

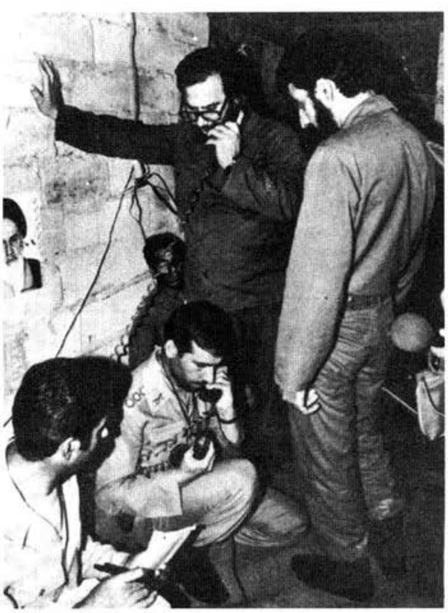
۱ - این شخص غیر از مسعود کشمیری است که مشخص گردید عامل اصلی بمب‌گذاری در دفتر نخست وزیری و شهادت رجائی و باهنر بوده است.

* - متن پیام، سخنرانی و یا مصاحبه‌ای که با علامت * مشخص شده است، در دسترس نمی‌باشد. از افرادی که متن آن را در اختیار دارند در خواست می‌شود، با دفترنشرمعارف انقلاب صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ مکاتبه نمایند.





صحنه هایی از جبهه های نبرد حق علیه باطل





زیارت و ایراد سخنرانی در جوار حرم امام رضا؈ امروز به مشهد رفتند.
عصر احمدآقا آمد و گفت امام از زیاد شدن مالیات در بودجه ناراضیند. آقای [حسین]نمازی [وزیر امور اقتصادی و دارائی] آن را به گردن کمیسیون [برنامه‌وبودجه] مجلس انداخته است. توضیح دادم که کمیسیون برنامه و بودجه خیلی افراط کرده بود ولی مجلس قسمت عمدهٔ آن را حذف و تعدیل کرد. از جبهه‌ها خبر دادند که امشب عملیات خواهیم داشت.

چهارشنبه ۴ فروردین

بعد از نماز و ورزش مشغول مطالعه شدم. منابع فقهی را برای بحث اقتصادی که در نماز جمعه و کلاس [درس مواضع] حزب [جمهوری اسلامی] لازم دارم مطالعه می‌کنم. با اتـاق فرماندهی جنگ در دزفول تماس مکرر گرفتم. رمز خوب و مطمئنی در این ارتباط داریم. عملیات دیشب و امروز خیلی موفق بوده؛ تنگهٔ رقابیّه و غنایم زیادی را از دشمن گرفته‌اند و می‌گویند بیش از سه هزار اسیر دیگر را. اگر خبر درست باشد، اسرای این عملیات به ده‌هزار نفر می‌رسد.
آقای [محمد]غرضی وزیر نفت هم گزارش کنفرانس اخیر اوپک را داد که نسبتاً موفق بوده‌اند، کمی سطح تولید را پایین آورده‌اند؛ هیجده میلیون بشکه در روز. این هم موفقیتی است. قرار شده است عربستان سعودی هفت میلیون بشکه تولید کند. از این که راجع به قیمت بحث شده، راضی بود و می‌گفت خوب است با عربستان به نحوی وارد مذاکره شویم و آن را از همراهی با آمریکا باز داریم و در خدمت جبههٔ ضد اسرائیل قرار دهیم.
عصر، برای مجله پاسدار اسلام با آقای رحیمیان مصاحبه‌ای انجام دادم[1]. شب، چند بار با جبهه

---

۱ - در این مصاحبه مفصل که در سه بخش و در سه شماره به چاپ رسید، پیرامون تدارکات پشت جبهه، ابزار جنگ، بودجه دفاعی، وضع سیاسی و تبلیغاتی دشمن، آوارگان و اردوگاهها، آینده جنگ و ره‌آوردهای جنگ به تفصیل صحبت شده است. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این مصاحبه در تحلیل جوانب گوناگون جنگ گفتند: به نظر می‌رسد که وضع کنونی جنگ و چشم‌انداز آن به نقطه مطلوبی رسیده است و در وضعیتی قرار دارد که نیروهای ما بر جبهه‌ها مسلط هستند، صدام در این جنگ به بن‌بست رسیده است، با وجود برخورداری از ابزار جنگی مجهز، نیروهایش روحیه جنگیدن ندارند. آنها بیشتر به ابزار متکی هستند ولی ابزار تنها کافی نیست، و بدون ایمان، از ابزار کاری ساخته نیست. در حالی که خوشبختانه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

تماس گرفتم. هنوز در عین‌خوش و رادار ودوسلک نیروهای عراق مقاومت می‌کنند. امشب هم قرار است عملیات داشته باشیم.

آخر شب، آقای [علی]شمخانی آمار تلفات نیروهای خودمان را تلفنی اطلاع داد. دراین سه روز حدود هفتصد پاسدار و بسیجی و دویست ارتشی شهید و نزدیک چهارهزاروپانصد نفر مجروح داشته‌ایم. عراق هشت هزار اسیر و نزدیک بیست و هزار کشته ومجروح دارد و هشت فروند هواپیمای دشمن ساقط شده. تا آخر شب به صداوسیما گوش دادم. امروز باران بسیار خوبی بارید.

پنجشنبه ۵ فروردین

در تماس با اتاق فرماندهی جنگ، از جبهه‌ها سراغ گرفتم. گفتند، عملیاتی که قرار بود دیشب برای گرفتن سایت‌ها بشود، به علتی انجام نشد. خطبهٔ عربی را نوشتم و برای ترجمه فرستادم.

محسن رضائی خبر داد که چهارصدوپنجاه عراقی داوطلبانه تسلیم شده‌اند. به نظر وی، بوی کودتای نظامی در عراق می‌آید و ما باید خودمان را آمادهٔ مسائل بعدکنیم. شب با آقایان خامنه‌ای، [میرحسین]موسوی نخست وزیر و احمد آقا در منزلمان جلسه داشتیم و دربارهٔ اوضاع بعد از جنگ بحث کردیم و تصمیم گرفتیم. شام را از منزل احمد آقا آوردند. عده‌ای از بستگان هم اوایل شب به دیدنم آمدند.

جمعه ۶ فروردین

اول صبح از جبهه‌ها خبر گرفتم. عملیاتی که قرار بود دیشب انجام شود، انجام نشده است. تا ظهر مطالعه و ورزش و راهپیمایی کردم و نزدیک ظهر به نماز جمعه رفتم[1].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نیروهای ما، هم ابزار دارند و هم انگیزه که از ابزار مهمتر است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ - در این خطبه‌ها، ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (تعریف مالکیت، انواع مالکیت در اسلام) و تحلیل پیروزیهای رزمندگان اسلام در

احمد آقا آمد وگفت، امام با ورود ما به خاک عراق موافق نیستند و تشکیل شورای انقلاب عراق در ایران را هم صلاح نمی‌دانند.

در جماران برف و باران می‌آید و در شهر خبری نیست. عصر، فیلمی راکه از رفتار عراقی‌ها در سوسنگرد تهیه شده بود، دیدم. شب برف سنگینی بارید؛ در جماران ارتفاع برف به ۱۵ سانت رسیده است. خداکند سر درختی‌ها را سرما نزند. اطلاع دادندکه امشب مرحله سوم طرح فتح در سایت‌ها و... اجرا می‌شود.

شنبه ۷ فروردین

بعد از نماز و ورزش، مشغول مطالعه شدم. آقای فریدنیا اطلاع دادکه شب گذشته، دشمن در محل سایت پنج دزفول شکست خورده و سایت تصرف شده است. سپس آقای [شیخ فضل‌الله] محلاتی از دزفول تلفن کرد و خبر پس گرفتن سایت چهارم را هم اضافه کرد و این که در رقابیه تعدادی شهید داده‌ایم ولی وضع تثبیت شده است.

خبر رسید که گروهی ضدانقلاب به ستاد مرکزی نیروی زمینی حمله کرده‌اند و سرهنگ خرسندی معاون فرمانده نیروی زمینی را با چند نفر دیگر مجروح و حدود شش نفر را شهید کرده‌اند. گویا سربازی که عامل نفوذی و راننده یکی از افسران سطح بالا بوده، توانسته آنها را به ستاد ببرد. اخبار بعدی می‌گوید که یک نفر دستگیر و دو نفرشان کشته شده‌اند. معمولاً پس از پیروزیهای ما در جبهه، منافقان ـ که به صورت ستون پنجم دشمن عمل می‌کنند ـ با این گونه اقدامات تلاش می‌کنند، پیروزی‌ها را در ذائقه مردم تلخ کنند و تحت‌الشعاع قرار دهند.

از جبهه خبر می‌رسد که امروز هزاران عراقی اسیر شده‌اند که بسیاری از آنها خود را تسلیم کرده‌اند و غنایم فراوانی گرفته شده است. پنجاه نفر خود را تسلیم کرده‌اند. آن قدر عراقی‌ها به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

عملیات فتح‌المبین، سوء مدیریت ابولحسن بنی‌صدر در جنگ، اشاره‌ای به حرکت اخیر انقلابی در فلسطین بر محور شعارهای اسلامی مورد بحث واقع شد.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های جمعه سال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب

سرعت منهدم می‌شوند که مسئولان نظامی جبهه به تردید افتاده‌اند که مبادا آمریکا دارد نقشه‌ای اجرا می‌کند. آقای [محمدعلی] نظران می‌گوید که یک لشکر در چنانه خود را تسلیم کرده است[1]. آقای [محمدحسن]زورق [معاون سیاسی صداوسیما] می‌گفت: جیش‌الشعبی[2] عراق که خوب می‌جنگیده اخیراً زود تسلیم می‌شود و خوب است تشویق شود.

عصر بچه‌ها از لیبی تلفنی صحبت کردند و از سفرشان راضی بودند. چند روزی در سوریه مانده‌اند و روز جمعه وارد لیبی شده‌اند. ارتباط خانوادگی با سران کشورهای دوست، باعث رفع بعضی مشکلات می‌شود که با ارتباط دیپلماتیک قابل حل نیست. این روش در روابط بین‌الملل مرسوم است. شب احمدآقا آمد و درباره آیندهٔ عراق بحث کردیم. با جبهه تماس گرفتیم. فرماندهان راضی بودند.

یکشنبه ۸ فروردین

به مطالعهٔ گزارشها پرداختم. متأسفانه رسانه‌های جهانی، پیروزی ایران را منعکس نمی‌کنند و عراق با پرروئی مدعی پیروزی است.

آقای محسن رضائی از جبهه تلفن کرد و گفت، در دو روز آینده کار در این جبهه تمام می‌شود و برای برنامه‌های آینده به تهران می‌آیند. ساعت ده صبح به مجلس رفتم. کارکنان مجلس به مناسبت عید و تبریک پیروزی جمع شدند و در محل کتابخانه با من ملاقات کردند. مقداری برای آنها صحبت کردم.

---

۱ - طبق اعلام رسمی در عملیات فتح‌المبین لشکر ۱۰ زرهی متشکل از تیپ ۴۲ زرهی، تیپ ۲۴ مکانیزه، تیپ ۱۷ زرهی، گردان ۶ از تیپ ۵ و همچنین لشکر ۱ مکانیزه شامل تیپ ۱ مکانیزه، تیپ ۲۷ مکانیزه، گردانهای تانک آندلس، قرطبه، اشبیله و گردان ۸ مکانیزه، تیپ ۳۴ زرهی و تیپ ۵۱ زرهی، تیپ ۴۲۲ پیاده، تیپ ۹۶ پیاده، تیپ ۹۳ پیاده، تیپ ۱۰ نیروهای ویژه و تیپ ۴۲۱ پیاده منهدم شدند.

۲ - حبیش الشعبی نیروهای مردمی عراق بودند که در جنگ علیه ایران به صورت نیرویی مستقل از ارتش شرکت می‌جستند.



از راست به چپ : بانو عفت مرعشی ، همسر شهید مطهری ، مهدی هاشمی ، همسر شهید فیاض بخش (سوریه مرز جولان)

آقایان [محمد علی]هادی، [صباح]زنگنه و [سیدمحمد]خاتمی[1] آمدند و راجع به ادامه جنگ، آینده عراق و موضوع ورود نیروهای ما به خاک عراق و کیفیت همکاری نیروهای اسلامی عراق مطالبی به شور گذاشتیم. نماز ظهر و عصر را با پاسداران مجلس خواندم و برای آنها سخنرانی کردم*.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی شرکت کردم. موضوع مورد بحث، بیشتر درباره آینده عراق و گرفتن خسارت و... بود که بیشتر نظر براین بود که باید فشار بیاوریم تا کار یکسره شود.

سپس جلسه خصوصی با نخست وزیر و وزیر خارجه داشتم که راجع به مسافرت وزیر خارجه به پاکستان و برنامه‌های او بحث کردیم و تصمیم گرفتیم که اجازهٔ مسافرت اتباع پاکستان و هند را به ایران بدهیم و روابطمان را با پاکستان توسعه دهیم. شام را مهمان رئیس جمهوری بودم. ساعت دوازده شب به مجلس رفتم. در اخبار ساعت دوازده اعلام شد که عراقی‌ها از تمام منطقهٔ غرب دزفول پاکسازی شده و به مرز عقب نشسته‌اند و حدود هیجده هزار اسیر و بیش از این کشته داده‌اند.

دوشنبه ۹ فروردین

کار روزانه را با مطالعه آغاز کردم. سپس آقای [عبدالرحیم]گواهی سفیر جدید ایران در ژاپن، [اصغر]نهاوندیان و فخر روحانی سفیران ایران در کرهٔ شمالی و لهستان برای ملاقات و خداحافظی آمدند. آقای [سیدمحمد]غرضی [وزیرنفت] و جمعی از معاونانش آمدند و گزارشی از تسلط مردم مجاهد افغانستان بر اکثریت خاک آن کشور و انزوای نیروهای دولتی و ارتش شوروی دادند.

بعدازظهر، گروهی از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند و درباره انشعاب در سازمان به دلیل اختلاف در موضوع حضور نمایندهٔ ولی فقیه و نیزکناره گیری گروهی از اعضا، پس از صدور فرمان امام مبنی بر عدم جواز عضویت حزبی‌ها در ارتش و سپاه مطالبی گفتند. این گروه

---

۱ - در آن هنگام آقای محمد علی هادی نجف آبادی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی (مدیریت رادیو و عضو شورای سرپرستی صداوسیما)، آقای صباح زنگنه نماینده مردم شیراز در مجلس شورای اسلامی و آقای محمد خاتمی نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی بودند.

معتقدند که متعهد و در خط امامند. سفیر پاکستان به ملاقات آمد. خواهان توسعهٔ روابط دو کشور بود. گروهی از رایزن‌های فرهنگی که اخیراً از طرف وزارت ارشاد [اسلامی] برای چند کشور مأموریت یافته‌اند و عازم سفر بودند، آمدند. گروهی از تجار نیز که خواهان روابط تجاری وسیعی با شیخ نشین‌های خلیج فارس هستند، آمدند.

پس از نماز مغرب و عشا، در جلسهٔ اعضای شورای عالی تبلیغات که در دفتر رئیس جمهور تشکیل شد، شرکت کردم و دربارهٔ تمرکز تبلیغات بحث کردیم. آنها اصرار دارند که همچنان غیر دولتی بمانند. آخر شب به خانه آمدم.

اعلامیه‌ای از طرف ارتش و سپاه برای آماده باش نیروها برای حملات بعدی که از نیمه شب شروع می‌شود، آمده بود که با نظر ما اصلاح شد. امروز جمعی از خبرنگاران خارجی، به دعوت ما، برای دیدن فتوحات جدید به ایران آمدند[1]. خاطرات عقب ماندهٔ دو روز را نوشتم.

سه شنبه ۱۰ فروردین

امروز تمام وقت در منزل بودم و فرصت خوبی برای مطالعه بود. آقای محمدی ری‌شهری و احمد آقا آمدند. آقای ری‌شهری خبر کشف توطئه‌ای از طرف یکی از چهره‌های مطرود را با حمایت آمریکا، علیه انقلاب و سوء قصد به جان امام و سران کشور داد که قرار است با توقیف عوامل آن سرکوب شود[2]. همچنین گزارشی از بازداشت گروهی سلطنت‌طلب را داد (کودتایی دیگر) که اخیراً بازداشت شده‌اند. گفت: رئیس بخش نظامی، سرهنگ پورموسی است و از نزدیکان بنی‌صدر هم در میان آنان هستند.

بعدازظهر خبر رسید که صدام دستور عقب‌نشینی بعضی از نیروهایش را داده است. شاید می‌خواهد همین شکست دزفول را به عنوان عقب‌نشینی معرفی کند. خبر رسید که شاه اردن و رئیس ستاد ارتش آن کشور به عراق رفته‌اند. عصر آقای طهماسبی اصفهانی آمد. طلبهٔ با ذوقی است

---

۱ - نمایندگان خبرگزاریهای جهان از جمله خبرگزاری فرانسه، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس و خبرنگاران نشریاتی چون تایم، لوموند، نیوزویک ضمن دیدار از مناطق آزاد شده، هزاران جسد نیروهای عراقی را که در سطح منطقه پراکنده بود، مشاهده کردند.

۲ - اشاره به توطئه براندازی توسط صادق قطب‌زاده با حمایت مالی آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری.

و مدعی است، سلاحی اختراع کرده است. برای ساختن آن کمک می‌خواست؛ او را به رئیس بنیاد مستضعفان معرفی کردم تا کارگاهی را در اختیارش بگذارد.

قرار بود در جلسهٔ شورای اقتصاد شرکت کنم که نکردم. امروز رقم غنایم فتح اخیر اعلام شد، خیلی زیاد است. امام پیامی برای رزمندگان فرستاده‌اند و از مجاهدت‌های آنان قدردانی کرده‌اند[1].

چهارشنبه ۱۱ فروردین

تا ساعت سه در منزل ماندم. تا ساعت ده صبح کتاب "اقتصادنا" را مطالعه کردم[2]. ساعت ده به زیارت امام رفتم. جزوهٔ "ارشادالجاهل" از مرحوم شیخ فضل‌الله‌نوری[3] را که در آن اوضاع، مشروطه را محکوم کرده به امام دادم. دربارهٔ آیندهٔ جنگ با ایشان مشورت کردم. امام با ورود ما به خاک عراق مخالفند. قرار شد، کمکی مالی به شورای [عالی] تبلیغات [اسلامی] کنند. شورا بیست میلیون تومان مقروض است.

---

۱ - رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی، انتشارات سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد نهم، صفحه ۳۱۹.

در این پیام که به عنوان "تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی، سرکار سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، جناب آقای محسن رضائی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، سرکار سرهنگ معین‌پور فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی" صادر شده، آمده است: جوانان عزیزم و فرماندهان محترم! شما توقع نداشته باشید که من بتوانم از عهده ثنای شما و شکر عمل برآیم. شما را همان بس که محبوب خدای تعالی هستید و خدای شما فرموده که شما را چون سدی محکم و بنیانی مرصوص در مقابل دشمنان خدا و برای رضای او ایستاده‌اید، دوست می‌دارد و این است جزای شما و این است عاقبت عمل شما.

۲ - کتاب "اقتصادنا" تألیف مجاهد شهید سید محمد باقر صدر از علمای شیعه عراق از نخستین کتابهائی است که در نقد اقتصاد سیاسی "کارل مارکس" و سوسیالیسم و تبیین اقتصاد اسلامی تألیف شده و از اهمیت بسزایی در کشورهای اسلامی برخوردار است.

۳ - شیخ فضل الله نوری از روحانیون بنام دوران مشروطه است که ابتدا از آن حمایت کرد و پس از آن با مشاهده خطرات موجود برای اسلام و روحانیت به مخالفت با مشروطه و حمایت از سلطنت محمدعلی شاه پرداخت. وی در کتابهای خود از جمله "لوایح" و "ارشاد الجاهل" به نقد مشروطه و لزوم مشروطه مشروعه پرداخته است. شیخ فضل الله نوری پس از فتح تهران توسط آزادیخواهان به حکم یک روحانی در میدان توپخانه به دار آویخته شد.



حجت الاسلام محمد محمدی ری شهری

صبح عفت و بچه‌ها از سفر لیبی و سوریه به ایران برگشتند. آقا جلال آنها را از فرودگاه به خانه آورد. از سفرشان و مخصوصاً از مهمان نوازی سوری‌ها و لیبیایی‌ها راضی بودند.

ساعت سه به مجلس رفتم. [سرهنگ سلیمی]وزیر دفاع به ملاقات آمد و مطالبی درباره دفتر مشاورت و نیروی هوایی ابراز داشت. ساعت چهار، دویست و پنجاه نفر از اعضای اردوی شاخهٔ دانش آموزان حزب جمهوری اسلامی آمدند و برای آنها صحبت کردم*.

ساعت پنج جلسه‌ای با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و با حضور رئیس جمهور و نخست وزیر داشتیم. بحث جلسه دربارهٔ حدود و معیارهای پذیرش دانشجو و استاد بود که قرار شد در حدود لایحهٔ بازسازی باشد و جلوی افراط کاری‌ها را بگیریم[1].

پس از نماز مغرب و عشا، جلسه‌ای با حضور بیست نفر از جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم در دفتر آقای خامنه‌ای داشتیم. آنها راجع به نگرانیشان از این که در زمینه‌های اقتصادی تصمیمات غیر اسلامی چپ گرا اتخاذ شود، صحبت کردند و ما گفتیم، با آن مجلس و آن شورای نگهبان و این امام باید مطمئن بود، ولی توقع نداشته باشید که سلیقه‌های شخصی همه شماها مراعات شود. شام را همان جا خوردیم. راجع به مجلس خبرگان و اجرای نظرات بازرسی کل کشور هم بحث شد. ساعت یازده‌ونیم به خانه آمدم.

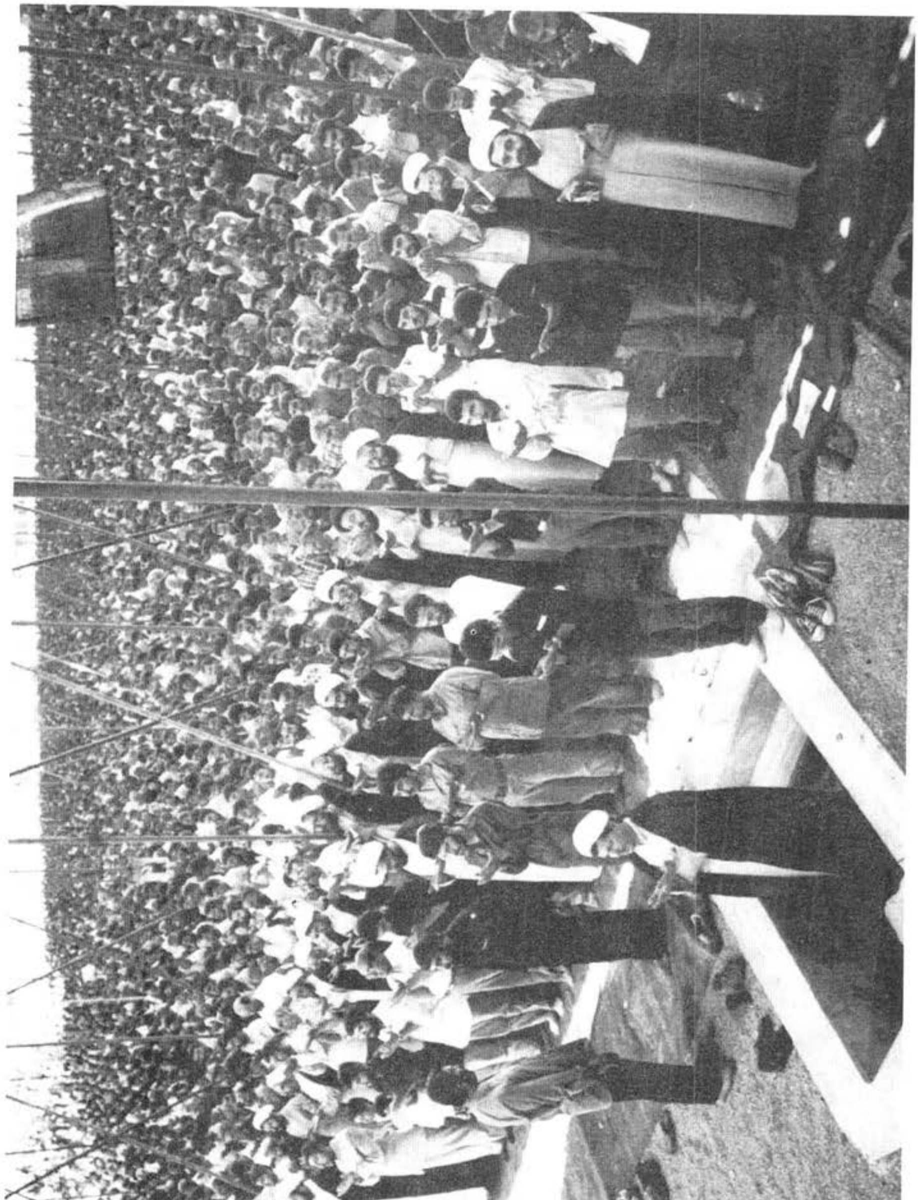
پنجشنبه ۱۲ فروردین

مقداری مطالعه و مذاکره با بچه‌ها و کمی راهپیمایی در حیاط منزل داشتم. بعدازظهر جلسهٔ شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد. آقایان [علی]صیاد شیرازی و محسن رضائی گزارش جبهه‌ها و پیروزی طرح فتح‌المبین را دادند و خیلی از امدادهای غیبی و الطاف الهی گفتند. با امام ملاقات کردیم و برای طرح عملیات و ورود به خاک عراق، قرار شد که تا فردا موضوع را بررسی

---

* ـ خوانندگان محترم که متن این سخنرانی یا نوار آن را در اختیار دارند با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۶۴۸ دفترنشرمعارف انقلاب مکاتبه نمایند.

۱ ـ گروهی معتقد بودند که نباید اجازه داد هر کس بتواند به دانشگاه وارد شود و جذب دانشجو از طریق فیلترهای مطمئن مختص به دانش آموزان معتقد و ملتزم به نظام جمهوری اسلامی باشند. شیوه‌های پیشنهادی این افراد که در آن موقع عموماً در طیف چپ جناحهای سیاسی کشور قرار داشتند، سختگیرانه و افراطی بود.



کنند و نظرشان را بگویند. ساعت نه ونیم جلسه ختم شد و به عنوان سخنگوی شورای‌عالی دفاع، مصاحبه‌ای با تلویزیون انجام دادم*؛ ساعت ده شب به خانه آمدم.

جمعه ۱۳ فروردین

پیش از ظهر در خانه مطالعه کردم. برای اقامهٔ نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ای در اقتصاد اسلامی و خطبه‌ای درباره مسائل روز ایراد کردم[۱].

بعدازظهر، در دفتر شورای عالی دفاع، جلسهٔ شورا تشکیل شد. نیروی زمینی و سپاه نظرشان را دربارهٔ عملیات آینده و حدود پیشروی نیروهای ما گفتند و مورد تصویب شورا قرار گرفت. بعداً خدمت امام رسیدیم و ایشان هم تأیید کردند و تصمیمات دیگری نیز راجع به اسرا گرفتیم. سپس جلسهٔ خصوصی با رئیس جمهور، نخست وزیر و احمد آقا داشتیم و دربارهٔ مسایل کشوری و لشکری بحث‌هایی شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. ساعت نه شب به خانه آمدم.

شنبه ۱۴ فروردین

اعضای دفاتر حزب جمهوری اسلامی با امام ملاقات داشتند که در آن، شورای مرکزی و شاخه‌های دیگر هم بودند. آقای خامنه‌ای از طرف حزب صحبت کردند و امام هم مفصلاً سخنرانی کردند[۲] و حزب را در کنار نهادهای رسمی کشور مورد خطاب و بحث قرار دادند که اثر زیادی روی موفقیت حزب دارد[۳].

---

۱ - در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (تعریف استثمار در مکاتب مارکسیسم و سرمایه‌داری ـ استثمار از دید اسلام ـ موازین حقوق کار در اسلام) مطرح شد و در خطبه دوم درباره اهمیت روز ۱۲ فروردین، تحلیل اصرار امام به "جمهوری اسلامی" نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، رسوایی سوسیالیسم فرانسه و حرکات اسلامی در فلسطین بحث شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۲ - رجوع کنید ← صحیفه نور ـ مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی ـ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی جلد نهم، صفحه ۳۲۶

۳ - اشاره به این جمله حضرت امام (ره): ... شما مقایسه بکنید این جمهوری اسلامی را در زمان ما، مقایسه بکنید این سران جمهوری اسلامی در

قبل از آن، آقای [محمود] کریمی رئیس بنیاد مستضعفان آمد و ضمن اظهار مطالبی، گزارشی از موفقیت‌های بنیاد داد. بعد از دیدار امام، آقایان خامنه‌ای، نخست وزیر و وزیر خارجه برای صرف ناهار به منزل ما آمدند. آقای دکتر ولایتی [وزیرامور خارجه] گزارش نتایج سفر به پاکستان را داد و این که استقبال شایانی کرده‌اند و به خواسته‌های ما توجه شده و تا حدودی حاضر به تأمین نیازهای نظامی ما شده‌اند و موافقتنامه‌ای اقتصادی و سیاسی ردوبدل شده و موضع مشترکی در موضوع افغانستان گرفته‌اند.

دربارهٔ برنامهٔ سفر ایشان به کویت و مذاکره با شیوخ خلیج فارس و جلب اعتماد و اطمینان آنها مشورت شد. عصر به مجلس رفتم و با آقای [منیرالدین] حسینی بحث اقتصادی داشتیم. سپس با آقای [سیدعلی اکبر]پرورش [وزیر آموزش و پرورش] و گروهی از معاونان و مسئولان وزارت آموزش و پرورش، با حضور آقای نخست وزیر جلسه‌ای داشتیم. اختلافات آنها شدید است و به مدت سه ساعت، دو طرف صحبت کردند. بالاخره نظر آقای پرورش را تأیید کردیم و خواستیم که همکاری کنند. شب در مجلس خوابیدم.

یکشنبه ۱۵ فروردین

پس از نماز دوساعتی مطالعه کردم. آقای [محمد]امامی کاشانی آمد و ضمن ارائه گزارشی از ملاقاتش با آیت‌الله گلپایگانی گفت که ایشان از موضع بعضی از نمایندگان مجلس علیه ایشان متأثر است در خصوص جواب نامه نمایندگان، پیشنهاد داشت که نامه را نفرستیم ولی امروز امضای نامه را تکمیل کردند که بفرستند.

جلسه علنی داشتیم. کمی دربارهٔ پیروزی اخیر صحبت کردم[1] و شهادت دو پاسدار مجلس و

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

کشور ما و این حزب جمهوری اسلامی در کشور ما، مقایسه بکنید با هر کشوری که می‌خواهید انتخاب کنید. شما هر کشوری را که انتخاب کنید، من گمان نمی‌کنم که روی هم رفته مثل این کشور ایران این طور که ملت به حسب نوع و حکومت و مجلس و رؤسایی که هستند و در کارها دخالت می‌کنند و اداره می‌کنند کشور را شما گمان ندارم که نظیری برایش پیدا بکنید.

۱ - در این نطق آمده است: من از طرف نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خدمات بسیار با ارزش نیروهای رزمنده کشور را که این فتح عظیم

برادر آقای [دکتر حسین]مهرپور عضو شورای نگهبان و برادر آقای [حسین]کمالی نمایندهٔ مجلس را تسلیت گفتم. دو لایحه از شور دوم گذشت و بحث در آیین نامهٔ مجلس بود.

ظهر آقایان [محمدعلی]هادی و [صباح]زنگنه و [محمد]خاتمی آمدند. دربارهٔ آیندهٔ عراق بحث کردیم. آقای [رضا]زواره‌ای هم آمد و برای مشکل برادرانش کمک می‌خواست. عصر، خانم عباسی از خواهران حزب آمد و مصاحبه‌ای دربارهٔ حضرت زهرا(س) و وظایف خانم‌ها انجام داد[1].

در جلسهٔ شورای مرکزی حزب شرکت کردم. آقای [احمد]توکلی وزیر کار آمد و راجع به برنامه‌های خودش توضیحاتی داد و از حزب برای حسن انجام کارهایش کمک می‌خواست. بر ضرورت اسلامی بودن تصمیمات تکیه داشت و از جمله با شرکت کارگران در شورای مدیریت مخالف بود. شب زودتر از همیشه به خانه آمدم.

دوشنبه ۱۶ فروردین

امروز در خانه ماندم. پس از صبحانه آقای دکتر معتمدی عضو تیم پزشکی امام و رئیس دانشکدهٔ پزشکی دانشگاه ملی [شهید بهشتی]، برای ابراز مخالفت با طرح وزارت بهداشت و آموزش پزشکی آمد[2].

خبر رسید که نیروهای افغانی و روسی در تعقیب مجاهدین افغان به روستاهای زابل حمله کرده‌اند. احمد آقا برای مشورت پیرامون کیفیت برخورد نظامی و سیاسی آمد. ستاد ارتش دستور

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در آغاز این سال جدید برای ملت انقلابی ایران و ملت و مستضعفان جهان تأمین کرده‌اند تشکر می‌کنم و به روح شهدای بزرگوار این پیروزی و سایر جبهه‌ها در طول جنگ و در دوران انقلاب که قطرات خونشان این عظمت را برای کشور به ارمغان آورد، دورد می‌فرستم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستورسال ۱۳۶۱، جلد دوم" زیر نظر مهندس محسن هاشمی، دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ - رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این طرح کلیه دانشگاههای علوم پزشکی از وزارت فرهنگ و آموزش عالی منفک می‌شد و زیرنظر وزارت بهداری قرار می‌گرفت. همچنین نام وزارت بهداری به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تغییر می‌یافت.

سرکوب داده و قرار شد فعلاً اعلام نکنیم. با نخست وزیر و ستاد تبلیغات جنگ هم صحبت کردم.

آقای [محمد]امامی‌کاشانی اطلاع داد که می‌خواهند نرخ قندو شکر را برای مصارف صنعتی و شیرینی سازی سه برابر کنند. از نخست وزیر خواستم که فعلاً دست نگه‌دارند تا با امام مشورت شود.

والده حاجیه بی‌بی [1] برای معالجهٔ چشمشان که آب مروارید آورده است. از بهرمان نوق به تهران آمده‌اند، فاطی رفت و ایشان را از خانهٔ همشیره زاده محمد آورد. نزدیک یک سال است که ایشان را ندیده بودم. خوشحال شدم.

اول شب آقای [محمدتقی]بانکی رئیس سازمان برنامه وبودجه با دو معاونش آمدند و توضیحاتی درباره اهداف برنامه بیست سال آینده دادند؛ کارخوبی را شروع کرده‌اند.

سه شنبه ۱۷ فروردین

ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و آیین نامه داخلی مجلس مطرح بود. ظهر [آقای علی اکبر ناطق نوری]وزیر کشور آمد و راجع به کارهایش مشورت داشت. عصر مصاحبه‌ای با مجله زن روز درباره نقش و موقعیت زن در جامعه اسلامی داشتم [2].

جمعی از افراد گروه تحقیق حزب [جمهوری اسلامی] آمدند و راجع به معیارهای پذیرش اعضا و شیوه اسلامی تحقیق و تفحص مذاکره کردیم. از دفتر مشاورت امام [در ارتش] هم آمدند و راجع به امور ارتش گزارش‌هایی داشتند [3]. حکم مأموریت آقای صدرالدین حائری شیرازی را امضا کردم.

---

۱ - حاجیه خانم ماه بی بی هاشمی مادرگرامی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۴ دارفانی را وداع گفت.

۲ - در این مصاحبه که در مجله زن روز مورخه ۶۱/۱/۲۸ به چاپ رسیده است درباره موضوعات مجلس شورای اسلامی و حقوق زنان، نقش واقعی زنان در نظام جمهوری اسلامی زنان و کارهای اجرایی، حضور زنان در سفرهای خارجی، رابطه زنان مسلمان ایران، با زنان مسلمان جهان، حضرت فاطمه زهراعلیها السلام الگوی زنان مسلمان و تسهیلات ویژه برای فعالیت‌های اجتماعی زنان بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مسئولیت دفتر مشاورت امام در ارتش جمهوری اسلامی را عهده دار بودند.



آقای هاشمی رفسنجانی در کنار مادر گرامی شان بانو ماه بی بی هاشمی

سفیر شوروی که مدت خدمتش تمام شده برای خداحافظی آمد و از تجاوز هـلیکوپترهای روسی از مرز افغانستان به روستاهای مرزی سیستان عذرخواهی کرد و از ما ممنون بود که خبر آن را پخش نکردیم. نیروهای ما اعلام کرده‌اند که چند فروند از هلیکوپترهای آنها را زده‌اند. ما شش شهید و بیست زخمی داده‌ایم. مدعی بود که برای سرکوب مجاهدان افغانی عملیات کرده، اشتباهاً از مرز تجاوز کرده‌اند.

مسئولان دانشکده پلی‌تکنیک [امیرکبیر فعلی] آمدند و راجع به انتظام امور دانشگاه‌ها کمک می‌خواستند. با گروهی که از جبهه غرب آمده بودند، ملاقات کردم.

در دفتر رئیس جمهور، با نخست وزیر و آقای موسوی‌اردبیلی جلسه مشورتی داشتیم. پاکستان اجازه خواسته است که نیروهایش را از گوشه‌ای از خاک ما عبور دهد تا به نقطه دیگر از خاک آن کشور بروند. پانزده کیلومتر از خاک ما عبور می‌کنند. اجازه داده شد.

چهارشنبه ۱۸ فروردین

تا ساعت نه و نیم در منزل ماندم. با حاجیه والده در حیاط منزل کاهو خوردیم. به دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی رفتم. از همه واحدها و اتاق‌ها بازدید کردم و در محل انفجار سالن که منجر به شهادت هفتادوچهار تن گردید، فاتحه خواندم. نماز جماعت با کارکنان حزب خواندم و برایشان سخنرانی کردم* و نزدیک دو بعدازظهر به مجلس رفتم.

عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم. برنامه هفته بعد تنظیم شد. سپس چند ملاقات داشتم و مقداری مطالعه. قرار بود که در جلسه جامعه روحانیت مبارز در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کنم که به خاطر خستگی شرکت نکردم. بحث درباره مجلس خبرگان بود. شب در مجلس خوابیدم.

آقای طهماسبی از قم تلفن کرد و می‌خواست، اسلحه ابتکاریش را برای آزمایش بـه تـهران بیاورد و گفت از اصفهان به قم آورده است. به او گفتم که شب در قم بماند و فردا بیاید. مهدی از خانه تلفن کرد و برای مطالعهٔ قطعه‌ای از تاریخ پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای امتحان، راهنمایی خواست.

پنجشنبه ۱۹ فروردین

تا ساعت هشت مطالعه کردم. آقای طهماسبی آمد. ترتیب آزمایش اسلحه را با سرهنگ سلیمی [وزیر دفاع] و دکتر [حسن]روحانی دادم. جلسه علنی مجلس در ساعت هشت ونیم تشکیل شد. قبل از دستور، درباره سالگرد شهادت آقای [سیدمحمدباقر]صدر در عراق صحبت کردم و دولت عراق را به خاطر اخراج گروهی از عراقیان سرزنش کردم[1].

خبر رسید که به آقای [جواد]منصوری معاون وزارت خارجه سوء قصد شده که ایشان مجروح و پاسدارانش شهید شده‌اند. کار آیین نامه در مجلس تمام شد. ظهر و عصر ملاقات‌هایی داشتم. آقای لطیف صفری [نماینده اسلام آباد غرب] طرحی برای استفاده از دانه بلوط برای دان مرغ ارائه داد.

عصر در کلاس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] درس اقتصاد گفتم. اول شب مطالعه کردم و ساعت هشت به خانه آمدم. خبر رسید که [صادق]قطب‌زاده[2] و گروهی دیگر به اتهام توطئه کودتا و قصد قتل امام بازداشت شده‌اند.

---

۱ - در این نطق آمده است: صدام عفلقی برای اینکه آثار سالگرد شهادت شهید محمدباقر صدر را تحت‌الشعاع قرار بدهد، درست در همین برهه دست به آواره کردن بیش از هزار نفر از مردم محروم و مظلوم عراق زد که الان در مرزهای ایران و عراق رسیده‌اند و ما این جنایت را بار دیگر تقبیح می‌کنیم و از دنیایی که به این جنایات توجه نمی‌کنند و به حقوق ملتها توجه نمی‌کنند، شدیداً نگران و گله‌مندیم که اینقدر وجدان دنیاکور شده که به این واقعیت‌ها و به این مظالمی که دارد در دنیا اتفاق می‌افتد، توجه نمی‌کند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - صادق قطب زاده یکی از دانشجویان انقلابی بود که در سالهای پیش از پیرزوی انقلاب سهم مهمی در تحرکات انقلابی در اروپا ایفا می‌کرد. وی به همراه دکتر ابراهیم یزدی و دکتر ابولحسن بنی‌صدر در بیت حضرت امام (ره) در نوفل لوشاتو فعال بود و با بسیج خبرنگاران رسانه‌های ارتباط جمعی برای مصاحبه با امام خمینی(ره) تلاشهای ارزشمندی را در فراگیری انقلاب اسلامی ایفا کرد. پس از پیروزی انقلاب ریاست سازمان صداوسیما و وزارت امور خارجه از جمله پست‌های مهمی بود که در اختیار صادق قطب زاده قرار گرفت. در بهار سال ۶۱ به دنبال افشای طرح کودتا و ترور امام خمینی، قطب‌زاده دستگیر و پس از محاکمه به اعدام محکوم شد.

جمعه ۲۰ فروردین

تمام وقت در خانه ماندم. مطالعه، استحمام، استراحت، پیاده‌روی و مذاکره با مهمانها وقتم را پر کرد. سرهنگ رضائی از ژاندارمری آمد و از بازنشسته شدن چند سرهنگ و اهانت به آنها گله داشت.

چند خانم اهوازی از خانواده‌های شهدا آمدند و مادر شهید [حسین]علم‌الهدی[1] برای من عمامه و پیراهن سوغات آورده بود. ناهار پلو ماهی داشتیم. حمید و سعید هم آمده بودند[2]. حاجیه والده را برای معالجه به دکتر برده‌اند که گفته است، باید آزمایش شود.

عصر احمد آقا آمد و راجع به اعلام توطئه [صادق] قطب‌زاده مشورت کرد. با آقای [محمدمحمدی]ری‌شهری تماس گرفتیم. معلوم شد که قطب‌زاده اقرار کرده است. گروه میانجی از کنفرانس اسلامی سریلانکا آمده‌اند. نماز جمعه را آقای موسوی اردبیلی خواندند.

اعلام خبر آمدن میانجی‌های کنفرانس اسلامی باعث ناراحتی بعضی از رزمندگان و نیروهای تند شده. مراجعات زیادی به ما می‌شود با اظهار نگرانی از پذیرش آتش‌بس پیروزی‌های اخیر در جبهه امیدها و خواسته‌ها را بالا برده و کسی حاضر نیست به کمتر از سقوط صدام و تأسیس حکومت اسلامی در عراق اکتفا کند.

احمد آقا می‌گوید بیت امام هم تحت فشار است البته خود امام هم بسیار در ادامه جنگ جدّی هستند فضای عمومی خیلی تند است.

افرادی هم هستند که تندروی را به مصلحت نمی‌دانند اما جرأت ابراز نظر علنی ندارند و در جلسات خصوصی با احتیاط ابراز نظر می‌کنند.

---

۱ - حسین علم‌الهدی از دانشجویان پیرو خط امام بود که به همراه یارانش پس از خلق حماسه حاویدان در هویزه به شهادت رسید. اکنون مقبره این شهید به همراه دوستان دانشجویش در هویزه زیارتگاه شده است.

۲ - حمید لاهوتی همسر فائزه هاشمی و سعید لاهوتی همسر فاطمه هاشمی فرزندان مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن لاهوتی و دامادهای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هستند.

شنبه ۲۱ فروردین

تمام وقت در خانه ماندم. بیشتر مطالعه کردم و با تلفن کارها را انجام دادم. کمی پیاده روی در حیاط و چند ملاقات هم داشتم.

یکشنبه ۲۲ فروردین

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد[۱]. ظهر و عصر چند ملاقات داشتم. عصر جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] برگزار شد که در آن درباره فعالیت‌های حزبی و رفع کمبودهای حزب مذاکره و درباره مسافرت وزیر خارجه به کره شمالی به مناسبت هفتادمین سال تولد کیم‌ایل‌سونگ[۲] بحث شد. به دلیل مخالفت گروهی از نمایندگان مجلس، تصمیم گرفتیم که ایشان نروند و در حد مدیر کل سیاسی آسیا سفر انجام شود[۳].

شب برای خواب به مجلس رفتم. اخوی محمد یک رادیوی پیشرفته برای من آورده بود و برای استفاده از آن توضیحاتی داد. وزیر خارجه یمن جنوبی با سفیر آن کشور آمدند و از سطح خوب روابط اظهار رضایت کردند. مصاحبه‌ای به مناسبت روز زن داشتم[۴].

دوشنبه ۲۳ فروردین

صبح زود به جلسه شورای عالی اقتصاد رفتم که در دفتر آقای رئیس جمهور تشکیل شد. اخبار

---

۱ - از جمله مصوبات این روز، تصویب قانون تأسیس وزارت صنایع سنگین در ۳ ماده و ۸ تبصره بود که به مدت سه سال به طور آزمایشی اجرا شود. این وزارتخانه بعدها در وزارت صنایع ادغام شد.

۲ - رهبر فقید کره شمالی

۳ - علت مخالفت، دیدگاههای عقیدتی و ایدئولوژی حاکمیت کره شمالی بوده است.

۴ - در این مصاحبه که در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۶۱/۱/۲۶ به چاپ رسیده است درباره نقش فاطمه زهراعلیهاالسلام در خانواده، تعلیم و تعلم زنان، وضعیت زنان در رژیم پهلوی، نقش زنان در جبهه‌ها، مجلس شورای اسلامی و حقوق خانواده و فعالیت اجتماعی زنان بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

اقتصادی جالبی داشتیم. آقای [محمد]غرضی گفت که مراجعه برای خرید نفت زیاد است و مطمئنیم که بیش از مقدار نیاز می‌توانیم صادر کنیم. ژاپن هم که از ما نفت نمی‌خرید، با جلوگیری از ورود اجناس ژاپنی مجبور به خرید نفت شده است؛ قرار شد در همان حد که نفت می‌خرد، اجازه ورود اجناس ژاپنی داده شود.

آقای [میرحسین]موسوی خبر داد که کارخانه‌های تولید آهن اسفنجی در اهواز، اواسط سال راه می‌افتد و حدود دوونیم میلیون تن آهن اسفنجی تولید خواهد کرد.

بحث درباره برنامه پیشنهادی بیست ساله بود که آقای غرضی به خاطر عدم اولویت کشاورزی و تقدم صنعت اعتراض داشت. ۵ / ۵ درصد رشد کشاورزی و ۵ / ۱۴ درصد رشد صنعت پیش بینی شده است. تا ساعت دوازده بحث داشتیم. ظهر به مجلس آمدم. ظهر و عصر چندین ملاقات داشتم.

عده‌ای از دانشگاهیان آمدند و با طرح ادغام دانشگاه‌های پزشکی در وزارت بهداری به خاطر تغییراتی که در هیئت دولت کرده، مخالف بودند.

سه شنبه ۲۴ فروردین

دیشب خسته و کوفته در مجلس خوابیدم. تا ساعت هفت ونیم مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. ظهر ائمه جمعه آذربایجان شرقی و غربی آمدند. آقای [مسلم]ملکوتی امام جمعه تبریز صحبت کردند و من در جواب صحبت کردم[1]. ناهار مهمان مجلس بودند و همان جا خوابیدند.

عصر مصاحبه‌ای با مجله سروش درباره شهید مطهری داشتم[2] و مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره

---

۱ - در این سخنرانی وظایف روحانیت در انقلاب اسلامی، ارتباط ائمه جمعه با مردم و لزوم ساده زیستی روحانیت و اهمین مجلس خبرگان رهبری مورد بحث قرار گرفته است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این مصاحبه که در ماهنامه سروش مورخه ۶۱/۲/۱۱ به چاپ رسیده است درباره نقش شهید مطهری در شورای انقلاب، روند ترور شخصیت‌های انقلابی، توطئه جدایی دین از سیاست، گروه فرقان، تصمیم‌گیری‌های اجرایی مطهری، نقش استاد در شکوفایی استعداد جوانان، خدمات علمی و فلسفی استاد، برخورد استاد، با گروههای انحرافی و موضع‌گیری استاد نسبت به لیبرال‌ها مطالبی بیان شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

نقش جهاد سازندگی*. ملاقات‌هایی داشتم با [علی]شمس اردکانی سفیرمان در کویت و دکتر [محمد]مکری که می‌خواهند او را از سفارت ایران در شوروی بردارند و ناراحت است و نیز مدیر عامل ماشین سازی اراک که از مزاحمت مخالفان ـ که تحت حمایت آقای خوانساری امام جمعه اراک هستند ـ گلایه داشت و کمک می‌خواست. ملاقاتی نیز با وزیر راه و معاونانش انجام شد که خدماتشان را گزارش دادند و تحسینشان کردم.

شب جلسه‌ای با نخست وزیر و وزیر خارجه در دفتر آقای خامنه‌ای داشتیم و درباره کمک به فلسطینی‌ها، جنبش امل و یمن جنوبی که کمک خواسته‌اند تصمیم گرفتیم. آقای [سیدمحمدتقی]مدرسی هم آمد و پیشنهاد تشکیل مجلسی برای عراق در ایران داشت؛ پیروزی‌های جبهه خیلی‌ها را به فکر آینده عراق انداخته و نیروهای اسلامی معارض عراقی بیش از همه امیدوارند و در تکاپو. این را هم اضافه کنم که در نطق پیش از دستور جلسه امروز درباره شروع نهضت بیت‌المقدس صحبت کردم و پیشنهاد تعطیل فردا را دادم[۱].

چهارشنبه ۲۵ فروردین

امروز را به خاطر حمایت از نهضت مردم فلسطین تعطیل عمومی اعلام کرده‌ایم. پیشنهاد از ملک خالد به عنوان رئیس سازمان کنفرانس اسلامی است که بسیاری از کشورها پذیرفته‌اند و امروز را تعطیل کرده‌اند. ما علاوه براین، راهپیمایی هم اعلام کرده‌ایم که انجام شد و امام هم پیام دادند که احمد آقا در مراسم خواند[۲].

---

۱ - در این نطق که بازتاب فراوانی در سطح کشور و منطقه داشت، آقای هاشمی رفسنجانی پیشنهاد کرد که در سراسر کشورهای اسلامی حمایت وسیعی شروع بشود و فردا ـ روز چهارشنبه ۲۵ فروردین ـ اعتصاب عمومی در سراسر دنیای اسلام باشد و از دولت جمهوری اسلامی ایران خواست که برای این عمل مقدس پیشقدم بشود. رئیس مجلس سپس خطاب به فلسطینیان انقلابی گفتند: "اگر شما در صحنه باشید، ما مسلمانها ناچاریم دنبال سرشما به بیت‌المقدس بیاییم. شما در میدان بمانید و صبر کنید و از دادن شهید و شقاوت اسرائیلی‌ها نترسید." به دنبال دعوت آقای هاشمی رفسنجانی، روز چهارشنبه ۲۵ فروردین، سراسر ایران به صحنه تظاهرات میلیونی علیه اسرائیل تبدیل شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی به جلد نهم ـ صفحه ۳۵۰

احمد آقا ظهر به منزل ما آمد و درباره لزوم اقدام مناسب در مقابل اقدام مهم سوریه که لوله نفت عراق را ـ که از سوریه به مدیترانه می‌رود ـ بسته و جلوی ورود دو قطار و ماشین‌ها را که از ترکیه و لبنان به عراق آذوقه و کالا می‌برند گرفته، صحبت داشت. قرار شد که در نماز جمعه تشکر کنیم. شکست‌های فاحش عراق در تصمیمات دولت‌های عربی هم اثر گذاشته و اقدامات مهمی می‌کنند، مثبت یا منفی.

این روزها، مسئله روز شروع تظاهرات و اعتصاب‌ها در فلسطین اشغالی است که با شعار الله‌اکبر و به شیوه مبارزات مردم ایران انجام می‌گیرد.

تمام روز را درخانه ماندم. عصر آقای [بهزاد] نبوی و گروهی از جناح ایشان در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آمدند. از جناح حزب‌الله سازمان[1] و آقای [حسین]راستی [کاشانی]گله داشتند، که اینها را به مخالفت با ولایت فقیه متهم و بدنام و اخراج می‌کنند و کمک می‌خواستند.

آقای [محسن]رفیق دوست آمد و گزارش سفرش را به لیبی و سوریه داد که موفق بوده است و در تأمین نیازهای ما مساعدت‌هایی کرده‌اند و می‌کنند.

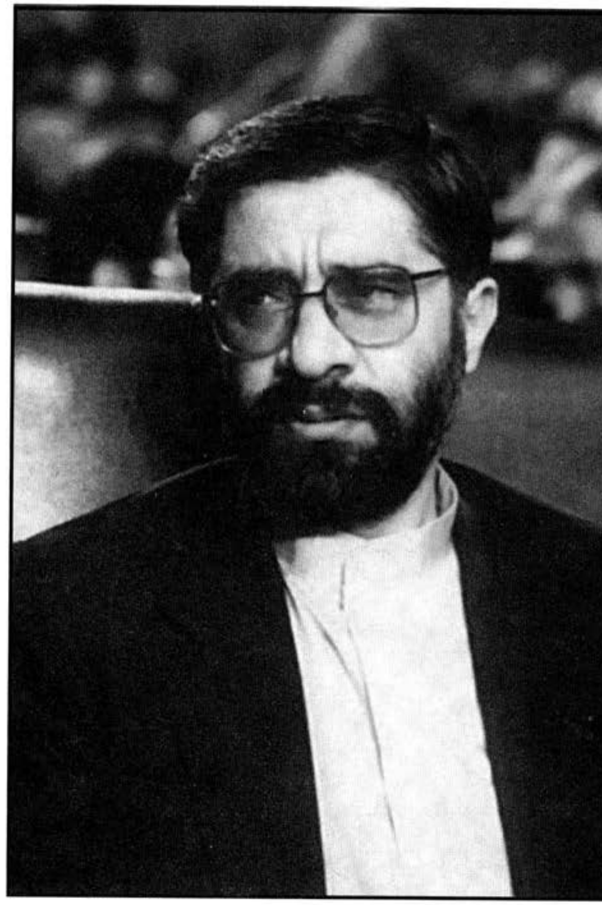
پنجشنبه ۲۶ فروردین

اول وقت درکتابخانه‌ام مشغول کار شدم. زودتر از وقت مقرر به مجلس رفتم. تا ظهر گزارش‌ها را مطالعه و اسناد را امضا کردم. بعد از ظهر آقای سالاری کاردار ما در آرژانتین آمد. وزارت خارجه

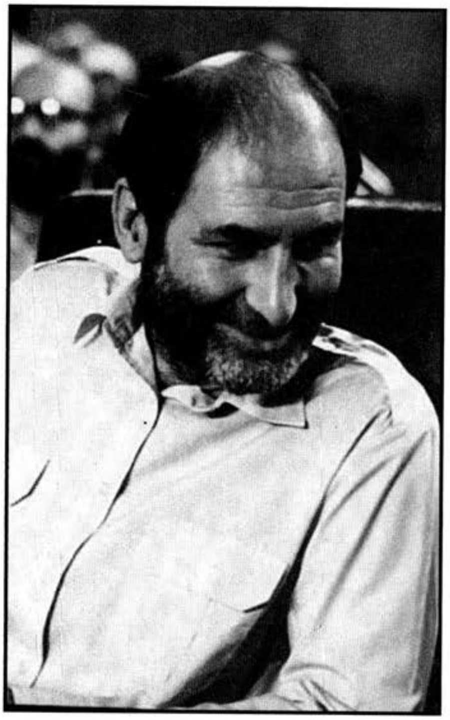
(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

امام خمینی(ره) در این پیام به مناسبت اعتصاب سراسری حمایت از فلسطنیان فرمودند: مسأله قدس یک مسأله شخصی نیست بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده". "... اکنون که خون جوانان عزیز فلسطینی دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعشان از مشتی دغلباز با مسلسل جواب شنیده‌اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند"؟

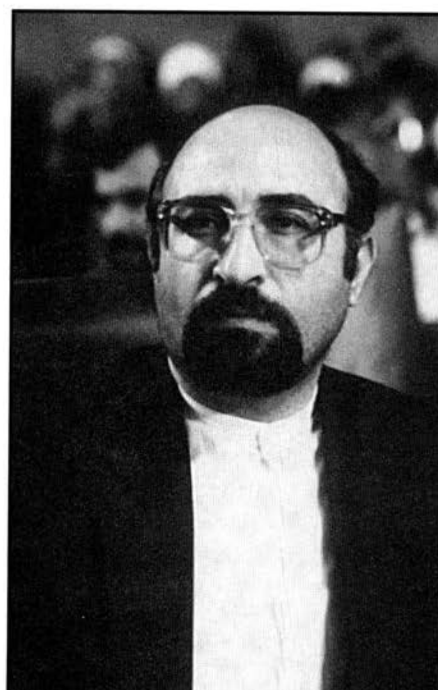
۱ ـ جناح حزب الله سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی به رهبری آیت‌الله حسین راستی کاشانی نماینده امام(ره) در این سازمان، با جهت‌گیریهای سیاسی و مواضع چپ اقتصادی غالب اعضای سازمان اختلاف نظر داشتند که این اختلاف در نهایت موجب کنار کشیدن بهزاد نبوی و یارانش از این سازمان شد. بعدها همین سازمان با اعضای سابق خود دوباره احیا شد و در وقایع دوم خرداد ۷۶ و بعد نقش بازی کرد.



مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر



مهندس بهزاد نبوی وزیر مشاور و سخنگوی دولت



دکتر حسین نمازی
وزیر امور اقتصادی و دارائی



دکتر علی اکبر ولایتی
وزیر امور خارجه

نمی‌خواهد او را به سفیری ارتقا دهد. با درخواست کمک برای ساختن مسجدی در بوئنس‌آیرس داشت که صدها هزار مسلمان در آنجا زندگی می‌کنند. با آقای دکتر ولایتی صحبت کردم و قرار شد که تحقیق شود.

گروه مسئولان پرسنلی مناطق دهگانه سپاه آمدند و با آنها درباره برخورد اسلامی با مراجعان و متقاضیان عضویت صحبت کردم* و گفتم، در تجسس از حدود اسلامی خارج نشوند و اسرار مردم را فاش نکنند. اعضای سمینار بنیاد مسکن و محیط زیست آمدند؛ نزدیک صد نفر بودند. قطعنامه‌ای خواندند و برایشان صحبت کردم*. خیلی خسته شده بودم. اخبار را گرفتم. شام خوردم و خوابیدم. امروز تظاهرات و راهپیمایی برای روز زن بود و امام پیام دادند[1].

جمعه ۲۷ فروردین

از صبح زود تا ساعت ده مطالعه کردم. آقای [محمدحسن] زورق [معاون سیاسی صداوسیما] آمد و از مشکلات صداوسیما و عدم هماهنگی شورای سرپرستی گفت و احتمال استعفا را مطرح کرد. ایشان را به ماندن تشویق کردم و گفتم کمک می‌کنیم که مشکلاتش رفع شود. خیلی‌ها معتقدند که راه حل مشکلات این است که سران سه قوه اعضای اصلی شورای سرپرستی باشند که سیاست‌های اصلی کشور را بدانند.

ساعت یازده به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ای در عدالت اجتماعی و خطبه‌ای راجع به نهضت جدید فلسطین و روز زن و مقام حضرت زهرا علیهاالسلام ایراد کردم[2]. آقای فخرالدین حجازی [نماینده تهران] قبل از من سخنرانی داشت و به آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری و لیبرال‌ها و نهضت آزادی

---

۱ - رجوع کنید ← صحیفه نور - مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - جلد نهم، صفحه ۳۴۹

۲ - در این خطبه‌ها جمع‌بندی مباحث اقتصادی گذشته و ادامه بحث عدالت اجتماعی (خود خواهی فطری انسان، انتقاد مستدل به افراط در مارکسیسم و تفریط در سرمایه‌داری - تجارب منفی مدعیان سوسیالیسم، نقش اسلام در کنترل و هدایت خودخواهیها) در خطبه اول بحث شد. در خطبه دوم تحلیل حرکتهای تازه در فلسطین، اشاره به تاریخ اسرائیل غاصب، روز زن و ولادت حضرت زهرا علیهاالسلام همراه با شرح جلوه‌هایی از زندگی درس آموز آن حضرت به عنوان الگوی زنان مورد بحث قرار گرفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

با صراحت تاخت[1]

عصر در منزل پیاده روی و کمی کار در باغچه کردم و با بچه‌ها کاهویی در حیاط خوردیم.

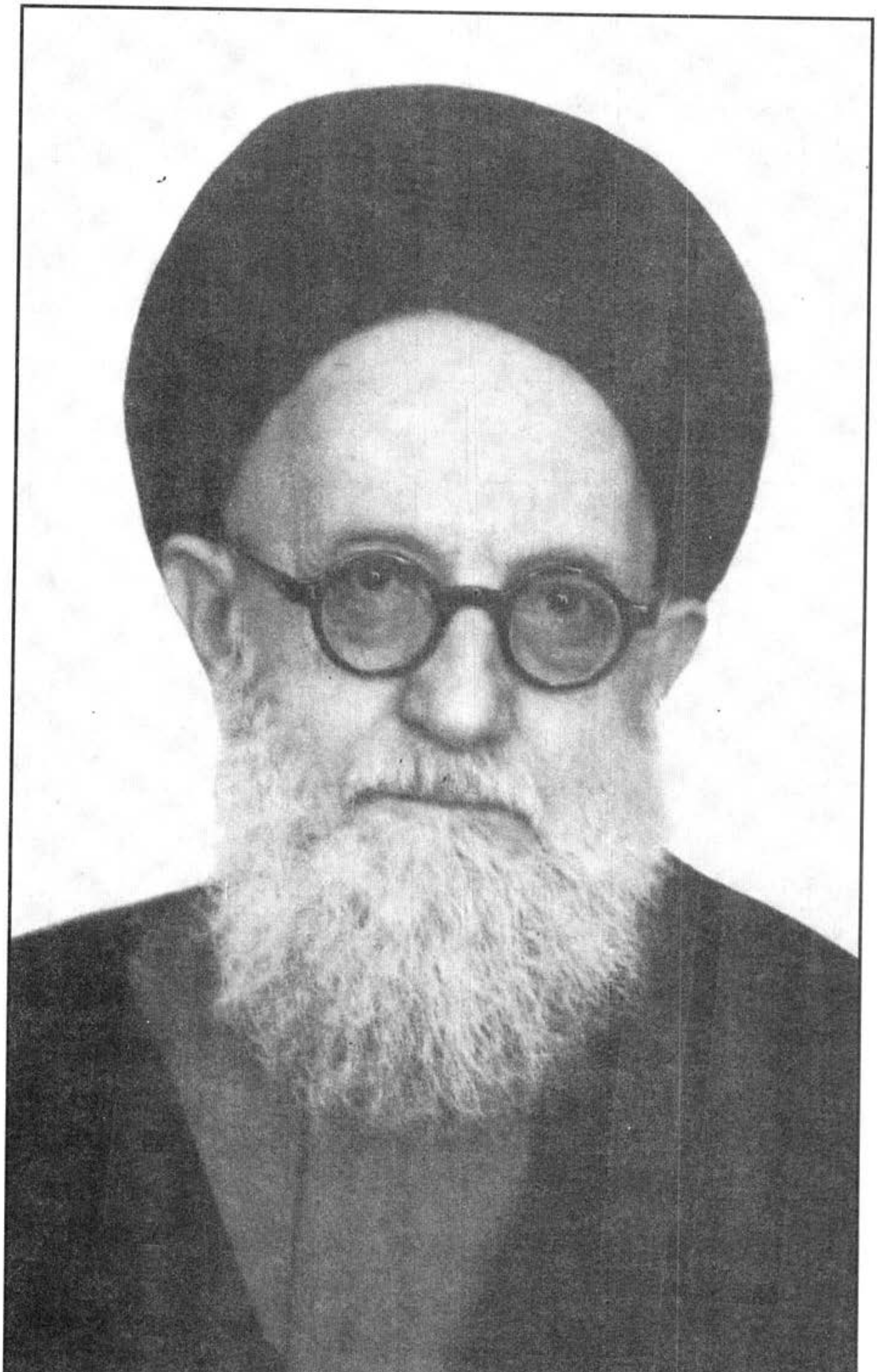
مطلع شدم که مردم قم، پس از نماز جمعه، علیه آقای شریعتمداری[2] تظاهرات و دارالتبلیغ[3] را اشغال کرده‌اند. تلفن‌های طرفداران ایشان را قطع کرده‌اند. گفتم که مدارا کنند زیرا به این کارها نیازی نیست. [آقای احمد عباسی] داماد آقای شریعتمداری را در رابطه با کودتای قطب‌زاده بازداشت کرده‌اند.

---

۱ - فخرالدین حجازی در بخشی از سخنان خویش گفت: من از اینها، از پشت تریبون به آقای خامنه‌ای ـ امام جمعه و رئیس جمهور ـ عرض می‌کنم: تا این بحران هست ما از شما نمی‌خواهیم بیایید نماز جمعه بخوانید .... من به آقای رفسنجانی ارادت دارم؛ ممکن است از لحاظ شخصی هم، خیلی از ایشان دلخور باشم، اما به حضرت عباس قسم رفسنجانی مغز متفکر این انقلاب است، آن روزی که جریان انفجار حزب جمهوری اتفاق افتاد، اگر رفسنجانی نبود، در آن انفجار حزب و انفجار نخست وزیری، اصلاً مملکت رفته بود. رهبری و هدایت امام بود، اما حُسن تدبیر و اداره رفسنجانی هم بود. ما به این مغز نیاز داریم، بنابراین از ایشان هم خواهش می‌کنم کمتر به نماز بیایند.

۲ - آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری از مراجع تقلید شیعه پس از رحلت آیت‌الله بروجردی به عنوان یکی از مراجع جانشین مطرح شد و پس از درگذشت آیت‌الله محسن حکیم و با ارسال پیام تسلیت از سوی محمد رضا شاه پهلوی به عنوان ایشان به عنوان مرجع تقلید مورد نظر حکومت مشخص گردید. آیت‌الله شریعتمداری از جمله روحانیون میانه رو و اصلاح‌طلب حوزه علمیه قم بود که با روشهای انقلابی مخالفت می‌ورزید. وی معتقد به حرکت تدریجی به سوی حکومت اسلامی بود. آیت‌الله شریعتمداری در سال ۴۲ به همراه حضرت امام خمینی(ره) مبارزه برعلیه رژیم پهلوی را آغاز کرد اما روش آیت‌الله شریعتمداری برخلاف امام(ره) روش مسالمت‌آمیز و صلح جویانه بود. وی در اوج مبارزات انقلابی خواستار حفظ سلطنت و اجرای کامل قانون اساسی شد که با مخالفت روحانیون طرفدار امام (ره) مواجه گردید. آیت‌الله شریعتمداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از شخصیت‌های تراز اول روحانیت مطرح گردید و مبادرت به تأسیس حزب خلق مسلمان در برابر حزب جمهوری اسلامی پرداخت. این حزب در تبریز تحرکاتی را موجب شدند و صداوسیمای این شهر را سه روز اشغال کردند. در سال ۶۱ در پی افشای توطئه براندازی، مشخص گردید که آیت‌الله شریعتمداری در جریان توطئه بوده اما آن را تأئید نکرده است. وی در تلویزیون به اطلاع خود از کودتا اعتراف کرد. در پی آن جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در یک عمل بی‌سابقه در تاریخ شیعه، وی را از مرجعیت خلع نمودند. از آن پس آیت‌الله شریعتمداری تا هنگام مرگ خانه نشین بود.

۳ - مؤسسه دارالتبلیغ اسلامی، توسط آیت‌الله شریعتمداری برای بسط و گسترش فرهنگ اسلامی تأسیس شده بود. در این مؤسسه مجله‌ای بنام "مکتب اسلام" حاوی مطالب اسلامی هر ماه منتشر می‌شد و مورد استقبال متدینین واقع می‌گردید. این مؤسسه در پی وقایع بهار ۶۱ و خلع آیت‌الله شریعتمداری از مرجعیت، توسط عده‌ای از مردم قم تسخیر و تحویل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.



آیت الله سیدکاظم شریعتمداری

آقای [محمد]غرضی وزیر نفت به منزل آمد و راجع به کیفیت برخورد با هیئت اقتصادی پاکستان مشورت داشت. گفتم نمی‌شود مثل سوریه برای آنها امتیاز قائل شد[۱]، ولی خوب برخورد کنید. اخبار وضع نفت را هم گفت. احمد آقا آمد و راجع به تظاهرات مردم قم علیه آقای شریعتمداری و لزوم جلوگیری از افراط صحبت شد. آیت‌الله اخوان مرعشی از مشهد تلفن کرد و راجع به مراعات حرمت آقای شریعتمداری تأکید نمود.

شنبه ۲۸ فروردین

از اول وقت مشغول مطالعه شدم و کمی راهپیمایی در حیاط داشتم. چند بوته نعناع را جابه جا کردم و آب دادم. عفت برای دکتر و معاینه کامل به دانشگاه تهران رفت.

ساعت ده صبح به دفتر مشاورت امام در محل ستاد ارتش رفتم و به کارهای ارتش رسیدگی کردم. نزدیک ساعت دوازده به مجلس رفتم. آقای [سیدجلال]ساداتیان رئیس دفترم که برای شرکت در سمینار اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایران مقیم اروپا به آلمان رفته بود، گزارش داد که وضعشان خوب است؛ افراد مخالف عقب نشینی کرده‌اند و خط امام حاکم است. تا عصر گزارش‌ها را مطالعه کردم.

گروهی از مسئولان بخش فرهنگی بنیاد شهید آمدند و گفتند خانواده‌های شهدا نگرانند که آمدن هیئت میانجی کنفرانس اسلامی باعث آتش بس شود و خون عزیزان شهید آنها پایمال شود. پیغام داده‌اند که ایثارگران آماده پذیرش آتش‌بس نیستند و خونبهای شهدای ما حاکمیت اسلام در عراق است و جمعی از مسئولان هیئت‌های هفت نفره تقسیم زمین آمدند و برای آنها صحبت کردم*. شب در مجلس ماندم و مطالعه کردم و به اخبار گوش دادم.

درباره وضعی که در قم پیش آمده، به خاطر احتمال دخالت بیت آقای شریعتمداری در توطئه قطب‌زاده تلفنی اقداماتی انجام دادم که مردم خیلی افراط نکنند و صدمه‌ای به ایشان نزنند. با

---

۱ - منظور از امتیاز برای سوریه، کمک یک میلیون بشکه نفت از سوی ایران به این کشور به سبب مبارزه با اسرائیل و حمایت از ایران در جنگ تحمیلی می‌باشد. بعدها سوریه بهای نفت اهدایی را به ایران پرداخت. سوریه در جبهه جنگ با صهیونیسم نقش ممتازی داشت و در جریان جنگ تحمیلی تنها کشوری بود که علناً جانب جمهوری اسلامی ایران را گرفت و علیه رژیم صدام حسین موضع‌گیری کرد.

آیت‌الله منتظری هم در این خصوص صحبت کردم. معلوم شد که سپاه از خانه ایشان حفاظت می‌کند. شب رونوشت تلگرافی که ایشان به امام مخابره و در آن، به نوعی استمداد کرده‌اند، رسید. خود را از جریان توطئه‌بری می‌دانند و از امام می‌خواهند که در این گونه امور قبلاً از خود ایشان استفسار شود.

یکشنبه ۲۹ فروردین

تا ساعت هفت و نیم مطالعه کردم. ساعت هشت جلسه علنی شروع شد. قبل از دستور به مناسبت روز ارتش صحبت کردم[۱]. آقای دکتر [حسن]روحانی هم گزارشی از وضع صداوسیما داد. چند لایحه تصویب کردیم.

امروز پاسداران مجلس، هنگام ورود نمایندگان متهم به لیبرالیسم شعار "مرگ بر آمریکا" داده بودند. آنها از این وضع ناراحت بودند و ظهر دکتر [کاظم]سامی، دکتر [یدالله]سحابی و مهندس [هاشم]صباغیان آمدند و از من چاره‌جویی کردند. تعدادی از علمای گرگان هم آمدند و از آقای [سیدمحمدکاظم]نورمفیدی امام جمعه شکایت داشتند. آقای [کاظم]اکرمی نماینده همدان هم آمد و از اختلاف سپاه ایلام با امام جمعه آنجا گفت.

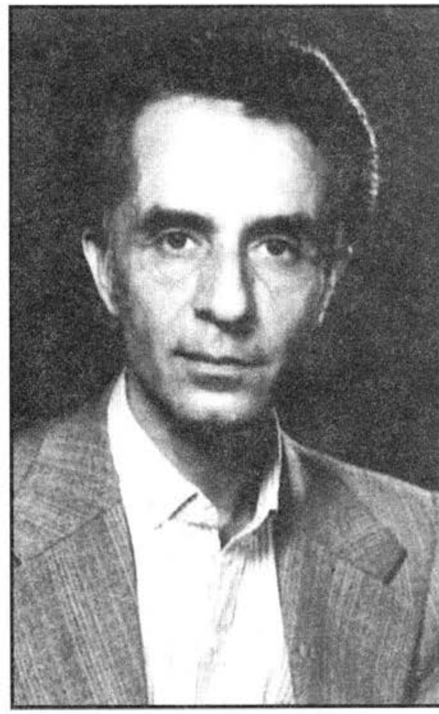
ساعت دو به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم و فیلم مصاحبهٔ قطب‌زاده را با ایشان و احمد آقا دیدیم. به توطئه قتل امام و مسئولان، براندازی حکومت و ارتباط با آقای شریعتمداری به وسیله [عبدالرضا] حجازی و [سیدمهدی]مهدوی و نیز درخواست اسلحه از فردی از حزب سوسیالیست فرانسه اعتراف کرده که قرار شد بخشی از مصاحبه پخش شود.

عصر با هیئت اقتصادی پاکستان به ریاست غلام اسحاق‌خان ملاقات کردم و درباره لزوم توسعه روابط و ایجاد جامعه اسلامی صحبت کردیم.

---

۱ - در این نطق آمده است: یکی از دستاوردهای بسیار با ارزش انقلاب اسلامی ایران تحول عظیمی است که در ارتش جمهوری اسلامی پیش آمده است و ارتش از خدمت طاغوت به خدمت خدا و مردم منتقل شده است و از اسارت در دست پهلوی و شاه تحت فرماندهی ولی فقیه و نایب امام شخصیت بزرگوار اسلامی قرار گرفته است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

دکتر کاظم سامی

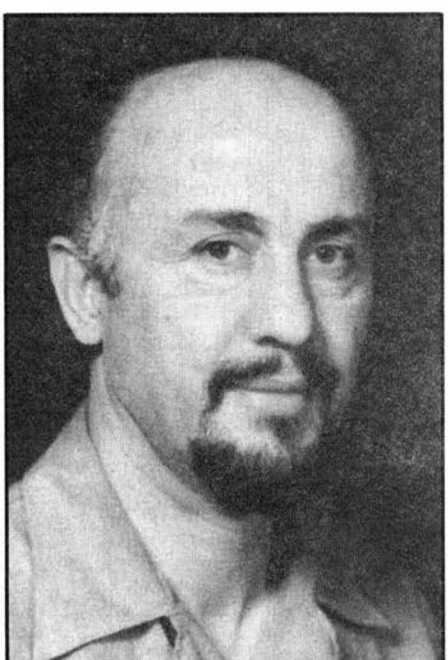




دکتر یدالله سحابی



مهندس عزت الله سحابی



آقای هاشم صباغیان

سپس در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. درباره انتخابات میان دوره‌ای و پخش مصاحبه قطب‌زاده و ... بحث شد. آقای دکتر ولایتی گزارش هیئت میانجی کنفرانس اسلامی را داد این هیئت پیشنهاد عقب نشینی تدریجی عراق را آورد. فضای جنگی کشور و انتظارات بالای مردم و بخصوص رزمندگان به گونه‌ای است که اینگونه پیشنهادات را به استهزاء می‌گیرند و عقب‌نشینی فوری و با قید و شرط را هم کافی نمی‌دانند و به مسئولان جنگ انتقاد دارند که چرا فوراً وارد خاک عراق نمی‌شوند و ما وقت زیادی صرف قانع کردن این گونه افراد می‌کنیم. شب به خانه آمدم. آخر شب از دفتر اطلاع دادند که آقای شریعتمداری تلگرافی کرده است که در آن از خودش رفع اتهام می‌کند.

دوشنبه ۳۰ فروردین

در خانه ماندم. پیاده روی، سبزی کاری در باغچه و انجام کارها با تلفن و مطالعه درباره روایات مربوط به ازدواج از کارهای امروز بود. بناست در خطبه نماز جمعه آینده راجع به ازدواج خانم‌های شهدا صحبت کنم. امام هم تشویق کرده‌اند.

ظهر احمد آقا و [رضا]سیف‌الهی رئیس اطلاعات سپاه آمدند و گفتند، آقای شریعتمداری در مذاکره با سپاه قم به اطلاع خود از قصد قطب‌زاده اعتراف کرده است. قرار شد که از سپاه تهران بروند و رسماً از ایشان بپرسند. می‌گفتند ظاهراً یک روحانی دیگر هم مطلع بوده است.

آقای خامنه‌ای تلفن کردند و گفتند آقای [احمد]سکوتوره [رئیس جمهور گینه] و حبیب شطّی [دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی] به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی آمده‌اند و طرحی آورده‌اند که به خواسته‌های ما نزدیک است و جواب را باید پس از مشورت بدهیم. قرار شد که فردا صبح مشورت کنیم.

تلفنی از بیمارستان طرفه حال حاجیه والده را از دکتر خدادادی جراح چشم پرسیدم. گفت عمل را انجام داده‌ایم و حالشان خوب است. یک چشم عمل شده و چشم دیگر هنوز آب مرواریدش نرسیده است. ناهار را از بیرون گرفتیم، تنها خوردم.

احمد آقا همراه مسئول اطلاعات سپاه عصر با هلیکوپتر به قم رفت. شب خبر آورد که آنها پیش آقای [سیدکاظم]شریعتمداری رفته‌اند و از ایشان درباره توطئه کودتا بازپرسی کرده‌اند و

مصاحبه‌ای هم انجام شده است.

سه شنبه ۳۱ فروردین

ساعت شش و نیم صبح به مجلس رفتم. پس از شروع، جلسه را به آقای [موسوی]خوئینی‌ها واگذار کردم و خودم برای مشورت در مورد جواب پیشنهاد سازمان کنفرانس اسلامی در مورد شرایط پایان جنگ به دفتر آقای خامنه‌ای رفتم. نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور و احمد آقا هم بودند.

آنها خروج نیروهای عراق را از خاک ایران پیشنهاد کرده‌اند، ولی چیزهای دیگری مطرح کرده‌اند که در حکم شرط است. مذاکره درباره اروند رود براساس قرارداد الجزایر ـ که به نظر ما روشن است و نیازی به مذاکره ندارد ـ حایل شدن نیروهای بی طرف در دو سوی مرز ـ که ما در خاک خود، آن را نمی‌پذیریم ـ و نیز تشکیل کمیته رسیدگی برای پیداکردن متجاوز که خسارت هم بر همین اساس پرداخت خواهد شد و از نظر ما متجاوز مشخص است و خسارت را باید بپردازد و آن عراق است[1]. قرار شد آقای دکتر ولایتی جواب بدهد. آنها هم در این سفر تا حدودی از فضای حاکم بر جامعه ایران مطلع شده‌اند و فهمیده‌اند که بدون امتیازات روشن و بزرگ برای مسئولان ایرانی پذیرش آتش بس دشوار است و می‌دانند که اختیار صلح و جنگ در دست شخص امام است و از نظرات ایشان هم بی‌اطلاع نیستند.

سپس نوار مصاحبه آقای شریعتمداری را آوردند که به اطلاع از کودتا اعتراف کرده ولی منکر هرگونه تأیید است و مکالمات دیگر هم ضبط شده، ترسیده‌اند. به طور مکرر تلگراف استمداد از ایشان می‌رسد.

آقای محسن رضایی هم خبر داد که به زودی حمله وسیعی علیه عراق آغاز می‌کنیم و سپس

---

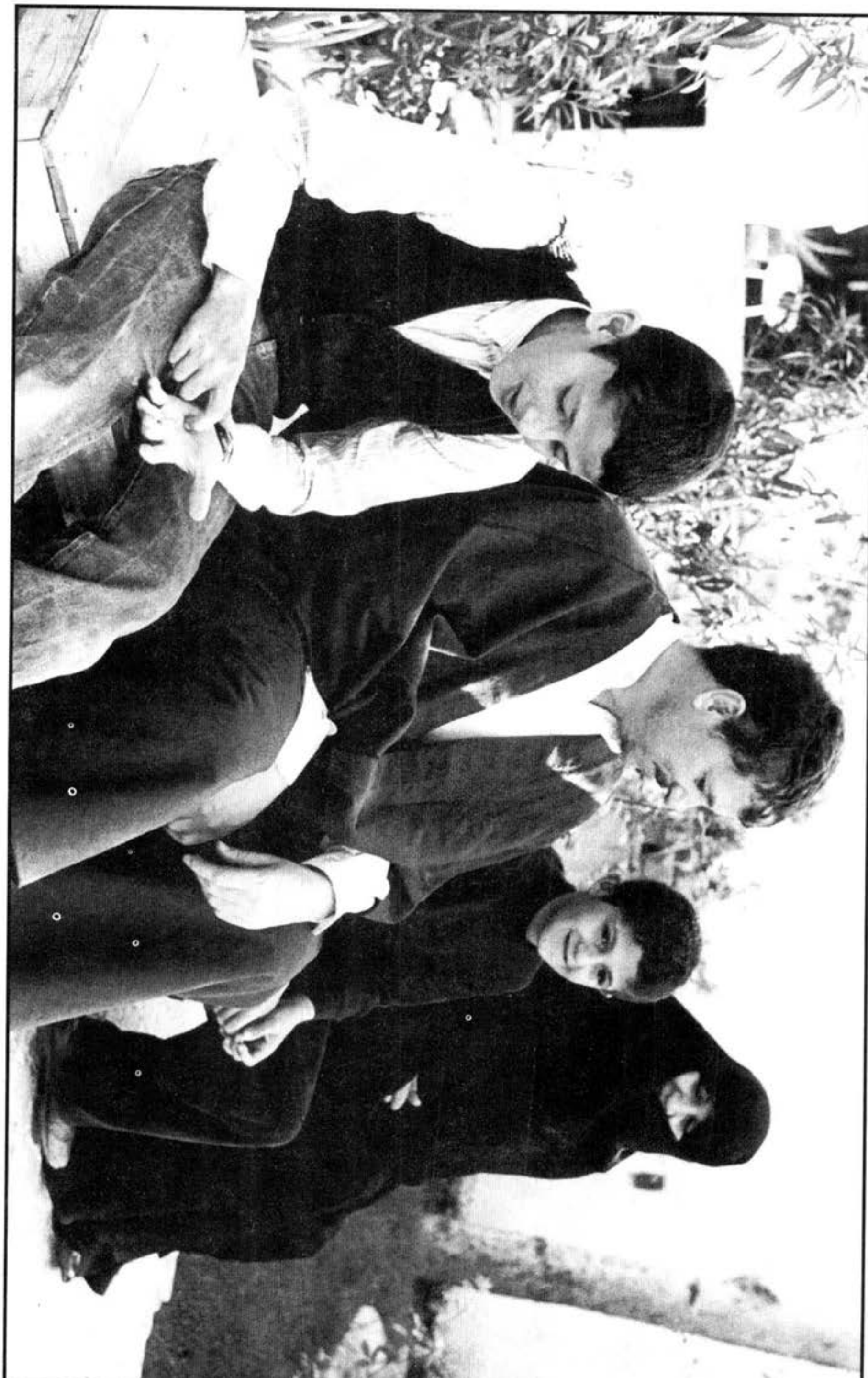
۱ - حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور در مذاکره با احمد سکوتوره رئیس جمهور گینه و رئیس هیأت صلح سازمان کنفرانس اسلامی و حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و سخنگوی این هیأت گفتند: "جنگ همیشه بد نیست؛ جنگی که برای جلوگیری از ظلم و تجاوز باشد، چیز بسیار خوبی است." ایشان در آغاز مذاکره اظهار داشتند: "امیدوارم در پاسخ ما دو مطلب را بیان نکنید اول اینکه نگویید عراق هم توقعاتی دارد و دوم اینکه نگویید قاضی نیستیم زیرا هر میانجیگری، خود شامل نوعی قضاوت است".

درباره اساسنامه سپاه اطلاع داد که سپاهیان اعتراض دارند و می‌گویند سپاه را تضعیف می‌کند. بعد از ظهر برای روز کارگر و سالگرد مجلس مصاحبه نمودم* و اول شب، از بنیاد شهید و سپاه برای بحث درباره مدیریت ازدواج همسران شهدا آمدند که امام پیشنهاد آن را داده‌اند. با هم اختلاف داشتند و سپاه می‌خواهد در کار آنها دخالت کند.

شب در مجلس خوابیدم. قرار بود، مصاحبه آقای شریعتمداری پخش شود که نشد. من در مصاحبه‌ای درباره ایشان صحبت کردم[1]. جامعه مدرسین اعلام کرد که ایشان فاقد صلاحیت مرجعیت شده است و در تبریز، قم، تهران و بسیاری از شهرها علیه ایشان تظاهرات انجام شده است.

۱ـ در این مصاحبه که در تلکس خبری روز اول اردیبهشت ۱۳۶۱ خبرگزاری جمهوری اسلامی آمده است، درباره رفت و آمد هیأت صلح، افشای توطئه کودتا، نقش آیت‌الله شریعتمداری در کودتا، جنگ ایران و عراق، سیاست ایران در رابطه با کشورهای منطقه، پیشروی ایران در خاک عراق، حمله کمونیست‌های طرفدار عراق به شیعیان لبنان و کمک مصر به عراق بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

اردیبهشت ۱۳۶۱



چهارشنبه ۱اردیبهشت ۱۳۶۱ ۲۶جمادی‌الثانی۱۴۰۲ Apr. 21, 1982

تا ساعت نه مطالعه کردم و سپس مراجعان را پذیرفتم. آقای [صادق] آیت‌اللهی سفیر جدید ما در مالزی آمد و درباره مالزی مذاکره کردیم. از این‌که تخصص او نفت است و در رشته دیگری به کار گرفته شده، گله داشت.

معاون تشکیلات حزب [جمهوری اسلامی] آمد و از نامزد شدن سه نفر در تهران برای انتخابات مجلس بدون مشورت با حزب گله داشت که گفتم موضوع را در جلسه بعد مطرح می‌کنیم[1].

عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم و اول شب سفیر فلسطین آمد و خبر حمله هشت هواپیمای اسرائیلی را به لبنان داد و من به خواست او خبر [این حادثه] و محکومیت تجاوز را به صداو سیما دادم. اصرار داشت با رئیس جمهور هم ملاقات کند که پذیرفته نشد.

امروز هم تظاهرات مردم و اعلامیه‌های علما در مورد سلب صلاحیت مرجعیت از آقای شریعتمداری در صدر اخبار است. کشورهای غربی خیلی ناراحت شده‌اند؛ مثل این‌که امید بسیاری به توطئه کودتا داشته‌اند.

رئیس جمهور از تبلیغات یک طرفه شدید و عدم پخش دفاع او ناراضی هستند و می‌گویند نیازی به زیاده روی نیست. ملاقاتی با ابوشریف [عباس آقازمانی] سفیرمان در پاکستان داشتم. از مقبولیت انقلاب [اسلامی] ایران در پاکستان می‌گفت.

پنجشنبه ۲ اردیبهشت

جلسه علنی داشتیم. در اول جلسه حمله اسرائیل به لبنان را محکوم کردم[2]. نمایندگان علیه آقای

۱- اشاره به نامزدی آقایان سید تقی سید خاموشی، محمد هاشم رهبری و علی‌اکبر پرواستاد منتسب به هیأتهای مؤتلفه اسلامی در انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه تهران.

۲- در این نطق آمده است: ما ضمن محکوم کردن حمله هواپیماهای اسرائیلی به جنوب لبنان از کشورها و دولتها و مردم مسلمان عرب می‌خواهیم

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

شریعتمداری صحبت کردند. آقای [هاشم]صباغیان[1] خواست اعلامیه نهضت آزادی [ایران] را در محکومیت کودتا بخواند که عده‌ای شلوغ کردند و نتوانست بخواند. اساسنامه سپاه مطرح بود و مجلس خواسته‌های سپاهیان را نمی‌پذیرد. بعضی از نمایندگان خواسته‌های سپاه را انحصارطلبی می‌دانند و سپاهیان از این وضع خیلی ناراحتند.

ظهر آقای [علی] حجتی کرمانی آمد و از بیکاری و انزوا ناراحت و متأثر بود. عصر کلاس [درس] مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتم و دو ملاقات با استاندار و فرمانداران مازندران و انجمن اولیاء و مربیان. شب به خانه آمدم.

مصاحبه آقای [سیدمهدی]مهدوی یکی از متهمان کودتا را گذاشتند؛ اعترافات مهمی کرد و گفت، آقای شریعتمداری تأیید کرده است. آخر شب آقای [محمد]موسوی خوئینی‌ها برای مشورت در مورد پخش اسناد لانه جاسوسی علیه آقای شریعتمداری آمد.

جمعه ۳ اردیبهشت

در خانه ماندم. برای نماز جمعه به دانشگاه رفتم. ناهار در خانه تنها بودم و حاضری خوردم. راهپیمایی، ورزش و مطالعه وقتم را پرکرد. در خطبه‌های نماز [جمعه] از کودتا، ازدواج همسران شهدا، مسایل اقتصاد و حمله به لبنان از سوی اسرائیل گفتم[2].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

که جواب دندان شکنی به این جنایات بزرگ داده شود و مخصوصاً از نیروهای قهرمان کشور برادرمان سوریه که در لبنان مستقرند درخواست داریم که جلو این تجاوزات را بگیرند و بهانه به دست نیروهای فرصت‌طلب جهان ندهند که اینها وسیله‌ای برای حفظ صدام از سقوط است و می‌خواهند دست ایران را در این جنگ با این مقدمه سازیها ببندند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ - هاشم صباغیان از جمله نمایندگان منتسب به نهضت آزادی ایران در دوره اول مجلس شورای اسلامی است که در ماههای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی معاونت نخست وزیر در امور انتقال را برعهده داشت. وی همچنین وزیر کشور دولت موقت مهندس بازرگان بود.

۲ - در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (کنترل خودخواهی انسان، شکست مارکسیسم و سرمایه‌داری در این بُعد و کنترل در

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

عصر احمد آقا آمد و مطالبی درباره تبلیغات رایج علیه آقای شریعتمداری صحبت شد و خبر داد که امام امروز آقای [شیخ حسن] صانعی را نزد آقای شریعتمداری فرستاده و به ایشان اطمینان داده‌اند که محاکمه نمی‌شوند ولی تذکر داده‌اند، خود شما مقصرید که از اول به تذکرات توجه نکردید و ما قبلاً گفتیم که جلوی مردم را نمی‌توانیم بگیریم.

شب مسئولان سپاه آمدند. از اساسنامه مورد بحث در مجلس ناراضیند و چاره جویی می‌کردند. با مذاکرات کمی آرام گرفتند اما قانع نشدند و ضمناً گفتند به اظهارات میانجی‌های کنفرانس اعتماد نشود؛ ممکن است فریبکاری باشد. در بین راه نماز جمعه، اتومبیل من تصادف کرد و رادیاتور آن سوراخ شد.

شنبه ۴ اردیبهشت

تا نزدیک ظهر در خانه ماندم. حاجیه والده که عمل جراحی چشم داشته‌اند، به منزل اخوی محمود منتقل شده‌اند. احوالشان را پرسیدم که گفتند حالشان خوب است و راضیند. دکتر گفته است، اگر یک هفته دیرتر عمل می‌کرد، چشم غیر قابل علاج می‌شد.

پیش از ظهر برای زیارت امام به منزلشان رفتم. آقای خامنه‌ای هم آمدند و ملاقات طولانی شد. آقای خامنه‌ای درباره مراعات بیشتر انضباط در دادگاه‌های انقلاب از ایشان کمک خواستند و امام برای تسریع در امر حذف قوانین غیر اسلامی تذکر دادند.

من درباره محدود شدن سپاه پاسداران در اساسنامه جدید و نارضایتی سپاه صحبت کردم. امام فرمودند که تضعیف نشوند و تحت ضابطه هم قرار گیرند. درباره وضع آقای شریعتمداری هم صحبت شد. خبر شدیم که [محمد جواد] مناقبی را هم بازداشت کرده‌اند.

ناهار مهمان احمد آقا بودیم. عصر هنگام رفتن، امام را در صحن حیاط دیدیم و سرپایی

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اسلام) مطرح شد و در خطبه دوم تشریح توصیه امام در مورد ضرورت ازدواج همسران شهدا، نمونه‌های تاریخی این امر، تحلیلی از توطئه صادق قطب‌زاده و آیت‌الله شریعتمداری و صلح با صدام محور مباحث مطرح شده بود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

۲۳۱۸

بسم الله الرحمن الرحیم





جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی



صحبت کردیم و من پیشنهاد عفو متهمان کودتا از جمله [صادق] قطب‌زاده را دادم. جواب سئوالات حزب جمهوری را روی نوار ضبط کردم.

یکشنبه ۵ اردیبهشت

بعد از ورزش و صبحانه و کمی مطالعه به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و قبل از دستور درباره پیشنهاد ایران و سوریه در خصوص اخراج اسرائیل از سازمان ملل صحبت کردم و آن را اقدامی مهم و انقلابی معرفی کردم و تهدید آمریکا را که در صورت اخراج اسرائیل، سازمان [ملل] متلاشی می‌شود، محکوم کردم و برای ایجاد سازمانی عادلانه‌تر و بدون حق وتو اظهار امیدواری کردم[1].

در اساسنامه سپاه تغییراتی داده شد که باعث رضایت نسبی سپاهیان شد.

ظهر آقای [حسین]انصاری[راد] نماینده نیشابور آمد و از فشارهایی که نیروهای خط امام به خاطر روابط قبلی با بنی‌صدر برایشان وارد می‌کنند ـ و از جمله مجتمع کشاورزی را که تحت اشراف ایشان بوده گرفته‌اند ـ گله داشت.

آقای [محمد جواد] حجتی کرمانی آمد و ضمن اظهار ناراحتی از گذشته پیشنهادهایی داشت.

بعد از ظهر نخست وزیر کره شمالی و همراهانش آمدند و درباره توسعه روابط صحبت کردیم. او در رأس یک هیئت شصت نفری سیاسی، نظامی و اقتصادی، برای خرید نفت در مقابل کالا و خدمات به ایران آمده است.

در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم. بحث درباره انتخابات و فعال‌تر کردن حزب بود. جلسه سران کشور با حضور [مهندس گنابادی] وزیر مسکن تشکیل شد که سیاست مسکن سازی را توضیح دهند. گفت، دو میلیون خانه کم داریم و با امکانات فعلی می‌توان سالانه حدود سیصد هزار خانه ساخت. پیشنهاد شد که در شهرستانها زمین به مردم بدهند و ساختن را تشویق کنند و در شهرهای بزرگ به صورت محدود عمل شود. شهرک سازی هم پیشنهاد شد.

---

۱ ـ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



صحنه ای از دادگاه قطب زاده (نفر سوم از سمت راست : صادق قطب زاده - نفر ایستاده : سید مهدی مهدوی)

سپس با آقای دکتر ولایتی درباره برنامه سفرشان به هندوستان و کیفیت برخورد با آیت‌الله شریعتمداری مذاکره شد. شام را همان جا خوردیم و ساعت دوازده به مجلس رفتم.

دوشنبه ۶ اردیبهشت

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم و سپس برای ملاقات‌ها و انجام کارهای اداری به دفترم رفتم. عده‌ای از نمایندگان برای کارهایشان مراجعه کردند. بیشتر نمایندگان در ملاقات‌ها اظهار نگرانی می‌کنند از احتمال پذیرش آتش بس و عدم مجازات صدام و ادامه فشار صدام بر نیروهای اسلامی انقلابی عراق.

بعد از ظهر آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی و آقای [سیدحسن]طاهری خرم آبادی آمدند و گفتند، آیت‌الله [حسینعلی] منتظری می‌خواهد که به امام گفته شود، مسئله آقای شریعتمداری را از این شور بیندازند و در مورد پرونده از ایشان بازپرسی شود. آقای [محمدمحمدی] ری‌شهری هم اطلاع داد که در بازجویی‌های مجدد، ایشان اعتراف‌های جدیدی کرده و پرداخت پول به آقای [سیدمهدی]مهدوی و مذاکره با آقای [عبدالرضا]حجازی را هم پذیرفته است.

سپس چند ملاقات داشتم. آقای [محسن]رضائی فرمانده سپاه پاسداران اطلاع داد که به زودی عملیات تعرضی ما در جبهه‌های اهواز، خرمشهر، آبادان و کرخه نور آغاز می‌شود.

سه شنبه ۷ اردیبهشت

پس از نماز مشغول مطالعه شدم. ساعت هفت و نیم به تالار مجلس رفتم. آقای [محمد]موسوی خوئینی‌ها جلسه را افتتاح کرده بود. به دفترم برگشتم و به مطالعه پرداختم. بعد از تنفس به جلسه رفتم که بحث اساسنامه سپاه ادامه داشت.

ظهر امام جمعه ایذه به ملاقات آمد و برای احداث جاده‌ای در منطقه کمک می‌خواست. سپس روحانیت رفسنجان که از جبهه برگشته بودند، آمدند و شش کیلو طلا و پنج کیلو نقره و نزدیک چهار میلیون تومان پول از هدایای مردم رفسنجان را برای جنگ و جنگ زدگان آوردند.

عصر آقای دکتر ولایتی و آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمدند و درباره تشکیلات تبلیغات

خارجی مشاوره کردیم. سپس گروهی از اعضای دفتر مرکزی جهاد سازندگی آمدند و از انحراف و فساد مختصری که در دفتر مرکزی‌شان وجود داشت، گزارش دادند. دو نفر از معاونان وزارت نفت هم آمدند و از آقای [محمد]غرضی [وزیر نفت] در مورد تصفیه نیروهای قدیم و لغو امتیازات ویژه کارکنان نفت شکایت داشتند.

اعضای دفتر تبلیغات [اسلامی] قم آمدند؛ حدود یکصد نفر از طلاب قم بودند که گزارش کارشان را دادند. خوب است؛ ده‌ها هزار مورد اعزام مبلغ و پخش ده‌ها هزار نوار و کتاب داشته‌اند. دوهزار طلبه هم به جبهه اعزام کرده‌اند که یکصد و هفتاد شهید داده‌اند و گفتند نگرانی عمده نیروها در جبهه از احتمال کوتاه آمدن مسئولان در مقابل فشارهای بین‌المللی مبنی بر پذیرش آتش‌بس است و خبر دادند که رزمنده‌ها می‌گویند ما حاضر نیستیم بدون تحقق اهداف اعلام شده دفاع به خانه‌ها برگردیم. فراوانی این گونه مراجعات احتمال برنامه‌ریزی را تقویت می‌کند و می‌تواند طبیعی هم باشد. من هم برایشان صحبت کردم* و گفتم در آینده همه چیز برای شما روشن می‌شود. انتظار نداشته باشید همه مسائل جنگ را در سخنرانی عمومی یا مصاحبه‌ها بشنوید.

آقای مهندس [کاظم]سیفیان معاون شهرداری تهران آمد و از مشکلات شهرداری و مقررات دست و پاگیر گفت. آقای چهپور آمد و مقداری دلار را که از زمان آیت‌الله [سیدمحمود]طالقانی باقی مانده بود، تحویل داد. در حدود بیست و یک هزار دلار بود که آنها را در صندوق مجلس به آقای [مصطفی]کتیرائی سپردم؛ قرار شد که فی‌سبیل الله مصرف شود و گفت مقداری طلا و... مانده است که گفتم در راه خدا مصرف کند.

شب به خانه آمدم. تلویزیون مصاحبه آقای [احمد]عباسی داماد آقای شریعتمداری را گذاشت. اعتراف کرد که آقای شریعتمداری در متن توطئه کودتا بوده و با یکی از کشورهای خلیج فارس هم ارتباط داشته است.

چهارشنبه ۸ اردیبهشت

تا ساعت ده و نیم در خانه ماندم. به ورزش، مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده پرداختم. آقای [شیخ محمد]هاشمیان آمد و گزارشی از اوضاع رفسنجان داد و گفت، همه چیز خوب و رو به راه است.

احمد آقا آمد و از جریان مذاکراتش با آقای [احمد]عباسی داماد آقای شریعتمداری گزارشی داد و گفت که امروز او را برای مواجهه با آقای شریعتمداری به قم برده‌اند.

خانم شهید مطهری آمد و تقاضای صدور پیام امام برای سالروز شهادت آقای مطهری و ملاقات با امام را داشت که به احمد آقا گفتم.

ساعت یازده صبح برای شرکت در جلسه کمیسیون آیین نامه به مجلس رفتم. به آیین نامه جدید، چند ایراد از طرف شورای نگهبان گرفته شده است که برای اصلاح بحث کردیم، تمام نشد. پنجاه تومان هم به خاطر تأخیر جریمه شدم.

عصر گروهی از نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان آمدند و راجع به مدیریت دانشگاه‌ها و شرایط دانشجو و استاد برای آنها سخنرانی کردم[1].

اول شب گروهی از فرماندهان سپاه پاسداران در شهرستان‌ها به منظور اعتراض به اساسنامه سپاه که در دستورکار مجلس است، آمدند ولی حرف مهمی نداشتند. در بحث قانع شدند و قرار شد که نوار صحبت را برای رفقایشان که برای استمداد از آیت‌الله منتظری به قم رفته‌اند، بگذارند. شب در مجلس خوابیدم. آقای [محمد]موسوی خوئینی‌ها بخشی از اسناد لانه جاسوسی را در مورد آقای شریعتمداری، در تلویزیون افشاگری کرد.

پنجشنبه ۹ اردیبهشت

جلسه علنی داشتیم و اساسنامه سپاه در دستور بود[2]. قبل از جلسه درباره اتقان اساسنامه و

---

۱ - در این سخنرانی درباره انقلاب فرهنگی، موضع گزینش در دانشگاهها و ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران بحث شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - لایحه اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای اصل یکصدوپنجاهم قانون اساسی ارائه شد. در این اصل آمده است: "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ارائه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا برجا می‌ماند، حدود و وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو و مسئولیت نیروهای مسلح دیگر، با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها، به وسیله قانون تعیین می‌شود". در اجرای اصل مذکور و با توجه به اهمیت و گستردگی وظایف سپاه و مشکلات و نواقص این نهاد

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

بی‌جهت بودن موج نارضایتی در سپاه صحبت کردم که فکر می‌کنم مؤثر است[۱].

ظهر آقای [عبدالله]دکتر جاسبی آمد و ازکم توجهی آقای نخست وزیر نسبت به حوزه‌کاری‌اش شکایت داشت[۲].

آقای اعتمادیان رئیس اوقاف آمد و خواست که در نماز جمعه، مردم را با مسائل وقف آشنا کنم. درباره آیت‌الله شریعتمداری و اوقاف در سالهای پیش از انقلاب نیز صحبت‌هایی کرد.

عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم. سپس کمیته تحقیقات حزب آمدند و گله داشتند که آمار آنها مورد استفاده دولت و حزب قرار نمی‌گیرد.

اوّل شب با ستاد انقلاب فرهنگی در دفتر رئیس جمهور جلسه داشتیم که طرحی برای شورای عالی فرهنگی داشتند. تا حدودی به توافق رسیدیم که مرکب از ستاد، نمایندگان دولت و منتخبان اساتید باشد.

راجع به دانشگاه آزاد [اسلامی]که من پیشنهاد کرده‌ام بحث شد. کار مهمی است و احتیاج به توضیح دارد. دیگران به تدریج به اهمیت آن پی می‌برند و همکاری می‌کنند. سپس به دیدن والده به خانه اخوی محمد رفتم که چشمشان عمل شده و حالشان خوب است.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و مسأله هماهنگی آن با سایر نیروهای نظامی و انتظامی، مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۱/۶/۱۵ این لایحه راکه مشتمل بر ۵ فصل و ۴۹ ماده و ۱۵ تبصره است از تصویب گذراند. در قسمتی از این قانون آمده است: "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن وکوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی وگسترش حاکمیت قانون خدا، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران در تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد".

۱ - در این نطق آمده است: من در مجموع این حرکت (تصویب اساسنامه سپاه) را در جهت خیر و صلاح سپاه می‌دانم. سپاه از حدود و حقوق و ضوابطی فعلاً برخوردار می‌شود که تاکنون قانوناً نداشته و این اولین قدم در راه تحکیم موقعیت و تثبیت رسالت سپاه است و ان‌شاءالله رو به تکامل است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰ گفتنی است، دلیل نارضایتی در سپاه، انتظارات زیادی بود که این نیروها داشتند و به کار در حدود مقررات و قوانین عادت نکرده بودند. این نیروها فکر می‌کنند با تصویب اساسنامه سپاه آنان محدود خواهند شد و نخواهند توانست مسئولیت‌های انقلابی خود را به انجام برسانند.

۲ - در آن هنگام دکتر عبدالله جاسبی معاون نخست وزیر و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور بود.



دیدار با گروهی از طلاب حوزه علمیه قم

جمعه ۱۰ اردیبهشت

صبح زود خبر دادند که نیمه شب عملیات وسیع نیروهای ما علیه عراقی‌ها در جنوب خوزستان شروع شده است[۱]. می‌خواهند خرمشهر را بگیرند و آنها را از خوزستان بیرون کنند. آزادی خرمشهر برای ما خیلی مهم و سرنوشت‌ساز است. همه امکانات را بسیج کرده‌ایم که نیروها بتوانند این شهر استراتژیک را از چنگ دشمن آزاد کنند. اطمینان دارم که در این عملیات خرمشهر را آزاد خواهیم کرد. فکر می‌کنم با آزادی خرمشهر سرنوشت جنگ به نفع ایران رقم خواهد خورد. با جبهه‌ها تماس گرفتم که معلوم شد، طبق برنامه پیش رفته‌اند ولی در جبهه کرخه نور تلفات داده‌ایم و متوقف شده‌ایم.

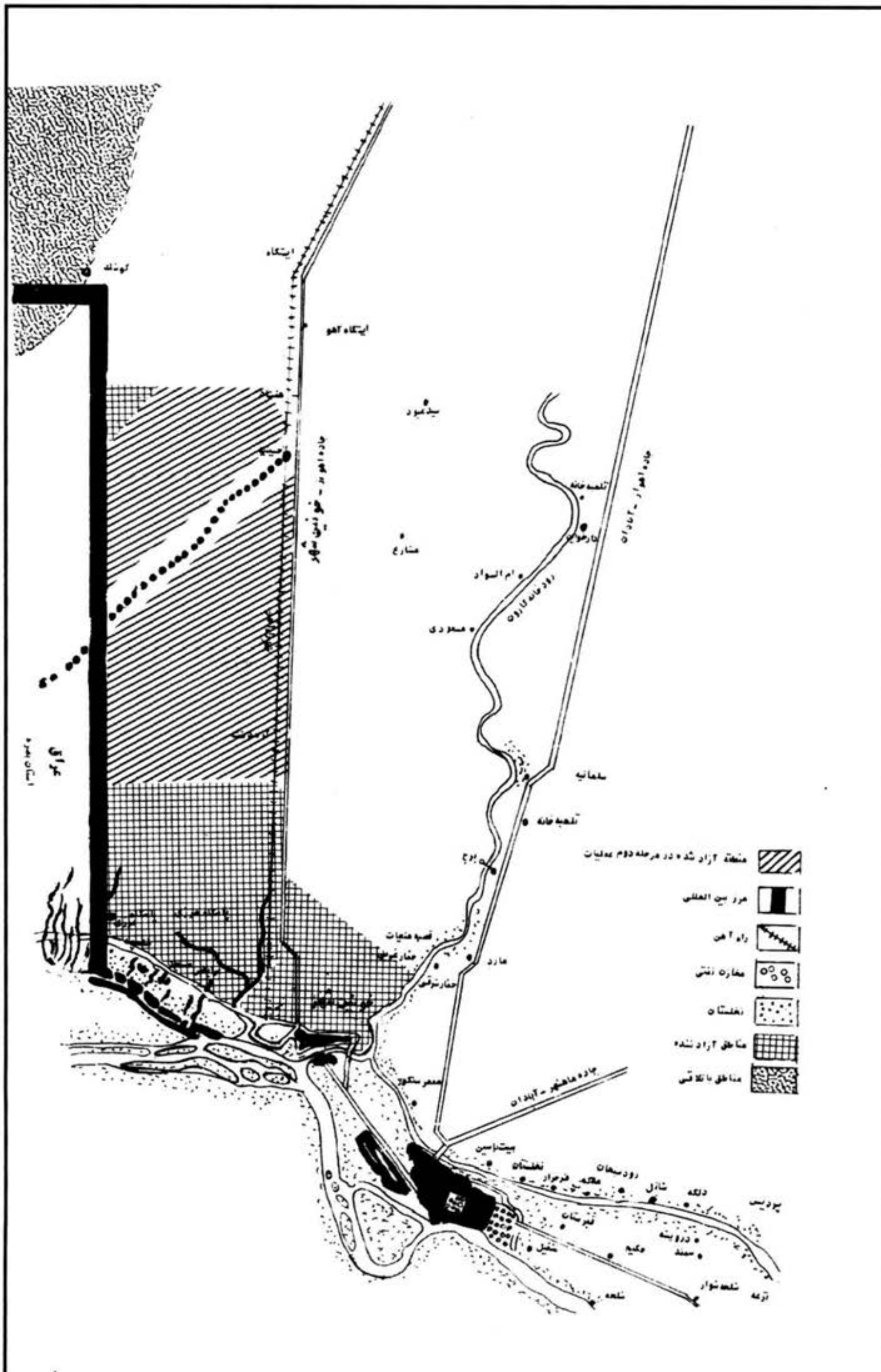
[اقامه] نماز جمعه را به آقای امامی کاشانی واگذار کردم و در خانه ماندم. احمد آقا آمد و درباره پخش مصاحبه جدید آقای شریعتمداری مشورت کردیم. شب بچه‌ها و سعید و حمید [لاهوتی] بودند. عفت همراه خانواده آقای مطهری به قم رفته بود و آخر شب آمد.

در اخبار جنگ اعلام شد که بیش از سه هزار نفر اسیر گرفته‌ایم و اراضی بین کارون و جاده اهواز ـ خرمشهر را با هشتاد کیلومتر از همان جاده، آزاد کرده‌ایم. مصاحبه‌ای با مجله پاسدار انقلاب درباره جنگ انجام دادم[۲].

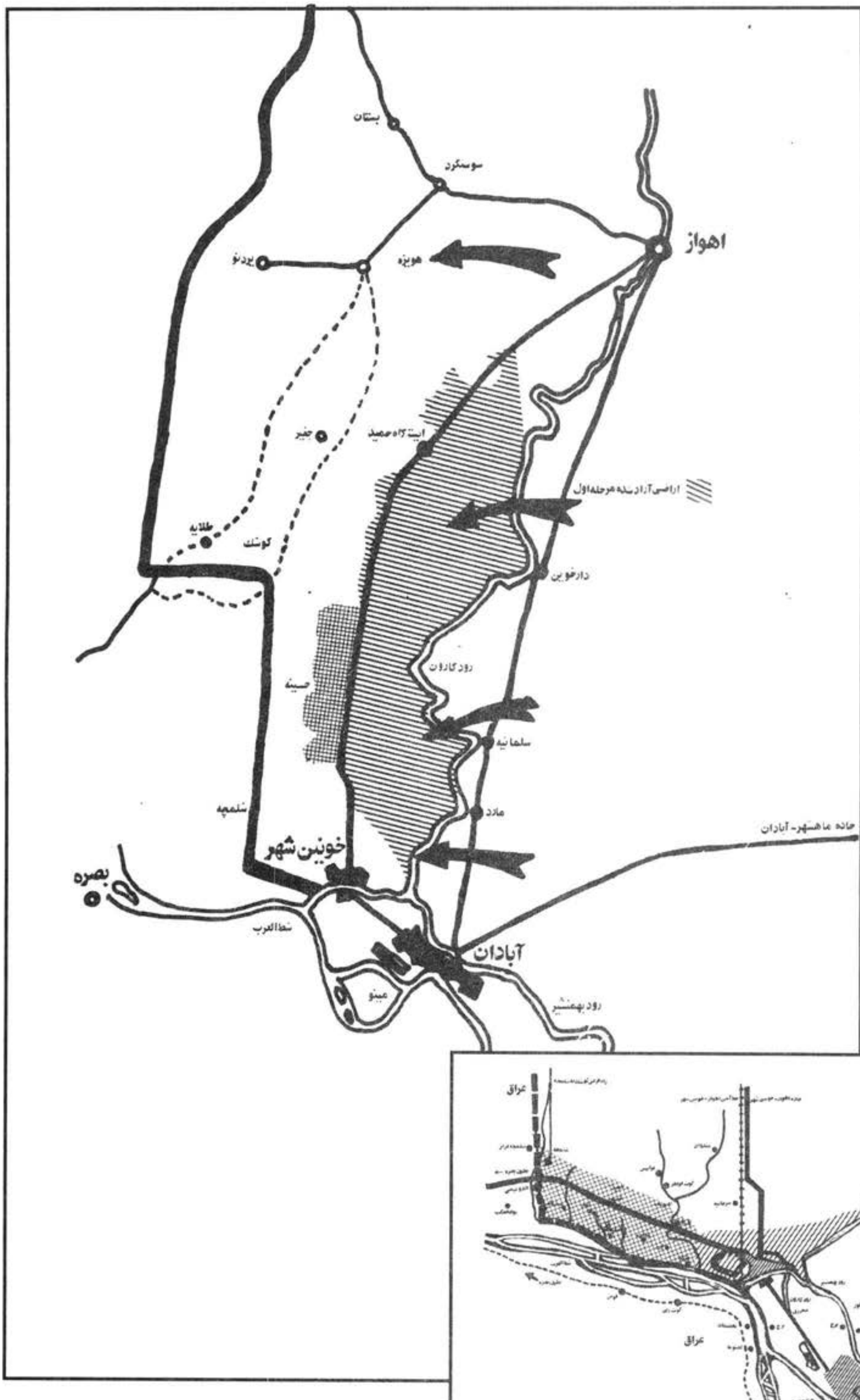
---

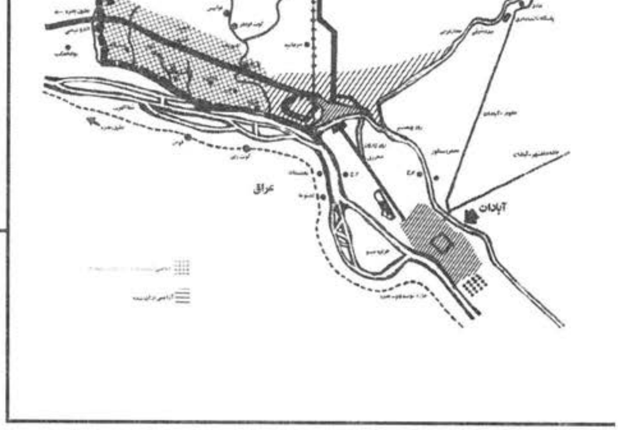
۱ ـ عملیات بیت‌المقدس در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ در منطقه غرب کارون، جنوب غربی اهواز و شمال خرمشهر با رمز یا علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام و با هدف آزادسازی خرمشهر، پادگان حمید، هویزه، جفیر و حسبیه به مدت ۲۵ روز طی سه مرحله انجام شد. وسعت منطقه عملیاتی ۶۰۰۰ کیلومتر مربع بود. در این عملیات شهر بندری خرمشهر و شهر هویزه و پادگان حمید آزاد شد. همچنین جاده مهم و تدارکاتی اهواز ـ خرمشهر ـ کرخه نور و همچنین جاده سوسنگرد ـ هویزه از کنترل دشمن خارج گردید.

۲ ـ در این مصاحبه درباره نقشه تجزیه ایران، نقش بنی‌صدر در این توطئه، نقش بنی‌صدر در جنگ، جبهه متحد ضدانقلاب در جنگ، بنی‌صدر و نیروهای مسلح، توطئه فلج کردن نیروی هوایی و آغاز مقاومت بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



نقشه عملیات افتخار آفرین بیت المقدس


بستان
سوسنگرد
اهواز
یزدنو
هویزه
ایستگاه حمید
جفیر
اراضی آزاد شده مرحله اول
طلائیه
کوشک
دارخوین
رود کارون
حسینیه
سلمانیه
مارد
شلمچه
جاده ماهشهر- آبادان
خونین شهر
بصره
شط العرب
آبادان
مینو
رود بهمنشیر


عراق
عراق
آبادان

شنبه ۱۱ اردیبهشت

در خانه ماندم: مطالعه، پیاده روی، و انجام کارها با تلفن. طرح نظام بانکی و لایحه قانونی اصل ۴۹ را مطالعه کردم. اولی خوب است و دومی بد نوشته شده است و اعتماد اقتصادی را به هم می‌زند.

با قرارگاه کربلا در جبهه صحبت کردم. قرار بود دیشب خرمشهر را باز پس بگیریم که به امشب یا فردا شب موکول شده است. در جبهه فکه هم عملیاتی داشته‌اند و هفتصد عراقی را اسیر کرده‌اند.

امام با کارگران به مناسبت روز کارگر ملاقات داشتند و صحبت‌های خوبی کردند. اول شب به دفتر امام رفتم. فیلم مصاحبه با آقای شریعتمداری را که آقای ری‌شهری انجام داده، دیدیم. اقرار به اطلاع و دادن پول (نه به عنوان کودتا بلکه برای خرید خانه) دارد و از امام طلب عفو و تخفیف تبلیغات دارد. یک نظر این است که قسمتی از آن حذف شود و از امام هم همین نظر را نقل می‌کنند؛ نظر دیگر این است که اگر بدون سانسور پخش شود، معتبرتر است. قرار شد فردا شب پخش شود.

آقای سرهنگ سلیمی وزیر دفاع، در مورد فرستادن کارآموز به شوروی برای دیدن دوره موشک ضد هوایی سام ۶ تلفنی نظر خواست که نظر موافق دادم.

شب جواب سئوالاتی را که از حزب توسط فاطی راجع به انجمن حجتیه و توابین گروهک‌ها و انتخابات میان دوره‌ای ارسال شده بود، دادم. خانم مطهری از امام برای سالگرد شهادت ایشان پیام می‌خواهند که امام به صحبت در مراسم ملاقات اکتفا کردند.

یکشنبه ۱۲ اردیبهشت

تا ساعت سه ونیم بعد از ظهر در خانه ماندم. [برنامه] مطالعه و نوشتن و ورزش داشتم. اول وقت با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد دیشب عملیات محدودی در شمال خرمشهر داشته‌ایم و صدها اسیر گرفته‌ایم.

تلفنی با حاجیه والده صحبت کردم. قرار شد که عصر به دیدن ایشان بروم. گزارش‌های مراکز خبری دنیا را خواندم. هنوز پیروزی اخیر ما کاملاً برایشان روشن نیست و عراق مدعی شکست

حملات ماست.

امروز جلسه علنی مجلس را به مناسبت روز معلم و کارگر و شهادت آقای مطهری تعطیل کرده‌ایم. آقای [رضا]سیف‌اللهی[1] از تبریز تلفن کرد و از کشف و دستور عملیات در مورد یکی از مراکز اصلی محاربان خبر داد.

عصر به دیدن والده در منزل اخوی محمد رفتم و سپس به مجلس برای سر زدن به کارها. پس از آن به مدرسه عالی شهید مطهری برای سخنرانی در سمینار سالگرد شهید مطهری رفتم که به خاطر باران شدید از سخنرانی خودداری کردم.

به شورای مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] رفتم. درباره کاندیداهای مجلس بحث و تصمیم‌گیری شد و سپس در جلسه مشورتی سران سه قوه شرکت کردیم. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر هند را داد که موفقیت آمیز بوده است. درباره آزاد شدن مسافرت از ایران و به ایران و محاکمه یا عدم محاکمه آقای شریعتمداری بحث کردیم و فیلم مصاحبه اعترافات ایشان را دیدیم. شام را خوردیم و به خانه آمدم.

خبر دادند که امروز بیش از بیست خانه تیمی ضدانقلاب با درگیری گرفته شده است. چهل نفر از کادرهای بالا کشته و هفده نفر دستگیر شده‌اند. دو سه خانه هم در محاصره است که احتمالاً مرکزیت آنها در آنجا باشد. مجهز به آر.پی.جی هستند.

دوشنبه ۱۳ اردیبهشت

صبح زود با جبهه تماس گرفتم. گفتند، دیشب از طرف ما فعالیتی نبوده و دشمن دو پاتک داشته که دفع شده است. دشمن در مدخل خرمشهر آب انداخته که از حمله محفوظ باشد. تا عصر در خانه ماندم. کار مهمی نداشتم و به مطالعه و استراحت پرداختم. نزدیک غروب از طرف مجله سپاه پاسداران (پیام انقلاب) آمدند و مصاحبه‌ای طولانی شد[2].

---

۱ - آقای رضا سیف‌اللهی در آن سال مسئول حفاظت و اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

۲ - در این مصاحبه که در تاریخ ۶۱/۲/۲۵ مجله پیام انقلاب ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است درباره موضوعات

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

اول شب سرهنگ سلیمی وزیر دفاع تلفن کرد و گفت، هواپیمای حامل [محمدصدیق بن یحیی] وزیر خارجه الجزایر به محض ورود به خاک ایران مورد تعقیب دو جنگنده عراق قرار گرفته و با راهنمایی برج مراقبت پایگاه تبریز اطلاع خطر را به او داده است.

سه شنبه ۱۴ اردیبهشت

صبح زود به مجلس رفتم. در بیانیه وزارت خارجه درباره سقوط هواپیمای الجزایری توسط عراق و کشته شدن سرنشینان آن ـ که چهارده نفر بودند ـ پخش شد. پیش از شروع جلسه علنی با مهندس [میرحسین]موسوی و دکتر ولایتی مذاکره تلفنی کردم و اخبار را گرفتم. پیش از دستور، این عمل زشت عراق را محکوم کردم و آن را نشان سردرگمی سران آن کشور دانستم[1]. پیش از آن که عراق چیزی بگوید، لازم بود که ما اعلام کنیم. نقص کار وزارت خارجه این بوده که سفارت الجزایر را دیر مطلع کرده است که مورد اعتراض آنهاست.

طرح اساسنامه سپاه در دستور بود و سپس چند لایحه تصویب شد. بعد از ظهر روحانیون عراق (جماعة العلماء) آمدند و از این که آقای حکیم به آنها کم بها می‌دهد، گله داشتند. ایجاد توافق و همکاری بین نیروهای اسلامی عراق بسیار مشکل است. آنها را نصیحت کردم و گفتم که آقای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

نهضت‌های آزادیبخش سپاه، تشکیل تیپ‌های قدس و گردان جولان، مصلحت اندیشی بعضی از مسئولان، آینده عراق، تغییر سیستم اداری کشور، حل مساله زمین و مسکن، برنامه‌های مجلس در جهت رفاه مستضعفین، بازسازی ارتش، جذب نیروهای بی‌تفاوت، تقویت تشکیل‌های اسلامی، اثرات نمازجمعه، ازدواج جوانان، حل مسائل اقتصادی و توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب اسلامی مطالبی بیان شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ ـ در این نطق آمده است: پیروزی چشمگیر سپاه اسلام در عملیات بیت‌المقدس برای ناظران و کسانی که حزب بعث عفلقی را می‌شناختند این نگرانی را ایجاد کرده بود که عراق و حکام بعثی با مشاهده این حرکت وسیع نیروهای اسلام دچار اضطراب و جنون می‌شوند و دست به عملیات جنون‌آمیزی می‌زنند. اما کسی فکر نمی‌کرد که جنون صدام به این اندازه اوج بگیرد که هواپیمای وزیر خارجه دولت دوست و انقلابی الجزایر را به جرم اینکه به ایران انقلابی مسافرت می‌کند، مورد هجوم قرار بدهد و وزیرخارجه و همراهانش را در آتش خودش بسوزاند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

رئیس جمهوری مسئول هماهنگ کردن آنها هستند.

خانم آقای علی بابایی آمد و از توقیف اموال شوهرش گله داشت و تظلم می‌کرد. به او گفتم، که قبلاً توسط دکتر عالی به آقای علی بابایی پیغام داده‌ام که اگر با منافقان همکاری ندارد، ظاهر شود و کسی کاری با او ندارد، و بقیه مسائل هم حل خواهد شد.

جلسه [جامعه] روحانیت مبارز امشب در دفتر من تشکیل گردید و راجع به کاندیداهای [مجلس] خبرگان بحث و اتخاذ تصمیم شد. جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم در بیست مورد با لیست ما مخالفت کرده‌اند. جلسه تا ساعت دوازده طول کشید و شب را در مجلس خوابیدم.

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت

پس از نماز مشغول مطالعه شدم. اخبار مربوط به سقوط هواپیمای الجزایری را تعقیب کردم. گروهی از الجزیره برای تحقیق و بردن جنازه‌ها آمده‌اند. سوریه مثل ما موضع گرفته و عراق را مسئول دانسته است. بعضی از کشورها موضع منفی گرفته‌اند و بعضی بی‌طرفند. روزنامه‌های ترکیه هم شیطنت می‌کنند و بعضی‌ها هم اعتراف دارند. مسئله مهمی است و اگر خوب روشن شود که عراق مقصر است، ضربه بزرگی به صدام است.

در مجلس، جلسه علنی داشتیم. چند کار کوچک و سپس لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی مطرح و تقریباً نصف آن تصویب شد. بعد از ناهار و نماز و استراحت، جلسه هیئت رئیسه داشتیم که در آن، به امور اداری و برنامه‌های هفته آینده رسیدگی شد.

کمیسیون داخلی به این که طرح اطلاعات کل کشور را به سه کمیسیون داخلی، خارجی و دفاع داده‌ایم، معترض بود ولی اعتراض جواب داده شد. عصر، شاخه دانشجویان حزب جمهوری اسلامی آمدند و مفصلاً برای آنها صحبت کردم*. خانم‌ها از این که نقش واقعی اجتماعی زنان هنوز در انقلاب مشخص نشده گله داشتند و از این که جامعه ما زن غیر شاغل را برای ازدواج و همسری ترجیح می‌دهد، ناراحت بودند.

اول شب، اعضای شورای سرپرستی صداوسیما آمدند و از اظهارات اخیر امام که گفته‌اند سران سه قوه باید اعضای اصلی این شورا باشند تا سیاست واقعی کشور را به آنتن دیکته کنند، ناراحت بودند و آن را توهین به خود می‌دانستند و معتقد بودند که آقای [عبدالمجید]معادیخواه در دولت و


خونین شهر ما میائیم





احمد آقا در خدمت امام باعث این تصمیم گیری بوده‌اند. با بحث زیاد آنها را تا حدودی قانع کردم که قدم مثبتی است و به آنها گفتم از امام هم تقاضا می‌کنیم که نسبت به آنها جبران نمایند.

پنجشنبه ۱۶ اردیبهشت

جلسه علنی مجلس داشتیم. قبل از دستور، راجع به سقوط طیاره الجزایری صحبت کردم[1]. جنازه‌های الجزایری‌ها از مقابل مجلس تشییع می‌شد. به خاطر آنها تنفس اعلام و در مراسم شرکت کردیم. جمع زیادی از مردم بودند. گریه می‌کردند و شعار می‌دادند. آقای [حسن]روحانی نماینده سمنان و وزیر حمل ونقل الجزایر که سرپرست هیئت الجزایری بود صحبت کردند. ما صریحاً عراق را عامل معرفی می‌کنیم ولی الجزایری‌ها هنوز نظر نداده‌اند. من هم از مردم تشکر کردم.

دستور جلسه لایحه بازرگانی خارجی بود و آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها ادامه جلسه را اداره کرد. کسالت داشتم و برای استراحت رفتم و کمی خوابیدم. فاطی هم که در دفتر من بود، تحلیل‌های سیاسی بچه‌های حزب را تصحیح می‌کرد.

عصر کلاس درس مواضع [حزب‌جمهوری‌اسلامی] داشتیم. شاخه دانش آموزی حزب آمدند و چاره‌ای برای سربازی رفتن مسئولان شاخه می‌خواستند؛ امتیاز بی جا نباید داده شود.

استانداران ـ که این روزها سمیناری درباره تقسیمات کشوری داشته‌اند ـ آمدند و برای آنها صحبت کردم*. پیشنهاد داده‌اند، کشور ۳۶ استانداری و ۹ ولایت داشته باشد. گروهی از اعضای دایره سیاسی ایدئولوژیک ارتش آمدند و از موضع آقای صفایی گله داشتند. شب به خانه آمدم. امروز در فکه عملیات داشته‌ایم که در آن هفتصد نفر اسیر شده‌اند و نود تانک و نفربر غنیمت گرفته‌ایم.

---

۱ ـ در این نطق آمده است: امیدواریم دنیای اسلام و وجدان حق طلبان دنیا از این جنایت عظمی بیشتر به خود آیند و چهره فاشیستی صدام و حزب بعث عفلقی برای مردم بیش از پیش روشن شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمعه ۱۷ اردیبهشت

تا ساعت ده ونیم در خانه بودم، گروهی از مجروحان جنگ از بیمارستان شهدا آمدند. شخصی مدعی دیدن امام زمان و شفای پایش پس از قطع شدن آن بود. که می‌گفت با آن که خمپاره در پای اوست و استخوان‌ها را شکسته، معلوم نیست از کجا رفته چون پا را امام زمان بعد از قطع شفا داده. باید رسیدگی کنم.

در نماز جمعه شرکت کردم. خطبه اول در فضایل علی علیه‌السلام و خطبه دوم در مسایل روز و از جمله پیشرفت جنگ و وضع دشوار دولت بعث و منافقان[1]. اوائل صحبت خبر دادند که مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس شروع شده و در غرب کارون، در محدوده‌ای به عرض بیست کیلومتر به مرز رسیده‌ایم و به طرف شلمچه خواهیم رفت.

بعد از ظهر احمد آقا به منزل ما آمد و خبر داد که عراقی‌ها پاتک کرده‌اند و ما در شمال خرمشهر عقب نشسته‌ایم؛ موضوع را تلفنی پیگیری کردم که معلوم شد، خیلی مهم نیست و امشب جبران می‌شود.

شنبه ۱۸ اردیبهشت

صبح زود با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد که دوباره عراقی‌ها را عقب زده‌ایم و به جای دیروز برگشته‌ایم و [حدود] شصت نفر شهید و شصت نفر اسیر داده‌ایم. آقای [ابولفضل]توکلی مسئول مستغلات بنیاد [مستضعفان] که از سفر آمریکا برگشته بود، آمد و گزارش کار و املاک بنیاد خود و وضع دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا را داد.

احمد آقا و آقای [علی] حجتی کرمانی هم آمدند. آقای حجتی اظهار ناراحتی می‌کرد و کاری

---

۱ - در خطبه اول محور بحث تشریح فضایل و مکارم حضرت امام علی علیه‌السلام و تواضع آن حضرت در دوران اقتدار بود و در خطبه دوم درباره سالگرد شهادت استاد مطهری، شروع عملیات بیت‌المقدس، واکنش‌های دشمنان داخلی، سقوط هواپیمای هیأت الجزایری، توصیه به امت قهرمان در مورد رسیدگی به رزمندگان اسلام و بخشش کسانی که از سرگمراهی غیبت مسئولان را کرده‌اند، بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

می‌خواست. احمد آقا خبر داد که عراقی‌ها از پادگان حمید و هویزه فرار کرده‌اند. در تماس با جبهه، این خبر تأیید شد. این حادثه مهمی است که نظامیان عراق فرار کرده‌اند و نیروهای ما آنها را تعقیب کرده‌اند. در جفیر نیز درگیر شده‌ایم.

عصر ناخدا [دکتربهرام]افضلی و آقای [محمدعلی]الهی فرمانده نیروی دریایی و مسئول سیاسی ایدئولوژیک آمدند و گزارشی از وضع نیروی دریایی دادند؛ گویا افرادی با آنها مخالفت دارند و می‌خواستند زمینه سازی کنند که حرف‌های آنها را نپذیریم.

شب آقای منتظری تلفن کردند و پیشنهاد دادند که سریعاً به منظور سقوط صدام وارد خاک عراق شویم. خبری تأیید نشده رسید که یک هلیکوپتر عراقی در خاک ایران، فرود آمده و عده‌ای از مسئولین عراقی پناهنده شده‌اند. گفتم که تحقیق کنند. شایعه‌ای مبنی بر ناپدید شدن صدام هم هست.

یکشنبه ۱۹ اردیبهشت

به جلسه علنی مجلس رفتم که ساعت هفت ونیم شروع شد. پیش از دستور، راجع به پیروزی عملیات بیت‌المقدس و فرار نیروهای عراقی از پادگان حمید، هویزه و جفیر صحبت کردم[1]. بحث درباره لایحه بازرگانی خارجی بود که تمام نشد. ظهر و عصر چند ملاقات داشتم.

ساعت پنج بعد ازظهر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. دو نفر از اعضا ـ آقایان [مسیح]مهاجری و [علیرضا]محجوب ـ به عنوان اعتراض به کاندیداهای حزب برای تهران استعفا کرده‌اند. عملی نادرست و غیر حزبی کرده‌اند و مطالب دیگری هم در دستور بود که انجام شد.

---

۱ ـ در این نطق آمده است: همین صدام است که دو سال پیش به خاطر خلق کردن قادسیه جدید از ارتش عراق تشکر کرد و خودش را قهرمان قادسیه زمان معرفی کرد. فراری که دیروز تحت فشار و زیر رگبار مسلسل نیروهای پیاده اما انجام گرفته است، فرار عادی نیست. کاری که صدامیان با پادگان حمید و هویزه و قبلاً با خرمشهر و قصر شیرین و جاده ما و خط آهن‌ها و حتی تیر چراغ برق‌ها انجام داده‌اند، چیزی نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. نه، ما اینها را به حساب صدام و در لیست طلب خودمان بابت خسارت جنگ قرار می‌دهیم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

سپس در جلسه مشورت سران قوه‌ها شرکت کردم. آقای دکتر ولایتی گزارش سفر خود، به سوریه و الجزایر را داد. الجزایری‌ها محافظه کاری می‌کنند و موضعشان را درباره سقوط هواپیمای [محمد صدیق]بن یحیی [وزیر خارجه الجزایر] مشخص نمی‌کنند. سوری‌ها موضع خوبی گرفته‌اند و قول همکاری بیشتری می‌دهند. درباره بسیاری از مسایل بحث کردیم، شام را همان جا خوردیم و ساعت دوازده شب به مجلس رفتم و اخبار را از رادیو شنیدم.

امروز سومین مرحله عملیات ما برای پس گرفتن خرمشهر آغاز شده و مقداری پیش روی کرده‌ایم. می‌گویند که عراقی‌ها دارند فرار می‌کنند. صدام سخنرانی کرده و از عقب نشینی به موقع نیروهایش تقدیر کرده است. امروز ناگهان دچار دردکمر شده‌ام؛ سابقه هم دارد.

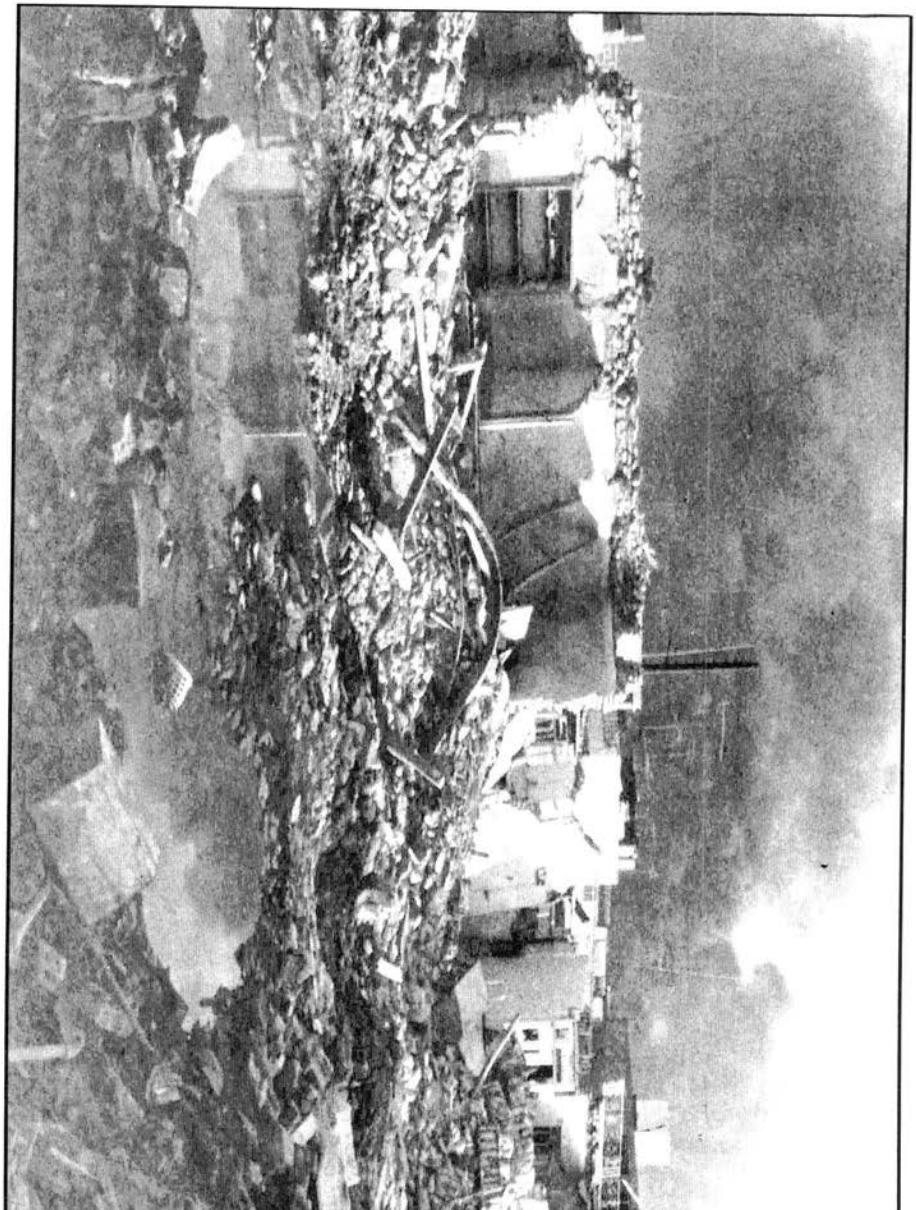
دوشنبه ۲۰ اردیبهشت

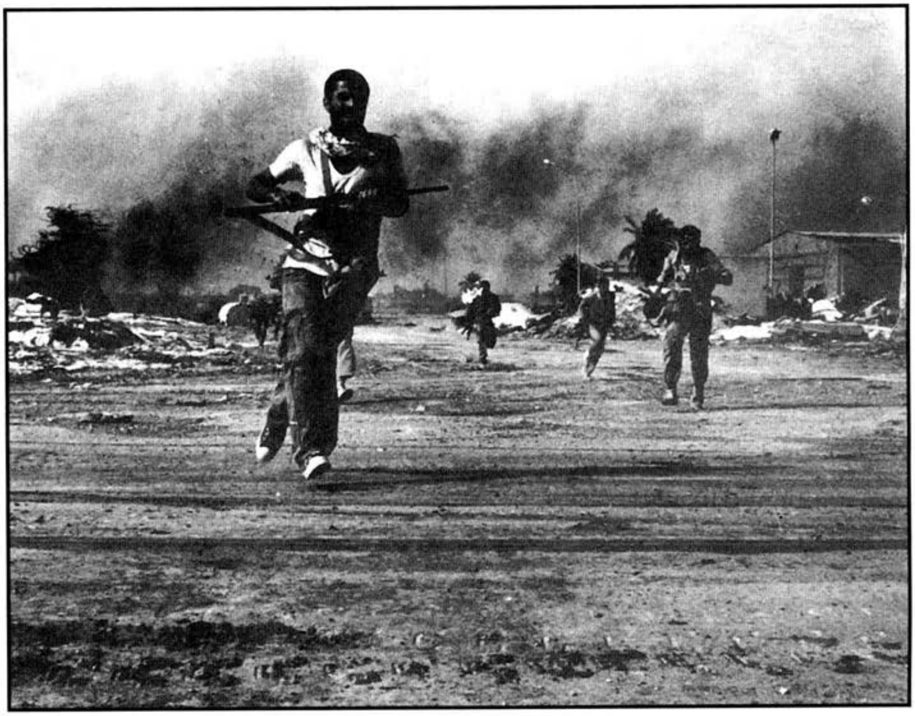
تا ساعت نه ونیم صبح مطالعه کردم. سپس آقای [عبدالله]جاسبی آمد و طرحی برای دانشگاه آزاد اسلامی ـ که پیشنهاد آن را قبلاً مطرح کرده‌ام ـ آورد که جالب نبود و قرار شد ـ با توضیحاتی که دادم ـ دوباره آن را بنویسند.

ساعت ده به کمیسیون آیین نامه برای اصلاح اعتراضات شورای نگهبان رفتم. بعد ازظهر در جلسه نمایندگان عضو یا هوادار حزب جمهوری شرکت کردم و درباره جنگ، وضع موجود جبهه‌ها و برنامه‌های آینده سخنرانی کردم*.

عصر یاسر و مهدی و عفت به مجلس آمدند که پیش من باشند. خیلی خوب شد زیرا تنها بودم و دردکمر داشتم و چون فردا هم جلسه داریم، نمی‌خواستم به خانه بروم. در دفتر من، به خاطر محدودیت‌ها به آنها خوش نمی‌گذرد.

شب با رئیس جمهور جلسه خصوصی داشتیم و یکی دو ساعت درباره حزب و اعضای دولت و... صحبت کردیم. قرار شد ایشان ـ که دبیر کل حزب هستند ـ وقت بیشتری روی حزب بگذارند و افراد صد درصد مطمئن را به کارگردانی امور بگمارند. عصر آقای [عباس]هنردوست از وزارت نفت آمد و اطلاع داد که به اندازه امکان صدور، نفت فروخته‌ایم و در دو سه ماه آینده نمی‌توانیم بیشتر بفروشیم، در حالی که مراجعه برای خرید نفت زیاد است. او مدعی است که در حال حاضر، امکان تولید بیش از سه میلیون بشکه در روز نداریم. شب در مجلس خوابیدم.







صحنه هایی از نبرد خرمشهر پیش از فتح

سه شنبه ۲۱ اردیبهشت

ساعت هفت و نیم به جلسه علنی رفتم. لایحه دولتی کردن تجارت خارجی تصویب شد. بعد از تنفس، اداره جلسه را به عهده آقای [محمد موسوی] خوئینی‌ها گذاشتم. لایحه معادن مطرح شد. در جلسه شرکت نداشتم و در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم.

از جبهه‌ها اطلاع گرفتم. محاصره خرمشهر را تنگ‌تر کرده‌ایم و کمی از مرز به طرف عراق رفته‌ایم.

ظهر مهندس [مهدی]بازرگان[1] و دکتر [ابراهیم]یزدی آمدند و از فشار حزب‌الله برآنها گله داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. گفتم مردم شما را همکار بنی‌صدر و منافقین می‌دانند و طبعاً عکس‌العمل نشان می‌دهند. شما اگر به راستی جمهوری اسلامی را قبول دارید و آنها را قبول ندارید، موضع‌گیری کنید والا کاری نمی‌توانیم بکنیم. به آنها گفتم که رفتارتان جوری است که اگر بنی‌صدر ـ به فرض محال ـ برگشت، بتوانید با او کار کنید؛ اشتباه می‌کنید.

گروه انجمن اسلامی مخابرات عصر آمدند و از وزیر شکایت داشتند. سپس مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره انقلاب فرهنگی داشتم* وگروهی از مردم استان تهران آمدند و برایشان سخنرانی کردم*. آقای [رضا]امراللهی مسئول انرژی اتمی آمد و ضمن ارائه گزارشی درباره ادامه کار نیروگاه بوشهر، تأیید ما را می‌خواست.

شب به خانه آمدم. والده، همشیره‌ها و بستگان مهمان ما بودند.

---

۱ ـ مهندس مهدی بازرگان (۱۳۷۲-۱۲۸٦) رهبر نهضت آزادی ایران در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام خمینی به عنوان رئیس دولت موقت منسوب شد. اما که پس از ماجرای تصرف سفارت آمریکا در تهران استعفاء گردید.

مهندس بازرگان در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی به مجلس راه یافت و به همراه هم فکران خود از قبیل ابراهیم یزدی، علی اکبر معین‌فر، هاشم صباغیان، احمد صدر حاج سید جوادی، سحابی و کاظم سامی فراکسیون اقلیت دوره اول مجلس را تشکیل داد. مهندس بازرگان تا پایان عمر به عنوان اپوزیسیون قانونی بعد شبهه قانونی فعالیت می‌کرد و به انتقاد از عملکرد مسئولان نظام جمهوری اسلامی می‌پرداخت که در برخی مواقع، با پاسخ امام خمینی(ره) مواجه می‌شد. وی پس از بیماری برای مداوا به سوئیس منتقل و در سال ۱۳۷۲ از آنجا درگذشت.

* ـ خوانندگان محترم که متن این مصاحبه یا نوار آن را در اختیار دارند با صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴٦۴۸ دفترنشرمعارف انقلاب مکاتبه نمایند.

چهارشنبه ۲۲ اردیبهشت

تا ساعت نه در خانه استراحت داشتم. ساعت نه با آقایان خامنه‌ای و ناطق‌نوری خدمت امام رفتیم و راجع به انتخابات [مجلس] خبرگان بحث کردیم. امام موافقت کردند.

راجع به فتوای ایشان، در مورد این که استفاده از انفال در زمان غیبت برای عموم آزاد است، بحث و سؤال شد که آیا این فتوا زمان حکومت حقی مثل حکومت کنونی ایران را در برمی‌گیرد. امام جواب روشنی ندادند و خائفند که اگر صریحاً بگویند، دولت می‌تواند جلوی استفاده از انفال را بگیرد، حقوق بخش خصوصی پایمال شود؛ ظاهراً مصلحت نمی‌دانند.

در دفتر امام گفته شد که عملیات بیت‌المقدس تاکنون پانزده‌هزار مجروح و سه هزار شهید داشته است. ولی شب که با آقای محسن رضایی صحبت کردم، رقم شهدا را چهارهزارو هفتصد و مجروحان را هفده هزار نفر اعلام کرد که اسفبار است.

بعدازظهر احمد آقا آمد و راجع به جامعه مدرسین [حوزه علمیه]قم و آقای شریعتمداری که می‌خواهد برای معالجه به خارج بروند صحبت کرد.

عفت و بچه‌ها برای کلاس به منزل آقای [عبدالمجید]معادیخواه رفتند و من و والده در خانه ماندیم. حادثه تازه و مهمی رخ نداده است. خبر کشف مرکز گروه پیکار[1] در شیراز و دستگیری شصت نفر از آنها پخش شد. در جبهه خبر مهمی نبوده، مگر نفوذ مختصری در خاک عراق و خبر تظاهراتی در شهرهای عراق علیه حکومت آن کشور.

---

۱ - "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تشکیلاتی بود برآمده از درون سازمان مجاهدین خلق و از تبعات التقاط حاکم برآن سازمان. تقی شهرام، عضو قدیمی سازمان که در سال ۱۳۵۰ دستگیر شده بود، در زندان تغییر مرام داد و مارکسیست شد و پس از فرار از زندان ساری در بهار ۱۳۵۲ به مرکزیت سازمان راه یافت و به تدریج ارتداد را حاکم ساخت. جمعی از اعضای دیگر نیز در زندان مرتد شدند. پس از فعل و انفعالات بسیار، از جمله ترور و حتی لو دادن عناصر مذهبی به ساواک، ترکیب مارکسیستی سازمان چند پاره شد که مهمترین پاره آن، متشکل از مارکسیست‌های خارجی و درون زندان، "سازمان پیکار" نامیده شد. این گروه با گرایش به نوعی کمونیسم چینی، در جریان تئوریهای سیاسی بنی‌صدر، با لیبرالها نیز همسو شد. سرانجام مرکزیت گروه پیکار در زمستان ۱۳۶۰ متلاشی شد و رهبران آن به دام افتادند.

پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت

جلسه علنی داشتیم. لایحه معدن مطرح بود. پیش از ظهر آقای [حسن]حبیبی آمد و نظر امام را درباره ترکیب ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش گفت. قرار شد که من با امام صحبت کنم. آقای شیخ [محمد]جعفر شمس‌الدین از لبنان ظهر آمد و حمایت از آقای [محمدمهدی]شمس‌الدین را درخواست کرد. درباره پذیرفتن دعوت آقای [احمد]سکوتوره از آقای شیخ شمس‌الدین مشورت می‌کرد که من نظر موافق خود را اعلام کردم.

عصر کلاس [درس]مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم و سپس آقای [محمد علی]نجفی وزیر علوم آمد و راجع به شورای عالی آموزش و خیلی چیزهای دیگر مطالبی مطرح شد. مربیان هلال احمر آمدند و گزارشی از خدمات خود دادند که جالب بود. عبایی به آقای [حسن]فیروزآبادی سرپرست سازمان هدیه دادم.

شب آقای ترابی از دفتر مشاورت امام آمد و راجع به ارتش مطالب جالبی داشت. مخصوصاً از معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی که توجهی به خودکفایی ساخت قطعات ندارد.

شب به منزل رفتم، یاسر و مهدی از منزل فاطی آمدند. یاسر به خاطر این که فاطی او را به کتابخانه مورد نظرش نبرده بود، قهر کرده و گریه و بداخلاقی داشت و با همین حال خوابید.

جمعه ۲۴ اردیبهشت

[اقامه] نماز جمعه را به عهده آقای [محمد مهدی]ربانی املشی گذاشتم. تا ساعت یازده مطالعه و پیاده روی داشتم و ظهر همراه با خانواده و همسر شهید مطهری به کرج رفتیم. مهمان آقای [حسین فریدون]روحانی فرماندار کرج بودیم. آقایان [عبدالکریم] موسوی‌اردبیلی، [عبدالمجید]معادیخواه، [علی‌اکبر]ناطق‌نوری و دکتر [حسن]روحانی هم بودند. تا غروب آنجا ماندیم. مقداری باران آمد و هوا خوب بود.

شب به خانه آمدم و به اخبار صداوسیما گوش دادم. با جبهه تماس گرفتم و معلوم شد در طلائیه، عراق به ما حمله کرده و خاکریزی تصرف کرده و چند نفر از ما اسیر گرفته است. احتمالاً برای منصرف کردن فکر ما از خرمشهر دست به این کار زده است.

شنبه ۲۵ اردیبهشت

تمام وقت در منزل ماندم و مطالعه و استراحت داشتم. ظهر آقای بهزاد نبوی آمد و راجع به معرفی او به مجلس برای تصدی وزارت صنایع سنگین، نگران بود که مبادا مخالفان انحراف فکری و چپ‌گرایی را مطرح کنند و از من می‌خواست از او دفاع ایدئولوژیک کنم.

عصر رئیس پاسداران محوطه بیت امام و جماران آمد و مشکلاتی که در رابطه با انجام وظایف داشت، مطرح کرد. احمد آقا هم آمد و راجع به کاندیداهای مجلس خبرگان، نظر امام را گفت. من هم درباره شورای عالی آموزش و فرهنگ و طرحی که در جلسه مشورتی سران سه قوه تصویب شده بود و ستاد انقلاب فرهنگی آن را به امام گزارش داده است، توضیح دادم.

خبر مهمی نداشتیم. اعضای شورای حزب جمهوری [اسلامی] اصفهان آمدند و گزارشی از وضعشان دادند و راجع به نیازهای فکری حزب بحث‌هایی داشتیم.

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت

ساعت هفت و نیم برای جلسه علنی به مجلس رفتم. ادامه بحث درباره لایحه معدن در دستور بود و تصویب شد. بعد از تنفس جلسه را به عهده آقای [محمد]موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و برای انجام کارهای اداری به دفترم رفتم. گزارشها را مطالعه کردم. شورای همکاری خلیج فارس[1] ـ که پس از پیروزی ایران تشکیل شده ـ به علت اختلاف نظر درباره برخورد با ایران نتوانسته تصمیمی بگیرد. بعضی طرفدار دوستی با ایرانند.

در تنفس راجع به استعفای آقای [محمد]یزدی صحبت کردیم و قرار شد که پس بگیرند. [جامعه]مدرسین [حوزه علمیه] قم هم همین را خواسته‌اند. استعفای آقای [محمد]رجائیان [نماینده

---

۱ - شورای همکاری خلیج [فارس] یک سازمان منطقه‌ای است که کشورهای حاشیه خلیج فارس جز ایران در آن عضویت دارند. این شورا در زمان جنگ عراق با ایران بیشترین حمایت‌ها را از رژیم متجاوز بعثی کرد. مواضع این شورا پس از حمله عراق به کویت نسبت به ایران ملایم‌تر گردید اما هیچگاه این مواضع دوستانه نشد و موضوع سه جزیره ایرانی و ادعای امارات هنوز دستاویزی برای مخالفت این شورا با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

مردم زنجان] ـ که به خاطر اهانت آقای [علیرضا] یارمحمدی [نماینده مردم بم] داده است ـ مطرح و قرار شد که ایشان هم منصرف شود که انجام شد.

بعد ازظهر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. اعضای انجمن اسلامی مخابرات به خاطر تعویض یک مدیر کل در اداره شلوغ کرده‌اند و بی‌نظمی به وجود آورده‌اند و تعدادی از آنها بازداشت شده‌اند؛ حرف حسابی ندارند.

شب جلسه شورای مشورتی رؤسای سه قوه بود. تصمیم گرفتیم که مسافرت به خارج و ورود خارجیان را به ایران آزاد کنیم. برای خواب به مجلس رفتم.

عصر با کارکنان روابط عمومی مجلس ملاقات داشتم و راهنمایی‌ها و نصایحی کردم.

دوشنبه ۲۷ اردیبهشت

بعدازنماز و مقداری مطالعه در جلسه شورای اقتصاد شرکت کردم. بحث درباره حدود فعالیت بخش خصوصی در صنعت بود. بیشتر در کلیات و خطوط اصلی و حدود ثروت و آزادی‌های اقتصادی و... بحث شد. پیشنهاد اجازه فعالیت بخش خصوصی را در آموزش عالی دادم[۱].

ظهر به مجلس آمدم. بعد از ظهر در جلسه فاتحه خوانی هفتصد شهید عملیات بیت‌المقدس ـ که در مدرسه و مسجد شهید مطهری برقرار بود ـ شرکت و سخنرانی کردم و درباره آثار مثبت آن عملیات و ارزش شهید و شهادت صحبت کردم تا تسلیتی برای مردم و بازماندگان باشد. در این جلسه مراجعات فراوانی از سوی رزمندگان داشتم که تأکید بر ادامه جنگ داشتند و نسبت به کسانی که مصلحت ختم جنگ را مطرح می‌کنند اهانت می‌کردند. به آنها اطمینان دادم که شخص امام سیاست جنگ را زیر نظر دارند.

نزدیک غروب آقای [مرتضی]نبوی وزیر پست و تلگراف و تلفن آمد و شرح درگیری‌های

---

۱ - همین موضوع شروع بحث تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی است. در سال ٦١ که اغلب انقلابیون به دولتی کردن همه چیز نظر داشتند، سخن گفتن از خصوصی‌سازی در بخش آموزش عالی جسارت و جرأت فوق‌العاده‌ای طلب می‌کرد. اکنون به اثرات این پیشنهاد می‌توان واقف شد. میلیونها جوان در دانشگاه آزاد اسلامی بدون هیچگونه بار مالی برای دولت به تحصیل پرداخته‌اند و اکنون تعداد دانشجوی این دانشگاه بیشتر از دانشگاههای دولتی است و اثرات عمیق آن بر ارتقاء سطح علمی و توانایی‌های نیروی انسانی کشور در بحث توسعه، کاملاً مشهود است.

خود با انجمن اسلامی را داد و نگران بود. به او قول حمایت دادم. می‌گویند که با سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی کار می‌کند؛ این را اتّهام می‌داند. به او گفتم که اگر صحیح هم بود مانعی نداشت.
شب را بیشتر به تماشای تلویزیون و مطالعه گزارش‌ها گذراندم و در مجلس خوابیدم. امروز در منطقه کوشک حمله‌ای داشته‌ایم و ضربه‌ای به ارتش عراق وارد آمده است.

سه شنبه ۲۸ اردیبهشت

در جلسه علنی امروز چند لایحه تصویب شد و لایحه قصاص را برای تصویب به کمیسیون قضایی ارجاع کردیم. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتیم و در تنفس مجلس، برای جمعی از دانشجویان تربیت معلم ـ که تماشاچی جلسه بودند ـ درباره اهمیت مقام معلم صحبت کردم.
عصر ملاقاتی با آقای سعد مجبر سفیر لیبی داشتم. اطلاع داد که لیبی با سیاست ایران در جنگ موافق است و کمک می‌کند و پیشنهاد اقدام و همکاری برای ایجاد حکومت مردمی در عراق داشت.
آقای [سیدمهدی]هاشمی مسئول نهضت‌های آزادی‌بخش آمد. نگران تزلزل موقعیت کاریش بود که به او گفتم، منتظر بماند تا مجلس رابطه قانونی واحد را با ارگان‌های مملکتی مشخص کند. فعلاً این واحد تحت اداره سپاه است.
مسئولان واحد تحقیقات و اطلاعات نخست وزیری آمدند و راجع به ابعاد کار خود در خارج از کشور و تعیین تکلیف قانونی آن واحد نظر خواستند و خبر از توسعه کار و همکاری منابع قابل اطمینان در خارج می‌دادند.
جلسه شورای عالی دفاع داشتیم و راجع به عملیات بعدی برای آزادی خرمشهر و ورود به خاک عراق، مشمولان ۱۳۳۷ و پیش از آن و خیلی چیزهای دیگر تصمیم‌گیری شد.

چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت

تا ساعت سه بعد از ظهر در خانه بودم. مطالعه و پیاده روی و استراحت داشتم. پیش از ظهر چند نفر از جوانان قم آمدند و طرحی آورده بودند برای لباس مردان که جلوی تقلید از غرب را بگیرد.

راهنمایی‌هایی براساس معارف اسلام کردم که ساده باشد و زیبا و بی‌تکلف و حافظ عفت و راحت و خالی از زواید.

امام با خانواده‌های شهدا ملاقات داشتند و از صبح تا ظهر در کوچه‌های مجاور صدای شعار و تکبیر بلند بود؛ مطابق معمول روزهای ملاقات امام. ظهر در تماس با قرارگاه کربلا در جبهه، با فرمانده نیروی زمینی صحبت کردم. اطلاع دادند که امروز عراق حمله کرده و با دادن تعدادی اسیر و انهدام سی تانک و نفربر و کشته‌های زیاد عقب‌نشینی کرده و ما نیز شش شهید داده‌ایم. محسن از بلژیک تلفن کرد و از کارهای سفارت و مطالب ناصحیح خبرگزاری‌ها و نفوذ مثبت روزنامه الشهید در سفارتمان در خارج از کشور گفت.

عصر به مجلس رفتم. برای شرکت در جلسه هیئت رئیسه بعد از تعیین برنامه هفته آینده، راجع به تکمیل ساختمان مجلس شورای قدیم برای آینده بحث کردیم و اصل کار تصویب شد و مقرر گردید طرحی که داده‌اند رسیدگی شود. راجع به اختلاف شرکت تعاونی کارکنان مجلس با کارپردازی بحث شد که حق را به کارمندان دادیم و قرار شد اصلاح شود.

سفیر مجارستان آمد و مطلب مهمی نداشت. آقای [محمد علی]شرعی آمد و از آقای [عبدالمجید]معادیخواه به خاطر عدم توجه به شورای تبلیغات گله داشت. شب در مجلس خوابیدم.

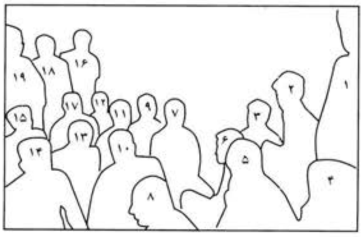
پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت

ساعت هفت ونیم به جلسه علنی رفتم. دو فوریت اجازه ادامه تحصیل فارغ‌التحصیلان پزشکی برای تخصص، قبل از رفتن به سربازی مطرح بود که به تصویب رسید. البته در شورای عالی دفاع اجازه داده شده، احتیاجی به طرح لایحه نبوده است. سئوال خانم اعظم [علایی] طالقانی از آقای [محمد]سلامتی وزیر کشاورزی در خصوص گماردن افراد ناصالح در بانک کشاورزی انجام شد. لایحه توزیع عادلانه آب مطرح شد که پیشرفتی نداشتیم.

ملاقات اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی با امام خمینی



۱- محمد علی انصاری
۲- ...
۳-
۴- ...
۵- محمد سلامتی
۶- ...
۷- ... -
۸- مصطفی میر سلیم
۹- رضا زواره ای
۱۰- عباس شیبانی
۱۱- میر حسین موسوی
۱۲- ...
۱۳- عبداله جاسبی
۱۴- ...
۱۵ - ...
۱۶- محمد هاشمی
۱۷- علی اکبر پرورش
۱۸ - محمد غرضی
۱۹- مهدی اژه ای



عصر در کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] شرکت کردم. رهبران هیئت مؤتلفه[۱] آمدند و ایراداتی به کارهای دولت در گمرک و بانک و... داشتند. آقای ربانی املشی دادستان کل آمد و از سران دادگاه‌های انقلاب که این روزها علیه شورای عالی قضایی حرف‌هایی زده‌اند، گله داشت و تقاضای کمک از ما می‌کرد. آقای موسوی‌اردبیلی هم صبح همین مطالب را تلفنی گفته بود. خبر موفقیت‌های نظامی دیروز علیه عراقی‌ها در منطقه کوشک اعلام شد. آنها حمله کرده‌اند و شکست خورده‌اند.

جمعه ۳۱ اردیبهشت

تا ساعت ده ونیم مطالعه و استراحت داشتم و سپس برای اقامه نماز جمعه رفتم. خطبه‌ها مفصل شد[۲] و یک ساعت و چهل‌وپنج دقیقه طول کشید. عصر فیلم عمر مختار[۳] را در خانه تماشا کردم. شب به اخبار گوش دادم و مقداری هم گزارش‌ها را خواندم. احمد آقا تلفنی حال آقای [صادق]احسان‌بخش[۴] را گزارش داد که مورد سوء قصد قرار گرفته و بستری شده است؛ از عدم رسیدگی مسئولان گله دارد. متأثر شدم. با جبهه تماس گرفتم؛ تحوّل مهمی نداشته‌ایم. عفت و فاطی

---

۱ - هیأتهای مؤتلفه اسلامی در سال ۱۳۴۲ با هدف "برقراری حاکمیت ارزشهای اسلامی بر هر فرد و جمع و جامعه و استقرار نظام عدل اسلامی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امور دفاعی و در نهایت تشکیل حاکمیت جهانی عدل اسلامی از طریق انتخاب آزاد و پذیرش مردم جهان" از ائتلاف چند گروه اسلامی تشکیل شده و تاکنون به فعالیت خود ادامه داده است. (نشریه "شما" ارگان هیأتهای مؤتلفه اسلامی، شماره ۱۹۶، ۱۵ دی ۱۳۷۹، صفحه ۳)

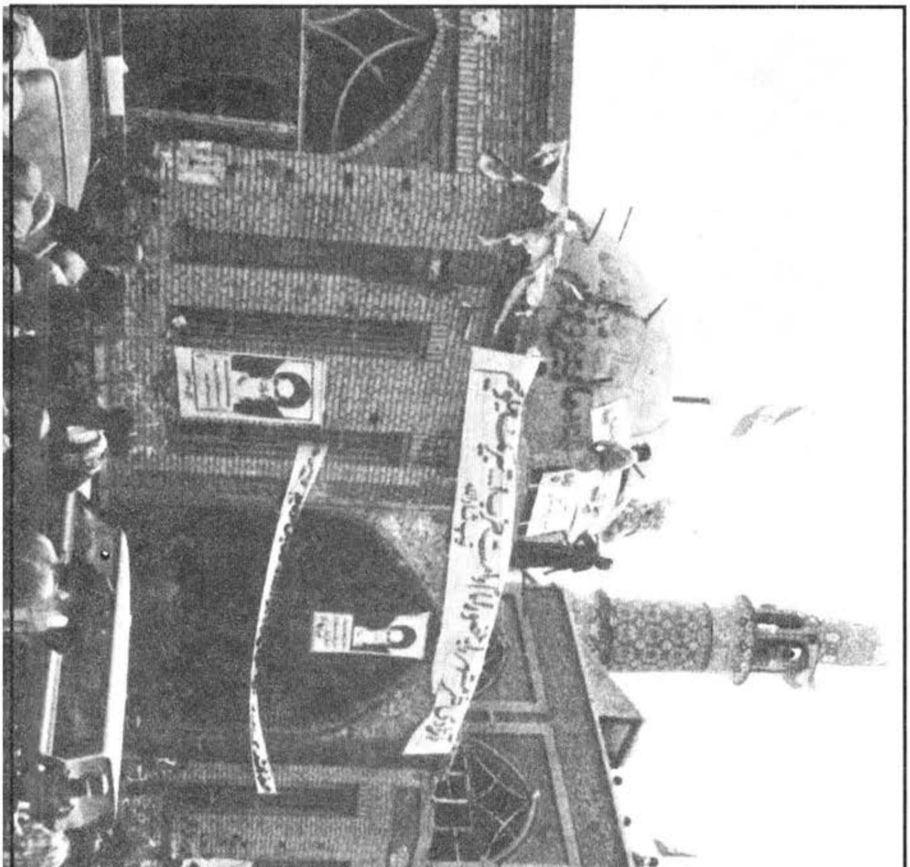
۲ - در این خطبه‌ها ادامه بحث اقتصاد در عدالت اجتماعی اسلام (تحدیدها و کنترل‌های بازدارنده فقه شیعه در مسیر تکاثر و طغیان اقتصادی) انجام شد و در ادامه به مناسبت بعثت رسول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آیات نخست سورهٔ مبارکهٔ "علق" تفسیر شد. همچنین طرح تاریخی تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی در این خطبه‌ها پیشنهاد گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۳ - فیلم "عمر مختار" محصول ایتالیا به نقل تاریخی مبارزات رهبر انقلابیون لیبی "عمر مختار" می‌پردازد. این چریک پیر علیه استعمار ایتالیا به جهاد برمی‌خیزد و حماسه می‌آفریند و در نهایت در چنگ ارتش فاشیستی موسولینی گرفتار می‌گردد. در پایان فیلم عمر مختار به حکم یک دادگاه ایتالیا به دار آویخته می‌شود.

۴ - حجت‌الاسلام صادق احسانبخش نماینده ولی فقیه و امام جمعه رشت

به جلسه جشن در دفتر مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] رفتند

خرداد ۱۳۶۱





شنبه ۱ خرداد ۱۳۶۱ ۲۸ رجب ۱۴۰۲ May. 22, 1982

در خانه ماندم. برای درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] و خطبه‌های نماز جمعه مقداری درباره احیای موات و حیازت مطالعه کردم؛ و مقداری هم راجع به کشورهای خلیج فارس. کارها را هم با تلفن انجام دادم. مقداری از وقت هم صرف آب دادن به چمن و اصلاح باغچه و نهال کردن نعناع شد.

عصر احمد آقا آمد و راجع به چند مسئله بحث کردیم. با آقای نخست وزیر راجع به کارشکنی‌های گمرکات در ترخیص مواد خام صنایع و تعلل بانک‌ها در پرداخت وام کارخانه‌ها تلفنی صحبت کردم. احوال آقای خامنه‌ای را هم تلفنی پرسیدم؛ دستشان درد دارد. به کرم‌های ابریشم یاسر، برگ توت دادم.

آخر شب از جبهه جنوب خبر گرفتم. معلوم شد، نیروهای ما قرار است برای محاصره کامل خرمشهر و گرفتن جاده‌های خاکی و پل عراق روی شط‌العرب[1]، حمله کنند و التماس دعا داشتند.

آقای [میرحسین] موسوی نخست وزیر تلفن کرد و گفت که صبح امروز، عراق به کارخانه گاز مایع در ماهشهر حمله هوایی داشته؛ بخشی از کارخانه را خراب کرده‌اند. گفتم که باید مسئولان پدافند را تنبیه کرد، چون در ماهشهر، هم [موشک]هاگ داریم و هم اورلیکن و هم انواع دیگر اسلحه پدافند هوایی و [هواپیمای شکاری] اف ۱۴ هم در فضاست.

یکشنبه ۲ خرداد

اول وقت از جبهه اطلاع گرفتم. گزارش دادند که عملیات را دیشب آغاز و جاده خرمشهر و شلمچه را تصرف کرده‌ایم و به طرف پل ام‌الرصاص پیش می‌رویم.

ساعت هفت به جلسه علنی مجلس رفتم. خبر عملیات پس گرفتن خرمشهر در فضای مجلس پیچیده بود و همه خوشحال بودند. هنگام تنفس با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد که خرمشهر کاملاً محاصره شده و دشمن در حال تسلیم شدن است. پس از تنفس، این پیروزی را در شروع جلسه

---

۱ - آبهای دو رودخانه دجله و فرات، تا قبل از تلاقی با آب رودخانه کارون، به عنوان شط‌العرب نامیده می‌شود.

تبریک گفتم و از رزمندگان تقدیر کردم. تا شب، به طور مرتب خبر از کثرت اسرا می‌رسد و هم از قلت شهدای ما. دشمن کشته و زخمی زیادی داشته و هم غنیمت فراوان به جا گذاشته است[1].

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] شرکت کردم. تصویب شد احمد آقا خمینی ـ که تقاضای همکاری با حزب را داشته ـ به عضویت شورا پذیرفته شود.

شب جلسه مشورتی روسای سه قوه در دفتر آقای خامنه‌ای برگزار شد. سرهنگ معین‌پور فرمانده نیروی هوایی استعفا داده بود که قرار شد آن را نپذیریم. درباره وضع جبهه و آینده جنگ هم بحث کردیم. شام را همان‌جا خوردم و برای خواب به مجلس رفتم. آخرین خبر را از جبهه گرفتم. معلوم شد که خرمشهر کاملاً محاصره شده، هزاران نفر از دشمن در جریان کار کشته یا اسیر شده‌اند ولی عراقی‌ها اخبار دروغ پخش می‌کنند.

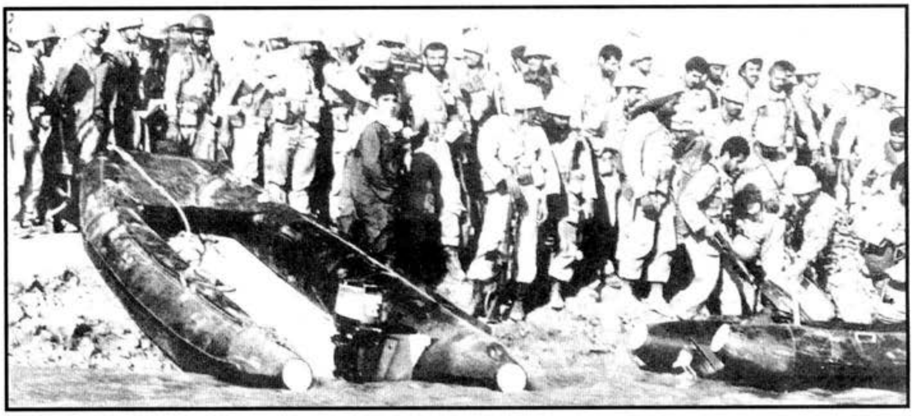
دوشنبه ۳ خرداد

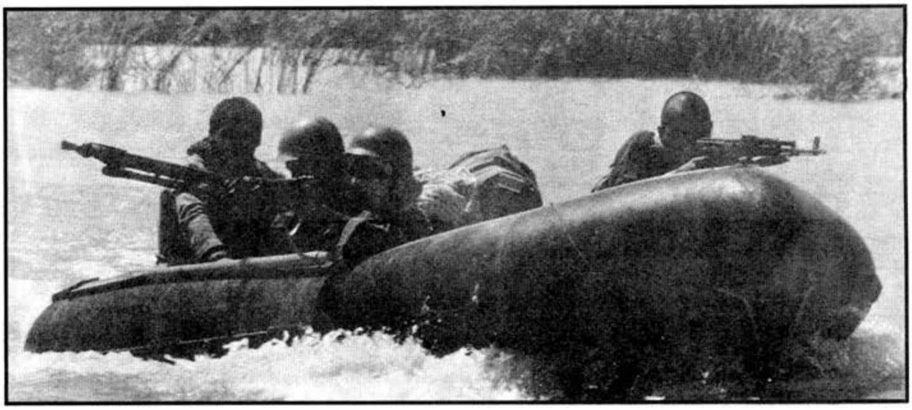
تا ظهر در مجلس مطالعه کردم و کارهای اداری را انجام دادم. وزیر دفاع آمد و گزارشی از پیشرفت کارها در جبهه و صنعت نظامی داد. پیش از ظهر آقای [رضا]سیف‌اللهی مسئول اطلاعات سپاه آمد و از ارتباط مجدد آقای [سیدکاظم]شریعتمداری با خارج [سخن گفت]. سپس اعضای ستاد برگزاری مراسم روز پاسدار از سپاه آمدند و گزارش کار دادند و با من مصاحبه کردند* و فیلم گرفتند. برنامه خیلی گسترده‌ای دارند.

عصر آقای خرم سفیر سابق ایران در لیبی که به سفارت ما در چین منصوب شده، آمد و راجع به رفتارش در چین مشورت کرد. گفتم که مصلحت است، روابط سیاسی و اقتصادی ما توسعه یابد. آقای [سیدهادی]خسرو شاهی سفیر ما در واتیکان آمد و از ضعف تبلیغات ما در خارج گله داشت. لحن ناراضی داشت و در چند مورد وساطت کرد. آقای فروغی مسئول اطلاعات سپاه اصفهان آمد

۱ـ طبق آمار عنوان شده کتاب "کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس" در عملیات بیت‌المقدس تعداد کشته و زخمیهای دشمن ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر و تعداد اسراء ۱۹هزار نفر بوده است. همچنین در این عملیات ۱۰۵ دستگاه تانک و نفربر، دهها انبار مهمات، ۹۵ هزار عدد انواع مین، صدها دستگاه خودرو سبک و سنگین ۳۰ دستگاه جیپ حامل توپ ۱۰۶ میلمتری، تعداد زیادی لودر و بولدوزر و ماشین آلات مهندسی، ۱۸ قبضه توپ ۱۳۰ میلمتری و هزاران قبضه سلاح انفرادی به غنیمت گرفته شده است.











و از وضع روحانیت اصفهان گله داشت.

خرمشهر به طور کامل تسخیر گردید و دشمن تسلیم شد[1].

با دادستان بندرعباس راجع به لنج‌های توقیف شده به دلیل حمل کالای قاچاق صحبت کردم. دولت امارات درخواست آزادی آنها را دارد. او گفت که اینها ایرانی هستند و به دروغ خود را تابع امارات معرفی می‌کنند.

اول شب خدمت امام رفتیم و راجع به آینده جنگ مشورت کردیم. ایشان خیلی خوشحالند. با آقایان رئیس جمهور و نخست وزیر مهمان احمدآقا بودیم و مصاحبه مشترک انجام دادیم. فتح خرمشهر همه را با نشاط کرده است.

سه شنبه ۴ خرداد

ساعت هفت و نیم جلسه علنی [مجلس شورای اسلامی] آغاز شد. پیش از دستور راجع به اهمیت پیروزی در خرمشهر صحبت کردم و به کشورهای حامی عراق تذکر دوستانه دادم[2]. در این جلسه لایحه آب مطرح بود. بعد از تنفس، جلسه را به آقای [موسوی]خوئینی‌ها سپردم و در دفترم کارها را انجام دادم.

شب در مجلس ماندم و به اخبار گوش دادم. از جبهه اطلاع گرفتم که معلوم شد، بیش از چهارده هزار عراقی در خرمشهر اسیر شده‌اند. پس از محاصره خرمشهر اکثراً تسلیم شده‌اند و در کل منطقه،

---

۱ ـ هر چند در سوم خرداد با ورود رزمندگان اسلام به خرمشهر، شهر در واقع آزاد شده تلقی می‌شد، لیکن پاکسازی کامل شهر از وجود اشغالگران، در ساعت ۱۳/۳۰ روز ۶۱/۳/۴ به پایان رسید.

۲ ـ در این نطق آمده است: شاید جنگ شناسان و مورخان تاریخ جنگهای دنیا بتوانند قضاوت کنند که چنین چیزی که در این دو روز در جنوب خوزستان اتفاق افتاد در تاریخ دنیا نظیر نداشته باشد. بیش از ۲۰ هزار مسلح با آن همه اسلحه در یک حمله برق‌آسا این چنین ضعیف و بزدل و ترسو تسلیم جوانهای شجاع از جان‌گذشته‌ای که با دوره‌های کوتاهی از آموزش نظامی برآنها یورش بردند و آن منظره‌ای که ما در تلویزیون دیدیم و آن حالی که رزمندگان ما در دم سنگرهای تاریک این بزدلان داشتند، اینها چیزهائی است که شاید هیچ جنگی در دنیا نتواند منعکس بکند. منظره آن صف طویل افسران عراقی که برای تسلیم شدن و اسیر شدن به مسابقه برخاسته بودند، این حالت را شما در کدام جنگ دیده‌اید؟ رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

دشمن فقط در کنار پلی که روی اروندرود در مدخل رود خین زده باقی مانده است و از پل حفاظت می‌کند و تلاش رزمندگان ما برای گرفتن آنجا موفق نبوده است.

ساعت یازده ونیم اخبار فارسی رادیو آمریکا را گرفتم. اعتراف به عظمت پیروزی ما دارند و کشورهای خلیج [فارس] را از ما می‌ترسانند. هم رادیو و هم روزنامه‌های آمریکا همین خط را دنبال می‌کنند. سایر رسانه‌های [ارتباط] جمعی غرب هم اعتراف کرده‌اند. فقط خود عراق و بعضی از کشورهای جنوب خلیج فارس اعتراف نمی‌کنند.

چهارشنبه ۵ خرداد

امروز هم به جای فردا که تولد امام حسین علیه‌السلام و روز پاسدار است، جلسه علنی داشتیم. لایحه آب و دو [طرح] دوفوریتی راجع به قانون انتخابات مطرح بود. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتم. عصر جلسه هیئت رئیسه بود و راجع به کارهای اداری مجلس تصمیماتی اتخاذ شد.

شب، جلسه‌ای با اعضای شورای عالی تبلیغات و وزیر ارشاد [اسلامی] آقای [عبدالمجید] معادیخواه و آقای رئیس جمهور در دفتر من داشتیم. با هم اختلاف دارند. رسیدگی کردیم؛ برای رفع اختلاف، حدود و اختیار و وظائف را مشخص کردیم و در ده ماده یادداشت شد و امضاء کردیم. مسئولیت هماهنگی تبلیغات خارج از کشور به فرمان امام به عهده وزیر ارشاد است و شورائی مرکب از وزیر ارشاد، وزیر خارجه، مدیر عامل صداوسیما و نماینده شورای تبلیغات تعیین کردیم. شام را همان‌جا خوردند.

ساعت ده شب به خانه آمدم. امروز عفت همراه فاطی با پاسداران بیرون خانه بر سر محل پارک ماشین، درگیر شده بودند. اوقاتش تلخ بود و من را هم ناراحت کرد. سرم درد می‌کرد، درد شدیدتر شد؛ کپسول مسکنی خوردم و با ناراحتی خوابیدم. از جبهه فرماندهان نیروی زمینی و سپاه تماس گرفتند و قرار شد فردا در دفتر امام جلسه شورای دفاع تشکیل شود.

پنجشنبه ۶ خرداد

در خانه ماندم و بیشتر درباره حکم توکیل یا استیجار[1] در برداشت از منابع طبیعی و حیازت مباحات[2] مطالعه می‌کردم؛ برای بحث‌های اقتصادی نماز جمعه و کلاس درس مواضع حزب [جمهوری اسلامی].

ساعت ده صبح شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد. آقایان [علی]صیاد شیرازی و [محسن]رضائی گزارش جبهه‌ها را دادند و گفتند. در عملیات بیت‌المقدس مجموعاً ما حدود شش هزار نفر شهید داشته‌ایم و نوزده هزارو هفتصد نفر اسیر گرفته‌ایم و بیش از بیست هزار هزار نفر از عراقی‌ها کشته و مجروح شده‌اند.[3] نسبت به آینده جنگ هم تصمیم اتخاذ شد. قرار شد در نقاط محدودی وارد خاک عراق شویم؛ برای تأمین شهرهای خودمان و گرفتن خسارت.

ظهر نماز را با امام به جماعت خواندیم. اعضای شورا مهمان من بودند و عصر بعد از استراحت، با رئیس جمهور در مسائلی بحث و مشورت شد. نخست وزیر برای افتتاح کوره ذوب مس به سرچشمه رفته بود. همشیره طیبه با بچه‌ها و شوهرش ظهر مهمان ما بودند. غذا از بیرون گرفتیم.

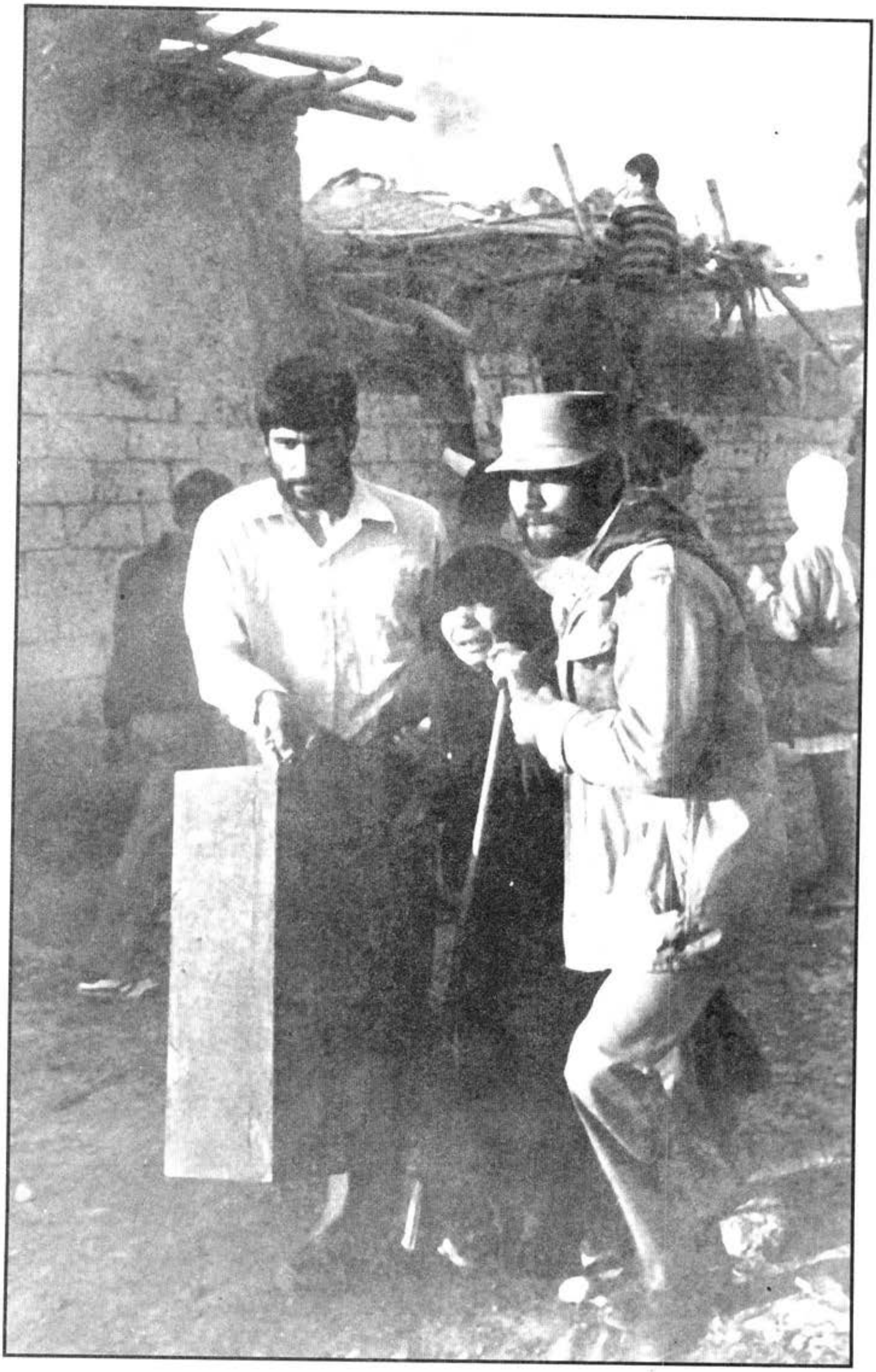
عصر آقای [عبدالمجید] معادیخواه وزیر ارشاد آمد و راجع به مطبوعات خارج از کشور و برنامه‌های تبلیغی مشورت شد. خبر از کشف اموال مسروقه موزه را داد. شب آقای [فخرالدین]حجازی که از کنفرانس اوپک برگشته بود، تلفن کرد و از قدرت انقلاب در خارج گفت و از حمایت سوریه از ما در مقابل عراق.

---

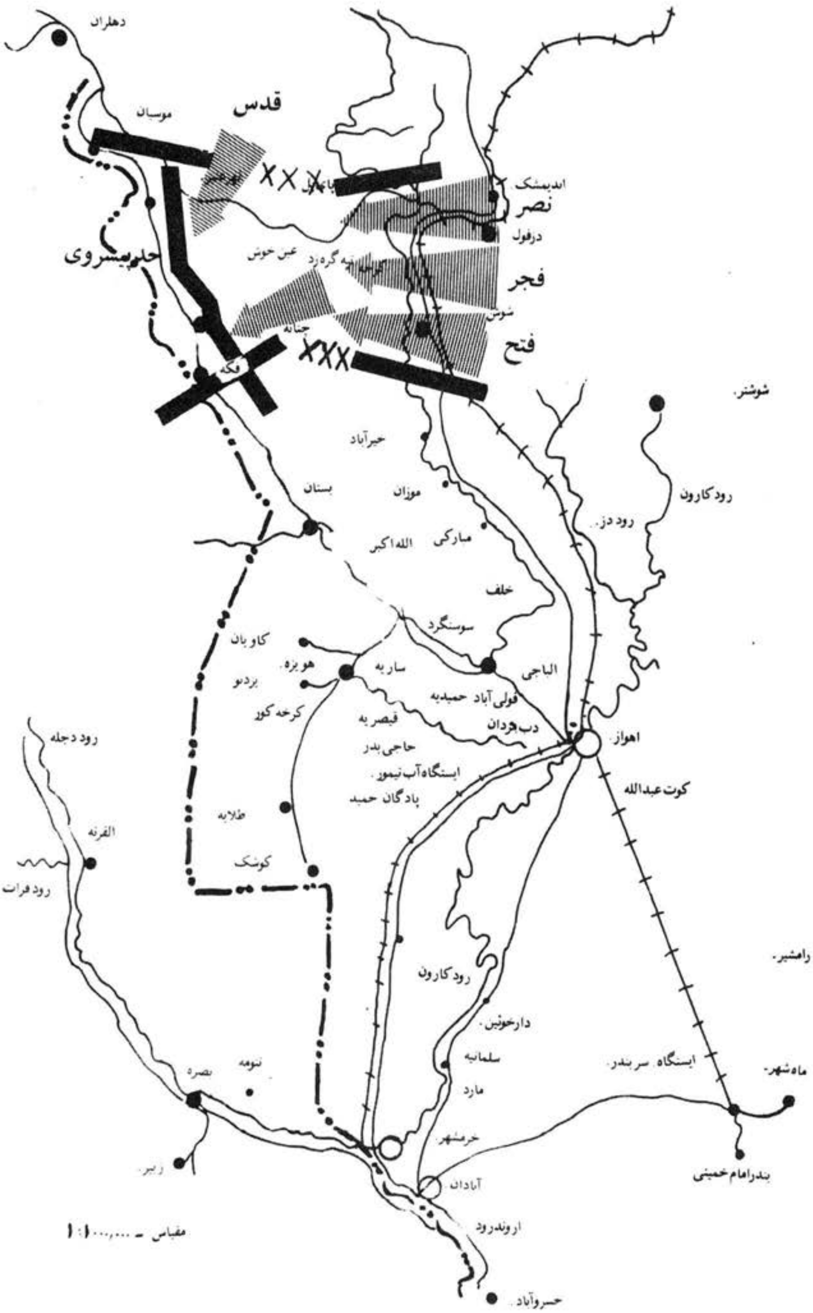
۱ - توکیل یعنی وکالت: انسان کاری راکه می‌تواند در آن دخالت کند به دیگری واگذارد تا از طرف او انجام دهد و استیجار یعنی چیزی را اجاره کردن.

۲ - حیازت مباحات یعنی احیا و آباد کردن چیزی که مدتها از استفاده بازمانده و ویران شده است.

۳ - این اعداد معمولاً بیشتر فرض طرفین مستقیم جنگ است. اعداد صحیح معمولا در ارزیابی‌ها و جمع‌بندی پایان عملیات آمده است. ارقام دقیق در پاورقی خاطره روز دوم خرداد آورده شده است.



نمایی از بمباران شهرها



دهلران
قدس
موسیان
اندیمشک
نصر
دزفول
فجر
شوش
فتح
عین خوش
چنانه
فکه
شوشتر
رود کارون
رود دز
خیرآباد
بستان
موزان
مبارکی
الله اکبر
خلف
سوسنگرد
کاوبان
هویزه
ساریه
یزدنو
کرخه کور
الباجی
حمیدیه
دب حردان
قیصریه
حاجی بدر
ایستگاه آب تیمور
پادگان حمید
اهواز
کوت عبدالله
رود دجله
القرنه
رود فرات
طلابه
کوشک
رامشیر
رود کارون
دارخوین
سلمانیه
مارد
خرمشهر
آبادان
ایستگاه سربندر
ماهشهر
بندرامام خمینی
نشوه
بصره
زبیر
اروندرود
خسروآباد

جمعه ۷ خرداد

تا ساعت ده مطالعه کردم. برای نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. خطبه‌ها در انفال و جنگ و روز پاسدار ایراد شد و از مردم خواستم که مرگ بر بنی‌صدر و بازرگان و بی‌حجاب را از شعارها حذف کنند و نسبت به توطئه تشکیل شورای امنیت سازمان ملل به منظور بستن دست ما هشدار دادم[1]. آقای سرهنگ [علی]صیاد [شیرازی] هم گزارشی از جنگ داد. ظهر همه پاسداران من مهمان ما بودند و با هم عکس گرفتیم؛ خودشان خواسته بودند که ناهار را با من صرف کنند.

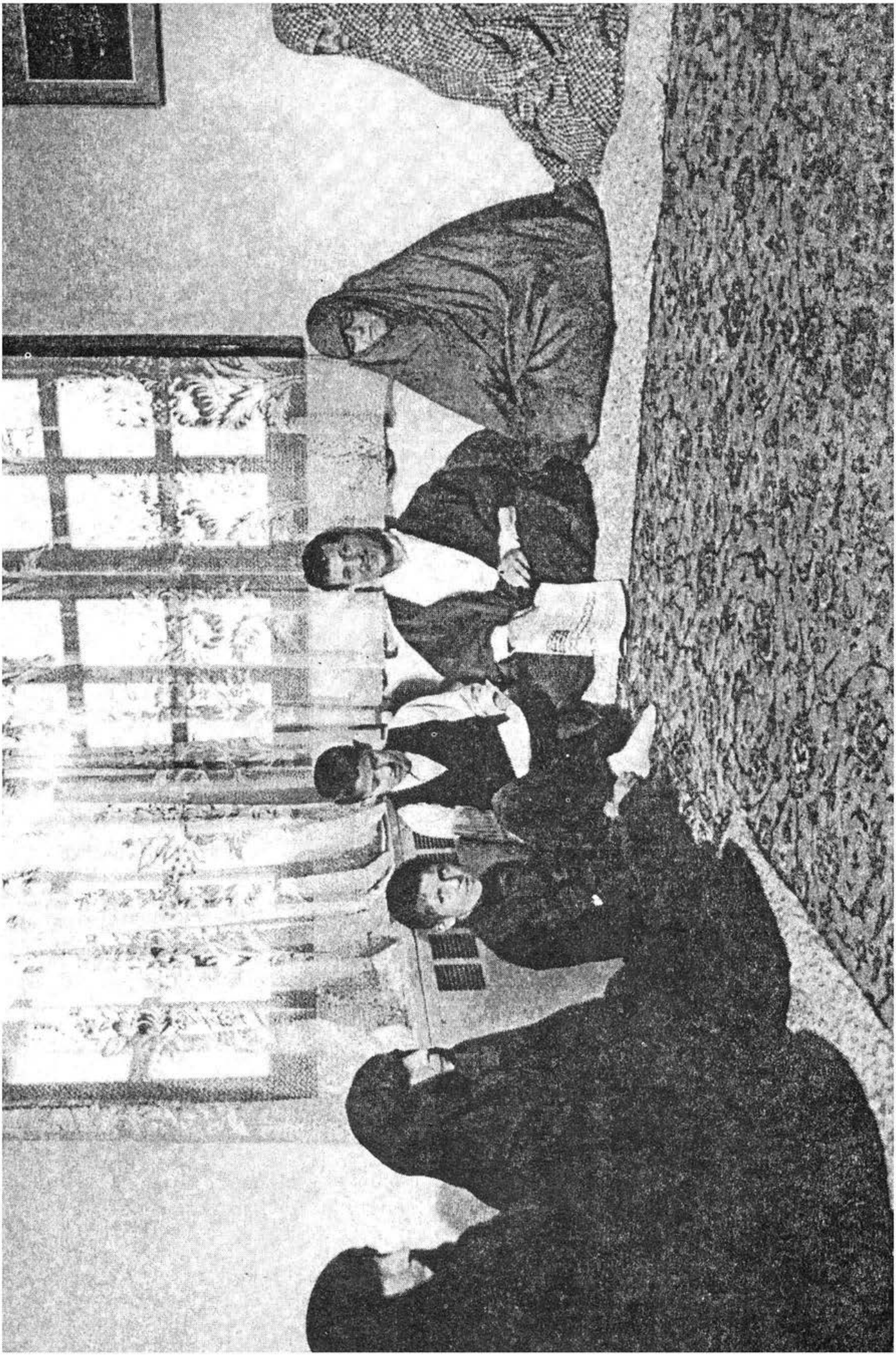
عصر احمد آقا آمد و راجع به آقای [سیدکاظم]شریعتمداری و مسائل دیگر مشورت داشت. شب به اخبار تلویزیون گوش دادم و گزارش‌ها را مطالعه کردم. بعضی از حزب اللهی‌ها تلفن کردند و راجع به اعتراض من به شعارهای مرگ بر بی حجاب توضیح خواستند. آیت‌الله منتظری تلفن کردند و نظرشان را درباره اجاره و وکالت در حیازت گفتند و هم تذکراتی راجع به خطبه‌های نماز جمعه دادند.

شنبه ۸ خرداد

صبح بعد از نماز در حیاط خانه راه رفتم؛ پیاده‌روی در مسیر پانزده متری با رفت و برگشت‌های مکرر خسته کننده است. به اصلاح باغچه پرداختم و مقداری گل برای گلدان چیدم و به مطالعه نشستم. بعد از استراحت به مجلس رفتم. دوسه ملاقات داشتم. نزدیک غروب با آقای رئیس جمهور و نخست وزیر و آقای [عبدالکریم موسوی]اردبیلی و اعضای شورای سرپرستی صداوسیما

---

۱ - در این خطبه‌ها ادامه بحث اقتصاد در عدالت اجتماعی اسلامی پیگیری شد و سپس درباره اثرات خون حسین علیه‌السلام در تداوم حرکت انقلاب تحلیل مبسوطی ارائه گردید. عوامفریبی صدام، طرح شعارهای انحرافی و استقبال از طرح "دانشگاه آزاد اسلامی" از دیگر موضوعات مطرح شده بود. ایشان در این خطبه ضمن تحلیل جامع، شعارهایی چون "مرگ بر بی‌حجاب" را در شرایط حاضر کشور، انحرافی و دشمن تراش تلقی کردند و در ادامه سخنان خویش، از نمازگزاران خواستند که شعار "مرگ بر آمریکا" را با شعار غلط "مرگ بر بنی‌صدر و بازرگان" ضعیف نکنند؛ چرا که بنی‌صدر ورشکسته‌ای مرده است که دوست دارد به هر قیمت مطرح بماند و از دیگر سو، مهندس مهدی بازرگان نیز استحقاق چنین نفرینی را ندارد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب



در دفتر من راجع به مدیریت و مسائل صداوسیما مذاکره و مشورت کردیم. شب در مجلس ماندم.

یکشنبه ۹ خرداد

تا ساعت هفت ونیم صبح مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم. لایحه آب در دستور بود. مقداری پیشرفت داشت. بعدازظهر فاطی آمد و سئوالی در رابطه با سیاست خارجی و روابط ما با شوروی داشت که پاسخ دادم.

آقایان همدانی و مشکینی سرپرستان شاخه‌های دانشجویان و دانش آموزان حزب [جمهوری اسلامی] آمدند. راجع به شرح وظایف حزب که اخیراً پیش نویس شده ایراد داشتند؛ قرار شد در شورا مطرح شود.

مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره فاجعه هفتم تیر و انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] داشتم. در جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر آقای خامنه‌ای شرکت کردم. احمد آقا و آقای ناطق نوری برای اولین بار شرکت کرده بودند.

خبر دادند که بعدازظهر در طبقه سوم کاخ دادگستری بمبی منفجر شده و هدف آن دادستان کل کشور بوده است؛ بحمدالله موفق نشده‌اند. معمولاً منافقین بعد از هر پیروزی ما در جبهه‌ها این گونه اقدامات را برای تلخ کردن کامهای شیرین مردم و تحت‌الشعاع قرار دادن اخبار پیروزی دارند. عراقیها به جزیره خارک حمله هوائی کرده و خسارت جزئی وارد نموده‌اند.

جلسه مشورتی سران هم تشکیل شد. راجع به شورای عالی قضائی و تقویت و فعال کردن آن بحث کردیم. آقای ربانی [املشی] دادستان هم شرکت کرده بود و به مصاحبه‌هایی که در روزنامه جمهوری [اسلامی] علیه شورای قضائی شده بود، اعتراض داشت.

دوشنبه ۱۰ خرداد

ساعت هشت صبح جلسه [مجلس] شروع شد. به خاطر قرعه کشی صندلیها مقداری تأخیر پیش آمد. وزارت آقای بهزاد نبوی و آقای [غلامرضا]آقازاده در دستور بود. تقاضای تشکیل جلسه خصوصی شد که مخالفان بتوانند حرفهای خود را بگویند و آنها از تریبون مجلس پخش نشود. یک

ساعت جلسه خصوصی طول کشید. مخالفان حرف مهمی ندارند روی خط انحرافی (افراطی در اقتصاد) آقای [بهزاد]نبوی تکیه می‌کردند. از ساعت ده صبح جلسه وارد بحث شد. عصر هم جلسه ادامه داشت. اختلافات درون سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی جناح حزب‌الله سازمان علیه جناح بهزاد [نبوی] بیشتر در مجلس مطرح می‌شد. از آنها دفاع موثری کردم و با رای بالائی هردو نفر پذیرفته شدند. آقای نخست وزیر هم بود و دفاع هم کرد.

ظهر ملاقات با فرماندار گلپایگان داشتم که از ایذاءهای نماینده گلپایگان شکایت داشت. آقای اعتمادی سرپرست سازمان اوقاف، دکتر دستمالچی متخصص سطح بالای طب کودکان را که از آمریکا برای خدمت به انقلاب آمده بود، آورد و معرفی کرد. پیشنهاد می‌کرد مجتمع پزشکی دانشگاه آزاد[اسلامی] در یزد باز شود.

مشهدی عیدی میزبان زمان پیش از انقلاب من در اراک آمد و تقاضائی داشت. کمک کرد و یک کتاب به او هدیه دادم.

عصر ملاقاتی با کارکنان مجله عروه‌الوثقی (مجله کودکان حزب) داشتم و برایشان صحبت کردم*. ملاقاتی هم با مسئولان سازمان بهزیستی داشتم و ملاقاتی با سرهنگ کتیبه که از ستاد ارتش و شخص آقای ظهیرنژاد شکایت داشت.

سه شنبه ۱۱ خرداد

امروز برای تمام نمایندگان و کارکنان مجلس قرار ملاقات با امام داشتیم. لذا جلسه علنی را دیروز برگزار کردیم. به قضات و دادستان‌های دادگاه‌های انقلاب هم ملاقات داده بودند. جمعیت بیش از ظرفیت حسینیه جماران بود و به ناچار جمعی از پاسداران در نوبت دوم امام را زیارت کردند. خانواده‌های نمایندگان هم بودند.

آقای موسوی اردبیلی و من قبل از امام صحبت مختصری داشتیم. من به استناد اولین خطبه امام علی علیه‌السلام بعد از حکومت رسمی، اشاره به مشکلات اصلاح مفاسد و انحرافات حکومت‌های گذشته کردم و از امام راهنمائی خواستم. چون در ضمن نقل کلماتی از اولین خطبه امام علی علیه‌السلام پس از شروع حکومت خود، در مورد [عثمان بن عفان] خلیفه سوم تعبیر تندی شده بود، قرار شد که برای حفظ وحدت، این قسمت صحبت مرا پخش نکنند.



پس از جلسه، آقای [موسوی]اردبیلی به منزل ما آمد و راجع به سیاست خارجی بعد از پیروزی‌های اخیر در جبهه‌های نبرد بحث کردیم. محور بحث این بود که ابر قدرتها و کشورهای عربی منطقه از پیروزی ما در عراق نگرانند و فکر می‌کنند اگر پیروزی ما منجر به تشکیل حکومت اسلامی در عراق شود، به کشورهای مجاور هم سرایت می‌کند و لذا دشمنان انقلاب اسلامی ایران، به شدت علیه ما مشغول توطئه هستند.

چهارشنبه ۱۲ خرداد

ساعت نه ونیم به مجلس رفتم و گزارش‌ها را خواندم که خوشبختانه مسئله مهمی نداشتیم. هواپیماهای جنگی عراق در ارتفاع بالا به فضای همدان رخنه کرده و با تعقیب جت‌های جنگنده ما فرار کرده‌اند. کاری نمایشی برای دادن روحیه و بهره‌برداری سیاسی در کنفرانس هاواناست که هم اکنون با حضور وزرای خارجه کشورهای غیر متعهد جریان دارد و قرار است آخرین تصمیم را در مورد محل کنفرانس آینده سران کشورهای غیر متعهد اتخاذ کند. قرار بوده این کنفرانس در بغداد تشکیل شود و ایران و سوریه و... با آن مخالفند.

راجع به درگیری کمیته و سپاه در فلاورجان که چند نفر کشته و زخمی داشته است و عده‌ای از مردم فلاورجان کنار مجلس متحّصن شده‌اند، رسیدگی کردم و قرار شد نماینده‌ای بفرستیم. آقای سید مهدی هاشمی متهم به قدرت‌طلبی و تحمیل سپاه قهدریجان بر مردم فلاورجان شده است[1].

اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد شهدای هفتم تیر آمدند. گزارش کار و برنامه خود را ارائه کردند و من برایشان صحبت کردم و پیشنهادهایی دادم[2]. بعد از ظهر، هیئت رئیسه [مجلس شورای اسلامی] جلسه داشت. راجع به نظم برنامه ملاقات با امام و برنامه‌های هفته آینده مذاکره شد.

---

۱ - آقای سید مهدی هاشمی به اتهام ارتکاب قتل‌های متعدد، در سال ۱۳٦٦ محاکمه و به اعدام محکوم شد.

۲ - در این سخنرانی درباره پایه‌های انقلاب اسلامی، مراحل شکست رژیم طاغوت و ایجاد نظام اسلامی، انقلاب سوم و عزل بنی‌صدر، توطئه‌های ضدانقلاب و لزوم ترویج افکار شهدای هفتم تیر به تفصیل سخن گفته شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



غلامرضا آقا زاده　　　　میر حسین موسوی　　　　بهزاد نبوی

معرفی وزرای جدید به مجلس شورای اسلامی



سپس دکتر مغاره‌ای جراح آمد و در محل عمل شکم من ـ که پس از سوء قصد سه سال قبل انجام شد ـ تزریقی برای آب شدن گوشت‌های زاید کرد که خیلی درد گرفت. حالت کلوئید دارد.

آقای هادی [نجف‌آبادی] آمد و راجع به برنامه و ترکیب گروه‌های اسلامی عراق و دیدگاه‌های آنها برای ایجاد حکومت اسلامی مطالبی گفت. قرار است، مجلسی از نمایندگان نیروهای گوناگون اسلامی تشکیل شود و آقای [سیدمحمدباقر] حکیم سخنگو و چهره مشخص آن باشد.

قرار بود جلسه ستاد انقلاب فرهنگی داشته باشیم که لغو شد. شب به اخبار گوش دادم و مطالعه کردم.

پنجشنبه ۱۳ خرداد

جلسه علنی داشتیم. چند ماده دیگر از طرح آب تصویب شد. ظهر آقای [مصطفی حایری]فومنی آمد و گزارشی از کیفیت درگیری سپاه با قشقایی‌ها داد. ترکیبی از خوانین، منافقین و کمونیست‌ها هستند که یاغی شده‌اند و به کوه زده‌اند و سپاه پیش دستی کرده و به مواضع آنها حمله برده است و الان می‌خواهند تسلیم شوند.

عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتم. سپس ملاقاتی با شاخه مهندسین حزب جمهوری اسلامی و پس از آن با فرماندهان و مسئولان آموزش سپاه پاسداران داشتم و برای هر دو سخنرانی کردم[1] و مصاحبه‌ای تلویزیونی درباره نیمه شعبان و روز مستضعفان انجام دادم*.

در سمینار قضات و دادستان‌های دادگاه‌های انقلاب شرکت کردم. آنان به شورای عالی قضایی، دادگستری و قوانین غیر اسلامی زمان طاغوت که هنوز باقی است، اعتراض داشتند. گفتم که قوانین مانند صدر اسلام به تدریج اصلاح می‌شود و درباره لزوم انضباط در دادگاه‌های انقلاب صحبت کردم*.

ساعت هشت و نیم به خانه آمدم. قرار بود که فردا آقای خامنه‌ای نماز جمعه را اقامه نمایند. به علتی منصرف شده و آقای موسوی اردبیلی را تعیین کرده بودند. آخر شب تلفن کردند که ایشان

---

۱ - در این سخنرانی اهمیت ایجاد تشکیلات و تحزب در جامعه اسلامی، موضوع ولایت فقیه و لزوم اسلامی شدن امور بانکی در کشور بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

نمی‌روند و از من کمک خواستند و بالاخره قرار شد که یکی از آقایان را پیدا کنند یا خودشان بروند.

جمعه ۱۴ خرداد

در خانه ماندم. به استراحت، پیاده روی و مطالعه گزارش‌های داخلی و جهانی پرداختم. آقای رئیس جمهور نماز جمعه را اقامه کردند.

منابع غربی شایع کرده‌اند که کنفرانس شورای همکاری خلیج فارس در [عربستان] سعودی تصمیم گرفته، مبلغ بیست‌وپنج میلیارد دلار به عنوان غرامت به ایران بپردازد و کنفرانس نتوانسته تصمیمی درباره حمایت از صدام بگیرد و تلاش‌ها روی راضی کردن ایران به صلح متمرکز شده است. اکنون رسانه‌های ارتباط جمعی پذیرفته‌اند که ایران پیروز و قدرتمند است و خطر صدور انقلاب اسلامی را برای ترساندن دولت‌های منطقه تبلیغ می‌کنند. معمولاً با این شایعات اهداف انحرافی را دنبال می‌کنند.

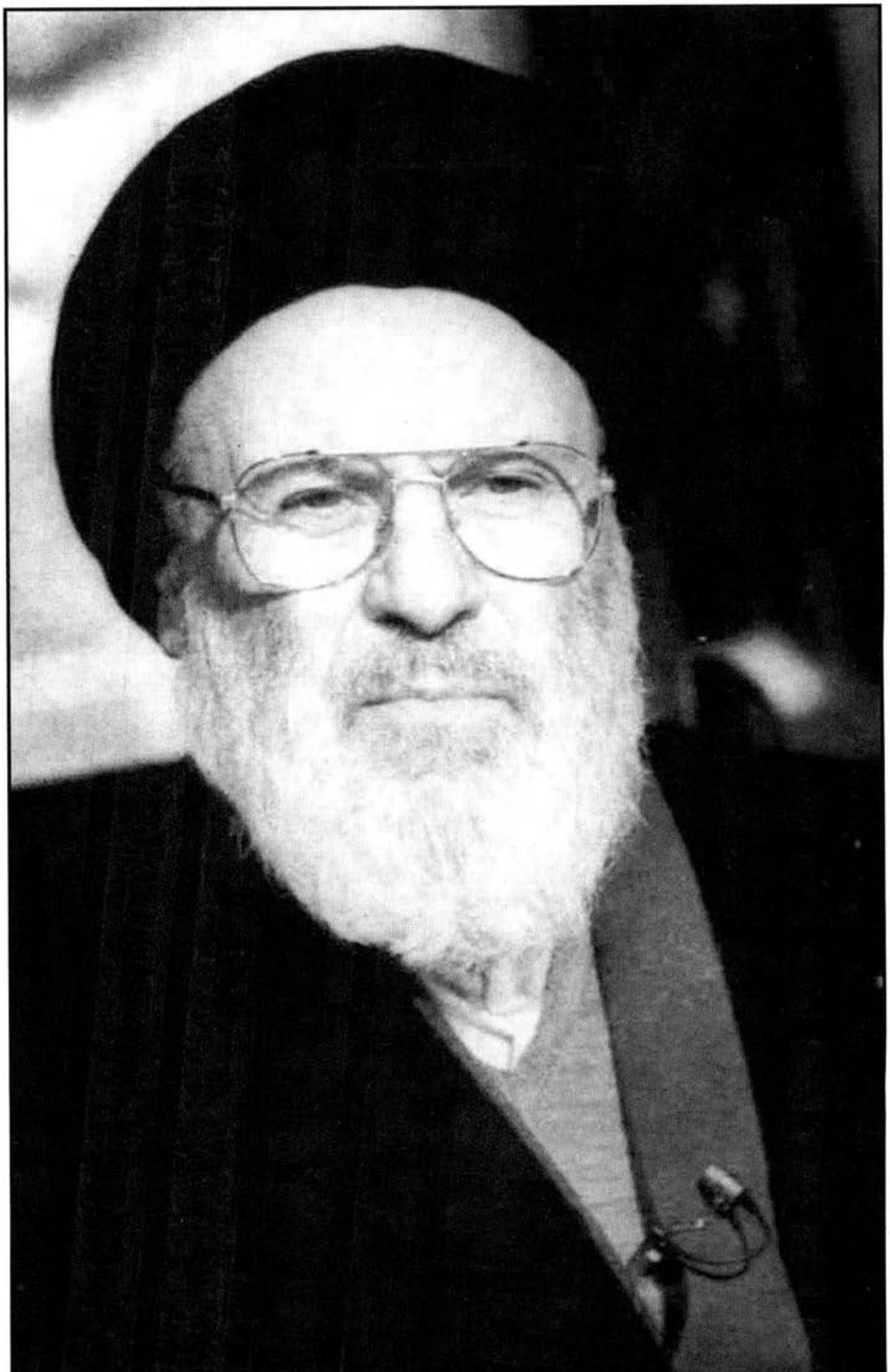
از پزشک معالج عفت درباره احتمال کسالت ریوی او سئوال کردم. گفت که مهم نیست و با دوا و پرهیز خوب می‌شود. شب عموزاده آقای شیخ محمد [هاشمیان] مهمان ما بود.

شنبه ۱۵ خرداد

تعطیل رسمی است. در خانه ماندم. کارم مطالعه و پیاده روی بود. احمد آقا ـ که برای قرائت پیام امام رفته بود ـ آمد و خبر از کثرت جمعیت حاضر در مراسم راهپیمایی پانزده خرداد داد.

[جنگنده‌های] عراق، شهر ایلام را در حین راهپیمایی مردم، بمباران کرده و چهار نفر شهید و دویست نفر مجروح شده‌اند. اسرائیل هم جنوب لبنان را بمباران کرده و بیش از ششصد نفر مجروح و شهید شده‌اند. عصر آقای فروتن مسئول سپاه اصفهان آمد و گزارشی از درگیری‌های فلاورجان و کارخانه ذوب آهن در چند روز پیش داد.

ظهر جمعی از بستگان مهمان ما بودند. عصر احمدآقا آمد و چند گلدان گل شمعدانی پیچ آورد.



آیت اله موسوی اردبیلی

یکشنبه ۱۶ خرداد

جلسه علنی داشتیم. بررسی و تصویب طرح آب تمام نشد. در نطق پیش از دستور، راجع به بمباران ایلام و جنوب لبنان و ارتباط آنها صحبت کردم[1]. بعدازظهر ملاقات‌هایی داشتم. آقای [سیدمهدی] هاشمی از واحد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه آمد و پیشنهاد کرد که در سمینار نمایندگان نهضت‌های آزادی‌بخش که به مناسبت روز جهانی مستضعفان به ایران آمده‌اند، سخنرانی کنم. نپذیرفتم، زیرا صلاح ندانستم که یک مقام رسمی ـ مثل رئیس مجلس ـ در اجتماع مخالفان جدی حکومت‌های جهان صحبت نماید.

عصر شورای مرکزی حزب جلسه داشت. خبر حمله اسرائیل به جنوب لبنان از زمین، دریا و هوا و اشغال مراکزی از جنوب و تهدید شهرهای صور و صیدا وقت زیادی از جلسه را گرفت. بحث اصلی درباره انجمن حجتیه و اتخاذ موضع مشخص حزب در مقابل آن بود که ناتمام ماند.

سپس در جلسه مشورت سران سه قوه شرکت کردم. از طرف هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی، وزیر خارجه گینه نامه‌ای از آقای [احمد]سکوتوره آورده است. از رئیس جمهور خواسته است که ایشان به مکه بروند و معلوم شد که از صدام هم چنین دعوتی کرده‌اند. ما منتظر پیشنهاد مثبتی بودیم و این پیشنهاد برخلاف انتظار بود. نظر مخالف دادیم و قرار شد که آقای خامنه‌ای جواب بنویسند.

درباره کمک به فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها بحث کردیم و قرار شد که وزیر دفاع را بفرستیم. درباره مسائل زیاد دیگری هم مشورت شد. برای خواب به مجلس رفتم.

---

۱ ـ در این نطق آمده است: تحلیل اینکه چرا صدام در آخرین روزهای زندگیش دست به اینگونه جنایات می‌زند کار مشکلی است. ممکن است در رابطه با اقدام بسیار با ارزش عشایر غیور ایران باشد که با این جمعیت عظیم‌شان در تهران اظهار وفاداری و حمایت از جمهوری اسلامی کردند و به خاطر انتقام از این سلحشوران باشد که یکی از مراکز عشایری را این گونه می‌کوبد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰


۱۵ خرداد



دوشنبه ۱۷ خرداد

امروز هم جلسه علنی داشتیم. تصویب طرح آب تمام شد. درباره لشکرکشی اسرائیل به جنوب لبنان به طور مفصل صحبت کردم[1]. یکصدو پنجاه نفر از نمایندگان هم بیانیه‌ای را امضا کردند[2] و آقای خسرونافی نماینده کلیمیان هم [تجاوز اسرائیل به لبنان را] محکوم کرد.

پیش از ظهر آقای [صلاح]زواوی سفیر فلسطین آمد و اخبار حمله اسرائیل را داد و کمک خواست.

گروهی از کارگران [انجمن]اسلامی هم آمدند، برای آنها صحبت کردم*. عصر آقای غزالی از طلاب قدیمی مشهد آمد و گفت که با آقای [واعظ]طبسی قهر کرده و در قم مانده است. به او پیشنهاد کردم که با آقای [محمد رضا] حکیمی واحدی برای نوشتن تاریخ انقلاب درست کنند.

آقای شمس‌الدین نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان و گروهی از علمای لبنانی آمدند و راجع به لبنان و برنامه‌های آینده و کمک‌های ما صحبت شد. با اهداف جمهوری اسلامی اظهار همراهی می‌کردند.

آقای [غلامرضا]صفائی و گروهی از همکاران ایشان از سیاسی ایدئولوژیک ارتش آمدند و از عدم همکاری سرهنگ [علی]صیاد شیرازی گله داشتند. عقد ازدواج پاسداری را هم جاری کردم. عروس، حلقه نامزدی خود را برای مخارج جنگ هدیه کرد.

فرماندار تهران آقای صامت هم آمد و از فشاری که به عنوان انجمنی بودنش بر او وارد می‌شود، گله داشت. شورای عالی دفاع در مجلس جلسه داشت. راجع به برنامه آینده جنگ بحث کردیم. در مصاحبه تلویزیونی، تصمیمات را اعلام کردم*. شب به خانه آمدم.

---

۱ - در این نطق پیش از دستور آمده است: ما با همه وجودمان هم برای حقمان در کشور خودمان می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم و هم نیروی آن را داریم که در منطقه و در کنار برادران عرب و مسلمان با اسرائیل رسماً وارد جنگ بشویم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این بیانیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تحلیل حمله اسرائیل از هوا و دریا به جنوب لبنان، از پیشنهاد اعزام نیرو جهت جنگیدن با اشغالگران فلسطین حمایت کردند.

سه شنبه ۱۸ خرداد

تا ساعت ده در خانه به مطالعه پرداختم. امام ملاقات داشتند. گروهی از ملاقات کنندگان هم از رفسنجان آمده‌اند. با آقای خامنه‌ای به زیارت امام رفتیم و راجع به درگیریهای لبنان با امام مشورت کردیم.

به منزل احمد آقا رفتیم و راجع به وضع سپاه و خواسته‌های آنها و کمبودهای کشور بحث کردیم. جنگ در لبنان به شدت ادامه دارد و اسرائیل فشار را بیشتر کرده. بعدازظهر مقداری در استخر خانه (که حوض بزرگی است) شنا کردم. تازگی استخر را آب کرده‌ایم، تمیز است. عصر از منزل احمد آقا مقداری توت آوردند. عفت به شهریار رفته بود؛ برای افتتاح دفتر بنیاد شهید جمعی را دعوت کرده بودند. شهریار در جنگ شهید زیاد داشته است.

جنگ در لبنان شدت یافته و از کشورهای عربی کمکی به فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها نرسیده. قرار بود که تیم اعزامی ما وضع آنجا را امشب اطلاع دهد ولی خبری ندادند. امروز در مرأسم نیمه شعبان و روز مستضعفان شرکت کردم، مراسم وسیعی نبود. دو روز پیش، مراسم ۱۵ خرداد بود و مردم با وسعت شرکت کرده بودند.

چهارشنبه ۱۹ خرداد

به مجلس رفتم. ملاقاتی با اعضای حزب جمهوری اسلامی و گروهی دیگر از مردم رفسنجان داشتم. مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی درباره جنگ لبنان و نقش آمریکا انجام دادم[1]. مهدی هم در مجلس بود. می‌خواست به سالن تیراندازی نخست وزیری برای تمرین برود که موفق نشد.

سفارت فلسطین از کم جلوه کردن نقش فلسطینی‌ها در دفاع از لبنان در رسانه‌های ما گله دارد. گله آنها را به اخوی محمد منتقل کردم. او گفت، سازمان الفتح سیاسی برخورد می‌کند و حتی در

---

۱ - در این مصاحبه درباره حمله به جنوب لبنان، نقش مردم در مقابله با تجاوز، زیان حق وتو، نقش دولت‌های عربی در مقابله با تجاوز و کنفرانس اسلامی و صلح بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

استمداد، اسم ایران را هم نیاورده است. عصر آقای خامنه‌ای گفتند که نامه استمداد فتح رسیده است.

بعدازظهر مصاحبه‌ای درباره شهید کچوئی ـ با خانواده‌اش که به ملاقات آمده بودند ـ داشتم* و برای دلجوئی هدیه‌ای به دختر و پسر خردسالش دادم. جلسه‌ای با ستاد انقلاب فرهنگی، نخست وزیر، رئیس جمهور و وزرای ارشاد و علوم و آموزش و پرورش داشتیم. قرار شد که شورای عالی انقلاب فرهنگی با ترکیبی خاص و نیرومند تشکیل شود.

جلسه‌ای با اعضای شورای عالی قضائی داشتم. پیشنهادها این است که به منظور تسلط کامل شورا بر دادگاه‌های انقلاب، پست دادستانی کل انقلاب حذف و آقای [سیدحسین] موسوی تبریزی، رئیس بازرسی کل کشور شود، آقای [سیدرضا]زواره‌ای دادستان انقلاب تهران شود و آقای محمدی گیلانی پست دیگری بگیرند.

پنجشنبه ۲۰ خرداد

نیمه شب جانشین فرمانده نیروی زمینی زنگ زد و اطلاع داد که عراق یک طرفه آتش بس اعلام کرده است. امروز در خبرها آمد که عراق اعلام کرده، حاضر است تا دو هفته دیگر نیروهایش را خارج کند و قضیه را به میانجی‌های صلح واگذار کند. احتمالاً این حیله‌ای برای نجات صدام و بهره‌برداری از تجاوز اسرائیل به لبنان است و همین هم جزء اهداف آمریکا و اسرائیل بوده است.

آقای رئیس جمهور در یک تماس تلفنی، مسئله بحران لبنان را مطرح کردند. از جهاد اطلاع دادند که مایلند بخشی از کمک‌های انسانی را در لبنان را برعهده بگیرند.

عصر شورای عالی دفاع در دفتر امام جلسه داشت. هیئت ما از سوریه برگشته و در جلسه شرکت داشتند. گزارش دادند که اسرائیل براکثر نقاط جنوب لبنان مسلط شده است و سوریه نمی‌تواند وارد جنگ شود. با فلسطینی‌ها ملاقات نکرده بودند.

تصمیم گرفتیم که کمکی به لبنان بشود. ترکیه حاضر نیست که از مسیر کشور او خیلی استفاده شود و با عبور یک هواپیمای حامل کمک در هر روز موافق است.

راجع به مسائل جنگ تصمیم گرفتیم. امروز از منابع غربی شایع شد که صدام سقوط کرده و

کشته شده است ولی تا آخر شب روشن شد که خبر نادرست است.

امام در مورد ادامه جنگ قاطع‌اند و اجازه نمی‌دهند حتی به گونه‌ای بحث شود که کوچکترین تردیدی در جامعه و نیروها بروز کند و اهداف جنگ را به گونه‌ای اعلام می‌کنند که همگی خودشان را برای مدت طولانی آماده کنند. و ضمناً توافقی برای ورود به خاک عراق هم نداشتند.

در جلسه عصر هم خدمت امام، فرماندهان نظامی با حضور ما با امام بحث کردند و کارشناسانه ثابت کردند که ادامه جنگ با منع ورود به خاک عراق سازگار نیست. دشمن در جاهای زیادی در خاک ما است و اگر مطمئن بشود که نظام ما به خاک او وارد نمی‌شود یا ورود جزئی خواهد داشت نه امتیازی خواهد داد و نه از نقاط حساس بیرون خواهد رفت و هر وقت آمادگی پیدا کرد در خاک ما پیشروی می‌کند و با این استدلال امام را قانع کردند که با ورود به خاک عراق در جاهائی که مردم نیستند یا کم‌اند و آسیب نمی‌بینند، موافقت کنند. آخر شب با تلویزیون مصاحبه داشتم*.

جمعه ۲۱ خرداد

در خانه ماندم. نماز جمعه را آقای [محمد]امامی کاشانی اقامه کرد. با رئیس جمهور درباره مفاد نامه‌های آقای [احمد]سکوتوره[رئیس هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی] تلفنی صحبت کردم. ایشان گفتند که باز دعوت کرده‌اند که در کشور دیگری ملاقات انجام شود و عربستان[سعودی] نیز اعلام جهاد علیه جمهوری اسلامی را تکذیب کرده است. نامه را وزیر خارجه گینه آورده است.

آقای محسن رضائی اطلاع داد که وضع جبهه فرقی نکرده است. حدس می‌زنیم که به خاطر تزلزل و ابهام وضع عراق و اعلام پذیرش آتش بس از طرف سرفرماندهی عراق (نه شخص صدام)، وضع عراقی‌ها در جبهه مشوش باشد. جنگ در جنوب لبنان ادامه دارد.

باغچه را آب دادم و بیشتر به مطالعه گذراندم. آقای [حسین] شیخ‌الاسلام عصر تلفن کرد و گفت، ترکیه موافقت کرده است، روزی دو هواپیما از حریم هوایی‌اش عبور کند، ولی مسئولان در این زمینه اقدام نمی‌کنند. سوریه و سازمان فتح آتش بس را پذیرفته‌اند.

شنبه ۲۲ خرداد

به مجلس رفتم. ظهر با فرماندهان لشکرها، تیپ‌ها و واحدهای مستقل نیروی زمینی ملاقات داشتم و برای آنها صحبت کردم*. اظهار نگرانی کردند از احتمال قبول پیشنهادهای هیئت میانجی که آقای سکوتوره ضمن نامه‌ای توسط وزیر خارجه گینه به ایران فرستاده و گفتند این گونه اخبار روحیه رزمندگان را ضعیف می‌کند.

اولین هواپیمای کمک عازم سوریه شد.

نیروهای عراق از بسیاری از مناطق اشغالی جنوب و غرب کشورمان که در آنجا آسیب پذیر بودند، عقب نشینی و شهر سومار را نیز تخلیه کردند. عصر چند ملاقات داشتم. گزارش‌ها را خواندم و شب در مجلس ماندم و به اخبار گوش دادم.

عبدالسلام جلود نخست وزیر لیبی در رأس هیئتی وارد ایران شد و در فرودگاه [مهرآباد] لزوم سقوط صدام [حسین] را پیش از حل مشکل فلسطین اعلام داشت.

[غلامحسین دلجو]شهردار تهران به ملاقات آمد و راجع به مشکلات اداره شهر و دست و پا گیر بودن مقررات صحبت کرد. پیشنهادی آورد که مجلس تصویب کند، کسانی که پس از انقلاب محل کسب خود را بی‌مجوز ساخته‌اند، با پرداخت جریمه جواز بگیرند.

یکشنبه ۲۳ خرداد

جلسه علنی داشتیم. درباره تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مخالفت با آتش‌بس ـ که اسرائیل اعلام کرده ـ صحبت کردم[1] و نیز راجع به این که عراق با منوط کردن اجازه عبور کمک‌های ما به

---

۱ ـ در این نطق آمده است: شورای عالی دفاع تصمیم گرفت که یک شرط به شرایط آتش بس یا صلح اضافه کند و آن این است که راهی از خاک عراق در اختیار جمهوری اسلامی برای انتقال نیروهای رزمنده به قدس باید داده شود. متأسفانه بعث عفلقی عراق با فرصت‌طلبی با این پیشنهاد سازنده برخورد کرد و در دنیا اعلام کرد که ما این راه را می‌دهیم به شرط اینکه ایران آتش بس را قبول کند، چون در غیر شرایط آتش بس، نمی‌شود راهی در اختیار کشور متخاصم گذاشت. این فرصت‌طلبی برای تحمیل مطلبی که ما بیش از بیست ماه است که داریم روی آن مقاومت می‌کنیم، برای

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

پذیرش آتش بس از طرف ایران باج خواهی می‌کند.

امروز یک هواپیما کمک‌های ما را به سوریه منتقل کرد. ترکیه روزانه به یک هواپیما اجازه می‌دهد که از حریم هوایی‌اش عبور کند. در زمان تنفس مجلس برای گروهی از شاگردان تربیت معلم دختران صحبت کردم*. چون دو مطلب فوری در دستور داشتیم، عصر هم جلسه علنی برگزار کردیم.

بعدازظهر، برای فرمانداران سراسر کشور که در سمیناری جمع شده‌اند، صحبت کردم[1]. سپس به شورای مرکزی حزب رفتم. بحث درباره انجمن حجتیه و دستگیری خسرو قشقایی داشتیم که آقای مهندس طاهری شیرازی مدعی است که به او تأمین داده شده بود که آمد، اما سپاه و استانداری قبول ندارند و می‌گویند که او برای فرار به خارج از کشور به شیراز آمده بود. راجع به حزب ـ شاخه محلات ـ نیز که علیه آقای [فضل الله]محلاتی در جلسه آقای [عبدالمجید]معادیخواه شعار داده‌اند، صحبت شد.

امشب آقای جلود نخست وزیر لیبی که از ایران دیدن می‌کند، در جلسه سران شرکت کرد. می‌خواهند که پیمان همکاری کامل و دفاع مشترک ببندیم ولی ما اصرار داشتیم که قراردادها از موارد خاص شروع شود، مثلاً از یک پیمان نظامی در مقابل اسرائیل یا تأسیس مدرسه تربیت مبلغ یا .... شام را همان جا خوردیم. مقامات لیبی تلاش دارند که در آینده عراق، مؤثر باشند.

امروز خبر رسید که ملک خالد شاه عربستان درگذشته و آقای فهد جای او را گرفته است. ساعت دوازده و نیم شب همراه احمد آقا ـ که در جلسه بود ـ به خانه آمدم.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ما غیر قابل قبول است. ما راه را می‌خواهیم برای دفاع از اسلام، برای دفاع از مسلمین، برای جنگ و جهاد با متجاوز صهیونیزم. عراق می‌خواهد از ما باج بگیرد و حزب بعث در حال سقوط را از سقوط نجات دهد و حقوق ملت ما را که با نثار خون در معرض تأمین آن قرار گرفتیم، از ما دریغ کند.

رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ ـ در این سخنرانی درباره طبقه اجتماعی فرمانداران در جمهوری اسلامی، توصیه‌های حضرت علی علیه‌السلام به مالک اشتر، قدرت مردمی جمهوری اسلامی، تدبیر در برابر تروریسم و بی‌رنگی شعارهای مارکسیستی در برابر انقلاب اسلامی مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



ملک فهد پادشاه عربستان سعودی

دوشنبه ۲۴ خرداد

گزارش تأیید نشده رسید که آتش‌بس لبنان شکسته شده و اسرائیل منطقه بعبدا محل استقرار رئیس جمهوری آن کشور را اشغال کرده. با تصرف بخشی از جاده بیروت ـ دمشق، رابطه بیروت را با دمشق قطع کرده‌اند. فرودگاه را هم اشغال کرده‌اند. مصر اعلام کرده است که فلسطینی‌ها از طریق آن کشور از اسرائیل خواستار آتش بس شده‌اند.

سرهنگ صیاد شیرازی صبح زود آمد. نقشه‌ای از بستان و وضعیت نیروهای متخاصم آورد و وضع جبهه‌های جنگ را در غرب و جنوب گفت و قرار شد که آماده اقدام به تصرف بخشی از خاک عراق باشند که قبلاً تصویب شده است. مشکل نیروی زمینی با سیاسی ایدئولوژیک را نیز مطرح کرد و کمک خواست که قرار شد جلسه‌ای بگذاریم.

آقای [علی‌اکبر]ناطق نوری با چند نفر از معاونان وزارت کشور آمدند و راجع به شهربانی، کمیته و استانداری اصفهان مشورت کردند.

عصر مقداری شنا کردم و مقدمه‌ای بر کتاب آقای دکتر [علی] قائمی درباره شهید بهشتی نوشتم. و نیز خاطرات عقب مانده چند روز را.

سه شنبه ۲۵ خرداد

جلسه علنی مجلس داشتیم. چند لایحه به تصویب رسید. چند ملاقات با نمایندگان داشتم. عصر نیز ملاقاتی با هیئت‌های عالی نظارت بر پاکسازی داشتم و آنها را برای گذشت و عفو از گناهان کوچک و سخت‌گیری در مورد ماموران فاسد و وظیفه نشناس توجیه کردم. به آنها توضیح دادم که انقلاب ما نمی‌خواهد، مثل انقلاب‌های مارکسیستی، کارکنان رژیم سابق را از کار برکنار کند و در عین حال، نمی‌خواهیم مثل کودتاها فقط به تبدیل رأس حکومت اکتفا کنیم. انقلاب هدف و محتوا و رسالت دارد. باید روی شناسایی افراد صالح و ناصالح و گناهکار تحقیق کنیم و وقت و نیرو مصرف کنیم.

ملاقاتی با هیئت لیبی به ریاست سرگرد جلود داشتم و راجع به قراردادها بحث کردیم. وی اصرار دارد که پیمان وسیع کلی همبستگی دفاع از دو انقلاب ببندیم. ما می‌گوییم که مورد به مورد

باید قرارداد بسته شود. اصرار کرد که با امام بتواند ملاقات کند ولی امام موافق نیستند.

ملاقاتی با خواهران عضو حزب جمهوری [اسلامی] داشتم. راجع به حقوق و وظایف زن و شوهر در خانه و جامعه صحبت کردم*.

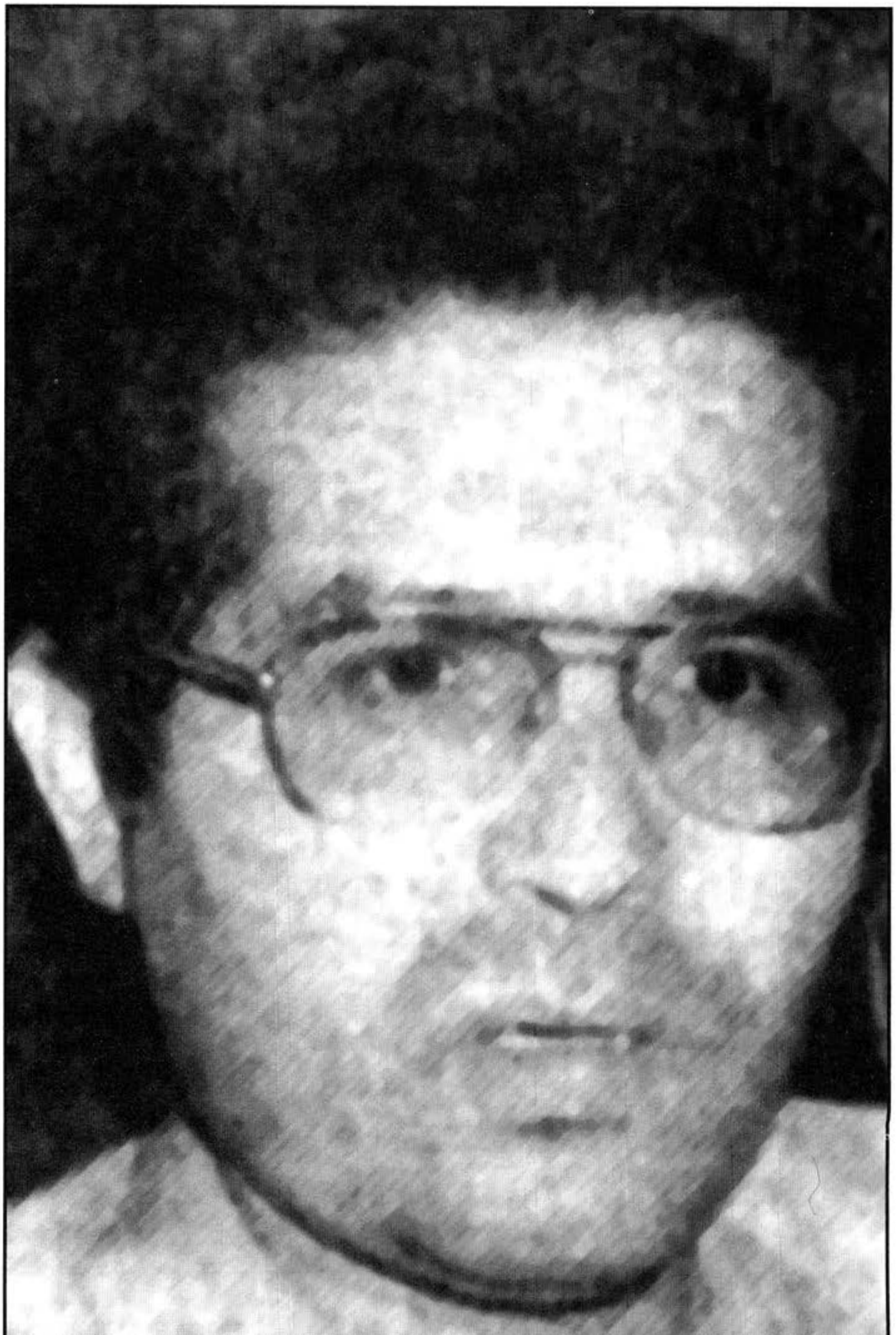
چهارشنبه ۲۶ خرداد

تا بعدازظهر در منزل ماندم و به مطالعه پرداختم و کارها را تلفنی پیگیری کردم. گزارش‌ها می‌گوید، آتش بس لبنان محکم نشده و درگیری وجود دارد. عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده تنظیم شد و تصویب کردیم که از زمین‌های مجلس شورای [ملی] قدیم، قطعه‌ای برای ساختن کلاس‌ها در اختیار مدرسه عالی شهید مطهری قرار دهیم. مقداری طلا و جواهر برای کمک به جنگ رسیده بود که تحویل آقای [مرتضی] کتیرائی [کارپرداز مجلس] دادم.

ملاقاتی با ناخدا [بهرام]افضلی فرمانده نیروی دریایی داشتم. او از اختلافی که با افراد حزب اللهی در نیرو پیدا کرده، نگران است و اتهاماتی نسبت به آنها دارد.

با آقای [سیدعلی اکبر]محتشمی[پور] سفیر ایران در دمشق ملاقات داشتم که خواهان جدی گرفتن شرکت در جنگ [لبنان و اسرائیل] است. گزارشی از وضع آنجا داد. [آقای اشرفی اصفهانی] امام جمعه باختران با جمعی از نمایندگان آمدند و از عدم توجه به نیازهای استان گله داشتند. شاخه اصناف حزب جمهوری [اسلامی] آمدند و از وزارت آقای بهزاد نبوی و دفاع من از وی گله داشتند که برایشان توضیحاتی دادم.

جلسه‌ای با سران در دفتر رئیس جمهور داشتیم و درباره فلسطین و خاورمیانه بحث کردیم. قرار شد مطلب را با سوریه و سپس با کشورهای جبهه پایداری در میان بگذاریم. برای این منظور، قرار شد که هیئتی به سوریه بروند. آقای [محسن] رفیق دوست و آقای [ابراهیم]همّت از لبنان آمده بودند. وضع آنجا را توضیح دادند و گفتند که به موفقیت نیروهای لبنانی امیدوارند. شب به مجلس رفتم و مهدی هم با من بود.



ناخدا بهرام افضلی فرمانده نیروی دریایی

پنجشنبه ۲۷ خرداد

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد و آقای دکتر ولایتی جواب سئوال آقای [صادق]خلخالی را در خصوص نابسامانی سفارتخانه‌ها داد. ظهر آقای [سیدحسن]واعظ [موسوی انزابی نماینده ارومیه] گزارش هیئت اعزامی به آذربایجان غربی را آورد. با آقای مهندس [مهدی]طیب [نماینده نائین] که استعفا کرده بود، صحبت کردم. استعفا را پس گرفت. خیال کرده بود که اظهارات خصوصی امام ناظر به اوست، ولی معلوم شد که اشتباه کرده است.

عصر اعضای شورای مرکزی ستاد برگزاری نماز جمعه آمدند و راجع به ساختن مصلی و محل آن صحبت کردیم. پادگان عباس آباد را بر عشرت‌آباد ترجیح دادیم.

سرپرست سازمان اوقاف و مدیران و رؤسای ادارات آن آمدند و برای آنها سخنرانی کردم*. توصیه کردم که با عمل خود، اعتماد مردم را به وقف جلب کنند. پیش از ظهر انجمن‌های اسلامی دانش آموزان دختر و پسر تبریز آمدند و برای آنها هم سخنرانی کردم*.

شب به خانه آمدم. کسی نبود و مقداری توت که پاسداران از دهات آورده‌اند، به جای شام خوردم. عفت و بچه‌ها در جلسه بزرگداشت شهدای هفتم تیر در مدرسه عالی شهید مطهری شرکت کرده بودند و ساعت دوازده شب آمدند.

جمعه ۲۸ خرداد

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ای در زمینه اقتصاد اسلامی و خطبه دیگر را درباره تجاوز اسرائیل به لبنان و لزوم ادامه مبارزه تا سقوط اسرائیل، ایراد کردم[1].

عصر احمد آقا آمد و نظر امام را درباره چند موضوع مورد بحث گفت. امام مایلند که غیر از این افراد موجود در ستاد انقلاب فرهنگی، نماینده‌ای در شورای عالی داشته باشند و اینها دیگر به

---

۱ - در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (حل مسأله کنترل حکومت اسلامی و اراده آزاد انسان، مدح احیاگران اقتصادی و تولید کنندگان در روایات، حوزه عمل بخش خصوصی) مطرح شد. در خطبه دوم نیز تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و حضور جمهور اسلامی ایران در روند حوادث لبنان تحلیل و تبیین گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب



عنوان نماینده امام نباشند. همچنین می‌خواهند نماینده‌ای در شورای [عالی] اقتصاد داشته باشند، به خاطر شکایت‌هایی که می‌شنوند، مبنی براین که خط چپ‌گرایی اقتصادی در شورا وجود دارد[1]. نماینده امام می‌تواند باعث اطمینان خاطر ایشان باشد.

در مورد انجمن حجتیه[2] نظر امام این است که افراد مؤثر آنها در پست‌های حساس و کلیدی نباشند. اگر خودشان می‌خواهند، انجمن منحل شود وگرنه نظارتی بر کار آنها بشود.

امروز آرژانتینی‌ها پس از ماه‌ها جنگ بر سر جزایر فالکلند، در مقابل انگلیسی‌ها تسلیم شدند و در نتیجه رئیس جمهور آرژانتین ساقط شد.

شنبه ۲۹ خرداد

تمام وقت در خانه ماندم. چند ملاقات در خانه داشتم و کارها را با تلفن پیگیری کردم. گزارش‌ها را هم از مجلس آوردند. آقای محمدعلی طاهری که جوانی با ذوق است و اختراعاتی در زمینه اسلحه دارد، آمد و گفت که مقامات وزارت دفاع رسیدگی نمی‌کنند. قرار شد که به وزیر دفاع معرفی شود.

برای خطبه‌های نماز جمعه و کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی]، مقداری از کتاب رسائل و المحجة البیضاء راجع به احتکار مطالعه و مطالب خوبی دریافت کردم. عصر محمد تقی، برزگر ما در بهرمان آمد و گزارش کارش را داد به او و همراهش انعام دادم. می‌گفت که پس از انقلاب وضع مردم روستاهای نوق خیلی خوب شده و همه راضی و وفادار هستند.

احمد آقا آمد و گفت که امام مایلند، من در مجلس یا جای دیگر بر مسئله اولویت جنگ با

---

۱ - منظور از چپ گرایی در اقتصاد، گرایش غالب اعضای هیأت دولت وقت به دولتی کردن اقتصاد و یا سوسیالیزه نمودن آن است. با وجود اینکه عدم کارایی چنین نظامهای اقتصادی در دنیا به اثبات رسیده بود اما باز بودند کسانی که به جای اقتصاد باز به اقتصاد بسته و دولتی گرایش داشتند. سیستم عرضه کالای کوپنی و انحصارات شدید دولتی در همه کالاها از جمله اقدامات این افراد بود و در این سالها لطمات جبران ناپذیری براقتصاد کشور وارد آمد.

۲ - برای آگاهی در مورد انجمن حجتیه و سوابق و اهداف آن رجوع کنید ← به کتاب "در شناخت حزب قاعدین زمان / ع / باقی / نشر دانش اسلامی / ۱۳۶۳، تهران.

عراق تأکید کنم[1].

آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی دادستان [کل] انقلاب آمد و راجع به اختلافات مقامات قضایی بحث کردیم. امام به من و آقای خامنه‌ای تکلیف کرده‌اند که به اختلافاتشان رسیدگی و اصلاح امور کنیم. آقای موسوی [تبریزی] معتقد است که شورای عالی قضایی ضعیف است و کادر مدیریت زندان‌ها بی‌نظم است. من نسبت به برخوردهای نادرست با خانواده‌های زندانی‌ها انتقاد کردم. قرار شد که رسیدگی شود. دوست فاطی برایمان مقداری گیلاس از درخت خانه خودشان آورد.

آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی و آقای [محمد]امامی کاشانی تلفن کردند که من را راضی کنند، برای این که آقای امامی کاشانی از مجلس استعفا بدهد و مسئول دیوان عدالت اداری بشود؛ با اصرار آقای [موسوی]اردبیلی موافقت کردم.

یکشنبه ۳۰ خرداد

[ریاست] جلسه علنی را به آقای [محمد]موسوی خوئینی‌ها سپردم و به مجلس نرفتم. با خانواده‌های شهدای هفتم تیر، همراه با رئیس جمهور به زیارت امام رفتیم. آقای خامنه‌ای صحبت کردند و امام صحبت نکردند.

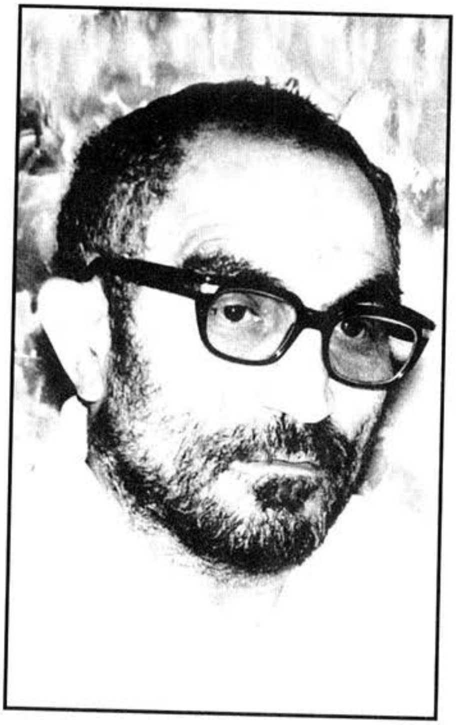
سپس در دفتر امام با حضور فرماندهان سپاه و نیروی زمینی، وزیر خارجه و وزیر دفاع که امروز از سفر سوریه آمده‌اند، درباره جنگ لبنان و جنگ با عراق بحث کردیم. آقای دکتر ولایتی [وزیر امور خارجه] و آقای سلیمی [وزیر دفاع] در مذاکرات خود با سوریه به این نتیجه رسیده‌اند که سوریه مایل به جنگ است ولی باید مطمئن به کمک کشورهای اسلامی باشد. از ترکیه هم اجازه گرفته‌اند که بتوانیم کمک‌های انسان دوستانه به سوریه منتقل کنیم. درباره حمله آینده ما به عراق و ورود به خاک عراق هم بحث شد. منتظر نیروهای مردمی هستند.

---

۱ - علت تمایل امام(ره) به تأکید بر اولویت مسأله جنگ این بود که بعد از عقب‌نشینی صدام و اقدامات دیپلماتیک گسترده برای کشاندن ایران به پای مذاکره صلح، نیروهایی در داخل کشور از شور و حال قبلی افتاده بودند و با توجه به نفوذ کلام آقای هاشمی رفسنجانی از ایشان خواسته شده بود تا بر اولویت جنگ تأکید کنند.



سید حسین موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی



شهید اسد اله لاجوردی دادستان انقلاب تهران

ناهار را در دفتر امام خوردیم. عصر برای مطالعه و استراحت درخانه بودم. گزارش‌ها را از مجلس آوردند و خواندم؛ مطلب مهمی نداریم. شورای [مرکزی] حزب جمهوری [اسلامی] در دفتر من تشکیل شد ولی من شرکت نکردم. اول شب آقای [سید جلال] ساداتیان اطلاع داد که صدام هم اکنون مشغول نطق است و قرار است سیاست جنگی‌اش را به مناسبت ماه رمضان و جنگ لبنان اعلام کند؛ احتمالاً اعلام آمادگی خروج از خاک ما و آتش بس است. معلوم شد که ضمن ادعاهای زیاد و ستایش از ارتش عراق و ادعای متجاوز بودن ما اعلام کرده است که تا ده روز دیگر از خاک ما بیرون می‌رود[1].

دوشنبه ۳۱ خرداد

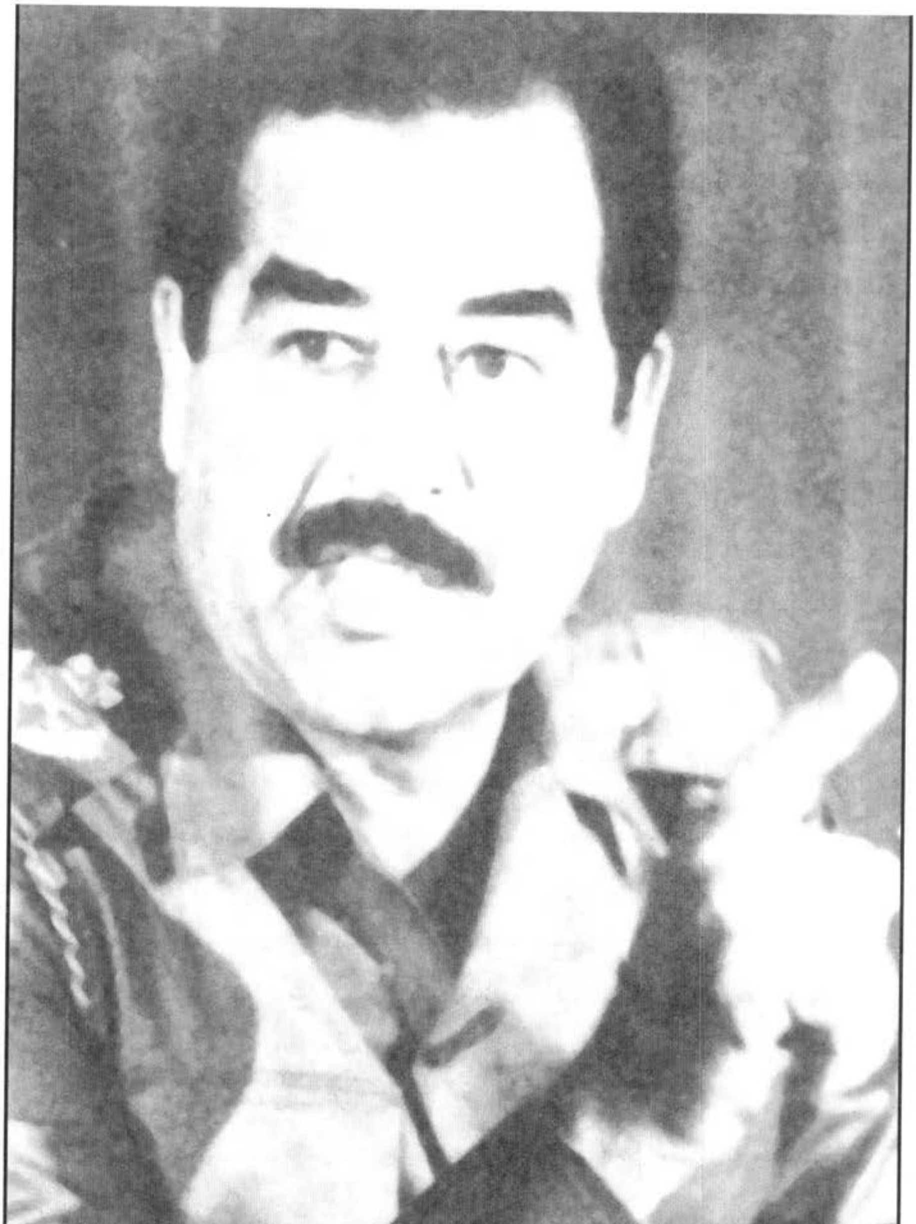
وعاظ و جامعه روحانیت مبارز با امام ملاقات داشتند و امام مفصل صحبت کردند. من هم

---

۱ - صدام حسین رئیس جمهور عراق دلائل عقب‌نشینی نیروهای خود از خاک ایران را به این ترتیب عنوان کرده است: الف) طولانی بودن راههای مواصلاتی ما به جبهه در خاک ایران که این امر موجب مسایل زیر شد: ۱ - مشکل مانور ۲ - نیروهای خودی به مسائل دفاع در خاک ایران کمتر اهمیت می‌دادند. ۳ - راههای مواصلاتی تدارکاتی، طویل و در خاک دشمن بوده و از سوی دیگر ارتباط مرکز فرماندهی با قرارگاههای میدان جنگ به علت طولانی بودن، مورد تهدید قرار می‌گرفت. در این حالت نیروهای جلو در معرض انزوا قرار می‌گیرند به ویژه وقتی دشمن به طور مستقیم وارد محل شود (دور می‌زند) دشمن بر روی این تاکتیک (جناح گرفتن و دور زدن) خیلی تکیه می‌کند. ما مجبور بودیم برای حفظ آن جاده‌ها (عقبه‌ها) نیروهای پشتیبانی بیشتری گسیل داریم، این وضع برای مسدود کردن معابر نفوذی بسیار سخت و غیر ممکن است، نیروهای مؤظف به این امر، چون اکثراً از نیروهای ذخیره‌اند و آمادگی ندارند، قادر به مسدود کردن همه معابر نفوذی نیستند و لیکن الان کلیه امکانات دفاعی برای حفظ خط مقدم فراهم شده و بخشهای ذخیره نیز تجربه کافی کسب کرده‌اند.

ب) احساس سربازان و ارتشیان ما در هنگامی که از اراضی و حقوق خود دفاع می‌کنند، با حالتی که در عمق مثلاً هشتاد کیلومتری سرزمین دشمن دارند، متفاوت است.

ج) یکی از عوامل مهم دیگر این بود که دشمن در سرزمین خود می‌جنگید و بالطبع آشنایی کامل با محیط داشت. مثلاً دشمن از رود کرخه و انشعابات آن و یا رود کارون استفاده می‌کرد و مسایل غیر مترقبه‌ای را برایمان ایجاد می‌کرد (اصل غافگیری) و نسبت به نیروهای خط مقدم احاطه داشت. (اسناد به دست آمده در عملیات والفجر مقدماتی / کتاب "از خرمشهر تا فاو" از سری کتابهای سیری در جنگ ایران و عراق / جلد دوم - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - ۱۳۷۵ - تهران صفحه ۲۱)



صدام حسین تکریتی رئیس جمهور عراق

می‌بایست شرکت می‌کردم ولی برای قرارهایی که در مجلس داشتم به آنجا رفتم. نمایندگان آذربایجان شرقی آمدند و به بازداشت آقای غفور [گیوی خلخالی] نماینده خلخال که به پنج سال محکوم شده است، اعتراض داشتند. با آقای موسوی اردبیلی صحبت کردم. ایشان گفت که مراجع ذی صلاح به حکم دادگاه انقلاب اهر ـ که به خاطر سوابق قاضی شرع آن مورد اعتراض است ـ رسیدگی کرده، حکم را صحیح تشخیص داده‌اند؛ ولی اعتراض نمایندگان شدید است.

ظهر با روحانیت سبزوار ملاقات داشتم[1] که به سپاه و فرمانداری اعتراض دارند. ماههاست که اختلاف دارند. اینها همدیگر را به حجتیه‌ای [بودن] و افراطی‌گری متهم می‌کردند.

عصر در جلسه نمایندگان عضو یا هوادار حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. درباره لزوم تشکل و تحزب صحبت کردم[2]. آقای [حمید]بهرامی از لاهه آمده و نگران خسارت ما در نتیجه عملکرد دیوان لاهه و داوری بین‌المللی در خصوص دعاوی ما و آمریکائیان است.

وزیر مسکن و معاونانش آمدند و از انتقاد من در جلسه هیئت‌های نظارت بر بازسازی در وزارت مسکن گله داشتند. به آنها گفتم که مردم در مراجعه به سازمان‌های متصدی امر مسکن و زمین ناراضیند. شب در مجلس ماندم و مهدی هم با من بود.

---

۱ - در این ملاقات ایشان درباره وضعیت روحانیت قبل و بعد از انقلاب اسلامی، رسالت روحانیان در گسترش انقلاب اسلامی و لزوم حل مسائل هر منطقه در خود آن منطقه سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰.

۲ - در این سخنرانی درباره اهمیت وجود احزاب، جایگاه رأی اعضاء در احزاب، مسأله ولایت فقیه و روند شکل‌گیری آن، وظایف احزاب در نظام جمهوری اسلامی، اثرات وجود تشکل در نیروهای انقلابی، خاصیت حزب جمهوری اسلامی، علل تحزب گرایی، مشکلات مربوط به تشخیص جریانهای سالم، مسأله بنی‌صدر، لزوم سازندگی در مناطق محروم کشور، نقش طلاب حوزه‌های علمیه در تداوم انقلاب، تفاوت احزاب اسلامی با احزاب غربی و وظیفه احزاب در کشف و تربیت نیروها به تفصیل مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

تیر ۱۳۶۱



سه شنبه ۱ تیر ۱۳۶۱ ۲۹ شعبان ۱۴۰۲ June. 22, 1982

ساعت هفت ونیم صبح جلسه علنی مجلس شروع شد. در تأیید اظهارات امام درخصوص تقدم جبهه جنگ با عراق و جواب به اظهارات صدام صحبت کردم[1]. دو لایحه تصویب شد. به علت خالی شدن باتری‌های اتاق کنترل، بلندگوها و میکرفون‌ها قطع و وصل می‌شد، لذا بی موقع تنفس داده شد تا درست کنند. تماشاچیان زیادی از ارگان‌های مختلف داشتیم که پس از جلسه برای آنها در دو گروه صحبت کردم[2].

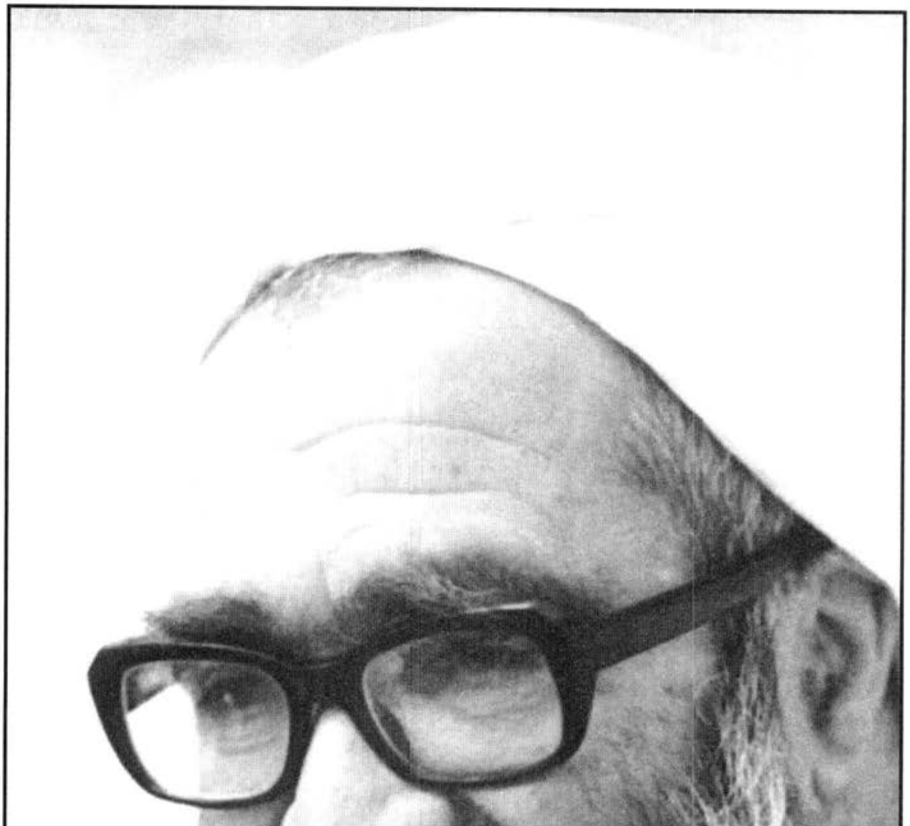
ظهر آقای [سیدمصطفی] محقق داماد رئیس بازرسی کل کشور آمد و گزارشی از کارهایش داد و از ضعف شورای عالی قضایی گله داشت.

عصر در جلسه گروهی از نمایندگان شرکت کردم و راجع به وضع جبهه‌ها و علل کمک به لبنان مذاکره شد. گفتند اکثریت نمایندگان مجلس و فضای جامعه نگرانند از تأثیر مـانورهای صـلح خواهانه عراق و فشار خارجی‌ها می‌ترسند بی‌موقع آتش بس به بهانه ماه رمضان پذیرفته شود و نقل کردند که آقای منتظری گفته‌اند مسئولان بوی دلار به دماغشان خورده و می‌خواهند جنگ را ختم کنند. گفتم آیت‌الله منتظری از نظر و تصمیم امام برای ادامه جنگ مطلعند بعید است چنین چیزی بگویند. ممکن است افراد بی‌اطلاع گفته باشند و اصلاً پای دلاری در کار نیست. اصل حرفشان اینست که کمیته‌ای مرضی‌الطرفین بررسی کنند و طرف متجاوز را مشخص کنند و سپس در مورد خسارت صحبت شود و معلوم است که نتیجه چه خواهد شد. گروهی از طلاب قم، مشهد و اهواز برای تبلیغات هفتم تیر و فاجعه انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی آمده بودند که برایشان صحبت

---

۱ - در این نطق آمده است: امام توجه خاصی به تقدم جنگ در مرزهای ایران برجنگ در لبنان داشتند و این نظری است که در هفته‌های گذشته دوستان ما در دنیای عرب و در داخل مطرح کرده‌اند. نظریه رهبران سوریه و نظامیان سوریه، نظریه رهبران لیبی و نظامیان لیبی و نظر شورای دفاع هم همین بود که مسأله فیصله جنگ در مرزهای ایران تقدم دارد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره فلسفه ماه مبارک رمضان، روح عبادات، تأثیر عبادت بر انسان، عامل آسیب ناپذیری روحی حضرت امام(ره)، تأثیر روزه در عذاب اخروی و معنا و مفهوم تقوا به تفصیل مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



آیت اله منتظری

کردم و برای تبلیغاتشان جهت تعیین کردم[۱].

امام جمعه گناوه و جمعی از مسئولان آنجا آمدند و از فقر مردم و در عین حال علاقه آنها به جمهوری اسلامی و انقلاب گفتند. برای آنها صبحت کردم[۲]. رابطین حوزه‌های حزب آمدند و سئوالاتی داشتند که جواب دادم. جلسه خوبی بود.

در جلسه شورای عالی دفاع شرکت کردم؛ درباره مسائل متعددی تصمیم گرفتیم. امام گفته‌اند، در این ده روز که عراق مدعی عقب نشینی است، حمله نکنیم و به لبنان هم فعلاً کسی را نفرستیم. درباره تحویل گرفتن ناو "خارک" که رژیم سابق، آن را از انگلیس خریده و نیز خرید رادار و تعمیر رادارها و گسترش دفاع ضد هوایی تصمیم‌گیری شد. شب به خانه آمدم، حاجیه والده هم به منزل ما آمده بودند. شام مختصری خوردیم و زود خوابیدیم که برای سحر اولین روز ماه رمضان بیدار شویم.

چهارشنبه ۲ تیر

من و عفت و فاطی و مهدی و یاسر برای روزه گرفتن سحری خوردیم. والده به علت پیری و کهولت روزه نمی‌گیرند. تا نزدیک ساعت نه صبح خوابیدم. تمام وقت در خانه ماندم و به مطالعه و استراحت و نوشتن خاطرات و خطبه عربی نماز جمعه پرداختم.

وزیر خارجه تلفن کرد و گزارشی از اوضاع داد. شب احمد آقا تلفن کرد و گفت که امام در مورد مسائل لبنان به همان نظر تأکید دارند و مصر هستند. به آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی تلفن کردم و گفتم که آقای غفور [صادق]خلخالی را به زندان تهران منتقل کنند. افطار همه بچه‌ها جمع بودند. یاسر خوب مقاومت کرده، هفده ساعت روزه‌دار بود؛ هنوز به تکلیف نرسیده.

---

۱ - در این سخنرانی درباره نقش تشکلهای مذهبی در انقلاب، بهره‌های فاجعه هفتم تیر برای انقلاب اسلامی، انقلاب سوم و خیال خام منافقین، نبرد مستضعفان متدین با مستکبران و تحزب و تهذیب مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی در مورد ارزش خدمت در مناطق محروم، فداکاری و گذشت مردم گناوه و لزوم رفع فقر فرهنگی و فقر اقتصادی مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

دادستانی جزوه‌ای از وضع خسرو قشقایی[1] را فرستاد تا ثابت کند که او با تأمین برنگشته و به منظور فرار به شیراز آمده. مهندس [رجبعلی]طاهری [نماینده کازرون] مدعی است که او با تأمین ایشان آمده است. ممکن است که خسرو[قشقائی] درصدد فرار بوده ولی تأمین آقای طاهری را وسیله‌ای برای نجات از دستگیری احتمالی کرده باشد.

پنجشنبه ۳ تیر

در جلسه علنی مجلس، چند لایحه تصویب شد. آقای [اسدالله] بیات اطلاع داد که به اتومبیل آقایان [سیدمحمد]موسوی خوئینی‌ها و محمد علی صدوقی حمله شده است، یک پاسدار ایشان مجروح شده و خودشان سالم به مسجد رسیده‌اند. شیوه جدید تروریست‌ها این است که در راه‌ها کمین می‌کنند و اتومبیل هر یک از شخصیت‌ها که برسد وارد عمل می‌شوند.

عصر دوسه ملاقات داشتم. برای افطار به منزل آمدم. عفت به مهمانی خانواده شهید صادق اسلامی و از آنجا به مراسم حزب جمهوری[اسلامی] رفته بود. به مناسبت سالگرد شهادت هفتادوسه تن به مدت ده شب مراسمی برگزار کرده‌اند و شخصیت‌ها سخنرانی دارند. گفت جمعیت زیادی آمده بودند.

جمعه ۴ تیر

تا ساعت ده در منزل مطالعه کردم. سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. خطبه‌ای درباره آثار روزه و تقوا و خطبه‌ای درباره مروری بر انقلاب اسلامی و انقلاب سوم و دروغ‌های

---

۱ ـ خسرو خان قشقایی یکی از خوانین عشایر استان فارس بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت‌های مختلفی را در جهت کسب قدرت سیاسی انجام داد. وی بعد از تحولات سال ۶۰، اردوگاه مسلح خوانین را در فیروزآباد فارس تشکیل داد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک عملیات اردوگاه مذکور را تصرف کرد و خسروخان قشقایی را به همراه ۹ تن دیگر از خوانین فارس دستگیر نمود. این افراد در بازجویی‌های خود به دستورگیری از استکبار غرب اعتراف کردند. دادگاه انقلاب اسلامی، خسروخان قشقایی را به اعدام محکوم کرد و حکم در مورد وی به اجرا در آمد.

نطق صدام ایراد کردم[۱].

عصر با احمد آقا تلفنی صحبت کردم: درباره وضع لبنان که اسرائیل در حال پیروزی کامل است و جبهه نجات ملی جا می‌افتد و فلسطینی‌ها رفته رفته شکست می‌خورند و کمک‌های ما خیلی مؤثر واقع نمی‌شود. قرار شد که با امام صحبت کند. او سپس به منزل آمد و گفت که امام مخالف اعزام نیرو به لبنان هستند.

با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. قرار شد که با امام ملاقات کنیم و موضع روشنی اتخاذ شود. درباره محل مصلای نماز جمعه نیز با ایشان مشورت کردم. امر دایر بین پادگان ولی عصر (عشرت آباد) یا عباس آباد است. شب دکتر وحید دستجردی آمد و درباره وضع زندان اوین و خیلی چیزهای دیگر صحبت کردیم.

شنبه ۵ تیر

رئیس جمهوری به منزل ما آمدند و با هم به زیارت امام رفتیم. راجع به کمک به سوریه در مقابل اسرائیل مذاکره کردیم. امام با حضور ما در آن جبهه با شرایط موجود مخالفت دارنـد و معتقدند که عربها جنگ جدی نخواهند کرد و درگیری بیشتر ما باعث می‌شود که در جبهه جنگ با عراق دچار وقفه شویم و در آنجا هم به جایی نرسیم. بالاخره قرار شد اگر به طور جدی از طرف سوریه جنگ شد، شرکت کنیم.

ظهر پس از نماز مشغول خواندن گزارش‌ها و نامه‌ها در خانه شدم. عصر در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه ای برای رفع اختلافات نیروی زمینی و سیاسی ایدئولوژیک داشتیم. قرار شد که نـیروی زمینی مراعات حقوق سیاسی ایدئولوژیک را کند و نیرو و امکانات در اختیارشان بگذارد و در شش مورد، از جمله دانشکده افسری که اخیراً اختلافات شدید بوده، با قضاوت آقـای [مـحمد محمدی]ری‌شهری [دادستان نیروهای مسلح] رسیدگی شود.

۱ - در خطبه اول فلسفه وجوب روزه و ارتباط آن با تقوا، فرق تقوای مثبت و منفی، تقوای عافیت طلبان و تقوای مبارزان بحث شد و در خطبه دوم وجه تسمیه انقلاب اول (۲۲ بهمن) انقلاب دوم (اشغال سفارت آمریکا) و انقلاب سوم (حذف لیبرالها و خط نفاق) و اشتباه در سیاستهای دولت آمریکا تحلیل و تبیین گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

افطار مهمان آیت‌الله خامنه‌ای بودم. سرهنگ [علی]صیاد شیرازی هم ماند و راجع به لبنان براساس نظر جدید امام تصمیماتی اتخاذ کردیم. سپس با آقای خامنه‌ای درباره چند موضوع مهم مشورت کردیم. تصمیم گرفتیم که اراضی عباس آباد، تبدیل به مصلای نماز جمعه شود. درباره ارتش، اقتصاد، جنگ، حزب، انجمن حجتیه و خیلی چیزهای دیگر بحث کردیم. ساعت یازده به مجلس رفتم و خوابیدم. سحری را تنهایی خوردم: خرما و هندوانه.

یکشنبه ۶ تیر

در جلسه علنی امروز، لایحه تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در شور اول و چند لایحه دیگر تصویب شد. عکس‌های سی‌وسه تن از نمایندگان شهید را باگل در مجلس گذارده بودند. پیش از دستور درباره سالگرد فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری [اسلامی] و شهادت هفتادوسه نفر صحبت کردم[1].

ظهر آقایان [سیدکاظم] اکرمی [نماینده بهار و کبوتر آهنگ] و [غلام عباس]زائری [نماینده بندرعباس] آمدند و از عزل آقای مظفری‌نژاد و نصب آقای [محسن]دعاگو در وزارت آموزش و پرورش و اختلافات آقای [علی‌اکبر]پرورش [وزیر آموزش و پرورش] باگروه امور پرورشی اظهار نگرانی کردند.

آقای [مرتضی]اعظمی لرستانی [نماینده خرم‌آباد] آمد و از این که او و بستگانش مورد سوء ظن و فشار قرار گرفته‌اند، شکایت داشت. و اظهار وفاداری به جمهوری اسلامی کرد؛ بچه‌هایش متهم به وابستگی گروه‌های چپ شده‌اند. آقای [صادق]خلخالی برای نجات برادرش [غفورگیوی] از زندان کمک خواست. از آقای [موسوی] اردبیلی خواستم که نماز جمعه آینده را اقامه کنند.

---

۱ - در این نطق آمده است: حضور عکس‌های نمایندگان شهید در جلسه امروز ما را به فضای جلسه در یکسال قبل برمی‌گرداند و احساس اندوه عمیقی در نمایندگان مجلس و فضای مجلس شورای اسلامی می‌شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰. شایان ذکر است مجموعه خاطرات آقای هاشمی از واقعه هفتم تیر در کتابی به نام "روایت هجران" گردآوری شده است. متن کامل این مجموعه در ضمیمه کتاب "هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، خاطرات ۱۳۶۰، دفترنشرمعارف انقلاب" صفحه ۵۱۷ درج شده است.

عصر شورای مرکزی حزب جمهوری[اسلامی] در دفتر من تشکیل شد. قسمت عمده وقت ما درباره وضع اقتصادی و لزوم توجه به بخش خصوصی و رونق کار و بازار گذشت. امام هم نگران دولتی شدن امور و فشار بر بخش خصوصی‌اند و آقای [عبدالمجید]معادیخواه گفت که در دولت روحیه دولتی کردن امور اقتصادی رواج دارد و آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر مقاومت نشان داد. جو جلسه با ایشان موافق نبود. افطار مهمان مجلس بودند.

شب به خانه آمدم. اتومبیل‌های محافظان در راه برگشت تصادف کرده بودند. احمد آقا در راه برگشت از جلسه بزرگداشت شهدای هفتم تیر برای قرائت پیام امام، صحنه را دیده بود، آخر شب آمد و اطلاع داد. نگران شدم ولی پس از تحقیق معلوم شد که ماشین‌ها صدمه دیدند، اما آسیب انسانی نداشتیم.

دوشنبه ۷ تیر

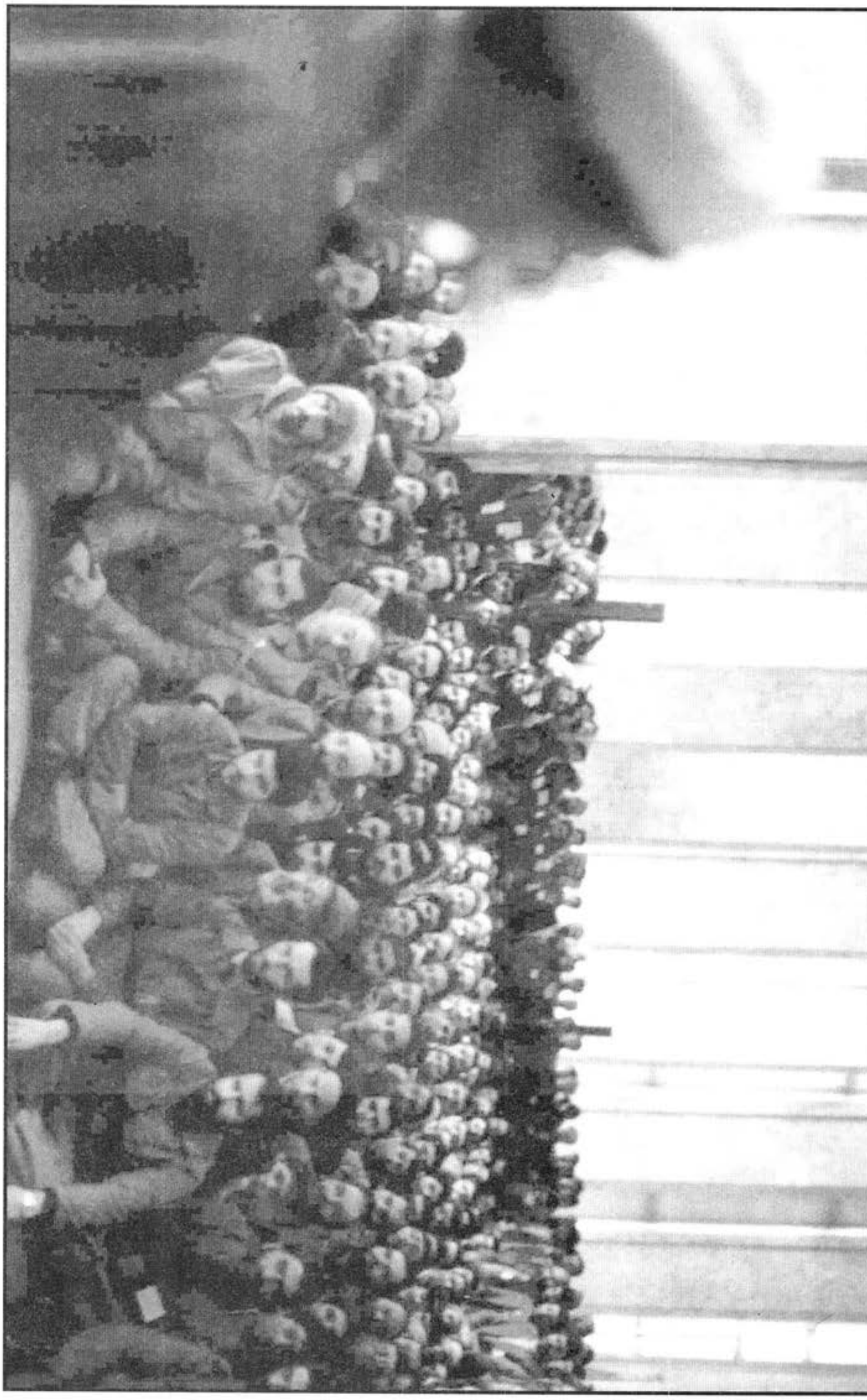
برای سخنرانی در مراسم راهپیمایی مردم برای شهدای هفتم تیر به مجلس رفتم. اجتماع عظیمی مقابل مجلس بود و مقداری صحبت کردم و اسامی هفتادوسه شهید را خواندم*. عفت ومهدی هم با من آمده بودند.

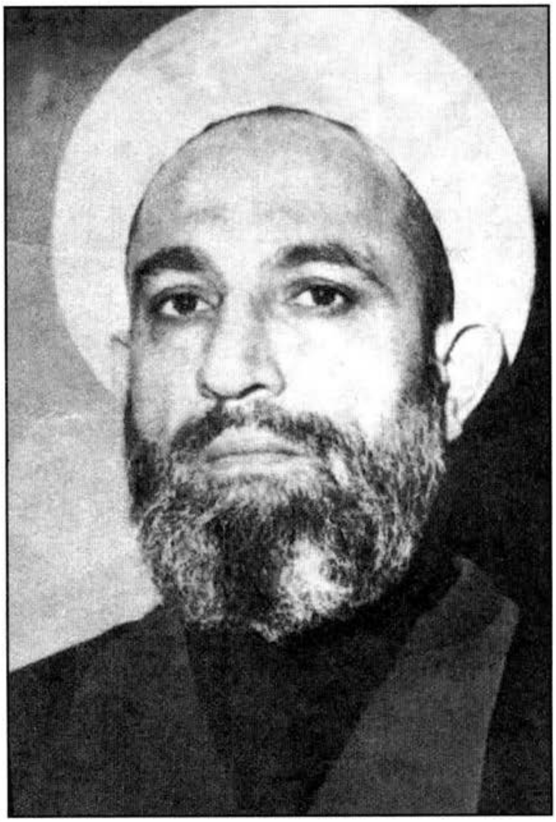
ظهر آقای [حبیب‌الله]عسگراولادی [وزیر بازرگانی] در مجلس به ملاقات آمد. راجع به مسایل اقتصادی و لزوم توجه به بخش خصوصی و اختلاف نظر در دولت صحبت کرد.

به منزل آمدم و تا ساعت پنج بعدازظهر استراحت کردم. عصر احمد آقا آمد و راجع به مسایل جنگ لبنان براساس نظر امام بحث شد. در مورد استعفای آقای [محمد رضا]مهدوی‌کنی از سرپرستی کمیته‌های انقلاب در اثر اختلاف نظر با آقای [علی اکبر]ناطق[نوری] پس از تصویب واگذاری کمیته‌ها به وزارت کشور در مجلس بحث شد[1].

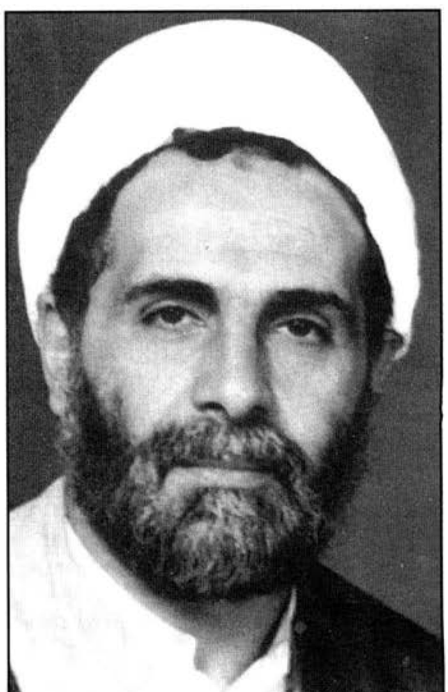
---

۱ - کمیته‌های انقلاب اسلامی نهادی برآمده از انقلاب بود که در سال ۵۷ تشکیل شد و وظیفه حراست و حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی را عهده‌دار گردید. این نهاد در سالهای جنگ که سپاه درگیر جبهه‌ها بود، وظیفه برخورد با ضدانقلاب داخلی را به نحواحسن انجام داد و پس از آن مأموریت‌های مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با منکرات نیز به مأموریت‌های کمیته اضافه شد. کمیته‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۳۷۰ با شهربانی جمهوری اسلامی و ژاندامری ادغام گردید و به این ترتیب "نیروی انتظامی جمهوری اسلامی" تأسیس شد.

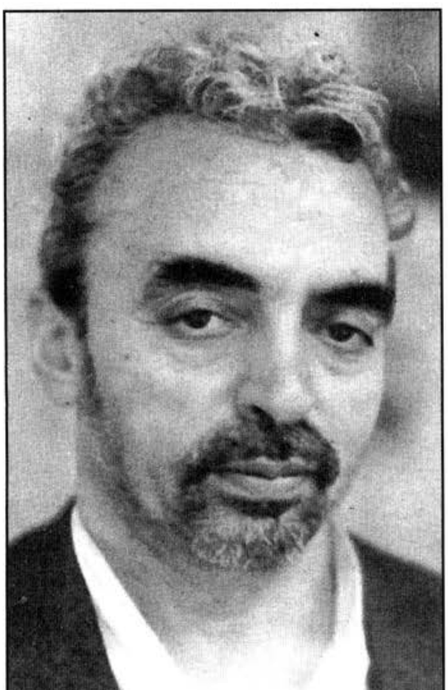




آیت اله مهدوی کنی



حجت اسلام والمسلمین ناطق نوری



حبیب اله عسکراولادی

از دفتر آقای خامنه‌ای و دفتر امام اطلاع دادند که نظامیان عراق از قصر شیرین و مناطق اطراف بیرون رفته‌اند و با توجه به ملاقات سپاه و ارتش با امام و مذاکره درباره جنگ لبنان، خواستار تشکیل جلسه شورای عالی دفاع برای فردا شدند.

آقای محسن رفیق‌دوست که دیشب از سوریه آمده، امروز به ملاقات آمد و از این که امکانات در سوریه راکد است، اظهار نگرانی نمود. قرار شد که این مطلب را خدمت امام بگوید.

سه شنبه ۸ تیر

جلسه علنی معمول هفتگی را، به منظور رعایت حال نمایندگانی که برای سخنرانی در مراسم بزرگداشت شهدای هفتم تیر به شهرستان‌ها رفته اند به فردا محول کردیم. ساعت ده صبح در دفتر آقای رئیس جمهور، شورای عالی دفاع جلسه داشت. عقب نشینی ارتش عراق از شهرها و نقاط مسکونی غرب کشور مورد رسیدگی قرارگرفت و معلوم شد که آنها در بخشی از ارتفاعات ایران در کنار مرزها مانده‌اند. همین موضوع، اهداف جنگ‌طلبانه صدام را ثابت می‌نماید و اینگونه عقب‌نشینی‌ها بیشتر جنبهٔ تبلیغی دارد و برای تثبیت و تقویت نیروهای خود استفاده می‌کند. در عراق تغییراتی در کابینه انجام شده ولی سطحی است.

در مورد عملیات آینده، موضع تبلیغاتی ما و عدم اعزام نیرو به سوریه هم تصمیماتی گرفتیم. در مجموع به این نتیجه رسیدیم که تصمیم بجایی است.

عصر در مجلس چند ملاقات داشتم. از بهداری سپاه آمده بودند و راجع به لزوم نفوذ بیشتر اطبای حزب اللهی در وزارت بهداری پیشنهادهایی داشتند.

سفیر لیبی آمد و مطلب تازه‌ای نداشت. مدتی پیش تقاضای ملاقات کرده، امروز نوبت او شده و زمان مطلب قبلی‌اش گذشته بود. گفت که آقای [معمر]قذافی [رهبر لیبی] با قراردادهای ما با [عبدالسلام]جلود موافقت کرده است.

سفیر سوریه آمد و از این که ما به جنگ با عراق اولویت داده‌ایم و با اعزام نیرو، به آنها فشاری برای ادامه جنگ وارد نمی‌شود، خوشحال بود و می‌گفت که اسرائیل سلاح‌های ناشناخته جدیدی به کارگرفته و فعلاً نمی‌خواهیم با آن بجنگیم.

کاردار سفارت شوروی آمد و از این که یکی از دیپلمات‌های سفارتشان گم شده ـ و گویا

جاسوس غرب بوده ـ و به ترکیه فرار کرده و اتومبیلش را در مرز پیدا کـرده‌انـد، نگـران بـود و نمی‌خواست باور کند که فرار کرده، قرائنی هم ارائه می‌کرد.

شب با مهدی در مجلس ماندیم. افطار آش رشته داشتیم. مهدی در بیرون همبرگر خورده است. سفیر هند هم آمد و من را به هندوستان دعوت کرد که پذیرفتم.

چهارشنبه ۹ تیر

سحری را در مجلس با مهدی خوردیم. غذای مجلس برای مهدی مطبوع نبود و چیزی نخورد و تقریباً بی سحری روزه گرفته است. روزه گرفتن برای بچه‌ها در این روزهای بلند مشکل است. ساعت هفت و نیم بیدار شدم و در جلسه علنی شرکت کردم. براساس آیین نامه جدید، شـعبه‌ها تجدید بنا می‌شود. در شعبه شرکت کردم و اداره جلسه را به آقای [محمد موسوی] خوئینی‌ها سپردم که ایشان جلسه را تا آخر اداره کرد.

اصلاح قانون بیمه‌های اجباری تأمین اجتماعی مطرح بود که چون خیلی از نمایندگان با اصل بیمه اجباری مخالف بودند، رد شد ولی چون دیدند که قانون قبلی به قوت خود می‌ماند و با رد این لایحه دیرکرد و... هم می‌ماند پشیمان شدند. به صورت دو فوریتی طرحی به مجلس دادند که بهره و خسارت دیرکرد را حذف کنند.

ظهر چند ملاقات و عصر هم جلسه هیئت رئیسه داشتم.

خانواده‌های شهدای هفتم تیر افطار را مهمان مجلس بودند. برایشان مقداری صحبت کردم*. قبل از مراسم عفت و خانم شهید مطهری و عده‌ای از آشنایانش به دفترم آمدند. شب در مجلس ماندم و مهدی هم ماند. فیلمی تهیه کرده بود که با دستگاه ویدئوی مجلس تماشا کرد.

کارها را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. مطلب مهمی نداشتیم. جنگ لبنان ادامه دارد. آتش بس نقض می‌شود. اسرائیل بر بیروت فشار می‌آورد. مـحاصره کـامل است و عکس‌العـمل‌های جهانی تا حدودی آمریکا و اسرائیل را تحت فشار گذاشته است.



خانواده های شهدای هفتم تیر افطار را میهمان مجلس بودند

پنجشنبه ۱۰ تیر

در جلسه علنی شرکت کردم. خط مشی کلی صداوسیما مطرح بود که تا ماده ۴۲ تصویب شد. ظهر در شعبه ۸ برای انتخاب اعضای کمیسیون‌ها شرکت کردم. عصر پس از استراحت و شنیدن اخبار، ملاقاتی با آقای [محمود] کریمی سرپرست بنیاد مستضعفان داشتم. از آقای نخست وزیر به خاطر دخالت در کارهایش گله داشت.

سپس با وزرای کشاورزی، مسکن، بهداری، آموزش عالی، دارایی، برنامه و بودجه، صنایع (به اصطلاح چپگراها) راجع به اختلافشان با جناح دیگر در امور برنامه‌های اقتصادی صحبت کردم. به آنها گفتم که امام از فشار زیاد بر بخش خصوصی نگرانند و ممکن است عکس‌العمل نشان دهند و از آنها خواستم که در موارد تولید و توزیع و... مقداری به بخش خصوصی میدان بدهند. دو ساعت بحث کردیم که مفید بود. افطار به خانه آمدم.

جمعه ۱۱ تیر

در خانه ماندم. نماز جمعه را آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی اقامه کردند. تعدادی قرآن را جهت اهداء جایزه به افراد سپاه برای قرائت قرآن امضا کردم. امضای قرآن و عکس و کتاب هم جزو کارهای مسئولان نظام شده است. خاطرات عقب مانده را نوشتم.

ساعت سه بعدازظهر از نخست وزیری اطلاع دادند که آیت‌الله [محمد] صدوقی [امام جمعه یزد] بعد از نماز جمعه شهید شده‌اند. یک تروریست با چسبیدن به ایشان نارنجکی منفجر کرده که خودش هم مرده است و جمعی زخمی شده‌اند. عجیب است که محافظان ایشان با اطلاع از شهادت آقایان [سیدعبدالکریم]هاشمی نژاد و [اسدالله]مدنی و [عبدالحسین]دستغیب و ترور [صادق]احسانبخش با همین شیوه، جلو ترور را نگرفته‌اند. از آقای [محمد] موسوی خوئینی‌ها خواستم که همراه نمایندگان دولت برای تشییع جنازه فردا به یزد برود.



پیکر پاک شهید آیت اله صدوقی امام جمعه یزد

احمد آقا عصر آمد و راجع به مسایل جاری و بیانیه امـام [در خـصوص شـهادت آیت‌اللـه صدوقی] مشورت شد. خودم بیانیه‌ای نوشتم که به رسانه‌ها بدهم[1] و مصاحبه‌ای تلفنی با روزنامه جمهوری اسلامی انجام دادم.

شنبه ۱۲ تیر

به مناسبت شهادت آیت‌الله صدوقی از طرف دولت تعطیل عمومی اعلام شد. تمام وقت در خانه ماندم و به مطالعه و استراحت پرداختم. تشییع جنازه با شکوهی در یزد انجام شد. نمایندگانی از طرف امام، رئیس جمهوری، اینجانب و دولت و... شرکت کردند. در اغلب شهرها هم مراسم برگزار شد.

آقای محسن رضائی تلفن کرد و گفت، کم کم آماده عملیات مـی‌شوند و داوطـلبان زیـادی مراجعه کرده‌اند. درخواست کرد، مطالبی را که سپاه درباره گروهک‌ها تهیه کرده، صداوسیما پخش کند به [برادرم]محمد گفتم که قرار شد انجام شود.

عصر تلفنی با رئیس جمهور درباره مسایل جاری مشاوره کردم. احمد آقا هم آمد و راجع به دلیل نیامدنش به حزب مذاکره کردیم. امام گفته‌اند که او به حزب نرود و به طور کلی امام ایشان را از پذیرش هر نوع مسئولیت رسمی در نهادها و ارگان‌ها منع می‌کنند و تاکنون هم علت آن را بیان نکرده‌اند. البته اداره دفتر امام کار بزرگی است و لازم است که همه انرژی ایشان صرف اداره دفتر بشود.

یکشنبه ۱۳ تیر

ساعت هفت به طرف مجلس حرکت کردم. نیم ساعت قبل از جلسه، گزارش‌ها را خوانـدم.

---

۱ - در این پیام آمده است: کشتن شخصیتی که تمام عمرش را در راه تحصیل و تعلیم اسلام، خدمت به مردم مستضعف و مبارزه با ستم به کار گرفته در حال نماز و پیش چشم هزار انسان مرید و علاقمند برای قاتلان چه نتیجه‌ای جز نفرت و خشم عمومی می‌تواند داشته باشد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانیهای، (حاوی پیامهای سال ۱۳۶۱)، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

گزارش‌ها می‌گوید که یاسر عرفات با مقامات غربی بر سر خروج نظامیان فلسطینی از لبنان به توافق رسیده است و کابینه اسرائیل مسایل مورد توافقشان را مورد بحث قرار داده است. اگر چنین توافق کنند، سازمان آزادیبخش فلسطین[1] سازشکار معرفی خواهد شد و اعتبار انقلابی خود را از دست می‌دهد.

عراق طرحی برای فیصله مخاصماتش با ایران به سازمان ملل داده و حرکت سیاسی وسیعی برای اثبات صلح‌طلبی خود و جنگ طلبی ما شروع کرده است و ما کار سیاسی مهمی نکرده‌ایم.

قبل از دستور، درباره شهادت آقای صدوقی و حرکت زشت منافقین تحلیلی ارائه کردم[2]. دو لایحه دو فوریتی با حضور [اعضای] شورای نگهبان تصویب شد.

ظهر مخالفان وزیر راه آمدند و از روحیه توجه بیشتر وزیر به تخصص در مقابل تعهد شکایت داشتند. حرف حسابی نداشتند. برادر پاسدار شهیدی هم آمد و می‌خواست از این وضعیت به نفع خودش استفاده کند. عصر سفیر ما در یونان آمد و از نفوذ انقلاب اسلامی در افکار عمومی اروپائیان گفت. می‌گفت عضدی و رسولی شکنجه‌گران ساواک در یونان فعالیت دارند.

عصر جلسه شورای [مرکزی] حزب جمهوری [اسلامی] تشکیل شد و طرح جدید سازمان اداری کشور مطرح بود. افطار مهمان رئیس جمهوری بودیم، با غذای مجلس! شب با آقای رئیس جمهور و آقای نخست وزیر درباره مسایل جاری سیاسی، اقتصادی و نظامی و... مشاوره کردیم.

آخر شب به منزل آمدم. نماز مغرب و عشا را نخوانده بودم، خواندم و کمی به سخنرانی آقای یوسف صانعی و آقای احمد آذری [قمی] از تلویزیون گوش دادم. تا سحر نخوابیدم و یاسر و مهدی مشغول تماشای فیلم بودند و نخوابیدند. با بچه‌ها سحری خوردیم.

---

۱ - سازمان آزادیبخش فلسطین (منظمة‌التحریر الفلسطینیه) PLO در واقع متشکل از چند سازمان است که عمده‌ترین آنها "الفتح"، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین"، "الصاعقة" و "العاصفة" است. هر یک از کشورهای متنفذ عرب از یک سازمان حمایت می‌کنند (یا می‌کردند). رهبری این سازمان با یاسر عرفات است. وی پس از دوران طولانی مبارزه مسلحانه به مذاکره روی آورد و نتیجه آن دولتی باصطلاح خود مختار در دو شهر فلسطین می‌باشد.

۲ - در این نطق آمده است: تنها تحلیلی که می‌شود [از اعمال منافقین در ترور شخصیت‌های انقلاب] پذیرفت، همین کینه توزانه حرکت کردن و دیگری به عنوان یک فنر و عروسک و عنصر تحت فرمان مجبور در خدمت جریان خارج از کشور بودن است؛ حالا این صدام می‌خواهد باشد یا فرانسه یا آمریکا. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



تهران - اوایل پیروزی انقلاب اسلامی

آیت اله بهشتی آیت اله هاشمی رفسنجانی یاسر عرفات آیت اله منتظری آیت اله لاهوتی

دوشنبه ۱۴ تیر

ساعت هشت و نیم دکتر ولایتی به خانه آمد و راجع به فشار دانشجویان مسلمان انقلابی در خارج بر بعضی از سفرا ـ از جمله آقای نواب سفیر ایران در آلمان ـ صحبت داشت و چاره جویی کرد. به او گفتم که حتی‌الامکان باید دانشجویان را حفظ کرد ولی باید تعدیل شوند. معتقد بود که لازم است من به هندوستان بروم.

سپس آقای [محمد حسن]زورق معاون سیاسی صداوسیما آمد و راجع به کتابش که باید تجدید چاپ شود، مشورت کرد. اصلاحاتی را پیشنهاد کردم. انتظار دارد که مقدمه‌ای بنویسم و من از مقدمه نویسی خوشم نمی‌آید.

آقای [مرتضی]الویری آمد و برای حل مشکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در رابطه با جناح حزب اللهی‌های درون سازمان و آقای [حسین]راستی [کاشانی] مشورت کرد. نظراتی در این زمینه دادم. کمی در حیاط با سبزی‌ها ور رفتم و مقداری هم مطالعه کردم و خاطرات عقب مانده را نوشتم.

عصر احمد آقا آمد و راجع به نوشتن تاریخ نهضت امام از روی پرونده‌ای که ساواک برای امام درست کرده مشورت کرد. پرونده امام شصت جلد است که تقریباً بهترین مدارک و اسناد تاریخ نهضت اسلامی را دارد. چون ساواک همه حرکت‌ها را به نحوی به امام مربوط کرده و در پرونده ایشان قرار داده است. در این پرونده افشاگری‌ها و کشف حقایقی خواهد بود.

سه شنبه ۱۵ تیر

بعد از برنامه سحری خوابم نبرد. ساعت شش و نیم به مجلس رفتم و تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم. اخبار می‌گوید که فلسطینی‌ها با مخالفان قراردادی امضا کرده‌اند که نیروهای نظامیشان را از لبنان بیرون ببرند. حافظ اسد هم به عربستان رفته است و مثل این که راه حل آمریکایی، دارد جا می‌افتد. جلسه علنی مجلس را درباره طرح خط مشی صداوسیما گذراندیم.

ظهر گروهی از اعضای کمیسیون ارشاد آمدند و راجع به وزیر ارشاد مطالبی داشتند؛ تحریکاتی در پشت ظواهر وجود دارد.

آقای [مصطفی] کفاش زاده آمد و نامه محرمانه امام را آورد که به فرمانده سپاه نوشته‌اند و از ضعف حفاظت شخصیت‌ها و نوع مراقبت از شهید صدوقی انتقاد کرده‌اند. عصر خلیفه‌های ارامنه تهران، جلفا و ارومیه آمدند و از تصمیم شورای عالی آموزش و پرورش در خصوص لزوم تعلیم مطالب دینی آنها به زبان فارسی و منع تعلیم در مدارس رسمی با زبان ارمنی شکایت داشتند و از جلوگیری از بنای کلیسایی در گرگان و....[۱]

سرهنگ کتیبه رئیس اداره دوم ستاد مشترک آمد و از ستاد گله داشت و پیشنهاد می‌کرد که سرهنگ سلیمی رئیس ستاد و رحیمی معاونش وزیر دفاع شود. گروهی از رؤسای آموزش و پرورش تهران آمدند و از آقای [علی‌اکبر] پرورش [وزیر آموزش و پرورش] که معاونان همفکرشان را عزل کرده شکایت داشتند[۲]. آقای غروی هم آمد و از فشار روی بازار شکایت داشت. مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره آقای شهید صدوقی کردم*. افطار را در مجلس بودم و شب به خانه آمدم.

چهارشنبه ۱۶ تیر

در خانه ماندم. آقای خامنه‌ای آمدند و با هم به زیارت امام رفتیم. راجع به حزب جمهوری اسلامی و ضرورت تحزب با ایشان صحبت کردیم. محدودیت‌هایی که اخیراً ایشان برای حزب در رابطه با ارگان‌ها و مخصوصاً بسیج بوجود آورده‌اند، باعث تضعیف حزب شده است. مقداری با ایشان بحث کردیم تا حدی مؤثر شد، قرار شد به نحوی ترمیم شود.

راجع به حمله آینده و ورود نیروهای ما به خاک عراق هم صحبت کردیم. سپس به منزل آمدیم و با حضور احمد آقا درباره مطالب و مسایل جاری کشور بحث کردیم.

---

۱ - در این ملاقات درباره شیوه برخورد اسلام با اقلیت‌های دینی و حقوق متقابل جامعه اسلامی و اقلیت‌ها سخن رفته است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این ملاقات درباره مسائل موجود در وزارت آموزش و پرورش، شخصیت شهیدان رجایی، باهنر و دکتر بهشتی در اداره امور فرهنگی، مسئولیت خطیر آموزش و پرورش، خطرات عمده برای سلب اعتماد مسئولان و مسأله انجمن حجتیه مطالبی گفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

پنجشنبه ۱۷ تیر

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم و دوسه لایحه تصویب کردیم. ظهر آقای محمدمحمدی گرگانی آمد و از حزب‌الله گله داشت. نگرانی دارد که شدت گیرد. آقای [اسدالله] بیات آمد و از احتمال نفوذ انجمن حجتیه در سپاه نگرانی داشت. عصر کارکنان روابط عمومی [مجلس شورای اسلامی] آمدند و راجع به کارها توضیح دادند و از دفتر مشاورت امام [در ارتش] نیز.

معاونان بهزیستی آمدند و چاره‌جویی برای جلوگیری از استعفای آقای دکتر [حسن]روحانی وزیر مشاور می‌کردند که اخیراً استعفا داده است. با آقای رئیس جمهوری در این باره صحبت کردم.

تا افطار کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. افطار مجلس آش و تخم مرغ و کره و مربا و میوه بود. شب به خانه آمدم. آقای دکتر ولایتی اطلاع داد که آلمانی‌ها نرم شده‌اند و وزیر خارجه آنها رسماً عذرخواهی کرده که منتشر شد.

جمعه ۱۸ تیر

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. پس از بازگشت، تا ساعت پنج بعدازظهر مطالعه کردم. خبر مهمی نداشتیم. منتظر شروع حمله به عراقی‌ها هستیم. برای دومین بار در سال جاری، عصر امروز، آب خانه قطع شد.

شنبه ۱۹ تیر

در خانه ماندم و با [پسرم]محسن که مدتی او را ندیده بودم، دیدار داشتم. مطالعه می‌کردم و در حیاط قدم می‌زدم. حیاط ۱۵×۱۲ متر خانه با داشتن باغچه و استخر کوچک مناسب برای پیاده روی نیست. بچه‌ها عفت و مهدی را با لباس در آب انداختند. عصر مصاحبه‌ای با مجله پاسدار

اسلام ـ نشریه حوزه [علمیه]قم ـ درباره جنگ داشتم[1]. با تلفن کارها را پیگیری کردم. مسئله مهمی نداشتیم. افطار را مهمان آقای توسلی بودم که دوستان زیادی بودند. یاسر هم با من بود. شب نوزدهم رمضان بود، احیاء داشتم و با دعا و قرآن و مطالعه بیدار ماندم.

عفت و بچه‌ها برای مراسم احیا به محل "جامعة الصادق" رفتند. زمینی است وسیع در تقاطع خیابان ولی‌عصر و طالقانی گویا در گذشته سفارت افغانستان بوده است. قبل از انقلاب بازاری‌ها آن را برای کاسبی خریده بودند. بعد از انقلاب که اراضی شهری وضع دیگری پیدا کرد، زمین را برای ساختن دانشگاه واگذار کردند که هنوز ساخته نشده است. یاسر هم همراه نوه امام و دوستان نوجوانش به مسجد جماران رفتند که مراسم احیا بود. بعداز نماز صبح کمی خوابیدم.

یکشنبه ۲۰ تیر

ساعت هفت به مجلس رفتم. پیش از جلسه علنی گزارش‌ها را خواندم و ساعت هشت جلسه شروع شد. تا ظهر در جلسه بودم. ظهر همسر سرهنگ دهقان آمد و برای نجات شوهرش ـ که هشت ماه قبل به اتهام سوء عمل در خرید وزارت دفاع بازداشت شده ـ کمک می‌خواست. او معاون لجستیکی وزارت دفاع بوده و متهم به توده‌ای بودن نیز است ولی ثابت نشده است.

آقای [محمدعلی]موحدی کرمانی که در رأس هیئتی به مناسبت روز قدس عازم کشورهای آفریقاست، آمد و راجع به چهار کشور محل مأموریت خود مشورت کرد. بعد از نماز و استراحت مصاحبه‌ای تلویزیونی راجع به فلسطین به مناسبت روز قدس انجام دادم*.

در جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر رئیس جمهور شرکت کردم. آقای [عبدالمجید]معادیخواه [وزیر ارشاد اسلامی] گزارش سفرش را به عربستان سعودی داد. برای رفع مشکل سفر حجاج رفته بود و می‌گفت که مایل بودند، برای تفاهم وارد مذاکره در مسائل سیاسی شوند اما ایشان گفته است که فقط برای امر حج آمده‌ام.

---

۱ - این مصاحبه که در شماره مرداد ماه ۱۳۶۱ مجله پاسدار اسلام به چاپ رسیده است، حاوی این موضوعات است: وضعیت ارتش عراق، فتح خرمشهر، تبلیغات دروغین عراق، توطئه جدید آمریکا، حمله اسرائیل به لبنان، احتمال پایان جنگ و عملیات رمضان. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

افطار را همگی مهمان رئیس جمهوری بودیم، با غذای مجلس؛ سپس با ایشان و آقای نخست وزیر راجع به جنگ و کابینه و مسایل دیگر مشاوره کردیم. برای خواب به مجلس آمدم. اخبار را در ساعت دوازده شب از رادیو شنیدم. عراقی‌های پناهنده به ایران در مقابل مجلس تظاهرات داشتند و خواهان ورود ما به خاک عراق بودند. آقای محمد یزدی [نایب رئیس مجلس] برایشان صحبت کرده بود. ولی معلوم شد که قانع نشده‌اند و پیغام دادند و آنها مثل خیلی از نیروهای خودی انتظار داشته‌اند که پس از فتح خرمشهر عملیات ما متوقف نشود و تا عمق خاک عراق نیروهای عراق را تعقیب کنیم.

خبر از تصمیمات ما و مذاکرات و امکانات ندارند و عجیب این است که حتی نیروهای داوطلب رزمنده که خود می‌دانند برای عملیات بزرگ باید مدتی کار کنیم، نیروی جدید و تازه نفس آماده کنیم و امکانات پشتیبانی جنگ را فراهم کنیم، آنها هم از تأخیر عملیات ابراز نارضایتی دارند؛ فشار زیادی روی فرماندهان است و در مجلس هم این بی‌تابی مشهود است.

شاید به خاطر شایعات مخالفان و تبلیغات غربیها و عربها برای تضعیف روحیه رزمندگان نگران آتش بس‌اند. گرچه اکثریت می‌دانند که در شرایطی که بوق‌های استکبار می‌خواهند ایران را جنگ طلب معرفی کنند درست نیست که طبل جنگ بکوبیم؛ گرچه در عمل و به موقع کار خودمان را انجام می‌دهیم. سحری را تنهایی خوردم.

دوشنبه ۲۱ تیر

جلسهٔ علنی مجلس داشتیم. قسمتی از جلسه را به عهدهٔ آقای [محمد]موسوی خوئینی‌ها گذاشتم و به انجام کارهای عقب مانده پرداختم. آقای [سیدرضا]زواره‌ای آمد و درباره اعضای هیئت رئیسهٔ جدید که هفته آینده انتخاب می‌شوند، مشورت کرد.

بعداز نماز ظهر، جلسهٔ هیئت رئیسه داشتیم. عصر روحانیت اهل سنت کردستان آمدند، از انقلاب راضی‌اند. برایشان صحبت کردم[1]. از محارب‌های کرد خشمگین بودند و گفتند که تا به

---

۱ - در این سخنرانی درباره درخشش اسلام در ایران، دستاوردهای انقلاب اسلامی و مسأله کردستان، مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

حال، بیست نفر از روحانیون اهل سنت را شهید کرده‌اند.

مصاحبه‌ای درباره حجاب با تلویزیون داشتم* که طولانی شد. جلسه‌ای با معاونت بهداشتی وزارت بهداری داشتم که برای تبلیغ اهداف بهداشت و تنظیم خانواده در نماز جمعه کمک می‌خواستند. گروه اساتید علوم انسانی دانشگاه‌ها هم آمدند و از این که زمزمه تأخیر در بازگشایی رشته‌های علوم انسانی شدید است، نگران بودند و کمک می‌خواستند.

برای افطار به خانه آمدم. امشب حدود بیست نفر از پاسدارها مهمان ما بودند و بعداز افطار رفتند. عفت و فاطی و محسن برای مراسم احیا به جامعةالصادق رفتند و من هم در خانه تنها احیا گرفتم.

آقای دکتر ولایتی راجع به شرکت در کنفرانس وزرای [خارجه کشورهای]اسلامی در تونس تلفنی مشورت کرد که قرار شد بعد جواب بدهیم و از امام هم نظر خواهی کنیم. امروز در شهر سبزوار بین سپاه و طرفداران امام جمعه درگیری بوده و دو نفر کشته و جمعی زخمی شده‌اند. هیئتی برای رسیدگی اعزام کردیم: از طرف من دکتر [موسی]زرگر و از طرف رئیس جمهور آقای [محمد]امامی کاشانی رئیس دیوان عدالت اداری.

سه شنبه ۲۲ تیر

به خاطر تعطیل عمومی در خانه ماندم. پس از نماز ظهر به منزل احمد آقا رفتم. با حضور آقای رئیس جمهوری درباره آینده جنگ که به زودی داغ می‌شود، بحث کردیم.

عصر در خانه تنها بودم. گزارش‌ها را مطالعه کردم: کارهای وزارت نفت و وضع گروهک‌ها در کارخانه‌ها و... با کمک پاسدارها جوجه کباب درست کردیم و با هم افطار کردیم.

هنگام افطار آقای کمال خرازی از اهواز تلفن کرد و با رمز اطلاع داد که امشب عملیات ورود نیروها به خاک عراق آغاز می‌شود و در مورد کیفیت تبلیغات آن مشورت کرد. ایشان رئیس [ستاد]تبلیغات جنگ است.

آقای دکتر ولایتی هم که برای شرکت در کنفرانس غیر متعهدها در مورد تجاوز اسرائیل به لبنان عازم قبرس است، تلفنی مشورت کرد و قرار شد که در کنفرانس وزاری خارجهٔ کشورهای اسلامی در تونس به خاطر مواضع منفی تونس شرکت نکند. شب آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد. تصمیم

به استعفا از وزارت ارشاد گرفته و درباره کیفیت اعلام استعفا مشورت کرد. نزدیک ساعت دوازده بچه‌ها آمدند و من را بدخواب کردند. سحر دیر بیدار شدیم و با عجله سحری خوردیم.

بعد از اذان صبح، اطلاعیهٔ سپاه و ارتش در خصوص عملیات رضمان و ورود به خاک عراق و شکستن خاکریز اول دشمن خوانده شد. مرحله مهمی از جنگ است و باید منتظر نتایج آن باشیم.

دیشب شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای صادر کرده و آتش بس خواسته است. نخست وزیر و وزیر خارجه هم آن را رد کرده و گفته‌اند که قبل از گرفتن حقوقمان نمی‌پذیریم. آمریکا هم با کنایه تهدید کرده ما را از ورود به خاک عراق ـ به خاطر به خطر افتادن منافع حیاتی‌اش ـ برحذر داشته است.

چهارشنبه ۲۳ تیر

ساعت هفت صبح آقای محسن رضایی از قرارگاه تلفن کرد و گزارش جبهه را داد[1] و گفت قرارگاه فتح به هدف خود رسیده ولی سایر قرارگاه‌ها ضعیف عمل کرده‌اند. از دفتر امام هم تلفنی از من اطلاعات خواستند. معلوم شد که تا ساعت شش صبح پانصد اسیر گرفته‌ایم. مقداری با باغچه سرگرم شدم. کتاب احزاب سیاسی نوشتهٔ ملک‌الشعرای بهار را مطالعه کردم. احساس کردم که مروری بر تاریخ مشروطه و توجه به تجربیات آنها برای ما مفید است.

هواپیماهای عراق به شهرهای خرم‌آباد، باختران و ایلام حمله کرده و حدود چهل و پنج نفر را شهید و صدها نفر را مجروح و ده‌ها خانه را ویران کرده‌اند. این عکس‌العمل وضع نظامی عراق در جبهه است. تا شب خبرهای گوناگونی از جبهه‌ها می‌رسید.

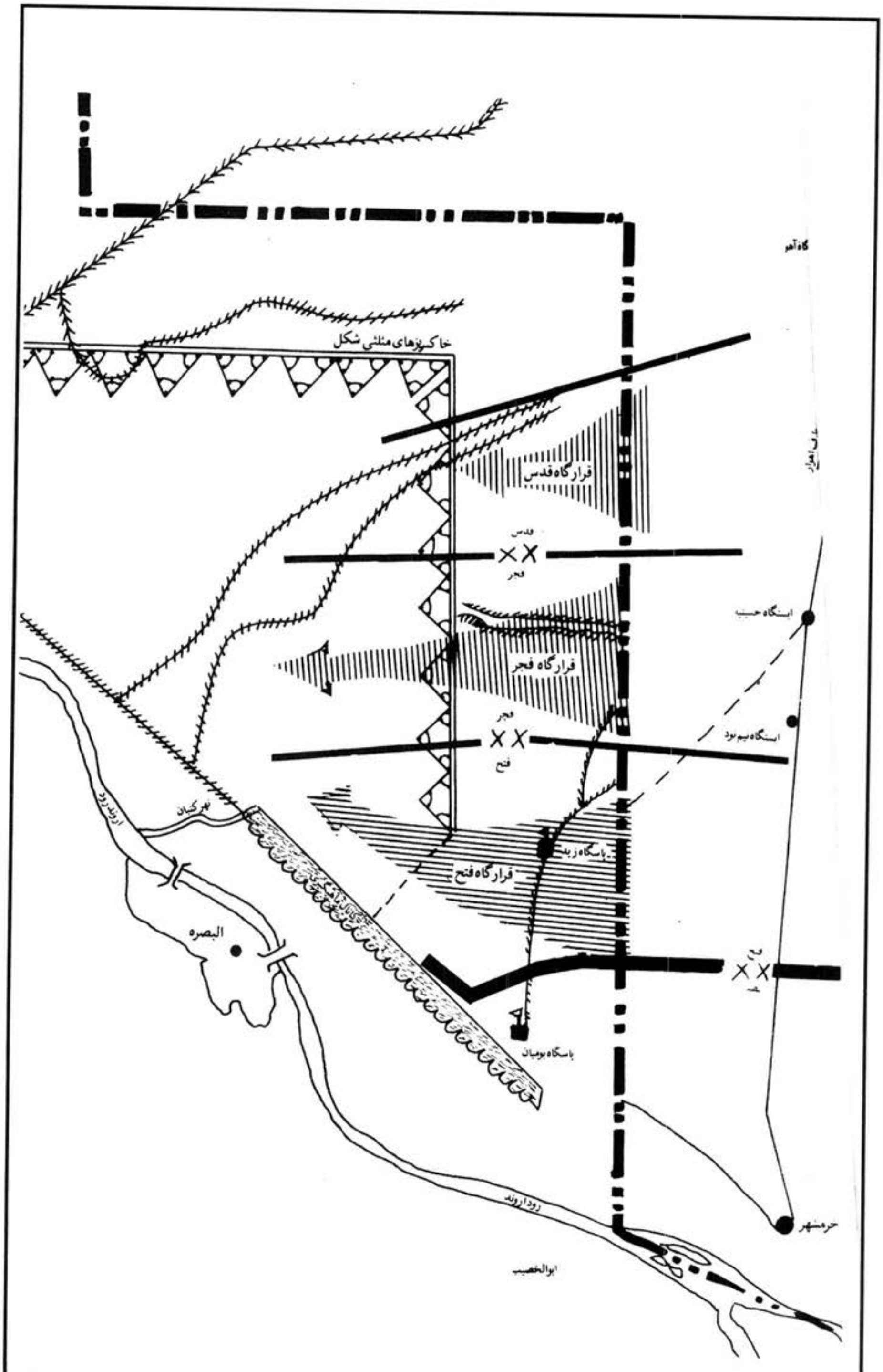
شب با قرارگاه صحبت کردم. معلوم شد در یک محور خوب عمل کرده‌اند، و تا بیست و پنج کیلومتر پیشرفت کرده‌اند ولی به خاطر ضعف عملکرد در سه محور دیگر عقب نشینی کرده‌ایم و

---

۱ ـ عملیات رمضان در ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه ۶۱/۴/۲۳ با رمز یا صاحب الزمان(عج) ادرکنی به مدت ۱۵ روز در منطقه‌ای به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع در شرق بصره انجام گرفت. در این عملیات پاسگاه زید عراق و محورهای شمالی و شمال غربی این پاسگاه به تصرف در آمد. طبق آمار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این عملیات بیش از ۷۴۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یا زخمی شد و ۱۳۱۵ نفر به اسارت رزمندگان اسلام در آمد (کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس ـ مرکز فرهنگی سپاه ـ ۱۳۷۳).


بشتابید که سید الشهدا در کربلا به انتظار شماست





نقشه عملیات رمضان

حدود ده کیلومتر در یک محور و سه کیلومتر در محور دیگر در خاک عراقیم.

گزارش‌ها را از مجلس آوردند و تلکس‌ها را از دفتر امام. هنوز عکس‌العمل دنیای عرب و غیر عرب روشن نیست. شب را احیا داشتم. بچه‌ها هم به جامعةالصادق رفتند. فیلم جالبی هم از صحنه عملیات جنگ دیدم. مخصوصاً منظره مجروح شدن و شاید شهادت یک رزمنده و اظهاراتش ـ که بسیار متأثر شدم ـ و نیز منظره اسرای عراقی که ترحم انگیز به نفع امام شعار می‌دادند، قابل توجه است.

پنجشنبه ۲۴ تیر

اول وقت آقای سرهنگ سلیمی آمد و از اختلاف وکارشکنی سیاسی ایدئولوژیک گله داشت. از جبهه هم اطلاعاتی گرفتم. دشمن امروز پاتک ضعیف و ناموفقی داشته است. آقای خامنه‌ای به خاطر شدت یافتن جنگ، به سفارش مسئولان امنیتی و نظامی در محیط کار خودشان نیستند و موقتاً در جای دیگری زندگی می‌کنند. افطار در منزل آقای [علی‌اکبر]آشتیانی مهمان بودم و جمعی از دوستان هم بودند. آقای [عبدالمجید]معادیخواه به دلیل کسالت قلبی امروز بستری شده و گویا قرار است از کار ممنوع شود.

امشب اعلام شد که تعداد اسرای عراقی عملیات رمضان به هشتصد تن رسیده است. احمد آقا هم عصر آمد و از این که بعد از بیانیهٔ امام، موج مناسبی ایجاد نشده، گله داشت[1]. گفتم که سیاست شورای عالی دفاع این است که حالت تهاجم بگیریم و امام هم گفته‌اند که هرگونه صلاح می‌دانیم عمل کنیم. به خاطر تعطیل مجلس، من هنوز در مورد عملیات رمضان اظهار نظری نکرده‌ام.

---

۱ - اشاره به پیامی است که امام خمینی خطاب به ملت مسلمان عراق صادر کردند. در این پیام امام خمینی(ره) مردم عراق را به قیام علیه حکومت صدام و تشکیل حکومت دلخواه اسلامی دعوت نموده‌اند. رجوع کنید ← (صحیفه نور ـ مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ـ جلد نهم صفحه ۴۶۱.

جمعه ۲۵ تیر

در منزل ماندم و یک دور آیین نامه داخلی مجلس و طرح شوراها و گـزارشـها و هـمچنین تلکس‌ها را که از دفتر امام گرفته‌ام مطالعه کردم. راهپیمایی روز جهانی قدس داشتیم. نماز جمعه آخر رمضان را هم آقای محمد یزدی اقامه کردند. امام هم پیام دادند.

هواپیماهای عراق امروز دوسه بار به همدان حمله کردند و دهها شهید و صدها مجروح دادیم. موشکی هم به خارک زدند که خسارتی نداشت. یک هواپیمای اف ۴ در ایلام سقوط کرد. بـه فرمانده نیروی هوایی تلفن کردم و به عدم فعالیت دفاع هوایی اعتراض کردم. طبق معمول نداشتن ابزار لازم را بهانه کرد.

با رئیس جمهور و نخست وزیر که فردا عازم الجزایر است، مشورت‌هایی کردیم. پیشنهاد شده که کاخ نیاوران را مهمانسرای مهمانان خارجی و صاحبقرانیه را موزه کنیم و من تأیید کردم. برای تأمین کمبود ماشین‌های سنگین برای جبهه هم تلاش کردم.

شنبه ۲۶ تیر

تمام وقت در خانه ماندم. بیشتر به مطالعه و نوشتن پرداختم و کارها را با تلفن انجام دادم. با جبهه هم تماس گرفتم. جبهه آرام است و نیروهای ما نتوانستند به اهداف خـود بـرسند. عـراق مقاومت می‌کند و حملات هوایی خود را افزوده است. تعدادی در حدود پانصد نفر هم از ما اسیر گرفته‌اند و گویا همین مقدار یا بیشتر هم شهید داده‌ایم، مجروح هم زیاد است. ماشین‌های سنگین مثل لودر، بولدوزر و کمپرسی و... می‌خواهند که قرار شد، وزارت راه به آنها بدهد.

کم‌کم برای آنهاکه فشار می‌آوردند کار جنگ را با عملیات بی‌تأخیر یکسره کنیم روشن می‌شود که کار به این آسانی نیست و دشمن در خاک خودش با انگیزه بیشتر دفاع می‌کند. چون توضیح این گونه مسائل برای عموم مناسب نیست و باعث تضعیف روحیه رزمندگان و مردم می‌شود. خیلی‌ها هم هنوز به این باور نرسیده‌اند و فکر می‌کنند سیاستی در کار است که عملیات کم است.

یکشنبه ۲۷ تیر

ساعت هفت به مجلس رفتم. قبل از جلسه علنی، گزارش‌ها را مطالعه کردم. جلسه علنی ساعت هشت آغاز شد. قبل از دستور، درباره جنگ و اهداف ورود به خاک عراق و آثار بمباران شهرهای همدان، خرم آباد، باختران و ایلام توسط عراقی‌ها صحبت کردم[1]. دوسه لایحه یک فوریتی تصویب شد.

بعدازظهر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم[2]. درباره وضع بازار و رواج روحیه ناسالم ضد بخش خصوصی و لزوم تعدیل فرهنگ انقلاب اسلامی بحث شد و هم راجع به اختلافات سبزوار، محلات و میاندوآب.

افطار به منزل آقای ربانی املشی رفتم. آقای منتظری هم از قم آمده بودند. تا ساعت دوازده شب با رئیس جمهوری و اعضای شورای عالی قضایی آنجا بودیم و درباره مسایل متعددی بحث کردیم. درباره تنظیم و تعدیل دادگاه‌های انقلاب و جلوگیری از خودسری‌ها نیز تصمیماتی اتخاذ شد. آقای منتظری هم به خاطر دریافت اطلاعات متناقض در مسئله جنگ. دچار ابهام است نتایج عملیات ناموفق رمضان ایشان را به واقع‌بینی نزدیک‌تر کرده. محسن هم همراه بود. آقای منتظری به او توصیه به ازدواج کرد.

سرهنگ معین‌پور [فرمانده نیروی هوائی] هم طرح‌هایی برای حمله هوایی به مراکزی در داخل عراق آورده بود که با حضور رئیس جمهوری و در یک جلسه خصوصی مذاکره کردیم. بمباران پالایشگاه بغداد به عنوان مقابله به مثل تصویب شد و چهار طرح دیگر معوق ماند. ساعت دوازده شب به مجلس رفتم، اخبار را گرفتم و سحری را تنهایی خوردم.

---

۱ - کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای پیش از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این جلسه آقای هاشمی در یک سخنرانی به تحلیل جوانب گوناگون جنگ پرداخت و اهداف نظامی ایران برای دفاع، برنامه اصلی جنگ و بمباران شهرها را تشریح کرد و در پایان به سؤالات حاضرین پاسخ داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

دوشنبه ۲۸ تیر

جلسه علنی داشتیم و انتخابات هیئت رئیسه انجام شد. با ۱۶۷ رأی از ۱۸۸ رأی -بدون رقیب - [و بدون رأی مخالف] برای بار سوم به ریاست مجلس انتخاب شدم. آقای [سیدمحمد]موسوی خوئینی‌ها که نایب رئیس اول بود، یک رأی از آقای محمد خامنه‌ای کمتر داشت و انتخاب نشد. آقای محمد یزدی اول شد و آقای محمد خامنه‌ای دوم. از کارپردازان سابق آقایان [علیرضا]یارمحمدی و [موسی]زرگر انتخاب نشدند و آقایان [علی‌محمد]بشارتی و [غلام عباس]زائری به جای آنان انتخاب شدند و از منشی‌ها هم آقایان [سیدعطاءالله]مهاجرانی و [حسین]هراتی کنار رفتند و آقایان [منوچهر]متکی و [سیدفضل‌الله] حسینی برمائی به جای آنها آمدند. سپس یک لایحه تصویب شد.

ظهر به جلسه شورای نگهبان رفتم و مقداری راجع به ایرادهایشان درباره مصوبات مجلس بحث کردیم. مخصوصاً اساسنامه سپاه و... و این که هنگامی که از شش نفر فقهای شورا، سه رأی در مقابل سه رأی قرار می‌گیرد، مصوبات مجلس را برمی‌گردانند. آیا حتماً باید انطباق مصوبات با شرع اثبات شود یا صرف عدم مغایرت کافی است[1]؟ هنوز در تفسیر قانون اساسی ثابت نشده.

عصر ملاقاتی با سفیر لیبی داشتم که پیام آقای [معمر]قذافی را در تأیید ورود ما به خاک عراق آورده بود و اعلام آمادگی برای کمک. با دکتر [عبدالله]جاسبی هم که اساسنامه و آیین نامه‌های اجرایی دانشگاه آزاد [اسلامی] را تهیه کرده بود، مشورت کردیم.

دو نفر از اهل حق[2] آمدند و از این که مقبره‌ای از آنها را در هشتگرد خراب کرده‌اند، شاکی بودند. افطار در منزل آقای [مرتضی]مقتدایی در معیت آقای [حسینعلی]منتظری بودیم. تا ساعت دوازده درباره اختلافات اصفهان و وضع سپاه و واحد نهضت‌ها که تحت ادارهٔ سید مهدی هاشمی است و وضع بیت ایشان و اطرافیانشان و ضرورت ایجاد نظام محکم و تحفّظ امنیتی ایشان بحث شد. ساعت دوازده به مجلس رفتم و خوابیدم. دندان درد شدید آزارم می‌داد. خبر مهمی نداشتیم.

---

۱ - در قانون اساسی جمهوری اسلامی به "عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی" اشاره شده است.

۲ - اهل حق گروهی هستند که در مورد امام علی علیه‌السلام اعتقادات خاص دارند. اهل حق در اغلب نقاط ایران به ویژه کردستان و شمال خراسان پراکنده هستند.

سه شنبه ۲۹ تیر

جلسه علنی ساعت هشت صبح آغاز شد. قبل از دستور، درباره بمباران مناطق مسکونی ایلام صحبت کردم[۱] و از مردم تشکر کردم که خوب مقاومت می‌کنند؛ مثل دزفولی‌ها. طرح شوراهای روستا و بخش و شهر و شهرستان و استان و محله در دستور بود که ۱۲ ماده به تصویب رسید. دو سؤال از وزیر کشور مطرح شد. درد دندان همچنان آزارم می‌داد.

بعضی از اعضای شورای فرماندهی سپاه اصفهان آمدند و از آقای [جلال‌الدین طاهری] امام جمعه و اطرافیانش شکایت داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. مسئول حفاظت سپاه هم آمد و درباره برنامه حراست مشورت کرد. عصر آقای مقدسیان امام جمعه محلات آمد و از آقای محلاتی و آقای توسلی محلاتی گله داشت و چاره‌جویی می‌کرد.

از یزد تلفن کردند که لازم است خانواده شهید صدوقی اجازه برگزاری نماز جمعه را به آقای [سیدروح‌الله]خاتمی اردکانی[۲] در مسجد حضیره بدهند؛ به لحاظ امنیتی لازم است که آنجا برگزار شود. قهرمانان ورزشکار آمدند و برای آنها سخنرانی کردم* و تشویقشان کردم و عکس گرفتند. آقای [نصرالله]بهرامی هم آمد و برای رفع مشکلات استمداد کرد. مالک منزل آمد و برای خانه‌ای که در مقابل این خانه مسکونی ما گرفته، امتیازاتی مطالبه می‌کرد. برای این که به خاطر مسائل امنیتی از جوار منزل امام برود، خانه‌ای به او داده‌اند که گفته می‌شود بهتر از خانه خودش است. و اینجا را من اجاره داده‌اند.

افطار مهمان آقای فخرالدین حجازی بودیم. درد دندان آرامم نمی‌گذاشت. شب در مجلس

---

۱ - در این نطق آمده است: امروز دزفول در دنیا به عنوان دژ مقاومت شناخته شده که نزدیک دو سال تحمل موشک‌ها و گلوله‌های صدام را کرد و خم به ابرو نیاورد و امروز شهری است آزاد و قهرمان و مردم دزفول امروز بهترین اعتبار را در دنیا دارند. ما انتظار داریم که برادرانمان و خواهرانمان با همان مقاومت‌های نمونه دزفول و اهواز برای اعتبار رزمندگان ما و برای نشان دادن چهره کثیف صدام این کمک را به جبهه بکنند و بدانند دوران اینگونه جنایات هم به زودی سپری می‌شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - مرحوم آقای سیدروح الله خاتمی در پی شهادت آیت‌الله صدوقی در تاریخ پانزدهم تیرماه ۱۳۶۱ از سوی امام خمینی(ره) به سمت نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد منصوب شده بود.



قهرمانان ورزشکار آمدند و برای آنها سخنرانی کردم

ماندم و از درد دندان سحری درستی نخوردم. قرار بود به منزل آقای خامنه‌ای به مناسبت حضور آقای منتظری بروم که به خاطر دندان درد نرفتم. اولین جلسه هیئت رئیسه جدید را تشکیل دادیم و تصمیماتی اتخاذ کردیم.

چهارشنبه ۳۰ تیر

تا نزدیک ظهر در دفترم کارهای عقب مانده را انجام دادم. با جبهه تماس گرفتم. دارند برای حمله جدیدی آماده می‌شوند. نیروی هوایی پالایشگاهی را در بغداد بمباران کرده است. اطلاعات اولیه می‌گوید که یک هواپیمای ما هم ساقط شده. عراق هم متقابلاً در شهر اهواز، مناطق مسکونی را بمباران کرده. ما مناطق مسکونی عراق را بمباران نمی‌کنیم ولی آنها از هیچ جنایتی دریغ ندارند.

ظهر در راه آمدن به منزل به دندان پزشکی دکتر فاضل رفتم. با ناراحتی زیاد، ریشه دندان را تمیز کرد ولی ممکن است که بی‌نتیجه باشد و احتمالاً کنده شود. خانمش را که جز و منافقین بوده چند روز پیشتر گرفته‌اند و گفت محکوم به اعدام شده. با درد به خانه آمدم، کمی استراحت کردم و سپس استحمام و نماز و هنوز هم دندانم درد دارد، کمی تخفیف یافته. شب درد دندان شدت یافت و مسکّن زیاد مصرف کردم. قرار بود که دکتر در صورت شدت درد به منزل بیاید و دندان را بکشد. تلفنی صحبت شد و به صبح موکول شد.

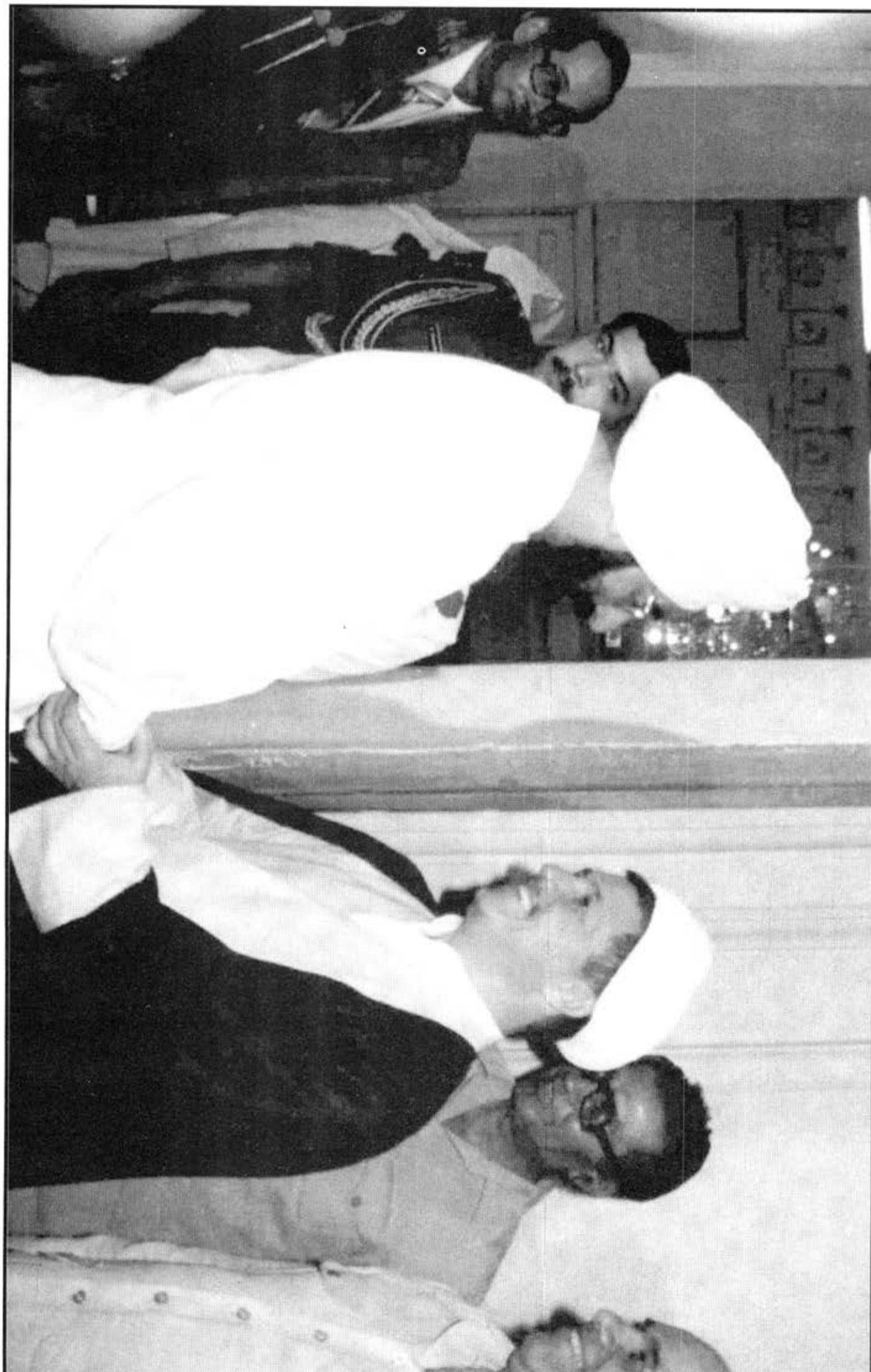
پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۶۱   ۱ شوال ۱۴۰۲   July. 22, 1982

عید فطر و تعطیل است. آقای [احمد]جنتی را برای اقامه نماز عید در دانشگاه تهران معین کرده بودم. آقای خامنه‌ای بدون اطلاع از کار من، خودشان برای اقامه نماز به دانشگاه رفته بودند. آقای جنتی هم رفته بودند و هر یک از تصمیم دیگری بی خبر. بالاخره آقای خامنه‌ای نماز را اقامه کردند و آقای جنتی اظهاری نکردند. آقای خامنه‌ای برای زیارت امام بالا آمدند. وقتی به ایشان [موضوع را] گفتم، متأسف شدند؛ چون من فعلاً مسئول نماز هستم، گرچه امام جمعه اصلی آقای خامنه‌ای هستند.

امام امروز اعلام کردند که ملاقات نخواهند داشت. بنده هم به خاطر تب و درد دندان نرفتم.

دیشب در جبهه جنوب، نیروهای ما به دشمن حمله کردند و امروز صبح اعلام شد که نزدیک سیصد تانک و نفربر زرهی دشمن را منهدم کرده‌اند و دوهزارو صد نفر را کشته یا مجروح و دویست و پنجاه نفر را اسیر کرده‌اند. ولی منطقه عملیاتی را رها کرده‌اند، چون بولدوزر و لودرها نتوانسته‌اند سنگر و خاکریز برای ماندن در صحرا ایجاد کنند و خطر هجوم مجدد دشمن مثل چند روز پیش در میان بوده است.

مـرداد ۱۳۶۱



جمعه ۱ مرداد ۱۳۶۱ ۲ شوال ۱۴۰۲ July. 23, 1982

تمام روز در خانه ماندم. کمی تب و درد دندان باقی مانده ولی موذی نیست. آنتی بیوتیک مصرف می‌کنم. نماز جمعه را آقای [عبدالکریم موسوی]اردبیلی اقامه کردند. خبر مهمی نداشتیم. با جبهه تماس گرفتم؛ معلوم شد که برای امشب عملیات محدودی دارند. می‌گویند دشمن از نظر نیروی پیاده خیلی ضعیف شده، با نیروی زرهی دفاع می‌کند و با ایجاد موانع طبیعی مثل خندق و باتلاق و میدان مین، مانع عبور نیروها می‌شود. اول شب هم تماس گرفتم، آقای محسن رضایی گفت که کار شروع شده و یک تیپ درگیر است.

تلفنی با آقای خامنه‌ای صحبت کردم. خبر از نامه رؤسای جمهوری ترکیه، پاکستان و گینه در رابطه با جنگ و ورود ما به خاک عراق دادند که خواستار میانجی‌گری و مذاکره شده بودند و جواب ما هم طبق معمول گذشته بوده است. نظر کارشناسان این است که میانجی‌ها بیشتر برای خرید زمان و گرفتن فرصت برای صدام جهت تجدید قوی و کم کردن روحیه رزمندگان ما و ایجاد تردید در آنها در خصوص جدّی بودن جنگ تلاش می‌کنند و یکی از دلائل‌شان این است که تاکنون هیچ پیشنهاد جدی نداده‌اند که عراق یا اعراب امتیازی بدهند در جهت پرداختن غرامت و پذیرش تقصیر صدام، ظهر عفت و بچه‌ها مهمان خانم شهید فیاض‌بخش بودند و من و محسن و پاسداران در خانه بودیم. به خاطر کسالت بیشتر استراحت داشتم.

سئوالات فاطی را جواب دادم. معمولاً فاطی سئوالات واحدهای حزب جمهوری اسلامی را می‌آورد و جواب می‌گیرد. گزارش‌های دیروز و امروز به خاطر تعطیلی نرسیده و از جزئیات حوادث اطلاعم کم است.

شنبه ۲ مرداد

صبح زود بلند شدم. حالم بهتر است. چون در اخبار ساعت هفت صبح از نتایج عملیات دیشب خبری نبود، با قرارگاه مرکزی کربلا در جبهه تماس گرفتم. تلفن اف ایکس دارند که مستقیماً می‌شود گرفت. معلوم شد که موفق نبودند و گفته شد که ما تعدادی مجروح هم، در حدود هفتصد تا هشتصد نفر داشته‌ایم ولی گزارش شهادت کسی را نداشته‌اند. جزئیات را بعداً می‌گویند. در مجموع

عملیات ناموفقی است. شاید غرور زیاد باعث عدم توفیق شده.

[آقای میرحسین موسوی] نخست وزیر با احمد آقا آمد و گزارشی از سفر خود به الجزایر و لیبی و مذاکراتش با امام را داد. دکتر [هادی]منافی وزیر بهداری با دکتر دندانپزشک به عیادتم آمدند. قرار شد که فردا بیایند و دندان را بکشند.

تا عصر بیشتر به مطالعه پرداختم. امروز ساعت چهار صبح صدای مهیب انفجاری در سراسر تهران شنیده شد و مردم خیال کردند که عراق حمله هوایی کرده است؛ بعداً معلوم شد کـه انـبار باروت کارخانه کبریت سازی خصوصی در خیابان مسگرآباد منفجر شده.

یکشنبه ۳ مرداد

اول وقت دکتر منافی، دکتر خالدی دندانپزشک را به همراه آورد و دندانم راکشید. با بی‌حسی موضعی درد را حس نکردم ولی تزریق آمپول ناراحتم کرد. پاسداری برای اجـرای صـیغه عـقد ازدواج آمد.

آقای [عباس واعظ]طبسی که از مشهد برای زیارت امام آمده بود، با جمعی از همراهـان و اعضای دفتر امام به دیدن آمدند. درباره اوضاع مشهد و بـیوت آیـات [سـیدعبدالله]شیرازی و [سیدحسن طباطبایی]قمی و [اخوان]مرعشی مذاکره شد. که معلوم شد آقای قمی کسی را فرستاده، و خواسته‌اند به آقای [واعظ]طبسی نزدیک شوند. به خاطر مخالفت با حکومت منزوی شده‌اند. آقای اخوان مرعشی هم قهر کرده است. گویا در مسجد ایشان، مردم علیه آقای [سیدکاظم]شریعتمداری شعار داده‌اند و ایشان قهر کرده و آقای [واعظ]طبسی، آقای فرزانه را به جای ایشان گذاشته است.

بچه‌ها همگی به نوشهر رفتند. فائزه و شوهرش [حمید لاهوتی] به خاطر مأموریت همسرش در اردوگاه ارتش، آنجا هستند. حمید[لاهوتی] پزشک است و سربازیش را می‌گذراند. عفت عصر به دیدن خانم [فاطمه طباطبائی همسر] احمد آقا رفت. صدیقه همشیره و بچه‌هایش که از رفسنجان آمده‌اند، عصر به دیدن ما آمدند.

احمد آقا آمد و راجع به جنگ و مسایل دیگر کشور، از جمله محلات و اخـتلافات آقـای [فضل‌الله]محلاتی با حزب و آقای مقدسیان امام جمعه صحبت شد. اخبار مهمی از جبهه و کشور نداشتیم. به خاطر کشیدن دندان، آنتی بیوتیک و مسکّن مصرف می‌کنم. یک قرص مسکّن داده‌اند

که آرامش بخش است. آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی هم که به ملاقات امام رفته بود، به منزل ما آمد و مذاکراتش را با امام درباره دادگاه‌های انقلاب و دولت و... شرح داد.

دوشنبه ۴ مرداد

اول وقت به مجلس رفتم. گزارش‌ها را مطالعه کردم. مجلس در حال تعطیل تابستانی است، تهویه خاموش بود و اطاق کارم گرم. آقای [محمدتقی]بانکی رئیس سازمان برنامه و بودجه با معاونانش آمدند و کارهایشان را از جمله در مورد آمار و نقشه پردازی و ماهواره و برنامه ریزی و... گفتند.

جنازه آقای [سیدیونس]عرفانی نماینده طوالش را که دیروز در تصادف اتومبیل به رحمت خدا پیوسته مقابل مجلس آوردند و من صحبت کردم*.

ظهر کارخانه‌داری آمد و از فشار دولتی‌ها روی بخش خصوصی و توسعه موارد بندهای ب و ج در قانون حفاظت صنایع گله داشت.

فرماندهان مراکز آموزشی ارتش که سمینار داشتند آمدند. نماز ظهر و عصر را به جماعت خواندیم و برای آنها درباره لزوم تحوّل در محتوا و شکل آموزشی ارتش که دارد مکتبی می‌شود، صحبت کردم[1] و ناهار را با آنها خوردم.

آقای [سیدمحمود]دعایی را در سالن ناهار خوری دیدم. از طرف امام با جمعی از نمایندگان مجلس مأمور شده است که از زندان اوین دیدن کنند؛ برای تحقیق درباره اطلاع از کارهای خلافی که شنیده شده است.

---

۱ - در این سخنرانی درباره توطئه انحلال ارتش، استخوان بندی ارتش، محتوای تعلیمات رژیم پهلوی، اهمیت و حساسیت نظامی‌گری و نقش آینده ارتش مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



مرحوم سید یونس عرفانی نماینده هشتپر

عصر مصاحبه‌ای درباره آقایان باهنر و رجایی داشتم[۱]. ملاقاتی با بخشی از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داشتم و با آقای [محسن]نوربخش رئیس بانک مرکزی که از بهبود وضع ارزی گفت و راجع به سیاست‌های ارزی مذاکره کردیم.

از سفارت سوریه آمدند. الجزایر به آنها گفته است که ایران از شرط محاکمه صدام دست برداشته؛ نگران بودند. تا ساعت ده شب در مجلس کارها را انجام دادم و آخر شب به منزل آمدم و دیر خوابیدم. دکتر عالی و دکتر حائری از طرف انجمن اسلامی پزشکان آمدند و از نهضت آزادی حمایت می‌کردند.

سه شنبه ۵ مرداد

در خانه ماندم و مطالعه و استراحت داشتم. آقای شیخ قدرت [الله]علیخانی از قزوین آمد. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره اظهارات مأمور سفارت سوریه صحبت کردم.

عصر احمد آقا آمد و گفت که امام از محدود شدن [آقای سیدحسین موسوی تبریزی] دادستان کل انقلاب توسط شورای عالی قضایی ناراضیند و از او حمایت می‌کنند و چیزی هم نوشته‌اند[۲]. به آقای ربانی املشی [دادستان کل کشور] هم تلفن کردم و آقای منتظری را دعوت کردم. آقای دکتر ولایتی هم تلفنی درباره همراهان و برنامه سفر به هند صحبت کرد.

خبرگزاری‌ها اطلاع داده‌اند که یاسر عرفات سندی امضا کرده و همه مصوبات سازمان ملل را از جمله آنها که خواهان به رسمیت شناختن اسرائیل است، تأیید کرده ولی هنوز خبر تأیید نشده است. گویا آقای [میرحسین موسوی]نخست وزیر موضع مخالف و تندی در این خصوص اعلام

---

۱ - در این مصاحبه که شهریور ۱۳۶۱ در مجله سروش به چاپ رسیده درباره ابعاد روحی شهیدان رجایی و باهنر، نحوه برخورد شهید رجایی با مشکلات، خاطره‌هایی از این دو شهید، لیاقت و کاردانی رجایی و باهنر، نقش شهید رجایی در عزل بنی‌صدر و موضع متضاد شهید رجایی و بنی‌صدر سخن گفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در آن سالها قوه قضائیه متشکل از دیوان عالی کشور، شورای عالی قضایی، دادستانی کل کشور و دادستانی کل انقلاب بود که غیر از دادستان کل انقلاب بقیه زیر نظر رئیس دیوان عالی کشور فعالیت می‌کردند. دادستان کل انقلاب به طور مستقیم با امام خمینی(ره) در ارتباط بود. بعدها با حذف پست دادستانی کل انقلاب، کلیه واحدهای قضایی تحت مدیریت رئیس دیوان عالی کشور (رئیس قوه قضائیه) قرارگرفت.

کرده. به وزیر خارجه گفته است که در این خصوص با من و رئیس جمهوری مشورت شود.

چهارشنبه ۶ مرداد

ساعت ده صبح به زیارت امام رفتم، حالشان خیلی خوب بود. راجع به مسافرت هندوستان مشورت کردم؛ فرمودند که اگر امنیت را حفظ کنند، خوب است. در مورد [سید حسین موسوی تبریزی] دادستان کل انقلاب، امام اجازه نمی‌دهند که شورای قضایی ایشان را محدود کند.

برای ناهار، امام را به منزل خودمان دعوت کردم که نپذیرفتند و فرمودند، اگر بپذیرم باید به خانه فرزندانم هم بروم و باعث اتلاف وقت است. در دفتر امام با آقای [سیدعلی اکبر]محتشمی [پور] سفیر ایران در سوریه صحبت کردم. مطالبی داشت و قرار شد که امروز عصر به شورای عالی دفاع بیاید.

عصر در شورای عالی دفاع شرکت کردم. تصمیماتی در مورد حمله به فرودگاه بغداد در صورت حمله عراق به شهرهای ایران گرفته شد. همچنین قرار شد دو کشتی نفربر که قبلاً از انگلستان خریده‌ایم و بعد از پیروزی [انقلاب تحویل آن] معلق مانده، مطالبه شود. معلوم شد که اگر فسخ کنیم، پول بیشتری بابت خسارت کمپانی باید پرداخت شود. طرح‌های جنگی هم بررسی شد.

آخر شب به خانه آمدیم. محسن که همراه من بود، به مجلس رفت تا فردا برای تمرین تیراندازی به میدان تیر برود و سپس به جبهه. درباره برنامه سفر هندوستان با وزیر امور خارجه صحبت کردم.

پنجشنبه ۷ مرداد

در خانه ماندم و بیشتر به مطالعه پرداختم. دیشب نیروهای ما در خاک عراق حمله به دشمن داشته‌اند. صبح با سرهنگ [علی]صیاد شیرازی تلفنی صحبت کردم. از نتیجه عملیات راضی بود. آقای ری‌شهری آمد و راجع به کیفیت و زمان محاکمه [صادق]قطب زاده در این که علنی کامل باشد یا با کنترل مشورت کرد. راجع به کیفیت برخورد با آقای شریعتمداری نظر خواست و گفت که اخیراً پولی برای آقای [سید صادق] روحانی فرستاده که بین طلاب تقسیم کند.

عصر به عیادت آقای [عبدالمجید]معادیخواه رفتم. احمد آقا هم آمد. خیلی افسرده است. راجع به علل استعفا صحبت شد و قرار شد که بعداً مذاکره کنیم. گزارش‌ها را از مجلس آوردند و آنها را خواندم. شب جمعی از فامیل مهمان ما بودند. راجع به معادن کرمان صحبت شد.

جمعه ۸ مرداد

اول صبح از قرارگاه کربلا اطلاع دادند که نیروهای ما پس از انهدام نیروی دشمن، از ترس محاصره به محل قبلی برگشته‌اند. به این امر راضی نیستم و قرار شد که در شورای عالی دفاع بحث شود. نماز جمعه را اقامه کردم. خطبه‌ای راجع به اقتصاد و ارزش اضافی و خطبه‌ای درباره علل ورود به خاک عراق بود[1].

ناهار برای دیدار آیت‌الله منتظری به منزل آقای ربانی املشی رفتم. آقای نخست وزیر و آقای موسوی اردبیلی هم آمدند و راجع به نظم در دادگاه‌های انقلاب و استعفای شورای عالی قضایی، گمرک‌ها و سازمان صنایع ملی که کارخانه‌های مردم را بی‌دلیل مشمول بند ج[2] می‌نماید، صحبت شد و مقداری هم بحث فقهی درباره نیابت در حیازت مباحات داشتیم.

اول شب دکتر وحید [دستجردی] به خانه آمد و راجع به مسایلی چند از جمله وضعیت زندان اوین صحبت شد. شام در منزل آقای انصاری زرندی مهمان بودیم. جمعی از اعضای دفتر امام هم بودند. دیر وقت به خانه آمدم. محسن و عفت بیدار بودند و کمی بیدار ماندیم و صحبت کردیم.

---

۱ - در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام مطرح شده و در خطبه دوم دلایل ایران برای ورود به خاک عراق، شباهتهای جمهوری اسلامی با حکومت علی علیه‌السلام، مردمی بودن جمهوری اسلامی و وضعیت حامیان عراق تبیین گردیده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۲ - بند ج همان قانونی است که به موجب آن اموال و دارائی‌های سرسپردگان رژیم پهلوی و سرمایه‌داران زمان طاغوت به نفع بیت‌المال مصادره و ضبط می‌شد.

شنبه ۹ مرداد

در خانه ماندم. بیشتر وقتم به مطالعه گذشت. پیش از ظهر آقای صادق طباطبائی آمد و نتیجه اقداماتش را در خصوص پس گرفتن پولهایی که بابت تانکهای M۴۸ داده بود، گفت. دو نفر را بازداشت کرده و حدود سی میلیون دلار گرفته است. حدود شانزده میلیون دلار دیگر مانده که باید از خود آنها یا بیمه لویدز بگیرد. به دادگاهی در سوئیس شکایت کرده و می‌گفت که خوب کار می‌کنند.

عصر احمد آقا آمد و راجع به ملاقات اعضای شورای عالی قضایی با امام و درخواست آنان برای تأیید مجدد و جبران اظهارات گذشته امام که باعث تضعیف‌شان شده بود، گفت. آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی هم از من خواسته‌اند که در این خصوص خدمت امام شفاعت کنم.

آقای [محمد]امامی کاشانی هم آمدند و راجع به اقدامات در جریان حادثه سبزوار و بازداشت چند نفر از سران سپاه و کمیته و اطرافیان آقای [واعظ]طبسی گفتند و از تصمیم بر قاطعیت قضایی. راجع به محل دیوان عدالت اداری و منزلشان صحبت کردیم و قرار شد نماز جمعه آینده را ـ چون بناست من به هند بروم ـ اقامه نمایند. شب دوسه نفر از بستگان آمدند.

تلفنی با جبهه تماس گرفتم و خبر رفتن فرزندم محسن را به قرارگاه کربلا دادم. گفتند که امشب تک‌هایی به دشمن می‌زنند و امروز دشمن خواسته است، جلو بیاید که تلفاتی داده است.

یکشنبه ۱۰ مرداد

صبح زود برخاستم. محسن همراه محسن وفادار برای رفتن به جبهه عازم بود. عفت او را بدرقه کرد و از زیر قرآن رد شد. خداوند رزمندگان اسلام را حفظ کند.

بچه‌ها روحیه خوبی دارند. وقتی داشتم به مجلس می‌رفتم، محسن را دیدم که لباس بسیجی پوشیده، آماده حرکت است، لذت بردم. جالب است که عفت هم با صبر و منطق برخورد می‌کند و با این که معمولاً غیبت خیلی کوتاه بچه‌هایش را متحمل نمی‌شود، در این مورد اظهاری نمی‌کند. این روحیه در بسیاری از مادران مسلمان که فرزندانشان داوطلبانه به جبهه می‌روند، وجود دارد.

جلسه علنی داشتیم. طرح شوراها در دستور بود و دو سؤال. ظهر چند ملاقات داشتم. در فاصله

تنفس هم برای هشتصد معلم زن ومرد اهل قروه کردستان که به مجلس آمده بودند و قهرمانان کشتی ایران صحبت کردم* و عکس گرفتند. عصر سفرای عازم بنگلادش، نیجریه، کوبا، ونزوئلا و مجارستان آمدند و درباره مسئولیتشان با آنها صحبت کردم.

نزد چشم پزشک که برای معاینه به دفتر رئیس جمهور آمده بود، مراجعه کردم. جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. بیشتر بحث راجع به عدم موفقیت بعضی از کاندیداهای حزب در هیئت رئیسه منتخب مجلس بود.

سپس جلسه مشورتی سران بود. درباره شرایط خاتمه جنگ و مسایل لبنان و تفرقه در جنبش امل و آمدن نخست وزیر ترکیه و کابینه بحث کردیم.

آخر شب به خانه آمدم. تلفنی با آقای [محمد]امامی کاشانی درباره محل دیوان عدالت اداری صحبت کردم.

دوشنبه ۱۱ مرداد

صبح زود خانواده شهید [حسین]علم‌الهدی برای زیارت امام به منزل ما آمده بودند. وقت گرفتم و به زیارت امام رفتند. امروز خانواده‌های شهدا به زیارت امام می‌روند. معمولاً در هر هفته گروهی از خانواده‌های شهدا به زیارت امام می‌آیند. آقایان [محمدباقر محی‌الدین]انواری و سرفرازی آمدند و راجع به اقدامی برای جلوگیری از شایعات صحبت کردند. قرار شد که جلسه‌ای از دوستان روحانی برای این منظور تشکیل شود.

آقای محسن رفیق دوست آمد. شنیده بود که آقای [میرحسین]موسوی با وزارت ایشان برای سپاه موافق نیست. گفتم که من بی‌اطلاعم. عده‌ای از خانم‌های سپاهی مأمور تفتیش خانم‌های ملاقات کننده بیت امام آمدند و سؤالاتی داشتند. گزارش‌ها را خواندم. بعضی گزارش‌های غیر محرمانه را معمولاً برای مسئولان نظام تهیه می‌کنند، مانند بولتن‌های ویژه خبرگزاری پارس[1]، نخست وزیری، سپاه، کمیته، ارتش، شهربانی، وزارت امور خارجه و گزارش‌های سفرا. معمولاً هر روز گزارش‌های متفرقه هم داریم.

---

۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی فعلی

امروز خبر کشف بیست خانه تیمی منافقان اعلام شد که بیش از شصت نفر کشته یا بازداشت شده‌اند. بنا بود جلسه شورای عالی دفاع برای رسیدگی به نتایج عملیات رمضان داشته باشیم که به علت تأخیر آقایان محسن رضایی و [علی] صیاد شیرازی به فردا موکول شد.

سه شنبه ۱۲ مرداد

جلسه علنی داشتیم. طرح شوراهـا و دو سئوال در دستور بـود و صحبت پیش از دستور نمایندگان. ظهر آقای [محی‌الدین]فاضل هرندی آمد و گزارش سفرش را به اروپا بـرای ارشـاد انجمن‌های اسلامی دانشجویان داد و از سفیر ما در بن گله داشت و گفت بین آقای مقدم روحانی مسجد هامبورگ و دانشجویان اتحاد ایجاد کرده است.

عصر معاونین پارلمانی وزارتخانه‌ها آمدند، برای آنها صحبت کردم* و از آنها خواستم که فعال باشند و عامل هماهنگی مجلس و دولت باشند. معاونان وزارت ارشـاد هـم آمـدند و از وضـع وزارتخانه انتقاد داشتند. آقای گلسرخی آمد و مقداری از وضع هندوستان گفت. که هند حاضر نبود به ایشان ویزا دهد، اخیراً حاضر شده است؛ قرار شد که همراه من به هند بیاید.

گروهی از وزارت بازرگانی آمدند و درباره علت رکود لایحه دولتی شدن بازرگانی خارجی توضیح می‌خواستند. شب شورای عالی دفاع داشتیم. در مجلس آقـایان [عـلی]صیاد شـیرازی و محسن رضایی گزارش وضع جبهه و عملیات رمضان را دادند. موفق نبودند و عراقی‌ها سخت دفاع می‌کنند و استحکامات عظیمی برای دفاع درست کرده‌اند. شب قرار بود شام را با آقای منتظری در منزل آقای [مرتضی]مقتدائی باشیم. به خاطر خستگی نرفتم. آقای خامنه‌ای رفتند و من شب در مجلس خوابیدم. آخر شب محسن از اهواز تلفن کرد.

چهارشنبه ۱۳ مرداد

تا ساعت نه صبح گزارش‌ها را خواندم. اعضای ستاد نماز جمعه برای مشورت در امور ستاد و مصلیٰ و... آمدند. قرار بود که در کمیسیون اصل ۹۰ که به اعتراضات وارده به وزارت نفت با حضور نخست وزیر و وزیر نفت رسیدگی می‌شد، شرکت کنم. چون جلسه فوق‌العاده شورای عالی دفاع

داشتیم، نتوانستم شرکت کنم. در جلسه شورای عالی دفاع آقای ظهیرنژاد به نیروی زمینی و سپاه اعتراض داشت و خودش طرحی ارائه داد و آنها جواب دادند. کار و طرح آنها تأیید شد و من بعداز جلسه مصاحبه کردم*. عدم توفیق در عملیات رمضان باعث بروز انتقادات شده است. آنها که عجله داشتند و نسبت به تأخیر عملیات معترض بودند اکنون متوجه شده‌اند که جنگیدن در خاک دشمن به آسانی جنگ در زمین و خاک خودی نیست و بخصوص در رزمندگان که خود واقعیت‌های جبهه را می‌بینند واقع بینی بیشتر می‌شود.

آقای محسن رضایی هم از حرکت‌های معارض سپاه گله داشت. آنها قدرت و اختیار زیاد می‌خواهند و جو جامعه و مجلس مخالف است. عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم و شب در مجلس ماندم و به مطالعه و استماع اخبار گذشت.

پنجشنبه ۱۴ مرداد

جلسه علنی داشتیم. طرح شوراها و سؤالات و انتخاب اعضای کنفرانس بین‌المجالس مطرح بود. ظهر دونفر از قم آمدند و برای حوزه، چاپخانه و امکانات دیگری می‌خواستند. آقای [مهدی]سعیدی از روابط عمومی [مجلس] درباره انتشار سخنرانی‌های قبل از دستور من مشورت کرد. عصر آقای طاهری اصفهانی امام جمعه اصفهان آمدند و راجع به مسایل شهر و رفع اختلافشان با حزب و سپاه و... مذاکره شد.

مصاحبه‌ای درباره فلسفه حج داشتم* و ملاقاتی با اردوی دانش آموزان حزب جمهوری [اسلامی] و ملاقاتی با بهزاد نبوی که عازم کره شمالی بود. شب به خانه آمدم. آقای فخرالدین حجازی که از هند آمده گفت که دوستان ترجیح می‌دهند که من از سفر هند به خاطر اظهارات خانم [ایندیرا]گاندی در آمریکا که از انقلاب اسلامی انتقاد کرده است، منصرف شوم. سفر مورد تردید قرار گرفته و به مشورت پرداختم.

جمعه ۱۵ مرداد

نماز جمعه را به عهده آقای [محمد]امامی کاشانی گذاشتم و به دعوت آقای [عباس

واعظ]طبسی برای سخنرانی و رسیدگی به امور خراسان و شرکت در مراسم غبارروبی مرقد امام رضاعليه‌السلام به مشهد رفتم. همراهان به هتل توس ـ محل سکونت وزرا و استانداران که برای سمینار آمده بودند ـ رفتند و من در حرم در دفتر آقای طبسی ماندم.

عصر برای انبوه جمعیت زوّار و مردم مشهد سخنرانی کردم[1]. بسیاری از علما و مسئولان آمدند و ملاقات کردیم. شب پیشنمازان آمدند. شب با تهران تماس گرفتم و در مورد سفر هندوستان با وزیر خارجه صحبت کردم، چون هنوز در تردیدیم. درباره مطالبی که وزیر خارجه ترکیه آورده، گفتند که بیشتر می‌خواهد چیزی بفهمد. شب همان جا خوابیدیم.

شنبه ۱۶ مرداد

ساعت شش صبح برای مراسم به حرم رفتیم. حرم را قرق کرده بودند. دریچه‌ای به داخل ضریح باز شد. لباس مخصوص پوشیدیم با آقای [واعظ]طبسی و آقایان [عطاالله]اشرفی[اصفهانی] امام جمعه باختران و [ابوالحسن]شیرازی امام جمعه مشهد و [سیدجلال‌الدین]طاهری امام جمعه اصفهان وارد ضریح شدیم. پولهای ریخته شده در ضریح، ظرف دو ماه و چند روز به یک متر ارتفاع رسیده بود، در مساحت کل داخل ضریح که حدود هشت متر مربع است: اسکناس، پول خرد، طلاجات و نامه ها.

همراهان به خاطر ضعف و پیری خیلی نمی‌توانستند تلاش کنند. آقای [واعظ]طبسی و من پولها را بیرون ریختیم؛ حدود پنج میلیون تومان ـ که البته شمرده می‌شود و مبلغ دقیق اعلام می‌شود ـ در چهل و یک ساک پلمب شد. سپس ضریح را گردگیری کردیم و با گلاب شستیم. دو ساعت طول کشید. سپس مصاحبه‌ای با تلویزیون کردم*. جمعی از همراهان هم اطراف ضریح بودند. به حضار یک جلد قرآن و مقداری غبار و نبات متبرّک دادند.

---

۱ ـ در این سخنرانی تحلیلی از روند شکل‌گیری و مشکلات فراراه انقلاب اسلامی ارائه شد و سپس درباره توطئه‌های ضدانقلاب، تروریسم، موفقیت‌های فنی ـ نظامی انقلاب، عوامل موفقیت‌های انقلاب، محتوای انقلاب، قدرت مردمی انقلاب، رهبری خردمندانه امام خمینی(ره)، نقش روحانیت، تحقق شعار نه شرقی و نه غربی، اوضاع جبهه‌های جنگ و نقش امدادهای غیبی در جنگ مطالبی بیان گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



غبارروبی مضجع شریف حضرت علی بن موسی الرضا (ع)



مسئولان ادارات و نهادهای انقلابی آمدند و برایشان صحبت کردم*. بعدازنماز ظهر عدّه‌ای از اطبّا آمدند. نقشه فلکه اطراف حرم و نقشه تجدید بنای هویزه را که بناست آستان قدس بسازد دیدیم و بعداز استراحت با روحانیت مبارز مشهد ملاقات کردم و سپس برای حرکت به تهران به فرودگاه رفتیم و ساعت شش و نیم به تهران رسیدیم. تلفنی با آقای خامنه‌ای درباره مسایل جاری و سفر هند که هنوز مردّدیم، مذاکره کردم. وگفتند ترکیه هم پیشنهادهائی در مورد جنگ و خسارات مطرح کرده که پذیرفته نشده. شب استراحت کردم و به اخبار گوش دادم و خاطرات عقب مانده را نوشتم.

یکشنبه ۱۷ مرداد

قبل از جلسه علنی گزارش‌ها را در دفترم مطالعه کردم. کمی از جلسه را اداره کردم و به آقای [محمد]یزدی سپردم. تا ظهر کارها را در دفترم انجام دادم. دکتر [حسن]روحانی آمد و راجع به اختلاف شورای سرپرستی صداوسیما و انجمن اسلامی با اخوی محمد صحبت کرد و قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. ظهر چند نفر از نمایندگان برای کارهایشان مراجعه کردند. آقای موسوی خوئینی‌ها که قرار بود با من به هند بیایند، چون از طرف امام مأمور اداره امور حج شده، برای مشورت درکارشان آمد و بناست که به هند نیایند و به جای ایشان آقای [حسن]روحانی بیایند.

عصر در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم و بحث‌های متفرقه داشتیم. شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشورتی سران بود. راجع به وزرای جدید و اعتراضاتی که نمایندگان مجلس به دولت دارند و وضع قضایی کشور بحث شد.

بالاخره پس از تردید، با اعلامیه وزارت خارجه هند و پس گرفتن اظهارات خانم [ایندیرا]گاندی در آمریکا قرار شد که به هند برویم ولی برای اینکه با حضور وزیر خارجه عراق در هند همزمان نباشد، سفر را دو روز به تأخیر انداختیم.

دوشنبه ۱۸ مرداد

در خانه ماندم و با تلفن درباره همراهان سفر هند وکارهای دیگر اقدام کردم. آقای [محمد

محمدی]ری‌شهری درباره شروع محاکمه آقای [صادق]قطب‌زاده مشورت کرد. امام گفته‌اند که زودتر تعیین تکلیف شود. شخصی اطلاع داد، شبکه‌ای راکه می‌خواهد برای آزادی قطب‌زاده پول خرج کند کشف کرده، او را به آقای ری‌شهری معرفی کردم که رسیدگی نماید.

گزارش‌ها را در خانه خواندم. عصر آقای هنردوست معاون وزارت نفت آمد و راجع به قیمت نفت و مقدار تولید و... اطلاعاتی داد.

خانم شهید بهشتی به خانه ما آمد و با عفت به دیدن همسر امام رفتند که برای معالجه چشم مدتی به خارج رفته بودند. دو مقدمه برای دو کتاب درباره شهید [سیدحسن]آیت و نامه‌هایی به جبهه و از جبهه نوشتم.

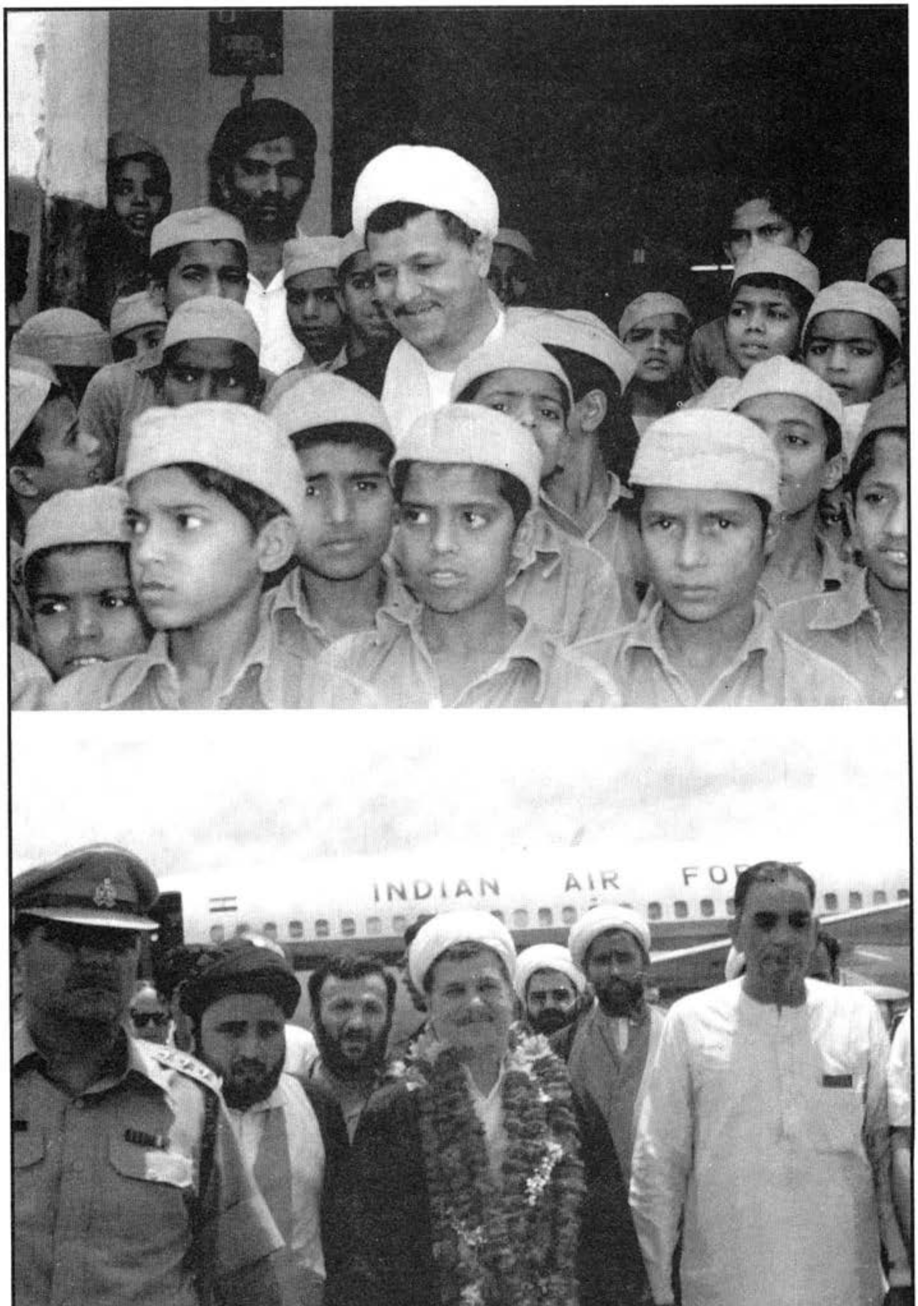
سه شنبه ۱۹ مرداد

بنابه دعوت رئیس مجلس سفلای هند ـ که پانصدوچهل‌ودو عضو دارد ـ امروز در رأس هیئتی چهل‌ودو نفره از مجلس، دولت، ارتش و صداوسیما عازم هند شدیم. ساعت نه ونیم صبح با یک ساعت و نیم تأخیر از تهران با شاهین و اسکورت دو شکاری (به خاطر خطر جنگ) پروازکردیم. علت تأخیر عدم هماهنگی نیرو و ستاد و فرودگاه بود. معلوم شد کاپیتان هواپیما ممنوع‌الخروج است؛ بی‌نظمی!

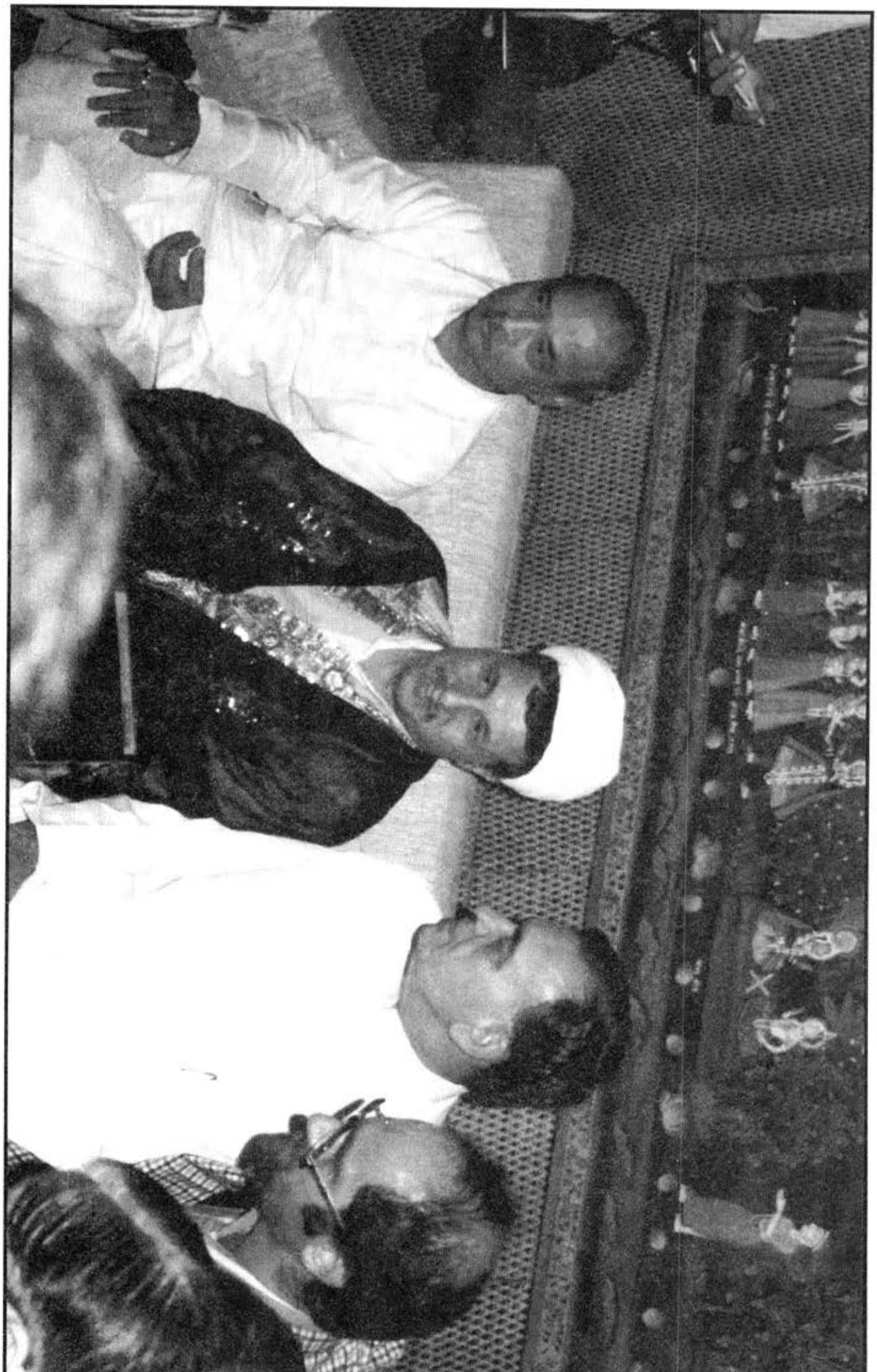
ساعت یک به وقت تهران و سه به وقت دهلی وارد دهلی شدیم. خبرنگاران و عکاسان و جمعی از مردم هند و ایرانی‌ها استقبال کردند. رئیس مجلس و وزیر خارجه و جمعی از شخصیت‌های هند آمده بودند. مصاحبه کوتاهی شد و عکس گرفتند. به «حیدرآباد هاوس» که در زمان استعمار انگلیس مهاراجه‌ای آن را ساخته و خیلی قدیمی است ـ برای اقامت ـ منتقل شدیم.

به تازگی باران باریده و هوا مرطوب است و ۲۹ درجه بالای صفر. تاج گلی نثار مقبره گاندی کردیم. مقبره در محوطه چمن کاری شده‌ای است و رؤسای جمهوری دنیا، هر یک در آنجا درختی به نامشان ثبت است و معمولاً درخت انبه. سپس دیداری کوتاه و مذاکرات دوستانه و ساده با رئیس مجلس داشتیم. جمعی از همراهان در اینجا و جمعی در هتل مستقر شدند.

بعداز استراحت و شام در خانه فرهنگ ایران و در جمع دانشجویان ایرانی و جمعی از هندیان حاضر شدیم. آقای دکتر [حسن]روحانی صحبت کردند و من هم مختصری. بین سفارت و آقای



سفر به کشور هند



منوچهر متکی از همراهان ما که قبلاً در هند دانشجو بوده تفاهم نبود و لذا با تأخیر رفتیم. از فلفل زیاد غذاها دهان همه آتش گرفته بود. گفتند که از جمعیت حدود هفتصد میلیونی هند،، بنابر آمار رسمی ۸۲ درصد هندو و ۱۱ درصد مسلمانند که مسلمانان نسبت خود را بیشتر - ۱۴درصد - می‌دانند. چون هندوها گوشت نمی‌خورند، ذبیحه‌ها عمدتاً از مسلمانان است. سفیر ما آقای اسدی لاری می‌گوید که اکثریت مردم از فقر و نیاز شدیدی رنج می‌برند.

مزد یک کارگر ساده بیست روپیه است که هر روپیه یک تومان است. بی شباهت به ایران نیست. حقوق یک نماینده مجلس هزار روپیه و وزیر دو هزار و پانصد روپیه، با مسکن و ماشین مجانی. تلویزیون مراسم ورود ما و مصاحبه را پخش کرد. سؤالات مهم درباره محل کنفرانس غیر متعهدها بود که آنها مایلند در هند باشد*.

چهارشنبه ۲۰ مرداد

صبح زود روزنامه‌ها را آوردند. در صفحه اول، عکس و اظهارات ما را در فرودگاه و دفتر مجلس منتشر کرده بودند و یکی هم اعلامیه‌ای از مخالفان جمهوری اسلامی علیه ما آورده است. همه اعضای هیئت جمع شدند. معارفه‌ای به عمل آمد و برنامه‌ریزی شد. ساعت ده صبح به مجلس رفتیم و از ساختمان مجلس -که از زمان انگلیسی‌ها در شصت سال قبل مانده است - دیدن کردیم. ساعت یازده در مجلس ملی و ساعت یازده و نیم در مجلس سنا شرکت کردیم. نمایندگان و رؤسای مجلس از هیئت ایرانی تجلیل کردند و برای احترام کف زدند.

ساعت دوازده با خانم [ایندیرا] گاندی ملاقات و یک ساعت و ربع مذاکره کردیم. من وضع ایران و انقلاب و دیدگاه‌های ایران را توضیح دادم و ایشان بیشتر در حاشیه صحبت می‌کرد و تلویحاً سفر خود را به آمریکا توجیه می‌کرد.

ناهار را در اتاقم صرف کردم و بعداز استراحت و نماز باز به مجلس رفتیم. جلسه‌ای با حضور جمعی از اعضای دو مجلس بود و پس از تعارفات و صحبت من، نمایندگان هندی راجع به انقلاب ما و صدور آن، بنیادگرایی، آزادی مطبوعات و اقتصاد و... سؤالاتی کردند و من توضیح دادم و در آخر از وجود آثار انگلستان - از جمله زبان انگلیسی - در هند انتقاد شد.

سپس با معاون رئیس جمهوری و رئیس مجلس سنا ملاقات کردیم. هدایت الله خان مسلمان

است. جلسه گرم و خودمانی بود و کمی هم فارسی می‌دانست. راجع به دانشجویان زندانی ـ که به خاطر نزاع با منافقان نه نفر از آنها زندانیند ـ صحبت کردم. شام مهمان رئیس مجلس دکتر بالرام جاکر بودیم. جلسه خوبی بود و من ضمن بحث از مشترکات دو کشور، درباره ضرورت مبارزه با تبعیضات در روابط جهانی و مخصوصاً حق وتو در سازمان ملل و صلح ناپذیری آمریکا و اسرائیل صحبت کردم و لزوم بیرون رفتن نیروهای نظامی بیگانه از اقیانوس هند را مطرح کردم. آخر شب در مهمانخانه، اخبار ایران را گرفتیم. تصویب لزوم قطع نفت از آمریکا در پارلمان کویت از اخبار مهم دنیاست.

پنجشنبه ۲۱ مرداد

ساعت شش صبح با اتومبیل به طرف شهر آگرا حرکت کردیم؛ دویست کیلومتر راه که بخشی اتوبان و بخشی جاده آسفالته ساده بود، کاملاً سر سبز و شبیه مازندران با مزارع برنج و نیشکر. عده‌ای هم با هواپیما آمدند. صبحانه را در هتل خوردیم و به تماشای مقبره عظیم «تاج محل» رفتیم که اکبر شاه برای ملکه «شاه جهان» به کمک معمارهای چینی و ترکی و ایرانی و... ساخته و از ساختمان‌های عجیب آن زمان است. قلعه دیدنی و جالبی هم به نام ردفورد کنار رودیامانا از آنها مانده. ظهر به دهلی برگشتیم.

در تاج محل کتیبه‌ها از آیات قرآن و سنگهای مرمر مزّین به عقیق و یاقوت بود. انگلیسی‌ها خیلی‌ها را برده‌اند و کمی هم مانده است. زیاد هم آثار عجیبی ندارد ولی برای جذب توریست آن را بزرگ می‌کنند.

در قلعه حیاط بزرگی را که اطرافش حدود چهارصد حجره بود نشان دادند و گفتند، در هر حجره یکی از زنهای اکبر شاه زندگی می‌کرده. گفته شد، هندوها از خاطرات ملوک عجم که همراه با اعمال زور بوده تنفر دارند. کنار تاج محل رود عظیم است که در الله آباد به رود گنگ مقدس می‌پیوندد. و پس از پیمودن دو هزار کیلومتر و مشروب کردن این بخش عظیم از اراضی در بنگال غربی به اقیانوس هند می‌ریزد.

خلبان‌ها بدون اجازه فرودگاه را برای دیدن تاج محل ترک کرده بودند و یک ساعت ما را در پایگاه هوایی معطل کردند. برق هم قطع شد و گرمای شدیدی در خاموشی کولرها هیئت را به

ایندیرا گاندی خطاب به هاشمی رفسنجانی: ما افتخار می‌کنیم از شما بعنوان یک میهمان عزیز استقبال می کنیم

مذاکرات مهم هاشمی رفسنجانی با ایندیرا گاندی نخست وزیر هند

۲۰ صفحه

کیهان

تکشماره — ۲۰ ریال

پنجشنبه ۳۱ امرداد ۱۳۶۱ ۲۳ شوال ۱۴۰۳ — شماره ۱۱۶۴۹



گاندی نخست وزیر هند

استقبال نمایندگان پارلمان هند از سخنان مهم رئیس مجلس ایران



حجت‌الاسلام رفسنجانی

با شکست دیپلماسی عراق در برابر موضع ایران

هند رسماً میزبانی اجلاس سران غیرمتعهدها را پذیرفت

شرایط شرکت مشمولان نظام وظیفه

معاون رئیس ستاد ارتش صهیونیستی بدست رزمندگان

زحمت انداخت. بنا شد که عامل بی نظمی تنبیه شود. خلبانان گفتند که ما برنامه را نمی‌دانستیم ولی بعداً معلوم شد، کتابچه برنامه در اختیارشان بوده و بی‌توجهی کرده‌اند.

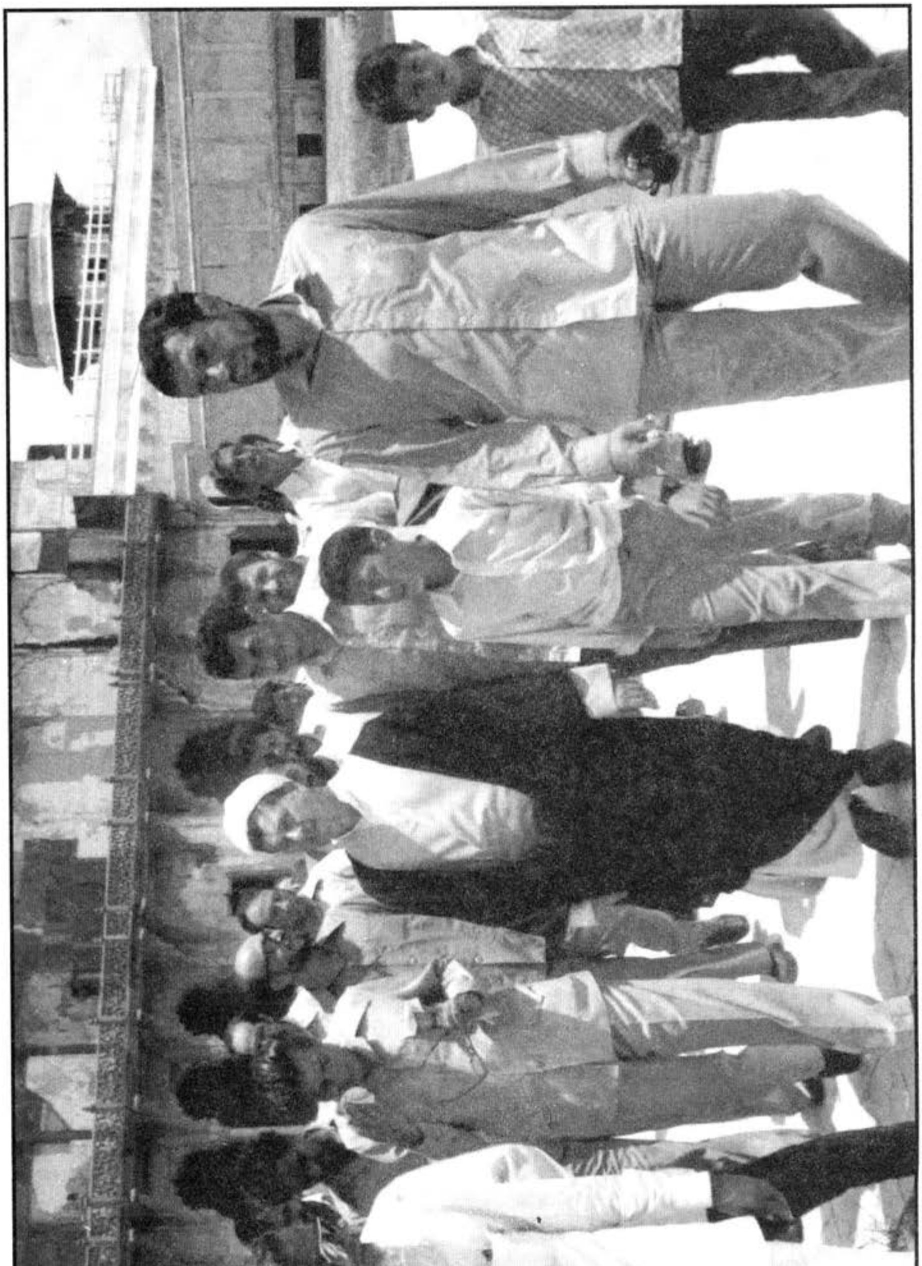
ساعت سه با آقای رائو وزیر خارجه ملاقات داشتم و نرسیدم ناهار بخورم. سپس با رئیس جمهوری هند که سیک است جلسه داشتیم و بیشتر بحث‌ها اخلاقی و درباره جنگ بود. سپس ملاقات دوم با خانم گاندی در منزلش انجام شد که ملاقات موفقی بود.

امروز هند رسماً اعلام داشت که حاضر است میزبان کنفرانس غیر متعهدها باشد و این شکستی برای عراق و یک پیروزی برای ما بود و تأثیر سفر ما را نشان می‌دهد. سخنان دیشب من در مهمانی رئیس مجلس، آنها را در خصوص محافظه کاری در مسایل بین‌المللی در موضع دفاعی قرار داده و امروز خانم گاندی گفت که به خاطر مشکلات هند ناچاریم. متن مذاکرات همهٔ جلسات در پرونده سفر ضبط می‌شود.

جمعه ۲۲ مرداد

صبح کارها انجام شد و با هواپیما به طرف بمبئی رفتیم. دوساعت پرواز بود، در فرودگاه بمبئی علاوه بر رئیس مجلس و مسئولان بمبئی دانشجویان مسلمان و جمعی از مردم به استقبال آمده بودند. مطالبی گفتند و من هم کمی صحبت کردم. به هتل رفتیم و بعد از کمی استراحت به نماز جمعه در مسجد شیعه رفتیم. من سخنرانی کردم* و آقای حامد دامنی نماینده ایرانشهر به اردو ترجمه کرد. ناهار را در هتل مهمان مجلس ایالتی بمبئی بودیم، رئیس مجلس و یک وزیر که در فرودگاه هم بود، در مهمانی بودند. مصاحبه مطبوعاتی انجام دادیم*.

از فرودگاه به طرف بنگلور حرکت کردیم و اول شب به آنجا رسیدیم. رئیس مجلس ایالتی و... همراه با جمع زیادی به استقبال آمده بودند اما پلیس که مسئول امنیت ما بود اجازه نداد که با مردم صحبت کنم و مستقیماً به سالنی که دانشجویان آماده کرده بودند رفتیم. مجلس با شکوهی بود و یک ساعت صحبت کردم. احساسات پرشوری در حمایت از انقلاب ما ابراز کردند. دانشجویان اسلامی ایران و عراق برنامه اجرا کردند. شام قرار بود که مهمان دانشجویان و علما باشیم ولی دو مجلس ایالتی تقاضا کردند، به آنها واگذار شود و در نتیجه با حضور رؤسای دو مجلس مهمان مجلس در هتل بودیم.



شنبه ۲۳ مرداد

مخبران دو روزنامه مهم بنگلور برای مصاحبه آمدند و درباره جنگ، غیر متعهدها و رفتار با مخالفان مخصوصاً بهائیها و تروریست‌ها پرسیدند*. یکی از آنها خبر دروغی نوشت که دانشجویان مسلمان طوماری با ده هزار امضا در خصوص اعتراض به ورود هیئت ایرانی به هند جمع کرده‌اند که مورد اعتراض سفیرمان در هند قرار گرفت.

از یتیم خانه بچه‌های مسلمان دیدن کردیم که حدود سیصد یتیم دختر و پسر را سرپرستی می‌کردند. بچه‌ها سرودهای انقلابی «ما مسلح به اللّه اکبریم» و ... خواندند و پنجاه‌هزار دلار به آن مؤسسه دادیم و پنجاه هزار دلار هم آقای هدایت زاده قائم مقام وزیر بازرگانی داد. بودجه‌اش از طرف خیریّه پرداخت می‌شود.

به فرودگاه رفتیم و برای رفتن به دهلی سوار هواپیما شدیم. در باند پرواز معلوم شد که یک موتور هواپیما قدرت لازم را نمی‌دهد و مهندسان هندی نتوانستند اصلاح کنند. دوسه ساعت در فرودگاه معطّل شدیم. رؤسای دو مجلس ایالت و دانشجویان هم ماندند و با هم مذاکره طولانی کردیم. بنا شد که تعمیرکار یا هواپیمای هندی از دهلی بیاید.

ناچار برای پرکردن وقت خالی به دیدن یک معبد هندوها رفتیم. مراسم خاص آنها را در مقابل خدای ثروت که صاحب این معبد بود، تماشا کردیم و هم مراسم عبادت ملکه خدا را.

نماز را در محل انجمن اسلامی دانشجویان به جماعت خواندیم و سپس مدتی برای بچه‌ها صحبت کردم*. ناهار را ساعت سه و نیم در هتل خوردیم و استراحت کردیم؛ مهمان مجلس بودیم.

برنامه‌های مهمانی ظهر معاون رئیس جمهوری هند و مهمانی شب ما برای رجال هندی را که از پیش تنظیم شده بود به ناچار لغو کردیم و به انتظار تهیه وسایل حرکت بودیم. در فرودگاه دانشجویان از سخت‌گیری‌های اداری هندی‌ها شکایت کردند و دو نفر کارمند معادن از این که هندی‌ها شصت درصد از حقوقشان را که از ایران می‌گیرند، مالیات می‌خواهند، شاکی بودند. رئیس مجلس گفت چنین قانونی نداریم و بنا شد که رسیدگی شود. هر نفر ماهانه هزاروپانصد دلار می‌گیرند و در هند به آنها داده می‌شود[1].

---

۱ - معدن کُدِرمخ قراردادی با ایران دارد که سنگ آهن به ایران بدهد و افرادی از سوی ایران برای نظارت براجرای قرارداد آنجا باشند.

ساعت ده شب با هواپیمای اختصاصی هندی که برای ما فرستادند وارد دهلی شدیم. هواپیمای ما در بنگلور به انتظار تعمیر ماند. معلوم شد که امروز حدود سی‌وپنج نفر از مخالفان ایرانی، مقابل اقامتگاه با پلاکارد اعتراض آمده بودند که با فشار دانشجویان اسلامی متفرق شده‌اند.

در فرودگاه گروهی از دانشجویان به استقبال آمده بودند. با موتورسیکلت مزاحم حرکت پلیس اسکورت و کاروان هیئت می‌شدند و این وضع تقریباً در طول حرکت کاروان پیش آمد. مایل نیستم، جلو ابراز احساسات جوانان انقلابی را بگیرم و پلیس هند هم نظم می‌خواهد. پس از شنیدن اخبار ایران خوابیدم.

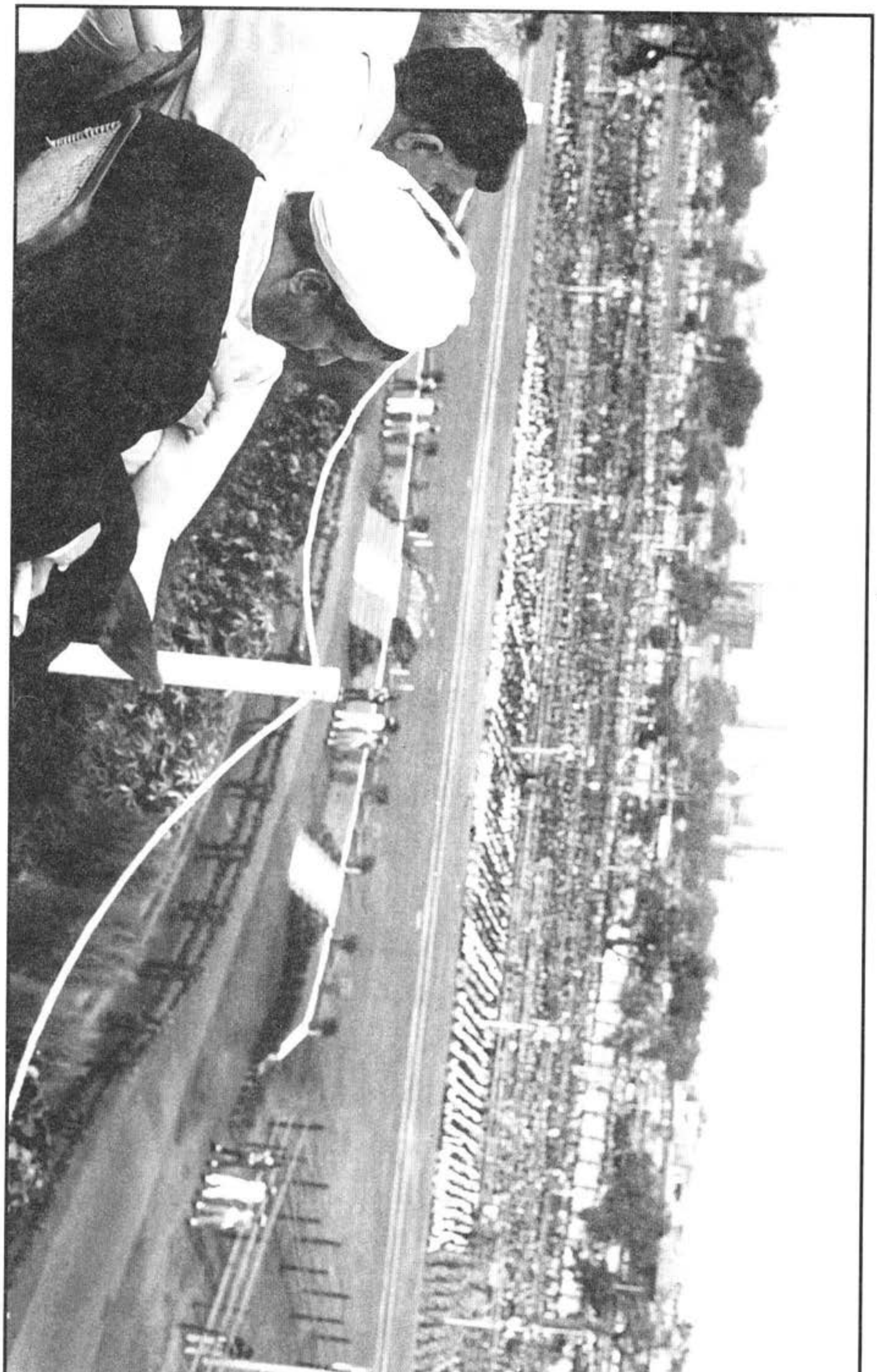
یکشنبه ۲۴ مرداد

امروز سی و پنجمین سالگرد استقلال هند است. با بخشی از هیئت در مراسم شرکت کردیم. در این که شخصاً شرکت کنم یا خیر اختلاف نظر بود و بالاخره ترجیح دادم که شرکت کنم. مراسم باشکوهی در میدان بزرگ کنار قلعه تاریخی ردفورد برگزار شد. صندلی شماره یک از خانم گاندی و دوم برای من و سوم برای رئیس مجلس هند بود و ....

می‌گفتند: برای اولین بار فیلم رنگی در هند تهیه می‌شود. خانم گاندی بیست دقیقه صحبت کرد و ساعت هشت صبح مراسم تمام شد. اطلاع دادند که فردا مخالفان در پارلمان دولت گاندی را استیضاح می‌کنند و به همین دلیل تعطیل پارلمان به عقب افتاده.

ظهر به دعوت علمای لکنهو با هواپیمای نیروی هوایی هند به آنجا رفتم. استقبال گرمی کردند. در حسینیه آصفی ـ که آصف‌الدوله قبلاً ساخته ـ اجتماع با شکوهی از مردم مسلمان شیعه و روحانیت تشکیل شد و من سخنرانی کردم* و لوحه‌ای به من دادند و متن آن را خواندند. نماز ظهر و عصر در مسجد مجاور به امامت من برگزار شد.

ناهار را در دانشگاه شیعی شهر ـ که می‌گفتند هفت هزار دانشجو دارد ـ با حضور علما و بعضی از اساتید صرف کردیم. از سه مدرسه علوم دینی «ناظمیه» و «سلطانیه» و... به طور عبوری بازدید کردیم. طلبه‌ها به گرمی از ما استقبال کردند. مردم هند برای جمهوری اسلامی ارزش و اعتبار زیادی قائلند.



ساعت پنج بعدازظهر به دهلی رسیدیم. قرار بود که در جلسه سفرای کشورهای غیر متعهد که از طرف سفیر ما آقای اسدی‌لاری دعوت شده بودند، شرکت کنم. دیر شده بود و مسئولان سفارت عذرخواهی کرده بودند. گویا خیلی‌ها هم نیامده بودند و فقط حدود پانزده نفر از چهل نفر دعوت شده [آمده بودند]. خانم مترجم سفیر کوبا هم با لباس نامناسبی شرکت کرده بود و من شرکت نکردم. بقیه همراهان شرکت کردند و اعضای هیئت با آنها مذاکره کردند.

قرار بود که برای تبریک عید استقلال هند به منزل رئیس جمهوری برویم. بخشی از هیئت را فرستادم و خودم نرفتم. علت نرفتن را این گفتیم که خانم گاندی امروز صبح در مراسم جشن، از هیئت ما تشکر نکرد.

شب رؤسای دو مجلس و جمعی از بزرگان هند در هتل تاج محل مهمان ما بودند. پس از شام، من و رئیس مجلس سنا به ترتیب صحبت کردیم. درباره توسعه همکاری برای مبارزه با بی‌عدالتی‌ها در روابط بین‌المللی حرف زدم*.

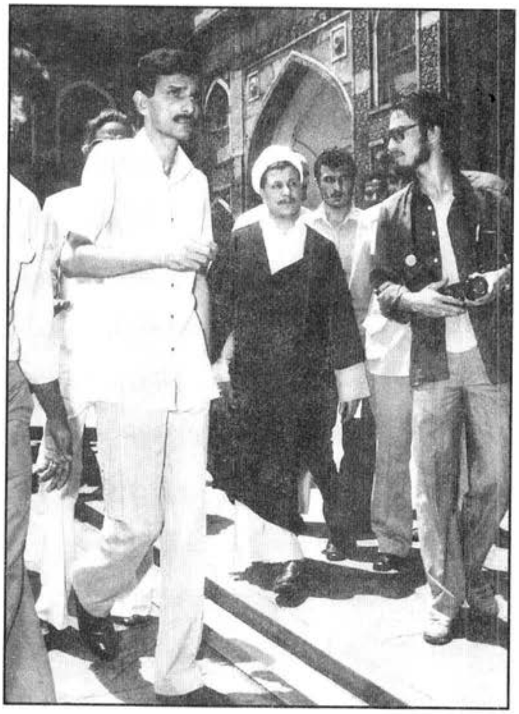
آخر شب برای خوابیدن به "حیدرآباد هاوس" آمدیم. هدایایی که آقای موسویانی وزیر معادن برای دادن به هندی‌ها آورده بود، دیدیم و تقسیم کردیم.

دوشنبه ۲۵ مرداد

پس از نماز صبح خاطرات دیروز را نوشتم و اخبار ایران را گرفتم: منافقین سه پاسدار را ربوده، با قساوت غیر قابل وصفی شکنجه داده‌اند و دو نفر را پس از شکنجه زنده زیر خاک کرده‌اند و خیلی زود گیر افتاده و اقرار به جنایت خود نموده‌اند. این حادثه اثر عجیبی روی مردم گذاشته و تنفر ایجاد کرده است.

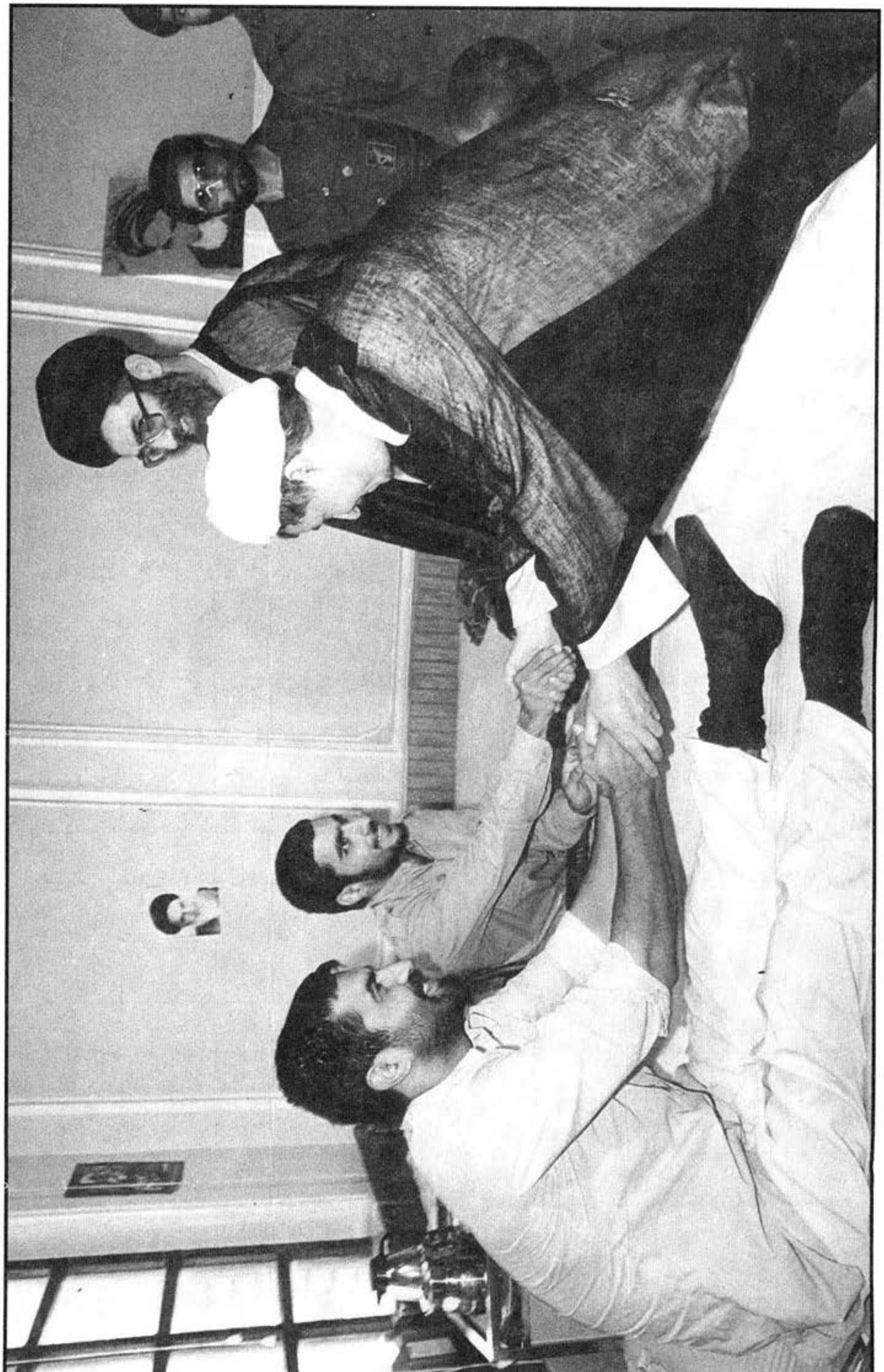
آیت الله [محمدرضا] گلپایگانی که در حمام به زمین خورده و لگن خاصره ایشان شکسته، برای معالجه به تهران منتقل شده‌اند.

صبحانه را در سفارت خودمان در دهلی صرف کردیم و با اعضای سفارت دیدن کردیم. به خانه فرهنگ رفتیم و برای دانشجویان صحبت کردیم*. مراسم عقد ازدواجی بین دو دانشجو برقرار بود. سپس به مؤسسه تحقیقات کشاورزی رفتیم و مراحل پیشرفت کشاورزی را توضیح دادند و مزرعه‌ای را دیدیم.





در مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردم



عصر مصاحبه مطبوعاتی داشتم*. حدود هفتاد نفر از خبرنگاران شرکت کردند و درباره جنگ، غیر متعهدها، تروریسم، اقتصاد و... سؤال شد و جواب دادم.

ساعت شش بعد از ظهر برای حرکت به ایران به فرودگاه رفتیم. رئیس مجلس بدرقه کرد. چند آلبوم از عکس‌های مراسم دیدار هند هدیه کرد. هواپیما دوباره عیب پیدا کرده بود و دوساعتی تأخیر شد متأسفانه در این سفر از ناحیه هواپیما چند اشکال پیش آمد. اول شب حرکت کردیم. پس از اوج گرفتن، شفق در هنگام غروب ظاهر شد و تا مرز ایران همراه شفق بودیم. در فرودگاه تهران، وزیران خارجه و دفاع و... به استقبال آمده بودند. مصاحبه‌ای کردیم* و به خانه آمدیم. تشییع جنازه شهدای فاجعه منافقان که امروز با شکوه برگزار شده بود، موضوع روز است.

سه شنبه ۲۶ مرداد

در جلسه علنی شرکت کردم. درباره نتایج سفر هند و قساوت تروریست‌ها صحبت کردم[۱]. طرح شوراها هنوز در دستور است. ظهر با اردوی تربیتی خوزستان و اعضای نهضت‌های آزادی‌بخش ملاقات و برای آنها صحبت کردم[۲]. عصر در جلسه حاشیه‌ای حزب الله نمایندگان شرکت کردم. دو جلسه نمایندگان عضو یا هوادار حزب جمهوری و دیگران با هم برگزار شد. و هیئت رئیسه انتخاب گردید. من به عنوان رئیس و آقای [محمد]یزدی و آقای [موسوی]خوئینی‌ها به عنوان نایب رئیس.

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: ما هیأت پارلمانی برگشته از هندوستان حامل سلام مردم هند و مخصوصاً مسلمانان مشتاق، نمایندگان دو مجلس مرکزی هند، نمایندگان دو مجلس چندین ایالت که ما بازدید کردیم به خدمت رهبر عظیم‌الشان و شما نمایندگان محترم مردم و ملت غیور انقلابی و مسلمان هستیم به اتفاق نظر همه دوستان همراه ما در این مسافرت، احساس جدیدی از مسئولیت‌های سنگینی کردیم که من خودم سنگینی بار این مسئولیت را به شدت احساس می‌کنم و علت آن این است که محرومان دنیا و مخصوصاً مسلمین دنیا اعتماد فوق‌العاده‌ای به جمهوری اسلامی کرده‌اند و چشم امیدی به این انقلاب بسته‌اند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره ریشه‌های انقلاب اسلامی و سیاست جمهوری اسلامی در حمایت از جنبشهای اصیل اسلامی مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

برای سالگرد شهید محراب آقای [اسدالله]مدنی با تلویزیون همدان مصاحبه کردم*. ساعت نه شب گزارش‌های روزهای مسافرت را خواندم که در جریان حوادث قرار بگیرم. قرار ملاقات با امام را با احمد آقا گذاشتم.

چهارشنبه ۲۷ مرداد

به خاطر قرار دیدار با امام به مجلس نرفتم. جلسه را آقای [محمد]یزدی اداره کردند. با عده‌ای از اعضای هیئت سفر هند به زیارت امام رفتیم و گزارش خدمتشان دادیم. امام از برخورد تند نمایندگان مجلس با وزرا ناراضی بودند و دستور دادند که وحدت را حفظ کنند و بعضی انتقادها را خصوصی مطرح کنند و در مورد استیضاح وزیر مسکن هم فرمودند، ترجیح دارد که پس بگیرند.

تا عصر در منزل بودم. ساعت چهار بعدازظهر به ملاقات آیت‌الله [محمدرضا]گلپایگانی و آقای [صادق]احسانبخش و آقای [سیدمحمدعلی] قاضی امام جمعه دزفول به بیمارستان قلب رفتم. آیت‌الله گلپایگانی که لگن خاصره ایشان شکسته، عمل کرده‌اند و پلاتین در استخوان کار گذاشته‌اند. بااین سن به خوبی عمل را تحمل کرده‌اند، حالشان خوب است.

در جلسه هیئت رئیسه مجلس شرکت کردم. با توجه به اظهارات امام تصمیم گرفتیم که فردا استیضاح عمل نشود. بعدازجلسه، وزیر مسکن و معاونانشان آمدند و در همین باره بحث کردیم.

اول شب در دفتر آقای رئیس جمهوری جلسه داشتیم. درباره وضع زندان‌ها و افراط‌های دادگاه‌های انقلاب بحث شد. درباره نتایج سفر من به هند و کنفرانس وزرای خارجه غیر متعهدها که بین عراق و کوبا اختلاف افتاده صحبت شد.

از وزارت نفت اطلاع دادند که عراق به جزیره خارک حمله کرده، دو انبار نفت آتش گرفته و نفت از اسکله قطع شده است ولی در اسکله آذرپاد دو کشتی مشغول بارگیری است که آنها هم ترسیده‌اند با ستاد نیروهای دریایی، هوایی و زمینی تماس گرفتیم و قرار شد که فردا مقابله به مثل شود. سرهنگ [علی]صیادشیرازی را احضار کردیم و قرار شد که در زمین فعال‌تر شویم. طرح‌هایشان در غرب و جنوب را توضیح داد.

پنجشنبه ۲۸ مرداد

تا ساعت هفت و نیم گزارش‌ها را مطالعه کردم. جلسه علنی شروع شد. اعتراض به تأخیر استیضاح شد که جواب دادم. با اطلاعی که نمایندگان از نظر امام داشتند، رضایت دادند. شوراها در دستور بود. هنگام تنفس برای اردوهای امور تربیتی که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم* و ظهر برای گروهی از کادرهای حزب جمهوری [اسلامی] که برای یک دوره آموزش به تهران آمده‌اند و هم دانش آموزان منتخب بسیج که در تهران اردو دارند.

گروهی از وزارت نفت آمدند و وضع خارک را توضیح دادند و از مسامحه نیروی هوایی شکایت داشتند. عصر نماینده میناب آمد و راجع به ائمه جمعه و ضعف عملکرد مسئولان اجرایی استان مطالبی داشت.

گروهی از علمای مبارز لبنان آمدند و در مورد نوع و کیفیت کمک‌های ایران به مبارزان لبنان پیشنهادهایی داشتند و مایل نیستند با سازمان امل فعالیت کنند. نیروهای خالص خوبی‌اند.

آقای محسن رفیق دوست آمد و نگران برکناری آقای [اسدالله]لاجوردی[1] بود. گفتم آقای لاجوردی باید برای رفع اشکالات اقدام کند. امام سه نفر را تعیین کرده‌اند که وضع زندان‌ها را مشاهده و گزارش نمایند. رئیس جمهور هم اصرار دارند. تا ساعت ده گزارش‌ها را خواندم و سپس به خانه آمدم. [آشیخ محمد] هاشمیان که برای معالجه چشم به اسپانیا رفته بود راضی برگشته، در منزل ما بودند. گفتند که درک مردم اسپانیا نسبت به مسائل انقلاب ایران بهتر شده است.

جمعه ۲۹ مرداد

تا ساعت ده در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم خطبه‌ای در عدالت اجتماعی و خطبه‌ای راجع به نتایج سفر هند خواندم[2]. آقای جلال الدین فارسی هم پیش از خطبه‌ها

---

۱ ـ شهید اسدالله لاجوردی در آن هنگام دادستان انقلاب تهران بود.

۲ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام شامل حقوق کارگر در اسلام، نقش دولت اسلامی، مکاسب محرمه، تحریم احتکار و

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

راجع به کودتای ۲۸ مرداد صحبت کرد. آقای فارسی خبری مربوط به عراق داد که اگر صحیح باشد تحول مهمی در آینده خواهیم داشت.

عصر آقای محسن رضایی که از جبهه آمده بود به منزل آمد و طرح جدید عملیات را ارائه داد. بی شباهت به طرح ستاد نیست و اگر خوب اجرا شود، می‌تواند ثمرات مهمی داشته باشد.

دفتر مشاورت [ارتش] تلفنی اطلاع داد که حمله پریروز به خارک با نوعی جدید از موشک هوا به زمین بوده، باز هم موشک انداخته‌اند که در دریا افتاده ولی آقای محسن رضایی گفت نیروهای ما در آبادان دقایقی قبل از خوردن گلوله به منابع خارک، حرکت دو موشک از جنوب بصره را دیده‌اند که در هوا خطی آتشین ترسیم کرده. اگر این خبر صحیح باشد، عراقی‌ها موشک زمین به زمینی در اختیار دارند که بیش از دویست کیلومتر برد دارد و احتمالاً اسکاد روسی است. اول شب احمد آقا آمد و راجع به چند مسئله مهم با ایشان صحبت کردم و خبری را که آقای فارسی داده بود به امام پیغام دادم. ضمناً طبق قرار خبر را به آقای [محسن]رضایی فرمانده سپاه هم گفتم که برای شرایط جدید احتمالی آماده باشند.

شنبه ۳۰ مرداد

تمام روز در منزل بودم. به آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی تلفن کردم. معلوم شد که تعویض آقای [اسدالله]لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] در حال بررسی است. اول شب آقایان دکتر هادی [نجف آبادی]، [سیدمهدی]دعائی و هادی خامنه‌ای که از طرف امام مأمور رسیدگی به وضع زندان‌ها شده‌اند، آمدند و گزارشی دادند. شرایط خوبی نیست و ظرفیت زندان کمتر از تعداد بازداشت شدگان است و بیش از پنجاه درصد وضع موجود از همین مسئله سرچشمه می‌گیرد و مقداری هم مربوط به خشم مسئولان از تروریست‌هاست. سپس آقای لاجوردی و همکارانش

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برخورد اسلام با محتکر و در خطبه دوم گزارش سفر هند شامل نقش جمهوری اسلامی در صفحه جهانی، حضور مهم هیأت ایرانی در مجالس هند، ایران و هند متحدان طبیعی منطقه، تروریسم داخلی و یاس ضدانقلاب در خارج مورد بحث واقع شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

آمدند و دفاع کردند. بخشی قانع کننده و بخشی غیر قابل قبول است. بدون قانون، احداث ساختمان را در اطراف اوین تا چهارصد متر ممنوع کرده‌اند.

آقای نخست وزیر هم دوسه بار، راجع به نامه‌ای که صد نفر از نمایندگان در مورد وزیر مسکن امضا کرده‌اند و با متوقف ماندن استیضاح، از ایشان خواسته‌اند که وزیر را عوض کنند، تلفن کردند. ایشان لازم می‌دانند که وزیر از خودش دفاع کند.

مقداری به خواندن و جواب نامه‌ها پرداختم و گزارش‌ها را خواندم. از جبهه آقای محسن رضایی تلفن کرد و از خارک گزارش داد و گفت تا به حال بیست‌وچهار موشک انداخته‌اند که فقط دوتا به هدف اصابت کرده.

یکشنبه ۳۱ مرداد

جلسه علنی داشتیم. دو فوریت راجع به شروع سال اول دانشکده پزشکی و استثنای گروهی از دانشجویان پزشکی از خدمت سربازی و خارج از مرکز، برای دیدن تخصص‌های پزشکی مطرح بود. پیش از دستور راجع به توطئه آمریکا و ارتجاع در مورد خروج فلسطینی‌ها از لبنان صحبت کردم[1]. در هنگام تنفس با گروهی مرد و زن که از استان‌های فارس، هرمزگان، کهکیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، بوشهر و آذربایجان غربی آمده بودند ملاقات و برای آنها صحبت کردم*. آقای مهندس [عزت‌الله]سحابی [نماینده تهران] آمد و راجع به جلوگیری آقای رئیس جمهوری از اجرای قانون حفاظت صنایع به خاطر تخلف مجریان از قانون صحبت کرد و گله داشت.

عصر گروهی از اطلاعات نیروی هوایی آمدند که قبلاً از همراهان آقای معین پور بودند و مورد

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: متأسفانه آمریکا در تلاشهایش برای سرکوبی نهضت فلسطین در لبنان گرچه موقت پیروز شد و به طوری که گفته‌اند ریگان به علامت پیروزی دست خودش را بلند کرد. ما متأسفیم که مردم مبارز مسلمان و قهرمان فلسطین و لبنان بعد از دو ماه مقاومت قابل تحسین با توطئه شوم سران مرتجع کشورهای عرب عمال آمریکا مجبور شدند دست از مقاومت بکشند و وضع آنها مثل کسی است که پس از پایان یک روز سخت در روز گرم تابستان با گوشت خوک و شراب کهنه افطار کند که پایان این مقاومت به مسافرت به اردن و به عراق منتهی شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

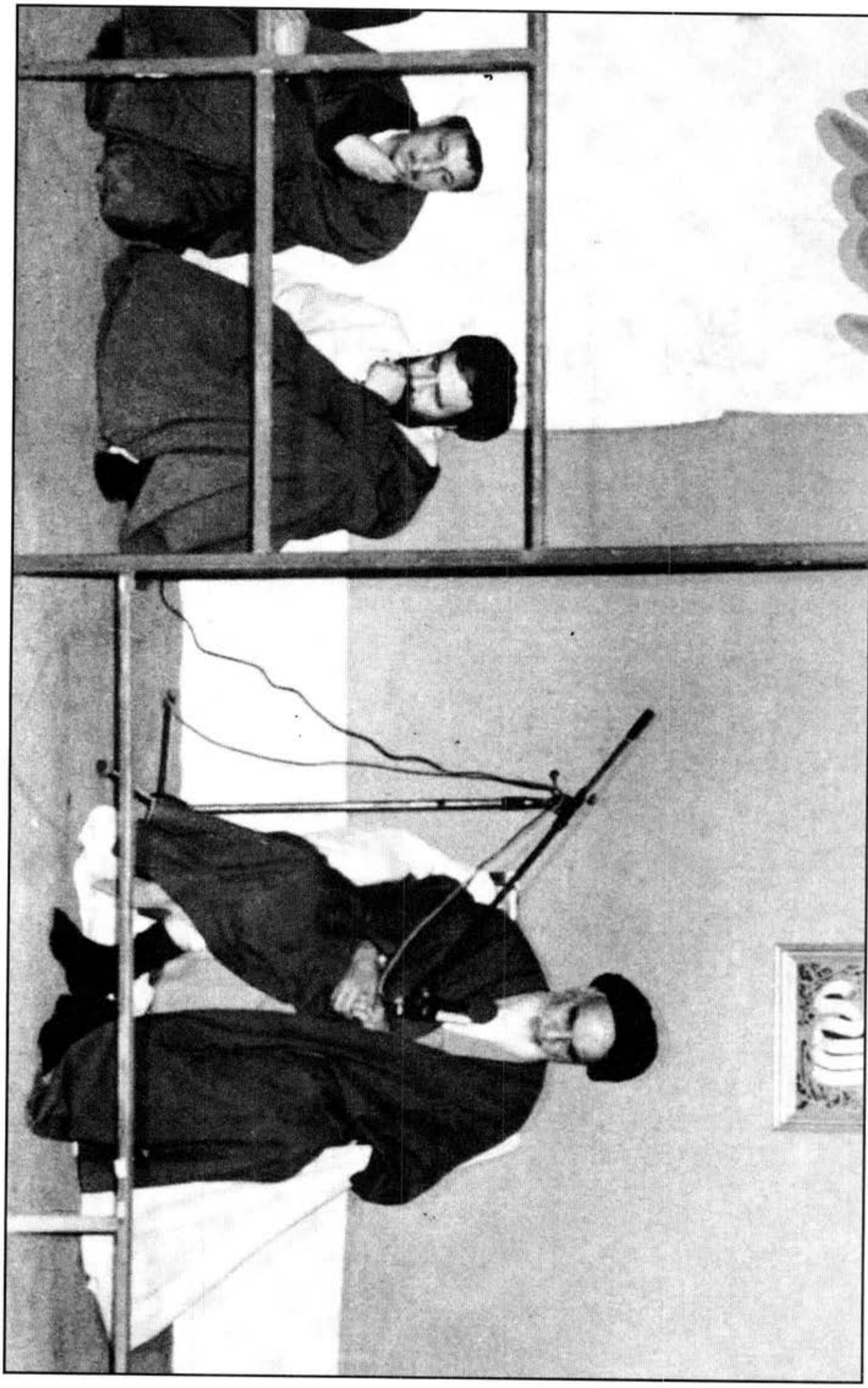
غضب و تصفیه قرار گرفته‌اند، شکایت داشتند و مدارکی از تخلف‌ها آورده بودند. با آقای بیات هم راجع به خطبه‌های اقتصادی نماز جمعه صحبت داشتیم.

در جلسه شورای حزب شرکت کردم. بیشتر بحث روی اختلاف بینش اقتصادی دو گروه داخل حزب بود و انتقاداتی که از یکدیگر دارند.

جلسه مشورتی هفتگی سران تشکیل شد و آقایان [محسن]رضایی و [علی]صیاد[شیرازی] هم آمدند و راجع به طرح جدیدشان توضیحاتی دادند. آقای [شهاب‌الدین پروین]گنابادی [وزیر مسکن و شهرسازی] آمد و راجع به آمدنش به مجلس و دفاع در برابر اعتراضات نمایندگان بحث شد. آقای [بهزاد]نبوی هم گزارش نتایج سفر به کره شمالی را داد که چندین قلم جنس برای استهلاک پول نفت انتخاب کرده‌اند. راجع به دستور امام در خصوص لغو قوانین ضد اسلامی گذشته و مسئولیت خودشان صحبت شد.

آخر شب به خانه آمدم. آقای [سیدحسین]مرعشی معاون استانداری کرمان آمده بود و از اختلاف با امام جمعه جیرفت و کم کاری وزارت مسکن در شهداد و گلباف گفت. ساعت دوازده خوابیدم.

شهـریـور ۱۳۶۱



دوشنبه ۱ شهریور ۱۳۶۱ ۳ ذیقعده ۱۴۰۲ Aug. 23, 1982

تا ساعت هفت و نیم در خانه بودم و مطالعه می‌کردم. محسن که دیروز از معدن اورانیوم در اطراف یزد دیدن کرده بود و نمونه‌ای آورده بود، توصیه به همکاری با آقای [رضا]امراللهی رئیس سازمان انرژی اتمی می‌کرد. ساعت هشت صبح به دفتر مشاورت امام در ستاد مشترک رفتم. رئیس ستاد هم آمد. [سرهنگ سلیمی] وزیر دفاع گزارشی از صنایع نظامی و کارکرد دفتر داد.

ساعت نه در یکی از مراکز نیروی هوایی در قصر فیروزه از کارگروهی از همافران که موفق شده‌اند یک رادار ADS4 را نصب کنند، دیدن کردم. کار بزرگی کرده‌اند تخصصی سطح بالا نیاز داشته، خیلی‌ها باور نمی‌کردند و کارشکنی می‌کردند. خودشان مدعی هستند که، نمونه آن را آمریکایی‌ها در مدت طولانی با خرج زیاد درکرج نصب کرده‌اند و اینها فقط با مخارج پانصد هزار تومان نصب کرده‌اند. خیلی خوشحال به نظر می‌رسیدند که انقلاب این امکان را به آنها داده است؛ در رژیم گذشته اجازه دست‌کاری به ابزار پیشرفته به ایرانیها داده نمی‌شده.

ساعت ده از مجلس شورای قدیم دیدن کردم از فروشگاه و محل تالاری که در رژیم شاه پایه‌هایش ریخته شده و نیاز است که آن را برای آینده تمام کنیم. ظهر آقای [اسدالله]بیات برای مشاوره در پیاده کردن نوارهای خطبه‌های نماز جمعه من برای مجله پیام انقلاب آمد.

شب با ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، رئیس جمهوری و نخست وزیر برای رفع اختلافات ستاد و وزیر جلسه داشتیم که به جایی نرسیدیم، چون ستاد شرح وظایف ندارد. تداخل مسئولیت‌ها و حقوق پیش می‌آید.

سه شنبه ۲ شهریور

پس از نماز صبح مشغول مطالعه گزارش‌ها شدم. جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور راجع به دستور امام درباره لغو قوانین مخالف اسلام صحبت کردم و از نمایندگان خواستم که برای رفع مشکل همکاری کنند[1]. در تنفس برای انجمن‌های اسلامی دانشجویان و کارآموزان تربیت معلم،

---

۱ ـ در این نطق آمده است: از این اقدام قاطع امام یک دنیا متشکریم و همیشه مدیون راهنمایی‌های به موقع و قاطع ایشان بوده‌ایم. تقاضای من از

درباره لزوم کار و ایثار بیشتر برای مبارزه با دشمنان انقلاب صحبت کردم*. وزیر بهداری درباره اوضاع وزارتخانه‌اش یک ساعت صحبت کرد. ظهر هم امام جمعه خرامه[1]، برای توضیح درباره اختلافاتش با نماینده آنجا آقای [محمدامین]سازگار نژاد آمد.

عصر گروهی از خواهران و برادران کادر آموزشی حزب جمهوری[اسلامی] آمدند. برایشان درباره اهداف و ماهیّت حزب جمهوری[اسلامی] و تفاوت آن با احزاب معمولی صحبت کردم[2]. سپس آقای [علیرضا]افشار که از جهاد به سپاه رفته آمد. آقای احمد جلالی آمد و خواهان جلب اعتماد و گرفتن کار سیاسی و خدمت به انقلاب بود. به خاطر این که در منزل قطب‌زاده اتاق برای وسایل خانه‌اش داشته نگران است که تردید ایجاد شود. آقای دکتر محمود کاشانی داور ایرانی اجرای بیانیه الجزایر از لاهه آمد و درباره مشکلات کارهایش و از جمله اختلاف با آقای محمدی رئیس آن دفتر مطالبی گفت. آقای [محمود]کریمی رئیس بنیاد مستضعفان آمد و از وضع بنیاد گفت. به آقای ربانی املشی درباره گواهی فوت مرحوم [حسن]لاهوتی تلفنی صحبت کردم. بعد از نماز مغرب آقایان [اسدالله]بیات و [سیدحسن]شاهچراغی آمدند و گزارش سفرشان به بحرین، قطر، یمن جنوبی و شمالی را دادند. از آنها استقبال شده و آنها مایل به همکاری با ایرانند. گفتند که حکام یمن جنوبی برعکس یمن شمالی در عمل، اسلام زدایی می‌کنند.

اخبار را گرفتم و گزارش ها را خواندم. ساعت ده و نیم به خانه آمدم. فیلم سفر هندوستان را گذاشته بودند، قسمتی را تماشا کردیم.

چهارشنبه ۳ شهریور

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

برادران مجلس شورای اسلامی و همکاران محترم این است که تمام توان خود را در کمیسیونها و در مجلس و در خارج از مجلس به کار گیرند برای اینکه مشکلات مربوط به اسلامی شدن همه قوانین هر چه زودتر رفع شود و جامعه ما از قوانین صددرصد اسلامی برخوردار باشد و رسوبات طاغوت و کفر از این مملکت ان‌شاءالله بیرون برود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ - شهری است در استان فارس نزدیک سروستان.

۲ - در این سخنرانی درباره شیوه حزبی حزب جمهوری اسلامی، تحزب در اسلام، کارکرد تشکل در مجلس و فواید ایجاد تشکل در روند انقلاب مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

ساعت ده صبح به مجلس رفتم، گزارش‌ها را خواندم و چند ملاقات بـا نـمایندگان داشـتم. مصاحبه‌ای هم برای شوراهای اسلامی روستاییان انجام دادم. عصر خانواده‌های شهدای سـاوه آمدند و برایشان صحبت کردم[1]. جلسه هیئت رئیسه داشتیم. دستور هفته آینده و کارهای جاری مجلس، تأسیس درمانگاه و دندان‌پزشکی برای نمایندگان، بررسی دوسه حادثه مشاجره نگهبانان مجلس با نمایندگان و دیگران که منجر به تیراندازی بوده است و ...مورد بحث بود.

بعد از نماز مغرب، در دفتر آقای خامنه‌ای با شورای عالی قضایی راجع به نـابسامانی‌ها در زندان اوین جلسه داشتیم. پس از بررسی همه جانبه قرار شد با جدیت و قـاطعیت خـلاف‌ها را برطرف کنیم، آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی مسئول اقدام شد. راجع به مسایل مهم دیگر هم بحث شد. شام را همان جا خوردیم و برای خواب به مجلس رفتم. امروز عراق دوسه موشک به جزیره خارک انداخته که یکی به یک لوله نفت خورده و پس از مدت کوتاهی ترمیم شده است. دسترسی عراق به جزیره خارک نقطه ضعفی برای ماست.

پنجشنبه ۴ شهریور

جلسه علنی داشتیم. اصلاح اساسنامه سپاه در دستور بود. هنگام تنفس برای خواهران طـلبهٔ مدرسه مسجد سلیمان و گروهی از مربیان منتخب عازم مکه صحبت کردم[2]. و بعداز ختم جلسه برای دانشجویان دانشکده افسری که برای تماشا به مجلس آمده بودند صحبت کردم[3].

ظهر وزیر بازرگانی هند به ملاقاتم آمد. صحبت درباره گسترش روابط بود. مادر شهید محمد

---

۱ - در این سخنرانی درباره جایگاه شهدا و خانواده‌های معظم آنان و ثمره شهادت مطالب کوتاهی عنوان گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره اهمیت تربیت معلمین متعهد برای استمرار انقلاب مباحثی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - در این سخنرانی درباره تحولات مثبت در ارتش و مسئولیت خطیر دانشجویان افسری در تربیت سربازان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمشیدی آمد و من را تحت تأثیر قرار داد. آقای محمد [مجتهد]شبستری[1] هم راجع به تعدیل سیاست برای جذب روشنفکران پیشنهاد داد. قرار بود نماینده صلیب سرخ بیاید تأخیر داشت. از برنامه حذف شد.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای برای رسیدگی به وضع دفتر بیانیه الجزایر و دیوان لاهه و پرونده‌های مطروحه با حضور نخست وزیر و اعضای دفتر و داوران جلسه داشتیم. قرار شد پس فردا جلسه تجدید شود.

جمعه ۵ شهریور

چون عفت و فاطی ساعت سه و نیم صبح بایستی برای رفتن به مکه از خانه بیرون بروند، تقریباً تا ساعت چهار صبح نخوابیدم، بعد از نماز صبح تا ساعت هشت خوابیدم. برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. آقای [محسن]دعاگو معاون وزارت آموزش و پرورش آمد و راجع به اختلافات با آقای مظفری نژاد و نجفی علمی و... که کنار گذاشته شده‌اند توضیحاتی داد.

در حین خواندن خطبه‌های جمعه[2] صدای انفجار مهیبی بلند شد و توپهای ضد هوایی تهران مشغول غرش و شلیک شدند خطبه را ادامه دادم و مردم خم به ابرو نیاوردند. از بیت امام و دفتر رئیس جمهور اطلاع دادند که زودتر نماز را تمام کنم، ولی تقریباً به طور عادی تمام کردیم. بعد گفتند هواپیمای میگ ۲۵ عراق در ارتفاعات بالا دیده شده و تحت تعقیب قرار گرفته، درحین فرار دیوار صوتی را شکسته که به صورت انفجار شنیده شده است. عصر در منزل ماندم.

---

۱ ـ محمد مجتهد شبستری نماینده دوره اول مجلس شورای اسلامی از روحانیون روشنفکر و دگراندیش است که در حوزه‌های نظری و فلسفی نظرات خاصی دارد. مباحث مربوط به هرمنوتیک دین و حوزه‌های بسط شریعت از جمله بحث‌های مورد علاقه وی می‌باشد.

۲ ـ محور این خطبه‌ها عبارت است از ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (شامل احتکار در فتوای مهم امام، احتکار در کلام معصومین و مبارزه آنها با محتکرین)، تفاوت مبارزه مردمی و غیر مردمی، حاکمیت اسلام، تحلیل کارنامه منافقین و تبیین وضعیت ضدانقلاب. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

شنبه ۶ شهریور

تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل بودم. مطالعه و استراحت و پیاده روی داشتم. ساعت چهار به مجلس رفتم، گزارش‌ها را خواندم. آقای دکتر [عبدالله]جاسبی آمد راجع به دانشگاه آزاد[اسلامی] که مسئولیت مدیریت آن را پذیرفته و راجع به کار تمام وقت در حزب و کارهای بازسازی و استخدام کشوری مذاکره شد.

گروهی از جهاد آمدند. مطالبی راجع به اساسنامه و شورای مرکزی داشتند، گروهی از واحد نهضت‌های سپاه آمدند و از کارکرد آقای [سید مهدی] هاشمی و واحد شکایت داشتند.

ساعت شش جلسه‌ای با سران کشور و اعضای دفتر و داوران بیانیه الجزایر[1] داشتیم. ادعاهای شرکت‌های عضو کنسرسیوم نفت که نزدیک ده میلیارد دلار علیه ما ادعای خسارت کرده‌اند، گروه آمریکایی چهل‌درصد به لاهه و بی پی انگلیسی چهل‌درصد به اتاق تجارت پاریس برای داوری ارجاع کرده‌اند. و بعضی‌ها هم رو به مذاکره و توافق آورده‌اند.

بعضی‌ها از بیانیه الجزایر خائف بودند و ترجیح می‌دادند که خودمان را به نحوی خلاص کنیم و بعضی‌ها به خاطر این که بالاخره ادعاهای خارجی‌ها در محکمه‌ای مطرح خواهد شد، لاهه را بهترین مرکز می‌دانستند و قرار شد که ادامه دهیم.

رئیس جمهوری، نخست وزیر و احمد آقا شام را در مجلس ماندند و از بیرون غذا آوردیم. آقای [سیدمحمد]غرضی [وزیرنفت] هم نگران وضع خارک و قطع صدور نفت آن در صورت ادامه حملات موشکی عراق به جزیره بود که قرار شد، تدابیر حفاظتی و دفاعی به کار گرفته شود. و خبر تأثیر مصالحه با شرکت نفتی ایتالیایی در تعدیل دعاوی آنها را داد. خسته بودم و در مجلس خوابیدم.

---

۱ - بیانیه الجزایر در زمان دولت موقت مهندس مهدی بازرگان در مورد اختلافات ایران و آمریکا صادر شد و از آن موقع تاکنون در دادگاه لاهه مطرح بوده و نتیجه کاملی از آن گرفته نشده است. این اختلافات درباره قراردادهای تسلیحاتی محمدرضا شاه با شرکتهای آمریکایی و سرمایه‌های ایران در ایالات متحده می‌باشد.

یکشنبه ۷ شهریور

جلسه علنی داشتیم. قبل از دستور درباره شهیدان رجایی و باهنر و آثار شهادت آنها در سال گذشته صحبت کردم[۱] در حال تنفس با تماشاچیان ـ که سیصد نفر از زنان و مردان معلم عازم کردستان بودند و... ـ صحبت کردم[۲]. ظهر هم با گروهی دیگر که از کازرون آمده بودند ملاقات کردم.

پس از ناهار آقای دکتر طاهری شیرازی به دفترم آمد و راجع به وزیر جدید بهداشت و درمان صحبت کرد.

دکتر ولایتی هم آمد و گزارش کنفرانس وزاری خارجه کشورهای اسلامی در نیجریه را داد و راضی بود. خبری از وزیر خارجه پاکستان در خصوص جاسوس فراری شوروی که به انگلستان پناهنده شده داد. به همین جهت با آقای خامنه‌ای رئیس جمهوری که به مشهد رفته‌اند تماس گرفتم.

گروهی از نمایندگان آمدند و از این که جمع زیادی از نمایندگان و مسئولان به مکه بروند، به خاطر احتمال خطر و تعطیل کارها در کشور اظهار نگرانی کردند. احمد آقا تلفن کرد و از سخت گیری‌های سعودی‌ها نسبت به حجاج ایرانی درگرفتن عکس امام و اعلامیه‌ها و ... خبر داد. عصر آقای مقدم پیشنماز مسجد هامبورگ آلمان آمد و راجع به مسائل دانشجویان و سفارت ما در آلمان مطالبی داشت. قرار بود که مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی درباره جنگ داشته باشم که به بعد موکول شد.

جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر من تشکیل شد. به خاطر نبودن آقای خامنه‌ای، دستور

---

۱ ـ در بخشی از این نطق آمده است: ما امروز مطمئنیم که روح این دو شهید بزرگوار (رجائی و باهنر) شاهد موفقیت‌ها است و یکسال پس از شهادتشان امروز ایران و مجلس و دولت و امت و جنگ و اقتصاد و همه ابعاد حرکت انقلاب را در داخل و خارج قوی‌تر، عظیم‌تر، پابرجاتر و روبه رشدتر می‌بینند و این چیزی است که آنها طالبش بودند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ ـ در این سخنرانی درباره نیاز فرهنگی خطه مظلوم کردستان و لزوم انجام کارهای فرهنگی و عقیدتی در این استان مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

جلسه که اختلافات دو بینش در حزب و دولت بود، عوض شد[1]. احمد آقا پیشنهاد داشت که پولهای مصادره شده آقای [سیدکاظم]شریعتمداری به حزب داده شود و گفت که با امام صحبت کرده، ایشان مخالفت نکرده‌اند. بعضی مخالف و بعضی موافق بودند و قرار شد که مشورت بیشتری شود. بازرگانی خارجی و گیر کردن لایحه دولت در شورای نگهبان مطرح شد و قرار شد که در شورای اقتصاد تصمیم‌گیری شود. انتقاداتی از عملکرد دولت مطرح شد که آقای نخست وزیر پاسخ داد.

شب آقای صبوری از گروه پیگیری پرونده انفجار نخست وزیری و جنایت [مسعود] کشمیری آمد و اطلاعات زیادی راجع به کشمیری و همکاران او داد. یک سازمان انقلابی را زیر سؤال برده بود که باید تحقیق کنیم[2]. مطلب مهمی است. شب به خانه آمدم.

دوشنبه ۸ شهریور

پس از نماز و پیاده روی در حیاط منزل، خاطرات عقب مانده را نوشتم و اخبار ساعت هفت را گرفتم.

وزیر دفاع آمد و راجع به هیئت مدیره جدید سازمان صنایع نظامی ارتش و انجمن حجتیه مشورت کرد. با فرمانده نیروی هوایی تلفنی صحبت کردم و درباره علت عدم فعالیت موشک‌های هاگ در روز جمعه ـ که هواپیمای عراقی به تهران تجاوز کرده بود ـ توضیح خواستم. او گفت که هواپیما در ارتفاع بسیار بالا پرواز می‌کردند که از قلمرو هاگ بیرون است و در آن ارتفاع فقط از سام ۲ و اف ۱۴ می‌توان استفاده کرد و راجع به عملیات آینده در عراق مطالبی گفتیم.

از خارک خبر دادند که دشمن سه فروند موشک پرتاب کرده که در بیابان افتاده. ساعت چهار ظهر بعد از ظهر به مجلس رفتم. با روحانیون سنیّ پاوه و اورامانات ملاقات داشتم. از [احمد]مفتی زاده و چپی‌ها گله داشتند و از حکومت راضی بودند. حاکم شرع آمل هم آمد و راجع به خطر

---

۱ - منظور از اختلافات دو بینش، اختلاف دیدگاه میان معتقدین به اقتصاد دولتی و معتقدین به اقتصاد بازار می‌باشد.

۲ - اشاره به نقش سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و شخص آقای بهزاد نبوی و خسرو تهرانی که تاکنون صحت یا سقم آن به اثبات نرسیده است.

مزاحمت‌های ضد انقلاب در جنگل گفت[1] و خواستار توجه بیشتر به این مسئله بود.

با وزیر آموزش و پرورش و معاونان و مدیرکل‌ها ملاقاتی داشتم و سخنرانی کردم[2]. گروهی از روابط عمومی سپاه آمدند و ازکم کاری سیاسی ایدئولوژیک ارتش گفتند. آقای دکتر رهنما آمد و پیشنهاد قطعات [فروش] هواپیماهای جنگی و چیفتن و... از شرکتی آورده بود که او را به وزارت دفاع معرفی کردم. سپس به باغ شیان ـ محل برگزاری سمینار فرماندهان سپاه پاسداران سراسر کشور ـ رفتم. یک ساعت برای آنها صحبت کردم*. ساعت یازده شب خسته به خانه آمدم.

سه شنبه ۹ شهریور

تا ساعت نه صبح در منزل بودم. نمایندگان مجلس، فرماندهان سپاه، سفرا و کارداران و ائمه جمعه پاوه با امام ملاقات داشتند. من مقداری صحبت کردم[3] و سپس امام صحبت کردند و از تصمیم جمع زیادی از نمایندگان و مسئولان در خصوص مسافرت به مکه انتقاد کردند[4]. لابد عده‌ای منصرف خواهند شد.

---

۱ - پس از وقایع تابستان سال ۶۰، گروهی از عناصر گروههای مارکسیستی و همچنین سازمان مجاهدین خلق به جنگهای شمال کشور پناه بردند. این گروهها به تدریج توسط نیروهای مردمی و سپاه پاسداران دستگیر و مجازات شدند.

۲ - در این سخنرانی درباره انقلاب فرهنگی و اثرات آن در جامعه، مشکلات موجود آموزش و پرورش، حادثه لبنان و مواضع صریح انقلاب اسلامی مطالب مبسوطی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - ایشان از سوی حاضران ولادت با سعادت امام رضا علیه‌السلام را از سوی حاضران به امام خمینی(ره) تبریک گفت و پیرامون جنایات اسرائیل در لبنان و فجایع و رسوایی که در این کشور به وقوع پیوسته است، مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، سال ۱۳۸۰

۴ - صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت‌امام خمینی(ره) ـ سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد نهم ـ صفحه ۵۱۵ جمله امام(ره) این است:

"الان چند روز است که به من مکرر گفته شده است که دارد مملکت برای این توجهی که دارند به سفر حج، فلج می‌شود. وکلای مجلس می‌خواهند همه مشرف، ۱۴۰ نفر یا بیشتر مشرف بشوند، البته عذر دارند، می‌گویند آقای هاشمی فرمودند که این تعطیلی آنهاست، لکن ما فکر این را بکنیم که ما امروز تعطیل داریم؟ ما امروز می‌توانیم در این وضعی که کشور ما دارد، استفاده از تعطیل کنیم".

آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه به منزل ما آمد و راجع به مطالبی مشورت داشت و خبر رفتن دو نفر را به پاکستان برای مذاکره داد. با فرمانده سپاه در مورد حملات و عملیات آینده صحبت کردم. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد از سانسور مصاحبه‌اش در تلویزیون گله داشت.

شب به اخبار گوش دادم. تازه مهمی نیست. تلفنی از آقای خامنه‌ای که از مشهد برگشته‌اند احوال‌پرسی کردم. شب آقای [مصطفی] کفاش زاده آمد و نسبت به یکی از رؤسای گروه‌های کرد عراقی که علیه صدام مبارزه می‌کنند و اخیراً گویا مورد بی‌توجهی ایران قرار گرفته، شفاعت می‌کرد. بچه‌ها برای تفریح همراه بچه‌های عمویشان بیرون رفتند.

چهارشنبه ۱۰ شهریور

جلسه علنی داشتیم. لایحه وزارت بهداشت و درمان مطرح بود. در تنفس برای خانواده‌های شهدای کوهدشت و پانصد نفر معلمی که عازم کردستان بودند، صحبت کردم*. ظهر جمعی از نمایندگان مراجعه کردند. عصر هیئت رئیسه جلسه داشت و درباره تعطیلی مجلس با توجه به اظهارات امام که از سفر مستحب حج منع کرده بودند و تعطیلی مجلس را زیر سؤال برده بودند، بحث شد. دیدیم که به خاطر حج واجب، بیش از هشتاد نماینده مشرف خواهند شد و چاره‌ای جز تعطیل نداریم. قرار شد که سه هفته تعطیل داشته باشیم. آقایان نمازی و حسینی فرماندهان منطقه و سپاه اصفهان آمدند و از [جلال‌الدین طاهری] امام جمعه و اطرافیان ایشان شکایت داشتند.

آقای [بهاءالدین]علم الهدی [نماینده اردبیل] آمد و آرم سیکهای هند را آورد که بی شباهت به آرم جمهوری اسلامی نبود و نگران بود که بگویند بستگی به سیکها دارند. گفتم تفاوتهای زیادی هم دارد. نگرانیش را رفع کردم و از اینکه گفته شده مطالب استیضاحش علیه وزیر کشاورزی را از جزوه انتقادی مهندس قلیزاده گرفته ناراحت بود. ملاقاتی با سفرا و کارداران ایران در اروپا و آمریکا داشتیم که نتایج سمینارشان را گفتند و برای آنها صحبت کردم[1]. شب در مجلس ماندم.

---

۱ - در این سخنرانی درباره اهمیت مسئولیت‌های سیاسی در خارج از کشور، تبلیغات مسموم استکبار علیه ایران، لزوم اتخاذ مواضع قدرت، مسأله

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مطالعه گزارش‌ها و انجام کارهای عقب مانده وقتم را گرفت. خبر مهمی نداشتیم.

پنجشنبه ۱۱ شهریور

جلسه علنی و لایحه تشکیل وزارت بهداشت و درمان داشتیم. طرحی از طرف نمایندگان در خصوص الغای تمام قوانین مخالف اسلام رسید که چون ممکن است، همه بانک‌ها بخوابد، با زحمت از اعلام آن ـ به دلیل نیاز به تأمین کسری درآمد دولت از طریق سیستم بانکی ـ خودداری کردیم و به جای آن طرح معتدل‌تری با دو فوریت مطرح شد.

در تنفس برای خانواده‌های انتظامات مجلس و ظهر برای معلمان ورزش صحبت کردم. آقایان [محمد]عبایی [خراسانی] و [محمد]جعفری [نماینده لنگرود] آمدند و نگرانی از مواضع بعضی‌ها در قم داشتند و چاره‌جویی می‌نمودند. از صنایع نظامی و هواپیما سازی هم آمدند و از مدیریت گله داشتند. عصر رایزن‌های فرهنگی وزارت ارشاد آمدند و برایشان صحبت کردم*. جلسه‌ای با ستاد انقلاب فرهنگی و نخست وزیر و رئیس جمهوری داشتیم. در رابطه با اختلافاتشان با وزیر علوم، به جایی نرسید. و آن را به عهده خودشان واگذار کردیم. شب جلسه‌ای با جمعی از روحانیون داشتیم. آقای [عبدالمجید]معادیخواه صحبت کرد. مؤثر بود. شام را مهمان مجلس بودند. ساعت یازده و نیم به خانه آمدم.

جمعه ۱۲ شهریور

تا ساعت ده و نیم در خانه برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم. نماز جمعه را اقامه کردم[1] و خطبه دوم را درباره اوضاع لبنان و کنفرانس سران عرب[2] ایراد کردم و سیاست آمریکا را

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دانشجویان خارج از کشور و فساد اجتماعی در زمان رژیم پهلوی مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (شامل آزادی انسان در اسلام، ضرورت کنترل، تروریسم اقتصادی) مطرح شد و در خطبه

فاش نمودم[3]. تا شب در خانه مطالعه و استراحت کردم. آقای [عبدالمجید]معادیخواه پیشنهاد کرد که مسئولیتی در یک شرکت مطبوعاتی که بناست در خارج توسط آقای [سیدهادی] خسروشاهی تأسیس شود به ایشان واگذار شود. با آقای خامنه‌ای مشورت کردم و ایشان هم موافق بودند.

شنبه ۱۳ شهریور

در خانه ماندم. احمد آقا آمد و راجع به سه موضوع اسلامی کردن همه قوانین کشور، نرفتن مسئولان به حج و ستاد انقلاب فرهنگی ـ که اخیراً امام بدون مشورت با دست اندرکاران نظری را ابراز کرده‌اند ـ و مشکلاتی که دارد بحث کردیم و از احمد آقا خواستم که در این گونه موارد سعی کنند با مسئولان اجرایی و... هماهنگ شود و حتی الامکان قبلاً نظر آنان گرفته شود و درباره تبدیل مدرسه بچه‌ها از نیکان به جماران صحبت کردیم. راه بچه‌ها به نیکان دور است و از طریق تروریسم احتمال خطر دارند ولی سطح آن مدرسه بهتر است. قرار شد بچه‌ها به همین مدرسه جماران بروند.

درباره تأمین محافظان زندان گوهردشت ـ که بناست افتتاح شود ـ و سپاه می‌گوید که نیرو ندارد، بحث شد و قرار شد که تأمین گردد. تلفنی با آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین]موسوی صحبت کردم. شخصی از اروپا پیشنهاد کرده است که چهار میلیارد دلار وام بدهد. قرار شد که تحقیق کنند.

خبر رسید که عراق در خورموسی یک کشتی ترکیه را که به بندر ماهشهر نزدیک می‌شده، غرق

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

دوم یادی از شهیدان انقلاب، استقبال از طرح تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی، لبنان و کنفرانس سران عرب، شکست‌های آمریکا در ایران، هشدار پیرامون قطع نفت و تحلیل صبر ایران محورهای اصلی را تشکیل می‌داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۲ ـ کنفرانس سران عرب ۱۵ شهریور ۶۱ در شهر فاس در عربستان سعودی برگزار شد.

۳ ـ خطبه مورد اشاره بازتاب فراوانی در سطح جهان داشت. در این خطبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی سیاست آمریکا را فشار به سوریه از طریق انتقال آوارگان فلسطینی از جنوب لبنان به این کشور و فشار به ایران از طریق موشک باران جزیره خارک و جلوگیری از فروش نفت ایران اعلام کرد و تهدید نمود در صورت عملی شدن این سیاست، جمهوری اسلامی حق خود می‌داند راه عبور نفت به غرب از طریق خلیج فارس را مسدود نماید.

کرده است. خبر بدی است و در ناامنی خلیج فارس نقش اساسی دارد. عصر شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد. فرماندهان سپاه و نیروی زمینی برای انجام عملیات وسیع بعدی مهلت طولانی خواستند. گفتیم اگر قرار است این اندازه معطل شویم، بهتر است سعی کنیم که جنگ تمام شود. کشور تحمل طولانی شدن جنگ را ندارد و بحث داغ شد و تصمیماتی اتخاذ گردید. قبل از دو عملیات ناموفق اخیر فضای کشور برای طرح امکان ختم جنگ مناسب نبود و از سوئی رزمندگان هم آماده بحث در این مسئله نبودند ولی فعلاً وضع به گونه‌ای است که در شورای عالی دفاع مورد بحث قرار می‌گیرد.

درباره سطح و کیفیت کمک به لبنان هم تصمیم گرفتیم. مصاحبه رادیو تلویزیونی کردم* و به خانه آمدم.

یکشنبه ۱۴ شهریور

قبل از جلسه علنی گزارش‌ها را دیدم. در جلسه علنی امروز راجع به تعطیل سه هفته‌ای مجلس و سفر نمایندگان به مکه صحبت کردم و با توجه به اظهارات امام در ملاقات با نمایندگان، علل این تعطیل را توضیح دادم[1]. دوسه لایحه تصویب شد. در تنفس برای تماشاچیان صحبت کردم*. ظهر هم چند ملاقات داشتم. عصر ملاقاتی با آقای [عبدالحمید]معادیخواه رئیس حزب جمهوری [اسلامی] قم داشتم. انتقاداتی داشت. جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. وقت را صرف انتقاد دو جناح از یکدیگر کردیم. آقای مهندس [میرحسین]موسوی و آقای [مسیح]مهاجری از یک طرف و آقای [اسدالله]بادامچیان و آقای [سعید]امانی از طرف دیگر صحبت کردند.

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: "من با صراحت گفتم که اگر حج واجب باشد هیچکس حق ممانعت را ندارد، آقایانی که واجب است مکه بروند، حتماً بروند و جلویشان گرفته نشود، خودشان هم نمی‌توانند منصرف شوند چون وظیفه است و اگر با رفتن آقایان امکان ادامه کار مجلس نیست بعضی آقایانی که در کشور هستند در محلهای انتخابی‌شان و یا در جبهه و یا در جاهای دیگری که امروز حضورشان نیاز است خدمت کنند و برنامه‌تان را بهم نزنید بنابراین ما با دستور امام این فشاری که الان آقایان آورده‌اید که ما مجلس را تعطیل بکنیم و جلو حج فکر می‌کنم نسبت به کسانی که در مجلس هستند گرفته شود. نه، آقایان باید بروند و آنهایی که واجب هست تشریف ببرند و مجلس هم طبق قرار سه هفته‌ای که در نظر گرفته بودیم تعطیل می‌شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

جلسه مشورتی با آقای خامنه‌ای و نخست وزیر داشتیم. قرار شد که یک واحد نیروگاه اتمی بوشهر را آقای نخست وزیر تعقیب کنند که راه بیفتد. اخیراً به حکم دادگاه، آلمان‌ها ملزم شده‌اند که ماشین آلات را بدهند. قسمتی از فیلم محاکمه آقای [صادق]قطب زاده و [محمدجواد]مناقبی و [سیدمهدی]مهدوی و [عبدالرضا]حجازی و [احمد]عباسی را دیدیم. برای مشورت و اظهار نظر در مورد اجازه پخش آنها. آخر شب به مجلس رفتم و خوابیدم.

دوشنبه ۱۵ شهریور

بعداز نماز صبح تا شروع جلسه علنی مطالعه کردم. کنفرانس سران عرب در فاس[1] امروز شروع می‌شود و ممکن است که بخواهند اسرائیل را به نوعی به رسمیت بشناسند. لایحه وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی تصویب شد. آقای مهندس گنابادی [وزیر مسکن و شهرسازی] در دو جلسه غیر علنی از اقدامات وزارت مسکن دفاع کرد و چند نماینده هم در مخالفت با ایشان صحبت کردند.

در تنفس برای تماشاچیان که از اردوی امور تربیتی استان کرمان و... بودند صحبت کردم*. ظهر "مولانا حافظی حضور" عالم بزرگ بنگلادش با جمعی از همراهانش به مجلس آمدند و با آنها مذاکره کردم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مسلمانان بنگلادش به رهبری ایشان نهضت عظیمی برای اسلامی کردن کشور بر پا کرده‌اند.

عصر مصاحبه تلویزیونی به مناسبت سالگرد هفده شهریور داشتم*. دو نفر از نمایندگان سنّی بلوچستان آمدند و از این که چند نفر از مخالفان انقلاب را در رابطه با مفتی‌زاده بازداشت کرده‌اند گله داشتند و می‌گفتند که مصلحت نیست. در این خصوص با آقای [محسن]رضایی مشورت کردم.

بعداز نماز مغرب بمب نیرومندی مقابل دادگستری [در خیابان خیام] منفجر شد. حدود بیست شهید و نود مجروح داشت. ضد انقلاب در محل پر جمعیت پارک شهر بی‌رحمانه این جنایت را مرتکب شده. کارهای عقب مانده را انجام دادم.

---

۱ - شهری است در عربستان سعودی.

سه شنبه ۱۶ شهریور

قبل از جلسه علنی گزارش‌ها را خواندم. قبل از دستور درباره کنفرانس سران عرب در فاس و انفجارِ بمب دیروز صحبت کردم[۱] و بعداز جلسه هم برای تماشاچیان[۲]. ظهر جمعی از نمایندگان برای خداحافظی سفر مکه آمدند. آقای امیری از سپاه آمد و راجع به پرونده "مولوی نظر محمّد دیدگاه" نماینده سنّی [ایرانشهر]گفت و هم از مخالفت‌های بی‌دلیلش و همکاریش با [احمد]مفتی زاده.

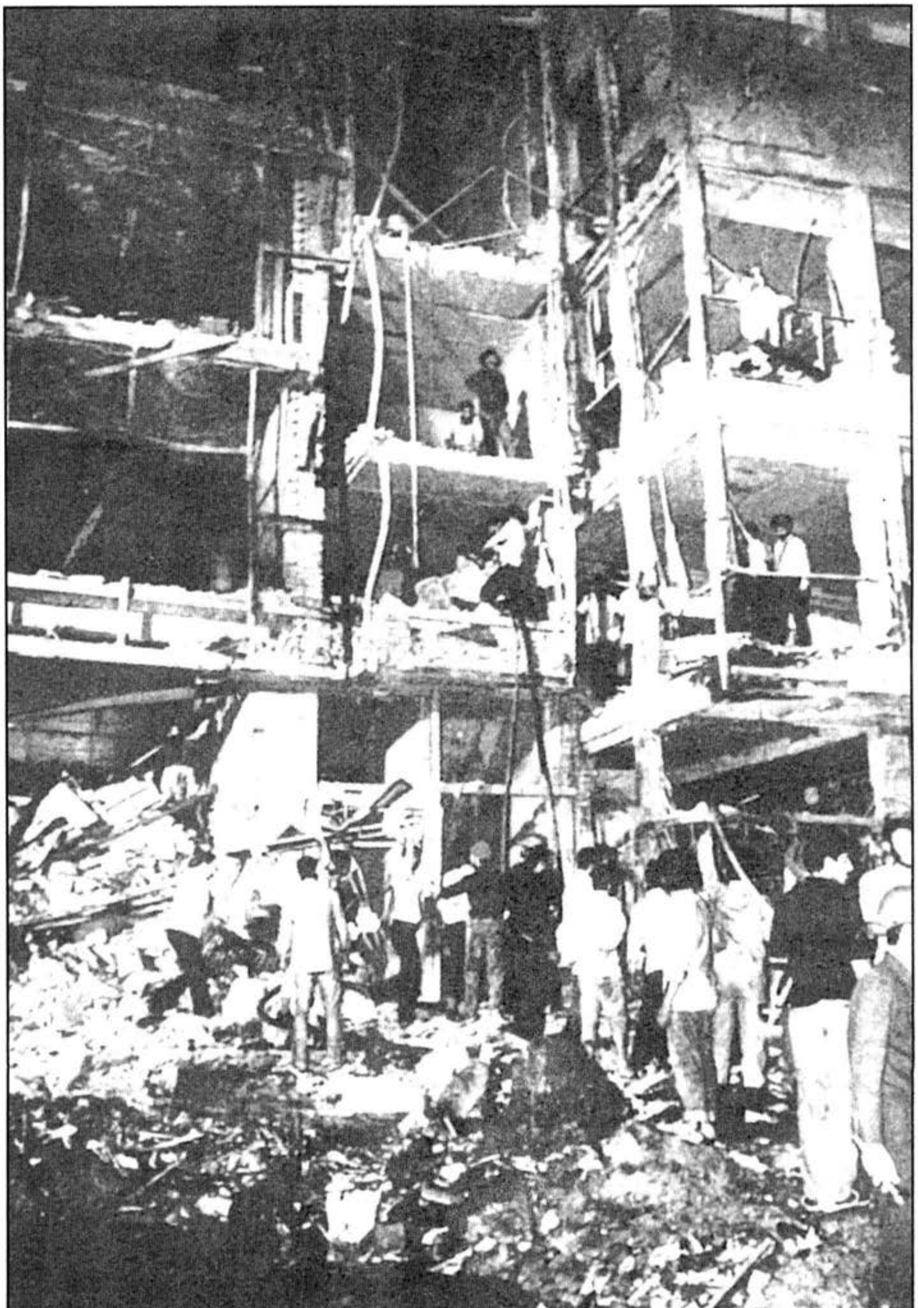
آقای خامنه‌ای درباره ارسال پیامی به شاه عربستان سعودی در خصوص جشن ملی آنها مشورت کردند؛ با توجه به جریان کنفرانس فاس و حمایت‌های علنی آنها از عراق. عصر آقای [محمدعلی]شرعی و آقای کاملان آمدند و از عملکرد سیاسی ایدئولوژی ارتش شکایت داشتند. گزارشی از یکی از دانشجویان دانشکده افسری راجع به گروهی که قصد براندازی دارند رسید که به آقای ری‌شهری معرفی‌شان کردم.

مهندس سیفیان معاون شهرداری تهران آمد و راجع به محل ساختمان مصلای نماز جمعه در عباس آباد مذاکره کردیم. مهندس [منصور]رضوی مسئول شاخه مهندسین حزب آمد و راجع به پذیرش سمت ریاست سازمان امور اداری و استخدامی کشور به جای آقای [عبدالله]جاسبی که به حزب منتقل شده، مشورت کرد. تأیید نمودم.

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: امروز کارشان به جایی رسیده که در کنار پارک شهر آنجایی که محروم‌ترین و زحمت‌کش‌ترین مردم ما در شلوغ‌ترین لحظات روز آن موقعی که هم زحمات روزانه‌شان به پایان رسیده و بساط دستفروشی را جمع کردند و با اتوبوسهای عمومی به خانه‌هایشان برمی‌گردند در نقطه‌ای که هیچ هدف سیاسی، اقتصادی، نظامی وجود ندارد انفجار وحشیانه‌ای که بیش از صدنفر را مجروح و بیش از بیست نفر را شهید کرد و یک باره بخش عظیمی از جنوب تهران را عزادار می‌کند. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی که گروهی از جهادگران استانهای یزد و زنجان و جمعی از خواهران امور تربیتی آموزش و پرورش استان کرمان و اعضای بسیج مستضعفین بندر ترکمن حضور داشتند، ایشان درباره توطئه‌های ضدانقلاب و لزوم هوشیاری مردم در برابر این توطئه‌ها مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



انفجار در خیابان خیام تهران

چهارشنبه ۱۷ شهریور

در خانه ماندم و مطالعه می‌کردم. اخوی احمد و خانواده‌اش که همراه کـارکنان مـعدن مس سرچشمه با امام ملاقات داشتند، مهمان ما بودند. گفت که کارگر ما در نوق تکلیف خود را در مورد کیفیت ضبط پسته‌هایی که داریم نمی‌داند. گفتم که می‌تواند اجاره بدهد.

عصر اخوی زاده علی هاشمی که از اسپانیا آمده - چشمش را کمی معالجه کـرده - از وضـع نامطلوب سفارتمان - به خاطر اینکه کارکنان سابق هنوز هستند - و وضع خراب‌تر ضد انقلاب که آواره‌اند و بی کار و بی‌انگیزه گفت و پیشنهاد فعال کردن تبلیغات خارجی را داشت و گفت کـه متأسفانه امپریالیسم چهره امام و انقلاب را کدر و خشن معرفی کرده‌اند و خیلی باید کار کنیم. مراسم چهارمین سالگرد هفده شهریور و تشییع جنازه شهدای انفجار خیابان خیام با شکوه برگزار شد و امام هم پیام گرمی دادند.

پنجشنبه ۱۸ شهریور

بعداز نماز به مجلس رفتم. تا ساعت نه صبح گزارش‌ها را خواندم. ساعت نه و نیم آقای زنجانی مدیر کارخانه کفش ملی آمد و از مرتب شدن آن و سود کارخانه گفت و از گمرک شکایت داشت که بد ترخیص مـی‌کنند. بـه وزارت دارایـی تـذکر دادم. آقـای [سـیدمهدی]هاشمی مسئول واحـد نهضت‌های سپاه آمد و نگران وضع خود بود و اعتراف به بی‌نظمی‌ها داشت و چاره جویی می‌کرد. قرار شد که با وزارت امور خارجه هماهنگ باشد.

جمعی از کارکنان مس سرچشمه آمدند که موفق به زیارت امام نشده بودند. برایشان صحبت کردم که کمی جبران شود و از اهمیت کارشان گفتم[1]. آقای [اسدالله]بادامچیان آمد و راجع بـه دولت مطالبی گفت که تعدیلش کردم. رضا و محسن عموزاده‌ها آمدند و رضا از نتایج سفرش به

---

۱ - در این ملاقات درباره اهمیت معدن مس سرچشمه، سیاست استعمار در القاء افکار ناامید کننده به کشورهای مستعمره، خشم غرب از پیشرفت فن آوری در ایران و سیاست صنعت در رژیم گذشته مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

مسکو برای سمینار بیابان‌زدائی گفت. از اسلام زدایی شوروی‌ها انتقاد داشت. آقای بهزاد نبوی و رفقایش آمدند و از تأیید امام نسبت به آقای راستی [کاشانی] که در حقیقت نفی جناح ایشان است ناراحت بودند و چاره جویی می‌کردند. آقای خلخالی آمد و شبهه‌ای را برطرف کرده که نویسنده نامه‌های موهن را می‌شناسد. دو نفر که برای بررسی به پاکستان رفته بودند آمدند و گزارش موفقیت‌ها را دادند که ادامه دارد. عصر از دفتر مشاورت امام [در ارتش] آمدند و گزارش جزیره خارک را آوردند و معلوم شده که جزیره را با موشک‌های روسی دوربرد ـ که هدایت شونده نیست ـ می‌زنند و اکثراً به هدف نمی‌خورد و از نابسامانی نیروی هوایی گفتند.

هزار نفر از اردوی جوانان خانواده‌های شهدا آمدند، برایشان صحبت کردم[1] و مراسمی اجرا کردند. دکتر [غلامعلی] حداد عادل آمد و از شیوه نوشتن کتب دینی مدارس و ضعف وزارت آموزش و پرورش گفت. شورای عالی دفاع داشتیم. از موفقیت‌هایمان در کردستان و برنامه‌های آینده جنگ گفتند. بعد از جلسه مصاحبه کردم*.

جمعه ۱۹ شهریور

در خانه ماندم. آقای امامی [کاشانی] نماز جمعه را خواندند. احمد آقا آمد و راجع به مسایل کشور، جنگ و... صحبت کردیم. گفت که امام به خاطر قساوت ضد انقلاب ناراحتند. آیت‌الله منتظری تلفن کردند و تأکید بر لزوم عملیات در جبهه و اعزام پزشک و روحانی به جبهه داشتند.

قطعنامه‌های کنفرانس سران عرب در فاس منتشر شد و بالاخره به موجودیت اسرائیل اعتراف کردند و اشتباه عظیمی مرتکب شدند.

عفت و فاطی از مدینه تلفن کردند. یاسر با شوخی ضربه‌ای به دستم زد که مجروح شد؛ می‌خواست من را غفلتاً در استخر بیندازد. شب به تلویزیون و رادیو گوش دادم و رادیو فارسی عراق را گرفتم. حرف حسابی ندارد و دروغ می‌گوید و فحش می‌دهد.

---

۱ - در این سخنرانی که پس از اجرای سرود توسط فرزندان شهدا ایراد شده ایشان به تشریح برنامه امام(ره) برای پی‌ریزی ارتش بیست میلیونی پرداخت و اثرات مثبت مقام شهید در بیمه انقلاب اسلامی را تحلیل کرد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

شنبه ۲۰ شهریور

امروز هم در خانه ماندم. آقای حامد الگار استاد مسلمان دانشگـاه بـرکلی آمـریکا آمـد و مصاحبه‌ای کرد*. درباره عملکرد جمهوری اسلامی، درباره اراضی و کارخانه‌ها، برخورد ما بـا انجمن‌های اسلامی و نقش آنها، منافقین و عزل بنی‌صدر و سیاست خارجی پرسید. ظـاهراً آدم خوبی است و محقق و استاد تاریخ اسلام و شیعه.

با معاون مدرسه راهنمائی جماران درباره انتقال بچه‌ها از مدرسه نیکان به اینجا بـه خـاطر ملاحظات امنیتی صحبت کردم. آقای غرضی وزیر نفت هم آمد. راجع به جزیره خارک، وضع مطلوب صادرات نفت و کشیدن لوله به جاهای دیگر[1] به عنوان احتیاط، سفرش به آفریقا و نیاز کشورهای مستقل آفریقایی به ما صحبت کرد و از برخورد بعضی از وزرا گله داشت. عقد ازدواج یکی از پاسداران را خواندم و هدیه‌ای به همسرش دادم.

کتابی راکه دفتر مشاورت امام [در ارتش] در مورد تجاوزهای مقدماتی عراق به ایران، قبل از شروع رسمی جنگ تهیه کرده خواندم که حدود سیصد تجاوز را با ذکر نامه اعتراضیه ایران به عراق در همان تاریخ آورده است. اسناد خوبی برای متجاوز معرفی شدن عراق دارد و نظرم این است که منتشر شود. بیشتر به مطالعه پرداختم. تلفنی با آقای دکتر ولایتی درباره اخبار مربوط به کنفرانس سران عرب صحبت کردم. سفیر سوریه آمد و اطمینان داد که در رابطه با ایران و عراق، سیاست سوریه عوض نشده.

یکشنبه ۲۱ شهریور

صبح زود به مجلس رفتم و تا ساعت نه گزارش‌ها را مطالعه کـردم کـه بـیشتر دربـاره نـتایج کنفرانس سران عرب بود. به نظر می‌رسد که اعراب حاضر شده‌اند اسرائیل را تحمل کنند؛ غیر از لیبی کسی مخالفت نکرده و از صدام هم حمایت شده است.

---

۱ ـ احداث خط لوله از مناطق نفتی به سوی بندرعباس قسمتی انجام شد و سپس در زمان جنگ به وزارت نیرو واگذار گردید که جهت آب رسانی به مناطق محروم مورد بهره‌برداری قرار دهد که این پروژه انجام شد. و قرار است تا بندر لنگه ادامه یابد.

[شیخ اسعد بیوض تمیمی] پیشنماز مسجد الاقصی که اخراج شده و در اردن زندگی می‌کند و نفوذ دارد و حمایت از انقلاب اسلامی می‌نماید، با جمعی دیگر آمدند و تقاضای کمک برای مسلمانان در خط فلسطینی داشتند که به ایران بیایند و دوره ببینند خوش فکر و باسواد است.

دکترگلشن استاد دانشگاه آمد و برای نشر نوشته‌های پدرش کمک می‌خواست که او را به دفتر نشر فرهنگ اسلامی معرفی کردم.

آقای [علی]فلاحیان قائم مقام سرپرست کمیته مرکزی آمد و از برنامه‌های آینده برای مبارزه با ضد انقلاب گفت. آدم فعالی است. عده‌ای از متخصصان انرژی اتمی آمدند. آنها را تشویق به کار کردم و اطمینان دادم که برنامه انرژی اتمی دنبال خواهد شد و ضرورت آن را توضیح دادم. آقای [غلامرضا]آقازاده وزیر مشاور آمد و از اختلافات در کابینه دولت نگران بود که قرار شد فکری کنیم. این روزها این مسئله که در حزب و جامعه هم مطرح است، در حزب مورد رسیدگی است. آقای احمدی از ستاد انقلاب فرهنگی آمد و از ضعف ستاد و پذیرش مسئولیت اجرایی نگران بود و از من برای حل مشکلاتشان کمک می‌خواست. مشکلی است که باید حل شود، زیرا قلمرو حقوق و تکالیف ستاد و وزارت علوم تداخل پیدا کرده است.

پس از استراحت عصر، گروه همافرانی که موفق شده‌اند رادار پیچیده ADS 4 را نصب کنند، آمدند. تشویقشان کردم و قرار شد که کارشان را ادامه دهند. کار بزرگی کرده‌اند و آمریکاییها باور نخواهند کرد. آقای [فضل‌الله]محلاتی آمد و گزارشی از کردستان داد و برای حل مشکل واحد نهضت‌ها کمک می‌خواست که قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. آقای [علی]قائمی [نماینده بابلسر] آمد و از محرومیت منطقه جنگل‌های بابل گفت.

دوشنبه ۲۲ شهریور

در خانه تنهایم. تا ساعت دوازده یکسره مطالعه کردم و نوشتم. بچه‌ها که برای مسابقه اسب سواری رفته بودند، بعد از ناهار آمدند. عصر احمد اسکندر وزیر اطلاعات و ناصر قدوره معاون وزارت خارجه سوریه همراه آقای دکتر ولایتی آمدند. هدفشان روشن کردن وضع کنفرانس سران عرب و موضع سوریه، مخصوصاً در رابطه با عراق بود که در مجموع اطمینان دادن به ما در مورد حرفهای آقای حافظ اسد که ضمن نطق سه ساعته‌ای، دفاع از جمهوری اسلامی ایران و حمله به

صدام پرداخته بود، نقل کرد و اثراتی که در تعدیل قطعنامه سران عرب در رابطه با اسرائیل و فلسطینیان داشته‌اند و تکذیب تصویب قطعنامه مربوط به حمایت از عراق. او گفت که ملک حسن خواست این را به گردن کنفرانس بگذارد ولی سوریه اعتراض کرد و اگر چه او گفته بود که اعتراضی نرسیده ولی سوریه کتباً اعتراض کرده بود. او همچنین گفت که موضع عربستان و شیوخ خلیج فارس هم بد نبوده.

تلفنی با آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین]موسوی، درباره مسایل جاری کشور صحبت کردم و هم با آقای سرفرازی برای تشکیل جلسه‌ای برای بررسی کاندیداهای مجلس خبرگان و کیفیت عمل. شب بیشتر به اخبار گوش دادم.

سه شنبه ۲۳ شهریور

تا ساعت هشت در خانه مطالعه کردم. گزارشی از افسری از نیروی هوایی درباره کج رفتاری‌های اطلاعات و ارشاد نیروی هوایی و نفوذ منافقین رسیده بود که مهم است و باید رسیدگی کنیم. ساعت نه در مجلس با گروهی از شیعیان خارج از کشور ملاقات داشتم. پیشنهادهایی برای فعال کردن تبلیغات اسلامی داشتند.

خانواده سه شهید کمیته ـ که توسط منافقین ربوده، شکنجه و شهید شده‌اند ـ آمدند. به آنها تسلیت دادم و هدیه‌ای برای بچه‌ها و خانم‌ها تهیه شد. معاون وزیر پست و تلگراف آمد. درباره دانشگاه آزاد مطالبی داشت که به آقای [عبدالله]جاسبی ارجاع شد. سفیر ژاپن آمد. گله مسئولان را گفتم که مانع گسترش روابط است. مطلب مهمی نداشت. با تلویزیون مصاحبه‌ای به مناسبت سالگرد شهادت آقای [سیدعبدالکریم]هاشمی نژاد انجام دادم*. کاردار ایران در سومالی آمد، توصیه کردم، با سومالیایی‌ها با مدارا برخورد کنند. آنها به خاطر فقر و فشار رژیم کمونیست اتیوپی به سوی غرب رانده شده‌اند. خانواده‌های شهدای بابلسر آمدند و برایشان سخنرانی کردم* و تسلیت گفتم.

عصر گروهی از اساتید دانشگاه آمدند. آقایان دکتر [ابوالقاسم]گرجی و [سیدجعفر]شهیدی و محمدی و... از افراط کاری‌ها و اخراج چند استاد استخواندار گله داشتند. بناشد که تعقیب کنیم. آقای [محمد]گلزاری از کانون پرورش [فکری] کودکان [و نوجوانان] آمد. همراه آقای

عباس طباطبایی، مطالبی درباره امور تربیتی داشتند.

عصر به ملاقات آقای خامنه‌ای رفتم. جلسه‌ای برای بررسی مجدد نامزدهای مجلس خبرگان داشتیم. قرار شد که من و ایشان هم باشیم. با حضور آقایان [محمدرضا]مهدوی‌کنی و موسوی اردبیلی و [فضل‌الله]محلاتی در مسایل دیگری هم بحث کردیم.

آقای نوابِ سفیرمان در آلمان آمد و از این که با فشار می‌خواهند ایشان را عوض کنند، گله داشت. دلجویی کردم و گفتم که در جایی دیگر بدون دردسر می‌تواند خدمت کند ولی او ترجیح می‌دهد که چند ماهی بماند تا کارهای در دست انجام خراب نشود. آخر شب به خانه آمدم. فائزه اشکنه درست کرده بود.

چهارشنبه ۲۴ شهریور

تمام روز در خانه ماندم. آقای شجاعی از سپاه آمدند و از کارهای تبلیغاتی در دست انجام در خارج از کشور به منظور هدایت ضدانقلاب گزارش داد. آقای [ابوالفضل]توکلی[بینا] سرپرست حجاج برای خداحافظی و گزارش کارها خبر رسید که [بشیر]جمیل رئیس جمهوری لبنان، دیروز در انفجار دفتر حزب کتائب با جمعی از سران فالانژها کشته شده است. این حادثه بخش عظیمی از دستاوردهای توطئه آمریکا، اسرائیل و ارتجاع را به هم زده است.

با آقای خامنه‌ای درباره پذیرش پیشنهادهای آقای [شیخ اسعد بیوض]تمیمی امام جمعه تبعید شده مسجد الاقصی به اردن تلفنی صحبت کردم. شب همشیره زاده‌ها برای دیدار آمدند، شام نماندند. گویا فکر کردند فائزه به تنهایی نمی‌تواند از این همه مهمان پذیرایی کند و کمک هم نداشت.

پنجشنبه ۲۵ شهریور

امروز در خانه بودم. مجلس تعطیل و مراجعات هم کمتر است. بیشتر به مطالعه گزارش‌ها و جزوه‌های عملکرد سازمان‌های دولتی می‌پردازم. احمد آقا و آقای ری‌شهری آمدند و خبر اعدام آقای قطب‌زاده ـ که دیشب انجام شد ـ و نیز تماس با آقای شریعتمداری برای محکوم کردن

ضدانقلاب را دادند؛ متأثر شدم. آقای ری‌شهری از ضعف دایره سیاسی ایدئولوژیک گفت. ظهر هم یکی از پاسدارها برای اجرای صیغه عقد ازدواج آمد.

آقای [غلامعلی]حداد عادل برای سمینار دانش آموزان پیام خواست که قرار شد تهیه شود. گزارش‌ها را از مجلس آوردند و تا آخر شب خواندم. خبر مهمی نداشتیم، موج تروریسم تخفیف یافته و حرکتی هم در جبهه‌ها نیست. از خبرگزاری [جمهوری اسلامی] با مجلس تماس گرفته‌اند که درباره اعدام قطب زاده که قاعدتاً موجی به راه می‌اندازد، نظر مرا بگیرند. با وزارت خارجه تماس گرفتم و متن اظهارات آقای حافظ اسد را در کنفرانس سران عرب خواستم که فرستادند.

آقای [رضا]سیف اللهی آمد و خبر از فیلمی پنج، شش ساعته که از سران ضد انقلاب در زندان و در دفاع از انقلاب و محکومیت حرکت‌های ضدانقلاب ضبط شده است، داد. جالب است. صحبت از خانه گردی در تهران کرد که به خاطر مشکلات و آثار سوء آن مخالفت کردم.

جمعه ۲۶ شهریور

تا ساعت ده و نیم در خانه بودم. صبح یکی از همشهری‌هایمان آمد و مقداری پسته تازه و شیرینی آورد. برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. در خطبه‌های جمعه به مصوبه کنفرانس فاس حمله شدید کردم و حمایت‌های حافظ اسد را از ایران نقل کردم که مردم درباره همکاری ما با سوریه ـ علیرغم حضورش در کنفرانس ـ توجیه شوند[1].

عصر با این که سرد بود شنا کردم و کف استخر را با جاروی سقفی پاک نمود. آقای رحمانی پاسدار، برادر زاده و برادر زنش را همراه گروهی برای خواندن صیغه عقد آورد. آقای [محمدرضا]توسلی و آقای [فضل الله]محلاتی بعد از مراسم عقد راجع به اختلافات محلات و درگیری بعضی از حزب اللهی‌ها با برادر آقای محلاتی صحبت کردند.

---

۱ ـ در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (تجسم اعمال، آثار حرامخواری، اثر روانی و وضعی مال حرام، لزوم اصلاح ریشه‌ای) و در خطبه دوم ارزیابی کنفرانس سران عرب (طرح ریگان در کنفرانس، دروغ و توطئه در کنفرانس، دفاع سه ساعته حافظ اسد از ایران) جلوه‌ای از قاطعیت علی علیه‌السلام و حدود صبر جمهوری اسلامی بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

شب همشیره زاده‌ام علی ـ که در لیبی تحصیل می‌کند ـ آمد و خبر داد که به خاطر تشابه اسمی گفته‌اند که ممنوع الخروج است ولی رفع اشتباه شده است. به خاطر وسعت لیست ممنوع الخروج‌ها و بی‌نظمی‌ها، این روزها این گونه مشکلات برای مردم زیاد شده است که باید فکری کرد.

شنبه ۲۷ شهریور

تمام وقت در منزل بودم و مطالعه می‌کردم. آقای رحیمیان مصاحبه‌ای برای مجله پاسدار انقلاب درباره اوضاع لبنان و آثار کنفرانس سران عرب و ... با من انجام داد[1].

اسرائیلی‌ها و فالانژها به اردوگاه آوارگان فلسطینی در لبنان حمله کرده، نزدیک به دو هزار نفر را کشته‌اند. این جنایت هولناک، سروصدای وسیعی در دنیا به راه انداخته و طرفداران اسرائیل و مخصوصاً آمریکا را تحت فشار قرار داده است.

یکشنبه ۲۸ شهریور

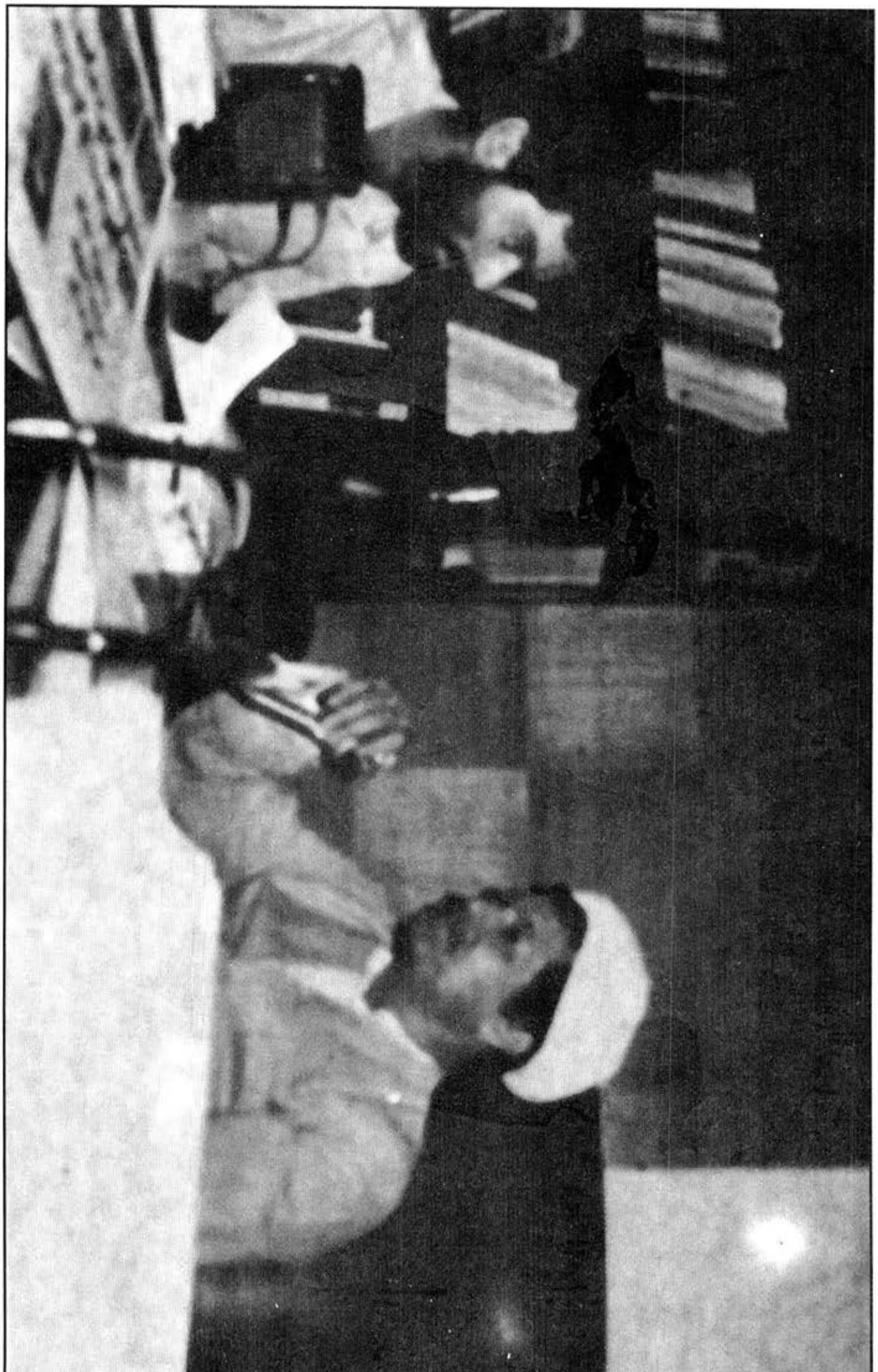
صبح زود به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم و کارهای اداری را انجام دادم. ساعت نه سفیر بلژیک آمد و درباره تمایل صنعتگران بلژیک برای معامله با ایران سخنانی گفت و اینکه اصولاً وضع صنایع غربی‌ها خوب نیست و دچار رکود است.

جمعی از پزشکان نظام پزشکی آمدند و برای تحصیل اعتبار کمک می‌خواستند و از اهانت‌ها گله داشتند. برایشان مفصل صحبت کردم[2] و گفتم، با این که طبابت مورد نیاز مملکت است و عامه

---

۱ - در این مصاحبه که در ماهنامه پاسدار اسلام مورخ ۶۱/۷/۲ به چاپ رسیده درباره اهداف اسرائیل از حمله به لبنان، هدف آمریکا، آثار حمله، سازش با آمریکا، شکست اسرائیل، سکوت شوروی، چشم‌انداز آینده لبنان، کنفرانس سران عرب و نیرنگ آمریکا بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی ایشان از تلاش پزشکان به ویژه جراحان در جبهه‌های جنگ که اعتبار نوینی برای جامعه پزشکی کسب کرده، قدردانی نمود و اهمیت کار پزشکان را یادآور شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



هم این نیاز را درک می‌کنند، اگر بعضی‌ها عزّت لازم را ندارند، به خاطر سود جویی‌ها و بد عمل کردن خودشان است. دکترشمس اجازه پیوند اعضا می‌خواست که گفتم امام اجازه داده‌اند. سرهنگ [عباس]بابایی فرمانده پایگاه اصفهان (مرکز اف ۱۴) آمد و چند پیشنهاد خوب داشت و انتقاداتی هم به نیروی هوایی؛ آدم جالبی است.

مصاحبه‌ای به مناسبت سالگرد شهادت آیت‌الله [سیدعبدالحسین] دستغیب با تلویزیون داشتم*. مدیران تربیت بدنی آمدند و از ضعف بودجه ورزش گفتند. برایشان صحبت کردم[1] و عکس گرفتیم. اعضای حزب جمهوری اسلامی امیرکلا آمدند وگزارش خدماتشان را دادند و من هم برایشان صحبت کردم*. پس از آن هم نماز و ناهار و استراحت و استماع اخبار و عقد ازدواج پاسداران.

عصر گروهی از واحد نهضت‌های آزادیبخش سپاه آمدند و از کارکرد آقای سید مهدی هاشمی شکایت داشتند. قرار شد پیشنهاد بدهند و رسیدگی شود. اعضای حزب جمهوری اسلامی صومعه‌سرا هم به مجلس آمدند و برای آنها صحبت کردم*. آقای [علی اکبر]ناطق نوری گزارش داد که در این هفته ضربه‌هایی برمنافقان وارد آمده.

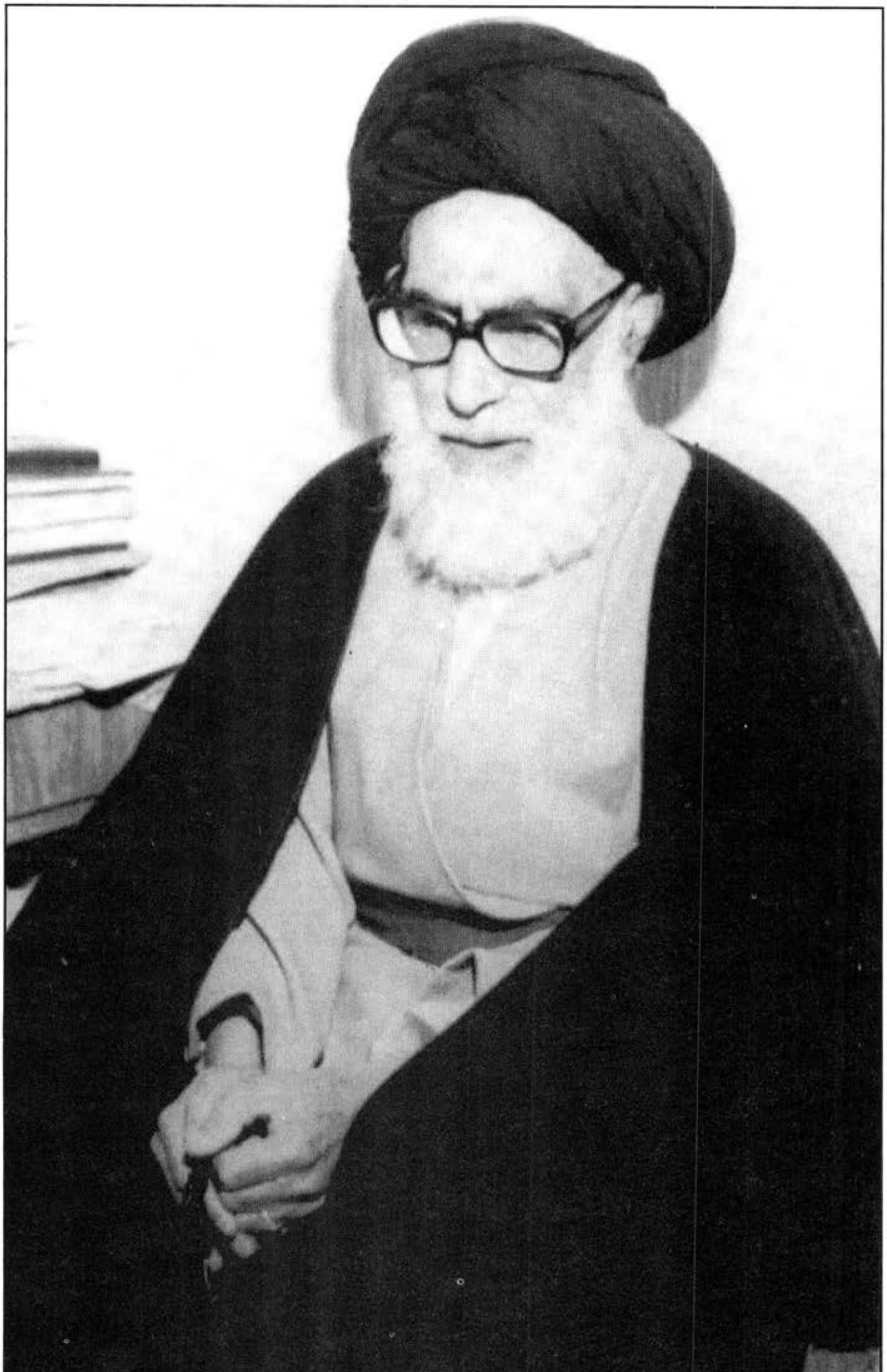
سفیر شوروی آمد و از اهانت به شوروی در ایران گله داشت[2] و خواهان تحکیم روابط بود. گفتم که شما میگ ۲۵ و تانک تی.۷۲ و موشک اسکاد اخیراً به عراق داده‌اید و از افغانستان بیرون نمی‌روید و مردم از این جهت با شما مخالفند. فارسی را خوب می‌داند.

جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم که در آن راجع به پیشنهادهای جدید درباره تشکیلات حزب بحث شد. شب به خانه آمدم. بچه‌ها نبودند. و مقداری زیادی از شب را بیدار بودم.

---

۱ - در این سخنرانی درباره سیاستهای استعماری ورزش در رژیم گذشته، لزوم برنامه‌ریزی دقیق برای گسترش ورزش در کشور و اعلام همکاری مجلس برای رفع مشکلات بودجه ورزش مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در آن سالها، مردم در هنگام تکبیر گفتن جمله "مرگ بر شوروی" را نیز فریاد می‌زدند. این شعار بعد از فروپاشی اتحاد جماهیرشوروی حذف شد.



شهید آیت اله سیدعبدالحسین دستغیب امام جمعه شیراز

دوشنبه ۲۹ شهریور

به خاطر کم خوابی دیشب، امروز کسل بودم ظهر بچه‌ها آمدند و بیرون غذا خورده بودند. احمد آقا آمد و خبر از انفجاری در ترمینال اتوبوس‌های جنوب شهر داد که دو نفر کشته و چند نفر زخمی داشته است. معتقد است که مردم باید بدانند که کار منافقین است و من هم قبول کردم.

تلفنی با دکتر ولایتی درباره کارهای وزارت خارجه و مذاکرات او با وزیر خارجه مالت که اینجاست و لایحه اجازه به غیر دکترها برای اداره داروخانه صحبت کردیم. ایشان این لایحه را مضر می‌داند.

اول شب دکتر [محسن]نوربخش رئیس بانک مرکزی آمد و گفت که بعداز اظهارات امام، بعضی از مشتری‌های بانک‌ها بهره نمی‌دهند و آماری ارائه داد. پولهای سپرده شده در بانک‌ها بیش از سه هزار میلیارد ریال است که بانک‌ها تقریباً ۸درصد بهره می‌دهند و به همین اندازه هم از مردم می‌گیرند و نگران بود که اگر بهره ندهند و دادگاه‌ها هم به استناد بیانات امام اقدام نکنند، بحران پیش خواهد آمد شب را با استماع اخبار و مطالعه گزارش‌ها گذراندم.

سه شنبه ۳۰ شهریور

در منزل ماندم. بیشتر مطالعه و استراحت داشتم.

چهارشنبه ۳۱ شهریور

پس از نماز مشغول مطالعه شدم و ساعت هشت به مجلس رفتم. پس از انجام کارهای اداری و صرف صبحانه ملاقات‌ها شروع شد. سفرایمان در بنگلادش و امارات آمدند و راجع به اهداف سیاسی با آنها مذاکره کردم. سیاست ما سیاست جذب است.

معلمان تربیت بدنی آمدند و برای آنها درباره ورزش صحبت کردم*. رؤسای مراکز صداوسیما از شهرستان‌ها آمدند و با آنها هم صحبت کردم. پزشکان و فارغ‌التحصیلان دیگر که وارد خدمت ارتش شده‌اند، آمدند و برای آنها مفصلاً صحبت کردم*. فرمانده نیروهای سپاه در لبنان و سوریه

آمد، گزارشی داد و سیاست ما را درباره برخورد با امل[1]، مردم و روحانیون جویا شد.

آقای منتظر قائم از یزد آمد و نگران اختلافات آقای [محمدعلی]صدوقی و آقای [روح‌الله] خاتمی بود[2]. خانواده‌های شهدای رامسر و تنکابن آمدند و با آنها صحبت کردم و تسلیت گفتم. عقد ازدواج یک سپاهی را خواندم.

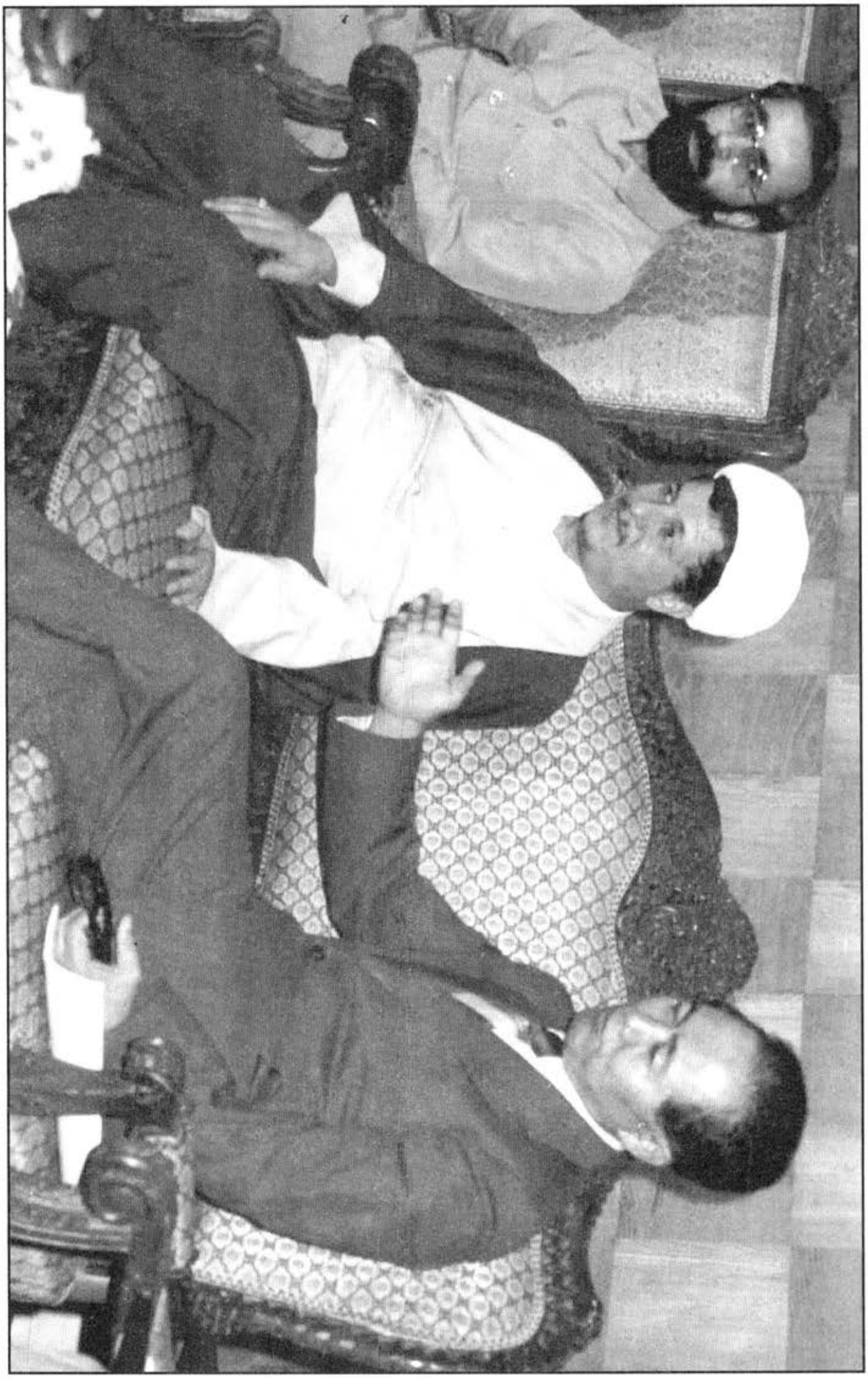
شب گروهی از اعضای جامعه مدرسین حوزه قم آمدند. از بعضی اظهارات من در نماز جمعه که علیه سرمایه‌داری است گله داشتند. و راجع به بیت آیت‌الله منتظری انتقاد داشتند و چاره‌جویی می‌کردند. شام را در مجلس خوردند و من نتواستم در جلسه‌ای که در دفتر رئیس جمهور راجع به صداوسیما داشتیم، شرکت کنم.

---

۱ - "امل" یکی از سازمانهای شبه نظامی لبنان است که علیه صهیونیسم مبارزه می‌کند. امام موسی‌صدر و شهید دکتر مصطفی چمران از بنیانگذاران "امل" هستند.

۲ - حجت‌الاسلام محمد علی صدوقی فرزند شهید صدوقی و رئیس بنیاد صندوق و مرحوم آیت‌الله روح‌الله خاتمی نماینده امام و امام جمعه یزد بودند.

مهر ۱۳۶۱



پنجشنبه ۱ مهر ۱۳۶۱ ۵ ذیحجه ۱۴۰۲ Sep. 23, 1982

امروز تا ساعت نه در منزل مشغول مطالعه بودم. به ملاقات امام رفتم. راجع به مشکل حذف بی‌مقدمه بهره از عملکرد بانک‌ها و اختلاف دو جریان فکری تند و سنتی در جامعه، مجلس، دولت و حزب توضیحاتی به امام دادم.

تا ظهر گزارش‌ها را در خانه خواندم. عصر [آقای محمد سلامتی] وزیر کشاورزی آمد و گزارش و آماری از پیشرفت‌های تولید گندم، برنج و ماهی و دام و پنبه و... داد و برای حل مشکلات که از حملات جناح محافظه‌کار پیش می‌آید، کمک خواست. احمد آقا آمد و راجع به کارهای صادق طباطبایی[1] در خارج گفت و در موفقیت او در خریدهای نظامی اظهار تردید کرد. از وزارت بهداری آقای بنکدار وقت مراجعه به دندانپزشک را تلفنی گفت.

اول شب سرهنگ [علی]صیاد شیرازی آمد و راجع به برنامه‌های جبهه و نتیجه مذاکراتشان با سپاه و اختلاف نظرشان را در بعضی از موارد گفت. بچه‌ها امروز سال جدید تحصیلی را شروع کردند و به مدرسه جماران رفتند و زود برگشتند.

آخر شب آقایان محسن رضایی و [علی]شمخانی آمدند و برنامه وسیع خود را برای قلع و قمع ضدانقلاب تشریح کردند که این هفته مقدمات آن آغاز می‌شود. درباره آینده جنگ مشاوره و از توسعه امکانات برای سپاه بحث شد.

جمعه ۲ مهر

تا ساعت نه و نیم در منزل برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم. ساعت ده به مطب دندان‌پزشکی دکتر شیرازی و ساعت یازده به دانشگاه رفتم. و خطبه‌ها را درباره جنگ و ربا ایراد کردم[2]. عصر به مصاحبه سی‌ودو نفر از سران نادم و تائب[3] گروهک‌های محارب گوش دادم؛

---

۱ - صادق طباطبائی برادر همسر مرحوم حاج سید احمدخمینی است. وی در دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا بود. طباطبائی در زمینه تهیه ملزومات جنگ نیز اقداماتی انجام می‌داد.

۲ - در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوع "ربا در اسلام" دنبال شد و در پی آن درباره فاجعه لبنان و سکوت سران عرب،

جالب است و ادامه دارد. سپس آقای [سیدحمید]زیارتی (روحانی) که مشغول نوشتن تاریخ انقلاب اسلامی ایران است، آمد و مصاحبه‌ای درباره حرکت‌های مسلحانه دوران انقلاب انجام داد که اطلاعات و تحلیلی در اختیارش گذاردم. تا آخر شب گزارش‌ها را خواندم. خبر مهم تازه‌ای نیست.

سازمان ملل اسرائیل را با ۱۴۷ رأی موافق، در مقابل دو رأی مخالف ـ آمریکا و اسرائیل ـ به خاطر کشتار مردم فلسطین در لبنان محکوم کرده. بچه‌ها تا دیر وقت فیلم تماشا می‌کردند. فیلم خیلی از وقت بچه‌ها را می‌گیرد.

امروز آقای [سیدمحمد] موسوی خوئینی‌ها و چند نفر دیگر را در مکه در هنگام تظاهرات بازداشت کرده‌اند ـ یا احضار کرده ـ و پس از مدتی آزاد کرده‌اند. عربستان در مخمصه افتاده.

شنبه ۳ مهر

در منزل به مطالعه گزارش‌ها و نامه‌ها پرداختم. با آقای رئیس جمهوری تلفنی صحبت کردم که نماز عید اضحی [:قربان] را ایشان بخوانند. قول ندادند و قرار شد که فردا جواب بدهند.

احمد آقا عصر آمد و متن نامه‌های آقای [سیدکاظم] شریعتمداری را به دادگاه انقلاب ارتش آورد که علیه ضدانقلاب است و تقاضای عفو برای [احمد]عباسی دامادش داشت که قرار شده پخش شود. راجع به مطالب دیگر هم بحث شد.

آقای معزّی معاون وزیر کشور هم آمد و اسنادی آورد دال براین که بعضی از واسطه‌های خرید اسلحه برای ارتش ایران، خلاف می‌کنند که به وزیر دفاع گفتم و قرار شد که تعقیب کنند. اول شب همشیره زاده‌ها آمدند و اخبار سلامتی بستگان را در نوق گفتند. آقای [علی اکبر] ناطق نوری تلفنی مشکلات مردم قهدریجان را که پس از جدا شدن از فلاورجان ایجاد شده اطلاع داد و گفت آقای سید باقر هاشمی نماینده مجلس مؤثر است که من هم تلفنی از ایشان خواستم که مردم را آرام کند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

تحلیل جنگ تحمیلی، نقش بنی‌صدر و اخطار به جنگ افروزان مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۳ ـ تائب: توبه کننده

یکشنبه ۴ مهر

صبح زود به [مطب] دندان‌پزشکی دکتر شیرازی رفتم. از ساعت شش و نیم تا ده چند دندان را اصلاح کرد. با تأخیر به مجلس رفتم و بعضی از ملاقاتی‌ها رفته بودند. گروهی از [مردم] قهدریجان آمدند و از جدایی قهدریجان و الحاقش به نجف آباد و تبدیل اسم لنجان سفلی بـه فـلاورجـان شکایت داشتند. قرار شد که شلوغ نکنند و من از وزیر کشور بخواهم که به خواسته آنها توجه کند.

گروهی از بازاریان آمدند و از سخت گیری دولت که منجر بـه کـاهش صـادرات مـی‌شود، شکایت داشتند. آقای حاج‌معینی نجف آبادی از بازداشت دامادش شکـایت داشت. از آقـای [محمد محمدی]ری‌شهری پرسیدم که اطلاع داد؛ او گفت در خصوص کـلاهبرداری در مـعامله اسلحه متهم است و قرار شد رسیدگی کنند. اخیراً گروهی به این اتهام بازداشت شده‌اند.

آقای طهماسبی طلبه‌ای که ذوق اختراع دارد و در اصفهان مشغول تهیه اسـلحه‌ای پـیشرفته است، آمد و گزارش کارش را داد. پانصد هزار تومان از محل کمک مجلس به جنگ به ایشان دادم. او گفت که مشغول تهیه قطعه‌ای برای اف ۱۴ است که به خاطر آن تعدادی هواپیما خوابیده است. اگر بتواند، کار مهمی است.

گروهی از محرومان ایلام و انجمن‌های اسلامی دانش آموزان آمدند و برایشـان سـخنرانـی کردم[۱]. کارمندان مجلس هم آمدند و برایشان سخنرانی کردم[۲]. گـروهی از داروسـازان آمـدند و مخالف طرح اجازه تأسیس داروخانه به نسخه پیچ‌ها ـ که اخیراً به مجلس آمده ـ بودند. خیلی‌ها مخالفند.

عصر سرهنگ [بهرام]افضلی فرمانده نیروی دریایی[۳] آمد و گزارشی از طرح دفاع در مقابل

---

۱ - در این سخنرانی درباره موضوعات فاجعه لبنان، اقدام سعودیها در بازداشت حجاج ایرانی، پذیرایی برادرانه از آوارگان در ایران و اثر نامطلوب انحراف عقیدتی مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی از زحمات کارکنان مجلس تقدیر شد و مطالبی درباره پاکسازی، جایگاه مجلس در جامعه مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - وی بعدها به اتهام جاسوسی برای اتحاد جماهیر شوروی محاکمه و اعدام شد.

حملات موشکی عراق به کشتی‌های عازم بندر امام داد. از نامه تند آقای [علی‌محمد]بشارتی نماینده مجلس گله داشت که حق با اوست. آقای جلیلی‌روحانی کرمانشاه که اخیراً در دادگاه قم متهم شده است، آمد و کمک می‌خواست. آقای [غلامعباس]زارع معاون مستعفی وزارت کشور آمد و گله داشت که به دروغ او را متهم به عضویت در انجمن حجتیه کرده‌اند و نمی‌گذارند که کار کند. تسکینش دادم.

در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. آیین نامه‌ها مطرح بود و به کیفیت برخورد با نهضت آزادی که نامه سرگشاده، به من نوشته است[1]. قرار است که در روز عید قربان، در محل نهضت سخنرانی داشته باشند.

سپس با سایر رؤسای سه قوه و اخوی محمد درباره برنامه‌های آینده صداوسیما، شورای سرپرستی و شورای فرهنگی مشاورت داشتیم. محمد از پیشرفت وضع فنی گفت و توضیح داد که تا دو سال دیگر دو سوم جهان سوم را زیر پوشش و صدوهشت ساعت برنامه برون مرزی در روز خواهیم داشت و احتیاج خود را به خوراک و کمک فرهنگی اعلام کرد. آقای [میرحسین]موسوی اطلاع داد که مجمع بانک‌ها و شورای عالی اقتصاد با حذف بهره موافق است.

آخر شب به منزل آمدم. بچه‌ها خوابیده بودند. شام خوردم و خوابیدم. گزارشی از گروه بازپرسی متهمان انفجار نخست وزیری خواندم. با حدس و تحلیل قراین عده‌ای از مسئولان را متهم کرده‌اند که به نظرم صحیح نیست.

دوشنبه ۵ مهر

امروز در خانه استراحت داشتم. پیش از ظهر آقای محمدی امام جمعه ایلام آمد و از استاندار ایلام و این که سند زمین‌هایی را که بعد از انقلاب محرومان گرفته و ساخته‌اند داده نمی‌شود، شکایت داشت.

با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم که شورای عالی دفاع به نیروی هوایی دستور دهد که یک آتشبار اورلیکن (توپ ضد هوایی) برای دفاع در جبهه‌ها به نیروی زمینی بدهند. اخیراً عراق با

---

۱ - متن این نامه در پایان این کتاب آورده شده است.

هواپیما نیروهای ما را در غرب بمباران کرده که شش نفر شهید شده‌اند.

گزارش‌ها می‌گوید که به خاطر فعال شدن و هماهنگی سپاه، دادستانی و کمیته‌ها، ضدانقلاب ضربه خورده و آمار ترورها پایین آمده و در مقابل آمار بازداشت تروریست‌ها بالا رفته است.

عصر مهندس جواد [مادرشاهی] و حبیب [ ] که برای گرفتن اطلاعات از فردی مطلع به پاکستان رفته بودند، آمدند و مطالب جالب و مفیدی که از او گرفته‌اند ـ درباره عملکرد کا.گ.ب و حزب توده و سیاست آینده شوروی در ایران ـ گزارش دادند. شب آقای [رضا]سیف‌اللهی از اطلاعات سپاه آمد و گزارش ضربه مهمی را داد که منافقین در دو سه روز اخیر در رشت خورده‌اند؛ نزدیک پنجاه نفر از نیروهایشان کشته یا دستگیر شده‌اند. آقای صیاد شیرازی از جبهه تلفن کرد و تعجیل در تحویل اورلیکن‌ها را درخواست کرد و خبر از حمله‌ای قریب الوقوع داد.

سه شنبه ۶ مهر

تمام روز در خانه بودم. آقای رئیس جمهور نماز عید را اقامه کردند. آقای [سیدعبدالکریم]موسوی اردبیلی آمدند و از سفرشان به مازندران گفتند و از این که کارها رو به راه است و مسئله مهمی ندارند؛ راضی بودند و گفتند آقای [سیدمحمدصادق]لواسانی را خدمت امام دیده‌اند که شفاعت از [سیدمهدی]مهدوی که در کودتای قطب زاده محکوم به اعدام شده، می‌کرده‌اند. آقای عباس صفریان آمد و هم کار خصوصی داشت و هم راجع به پذیرش سمت کارداری در گابن مشورت کرد.

آقای [محمدجواد اردشیر]لاریجانی آمد و درباره دانشگاه آزاد که پیشنهاد داده‌ام، نظراتی ارائه داد. عصر دکتر [عبدالله]جاسبی آمد و برای شروع کار دانشگاه آزاد مشاوره کردیم. از نخست وزیر خواستم که پولی به حساب بریزد و از بنیاد مستضعفان خواستم که محلی بدهد و قرار شد که سریعاً شروع کنیم.

احمد آقا آمد و راجع به مصاحبه افرادی مثل آقایان [طاهر]احمد زاده و خسرو قشقایی و [احمد]مفتی‌زاده مذاکره کردیم. نظر من و ایشان این است که این گونه افراد که حاضر به مصاحبه هستند، باید با تخفیفی از اجرای حکم نهایی‌شان صرفنظر کرد. قرار شد که با امام در میان بگذارد. از ایشان خواستم که از امام بخواهد، مبلغی برای بودجه دانشگاه آزاد بدهند. نامه ستاد انقلاب

فرهنگی را که برای جلوگیری از اخراج دانشجویان دارای وابستگی‌های چپ چاره‌جویی کرده بودند، به ایشان دادم که با امام مطرح کنند.

امروز خبر رسید که ابوولید مسئول عملیات و عضو مهم شورای مرکزی سازمان فلسطینی الفتح در لبنان ترور شده است. خبر مهمی است که باید منتظر آثار آن بود.

چهارشنبه ۷ مهر

تا ساعت ده در خانه مطالعه کردم. بچه‌ها به مدرسه رفتند و فائزه و فاطمه خانم کارگرمان برای تمیزکردن خانه فاطی که به زودی از حج برمی‌گردد به خانه فاطی رفتند. ساعت ده ونیم به مجلس رفتم. آقای [مرتضی]الویری که از ایتالیا آمده بود، گزارشی از وضع کنفرانس بین‌المجالس داد. آقای [محمد]یزدی که از جبهه برگشته بود، گزارشی از جبهه و خواسته‌های رزمندگان داد.

یک نفر آمد، مدعی اطلاع داشتن از گنج بود و اجازه کشف می‌خواست؛ گفتم تقاضای کتبی بنویسد. دوسه نفر از کارکنان مجلس آمدند و تقاضاهائی داشتند. عصر گروهی از مسئولان اجرایی کرمان آمدند که از جامعه دانشگاهی کرمانند؛ از این که متهم شده‌اند که جامعه دانشگاهی انحصارطلب است و کارهای استان را قبضه کرده ناراحت بودند.

گروهی از خانواده‌های شهدای وحیدیه و شهدای ارامنه آمدند و برایشان صحبت کردم*. در محله کانون هدایت و تعلیم خانواده‌های شهدا درست کرده‌اند و کشیش‌های ارامنه و روحانیون گزارش دادند. عده‌ای از اساتید دانشگاه آمدند و راجع به دانشگاه آزاد نظراتی داشتند. مصاحبه‌ای با برنامه آینده سازان درباره ترجمه سرگذشت فلسطین کردم*. گروهی از بازاریان آمدند و اعتراضات زیادی به عملکرد مجریان قانون حفاظت صنایع و آیین نامه‌ها و خلاف‌های بنی‌صدر و شورای انقلاب داشتند.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای با آقای [محمد حسن]طاهری خرم آبادی ـ که به عنوان نماینده امام عازم پاکستان است ـ برای مشخص کردن سیاست عملکرد ایشان در پاکستان جلسه داشتیم. شام را خوردیم و به خانه آمدم. عفت تلفن کرده بود که شنبه می‌آید. یاسر به دردگوش مبتلا شد و بیدارمان کرد. قرص مسکنی خورد و خوابید.

پنجشنبه ۸ مهر

تمام وقت در خانه بودم و بیشتر وقتم به مطالعه و یادداشت گذشت. با آقای موسوی خوئینی‌ها در مکه تماس گرفتم و قرار شد که نمایندگان مجلس در پروازهای اول بیایند و روز دوشنبه جلسه علنی داشته باشیم. ظهر بچه‌ها مدرسه و فائزه به اسب سواری رفته بود. من تنها بودم.

عصر احمد آقا آمد و خبر داد که امشب در ارتفاعات مشرف به مندلی عملیات داریم. با رئیس جمهور تماس گرفتم و قرار شد که در فرودگاه‌ها، در تفتیش وسایل حاجی‌ها سهل بگیرند و اذیت نکنند. با وزارت دارایی در مورد مالیات بر ارث شهید [سیدمحمد حسینی]بهشتی ـ که هشتاد، نود هزار تومان است ـ صحبت کردم که زود انجام شود.

جمعه ۹ مهر

در منزل ماندم. نماز جمعه را آقای [سیدعبدالکریم موسوی] اردبیلی اقامه کردند. صبح زود آقای [علی]صیاد شیرازی تلفنی از جبهه اطلاع داد که عملیات دیشب موفقیت‌آمیز بوده[1]، تاکنون هشتاد درصد از اهداف تأمین و پاتک عراق دفع شده است. قرار شد که تبلیغات، حساب شده انجام شود. با آقای [سیدکمال]خرازی [رئیس ستاد تبلیغات جنگ] و اخوی محمد [رئیس سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی] در این خصوص صحبت کردم.

فائزه بچه‌های عمویش را ظهر دعوت کرده بود. دیشب هم دایی و پریشب بچه‌های خاله‌اش را. می‌گوید که تنها در خانه دلتنگ می‌شود. از شغلش که معلمی ورزش است، مرخصی گرفته و در کلاس کنکور اسم نوشته است. خبر عملیات تا ظهر تکمیل و تمام هدفها تأمین شد. عصر آقای رحیمیان دوست قدیم اصفهانی به دیدنم آمد و مقداری گز آورد. شب احمد آقا آمد و راجع به مسایل متعددی مشورت داشت.

---

۱ ـ اشاره به عملیات مسلم بن عقیل که با هدف آزادسازی چندین ارتفاع مرزی و تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندلی در منطقه عملیاتی غرب سومار به مدت ۷ روز طی ۲ مرحله انجام گرفت. در این عملیات علاوه بر آزادی و پاکسازی ۱۵۰ کیلومتر از خاک ایران، پاسگاههای مرزی به اسامی سلمان کشته، سان بابا، قلعه جوق، سومار، میان تنگ و کانی شیخ از دست دشمن آزاد شد.





حدود ساعت هشت و نیم انفجار عظیمی در میدان امام نزدیک مخابرات به وقوع پیوست که در جماران صدایش به خوبی شنیده شد. خبر رسید که کامیون حامل تی.ان.تی در مقابل مسافرخانه‌ای منفجر شده که گویا یکصدو پنجاه کیلو مواد منفجره داشته است. یک مسافرخانه پنج طبقه به کلی ویران شده و چند مسافرخانهٔ دیگر آسیب دیده، صدها نفر مجروح و ده‌ها نفر کشته شده‌اند. مخابرات هم آسیب دیده و گویا برق قطع شده است. احتمالاً ستون پنجم عراقند که در جواب حمله دیشب عمل کرده‌اند. عصر به مشاهده فیلم مصاحبه بیست‌ونه نفر از افراد [گروهکهای] محارب تائب پرداختم.

شنبه ۱۰ مهر

اول صبح از نخست وزیری، خبرگزاری جمهوری اسلامی و وزارت کشور درباره انفجار دیشب توضیح خواستم. نخست‌وزیر درباره اعلام عزای عمومی مشورت کرد که به خاطر فتح و پیروزی، قرار شد که امروز اعلام نشود.

از آقای [علی اکبر]ناطق[نوری] راجع به تلف شدن دوسه میلیون ماهی قزل آلا در اثر نشت مایعات زباله‌های شهرداری در جاجرود توضیح خواستم. گفتند که دارند رسیدگی می‌کنند. مقدار زیادی از وقتم صرف مطالعه مکاسب محرمّه برای خطبه نماز جمعه شد.

ظهر با آقای رئیس جمهور مهمان احمد آقا بودیم. امام هم تشریف آوردند و با ایشان نماز خواندیم و ناهار خوردیم. امام به خاطر ممنوعیت نمک و قند، غذای مخصوص داشتند. جلسه خیلی با صفا بود. قبل از غذا و ضمن غذا، درباره مسایل متعددی با امام صحبت کردیم. قبل از آمدن امام و بعد از آن، خودمان درباره وضع حزب توده و خطرهای آن، ضعف سیاسی ایدئولوژیک ارتش و نیروی هوایی، ضرورت شرکت آقای خامنه‌ای در جلسات [هیأت] دولت برای جلوگیری از بروز اختلاف بین وزرا، جنگ و چیزهای دیگر بحث کردیم. ساعت چهارونیم آقای خامنه‌ای رفتند.

آقای محسن رضایی آمد و از روی نقشه، عملیات مسلم بن عقیل راکه در آن ارتفاعات غرب سومار و مشرف بر مندلی عراق آزاد شده بود، توضیح داد. از امداد الهی، برنامه‌های آینده و ... گفت. شب به خانه آمدم و به مطالعه پرداختم. خانم شهید بهشتی تلفن کرد و درباره حل مسئله

مالیات بر ارث ـ که چیزی جز خانه مسکونی نیست ـ صحبت کرد.

یکشنبه ۱۱ مهر

صبح زود به دندان پزشکی رفتم. آقای دکتر شیرازی به خاطر عدم اطلاع مجدد ـ که می‌بایست دیروز بدهم ـ حاضر نبود. به میدان امام رفتم و محل انفجار روز جمعه را دیدم. خیلی خرابی به بار آورده، تمام شیشه‌های ساختمان‌های اطراف میدان امام شکسته، تعدادی از ساختمان‌ها خراب شده و صدمات کاری به مخابرات وارد آمده است. سپس به مجلس رفتم. خواندن گزارش‌ها، دیدار با نمایندگانی که از مکه برگشته بودند و امضای برنامه دستورات هفته وقت را گرفت.

به دفتر رئیس جمهوری رفتم. در جلسه‌ای با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، نخست وزیر و وزیر علوم در خصوص اختلافات آنها شرکت کردم. قرار شد که ضوابط را ستاد معین و وزارت علوم اجرا کند.

سرهنگ [علی]صیاد[شیرازی] گزارشی از پیروزی‌ها داد و معلوم شد که اسرای عراقی صدوهشتادوسه نفر هستند. ناهار را در مجلس خوردم و پس از نماز و استراحت، ملاقاتی با مسئولان سازمان بهزیستی داشتم که از موفقیت‌هایشان در اداره چهل هزار خانواده بی‌سرپرست و ششصد روستایی از کار افتاده و بچه‌های بی‌سرپرست و خانم‌های تحت ارشاد و... گفتند.

از اداره دوّم ارتش آمدند و از نفوذ انجمن حجتیه شکایت داشتند. شخصی چند سوژه اختراع در اختیار من گذاشت که جمهوری اسلامی از آنها استفاده کند. آدم مخلص و ساده‌ای بود و همراهش دو نفر بودند که از فشار مالیات و خطر قاچاق گفتند.

آقای مهدی مفتح [فرزند شهید دکتر مفتح] آمد و درباره کمک بنیاد شهید برای تقسیم ارث شهید مفتح مشورت کرد که به آقای [مهدی]کروبی ارجاع دادم. آقای [محمد علی]نادی نجف‌آبادی آمد و راجع به جنگ کردستان تذکراتی داشت. در جلسه شورای مرکزی حزب ـ که شب در دفتر آقای خامنه‌ای تشکیل شد ـ درباره تشکیلات حزب بحث بود.

دوشنبه ۱۲ مهر

صبح زود به مجلس رفتم. بعد از سه هفته تعطیلی، جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور درباره پیروزی، انفجار ناصر خسرو و شورای امنیت سازمان ملل که بناست امشب مسئله جنگ ایران و عراق را مطرح و رسیدگی کند صحبت کردم[1]. دوسه لایحه تصویب شد.

تا عصر گزارش‌ها را خواندم. یک هواپیمای ۱۳۰ c ارتشی را ربوده‌اند و به جنوب خلیج فارس برده‌اند. کشورها حاضر نیستند، رابیندگان را بپذیرند. در جبهه سلمان کش با دفع ضد حمله دشمن یکصد اسیر گرفته‌ایم. عراق و حامیانش حمله سیاسی شدیدی آغاز کرده‌اند که ایران را جنگ افروز و خودشان را صلح دوست معرفی کنند و ما باید مقابله کنیم. یکی از مدیران اداری مجلس از این که همسرش را به اتهام انجمنی بودن از معلمی اخراج کرده‌اند شکایت داشت. قرار شد که رسیدگی کنیم. عراقی‌ها با هواپیما به جمعی از نیروهای پشت جبهه حمله کرده‌اند و شصت‌وهفت نفر را شهید و صدوبیست نفر را مجروح کرده‌اند. شب به خانه آمدم و کمی اخبار حاجیان و وضع اداره حج را از عفت و فاطی که از مکه برگشته‌اند، گرفتم.

سه شنبه ۱۳ مهر

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. آقای [محمد علی]موحدی ساوجی در نطق پیش از دستور به نهضت آزادی و مهندس [مهدی]بازرگان به خاطر نامه سرگشاده‌ای که اخیراً به مـن نوشته‌اند و همه دستاوردهای انقلاب را منکر شده و اتهاماتی وارد کرده‌اند، تاخت و گروهی از تندروهای مجلس هم سروصدا راه انداختند، اکثریت نمایندگان با آنها هم صدا شدند و بـیرون رفتند. من رفتم و آنها را آرام کردم و به داخل تالار آوردم. قرار شد که عصر رسیدگی کنیم. چند لایحه تصویب یا رد شد. ظهر در دفترم کارها را انجام دادم و پس از نماز و استراحت جلسه هیئت

---

۱ ـ در این نطق درباره پیروزیهای رزمندگان اسلام و هیاهوی دشمنان و تحرک منافقین تحلیلی ارائه شد و در پایان به شورای امنیت سازمان ملل درخصوص تصمیم‌گیری درباره جنگ عراق با ایران تذکر و به حامیان عراق در بین دولت‌های عرب اخطار داده شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

رئیسه داشتیم. دستور هفتگی آینده را تعیین کردیم.

سپس جلسه حزب‌اللهی‌ها تشکیل و درباره نهضت آزادی بحث شد. حرف‌ها خیلی داغ بود و بالاخره من صحبت کردم و گفتم که آنها با خط امام اختلاف اساسی و بینشی دارند و ما نباید در این دام بیفتیم. آنها می‌خواهند که به عنوان محور مخالفان مطرح شوند و مایلند حرف‌ها به تریبون مجلس بکشد. آمریکا هم خیال می‌کند که اینها می‌توانند آلترناتیو خط امام باشند. ما باید غیر مستقیم عمل کنیم و از طرفی باید مخالف و اقلیت را تحمل کنیم. عمل صبح آقایان را محکوم کردم و مؤثر واقع شد.

تا ساعت هشت در دفترم کارکردم. سپس در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه مشورتی سران تشکیل شد. درباره شرایط صلح و کیفیت برخورد دکتر ولایتی در سازمان ملل صحبت کردیم. این روزها در محافل بین‌المللی بحث آتش‌بس و صلح داغ است و ما باید موضع مشخص و روشنی داشته باشیم. آقای نخست وزیر گفتند که ذخیره ارزی مرتب بالا می‌رود و راضی بودند. نامه‌ای از کانون مهندسین ایرانی مقیم خارج رسیده بود که خواستار ایجاد شرایط برگشت متخصصان ایرانی بودند و این که آنها از عدم حضور در ایران ناراحتند. قرار شد اقدام کنیم. فرمانده پایگاه حمزه آمد و از پیشرفت مبارزه با اشرار کرد گفت و نوید موفقیت‌های آینده را داد. خیلی کار کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۴ مهر

وزرا و بعضی از دوستان دیگر که برای تبریک به خدمت امام رفته بودند، صبح به دیدن من آمدند. نزدیک ظهر به زیارت امام رفتم. یاسر و مهدی و صادق هم بودند. با امام عکس گرفتیم و امام یک تسبیح شاه مقصود به من عیدی دادند[۱].

عصر عقد ازدواج یکی از محافظانم (آقای دهقان) را انجام دادم. احمد آقا آمد و اطلاع داد که امام یک میلیون تومان برای دانشگاه آزاد داده‌اند. اعتراضاتی را که علیه آقای محمد علی صدوقی از سوی بعضی از یزدیها شده بود، رسیدگی کرده بود و گفت که خیلی درست نیست و رفع شده

---

۱ - این تسبیح را تا چند ماه پیش نگه داشته بودم. متأسفانه روزی که برای افتتاح نمایشگاه قرآن به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رفته بودم، مفقود شد.

است.

اول شب هم احمد آقا باز تلفن کرد و گفت، رادیو اسرائیل گفته است که عراق مدعی است ارتفاعاتی که اخیراً از دست داده، پس گرفته است ولی مسئولان نظامی ما گفته‌اند که صحیح نیست. احتمالاً عراق این خبر را برای خنثی کردن اعترافات خبرنگاران خارجی که امروز از جبهه دیدار کرده‌اند، مطرح کرده است. همشیره زاده‌ها شب برای دیدن از حج برگشته‌های منزل آمدند. امروز آشنایان مرتباً به دیدن آنها می‌آمدند.

پنجشنبه ۱۵ مهر

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. آقای [اسدالله]بیات از مذاکرات مرموز دکتر [ابراهیم]یزدی در سفر حج می‌گفت. عده‌ای از نمایندگان در صدد اعلام جرم علیه نهضت آزادی بودند. جو تندی حاکم است. عده‌ای نیز جلسه رسمی غیر علنی می‌خواستند که منصرفشان کردم.

عصر گروهی از علمای سنّی کرد آذربایجان غربی آمده بودند که برایشان صحبت کردم*. یکی از مدیران اداری مجلس، همسرش را که به خاطر انجمنی بودن از معلمی اخراج شده بود، آورد و شکایت داشت و حق دارد. ساعت هشت شب به خانه آمدم.

عفت به عروسی آقای مهدی مفتح رفته بود. آشیخ حسین هاشمیان آمد و گزارش سفر هیئت را به اروپا داد که در رابطه با مؤسسات تکمیلی مجتمع مس سرچشمه بوده است. در مورد استفاده از گاز SO_2 و انواع تعاونیها در کرمان خبر داد که وام می‌خواستند. طرح‌های خوبی دارند که باید کمکشان کرد تا مجتمع‌های صنعتی، دامداری و کشاورزی و.... برای تشویق تولید و صدور ایجاد شود.

جمعه ۱۶ مهر

ساعت ده ونیم برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. باران سیل آسا می‌بارید و عده‌ای از مردم زیر باران بودند. آقای [مهدی]کروبی در سخنرانی پیش از نماز به نهضت آزادی به خاطر نامه سرگشاده‌اش حمله کرد و از نقاط ضعف آنها خیلی تند گفت. به خاطر باران خطبه‌ها را کوتاه

کردم[1]. خبر رسید که پلیس سعودی دیشب به زوار ایرانی مدینه در دعای کمیل و سپس به محل بعثه امام حمله کرده، عده‌ای را مجروح و مصدوم کرده است. در خطبه از عمل آنها انتقاد کردم[2].

و در یک خطبه هم خط تبلیغات جهانی امپریالیسم برای جنگ طلب معرفی کردن ایران را فاش کردم و خواسته‌های عادلانه خودمان را گفتم. شب احمد آقا آمد و خبر از برداشتن مخالفت امام با استیضاح وزیر مسکن به شرط این که مسری نباشد، داد و از پرداخت یک میلیون تومان به دانشگاه آزاد که قبلاً امام وعده داده بودند.

شنبه ۱۷ مهر

تمام روز در خانه بودم و مطالعه می‌کردم. همسر امام و خانواده‌های شهید بهشتی و آقای خامنه‌ای و شهید مطهری و... به دیدن عفت آمده بودند. برای پرداخت پول به دانشگاه آزاد و معرفی وزرای سپاه و ارشاد و بهزیستی تلفنی با نخست وزیر صحبت کردم. قرار شد که آقای [محسن]رفیق دوست را برای سپاه معرفی نماید و خبر داد که سیل در بخشی از محلات جنوب تهران خسارت وارد کرده، تلفات جانی هم داشته است[3]. راجع به طرح استیضاح وزیر مسکن در مجلس، قرار شد که مشورت شود.

با وزیر معادن درباره تسریع در تعیین مدیر عامل برای معادن زغال سنگ منطقه کرمان صحبت کردم و با وزیر بهداری برای رسیدگی بیشتر به آقای طالبیان مدیر آموزش و پرورش نهاوند که

---

۱ - در این خطبه‌ها ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام (اقدام برای تأسیس بانکهای غیر ربوی، اخلاص در معامله، آفات کم فروشی، حرمت فساد در معامله) و همچنین مباحث سیاسی روز شامل توطئه‌های دشمن، شرایط صلح با صدام و هشدار به سازمان ملل متحد مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۲ - "در عربستان سعودی، دیشب با زوار ما چه کردند؟ آن بی‌حیثیت‌ها که خودشان را میزبان مسلمانها می‌دانند ـ و باید باشند ـ و حاجی‌ها را "ضیوف الرحمان" می‌دانند، وقتی مسلمانهای ما در قبرستان بقیع جمع شدند که شب جمعه دعای کمیل بخوانند، آیا باید شرطه‌هایشان و سربازهایی که از عراق یا جاهای دیگر گرفته‌اند، بریزند آنجا و ایرانیها را بزنند، مجروح کنند، آمبولانسها را خرد کنند، در مطبها را ببندند؟" رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد سوم صفحه ۱۰۱" دفترنشرمعارف انقلاب

۳ - سیل تهران به نوشته مطبوعات پنج کشته، دهها مجروح و صدها خانه ویران برجای گذاشت.

تصادف کرده و بستری شده است و با وزیر دفاع نیز برای مراقبت مستقیم در مذاکراتی که با یک انگلیسی برای فروش اسلحه و قطعات اف ۱۴ ،اف ۴ و اف ۵ در جریان است. او ادعای امکانات زیادی دارد و ممکن است که برای کسب اطلاع آمده باشد.

ظهر خبر رسید که آقای [سید محمد]موسوی خوئینی‌ها نماینده امام در حج را از عربستان اخراج کرده‌اند. خیلی جسارت‌آمیز عمل کرده‌اند. یک هفته است که باران‌های شدیدی با رعد و برق، در تهران و بسیاری از نقاط کشور می‌بارد و چون در این فصل معمولاً چنین بارانی نبوده، غافلگیر شده‌ایم و خرابی‌هایی به بار آمده است.

یکشنبه ۱۸ مهر

صبح زود به دندان‌پزشکی رفتم. ساعت هشت به مجلس رسیدم. آقای [محمد]یزدی جلسه را شروع کرده بود. طرح وزارت اطلاعات مطرح بود که تمام نشد. به دفتر رفتم، کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. جو تبلیغاتی دنیای عرب و غرب این است که ایران را جنگ طلب و افراطی معرفی کنند. کشورهای غربی که می‌خواهند به صدام کمک کنند، با همین موضع‌گیری‌ها نقش ایفا می‌کنند.

ظهر شرکت سازنده خانه‌های پیش ساخته برای مذاکره درباره خانه‌هایی که برای مجلس می‌سازد، آمده بود. در کنار مجلس قدیم شورا در زمین‌هایی که رژیم گذشته برای خانه نمایندگان در نظر گرفته بود، مشغول ساختن خانه برای نمایندگان هستیم. از لحاظ رفاه و امنیت لازم است.

آقای مصطفی تبریزی نماینده بجنورد آمد و راجع به فشار بر افرادی که در گذشته تمایلی به گروه امت و... داشتند، گله داشت و از خطر راست گرایان می‌گفت و درباره تحقیق در خصوص وضع مالکیت زمین در تاریخ ایران مشورت کرد.

گروهی از مسئولان سواد آموزی خراسان عصر آمدند و راجع به طرح جدید آقای [محسن]قرائتی نماینده امام در نهضت سواد آموزی اعتراض داشتند. این طرح براساس مقاطعه است؛ یعنی در مقابل هر بی‌سوادی که باسواد شود مبلغی به جای حقوق منظم به معلم داده می‌شود.

اول شب در شورای مرکزی حزب جمهوری[اسلامی] شرکت کردم. بحث درباره جایگاه روزنامه حزب بود که تحت اشراف کدام واحد حزب باشد: تبلیغات، هیئت اجرایی، شورای

مرکزی یا مستقل. بحث پخته شد اما تمام نشد.

آخر شب به خانه آمدم و تلفنی با رفسنجان برای ازدواج محسن با دوشیزه اعظم هاشمی، با پدرش علی آقا هاشمی صحبت کردم. قرار شد که عفت به رفسنجان برود و اعظم را بیاورد تا قبل از محرم عقد خوانده شود. از این ازدواج راضی هستم. اعظم دختر خوبی است. با محسن هم تلفنی صحبت شد. او خیلی عجله دارد و حق هم با اوست. می‌گفت که چون آقای [حسینعلی]منتظری سفارش کرده‌اند، ازدواج می‌کند.

دوشنبه ۱۹ مهر

طبق معمول بچه‌ها ساعت هفت و نیم به مدرسه و فائزه به کلاس کنکور رفتند. با دفترم تماس گرفتم که بلیط هواپیما برای عفت که می‌خواهد برای آوردن عروس به رفسنجان برود، رزرو کنند. قرار شد که فردا صبح بروند.

ظهر احمد آقا آمد؛ مطلب مهمی نداشت. عصر گروهی از پاسداران اهالی نوق و رفسنجان که پاسدار بیت امامند آمدند و از این‌که در تمام مدت پنج ماه ـ که اینجا هستند ـ موفق نشده‌اند، دست امام را ببوسند، گله داشتند.

اول شب ابوهشام [سید حسین موسوی]از سران اسلام‌گرای امل لبنان با جمعی از همراهانش آمدند. راجع به آینده و تکلیف خودشان سؤال داشتند. نگرانند که ارتش لبنان برای تصفیه در بقاع حمله کند. در این باره تلفنی با آقای خامنه‌ای مشورت کردم و قرار شد، به آنها گفته شود که اگر قدرت مقاومت ندارند، مقاومت مسلحانه نکنند. می‌خواستند که نماینده امام یا مرجعی که جمهوری اسلامی معین می‌کند، مرجعیت حل اختلافات و تصمیم‌گیری‌ها در این مرحله از لبنان باشد که مبارزه یا سکوتشان با حجّت شرعی باشد.

با آقای [محمد]سلامتی وزیر کشاورزی درباره تصمیم انتقال کشتارگاه مغان به اردبیل صحبت کردم. دلیل را توضیح داد. به آقای [محمد علی]شرعی که معترض بود گفتم. با رئیس بانک مرکزی راجع به دادن وام به تعاونی‌ها صحبت کردم.

سه شنبه ۲۰ مهر

ساعت هشت به مجلس رفتم و کمی دیر رسیدم. آقای [مهدی]بازرگان نوبت نطق قبل از دستور داشت و در غیاب من نگران حوادث بودند. با رسیدن من راحت شدند. خوشبختانه ایشان دور اندیشی به خرج داد و از نطق منصرف شد. طرح وزارت اطلاعات علیرغم مخالفت سپاه پاسداران با اکثریت بیش از دوسوم در شور اول تصویب شد[1].

در تنفس با آقای [سیدمحمد موسوی]خوئینی‌ها که از عربستان اخراج شده، درباره حوادث آنجا صحبت کردم. ظهر آقای [ ]موسوی تبریزی راجع به کمک‌هایی که بعد از انقلاب، از طریق ایشان به علمای اهل سنت منطقه خراسان و مدارس علمیه آنها شده گزارشی داد و قرار شد که برای ایجاد مدرسه عالی علمیه و برنامه بهتر تلاش کنند. عصر مصاحبه‌ای با تلویزیون درباره برنامه پنج‌ساله داشتم. گروهی از دماوند آمده بودند که راجع به اختلاف امام جمعه‌های دماوند و رودهن بگویند. آقای فؤاد کریمی آمد و راجع به طرح‌های بانک اسلامی صحبت کرد.

آقای رئیس جمهوری آمدند و راجع به تعقیب پرونده و اطلاعات عوامل روسیه[2] و کیفیت برخورد با قانون حفاظت کارخانه‌ها که اخیراً متوقف شده و خبرهای دیگر بحث کردیم. سپس شورای عالی دفاع تشکیل شد. معلوم شد که از ابتدای عملیات مسلم بن عقیل تاکنون حدود پانصد شهید و دووهزارپانصد مجروح داشته‌ایم. امروز هم دو حمله عراق دفع شده و گروهی اسیر گرفته‌ایم. درباره درخواست‌های مبارزان شیعه لبنان هم تصمیم گرفتیم، خودشان می‌خواهند

---

۱ - وزارت اطلاعات با هدف کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات ضدجاسوسی و بدست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. قانون تشکیل این وزارتخانه در تاریخ ۶۲/۵/۲۷ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید. پیش از تشکیل وزارت اطلاعات، واحدهای امنیتی در نهادهای مختلف مانند نخست وزیری، سپاه پاسداران، کمیته‌های انقلاب اسلامی، دادستانی و ... وجود داشت. تمرکز این واحدها و لزوم استفاده بهینه از امکانات موجود، تأسیس وزارت اطلاعات را موجب شد. علت مخالفت سپاه پاسداران، این بود که سپاه طبق قانون اساسی صیانت از انقلاب اسلامی در برابر توطئه‌ها را از وظایف خود می‌دانست و "حفاظت و اطلاعات سپاه" را برای ساماندهی امور امنیتی کشور کافی می‌دید، اما این طرح علیرغم نظر سپاه به تصویب مجلس و شورای نگهبان رسید.

۲ - این پرونده در نهایت در بهار سال بعد (۶۲) به نتیجه رسید و سران حزب توده ایران به اتهام جاسوسی به نفع شوروی محاکمه شدند.

شورائی تشکیل دهند که مرجع تصمیمات باشد. درباره امکانات دانشکده خلبانی و دفاع هوایی از قم و... بحث و تصمیم‌گیری شد. در خاتمه من مصاحبه کردم*.

چهارشنبه ۲۱ مهر

با آقای [محمد محمدی]ری‌شهری در مورد پرداخت پول گرفته شده از آقای [سیدکاظم]شریعتمداری که به دستور امام، قرار بود به حزب جمهوری [اسلامی] داده شود، تلفنی صحبت کردم. معلوم شد که در مصارف دیگر من جمله دفتر تبلیغات[اسلامی] قم و خانواده‌های اعدام شدگان صرف شده است.

عصر بچه‌ها و خانواده عروس از رفسنجان آمدند. حسن هاشمی هم که با جمعی دیگر با بورس دولت لیبی از طرف حزب جمهوری [اسلامی] برای تحصیل به لیبی رفته‌اند، آمد. از راه زمین آمده و مدت دوماه در راه بوده و سیاحت می‌کرده است. مقدار زیادی از وقت را به مطالعه بحث اقتصادی کلاس مواضع حزب جمهوری[اسلامی] گذراندم. قرار است که به زودی مجدداً شروع شود.

پنجشنبه ۲۲ مهر

صبح زود به مجلس رفتم و صبحانه را در مجلس خوردم. لایحه شورای عالی درمان و بهداشت رد شد و لایحه اصلاح مالیات‌های مستقیم مطرح شد. ظهر اعضای کمیسیون‌های خارجه و دفاع آمدند و راجع به سیاست جنگ با آنها صحبت کردم. اکثرشان قانع و راضی‌اند و بعضی هم حرف داشتند. خبر رسید که عراق با موشک یا با بمب به جزیره خارک حمله کرده و سه منبع نفت آسیب دیده است. ولی آتش خاموش شده و بارگیری نفت ادامه دارد. درباره برنامه پذیرایی از رئیس مجلس کره[شمالی] که به زودی به دعوت من می‌آید، مذاکره کردم.

دکتر یعقوبی رفسنجانی از بانک مرکزی آمد و پیشنهاد پایین آوردن قیمت ریال در مقابل ارزهای خارجی و انتشار پول اسلامی را ـ که همراه تورم نوسان داشته باشد ـ داد. بنا شد که بررسی کنیم. آقای قائمی مسئول انتظامات سپاه در مجلس آمد و راجع به مسایل لبنان و ارسال کمک

صحبت کردم. خانمی از کارمندان مجلس که شوهرش به اتهام همکاری با ضدانقلاب بازداشت است، آمد و کمک خواست. با احمد آقا راجع به کارهایی که خدمت امام داریم و تعیین وقت اجرای صیغه عقد ازدواج محسن صحبت کردم.

جمعه ۲۳ مهر

تمام روز در منزل بودم. نماز جمعه را آقای امامی [کاشانی] اقامه کردند. بعد از ظهر خبر رسید که آیت‌الله اشرفی [اصفهانی] امام جمعه کرمانشاه را به شیوه ترور شهدای محراب مدنی و صدوقی در محل نماز جمعه با نارنجک شهید کرده‌اند. متأسفانه به خاطر ضعف محافظت‌ها چهار شخصیت عظیم‌القدر را با یک شیوه از ما گرفتند.

امروز بیشتر وقتم به مطالعه گزارش‌هایی که از یک منبع روسی پناهنده به غرب در مورد فعالیت‌های جاسوسی روس‌ها در ایران از طریق سفارت، کا.گ.ب[1] و حزب توده و... رسیده است، گذشت. امروز خبر تازه مهم دیگری نداشتیم. عصر با آقای خامنه‌ای درباره شورای مرکزی ائمه جمعه و... تلفنی صحبت کردم.

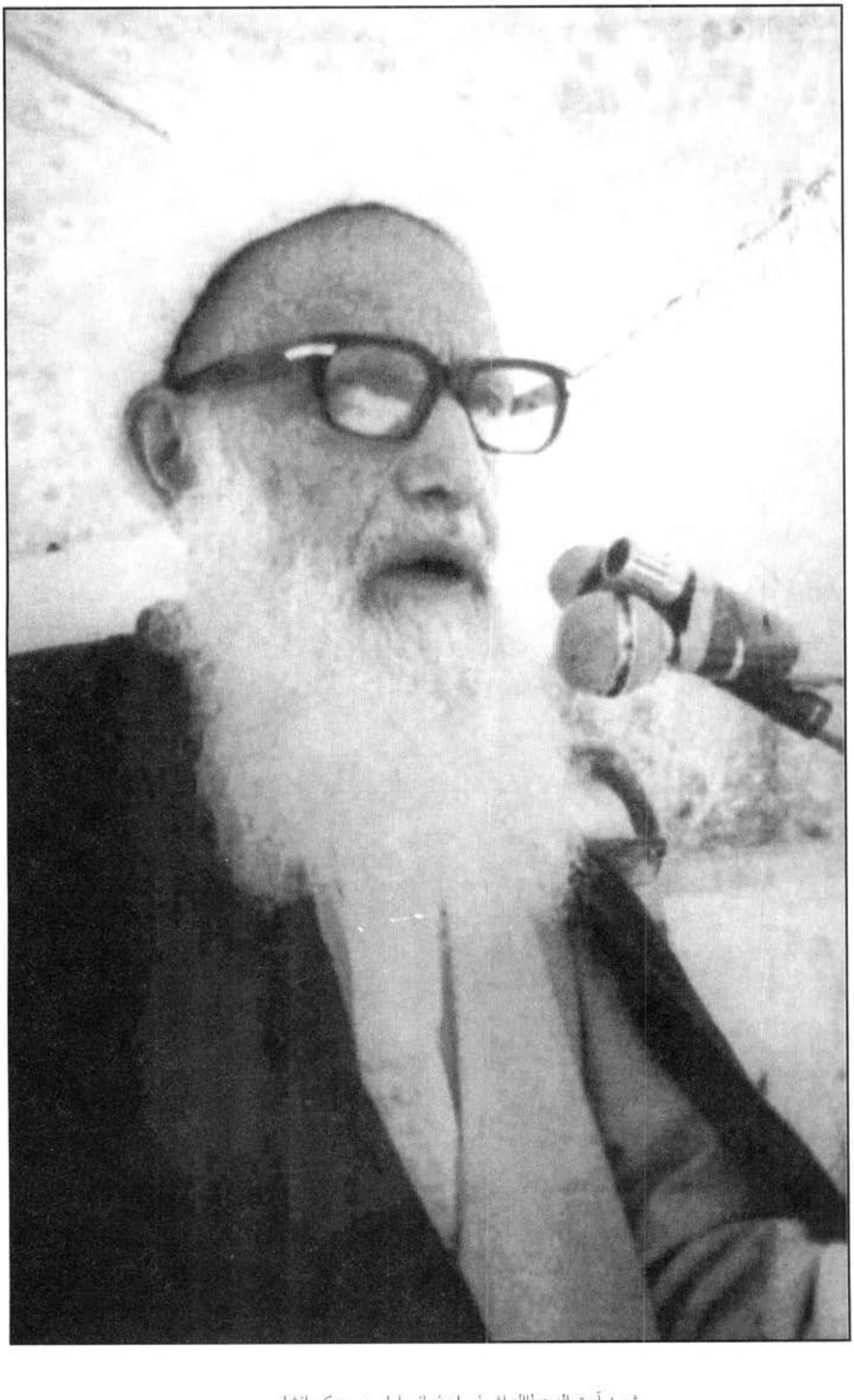
امروز عصر فیلم مصاحبه خسرو قشقایی را که اعدام شده گذاشتند. صریحاً اعتراف کرد که با هدایت آمریکایی‌ها عمل می‌کرده، با اشاره بنی‌صدر با آنها ارتباط برقرار کرده و با گروهک‌ها مخصوصاً منافقین همراه و شریک بوده‌اند که آنها سه قرص سیانور به او هدیه کرده‌اند و در راه فرار به خارج دستگیر شده است.

شنبه ۲۴ مهر

ساعت هشت با اعضای خانواده و بستگان برای عقد ازدواج محسن با اعظم هاشمی خدمت امام رفتیم. من به وکالت از طرف محسن و امام به وکالت از طرف عروس صیغه عقد را خواندیم و فاطی با ضبط صوت ضبط کرد. قرآن جزء مهر را امام امضا کردند و قدری نصیحت کردند و

---

۱ ـ کا.گ.ب سازمان جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی بود که با فروپاشی این کشور، منحل شد.



شهید آیت اله عطااله اشرفی اصفهانی امام جمعه کرمانشاه

حسین‌آقا مرعشی هم شعری که در رثای شهید صدوقی گفته بود، خواند. سپس به خانه آمدیم و هدایای عروس را دادیم.

با مجلس تماس گرفتم که دوسه نفر از نمایندگان به نیابت از من برای شرکت در مراسم تشییع جنازه شهید اشرفی[اصفهانی] به باختران[1] بروند. جمعی از بستگان که خدمت امام نرسیدند، گله داشتند ولی خودشان دیر آمدند. جمعی از بستگان برای ولیمه ناهار را مهمان ما بودند.

بعد از ظهر برای استقبال از رئیس مجلس کره شمالی که با دعوت من به ایران آمده به فرودگاه رفتم. مراسم استقبال رسمی انجام شد و مهمانان را به هتل استقلال رساندم.

سپس در دفتر آقای خامنه‌ای در جلسه‌ای شرکت کردم که دکتر ولایتی گزارش سفرش را به نیویورک و از ملاقات‌هایش با پانزده وزیر خارجه گفت. وی تأکید کرده که خسارت جنگ باید به ما داده شود و فعلاً الجزایر در تلاش است که نظر ما را جلب کند. به نظر می‌رسد در صدد فریبکاری باشند.

در مجلس مذاکره رسمی با میهمانان کره‌ای داشتیم. دو طرف از موفقیت‌های کشور خود و نقاط مشترک گفتند. همان جا خوابیدم.

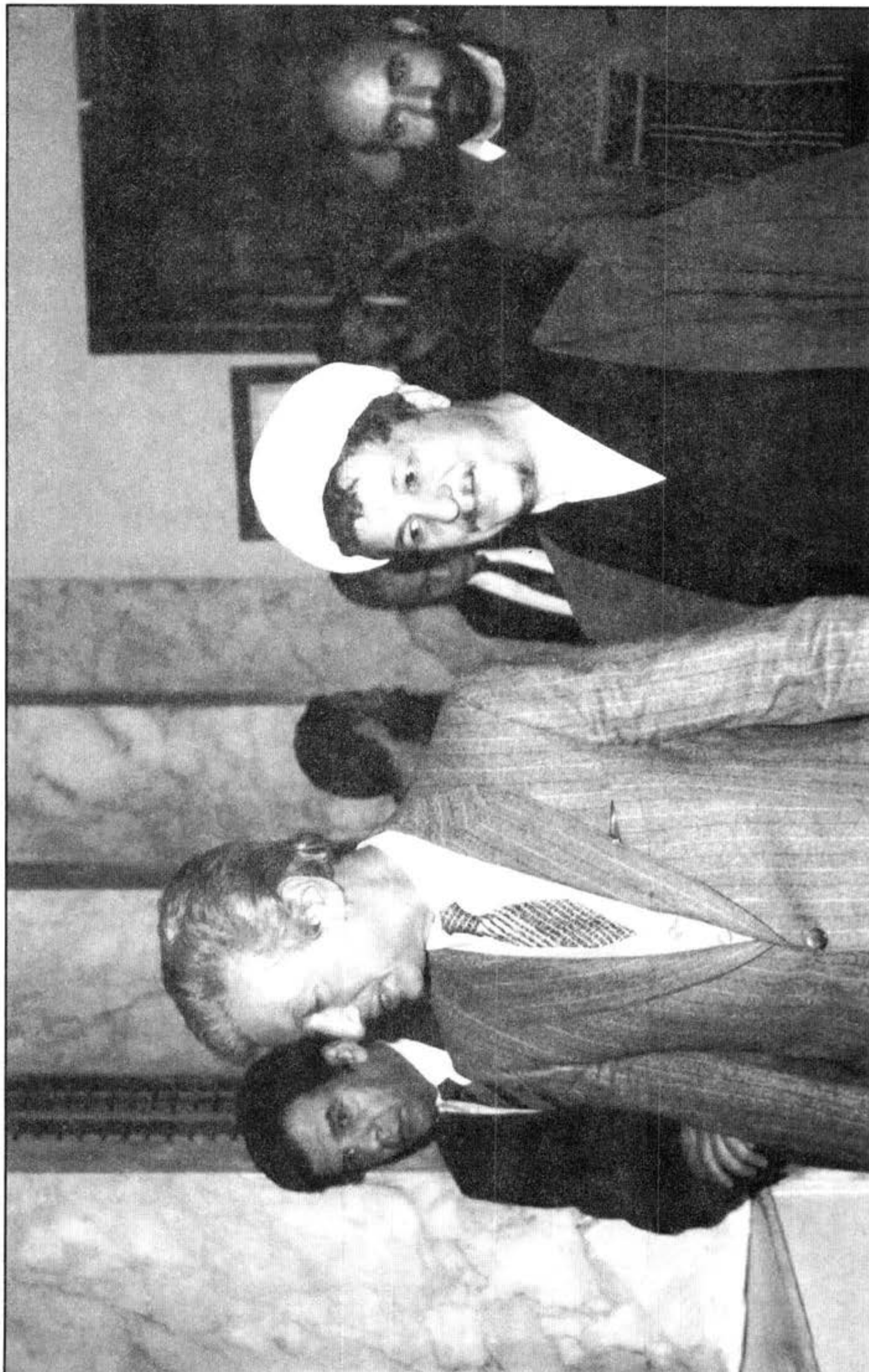
یکشنبه ۲۵ مهر

پس از نماز، تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم و سپس به جلسه علنی رفتم. قبل از دستور درباره شهادت آیت‌الله اشرفی[اصفهانی] صحبت[2] و اعلام کردم که در جلسه فاتحه مسجد شهید مطهری شرکت می‌کنیم. لایحه اصلاح مالیات‌ها مطرح بود؛ تمام نشد. عده‌ای از نمایندگان نامه‌ای امضا کردند که ایران سهم آمریکا را در سازمان جهانی انرژی اتمی که به خاطر اخراج اسرائیل قطع کرده، پرداخت نماید.

---

۱ - کرمانشاه فعلی

۲ - در این نطق ایشان درباره فضایل اخلاقی و سیاسی آیت‌الله اشرفی اصفهانی و اهمیت نمازهای جمعه و لزوم برخورد با منافقین و پاسخ دندان‌شکن به استکبار جهانی در جبهه‌های نبرد مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



ظهر با تعدادی از نمایندگان در دفترم ملاقات داشتم. سفیرمان در کره شمالی آمد و از نقاط ضعف و قوت آن کشور گفت. پدر شهید [محمدتقی]بشارت [نماینده سمیرم] آمد و راجع به حقوق بازماندگان شهید مطالبی داشت. پس از استراحت بعد از ظهر گروهی آمدند و از فشاری که بر مدارس خصوصی اسلامی وارد می‌شود، گله داشتند. سپس وزیر و گروهی از مدیران کل وزارت نیرو آمدند، گزارشی از برنامه و اقدامات خود دادند که جالب بود و من هم صحبت کردم*. بچه‌های شاخه دانش آموزی حزب آمدند و راجع به سازماندهی حزب که مطرح است، تذکراتی داشتند. سپس در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم.

قبل از ختم جلسه به هتل استقلال (هیلتون سابق) محل ضیافتی که به افتخار رئیس مجلس کره ترتیب داده بودیم، رفتم. هیئت رئیسه و رؤسای کمیسیون‌های مجلس هم آمده بودند. من و رئیس مجلس کره صحبت کردیم. بیشتر روی مبارزه با امپریالیسم در سطح جهانی صحبت کردم*. آخر شب به خانه آمدم. فیلم ملاقات امروز امام با وعّاظ و علما را دیدم. آقای [عباس]کوثری روضه خوبی خواند. گریه کردم.

دوشنبه ۲۶ مهر

شوفاژ منزل معیوب است. کمی وقت صرف آن کردم که درست نشد. اخبار صداوسیما از موفقیت‌هایی در کردستان علیه ضدانقلاب خبر داد. چند خاطره عقب افتاده را نوشتم. احمد آقا تلفنی خبر داد که خبرگزاری‌ها از ازدواج مسعود رجوی با [فیروزه]دختر بنی‌صدر خبر داده‌اند که تفسیرهای گوناگونی دارد.

عصر با هیئت کره‌ای در مجلس ملاقات داشتم. مذاکرات رسمی بود و رئیس مجلس کره از وضع ایران، پیشبرد انقلاب و روحیه انقلابی مردم، وضع کار و روحیه‌ها در کارخانه ایران ناسیونال و تثبیت انقلاب ابراز رضایت کرد، پیشنهاد مخالفت با برگزاری اجلاس آینده بین‌المجالس در سئول پایتخت کره جنوبی داشت. تقاضای مذاکره خصوصی کرد ولی مطلب مهمی نداشت. پیشنهاد کرد که برای مبارزه با تروریسم از تجربیات آنها استفاده کنیم و من از او خواستم که تأکید کند، مسئولان کره به قراردادهای خود عمل کنند. شب در مجلس خوابیدم.



آقای عباس کوثری روضه خوبی خواند. گریه کردم.

سه شنبه ۲۷ مهر

صبح زود برای بدرقه هیئت کره‌ای به فرودگاه رفتم. قبل از حرکت کمی مذاکره شد و مراسم و تشریفات رسمی بدرقه به عمل آمد. مصاحبه‌ای انجام دادیم* و به مجلس برگشتم. جلسه علنی داشتیم. لایحه اصلاح مالیات مطرح بود. در تنفس با دانشجویان اخراجی از آلمان مذاکره کردم.

آقای [محمد]یزدی نایب رئیس ظهر به دفترم آمد. راجع به ضعف عملکرد دیوان محاسبات، مشکلات کارمندان مجلس و عدم توجه کارپردازان، مسئله اموال شرکت طاهر و پولهای تولیت[1] - که در لندن مانده است - مذاکره شد. آقای [عباس]دوزدوزانی هم آمد و از عملکرد هیئت‌ها در بین‌المجالس و خیلی چیزهای دیگر انتقاد داشت.

عصر نمایندگان صلیب سرخ جهانی آمدند و از مشکلات کارشان گفتند و من هم از ضعف عملکرد آنها در عراق و در زندان‌های اروپا ـ از جمله شکنجه دانشجویان ما در زندان آلمان و ... گفتم.

سفیرمان در لبنان آقای [فخر]روحانی آمد و از برخورد وزارت خارجه گله داشت، گزارش‌هایی داد و می‌خواست بگوید که اگر ما با چپی‌های لبنان و فلسطین همکاری می‌کردیم، فلسطینی‌ها از بیروت نمی‌رفتند و معتقد بود که بشیر جمیل را اسرائیلی‌ها کشته‌اند؛ برعکس نظرات رایج. شورای مرکزی جهاد آمدند و راجع به اساسنامه جهاد بحث داشتند.

رئیس جمهور آمدند؛ در جلسه سه‌شنبه نمایندگان با نخست وزیر شرکت کرده بودند، وگفتند که جو تندی علیه دولت بوده. شب جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز داشتیم و درباره مجلس خبرگان بحث شد. پیشنهاد شده بود که ما و جامعه مدرسین [حوزه‌علمیه قم] کاندیدا ندهیم ولی تصویب نشد. راجع به هیئت اجرایی هم بحث شد و چند نفر جدید انتخاب شدند. آخر شب به خانه

---

۱ - مرحوم ابولفضل تولیت در سالهای پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نماینده مردم قم در مجلس شورای ملی بود و نیابت تولیت آستان حضرت معصومه در قم را نیز برعهده داشت. وی ارتباط میان دربار پهلوی و مراجع تقلید حوزه علمیه قم را نیز عهده‌دار بود. مرحوم تولیت در مقاطعی از نهضت اسلامی، به انقلابیون کمک می‌کرد که مشروح آن در کتاب "هاشمی رفسنجانی ـ دوران مبارزه صفحات ۱۷۵، ۲۷۲، ۲۸۲، ۲۸۴" آمده است. شرکت طاهر در واقع مؤسسه خیریه‌ای بود که با ثروت بجای مانده از وی تشکیل شده بود و دادگاه انقلاب درباره مصادره یا عدم مصادرهٔ آن شک می‌کرد.

آمدم.

چهارشنبه ۲۸ مهر

تا ساعت نه مطالعه کردم و سپس به دفتر امام رفتم. با آقای [محمدمحمدی]ری‌شهری و آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی و احمد آقا، برای رسیدگی به اموالی که از بیت‌المال در اختیار آقای [سیدکاظم]شریعتمداری بوده، جلسه داشتیم. قرار شد که اموال غیر منقول در اختیار شورای تبلیغات قرار گیرد و بخشی از اموال نقد (حدود سیزده میلیون ریال) با اجازه امام به حزب جمهوری [اسلامی] داده شود. آقای [محمد محمدی] ری‌شهری خبر از کشف شبکه مجاهدین خلق در ارتش داد که مسئول کشتار و ترور پادگان لویزان است و راجع به مسایل امنیتی و اطلاعاتی و دادگاه‌های انقلاب بحث شد.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. آقای [مرتضی]الویری آمد و راجع به استعفا از سازمان مجاهدین انقلاب[اسلامی] که پس از اختلافات، کارایی خود را از دست داده مشورت کرد. عصر جلسه هیئت رئیسه داشتیم. درباره تعیین دستور هفتگی، تعویق جلسه با هیئت دولت به خاطر معلوم نبودن دستور، انجام استیضاح وزیر مسکن، مسافرت خارجی نمایندگان و مراعات حال کارکنان مجلس و... تصمیم گیری شد.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای با سران سه قوه جلسه مشورتی داشتیم. درباره ترمیم کابینه، علاج گرانی و کمی کالاهای مورد نیاز مردم و شرایط صلح با عراق بحث کردیم. شام را مهمان رئیس جمهوری بودم. چلوکباب از بیرون آورده بودند. آخر شب به مجلس رفتم و خوابیدم. آقای [اسدالله]لاجوردی [دادستان انقلاب تهران] تلفن کرد و گفت که دادستان کل کشور پرونده انفجار نخست وزیری را به ایشان محول کرده، احتمالاً باید بعضی از افراد سطح بالای دولت به بازجوئی احضار شوند. گفتم، بدون اطلاع مسئولان اصلی اقدام نکنند. این یک اقدام مهم سیاسی ـ قضایی است که بی‌اطلاع مسئولان مملکت نباید انجام شود.

پنجشنبه ۲۹ مهر

قبل از جلسه علنی مطالعه کردم. در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد و وزیر بازرگانی به سؤالی درباره گرانی و کمبود کالا جواب داد و درباره غیبت غفور [صادقی] گیوی نماینده خلخال که به علت محکومیت به زندان چند ماه غیبت داشته، بحث و رأی‌گیری شد که تصویب شد در مجلس بماند. ظهر جلسه‌ای با بعضی از نمایندگان تهران داشتیم. بعد از ظهر کلاس مواضع حزب جمهوری [اسلامی] داشتم و ملاقاتی با پاسداران بخش تدارکات سپاه که برایشان صحبت کردم*.

شب شورای عالی دفاع داشتیم. درباره طرح دفاع از خارک بحث شد. مصاحبه‌ای انجام دادم* و ساعت دوازده به مجلس رفتم، شام خوردم و خوابیدم. دکتر مغاره‌ای آمد و تزریقی برای اصلاح جای جراّحی روی شکمم نمود. که مربوط به سوء قصد گروه فرقان است. کلوئید مانع اصلاح جای عمل است.

جمعه ۳۰ مهر

تا ساعت نه ونیم در مجلس مطالعه می‌کردم. گروهی از مجاهدان مؤمن لبنان آمدند و خبر وحدت سه گروه از علمای مجاهد، اتحادیه دانشجویان و مؤمنین امل را دادند و مشورت کردند. قرار است شورایی برای تصمیم‌گیری داشته باشند.

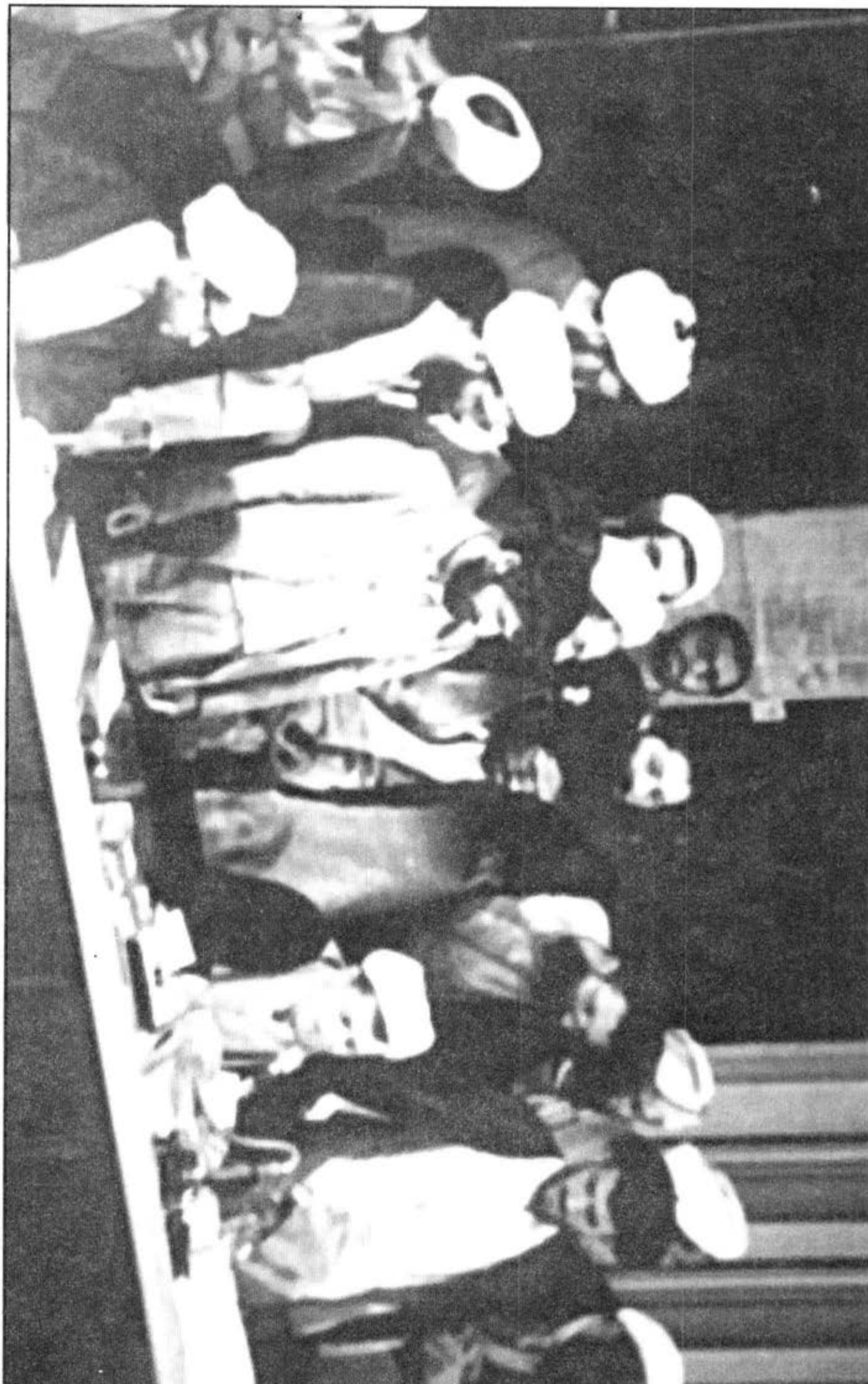
برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم[1] و ناهار به مجلس برگشتم. تا شب در مجلس بودم. آقای [محمود] کریمی نوری سرپرست بنیاد که از طرف نخست وزیر عوض شده، آمد و گله داشت، کمی ناراحتیش را تخفیف دادم و با نخست وزیر صحبت کردم. قرار شد که فردا در مراسم تحویل و تحول مطالبی گفته شود که حیثیت و خدمات ایشان محفوظ باشد. ساعت هشت‌ونیم به خانه آمدم. مهمان داشتیم، خانه خیلی شلوغ بود و من هم خسته به کتابخانه‌ام پناه بردم تا به نوشتن خاطرات و

---

۱ - در این خطبه‌ها علاوه بر ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام، درباره شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، دستاوردهای انقلاب اسلامی، دموکراسی اسلامی در ایران و اقدامات اقتصادی در جمهوری اسلامی به تفصیل بحث شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

مطالعه بپردازم.

آبان ۱۳۶۱



شنبه ۱ آبان ۱۳۶۱ ۵ محرم ۱۴۰۳ Oct. 23, 1982

تا ساعت سه بعد از ظهر در خانه بودم. فاطمه خانم باقیمانده غذای دیشب را برای ناهار گرم کرد. پاسدارها هم کمی از غذای خودشان که از سپاه آورده بودند به ما دادند. احمد آقا آمد و موافقت امام را با ملاقات نمایندگان گروه‌های اسلامی لبنان خبر داد و راجع به شرایط صلح با عراق مذاکره کردیم. امام گفته‌اند که با صدام صلح نمی‌کنیم ولی با شرایطی آتش بس و متارکه جنگ را می‌پذیریم. تلفنی با رئیس جمهوری مذاکره کردم که معلوم شد [احمد]سکوتوره[1] که بنا بود بیاید، خودش نیامده و در عوض وزرای خارجه چند کشور واسطه آمده‌اند و پیام آورده‌اند. قرار شد که بعد از ملاحظه پیام، در امر جواب مشورت شود.

ساعت سه ونیم به مجلس رفتم؛ کارهای اداری را انجام دادم و ملاقات‌هایی داشتم. جمعی از نمایندگان فرماندهان نظامی را به مجلس دعوت کرده بودند که درباره مخالفتشان با صلح مذاکره کنند. در مجلس گروهی می‌گویند که تا سقوط صدام و ایجاد حکومت اسلامی در عراق جنگ را ادامه دهیم[2].

اول شب در دفتر رئیس جمهوری با مسئولان اصلی کشور جلسه داشتیم. درباره گرانی و کمبود کالاهای مصرفی و سود توزیع بحث شد. نخست وزیر راههای علاج را که فکر کرده‌اند گفت و قرار شد که پس از رفع مشکل ارز ـ که تا حدی رفع شده ـ و تأمین امکانات خرید و بندر، کالاهای ضروری را به اندازه لازم وارد و توزیع کنیم. درباره کابینه هم بحث و قرار شد که آقای [محمد]خاتمی وزیر ارشاد شوند. آخر شب برای خواب به مجلس رفتم.

یکشنبه ۲ آبان

جلسه علنی داشتیم. اواخر جلسه را به آقای [محمد]یزدی سپردم و به دفتر آمدم. ظهر جمعی از

---

۱ ـ رئیس جمهور گینه و رئیس هیأت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی.

۲ ـ این گروه متأسفانه در چند سال اخیر به تصور ضعف حافظه تاریخی ملت، به تحریف واقعیت پرداخته‌اند و در نوشته‌ها و گفته‌های خود ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر را زیر سوال برده‌اند.

نمایندگان را در دفترم برای کارهایشان ملاقات کردم. آقای [حسن] کافی که مدتی قبل مورد سوء قصد تروریست‌ها قرار گرفته، سخت مجروح شده، آمد و وجهی برای خرید آمبولانس برای جبهه‌ها آورد و برای ادامه معالجه کمک می‌خواست. عقد ازدواج یک بسیجی را خواندم. فرماندهان ژاندارمری و سیاسی ایدئولوژی عصر آمدند و برای آنها صحبت کردم*. آنها هم گزارش کار سمیناری را که در سیستان داشته‌اند، دادند.

آقای [عباس]مظفر آمد و سناریوی فیلم نهضت جنگل را آورد که من بخوانم و نظر دهم. ضمناً گله‌هایی هم از منزوی شدن بعضی از نیروهای مخلص و فراوانی ناراضی‌ها داشت.

شورای مرکزی حزب داشتیم. شرح وظایف مطرح بود؛ جای دفتر سیاسی را مشخص کردیم. عده‌ای به نخست وزیر به خاطر عدم مشورت با شورا در انتخاب وزرای جدید اعتراض کردند. راجع به جایگاه و اعضای شورای استان هم بحث شد. آخر شب به مجلس رفتم. آقای خامنه‌ای نتیجه مذاکرات با میانجی‌های کنفرانس اسلامی را درباره جنگ گفتند. معلوم شد که پیشنهاد تازه‌ای نداشته‌اند و در نتیجه ما هم جواب رد دادیم. ایشان در مصاحبه‌ای میانجی‌ها را تحت تأثیر آمریکا معرفی کردند که لابد به آنها برمی‌خورد.

دوشنبه ۳ آبان

تا ساعت هشت مطالعه کردم. جلسه علنی داشتیم و بدون تنفس تا ظهر ادامه دادیم. پس از نماز و استراحت چند ملاقات انجام دادم. آقای [رضا]سیف‌اللهی و مسئولان اطلاعات مناطق ده‌گانه سپاه آمدند، گزارش کارشان را دادند و وضع موجود ضد انقلاب و امنیت را گفتند.

گروهی از مجله امید انقلاب آمدند و از این که به خاطر تخلف از دستور نماینده امام تنبیه و به دایره پرسنلی معرفی شده‌اند، گله داشتند؛ مقاله‌ای علیه آیت الله [سیدابوالقاسم]خوئی و انجمن حجتیه چاپ و با وجود منع آقای [محمدرضا]فاکر جداگانه منتشر کرده‌اند و نزد مسئولان از آقای فاکر و آقای [محمد حسن]طاهری خرم‌آبادی و آقای [علی]احمدی انتقاد کرده‌اند. قرار شد که رسیدگی کنم.

آقای [رضا]امراللهی مسئول انرژی اتمی آمد و گزارش کنفرانس سازمان جهانی را در اتریش داد و از این که خدمات هیئت ایرانی در اخراج اسرائیل از آن سازمان در ایران خوب منعکس نشده

است، گله داشت. باز از من برای حمایت از نیروگاه بوشهر قول گرفت.

آقای دکتر [عبدالله]جاسبی آمد و راجع به دانشگاه آزاد مذاکره کردیم. قرار شد که به زودی اولین واحد شروع شود. رشته‌ها، تعداد دانشجو و شرایط دانشجویان و... معین شد. واحد بعدی در مشهد خواهد بود. آقای میرخانی هم آمد و درباره امکاناتی که در رودهن دارند و می‌خواهند ـ مستقل یا کنار دانشگاه آزاد ـ از آن استفاده شود، کمک خواست. به خاطر اتهام وابستگی به انجمن حجتیه کارشان دشوار شده است.

جلسه‌ای با سران کشور و مسئولان صداوسیما داشتیم. از نقائص برنامه‌های تلویزیون و نفوذ چپی‌ها در تولید گفتند. تصمیماتی برای رفع کمبود تصاویر و فیلمها و تقویت پایه‌های اسلامی و اخلاقی گرفتند. جلسه مفید و مؤثری بود. شام را مهمان ما بودند. در مجلس ماندم.

ضمناً امروز ناهار را مهمان آقای [محمد مهدی]ربانی املشی همسایه مجلس بودم و درباره مدیریت بیت آیت‌الله منتظری بحث شد.

سه شنبه ۴ آبان

صبح زود آقای [محمدرضا]فاکر آمد و درباره تنبیه متخلفان مجّله امید انقلاب توضیحاتی داد. برای انتقال آقای [عباس]شیرازی از بازرسی کل کشور به سپاه مشورت کرد.

تا ظهر به کارهای اداری پرداختم. عراقی‌ها به دزفول و ایلام حمله هوایی کرده‌اند، بیش از بیست نفر را شهید و بیش از صد نفر را مجروح و صد خانه را خراب کرده‌اند. یک مقام عراقی گفته است، اسلحه‌ای در اختیار دارند که به زودی به کار می‌برند و یکصد هزار نفر را نابود می‌کنند. سلاح اتمی و شیمیایی هم نیست و چنین چیزی برای ما شناخته نیست. کمی بررسی و با مسئولان مذاکره شد. احتمال می‌رود که بلوف باشد؛ شاید هم واقعیت.

عصر گروهی آمدند و از فکر تکمیل نیروگاه بوشهر، انتقاد داشتند ولی نتوانستند مرا قانع کنند. دکتر ابتکار و مهندس سلطان‌زاده از جهاد هم بودند. آقای [محمدعلی]نظران هم آمد و راجع به ضعف فرماندهان نیروی هوایی و آینده اطلاعات گفت. آقای دکتر خوانساری و سروان دادفر از وزارت دفاع آمدند و گزارش سفرشان به اصفهان برای بررسی امکان استفاده از اختراع آقای طهماسبی جهت دفاع در مقابل حملات موشکی را دادند؛ حاضر نشده است که به اینها اطلاعاتی

بدهد. قرار شد که تعقیب شود. هم چنین ابتکارشان را در استفاده از رادار A.D.S4 کرج برای سایت هاگ‌های تهران مطرح کردند. موفقیت خوبی است که بتوانیم هاگ‌ها را فعال‌تر کنیم و مشکل کمبود قطعه را جبران کنیم.

مدیران عامل بانک تجارت و صنعت و معدن هم آمدند و راجع به حذف ربا و صنایع مصادره شده بحث کردند و نگران استفاده سرمایه‌داران از حذف بهره و برگشت صنایع به آنها بودند. شب در دفتر امام با فرماندهان سپاه جلسه داشتیم. امام فرموده‌اند که سپاه سازمان و نظم نظامی بگیرد و انضباط آهنین برقرار شود و سلسله مراتب به وجود آید. در این‌باره بحث کردیم و قرار شد که ابتدا زمینه سازی و سپس اقدام شود؛ لابد مخالفانی هم دارد.

آقای رئیس جمهوری تلفن کردند و از سوء قصد احتمالی به اینجانب در روز عاشورا خبر دادند که سپاه اطلاع داده است. قرار شد که مواظبت بیشتری بشود.

چهارشنبه ۵ آبان

پس از نماز مقداری در حیاط پیاده روی کردم و نوشتن خاطرات عقب مانده را جبران کردم. تا شب در خانه ماندم. احمد آقا آمد و با ایشان راجع به لزوم همکاری با مسلمانان مخلص فلسطینی و پذیرش مؤمنین آنها در ایران و دادن پایگاه تبلیغاتی به آنان صحبت کردم و قرار شد که با امام در میان بگذاریم. درباره انتخابات و جنگ هم مشاوره شد.

عصر عده‌ای از بچه‌ها به قم رفتند. بیشتر وقتم صرف مطالعه سناریوی فیلم نهضت جنگل شد. به نظرم رسید، از خیانت‌ها و کارشکنی‌ها و فرصت‌طلبی چپی‌ها و کمونیست‌ها ـ مخصوصاً حیدرعمواوغلی ـ غمض عین شده و حتی‌الامکان آنها را موجه جلوه داده است. از جنبه‌های مذهبی و اهداف اسلامی نهضت و میرزا کوچک‌خان کمتر نشان داده شده و میرزا آدم ساده و ایده‌آلیست معرفی شده است. انتقادها را یادداشت کردم. عصر بچه‌های مجلس یک جگر گوسفند، برایمان آورده بودند. فاطی، اعظم و مهدی از آن شامی ساختند و با پاسدارها خوردیم.

پنجشنبه ۶ آبان

بیشتر به مطالعه و استماع ذکر مصائب پرداختم. بچه‌ها برای شرکت در مراسم عزاداری و دیدن آشیخ حسین هاشمیان ـ که به علت سکته قلبی در بیمارستان قلب بستری است ـ رفتند. نواری را برای جواب دادن به سئوالات حزب جمهوری اسلامی شعبه یزد پر کردم؛ برای ثبت و حفظ تاریخ صحیح انقلاب، سی چهل سؤال از کسانی که مستقیماً در انقلاب شرکت داشته‌اند، نموده‌اند. ظهر بچه‌های اخوی و آشیخ محمد [هاشمیان] آمدند. ناهار را از حسینیه جماران که برای عاشورا خرج می‌دادند، گرفتیم و شام هم از همان‌ها خوردیم.

عصر آقای [محسن] دعاگو آمد و راجع به اختلاف نظر با آقای [سیدعلی اکبر] پرورش در خصوص محدود شدن گزینش و ارجاع اختیاراتش به مدیران کل صحبت کرد. آقای دکتر ولایتی هم آمد و راجع به اقدام جدید ایران در سازمان‌ملل درباره پیشنهاد اخراج اسرائیل ـ که شکست خورد ـ و راجع به بعضی کارکنان قدیمی سفارتخانه‌ها که پس از برکناری پناهنده می‌شوند و نیز کشورهای عربی و پاکستان و میانجی‌هایی که جدیداً می‌آیند، صحبت کردیم. آقای نخست وزیر تلفن کرد و راجع به وزیر مسکن جدید مشورت کرد. بچه‌ها برای شام غربیان به دفتر مرکزی حزب رفتند.

جمعه ۷ آبان

تا ساعت ده ونیم صبح مطالعه کردم و برای نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. طبق معمول، خطبه‌ای در اقتصاد اسلامی و خطبه‌ای درباره مسایل روز و دستاوردهای انقلاب خواندم[1] و به منزل برگشتم. عصر کمی در حیاط منزل پیاده روی کردم. شام را آقای مهدیان از مسجد قبا برایمان فرستاد ـ برای بیت امام هم فرستاده بود. بچه‌ها که به قم رفته بودند، شب از قم آمدند. خبر مهم تازه‌ای نداشتیم. تلویزیون بیشتر فیلم‌های عزاداری نمایش داد. الحمدالله خطری که آقای رئیس

---

۱ - در این خطبه درباره وضعیت ایران در زمان پهلوی و تحولاتی که پس از وقوع انقلاب اسلامی رخ داده به ویژه در زمینه موفقیت‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و نظامی بحث شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

جمهوری چند روز پیش توجه داده بودند، پیش نیامد.

شنبه ۸ آبان

پیش از ظهر در منزل مطالعه و کار کردم و نزدیک ظهر به مجلس رفتم. عده‌ای از نمایندگان برای کارهای حوزه‌های انتخابیه خود مراجعه کردند. جمعی هم که به جبهه‌ها رفته بودند، گزارش جبهه‌ها و نیازهای آن را دادند. عصر چند ملاقات داشتم.

شب جلسه روحانیت مبارز در دفترم برگزار شد. برای مجلس خبرگان و کاندیداها مذاکره صورت گرفت. لیست مدرسین قم خوانده شد که مورد قبول ما هم قرار گرفت و کاندیداهای تهران را به عهده روحانیت مبارز تهران گذارده بودند که ما هم رأی‌گیری کردیم و دوازده نفر را انتخاب کردیم. شام را مهمان مجلس بودند. شب در مجلس ماندم. آقای دکتر [محمدعلی]هادی [نجف‌آبادی] آمد و راجع به لزوم نرمش در سیاست خارجی برای توسعه روابط با کشورهای صنعتی توصیه کرد.

یکشنبه ۹ آبان

تا ساعت هشت مطالعه کردم. جلسه علنی ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه شروع و چند لایحه تصویب شد. ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر ملاقاتی با مسئول بازرگانی بنیاد مستضعفان داشتم. آقای مهری به سیاست‌های تمرکزی و جلوگیری از بخش خصوصی اعتراض داشت و کسی را همراه خود آورده بود که پیشنهاد فروش اسلحه پیشرفته ـ مثل موشک‌های هارپون، فونیکس و اف ۱۴ و اف ۴ و اف ۱۶ـ می‌داد که در ایران هم تحویل داده شود. گفتم که از این ادعاها زیاد بوده و عمل نشده است. اگر راست می‌گوید هارپون را سریعاً تحویل ایران دهد که قرار شد اقدام کنند.

امشب جلسه شورای مرکزی حزب در دفتر رئیس جمهوری بود. درباره کاندیداهای میان دوره‌ای و خبرگان بحث شد و آخر شب به مجلس آمدم.

احمد آقا اطلاع داد که امام وصیت نامه‌ای در پاکت در بسته برای من فرستاده‌اند؛ پشت پاکت نوشته‌اند، بعد از مرگ معظم‌له باز شود. هم خیلی متأثر شدم و هم از اعتماد امام ممنون. آقای

خامنه‌ای گفتند که برای ایشان هم چنین پاکتی داده‌اند. احمد آقا گفت که برای آقای [حسینعلی] منتظری هم نوشته‌اند. لابد مطلب مهمی در آن است. خداوند عمر امام را طولانی فرماید.

دوشنبه ۱۰ آبان

بعد از نماز تا ساعت هشت ونیم مطالعه کردم. سپس در کمیسیون امور اقتصادی و دارایی شرکت کردم. قراردادهای دولت با ترکیه، پاکستان و سوریه مطرح بود. چون دولت، قبل از تصویب مجلس اجرا کرده است، عده‌ای می‌گفتند که مسکوت بگذاریم ولی قرار شد که بحث و رأی‌گیری و نتیجه به مجلس گزارش شود.

ساعت یازده ملاقاتی با مسئولان جهاد و نیروهای انقلابی و اجرایی گرگان داشتم. از اختلاف بین آقایان [سیدکاظم]نورمفیدی و طاهری ناراحت بودند و مشکلات درگیری‌های مردم با آقای [محمد]محمدی نماینده مجلس راگفتند. آنها را نصیحت و دعوت به اتحاد کردم و قول تلاش برای حل مشکلات دادم.

دکتر [هادی]منافی آمد و برای رفع آثار سوء اختلاف بین دو جناح تند رو و محافظه کار در دولت استمداد داشت. عصر با هیئت‌های هفت‌نفری تقسیم زمین‌های کشاورزی ملاقات داشتم، از زحماتشان تشکر کردم و آنها را نصیحت به مراعات قانون و اعتدال کردم[1].

شب شورای دفاع داشتیم. درباره خواست‌های اسرای عراقی و حفاظت و دفاع از جزیره خارک و عملیات آینده بحث شد و پس از آن مصاحبه کردم[2].

---

۱ - در این سخنرانی درباره لزوم هوشیاری در انجام وظایف، مسیر حرکت جامعه اسلامی و وجود اختلافات جزیی قابل رفع مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این مصاحبه ایشان گفتند؛ هر هیأت میانجیگری که پیشنهادهای تازه‌ای ندارد، به ایران نیاید.... برخی از اسرای عراق اعتصاب کردند و نامه نوشته‌اند که برای جبران گذشته‌های خود به جبهه بروند و یا برای بازسازی به مناطق جنگی فرستاده شوند و یا از تخصص‌های آنان در خدمت به جمهوری اسلامی ایران استفاده شود که این پیشنهادها در جلسه شورای عالی دفاع مطرح و تصمیماتی گرفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

آقای [علی]شمخانی اطلاع داد که امشب در فکه تا دهلران عملیات داریم[۱]. آخر شب به مجلس رفتم. قبل از خواب آقای [محسن]رضایی از قرارگاه قائم تلفن کرد و اطلاع داد که عملیات از ساعت ده شب شروع شده و خوب پیشرفت می‌کند. باران می‌بارد.

سه شنبه ۱۱ آبان

صبح زود به قرارگاه جبهه تلفن کردم. معلوم شد که عملیات در چهار محور موفق بوده و در یک محور ناکام. ارتفاعات سوق‌الجیشی و مناطق نفت خیز و چند چاه نفت را که در اشغال عراقی‌ها بوده پس گرفته‌اند و بر شهرک طیب و جاده تدارکاتی عراق مشرف شده‌ایم[۲].

قبل از دستور راجع به فتح صحبت کردم[۳]. دستور جلسه، استیضاح وزیر مسکن آقای مهندس [شهاب‌الدین پروین]گنابادی بود. آقایان [محمدعلی]فردوسی‌پور و دکتر [حسن]روحانی و [محمدعلی]موحدی ساوجی و [سیدمجتبی]میرجعفری علیه وزیر صحبت کردند. وزیر هم کمی دفاع کرد و بقیه دفاع به جلسه بعد افتاد. در تنفس هیئت رئیسه کمیسیون آیین نامه را انتخاب کردیم.

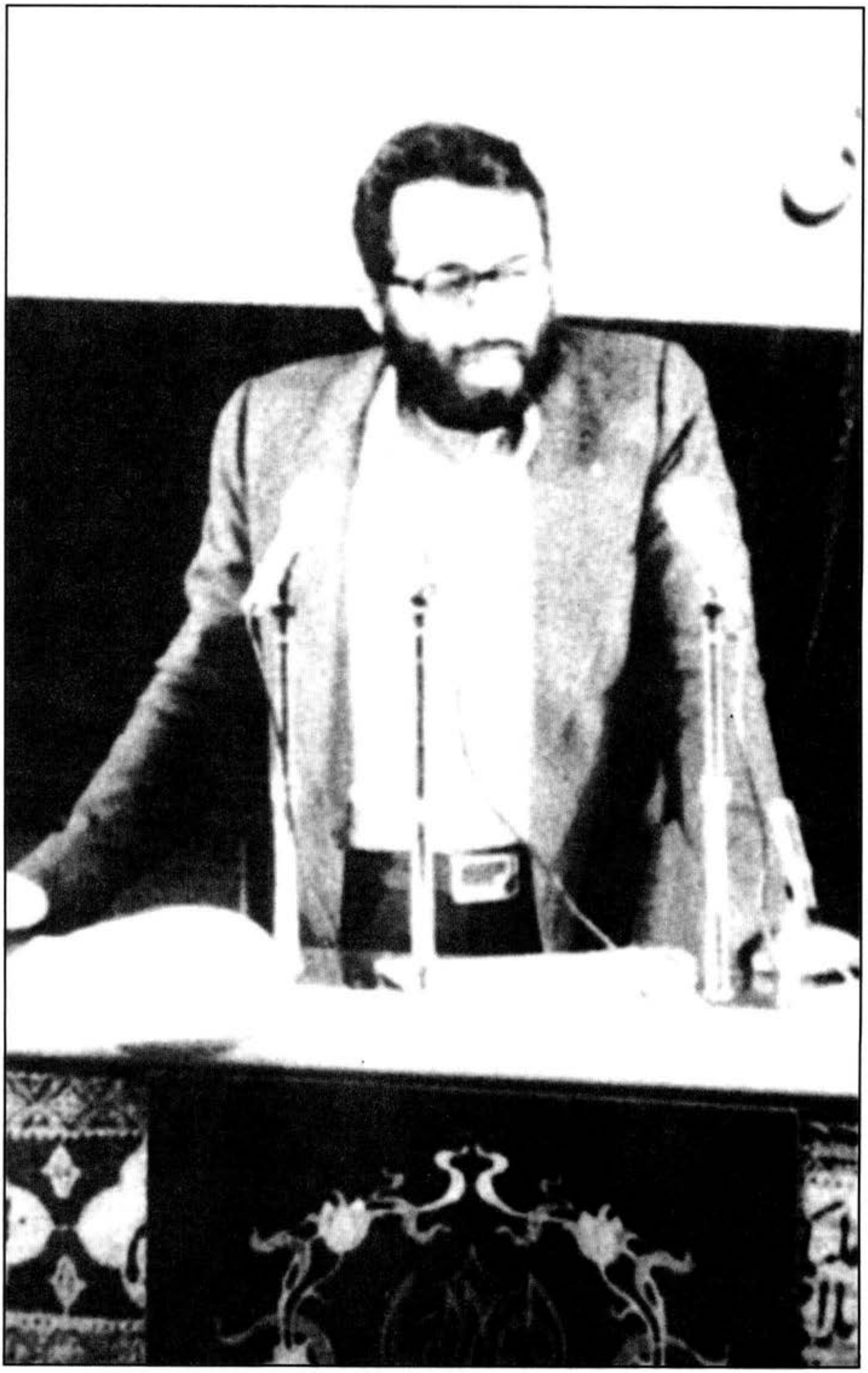
ظهر جمعی از نمایندگان استان کرمان آمدند و از حرکات آقای [مرتضی]فهیم[کرمانی] علیه استاندار شکایت داشتند. دکتر [حمید]بهرامی از لاهه آمده بود و راجع به تردید در صلاحیت آقای محمدی مسئول دفتر بیانیه الجزایر و آقای کاشانی و اهمیت کار لاهه می‌گفت و منظورش اطمینان

---

۱ - اشاره به عملیات محرم که با رمز یا زینب علیهاالسلام با هدف آزادسازی جبال حمرین در جنوب دهلران در منطقه عملیاتی شرهانی، زبیدات و بیات - جنوب شرقی دهلران در غرب عین‌خوش - انجام گرفت. در این عملیات بیش از ۵۵۰ کیلومتر مربع از اراضی میهن اسلامی آزاد و بیش از ۳۰۰ کیلومترمربع از خاک عراق در نوار مرزی به تصرف رزمندگان اسلام درآمد.

۲ - طبق اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات محرم جاده عین‌خوش - دهلران به طول صد کیلومتر از زیر دید و تیر دشمن خارج شد. امنیت شهرهای موسیان، دهلران و پادگان عین‌خوش، دشت اژیه و دهکده‌های اطراف آن تأمین شد. سلسله جبال حمرین آزاد گردید و جاده ارتباطی طیب - علی‌غربی و جاده نظامی بغداد - عماره به خطر افتاد. تأمین قسمتی از مرز به طول ۵۰ کیلومتر و آزادسازی منابع نفتی موسیان و بیات و حوضچه‌های نفتی زبیدات و تلمبه‌خانه و حدود ۷۰ حلقه چاه نفتی از دیگر نتایج عملیات محرم بود.

۳ - در این نطق پیرامون حمله موفقیت آمیز نیروهای اسلام در عملیات محرم مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



مهندس گنابادی وزیر مسکن و شهرسازی به استیضاح نمایندگان مجلس پاسخ می دهد

پیدا کردن از اعتماد ما نسبت به خودش بود که مطمئنش کردم. عصر آقای الهی رئیس سیاسی ایدئولوژی نیروی دریایی آمد، گزارشی از نیرو داد و انتقادی هم از فرمانده داشت. گروهی از مدیران برنامه‌ریز آمدند و برایشان صحبت کردم[۱].

با جبهه تماس گرفتم. معلوم شد که در یک محور هنوز درگیری ادامه دارد. حدود پانصد اسیر گرفته‌ایم. عصر مهندس [مهدی]چمران آمد و از این که در جریان اخیر، بخشی از نیروهای شیعه لبنان به اتهام سازش طرد شده‌اند، گله داشت و معتقد بود که سفیر ما عامل وحدت نیست. سرهنگ [محمد]حجازی رئیس شهربانی هم آمد و از سیاسی ایدئولوژی گله داشت که زیاد دخالت می‌کنند و حالت پدری و منش روحانی ندارند و ارعاب و روش پلیسی از کار آنها برداشت می‌شود و خواستار حمایت بود.

چهارشنبه ۱۲ آبان

صبح زود با آقای رحیم صفوی در جبهه تماس گرفتم. خبر داد که رخنه نیروهای عراقی سد شده و اسرا به ششصدوپنجاه تن رسیده‌اند و راضی بود. به زیارت امام رفتم. مدرسین قم و روحانیت مبارز تهران احضار شده بودند. امام نگران پایین آمدن سطح مجلس خبرگان بودند و توصیه کردند که افراد عالم عنوان دار را هم کاندیدا کنیم. سپس جلسه‌ای تشکیل دادیم و تغییراتی در لیست کاندیداها داده شد. ناهار را همان جا در دفتر امام خوردیم و برای استراحت به منزل آمدم. سالاری‌ها مهمانمان بودند.

به مجلس رفتم. جلسه هیئت رئیسه داشتیم و تصمیماتی در مورد ترمیم حقوق کارکنان مجلس و اتاق‌های کمیسیون‌ها گرفتیم.

شب اطلاع دادند که امروز در جبهه پیشرفت‌های جدیدی داشته‌ایم و ضربه‌هایی وارد کرده‌ایم. در مجلس ماندم. مطالعه گزارش‌ها و استماع اخبار وقتم را پر کرد. با جبهه تماس گرفتم. گفتند که شب عملیات دارند و می‌خواهند چند ارتفاع را در خاک عراق بگیرند.

---

۱ - در این سخنرانی اهمیت و اهداف برنامه‌ریزی در کشور تشریح شد و سپس مطالبی درباره لزوم هماهنگی در میان نهادها و لزوم جدیت در انتقال از مرحله انفعالی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰


۹۲ زرهی
گردان ۵۰۹ آماد و ترابری
گورستان متجاوزین بعثی عراقی



پنجشنبه ۱۳ آبان

تا ساعت هشت مطالعه برای کلاس مواضع حزب کردم. جلسه علنی به استیضاح گذشت. بالاخره وزیر مسکن رأی اعتماد گرفت و استیضاح کنندگان از من رنجیدند که از وزیر حمایت کردم و می‌گویند که او به خاطر حمایت تو رأی آورد. واقعیت این است که اظهاراتشان ضعیف بود.

عصر از دفتر مشاورت [ارتش] آمدند. مخالف خرید رادار مارتلوّ از انگلستان بودند که وزارت نفت پیشنهاد داده است. کلاس مواضع داشتیم و بحث در تولید و مالکیت شخصی بود. ملاقاتی با اساتید دانشگاه و اعضای جامعه اسلامی دانشگاهیان داشتم. گزارشی دادند و من هم مفصلاً درباره علم و دانش صحبت کردم[1].

شب [جامعه] روحانیت مبارز[تهران] در دفترم جلسه داشت. هم لیست کاندیداهای مجلس خبرگان اصلاح شد و هم عدد اعضا زیاد و قرار شد که آیین نامه عوض شود. به خانه آمدم. اخبار ساعت دوازده شب را گرفتم و خوابیدم. اخبار جبهه خوب است. نزدیک دوهزار اسیر و غنایم فراوان در عملیات محرم گرفته‌اند[2].

---

۱ - در این سخنرانی درباره لزوم تربیت نیروی انسانی متعهد برای خدمت در جمهوری اسلامی، نقش دانشگاهها و اهمیت علم در اسلام مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - به نوشته کتاب "کارنامه عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس" در عملیات محرم تعداد کشته و زخمیهای دشمن بیش از ۷۰۰۰ نفر و تعداد اسراء ۳۴۰۰ نفر اعلام شده است. همچنین غنائم بدست آمده از دشمن به این ترتیب گزارش شده است:

- بیش از ۱۵۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی.
- ۵۱ قبضه تفنگ ۱۰۶ میلمتری.
- انواع توپهای ضدهوایی و خمپاره‌انداز.
- بیش از ۲۵۰ دستگاه خودرو.
- چندین دستگاه موشک انداز مالیوتکا.

جمعه ۱۴ آبان

تمام روز در خانه ماندم و اکثراً مطالعه کردم. آقای [سیدمحمود]دعایی پیش از ظهر آمد و گزارشی از کردستان و آذربایجان غربی داد. از بیت امام با نگرانی خبر دادند که فشار خون امام بالا رفته، با ناراحتی به آنجا رفتم. دکتر [حسن]عارفی حاضر بود و گفت که امام به حال عادی برگشته‌اند و نگرانی رفع شده است. امام خوابیده بودند و گفتند که در سینه‌ام احساس گرفتگی و فشار کردم و نشستم.

ظهر فرماندهان سپاه آمدند و گزارش مبسوطی از عملیات محرم و برنامه‌های آینده دادند. معلوم شد که تاکنون پانصدوسی شهید داده‌ایم و موفقیت‌ها بزرگ است و نقطه بسیار حساس؛ شرحی از سازمان جدید سپاه ـ که لشکر و سپاه و ارتش تأسیس شده ـ دادند. اول شب آقای ذبیحی رئیس مدرسه بچه‌ها آمد. احمد آقا نیز آمد و راجع به بنیاد مستضعفان و چیزهای دیگر مطالبی داشت. اخوی محمد شب مهمان بود و آخر شب آقای [سیدمحمد]غرضی آمد و از این که شورای عالی قضایی در خصوص توافق‌های کمیسیون خاص در اختلافات با طرف‌های خارجی اشکال کرده، ناراحت بود و گزارشی از کارها داد.

شنبه ۱۵ آبان

بعد از نماز و کمی مطالعه به زیارت امام رفتم. از محتوای وصیتی که امانت نزد من گذاشته‌اند، پرسیدم که فرمودند، کارهای شخصی ایشان است و خبر دادند که وصیت سیاسیشان را در نزدیک به سی صفحه تهیه کرده‌اند که هنوز امضا نشده. راجع به پذیرش دانشجویان گروههای چپی در دانشگاه مذاکره کردیم که قرار شد، افراد غیر خطرناک را با تعهد و به طور مشروط بپذیریم. راجع به مالیات نظرشان را خواستم. فرمودند که دولت در حد نیاز و با مراعات عدالت می‌تواند مالیات وضع کند.

بعد از ظهر آقای صیاد شیرازی آمد و راجع به حساسیت منطقه عملیات محرم و امکان ایجاد و تشکیل حکومت انقلابی اسلامی عراق آزاد در آن منطقه و در شهرهای العماره و حلفائیه و ... در صورت توسعه مناطق آزاد شده سخن گفت و قرار شد که سریعاً ادامه عملیات را تعقیب کنند و گفت

که دیشب عملیات موفقی داشته‌اند و فردا شب هم دارند.

به بیمارستان قلب برای دیدن عموزاده آشیخ حسین هاشمیان وکیل رفسنجان رفتم؛ حالش بهتر است. آنجا آقای [سیدمحمدصادق]لواسانی را هم ملاقات کردم. شب فاطی گفت که در ناحیه قلبش احساس درد می‌کند. پزشک امام را خواستیم، آمد و گفت چیزی نیست.

احمد آقا آمد و راجع به نظر اخیر امام که همه و دارندگان هر شغل موظفند که برای رفتن به جبهه مراجعه کنند تا این که مِنْ بِهِ الکِفایَه تأمین شود، صحبت شد[1]. قرار شد که این نظریه کمی تعدیل شود تا مسئولان مشاغل حساس نروند. امروز از مجلس هم تلفنی راجع به همین مشکل سؤال کردند و قرار شد که از امام توضیح بخواهیم. در اخبار شب، فیلم دیدار خبرنگاران خارجی از منطقه عملیات محرم پخش شد و اظهاراتشان جالب بود.

یکشنبه ۱۶ آبان

صبح زود به مجلس رفتم. خبر انجام مرحله سوم عملیات محرم در شب گذشته، تصرف سیصد کیلومترمربع از خاک عراق و چند واحد تولید نفت و شهرک زبیدات و اسارت هزاروپانصد نظامی عراقی و غنایم فراوان را دادند و دستور جلسه، انتقال طرح‌های عمرانی ارتش از وزارت مسکن به ارتش بود که تصویب نشد.

ظهر با خبرنگاران داخلی و خارجی مصاحبه تلویزیونی داشتم[2]. عصر برای بررسی لوایح در

---

۱ - اشاره به استفتائی از حضرت امام(ره) است که در آن از ایشان پرسیده شده "برای کسانی که به تحصیل علوم انسانی یا علوم جدید اشتغال دارند یا به انجام وظایف دیگر برای خدمت به جمهوری اسلامی مشغولند، آیا رفتن به جبهه جنگ مقدم است یا آنکه به کار خود ادامه دهند؟ لطفاً وظیفه را بیان فرمایید."

فتوای امام چنین بود: "در حال حاضر تمام افرادی که قدرت دارند به جبهه بروند باید به مقامات مسؤول مراجعه کنند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آنها نیاز دارد، واجب است به جبهه بروند و بر هر کار دیگری مقدم است."

۲ - در این مصاحبه درباره شرایط خاتمه جنگ، پیروزیهای رزمندگان اسلام، ادامه جنگ، کمک کشورهای عرب به عراق، توطئه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، برخورد ایران با حامیان عراق، شایعه کمک اسرائیل به ایران، امکان برقراری رابطه ایران با آمریکا، دیدار سران عرب، تفسیر

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

جلسه نمایندگان شرکت کردم. سه وزیر جدید آقایان [سیدمحمد]خاتمی، [جواد]اژه‌ای و [محسن]رفیق دوست که امروز به مجلس معرفی شده‌اند، مورد بحث بودند. عده‌ای مخالف بودند. و آقای [عباسعلی]اختری [نماینده مشهد] هم از این که مجلس تحت تأثیر کلام من رأی می‌دهد، گله داشت. من هم از این جوسازی انتقاد کردم و خواستار استقلال فکری نمایندگان شدم.

ملاقاتی با آقای طاهری گرگانی داشتم. از آقای [سیدکاظم]نورمفیدی شکایت داشت و از ما گله‌مند بود که رسیدگی نمی‌کنیم. من هم از اختلاف روحانیت گرگان انتقاد کردم. گروهی از حزب اللهی‌های وزارت بهداری آمدند و از کارهای خودشان دفاع می‌کردند. در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. بحث در شرح وظایف حزب و انتخابات میان دوره‌ای مجلس بود. به دفترم آمدم و در مجلس خوابیدم.

دوشنبه ۱۷ آبان

تا ساعت ده صبح مطالعه کردم. وزرای به اصطلاح تندرو آمدند و درباره حرکت هایی که علیه آنها و بند "ج" قانون حفاظت صنایع و کشاورزی می‌شود، حرف داشتند: آقایان بهزاد نبوی، [حسین]نمازی، [شهاب‌الدین پروین]گنابادی، [محمد]سلامتی، [محسن]نوربخش و....

خلبانی که معتقد است به خاطر مخالفت با کجروی‌های [صادق]قطب‌زاده مغضوب و مظلوم قرار گرفته آمد، سرنوشتی عجیب ادعا می‌کند. با او مذاکره کردم. قرار شد تحقیق کنم.

گروهی از مسئولان نیروی زمینی آمدند و گزارش کارشان را دادند. ابتکاری را که در ثبت تخصص‌های سربازان برای استفاده در محل مناسب ـ حتی در دوره احتیاط داشتند ـ توضیح دادند و پیشنهاد رفتن آقای [علی]صیاد[شیرازی] به ستاد را می‌دادند. در فکر قبضه کل نیروانـد. در کمیسیون اصلاح آیین‌نامه شرکت کردم.

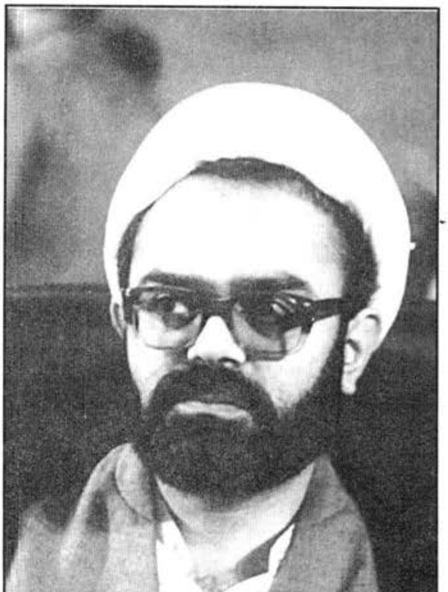
شب در دفتر رئیس جمهور درباره برنامه‌های فرهنگی صداوسیما و استفاده از آنها برای

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اصطلاح صدور انقلاب، استیضاح وزیر مسکن و شهرسازی و آزادی احزاب مطالبی مطرح شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

حجت الاسلام سید محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی





حجت الاسلام جواد اژه ای وزیر مشاور و رئیس سازمان بهزیستی



آقای محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

تحصیلات عالیه مذاکره شد. قرار شد که با دانشگاه آزاد همکاری شود و تبلیغ اسلام از راه القای غیر مستقیم شود. شام را با آقای خامنه‌ای بودیم و سران جمع بودند و راجع به مسایل مهم کشور بحث کردیم. ساعت دوازده به مجلس رفتم.

سه شنبه ۱۸ آبان

در جلسه علنی بحث درباره وزرای جدید بود. من هم در موافقت با آنها صحبت کردم[1]. هرسه نفر رأی اعتماد گرفتند. بعد از ظهر با سفیر الجزایر و سفیر یمن جنوبی ملاقات داشتم. اظهارات دوستانه زیادی داشتند. کمیته کشاورزی جهاد هم آمد و گزارشی از کارها و ابتکاراتشان دادند.

شب در دفتر رئیس جمهور با حضور نخست وزیر، رئیس کمیسیون ویژه بررسی لایحه تجارت خارجی، وزیر بازرگانی و آقای [محمدرضا]مهدوی[کنی][2] از شورای نگهبان، برای تصمیم گیری درباره سرنوشت لایحه‌ای که از شورای نگهبان برگشته مذاکره داشتیم و قرار شد که به دولت اجازه داده شود که مواردی از صادرات و واردات را به بخش خصوصی واگذار کند. نظری هم است که از اصل ۴۴ قانون اساسی هم همین مستفاد می‌شود که حاکمیت در اختیار دولت است، نه انحصار در

---

۱ - در این نطق ایشان به عنوان موافق با سه وزیر پیشنهادی نخست وزیر برای بهزیستی، ارشاد اسلامی و سپاه (آقایان جواد اژه‌ای، محمد خاتمی و محسن‌رفیق‌دوست) صحبت کرد. ایشان خطاب به مخالفین رأی اعتماد به محمد خاتمی گفت: آقای خاتمی را بنده از سال ۴۲، ۴۳ می‌شناسم و دوستان ما اکثراً آنهایی که سابقه زیاد در حوزه دارند، ایشان را می‌شناسند. از آن روزی که ما ایشان را در حوزه شناختیم و تا امروز همیشه به عنوان یک چهره زحمتکش محصل خوش فکر برای ما مطرح بوده است. همیشه این طوری بوده، یعنی من در تمام دوره تاریخم که با ایشان آشنا هستم، یک نقطه ضعف مشخصی از ایشان ندارم که باید برای ما که در کارهای ظریف با اینها کار می‌کردیم، باید این مسائل روشن‌تر از دیگران باشد. ایشان در سال ۵۷ وقتی که بنا شد به آلمان بروند، با شهید بهشتی ما مشورت کردیم به نظر ما ایشان بهترین چهره‌ای بود که لازم بود آنجا برود. من ایشان را این طور می‌شناختم. شما کیهان پیش از رفتن ایشان و کیهان بعد از رفتن ایشان را در نظر بگیرید. آن جوری قضاوت نفرمایید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - آقای محمدرضا مهدوی کنی در تاریخ ۶۰/۱۲/۲۱ در پی درگذشت آقای ربانی شیرازی، از سوی حضرت امام(ره) به عضویت شورای نگهبان درآمد. در تاریخ ۶۲/۴/۲۹ پس از قرعه کشی اعضای شورای نگهبان ایشان از آن شورا خارج گردیدند. آقای مهدوی کنی در سال ۵۹ نیز به مدت ۵ ماه عضو شورای نگهبان بود که به دلیل پذیرفتن مسئولیت وزارت کشور مطابق قانون از عضویت آن استعفا داد.

اجرا.

شب به منزل آمدم. فیلمی از عملیات ایران در خاک عراق ـ در مناطق نفتی و شهرک زبیدات ـ دیدم. آخر شب همشیره مرحوم آقای شهاب [الدین]اشراقی آمد و برای نجات فرزندش احمد از زندان که جزء گروهک‌هاست و به پنج سال محکوم شده است، کمک خواست. عصر هم گروهی از علمای قزوین آمده بودند و راجع به خبرگان و ضرورت کاندیدا شدن آقای [سیدمحمد]موسوی[خوئینی‌ها] از قزوین گفتند. [جامعه]مدرسین[حوزه علمیه] قم و [جامعه]روحانیت مبارز[تهران] مخالف کاندیدا کردن ایشانند.

چهارشنبه ۱۹ آبان

تا ساعت سه بعد از ظهر در منزل بودم. احمد آقا آمد و راجع به این که علیه چهره‌هایی مثل آقایان [سیدمحمد]موسوی خوئینی‌ها و [سیدمحمد]خاتمی و... تلاش می‌شود نگران بود. دیشب آقای [سیدمحمد]موسوی خوئینی‌ها هم همین مطلب را به من گفت. خاطرات عقب مانده را هم نوشتم.

عصر هیئت رئیسه مجلس جلسه داشت. برای تعدیل حقوق کارکنان مجلس، رفع تبعیض و بالابردن حقوق کارکنان عادی تصمیماتی اتخاذ شد. چون کمیسیون‌ها جلو افتاده‌اند و گزارش‌های آنها متراکم شده، قرار شد که در هفته‌های آینده چهار جلسه علنی داشته باشیم.

از ستاد نماز جمعه آمدند و درباره ساختن مصلای بزرگ در عباس آباد و بودجه نماز جمعه و تبلیغات آن مذاکره کردیم. شب در مجلس ماندم و راجع به درس مواضع مطالعه کردم و به اخبار گوش دادم.

آخر شب تلفن کردند که عفت به ناراحتی قلبی مبتلا شده و پزشک امام او را به بیمارستان منتقل کرده است. از بیمارستان پرسیدم، گفتند که کسالت عصبی است و قلب سالم است و پس از معاینه به خانه برگشته است. آقای [محمد]امامی‌کاشانی آمد و راجع به مطالب خطبه‌های جمعه آینده مشورت کرد. فتوحات جدیدی در جبهه [عملیات]محرم، در داخل خاک عراق گزارش شده است.

پنجشنبه ۲۰ آبان

جلسه علنی را به آقای [محمد]یزدی سپردم و برای انجام کارهای عقب مانده به دفترم آمدم. آقای [عبدالله]امامی نماینده تربت حیدریه[1] برای معالجه در خارج کمک خواست که انجام دادم. عصر کلاس مواضع داشتیم. آقای [عبدالرحیم] گواهی سفیر ما در ژاپن هم آمد و گزارش داد. آقای [محمد حسن]اصغرنیا استاندار کردستان هم آمد و راجع به اختلافش با نهادها گزارش داد. مصاحبه‌ای با صدا و سیما درباره خبرگان انجام دادم*.

[آقای جلال‌الدین طاهری]امام جمعه اصفهان تلفن کرد و از عدم نیاز به خبرگان، به خاطر مشخص بودن رهبری آیت‌الله [حسینعلی]منتظری گفت. شب مسئولان پالایشگاه‌ها آمدند و از موفقیت‌ها گفتند و برایشان صحبت کردم* و در مورد بازسازی پالایشگاه آبادان بحث شد. آخر شب به خانه آمدم. عفت ناراحت بود. برای گرفتن نوار مجدد به منزل امام رفتیم. دکتر امام معاینه کرد و سالم تشخیص داد.

جمعه ۲۱ آبان

خاطرات را نوشتم. آقای محسن رضایی تلفنی اطلاع داد که عراق امروز صبح با چهار تیپ، در منطقه عملیات محرم پاتک کرده ولی موفق نبوده، تلفات زیادی داده و هنوز هم درگیریم. نماز جمعه را به آقای [محمد]امامی کاشانی واگذار کردم. عصر یکی از معلمان مدرسه دخترانه پارسا آمد و از کارهای ایذایی انجمن حجتیه در آنجا در مخالفت با انقلاب می‌گفت؛ بیشتر برداشت بود تا خبر موثق.

شب مسئولان سازمان حج آمدند و آقای [ابوالفضل]توکلی بینا گزارشی داد و از عملکردهای نادرست در اداره تبلیغات حج که منجر به اخراج آقای [سیدمحمد]موسوی‌خوئینی‌ها شده گفت. آقای علی داودی از رفسنجان آمد. از پیشرفت کارها در کهنوج می‌گفت. در آنجا و در شهر انار

---

۱ - مرحوم حجت‌الاسلام عبدالله امامی نماینده مردم تربت حیدریه در مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۶۲/۹/۲۱ در سن ۶۹ سالگی به علت سکته قلبی وفات یافت.

بیمارستان می‌سازد.

شنبه ۲۲ آبان

تـا ظـهر در خـانه بـودم. ظـهر مـهمان احـمد آقـا بـودیم. آقـای رئـیس جـمهور و آقـای [سیدعبدالکریم]موسوی اردبیلی و آقای [محمدمهدی]ربانی املشی هم بودند. مسایل مربوط بـه دادگاه مبارزه با منکرات و احتمال فساد مطرح بود. ساعت چهارونیم بعد از ظهر به مجلس رفتم. با وزیر خارجه یوگسلاوی ملاقات داشتم. درباره توسعه روابط و تقویت غیر متعهدها و جنگ ایران و عراق مذاکره کردیم. در دفتر رئیس جمهوری جلسه شورای مرکزی روحانیت مبارز بود؛ بـرای تصمیم نهایی درباره کاندیداهای [مجلس]خبرگان. تا دیر وقت بحث شد و بالاخره تصمیم‌گیری به عمل آمد.

یکشنبه ۲۳ آبان

پیش از جلسه گزارش‌ها را خواندم. جلسه علنی مجلس در دستورکار خود، طرح نوگشایی بعضی از دانشکده‌ها را داشت. علیرغم مخالفت وزیر فرهنگ و آموزش عالی تصویب شد که از فروردین ۶۲ سال اول با دانشجویان جدید شروع شود. ظهر چند ملاقات با نمایندگان و عصر هـم چـند ملاقات دیگر داشتم. شب با تأخیر در شورای مرکزی حزب شرکت کردم که بحث درباره انتخابات و کاندیداها بود. آقای [عباس]واعظ طبسی هم از خوزستان برگشته بود. بـرای دیـدن کـارهای بازسازی هویزه رفته بود که توسط آستان قدس [رضوی] انجام می‌شود.

دوشنبه ۲۴ آبان

صبح زود به مجلس رفتم. لایحه متمم بودجه در دستور بود. جلسه را به آقای [محمد]یزدی سپردم. به دفترم آمدم. در مجلس اعتراضی از طرف بعضی از نمایندگان در خصوص اعزام هیئتی از طرف رئیس جمهوری به مسکو برای تشییع جنازه برژنف وجود دارد.

ظهر چند ملاقات داشتم. عصر در جلسه کمیسیون آیین نامه شرکت کردم. اول شب دوسه ملاقات داشتم. شب در دفترم ماندم و گزارش‌ها را خواندم. مرحله جدید جنگ و ورود ما به خاک عراق و موضع شورای همکاری کشورهای عربی جنوب خلیج فارس در برابر ما، موضوعات مورد بحث محافل سیاسی و خبری است. به نظر می‌رسد که کشورهای عربی وحشت کرده‌اند ولی تاکنون تصمیمی علیه ما اتخاذ نکرده‌اند.

سه شنبه ۲۵ آبان

قبل از جلسه علنی به مطالعه پرداختم. متمم بودجه در دستور بود که کلیات آن تصویب شد. در تنفس با پاسدارانی که از مجلس به جبهه می‌رفتند، خداحافظی و برایشان صحبت کردم[1].

ظهر معاون وزارت معادن آقای [حسین]محلوجی و رئیس فولاد مبارکه آمدند. راجع به نمایندگی ایشان از کاشان اعتراض داشتند و می‌خواستند که آقای محلوجی در وزارتخانه بماند. امام جمعه فارسان آمد و هدایای مردم را برای جبهه داد.

آقای مجید انصاری آمد و اظهارات امام در مورد مسافرت هیئتی از طرف رئیس جمهوری به شوروی را برای تشییع جنازه برژنف گفت که مورد اعتراض عده‌ای از نمایندگان و مردم قرار گرفته است. امام فرموده‌اند که اشکالی نداشته و قبل از اعزام با امام مشورت شده بود. عصر ملاقاتی با عده‌ای از مسئولان آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش داشتم و برایشان صحبت کردم[2]. امام جمعه گرگان آقای [سیدکاظم]نورمفیدی آمد و راجع به اختلافشان با آقای طاهری گرگانی گفت.

سعد مجبر سفیر لیبی آمد و از آمادگی تحویل هواپیمای میگ گفت و از مخالفت با اعلام [تشکیل] مجلس [اعلای انقلاب اسلامی] عراق که قرار است، فردا از طرف مبارزان اسلامی در

---

۱ - در این سخنرانی ایشان خاطره شهدای عملیات مسلم‌بن عقیل را گرامی داشت و درباره کار برای رضای خدا و جدیت در حفاظت مجلس و برخورد با ضدانقلاب مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره اهداف آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی و اثرات خدمات معلمان بر جامعه اسلامی مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

تهران صورت گیرد و من درباره بعضی از امور نادرست در لیبی تذکر دادم.

آقای صامت فرماندار تهران آمد. گفت وزیر کشور آقای [علی اکبر]ناطق [نوری] به خاطر حجتیه‌ای بودن عزلش کرده است. شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. مسئولان دفتر بیانیه الجزایر گفتند که آمریکا تمایل به مذاکره برای حل اختلافات و دعاوی دارد. گفتیم که با احتیاط وارد مذاکره شوند و نتایج را در هر مرحله اطلاع دهند. سپس جلسه سران قوه‌ها بود و راجع به بسیاری از مسایل مهم، مانند حل مشکل تورم، بندرها، جنگ، بازداشت‌ها و مسایل دادستانی بحث شد. امروز اخباری از حملات جدید در جبهه‌ها منتشر شد. شب معلوم شد که ما هم ضرباتی خورده‌ایم و پیشرفت زیادی نبوده است.

چهارشنبه ۲۶ آبان

تا عصر در خانه بودم. استراحت و مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده و اصلاح دستگاه آب گرم‌کن خانه که خراب شده بود، مشغولم کرد. صبح آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی آمد و راجع به موضوعی که درباره دایره مبارزه با منکرات از طرف شورای قضایی مطرح شده، پس از ملاقات با امام مطالبی گفت. اخوی محمد و آقای [علی]جنتی هم پس از زیارت امام آمدند و گفتند که آقای [علی]جنتی به جای آقای انوار که به جبهه رفته است، مدیر شبکه یک تلویزیون شده است.

احمد آقا آمد و گفت که امام جمعی از ماها را برای موضوعی احضار کرده‌اند. عصر به دفتر امام رفتم. آقایان خامنه‌ای، [محمدمهدی]ربانی املشی و [سیدحسین]موسوی تبریزی و [سیدعبدالکریم]موسوی اردبیلی هم آمدند. راجع به آن موضوع مذاکره کردیم و شب احمد آقا نتیجه را خدمت امام برد و امام اظهار نظر کردند که به بحث خاتمه داده شود و قرار شد که به وقت دیگری موکول کنیم.

تلفنی با مهندس [میرحسین]موسوی درباره کامیون‌ها و حمل و نقل جوجه‌های یک روزه مذاکره کردم و هم با آقای [غلامرضا]آقازاده وزیر مشاور در امور اجرایی. شب به خانه آمدم و به اخبار گوش دادم. امروز از طرف عراقی‌های مقیم ایران [تشکیل] «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» اعلام شد و آقای [سیدمحمدباقر]حکیم سخنگو معرفی شد. نقطه عطفی در مبارزات اسلامی مردم عراق است.

پنجشنبه ۲۷ آبان

پس از نماز به مجلس رفتم. صبحانه را صرف کردم و کمی از گزارش‌ها را خواندم. جلسه علنی داشتیم. متمم بودجه تمام شد. آقای [حجت]کشفی ظهر آمد و درباره تشویق هنراسلامی مطالبی داشت. عصر کلاس مواضع داشتم و سپس ملاقاتی با سینا واحد که از نواقص هنر و فیلم‌ها گفت؛ و با مهندس [موسی]خیّر که از نتیجه مذاکرات در لندن برای خرید اسلحه و قطعات گفت.

با آقای دکتر ولایتی هم راجع به مطالبی که فردا در نماز جمعه در توضیح سفر هیئت تسلیت به مسکو باید گفته شود و چیزهای دیگر گفتگو کردیم. عده‌ای از خلبان‌های هما آمدند و در مورد علت رفتن خلبان‌ها و ضرورت دادن امتیازهائی به آنها مطالبی گفتند و قرار شد که از دولت بخواهیم، در مورد مالیات و... امتیازی بدهد.

شب در جلسه‌ای با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و سران قوا شرکت کردم. درباره دانشجویان و بازگشایی دانشگاه‌ها هم مذاکره کردیم و تصمیماتی گرفتیم. سپس با آقایان خامنه‌ای و [میرحسین]موسوی مذاکراتی داشتیم.

جمعه ۲۸ آبان

تا ساعت ده ونیم مطالعه کردم و سپس به نماز جمعه رفتم[1]. پیش از خطبه‌ها آقای [سیدمحمدباقر]حکیم سخنگوی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق صحبت کرد. بعد از ظهر آقای [سیدجلال الدین]طاهری امام جمعه اصفهان به منزل آمد و راجع به استاندار جدید برای اصفهان و مجلس خبرگان مذاکره کردیم.

اول شب احمد آقا آمد و درباره شورای عالی قضایی و... مذاکره کردیم. آقای درویش هم آمد و چرخ خیاطی را که برای بچه‌ها خریده بود، آورد. مقداری پسته به ایشان هدیه کردیم. تا آخر شب

---

۱ - در این خطبه درباره مرگ برژنف رهبر شوروی و توضیح علت شرکت نماینده ایران در تشییع وی، تأسیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، انتخابات مجلس خبرگان و میان دوره‌ای مجلس و مسائل مربوط به جنگ عراق و ایران سخنانی ایراد شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

شماره

تاریخ ۶۱،۸،۲۷

بسم الله الرحمن الرحیم.

در شرایطی که انقلاب اسلامی ایران می رود تا چون موج خروشان بر پیکره لرزان استکبار جهانی ضربات جدیدی وارد آورده و گسترش موج خویش را بر قلوب مسلمانان جهان استحکام بیشتری بخشد و در حالیکه خفقان و استبداد صهیونیستی فضای مقدس کشور برادر عراق را تیره ساخته است و ابرقدرتهای شرق و غرب برای حفظ منافع خود در حوزه خلیج فارس و خاورمیانه به یکدیگر نزدیک شده و با تمام قوا در جهت تحکیم پایه های متزلزل حکومت بعثی صهیونیستی صدام و سایر مزدوران خود در منطقه تلاش میکنند،

خبر تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق با نوید پیروزی قریب الوقوع ملت مسلمان عراق بر طاغوت بوده و بیانگر آخرین نفسهای حکومت ننگین خونین صدام کافر میباشد.

لذا ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را که به یاری خداوند و رهنمود مقام ولایت فقیه نشان دهنده احتضار و مرگ حکومت ابرقدرتها در کشور برادر عراق میباشد به پیشگاه مقدس امام زمان (عج)، و نایب برحقش و امت مسلمان و همه مجاهدین و مقلدین مسلمان عراق تبریک گفته و امیدواریم با اتحاد و تشکل هرچه بیشتر پرچم جمهوری اسلامی عراق را بر فراز این خاک مقدس برافراشته گردانند.

نامه تبریک نمایندگان به مناسبت تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

گزارش‌ها را خواندم و به اخبار گوش دادم. آقای باغانی درباره نماینده اردکان تلفنی صحبت کرد.

شنبه ۲۹ آبان

تمام وقت در خانه بودم. گزارش‌ها را خواندم و کمی هم نوشته آقای [حسینعلی]منتظری را درباره نماز جمعه و خمس. پیش از ظهر خانواده‌های دکتر وحید و دکتر واعظی آمدند. ستادی برای کمک به جبهه دارند. مردمی مفید و پرکارند. برای دو سه پاسدار کمک برای خرید خانه گرفتند.

احمد آقا آمد و راجع به شورای قضایی و مسایل دادگاه منکرات صحبت شد. تلفنی با وزیر کشور و رئیس دیوان عالی کشور درباره مسایل مورد علاقه استانداری اصفهان و... مذاکره کردم. از ستاد ارتش طرحی برای عملیات جنگی در منطقه حساسی آوردند که مطالعه کردم. احمد آقا شب اطلاع داد که برج مراقبت فرودگاه دچار آتش سوزی شده است؛ به احتمال قوی خرابکاری بوده است و به پروازها صدمه خواهد زد.

یکشنبه ۳۰ آبان

صبح زود به مجلس رفتم. انتخاب دو عضو برای کمیسیون نظارت براندوخته اسکناس و تفریغ بودجه و اصلاح لایحه شوراها در دستور بود. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتم و عصر با وزیر خارجه پاکستان و قبل از آن هم با آقای پویا که ایرانی است ولی از پاکستان آمده بود که نظرات من را در مورد پاکستان بفهمد و صحبت از چند میلیارد دلار وام به پاکستان می‌کرد و از نارضایتی پاکستانی‌ها از سعودی‌ها می‌گفت.

شب جلسه شورای مرکزی حزب بود و بحث در نامزدهای مجلس شورا و خبرگان بود و هم درباره قانون کار و اعتراض به این که روزنامه‌ها قبل از تصویب این قانون جوسازی کرده‌اند و جامعه مدرسین قم نیز به جوسازی روزنامه‌ها و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی اعتراض کرده بودند. در پیش نویس قانون کار بیمه کارگران نیامده و اخراج کارگر تسهیل شده و محافل کارگری آن را ضد حقوق کارگر می‌دانند و خانه کارگر هم علیه وزیر کار وارد معرکه شده. آقای

[علیرضا]محجوب عضو شورای مرکزی حزب و مسئول خانه کارگر در روزنامه مصاحبه کرده. برای خواب به مجلس رفتم.

آذر ۱۳۶۱



دوشنبه ۱ آذر ۱۳۶۱ ۶ صفر ۱۴۰۳ Nov. 22, 1982

تا ساعت هشت صبح مطالعه کردم. تا ظهر در جلسه علنی مجلس بودم. ظهر سرهنگ حاتمی آمد و از بیکاری گله کرد و کمک می‌خواست. مشکلات مدیریت خود را در دانشکده افسری توضیح داد. آقای غزالی فرمانده سپاه خراسان آمد و از نفوذ خط مجاهدین انقلاب اسلامی در سپاه و مطالبی از سمینار نمایندگان امام در سپاه گفت. نمایندگان آذربایجان غربی هم آمدند و از استاندار آنجا و آقای [علی اکبر]ناطق نوری وزیر کشور به خاطر حمایت از استاندار شکایت داشتند، مصاحبه مطبوعاتی درباره مجلس خبرگان داشتم*.

مسئولان سپاه پاسداران و صداوسیما برای رفع گله‌ها و انتظارات طرفین در دفتر من جلسه داشتند که دو ساعتی طول کشید. سپاه توقعات زیادی داشت و در نهایت قانع شد. ابتدا طلبکار بود و در خاتمه بدهکار شد ولی تفاهم برقرار گردید.

آقای [محسن]رضایی اطلاع داد که امروز صدامی‌ها در جبهه عملیات محرم با گازهای اشک آور و شیمیایی حمله کرده‌اند و نیروهای ما کمی عقب نشسته‌اند ولی با حمله مجدد، عراقیها را عقب رانده‌اند. شروع حرکت خطرناکی است. بعث عراق دچار مشکلات جدی در جبهه‌ها شده است و حامیان مستکبرش هم ناراحتند. قاعدتاً هر کاری از دستشان برمی‌آید برای نجات صدام و جلوگیری از پیروزی ما کوتاهی نخواهند کرد. باید برای دفاع از این سلاح خطرناک فکری بکنیم.
شب در دفتر کارم ماندم. به اخبار گوش دادم و گزارش‌ها را خواندم. رئیس جمهوری برای شرکت در مراسم هفتم شهدای اصفهان به آن شهر رفته‌اند و سخنرانی کرده‌اند.

سه شنبه ۲ آذر

از ساعت شش تا هشت مطالعه کردم. در جلسه علنی مجلس اساسنامه جهاد مطرح است. خیلی معطل می‌شویم، زیرا پیشنهاد اصلاحی زیاد است. خدمات تبلیغی و فرهنگی را از اهداف جهاد حذف کردند و جهادی‌ها خیلی ناراحت شدند. چند سؤال از وزیر کشور مطرح بود. نمایندگان خوزستان علیه سرپرست سابق و فعلی بنیاد امور جنگ زدگان، تند و تهاجمی صحبت کردند.
ائمه جمعه خراسان ظهر به دیدن من آمدند. ناهار مهمان مجلس بودند برای آنها و محافظانشان

صحبت کردم*. چند نفر از اهل سنت هم بودند. رهبری آنان با آقای [ابوالحسن]شیرازی امام جمعه مشهد بود. گفتند که در قم فقط آیت‌الله [حسینعلی] منتظری را دیده‌اند. سپس اعضای کمیسیون صنایع آمدند و از توقف قانون حفاظت صنایع ناراحت بودند و چاره‌ای می‌خواستند. آنها می‌گفتند که فشار سرمایه‌داران کار را به اینجا رسانده و در این باره کمی صحبت کردیم.

عصر چند ملاقات داشتم، از جمله، سردفتران بازنشسته که از وزیر دارایی گله داشتند. مصاحبه‌ای داشتم با مجله شاهد از بنیاد شهید[1]. ملاقاتی هم با آقایان [سیدتقی]خاموشی و حیدری که از حملات مسئولان شرکت تعاونی پسته رفسنجان به خاطر احساس کارشکنی وزارت بازرگانی در صدور پسته ناراحت بودند. آقای صفایی رئیس سیاسی ایدئولوژی ارتش آمد و از قائم مقام فرمانده نیروی زمینی و رئیس ستاد گله داشت و برای کارش کمک می‌خواست. عده‌ای از مسئولان سپاه اول شب آمدند و برای آنها صحبت کردم*. ساعت هشت شب به خانه آمدم. بچه‌های اخوی مرحوم حاج قاسم آمدند. دیروقت خوابیدیم.

چهارشنبه ۳ آذر

تمام وقت تا ساعت سه ونیم بعدازظهر در خانه ماندم. کارم مطالعه و پیاده روی در حیاط خانه بود. ظهر آقای [علی]صیاد شیرازی آمد. از سیاسی ایدئولوژی و ستاد مشترک گله و پیشنهاد تغییر در هر دو را داشت. قرارشد که برای رسیدگی جلسه مشترکی تشکیل شود و طرفین حرفهایشان را بزنند.

عصر جلسه هیئت رئیسه مجلس داشتیم. قرار بود که شب جلسه شورای‌عالی دفاع در مجلس باشد اما به خاطر خوابی که در مشهد دیده بودند، [آقای خامنه‌ای] رئیس جمهوری، محل [جلسه] را به دفتر خودشان تغییر دادند. در شورا درباره عملیات آینده در داخل خاک عراق، دفاع از خارک و

---

۱ - در این مصاحبه که پانزدهم آذر ۶۱ در هفته نامه شاهد ارگان بنیاد شهید انقلاب اسلامی، به چاپ رسیده است درباره هماهنگی دولت با مجلس شورای اسلامی، نحوه کار مجلس خبرگان، مسأله افغانستان، حمله اسرائیل به جنوب لبنان، بازگشایی دانشگاهها، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و شرایط ایران برای پایان جنگ بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

بوشهر و دادن پادگان به مجاهدان عراقی، وضع مجاهدان مؤمن لبنان، خرید برای نیروی دریایی (زیردریائی) تحویل محلی برای زندان در رشت و... تصمیماتی اتخاذ شد. مصاحبه کردم* و ساعت یازده به مجلس رفتم. شام عدسی بود که گرم کردند. خبر مهمی در جبهه‌ها نبوده و دو پاتک دشمن دفع شده است.

پنجشنبه ۴ آذر

جلسه علنی داشتیم. اساسنامه جهاد مطرح بود. در تنفس، برای انجمن اسلامی فارغ التحصیلان هند صحبت کردم* که به عنوان تماشاچی به خاطر فشاری که در هند روی دانشجویان می‌آورند، به مجلس آمده بودند. ظهر ملاقاتی با چند دکتر داشتم که طرحی برای تربیت سریع پزشک عمومی داشتند. [آقای عبدالمجید]آقارحیمی نماینده شهر بابک شبهاتی داشت که جواب دادم.

عصر درس مواضع حزب را گفتم. اول شب ملاقاتی با سرپرست دفتر مشاورت و گروهی از حزب اللهی‌های صنایع نظامی داشتم که از هیئت مدیره گله داشتند. سپس جلسه [جامعه] روحانیت مبارز در دفتر آقای [سیدعبدالکریم‌موسوی]اردبیلی تشکیل شد که راجع به کاندیداهای خبرگان تصمیم نهایی اتخاذ شد.

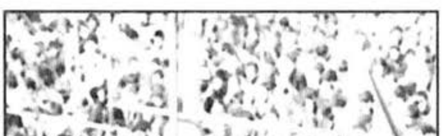
جمعه ۵ آذر

تا ساعت ده ونیم در خانه مطالعه کردم. نماز جمعه را در دانشگاه اقامه کردم. در خطبه دوم راجع به استحکام جمهوری اسلامی حرف زدم[1]. شب احمد آقا آمد و راجع به ادامه جریان موضوع دادگاه منکرات و شورای عالی قضایی و اظهارات امام گفت. آخر شب آقای مهندس [سید

---

۱ - در این خطبه ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام در موضوعات اصل ۴۹ قانون اساسی، خمس، تفاوت نظام مالیاتی در اسلام و دیگر کشورها دنبال شد و در خطبه دوم درباره انتخابات مجلس خبرگان و بازتاب جهانی آن، ثبات در جمهوری اسلامی، ایثارگری مردم در جنگ و حماسه‌های بسیجیان مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب


السلام علیک
یا ابا عبدالله الحسین
حضرت حجت الاسلام والمسلمین





محمد]غرضی آمد. از آقای دکتر [محمدتقی]بانکی و آقای مهندس [میرحسین]موسوی گله داشت و معتقد است که وزارت نفت را عمداً تحت فشار می‌گذارند و امتیازاتی که قانون به آن داده می‌خواهند پس بگیرند و از اختلاف با نخست وزیر در جلسه گذشته دولت گفت. آخر شب به فیلم مسابقه تیم‌های فوتبال ایران و ژاپن در دهلی نگاه کردم.

شنبه ۶ آذر

ظهر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد و راجع به دایره تحریر تاریخ انقلاب بحث کرد. به ایشان پیشنهاد کرده‌ام که مسئولیت آن را بپذیرد و ایشان می‌خواهد مستقل باشد و زیر نظر ارگان‌های رسمی نباشد. آقای محمدی گیلانی تلفن کرد و راجع به کیفر محاربانی که توبه کرده، مصاحبه کرده‌اند و در زندان خدمت می‌کنند و قبلاً دادستانی را از اجرای حکم منع کرده‌ایم، پرسید. قرار شد که از امام بپرسیم. تلفنی از احمد آقا خواستم که نظر امام را بپرسد. او هم پرسید و امام گفته بودند که تابع نظر مسئولان درجه یک باشند و قرار شد که تصمیم نهایی در جلسه‌ای اتخاذ شود.

عصر به مجلس رفتم. کارهای اداری را انجام دادم و گزارش‌ها را خواندم. اول شب در دفتر رئیس جمهور با شورای عالی قضایی و احمد آقا درباره تبعات مسایل دادگاه منکرات قم و تائبان مصاحبه کرده، جلسه داشتیم و تصمیم گرفتیم که اعدام نشوند. برای خواب به مجلس رفتم.

یکشنبه ۷ آذر

قبل از ساعت هشت مسئولان جهاد آمدند که از پیشرفت کار اساسنامه ناراحتند. آقای [حسینعلی]منتظری هم شب قبل تلفنی در این باره با من صحبت کردند. امام هم فرموده‌اند که جهادی‌ها را ناراحت نکنند. در جلسه علنی، پیشنهاد ارجاع اساسنامه به کمیسیون برای تصویب بر طبق اصل ۸۵ مطرح شد. عده‌ای به شدت مخالف بودند و شبهه آیین نامه‌ای هم مطرح بود. من دفاع کردم و تصویب شد. در تنفس عده‌ای از نمایندگان به من اعتراض کردند. عصبانی شدم و پرخاش کردم. به هرحال کار خوبی شد. هم وقت زیادی از مجلس می‌گرفت و هم چیز خوبی از آب در نمی‌آمد. دو سؤال هم داشتیم که انجام شد.

ظهر چند ملاقات داشتیم. عصر عده‌ای از وزراء آمدند؛ جناح مخالف تمرکز امور اقتصادی در دست دولت از جناح دیگر شکایت داشتند و مدعی کارشکنی از طرف آنها بودند. دعوت به اتحاد و صراحت و رفاقت نمودم و قول دادم که به موارد ادعای کارشکنی رسیدگی می‌کنم. جلسه خوبی بود؛ آقایان [حبیب‌اله]عسکراولادی، [علی اکبر]ناطق نوری و [محسن]رفیق دوست، [احمد]توکلی، [جواد]اژه‌ای، [محمد]غرضی، مرتضی نبوی، [هادی]منافی،... [در جلسه حضور داشتند].

دکتر [عبدالله]جاسبی آمد؛ راجع به دانشگاه آزاد بحث شد، قرار شد پس از تصویب اساسنامه، کنکور اعلام شود. نظرم را راجع به اساسنامه گفتم. جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. آقای نخست‌وزیر گزارش وضع اقتصادی کشور را گفت، مخالفان او از گزارش ناراحت به نظر می‌رسیدند و پارازیت می‌دادند.

درباره انتخابات آینده بحث شد. آخر شب جلسه سران بود؛ درباره تعقیب حزب توده و میثمی‌ها بحث شد و در حد گرفتن سران حزب توده موافقت شد. مسئولان امنیتی پیشنهاد گرفتن عده زیادی را دادند که نپذیرفتیم. میثمی‌ها[1] را هم قرار شد به شرط تحویل اسلحه آزاد کنند. و همچنین آقای [داریوش]فروهر[2] را. شب برای شام و خواب به مجلس رفتم.

دوشنبه ۸ آذر

دستور جلسه علنی درباره طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی «اصلاحات ارضی» بود. تعاریف و اصطلاحات تصویب شد. دو سؤال هم انجام گردید. ظهر امام جمعه قروه آمد و از اختلاف استاندار و نماینده امام در غرب [کشور] گفت و از لزوم تأسیس مدرسه علوم دینی برای

---

۱ - "میثمی‌ها" به گروه وابسته به "لطف الله میثمی" گفته می‌شود. وی از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران بود که بعدها انشعاب کرد و گروه جداگانه‌ای را با افکار نزدیک به نهضت آزادی تشکیل داد. وی در اثر انفجار نارنجک در سالهای پیش از انقلاب اسلامی دو چشم خود را از دست داده است. بعد از وقایع سال ۶۰ این گروه منزوی شدند و در سالهای اخیر مجله‌ای بنام "پیام مجاهد" منتشر می‌کردند.

۲ - مرحوم داریوش فروهر از اعضای جبهه ملی فعالیت‌های سیاسی خود را از دهه سی آغاز کرد و در کابینه دولت موقت مهندس بازرگان وزارت کار و امور اجتماعی را عهده‌دار بود. وی پس از وقایع سال ۶۰ منزوی و حزب ناسیونالیستی کم طرفداری را رهبری می‌کرد. قتل دلخراش وی و همسرش پروانه اسکندری (فروهر) توسط مخالفان نظام جمهوری اسلامی به موضوع جنجال برانگیزی تبدیل شد.

شیعه؛ قرار شد کمک کنم.

عصر در جلسه نمایندگان عضو حزب جمهوری [اسلامی] شرکت کردم. قرار شد چند حوزه و یک کانون برای نمایندگان [عضو حزب] تشکیل شود. لیست حدود هفتاد نفر که تقاضای عضویت کرده بودند، بررسی شد، اکثراً تصویب و چند نفری هم علامت سؤال داشتند که قرار شد رسیدگی شود. پس از نماز مغرب آقای [خسرو]تهرانی و آقای ایمانی آمدند و راجع به بعضی از مسئولان که احتمال ارتباط و همکاری با اجانب درباره آنها می‌رود، مذاکره شد و راجع به تعقیب حزب توده سؤال کردند که نظر جلسه دیشب را گفتم.

حاج محسن رفیق دوست هم آمد. راجع به صنایع نظامی حرف داشت. سپاه نقشه حضور در صنایع نظامی دارد؛ راجع به هیأت دولت مطالبی داشت.

در دفتر آقای رئیس جمهوری با شورای سرپرستی و مدیر عامل صداوسیما و سران سه قوه جلسه داشتیم. اختلاف هنرمندان اسلامی و غیر اسلامی و اختلاف شورای سرپرستی با مدیر عامل بر سر مدیریت شبکه ۲ مطرح و بحث شد. آخر شب به مجلس آمدم.

سه شنبه ۹ آذر

طرح اراضی مزروعی در دستور بود. سه ماده تصویب شد. عده‌ای از نمایندگان با «ضرورت» مخالفت دارند و ضرورت مبنای بسیاری از مواد است.

ظهر ملاقات‌هائی با چند نفر از نمایندگان داشتم. آقای مهدوی قائم مقام مسئول تشکیلات حزب آمد و گفت آقای [رضا] زواره‌ای او را کنار گذاشته [است] و معتقد بود که تحت تأثیر موضع‌گیری جناح مخالف دولت آقای [میرحسین]موسوی است. آقای فخرالدین حجازی آمد و توقع داشت که روزنامه و صداوسیما نظرات ایشان را پخش کنند و به ملاقات امام برود. از دفتر آقای [اسدالله]لاجوردی نامه‌ای آوردند که از عربستان سعودی به دکتر [ابراهیم]یزدی نوشته بودند و مطالب مشکوک و مبهمی داشت.

آقای شیخ عطار آمد. وی تحت تأثیر خطبه‌های نماز جمعه می‌خواست بخشی از سودهایی که از کارش برده به خیریه بدهد. عصر [جمعی از اعضای] انجمن اسلامی دانشجویان هند آمدند و

گزارشی از خدماتشان دادند؛ برایشان صحبت کردم[1]. قضات و مسئولان دادگاه‌های مبارزه با منکرات آمدند و گزارش کارشان را دادند و من هم برایشان صحبت کردم[2]. برای من در جلسه سه‌شنبه نمایندگان برنامه گذاشته بودند که نرسیدم.

سفیر آلمان غربی آمد و از تلاشش برای توسعه روابط گفت و از مردمی بودن انقلاب اسلامی. آقای بهزاد نبوی آمد و از مخالفت دکتر [محمود] کاشانی و دکتر بهرامی با آقای محمدی سرپرست دفتر بیانیه الجزایر[3] گفت و کمک خواست. و نیز برای اختلاف درون دولت کمک می‌خواست و راجع به پروژه عظیم ریخته‌گری اسفراین در ایران مذاکره کردیم. معلوم شد تحت بررسی است. شب به خانه آمدم، عفت کسالت داشت و ناراحت بود. قدری گریه کرد. سعید [لاهوتی] آمد و فشار خونش را گرفت، کم کم بهتر شد. با قرص مسکن خوابید. من هم بیخوابی کشیدم.

چهارشنبه ۱۰ آذر

فاطی بعد از دو هفته سفر از رفسنجان آمد. دکتر سعید [لاهوتی] و آقاجلال از فرودگاه او را آوردند. تلفنی با مجلس صحبت کردم و مطالبی به هیأت رئیسه که جلسه داشت، تذکر دادم. آقای [محمدی] ری‌شهری آمد و خبر از کشف شبکه وسیعی از [حزب] کوموله در تهران و کشف شبکه ضد انقلاب در اداره دوم و گروهی دیگر داد.

شب احمد آقا آمد و از ملاقات گروهی از قضات با امام در رابطه با مسئله منکرات و صراحت

---

۱ - در این سخنرانی درباره فعالیت نیروهای انقلابی در هند، لزوم فعالیت بیشتر برای معرفی انقلاب در خارج از کشور و مسئولیت نسل جوان و قشرهای تحصیل کرده مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره روش برخورد جمهوری اسلامی با فساد، ترویج فساد حربه استکبار در مبارزه با نهضتهای مردمی، فساد در خاندان پهلوی، ویژگیهای انقلاب اسلامی، لزوم برخورد ظریف با مسأله منکرات و تزکیه نفس مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - دفتر بیانیه الجزایر برای رفع اختلافات مالی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا براساس بیانیه مشترک دو کشور تشکیل شده بود. این دفتر وظیفه داشت در دادگاه لاهه از ادعاهای ایران در مورد داراییهای بلوکه شده و قراردادهای عمل نشده دفاع نماید.

آنان و ناراحتی امام گفت. آخر شب آقای نخست وزیر تلفنی از ضرورت تسریع در حل مشکل قانون حفاظت صنایع و دنبال کردن اقدامات آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی با امام و ارائه راه حل ایشان را خواست. و چون آقای رئیس جمهور در مورد این قانون ملاحظاتی دارند، نمی‌خواست مستقیماً وارد عمل شود و از من می‌خواست که اقدام کنم.

پنجشنبه ۱۱ آذر

پیش از جلسه علنی با فرمانده نیروی زمینی [ارتش جمهوری اسلامی] در مجلس ملاقات کردم. عازم جبهه بود و درباره گردان‌های قدس و... مذاکره شد. [نمایندگان در] جلسه علنی، بالاخره گرفتن اراضی بایر از مالکین را با حدود و قیودی تصویب کردند. در تنفس برای هفتصد نفر از مسئولان بسیجی که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم*. ظهر چند ملاقات با نمایندگان داشتم و عصر کلاس مواضع حزب [جمهوری اسلامی] داشتم و ملاقاتی با فرمانده نیروی دریائی [ارتش جمهوری اسلامی].

مسئول دفتر مشاورت [ارتش] هم به ملاقات آمد و خبر از تعمیر لامپهای کلاسترون و تویسترون رادارها داد که پیشرفتی خوب است. ملاقاتی داشتم با علماء و ائمه جمعه اهل سنت فارس که برای تجدید بیعت با امام آمده بودند و برای آنها صحبت کردم*. ملاقاتی با هفتاد نفر از رؤسای دانشگاه‌ها و مسئولان گزینش دانشجو و استاد داشتم و درباره سیاست گزینش صحبت کردم*. شب جلسه [جامعه] روحانیت مبارز [تهران] در دفتر من تشکیل شد و تصمیم گرفتیم که با حزب جمهوری [اسلامی] در معرفی کاندیداهای تهران ائتلاف شود و در مورد شهرستانها، [جامعه]روحانیت [مبارز تهران] در معرفی کاندیدا شرکت نکند. آخر شب به خانه آمدم.

سرهنگ صیاد [شیرازی] از جنوب تلفن کرد که یک افسر عراقی با خانواده به ایران پناهنده شده و خبر از وضع خراب عراق می‌دهد. آقای خامنه‌ای [رئیس جمهوری] هم تلفنی از من خواستند برای رفع مشکل آقای محمد خامنه‌ای که از طرف شورای نگهبان به خاطر نقص مدارک، اسمش در خبرگان اعلام نشده، کمک کنم.

جمعه ۱۲ آذر

تمام روز در خانه ماندم. نماز جمعه را رئیس جمهور اقامه کردند. مطالعه کتاب خمس آقای منتظری، بیشتر وقتم را پر کرد. عصر آقای دکتر ولایتی وزیر امور خارجه آمد و راجع به نتایج سفر هیأتهای نیوزیلند، پاکستان، یوگسلاوی و بلغارستان و قراردادهای اقتصادی و اعزامی هیأت‌ها به کشورهای آفریقائی و علائم ثبات انقلاب صحبت کرد و در مورد تعقیب «یوف» جاسوس آلمان شرقی که تحت پیگرد مقامات قضائی قرارگرفته و در سفارتشان متحصن شده و مشکلی در روابط ایجاد کرده، چاره‌جوئی می‌کرد؛ گفتم برای بدست آوردن سرنخ، بهتر است بازجوئی و آزاد شود.

در مورد چند نفر از مخالفان عراق که تحت حمایت سوریه مبارزه می‌کنند، و اخیراً پاسپورتشان را مأموران ما ضبط کرده‌اند و سوریه خواهان رفع مشکل‌شان است، مذاکره شد.

شنبه ۱۳ آذر

تمام وقت در خانه بودم. بیشتر مطالعه می‌کردم؛ کتاب خمس آقای منتظری و گزارشها. ظهر عفت مهمان داشت. یاسر هم که دیشب به خاطر غذاهائی که بیرون خورده، امروز کسل بود و در خانه ماند. اعظم همسر محسن امروز با مادرش از رفسنجان آمد. آقا جلال رفت آنها را از فرودگاه بیاورد. چمدانی از خواهرش آذر گم شده بود و آنها هم به منزل او رفته‌اند. فاطی هم مطابق معمول به حزب [جمهوری اسلامی] رفت و فائزه در کنکور پزشکی هم شرکت کرده، گویا قبول نشده است.

عصر از کارگرانی که کنار منزل مشغول ساختن دو اتاق برای پاسداران هستند، دیدن کردم. بناست پیش ساخته باشد. آهن زیادی به کار برده‌اند، صرف نمی‌کند و خیلی هم پیش ساخته نیست. به جای جوشکاری پیچ و مهره می‌کنند. شب بیشتر به تلویزیون نگاه کردم. خبر مهمی نداشت. محاکمه سیصد تن در مصر را نشان داد، خیلی شبیه به مسلمانان انقلابی ایران بودند و شعار شهادت و رفتن به بهشت می‌دادند؛ جالب است. عصر آسید حسین [خمینی] نوه امام[1] آمد و نامه‌ای از آیت‌الله مرتضی حائری آورد که برای سفر یک نفر فلج به خارج [از کشور] کمک خواسته بود.

۱ـ فرزند آیت الله شهید سید مصطفی خمینی. مرتضی حائری یزدی دائی آسیدحسین خمینی است.

یکشنبه ۱۴ آذر

مجلس تعطیل است. به خاطر ملاقات‌ها و کارهای اداری به مجلس رفتم. تا ساعت نه ونیم مطالعه کردم. سپس ملاقات‌ها شروع شد. یکی از روحانیون کشمیر هند آمد و مبلغی خمس برای امام آورده بود؛ به دفتر امام معرفیش کردم. شش نفر از سفرا و کارداران جدید عازم محل مأموریت آمدند و در مورد سوابقشان و محل خدمتشان مذاکره کردیم. گروهی از روحانیون خوی آمدند، ضمن ابراز رضایت از وضع عمومی خوی از حاکم شرعشان شکایت داشتند. مراتب را به آقای [موسوی]اردبیلی منتقل کردم، معلوم شد عزل شده است.

آقای فیاض مسئول مرکز اسناد اسلامی آمد و گزارشی از وضع آن سازمان داد؛ جالب است. مدعی بود که بر همه رموز آن سازمان مسلط شده است. (منظور مرکز ساواک رژیم قبل است). آقای کامران مسئول حفاظت نخست وزیری که پس از شهادت رجائی و باهنر به خاطر سهل‌انگاری بازداشت شده بود، آمد و از خودش دفاع کرد و حرفهای قابل قبول داشت. آقای [رضا]امراللهی مسئول [سازمان]انرژی اتمی آمد و از عدم همکاری وزارت دارائی در راه حصول تفاهم با شرکت اُرودیف فرانسه گفت.

گروهی از اسرای عراقی را به ملاقات آوردند که خواهان خدمت برای جمهوری اسلامی بودند و از معطّل ماندن نیروهایشان گله داشتند. می‌گفتند هفتاد درصد از اسرا شیعه‌اند.

آقایان رخ صفت و موسوی آمدند و گزارشی از عملکردشان در مصرف پنج میلیون لیره‌ای که شورای انقلاب برای لبنان داده بود، ارائه کردند؛ هفت چاه عمیق و... معلوم شد هنوز چند میلیون لیره در بانک صادرات ایران در لبنان داریم.

عصر آقای [علی]فلاحیان همراه چند نفر از متصدیان دادسرای مبارزه با مواد مخدر آمدند. برای اجرای طرحهای خود و ایجاد اردوگاه [معتادین] و بستن مرزها کمک خواستند که به صورت تلفنی انجام دادم. گروهی از اعضای سپاه پاسداران ایرانشهر آمدند، برایشان صحبت کردم[1]. آخر شب به خانه آمدم. برف می‌بارید. مهمان داشتیم.

---

۱ - در این دیدار درباره اهمیت استراتژیک استان سیستان و بلوچستان، تاریخ طولانی محرومیت و امنیت مرزها مطالبی بیان شد. رجوع کنید ←

کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

دوشنبه ۱۵ آذر

در خانه ماندم. مطالعه بیشتر وقتم را گرفت. نخست وزیر تلفن کرد و درباره جذب نیروها پس از اعلام آمادگی پذیرش آنها و در مورد قانون حفاظت کارخانه‌ها و صنایع صحبت کردیم. از دیروز برف متناوباً تاکنون ادامه دارد. مهدی و یاسر به برف بازی در باغچه مشغولند و گاهی هم دعوا می‌کنند. با رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم؛ راجع به اختلاف فرماندهان نیروی زمینی [ارتش] با سیاسی ـ ایدئولوژی و مطالبی که در نیروی هوائی گفته می‌شود؛ قرار شد در این‌باره جلساتی داشته باشیم.

سه شنبه ۱۶ آذر

امروز هم در خانه ماندم. برف سنگینی باریده و باز هم می‌بارد. آموزش و پرورش مدرسه‌های شمیران را به خاطر بارش برف تعطیل کرده است. چند ساعتی برق جماران قطع شد. با توجه به اینکه بسیاری از وسائل، برقی است، مشکلات ببار می‌آورد. موتور مولد برق اضطراری برای بیت امام وجود دارد ولی اخیراً از منزل ما قطع شده؛ تذکر دادم که وصل کنند.

احمد آقا آمد از مذاکراتش با آقای محمدی گیلانی در خصوص مسائل دادگاه منکرات و مخالفت دادستان گفت. گفتم که وقت ملاقاتی به ستاد انقلاب فرهنگی بدهند که خدمت امام برسند و در خصوص بازگشائی دانشکده‌های علوم انسانی صحبت کنند. جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم به منظور تهیه مواد درسی جدید دقت بیشتری می‌خواهد. به این زودی هم نمی‌شود کتب مورد نظر را تهیه کرد. باید تدریجاً و ضمن کار انجام شود.

چهارشنبه ۱۷ آذر

سحر بیدار شدیم. مدرسه‌ها به خاطر بارش برف تعطیل شد. مهدی و یاسر در خانه ماندند. ساعت هشت صبح به مجلس رفتم. جلسه علنی با یک ساعت تأخیر آغاز شد. برف و یخبندان مانع رسیدن به وقت نمایندگان شد.

ظهر مسئول اطلاعات سپاه و آقای [محمدرضا]فاکر نماینده امام در سپاه آمدند. در مورد حفاظت از امام پیشنهاداتی داشتند. آقای [محمدعلی]صدوقی نماینده یزد آمد و راجع به اختلاف‌های آقای [مرتضی]فهیم در کرمان با مسئولان اجرائی گفت.

آقایان [محمد]موسوی خوئینی‌ها و دکتر [حسین]نمازی و دکتر [محسن]نوربخش آمدند. راجع به حذف ربا مشورت کردند. لایحه از کمیسیون ویژه به این زودیها بیرون نمی‌آید. بانک‌ها می‌خواهند زودتر ربا را حذف کنند. قرار شد ماده واحده‌ای با قید دو فوریت به مجلس بیاورند که نسبت به آینده، ربا را ممنوع کند و قراردادهای قبلی را حتی‌الامکان به قراردادهای مشروع تبدیل کنند. عده‌ای از مدیران کل بهزیستی هم آمدند و از آقای [جواد]اژه‌ای وزیر جدید شاکی بودند، استعفاء کرده‌اند. قرار شد صحبت کنم.

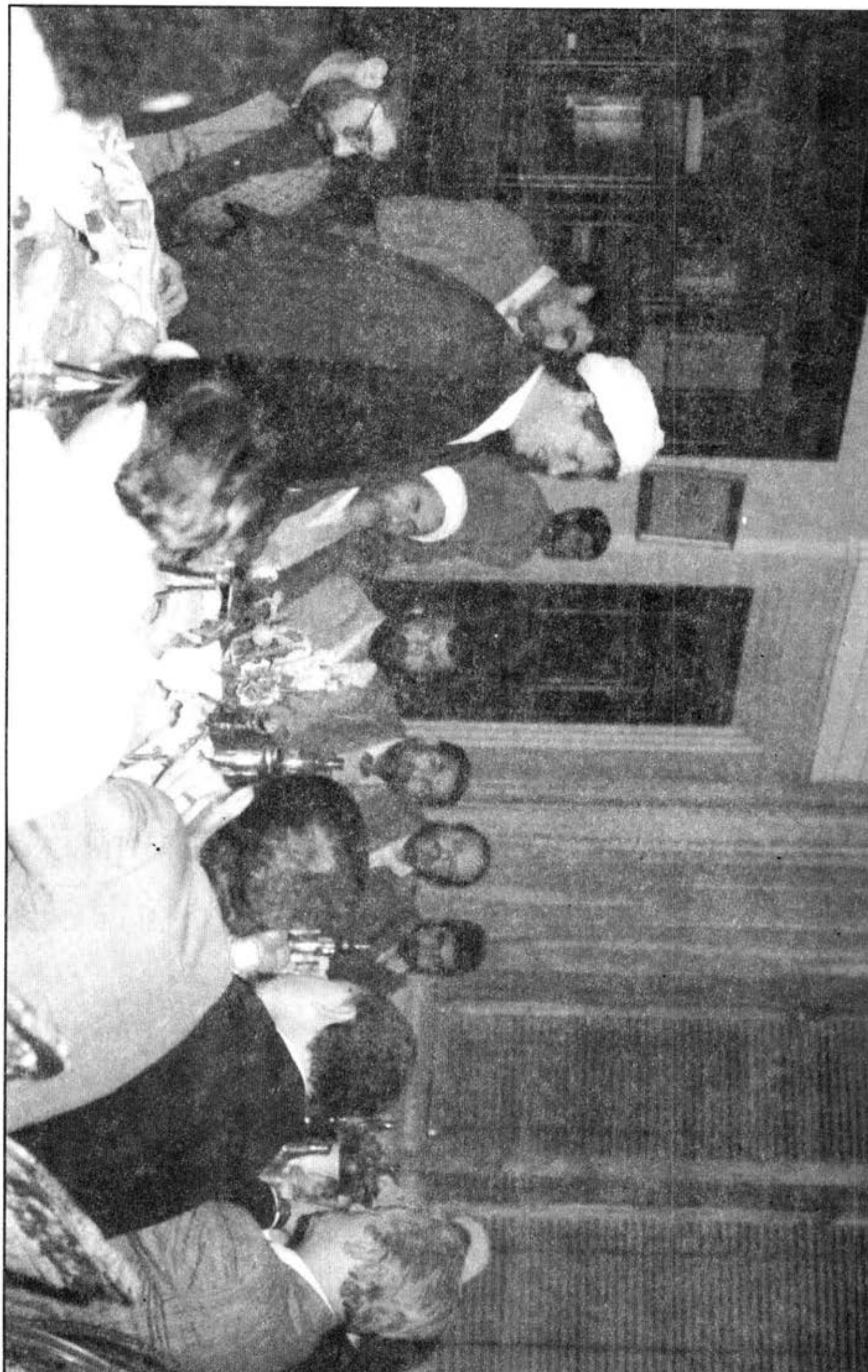
عصر وزیر خارجه لیبی و هیأت همراه آمدند. پیام آقای [معمر]قذافی را ابلاغ کردند و مذاکراتی به عمل آمد.

جلسه شورای عالی دفاع در مجلس تشکیل شد. عملیات آینده را آقای [محسن]رضائی تشریح کرد. خیلی وسیع و مشکل است. مدتی وقت لازم دارد. در کردستان با عملیات ایذائی ضد انقلاب در دو هفته گذشته مواجه بودیم. تعمیر لامپهای کلاسترون هاگ‌ها مورد تقدیر قرار گرفت. آخر شب مصاحبه تلویزیونی داشتم*.

پنجشنبه ۱۸ آذر

پس از نماز و مقداری مطالعه به جلسه علنی رفتم. ماده ۶ طرح واگذاری اراضی مزروعی که مربوط به فروش اجباری اراضی دائر است، مطرح و خیلی مورد بحث و مشاجره قرار گرفت. دو جلسه وقت گرفته و هنوز تمام نشده. ظهر آقای [رضا]زواره‌ای آمد و راجع به مسکن و... گفت.

آقایان [اسدالله]بیات و [رسول]منتجب نیا هم راجع به پیشنهاد آیت‌الله‌منتظری در خصوص قرارگرفتن واحد نهضت‌ها[ی سپاه پاسداران] تحت اداره روحانیت صحبت کردند و من مخالفت کردم. قرار شد با آقای منتظری صحبت کنیم. عصر هیأت رئیسه جلسه داشت و تصمیماتی اتخاذ شد. شب به منزل آمدم.



جمعه ۱۹ آذر

برای رأی دادن به [انتخابات مجلس] خبرگان و میان دوره‌ای مجلس [شورای اسلامی] به حسینیه جماران ـ که صندوق مخصوصی آورده بودند ـ رفتم و رأی دادم. امام هم قبل از من رأی داده بودند. مقداری از وقت را صرف دیدن گزارش برگزاری انتخابات کردم. مردم خیلی خوب استقبال کرده‌اند، صفهای طولانی همه جا بوده. خیلی از جاها تعرفه رأی کم آمده. دشمنان خیلی تلاش کردند که مردم را از شرکت در انتخابات دلسرد کنند. شرکت وسیع مردم، دشمنان را مأیوس و دل سرد می‌کند. بعضی از علما هم که بی‌تفاوت بودند، بالاخره در آخرین ساعات اطلاعیه دادند.

شب ضد هوائی‌های بیت امام عمل کردند؛ گویا شیئی نورانی مشکوک در فضا دیده شده. آقای فیاض مسئول مرکز اسناد اسلامی آمد و گزارشی از وضع فراماسون داد. به نظر آنها خیلی جریان وسیع، عمیق، خطرناک و جهانی است. امّا از توضیح اهداف و گردانندگان و... عاجز ماندند. شب بچه‌ها به سینما رفتند و بیرون شام خوردند و برای من هم آوردند.

شنبه ۲۰ آذر

تا ساعت نه صبح مطالعه کردم. سپس به زیارت امام رفتم. امام از کیفیت برگزاری انتخابات و اوضاع مملکت راضی بودند و فرمودند انقلاب تثبیت شده و می‌توانم راحت بمیرم و از آینده مطمئن باشم. گفتم ایران و انقلاب خیلی مدیون و محتاج شماست و امیدواریم که سالهای سال سایه شما بر سرما باقی باشد. راجع به کیفیت برخورد با مسئله فلسطین و فلسطینی‌ها با ایشان مذاکره و هم راجع به جامعه مدرسین قم و حزب جمهوری اسلامی و چیزهای دیگر صحبت شد. امام سرحال بودند.

تا عصر به مطالعه پرداختم. عصر آقای [عبدالمجید]معادیخواه آمد و راجع به تأسیس مرکزی برای نوشتن تاریخ انقلاب به سرپرستی ایشان و اینکه این مرکز تابع کدام ارگان رسمی باشد، صحبت شد. پیشنهاد کرد که تابع نهاد ریاست جمهوری یا بیت امام باشد. احمد آقا تلفن کرد و از اینکه در بسیاری از جاها انتخابات احتیاج به مرحله دوم دارد و این کار مشکلی است نگران بود؛ ولی با قانون فعلی چاره‌ای نداریم.



مولانا حافظی رهبر مسلمانان بنگلادشت با رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کرد(۲۰ آذر ۶۱)

یکشنبه ۲۱ آذر

جلسه علنی داشتیم. به خاطر سرماخوردگی در منزل ماندم. آقای [محمد]یزدی مجلس را اداره کرد. بحث در ماده ۶ طرح اصلاحات ارضی بود که بازهم ناتمام ماند. سه روز همین یک ماده وقت گرفته، یک روز دیگر لااقل وقت خواهد گرفت. تمام روز مطالعه کردم.

ظهر با آقای رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم. راجع به کارهای آینده و ایجاد سازمان تحریر تاریخ انقلاب و ازگرفتن اسناد جریان دادگاه منکرات از دادستان کل کشور و ایشان خبر دادند که فیلمی از قیس تهیه شده است و قرار شده چهارشنبه ببینم. فاطی به حزب [جمهوری اسلامی] رفت و من تنها ماندم.

اول شب احمد آقا آمد و راجع به خوب برگزار شدن انتخابات صحبت کردیم. مجموعاً بسیار خوب شده. در بسیاری از موارد حتی تعداد شرکت کنندگان بیش از رفراندم [۱۲ فروردین ۱۳۵۸] است؛ با اینکه دشمنان خیلی تلاش کردند که تعدادکم شود. شب مقداری با مهدی و یاسرکارکردم فردا امتحان دارند. مصاحبه‌ای هم با نشریه نگهبان انجام دادم[1].

دوشنبه ۲۲ آذر

صبح زود بچه‌ها به مدرسه رفتند و من به مجلس. قبل از شروع جلسه، گزارشات را خواندم. ماده ۶ طرح اصلاحات ارضی که واگذاری اراضی بایر بزرگ بود، با اکثریت ضعیف تصویب شد. ظهر گروهی از مربیان رامیان آمده بودند، برایشان صحبت کردم[2]. چند نفر از کارکنان مجلس آمدند برای مسکن و کارهای رفاهی دیگر.

جلسه‌ای با حضور [اعضای] کمیسیون ویژه طرح [ایجاد وزارت] اطلاعات و با حضور رئیس

---

۱ - در این مصاحبه درباره نقش کمیته‌های انقلاب اسلامی در روند انقلاب بحث شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره حرکت انبیاء به سوی خدا، حکومت توحیدی و وظایف سنگین امور تربیتی در نظام اسلامی مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوان عالی کشور و فرمانده سپاه داشتیم. بحث در این بود که اطلاعات در اختیار چه قوه و مرکزی باشد. بیشتر متمایل به این شدیم که در اختیار دولت و وزارت مستقل باشد. شام را هم مهمان مجلس بودند.

آخر شب به خانه آمدم. مقداری با بچه‌ها که مادرشان در سفر است، صحبت کردیم. اخبار می‌گوید در انتخابات خبرگان تهران آقای خامنه‌ای اول و من دوم هستم و دیگران عقب‌تر. تازه مهمی نداشتیم. بحث روز استقبال وسیع مردم از انتخابات است که نشان تثبیت انقلاب و باعث یأس دشمنان است.

سه شنبه ۲۳ آذر

به خاطر تعطیل عمومی در خانه ماندم. مطالعه گزارشها و قدم زدن وقتم را پر کرد. یاسر و مهدی هم همکلاسها را آورده بودند که با هم درس بخوانند و برای امتحانات ثلث اول آماده شوند. از روزهای نادری بود که مراجعه کم داشتم و نسبتاً استراحت نمودم. آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی تلفنی از من خواست که ستاد نماز جمعه تهران را قانع کنم که مراسم جمعه ۲۲ بهمن به خاطر مراسم جشنها، به جای دانشگاه تهران در میدان آزادی انجام شود.

چهارشنبه ۲۴ آذر

صبح زود به مجلس رفتم. به خاطر برف و تأخیر نمایندگان، مجلس با تأخیر یک ساعته شروع شد. نطق‌های قبل از دستور را حذف کردیم. من هم به خاطر تأخیر نمایندگان کمی عصبی بودم و در اداره مجلس به بعضی از نمایندگان پرخاش کردم ولی آنها تحمل کردند. در تنفس برای گروهی از کارگرانِ عضو حزب جمهوری [اسلامی] صحبت کردم[1].

ظهر پس از نماز چند ملاقات داشتم. تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد ارتش آمد و برای اثبات

---

۱ - در این سخنرانی درباره نقش کارگران در انقلاب اسلامی و لزوم تلاش بیشتر در بخش صنعت مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰


ما میخواهیم قدس را نجات دهیم
لکن بدون نجات عراق نمیتوانیم
روابط عمومی مجلس شورای اسلامی

وفاداری خود و ابراز برائت از بنی‌صدر و علاقه به خدمت به اسلام صحبت کرد. به ایشان اطمینان دادم. عصر دکتر [عبدالله]جاسبی و همکاران مقدماتی دانشگاه آزاد آمدند. گزارشی دادند، من هم برایشان صحبت کردم[۱]. جلسه هیأت رئیسه داشتیم.

پس از جلسه به مقر ریاست جمهوری رفتم. فیلمی از زندگی و شهادت قیس‌بن‌مسهرصیداوی تهیه کرده‌اند، تماشا کردیم، خیلی جالب است. بیش از دو ساعت فیلم است. آغاز حرکت بسیار خوب هنری است. آخر شب هم با رؤسای کشور درباره سیاست جنگ و سیاست اقتصادی و خارجی بحث‌های مفیدی کردیم و تصمیماتی اتخاذ شد. برای خواب به مجلس رفتم.

ساعت دوازده اخبار را گرفتم. پیام مهمی از امام صادر شده که از افراط کاری‌ها و ایذاء مردم و تجسس و شنود و تصفیه‌های بیجا منع کرده‌اند. خیلی پیام مؤثری است. تحت تأثیر شرکت وسیع مردم در انتخابات صادر شده است[۲].

پنجشنبه ۲۵ آذر

قبل از دستور درباره پیام امام صحبت کردم[۳]. جلسه را بدون تنفس تا ظهر ادامه دادم. پس از جلسه و نماز چند ملاقات داشتم. عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی برگزار شد و سپس برای فرماندهان گروه‌های قدس که فرمانده نیروی زمینی به مجلس آمده بودند، بـه طـور مفصل صحبت کردم*. ملاقاتی با دکتر نراقی داشتم؛ محققی که لامپهای رادارهای هاگ را تعمیر کرده کار بزرگی است. سپس مطالعه گزارشها و ساعت هشت به خانه آمدم. تا آخر شب با بچه‌ها سرگرم بودم و فیلم می‌دیدم.

---

۱ - در این سخنرانی درباره اهداف تشکیل دانشگاه آزاد اسلامی و مشکلات فراراه آن و لزوم مردمی کردن این دانشگاه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - صحیفه نور ـ مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره). انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ـ جلد نهم ـ صفحه ۶۴۴،

۳ - متن کامل این پیام در مقدمه همین کتاب آمده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

جمعه ۲۶ آذر

تا ساعت ده ونیم در خانه برای خطبه‌ها مطالعه کردم. به دانشگاه تهران برای اقامه نماز جمعه رفتم. خطبه‌ها را خیلی مفصل و طولانی خواندم[1]. قبل از من هم آقای [محسن]قرائتی سخنرانی خوبی داشت. عصر در خانه تنها بودم. آخر شب بچه‌ها آمدند، بیرون شام خورده بودند. برای من هم ساندویچ آوردند. زود خوابیدیم.

شنبه ۲۷ آذر

تمام امروز در خانه ماندم. اطلاع دادند که صحبتهای دیروز من در دانشگاه درباره خمس بر پس انداز باعث شده عده‌ای خیال کنند دولت از پس اندازهای بانک‌ها خمس برمی‌دارد و ممکن است پولهائی را از بانک بیرون بکشند. برای رفع این خطر مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی کردم و توضیح دادم[2]. بیشتر وقتم صرف مطالعه شد. ناهار ماهی پلو داشتیم. عصر فاطی و فرزانه برای شرکت در مراسم افتتاح دانشگاهها به دانشگاه تهران رفتند[3].

اول شب احمد آقا آمد و راجع به چند مسأله مذاکره کردیم. شب را بیشتر به گوش دادن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون گذراندیم. چهل نفر از نمایندگان به امام نامه نوشته‌اند و از تصویب طرح اصلاحات ارضی شکایت کرده‌اند و در امام مؤثر واقع شده و به فکر چاره افتاده‌اند.

---

۱ - در خطبه اول بحث عدالت اجتماعی در اسلام با موضوعات؛ برنامه‌ریزی‌های اسلامی برای مبارزه با فقر و تأمین هزینه‌های کشور و حکومت از طریق مالیاتهای اسلامی و مالیاتهای مصوب دولتی، معنای خمس و نظر فقها درباره مصارف خمس پیگیری شد و در خطبه دوم درباره پیروزی جمهوری اسلامی در برگزاری با شکوه مجلس خبرگان رهبری و تحلیل و تفسیر فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی و تأمین امنیت قضایی و اجتماعی شهروندان مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۲ - کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - دانشگاههای کشور پس از دو سال تعطیلی با پیام آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور و با حضور آقای میرحسین موسوی نخست وزیر و جمعی از شخصیتهای کشور گشایش یافت. امام خمینی(ره) درباره بازگشایی دانشگاهها فرمود: "از دانشگاه اسلامی ان‌شاءالله بعد از چند سال خواهید دید که چه نتیجه خواهد شد".

یکشنبه ۲۸ آذر

صبح زود بچه‌ها را به مدرسه فرستادم و به مجلس رفتم. لایحه وزارت بهداشت و درمان که از شورای نگهبان برگشته مطرح شد. چون وزرای بهداری و علوم مخالف بودند، کار مشکل شد و یک ماه مسکوت گذاشتیم. ادامه بحث در طرح اصلاحات اراضی بود. پیش از دستور آقای [مهدی]طیّب [نماینده نائین] به وزارت بازرگانی و آقای پوراستاد حمله کرد. ظهر ملاقاتی با مهندس طاهری درباره کانون حزبی نمایندگان داشتیم. گروهی از کمیته شمیران آمده بودند از مبهم بودن آینده کمیته نگران بودند. دلداریشان دادم.

تا عصر گزارشها را خواندم. آقای [غلامرضا]آقازاده وزیر مشاور آمد. درباره تعاونی کردن قماش و حذف طاقه فروشها مشورت کرد و از اختلاف حزب [جمهوری اسلامی] بندرعباس با امام جمعه آنجا گفت و از اختلاف دورن کابینه. سپس آقای [عباسعلی]اختری آمد و مواردی از خلافها را گفت.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] بود. من درس مواضع گفتم و بحث‌های دیگری هم داشتیم. آخر شب به خانه آمدم. مهمان داشتیم. خبر رسید که دیروز دو کشتی در خورموسی هدف عراقیها قرار گرفته و یکی غرق شده است.

دوشنبه ۲۹ آذر

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. طرح اراضی خیلی طول کشید. ظهر چند ملاقات با کارکنان مجلس و نمایندگان و مراجعان دیگر داشتم. عصر هم دو ملاقات و مصاحبه‌ای با تلویزیون به خاطر توضیح درباره خطبه نماز جمعه گذشته در مورد خمس*. پس از آن مطالب نماز جمعه، ضد انقلاب شایعه پخش کرده که ایران می‌خواهد به عنوان خمس مثل پاکستان یک پنجم پس اندازها را از بانک‌ها بردارند. عده‌ای به بانکها مراجعه کرده‌اند و پولهای خودشان را گرفته‌اند. منجمله رهبر حزب توده [نورالدین]کیانوری؛ بعضی‌ها فکر می‌کنند که توده‌ایها دست اندرکار اخلالند.

در مصاحبه توضیح دادم که چنین قصدی نیست. شب در مجلس ماندم. گزارشها را خواندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم و به اخبار گوش دادم. پاسدارها از بیرون برای شام کباب تهیه

کردند. ظهر عقد ازدواج فرزند آقای [سیدمحمد] کیاوش [نماینده بندرلنگه] را خواندم. مصاحبه‌ای هم برای دانشجویان اسلامی آمریکا کردم که توسط آقای لاریجانی ضبط شد*.

سه شنبه ۳۰ آذر

جلسه علنی داشتیم. در تنفس راجع به برنامه سمینار ائمه جمعه کشورهای اسلامی با آقای هادی خامنه‌ای بحث شد. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر مهندسان پارس خودرو آمدند که از تبدیل تولید ماشین‌های سواری لوکس به تولید جیپ گزارش دادند و برایشان صحبت کردم[۱]. گروهی از بازاریان آمدند که بیشتر برای پس دادن کارخانه‌های مصادره شده و میدان دادن به بخش خصوصی اصرار داشتند.

پس از نماز مغرب و عشاء آقای دادگر دادستان تهران آمد و راجع به اجرای قانون و حذف محاکم اختصاصی و اطاعت مقامات از قضات و عیوب کادر بیانیه الجزایر مطالبی داشت. سپس آقای بهزاد نبوی با معاونان و مدیران کل وزارت صنایع سنگین آمدند و گزارش کار را به طور مفصل دادند و من هم برایشان صحبت کردم [۲].

در مصاحبه تلویزیونی برای پر کردن فیلمی برای کمیته انقلاب شرکت کردم*. پس از اتمام کارهای اداری به خانه آمدم و شام را با فاطی و یاسر و مهدی خوردیم. چون شب یلدا بود، هندوانه هم داشتیم.

---

۱ - در این سخنرانی درباره تأکید اسلام بر تأمین رفاه مردم، سیاست اقتصادی رژیم پهلوی، صنعت در جمهوری اسلامی، اهداف خودکفائی و مواضع انقلاب در برابر سیاست اقتصادی شاه مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره دلسوزی مسئولان و پشتیبانی مردم و وظایف وزارت صنایع سنگین مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

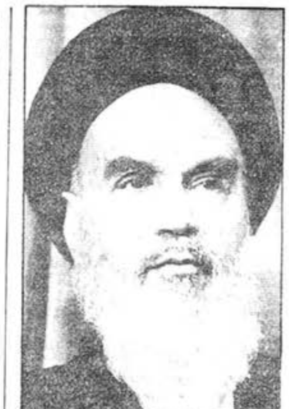
رئیس دیوانعالی کشور و نخست وزیر
مسئول پیگیری و اجرای فرمان امام شدند

※ با گروهکهای محارب در هرنقطه که باشند با قاطعیت و شدت ولی با احتیاط کامل باید عمـل شود لاکـن تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستان و دادگاهها .

تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ آنها با دقت لازم و سرعت انجام گیرد

فرمان ۸ ماده‌ای امام خمینی برای تامین امنیت اجتماعی وقضائی مردم

لازم است در سراسر کشور هیأتهایی را که مورد اعتماد و وثوق میباشند انتخاب نمایند و به ملت ابلاغ شود که شکایات خود را در مورد تجاوز و تعدی مأمورین به ین هیأت‌ها ارجاع نمایند



※ عمل به عدل اسلامی مخصوص به قوه قضائیه و متعلقات آن نیست که در سایر ارگانهای نظام جمهوری‌نیز بطور جدی مطرح است واحدی حق ندارد با مردم رفتـار غیراسلامـی داشته باشد .

※ رسیدگی به صلاحیت کارمندان و ...

هیچکس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باشد ...

※ هیچکس حق ... اردبه ... ملقن با ... موارد ضبط ... بگری بنام کشف ... رم یا کشف مرکز ...

۲۰ صفحه

کیهان

تکشماره – ۲۰ ریال

پنجشنبه ۲۵ آذر ۱۳۶۱ ۳۰ صفر ۱۴۰۳ – شماره ۱۱۷۴۹

سخنان رئیس مجلس پیرامون فرامین مهم امام امت خطاب به مسئولین کشور

بیانات امروز امام ما را موظف میکند خودمان را با روحیه بزرگ ایشان تطبیق دهیم



※ آنچه که تکیه‌گاه صحبت امام در این بیانیه تاریخی‌است، آن نیاز امروزی‌جامعه ما به آرامش خاطر و اطمینان جریان‌قانون و احکام شرعی است .

※ انتخابات خبرگان و حق‌شناسی مردم و شرکت وسیع مردم و هماهنگی مردم بـا سیاست مملکت در صدور این بیانیه موثر بود .

اسامی کلیه قبولشدگان تربیت معلم اعلام‌شد

تاریخ اعلام اسامی ذخیره‌های کنکور تربیت‌معلم‌مشخص‌شد

● تاریخ ثبت نام قبولشدگان در کیهان امروز
● ... دانشجویان رشته‌های علوم انسانی ... صفحه ۱۹

پیروزیهای تازه نیروهای اسلام در جبهه غرب و کردستان

● روستای ... از منطقه ... کردستان ... نیروهای انقلاب درآمد. صفحه ۱۹

آخرین نتایج انتخابات مجلس خبرگان در تهران

صفحه ۳

دی ۱۳۶۱

چهارشنبه ۱ دی ۱۳۶۱ ۶ ربیع الاول ۱۴۰۳ Dec. 22, 1982

در خانه ماندم. وضع شوفاژ و آب گرم خانه نامرتب بود؛ با کمک آقا جلال اصلاح کردیم. استحمام واستراحت و مطالعه و انجام کارهای تلفن وقتم را گرفت. برای خطبه‌های جمعه آینده، بیشتر درباره زکات مطالعه کردم. فاطی عصر به حزب جمهوری اسلامی رفت و شب دیر وقت با سعید[لاهوتی] آمدند. یاسر و مهدی از مدرسه آمدند، مقداری خوابیدند، خسته بودند و سپس تکالیف مدرسه را انجام دادند. شماره تلفن خانه را عوض کرده‌ایم. از تلفنهای پشت سر هم راحتیم.

پنجشنبه ۲ دی

پس از شروع کار، جلسه را به آقای [محمد]یزدی واگذار کردم و به دفترم رفتم. کارهای عقب مانده را انجام دادم. آقای فاضل هرندی که از طرف آقای منتظری عازم اروپا است، آمد و خداحافظی کرد. آقای خزاعی از کمیسیون اقتصاد آمد و راجع به دزدی از بانک ملی در لندن [گفت که] تصمیم گرفته‌اند در کمیسیون این موضوع را تعقیب کند. آقای [محسن] نوربخش آمد و گفت بعد از خطبه نماز جمعه گذشته من و با مصاحبه‌های متوالی انجام شده عده‌ای پس‌اندازهای خود را از بانک بیرون کشیده‌اند، قرار شد در خطبه آینده بیشتر توضیح بدهم. عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتم.

از سپاه هم کسی آمده بود و از فعال بودن خط سازمان مجاهدین [انقلاب اسلامی] طرفدار آقای راستی [کاشانی] می‌گفت. فرمانده پایگاه هشتم اصفهان هم راجع به اف ـ ۱۴ و موشک‌های فونیکس مطالبی داشت. شب در تالار وحدت برای استانداران سخنرانی کردم* و تالار را تماشا کردم. به خانه آمدم. آقای [حسین]مرعشی معاون سیاسی استاندار کرمان آمد و از آقای [مرتضی]فهیم گله داشت و راجع به جامعه دانشگاهیان کرمان مشورت کرد.

جمعه ۳ دی

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم[1]. فاطی و بچه‌ها در منزل عمویشان مهمان بودند. من مهمان دفتر امام بودم و تا شب در خانه تنها بودم. مطالعه می‌کردم و استراحت. گزارشها خبر از توقیف محموله‌های اسلحه ما می‌دهد که از اسپانیا، آرژانتین و ایتالیا می‌آمد. شب بچه‌ها آمدند و اخوی‌زاده‌ها و دکتر حمید [لاهوتی] و دکتر سعید [لاهوتی].

احمد آقا [خمینی] آمد و شام را با ما خورد و شام همان غذائی بود که از خانه اخوی برای من آورده بودند. پیشنهادی در مورد ایجاد کانال راه آبی بین [دریای] خزر و خلیج [فارس] مطرح شد. قرار شد وقتی برای ملاقات نمایندگان مجلس با امام تعیین شود.

شنبه ۴ دی

تمام وقت در خانه بودم. پیش از ظهر مسئولان پاسداران و حفاظت بیت آمدند و اشکالاتی که در کارشان است از لحاظ معلوم نبودن شخصیتهای معاف از تفتیش و عدم کنترل بر محافظان احمد آقا و عدم اجازه به تفتیش اجناس و بسته‌هائی که برای مصرف بیت امام می‌رود. من هم تذاکراتی دادم.

عصر مسئول و صاحب کارخانهٔ خانه‌های پیش ساخته آمد و از کارشکنی در کارش گفت؛ کنار خانه برای پاسداران من اتاق می‌سازد. اول شب دادستان انقلاب [اسلامی]، مسئول اطلاعات سپاه و مسئول اطلاعات نخست وزیری آمدند و راجع به کیفیت برخورد با حزب توده که شیطنت می‌کنند، مشورت شد.

تلفنی با آقای خامنه‌ای راجع به مذاکره با فرمانده نیروی زمینی [ارتش] و مسئول سیاسی ایدئولوژی که اختلاف دارند مذاکره کردیم. و راجع به ملاقات پس فردای دبیران حزب جمهوری

---

۱ - در این خطبه ادامه بحث پیرامون بعد اقتصادی عدالت اجتماعی در اسلام پی گرفته شد و سپس درباره حمله صدام به دزفول، تحلیل پیام هشت ماده‌ای امام و مسأله ازدواج موقت مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

اسلامی با امام و چیزهای دیگر صحبت کردیم. شب مدتی تئاتر تماشا کردم که نقش طبقه محروم را در انقلاب و جنگ مشخص می‌کرد.

یکشنبه ۵ دی

به مجلس رفتم. قرار بود قبل از جلسه علنی، آقای [عبدالله]جاسبی برای مذاکره درباره دانشگاه آزاد [اسلامی] بیایند که به خاطر گرفتاری برای کار دبیران حزب جمهوری [اسلامی] که از شهرستانها آمده‌اند، نرسید. جلسه در ادامه طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی بود. دو ماده دیگر تصویب شد. تاکنون هیچ لایحه و طرحی این اندازه وقت مجلس را نگرفته و به نظر می‌رسد، بالاخره هم به جائی نرسد. شورای نگهبان با توجه به عدم اطمینان به رضایت امام، ممکن است جلوی تصویب آن را بگیرد.

ظهر آقای [علی] کاظمی [موموندی]نماینده سلسله [و دلفان] آمد و راجع به آقای حکمت که در سوریه است و در اثر ابراز عدم اطمینان از طرف سفیر ما در سوریه دخترش را ممنوع‌الخروج کرده‌اند، کمک خواست. به آقای [خسرو]تهرانی گفتم اجازه بدهند. هیأت حل اختلافات کارخانه‌های اصفهان آمدند و برای رفع موانع کار منجمله بخشنامه [سازمان] صنایع ملی کمک خواستند. آقای [مرتضی] کتیرائی هم برای ترمیم حقوق کارکنان مجلس به مشورت آمد. عصر کادر بالای وزارت امور خارجه آمدند و گزارش کار دادند و برای آنها صحبت کردم*. آقای [اسدالله]لاجوردی نماینده دادستانی انقلاب در فرودگاه آمد و راجع به چمدانهایی که از طرف مسئولان امنیتی به خارج می‌روند ـ صحبت کرد.

گروهی از مسئولان نهضت سواد آموزی اصفهان آمدند، موفق به زیارت امام نشده‌اند؛ به ملاقات من قناعت کردند. شب در جلسه‌ای که دبیران حزب جمهوری اسلامی از شهرستانها آمده بودند، شرکت کردیم. آقای خامنه‌ای و من سخنرانی کردیم*. و نماز جماعت خوانده شد. جمعی از ائمه جمعه معتبر هم همراه بودند. سپس جلسه مشورتی راجع به کادر و مسئولان دفتر بیانیه الجزایر داشتیم. تصمیماتی اتخاذ شد و راجع به جنگ و برخورد با حزب توده هم بحث کردیم. امروز خبر رسید که عراق چند ایستگاه رادار ما را در جنوب زده است؛ خبر تلخی است. شام را در دفتر آقای خامنه‌ای خوردیم.

دوشنبه ۶ دی

با [اعضای] شورای مرکزی و دبیران استانهای حزب جمهوری اسلامی به خدمت امام رسیدیم. امام مطالب کلی فرمودند. از حزب جمهوری [اسلامی] اسم نبردند. مثل اینکه امام صلاح نمی‌دانند که حزب خیلی بزرگ و قوی بشود و نمی‌خواهند که ضعیف باشد یا ضربه بخورد. یک بار در گذشته فرمودند چیزهای تدریجی الحصول را نمی‌شود به طور مطلق تأیید کرد؛ چه می‌دانیم در آینده چه بشود.

در راه رفتن به مجلس به سالن تمرین تیراندازی نخست وزیری رفتم. با مسلسل وکلت تیراندازی کردم. کلت خودم را هم آزمایش نمودم، خوب نبود. فاطی هم تمرین کرد. ظهر پس از نماز چند ملاقات داشتم. آقای صادقی معاون وزیر ارشاد آمد و از ضعف عملکرد وزارتخانه گفت و از مخالفت امام جمعه اسفراین با حزب [جمهوری اسلامی]. عصر انجمن اسلامی [شرکت] هما از فرودگاه آمدند و از مدیر عامل هما شکایت داشتند.

گروهی از نهضت سواد آموزی آمدند و خواهان گرفتن امتیازات قانونی بودند و از کمی امکانات و بودجه شاکی بودند. برایشان صحبت کردم*. شب سرپرست جدید بنیاد مستضعفان آمد، گزارشی داد و نسبت به برنامه‌ها مشورت کرد. آقای [ابراهیم]اصغرزاده معاون وزیر ارشاد و مسئول تبلیغات [مراسم] ۲۲ بهمن آمد، گزارشی داد و مشورت کرد. آقای داودی معاون نخست وزیر آمد؛ برای انتخابات [حوزه]اردکان کاندیدا شده است مشورت و پیشنهاداتی در مورد سازمان اداری کشور داشت. آقای پورمحمدی آمد، گزارشی از وضع رفسنجان داد. از آقای هاشمیان گله داشت و پیشنهاداتی ارائه داد. شب در مجلس ماندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. شام کوفته برنجی و شلغم داشتیم.

سه شنبه ۷ دی

با صدای اذان بلندگوی مجلس بیدار شدم. تا شروع جلسه علنی مطالعه کردم. قبل از دستور درباره کنگره امام جمعه‌های سراسر کشور و جهان که امروز در تهران به دعوت آقای منتظری



کارشان شروع شد، صحبت کردم[1]. طرح احیاء و واگذاری اراضی مزروعی از تصویب مجلس گذشت؛ احتمالاً شورای نگهبان مانع ایجاد خواهد کرد. [آقای حبیب‌الله عسکراولادی] وزیر بازرگانی گزارشی به مجلس داد و [آقای محمد سلامتی]وزیرکشاوزری پاسخ سئوالاتی درباره کمبود ماهی.

در تنفس با مسئولان و روحانیون لامرد لارستان ملاقات کردم. برخوردی هم با آقای سیداحمد [مصطفوی] کاشانی نماینده [قمصر]نطنز و آقای [فرج‌الله]واعظی نماینده ابهر داشتم که نامه‌ای به آیت‌الله گلپایگانی نوشته و علیه مجلس در خصوص تصویب اصلاحات ارضی جواب گرفته بودند. ظهر آقای شیخ محمد هاشمیان آمد و ده میلیون تومان و هفت کیلو طلا - کمک‌های مردم رفسنجان برای جبهه - را آورد و راجع به مسائل رفسنجان و دستگیری و آزارگروهی مطالبی گفت.

[آقای ابوالقاسم سرحدی‌زاده] وزیر کار هم راجع به معاون معزولش آقای شریفی مطالبی داشت. دو نفر جوان هم آمدند. مدعی اختراع دستگاه حساس نظامی برای هواپیماهای جنگنده برای کورکردن رادار دشمن بودند که به وزارت دفاع معرفیشان کردم. [تعدادی] از پزشکان آمدند و برای احتساب شش ماه اضافه خدمت سربازی در خارج از مرکزشان کمک می‌خواستند و برای رفتن دانشجو به خارج که بعضی از دولتها حاضر نیستند آنها را بپذیرند، چون فکر می‌کنند اینها پاسدارند؛ با وزارت علوم صحبت کردم که برای حل مشکل فکری بشود.

عصر در جلسه حزب اللهی‌های مجلس شرکت کردم و یک ساعت راجع به سئوالات و مراعات انضباط صحبت کردم*. شب سفرای ما در هند و واتیکان و استرالیا آمدند و سپس مسئولان سپاه رفسنجان و حمید بهرامی از لاهه آمد راجع به مسائل بیانیه الجزایر.

---

۱ - در بخشی از این نطق آمده است: مجلس شورای اسلامی تأکید دارد براینکه ائمه محترم جمعه راه اتحاد دنیای اسلام را از طریق اسلام و مساجد و اجتماعات دینی هموار کنند و معتقدیم که هیچ راهی بهتر از همین معبر برای اتحاد و یکپارچگی جهان اسلام قدم بردارند مرضی خداوند و ان‌شاءالله وسیله‌ای برای عظمت از دست رفته دنیای اسلام نخواهد بود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

چهارشنبه ۸ دی

در خانه بودم. بیشتر مطالعه کردم و به کارهای جاری با تلفن پرداختم. عصر به مجلس رفتم. آقای دکتر [عبدالله]جاسبی برای گرفتن امضای اعلامیه دانشگاه آزاد [اسلامی] و امضای چک برای مخارج دانشگاه آمد. قرار شد سه هزار نفر را در نه واحد بپذیریم.

جلسه هیأت رئیسه داشتیم. امور اداری و کارکنان و ترمیم حقوق و برنامه هفتگی مورد بحث بود. شب در دفتر رئیس جمهور برای رسیدگی به اختلافات رؤسای نیروی زمینی و سیاسی ایدئولوژی [ارتش]جلسه داشتیم. اعتراضات و گله‌های خود را مطرح کردند. خیلی مهم و ریشه‌دار نبود، تفاهم نسبی پیش آمد. قرار شد همکاری کنند. برای شام و خواب به مجلس رفتم.

پنجشنبه ۹ دی

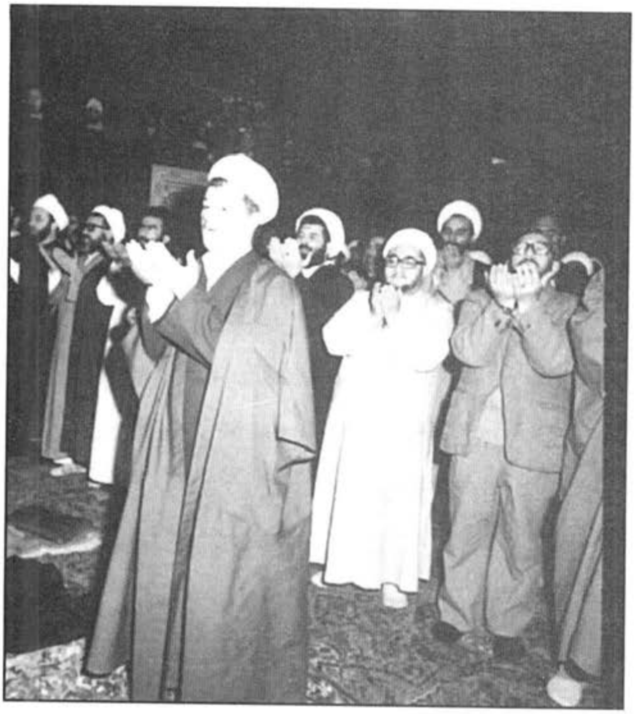
صبح زود آقای موسوی اردبیلی به دفترم آمدند و راجع به کیفیت کار ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام مشورت کردند و درباره استحکام کار و عدم عجله در اعلام مجرمان قبل از اثبات قطعی جرم و راجع به ترمیم شورای عالی قضائی و تسریع در تصویب لایحه اموال فراریان هم بحث شد.

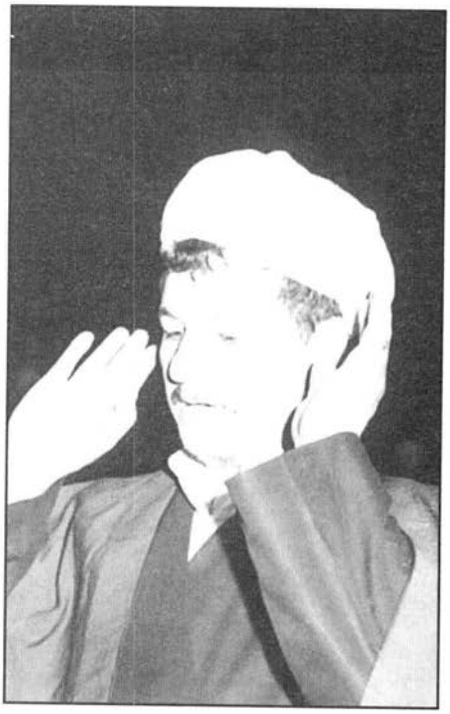
در جلسه علنی چند لایحه و طرح تصویب شد؛ منجمله طرح حمایت از حرکتهای اسلامی. ائمه جمعه و جماعات مهمان هفته وحدت به مجلس آمدند و برایشان صحبت کردم[1]. سپس به امامت من نماز ظهر وعصر اقامه شد. ناهار را حدود پانصد نفر مهمان مجلس بودند. تحت تأثیر وضع ساده و صمیمی مجلس قرارگرفتند. یک فلسطینی و امام جمعه مسلمین کانادا سخنرانیهای گرمی کردند.

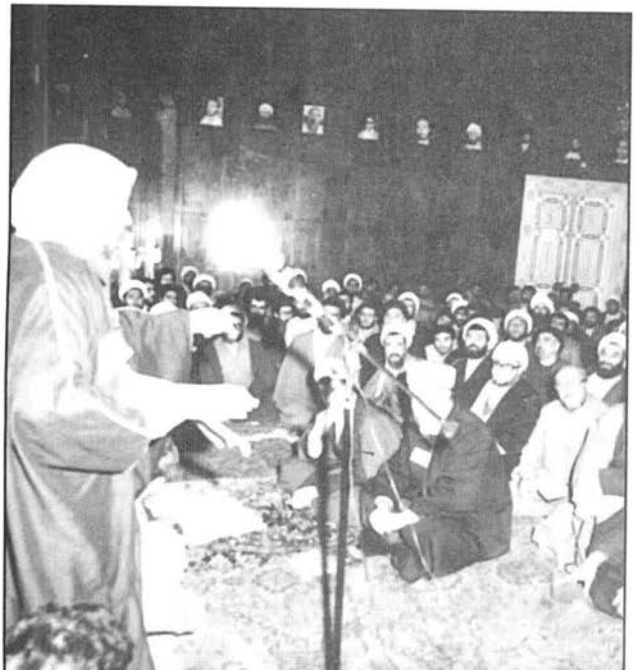
عصر کلاس درس مواضع داشتیم. سپس آقای [مرتضی]الویری آمد و راجع به اعلام استعفای همفکرانشان از سازمان مجاهدین انقلاب [اسلامی] مشورت کرد. شب برای سخنرانی در سمینار فرماندهان سپاه به باغ شیان رفتم. و جواب سئوالاتشان را هم دادم*. روضه هم خوانده شد. آخر

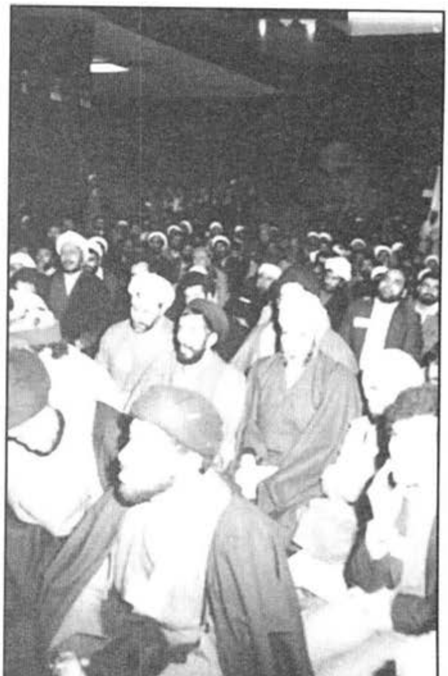
---

۱ - در این نطق ایشان درباره دستاوردهای جمهوری اسلامی، هفته وحدت و قوانین اسلامی سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰









میهمانان خارجی دهه فجر

شب به خانه آمدم. با بچه‌ها برنامه [مسابقه] نام‌ها و نشانه‌ها را تماشا کردیم.

جمعه ۱۰ دی

در خانه ماندم. مطالعه و استراحت داشتم. مهدی و یاسر و ناصر همراه با آقاماشاالله پاسدار با گروه بنیاد شهید برای اسکی به آبعلی رفتند[1]. عصر خیلی شاد و راضی برگشتند. احمد آقا ظهر آمد و راجع به ترمیم شورای عالی قضائی و آمدن آقایان مهدوی [کنی] و افراد دیگری از شورای نگهبان به جای آقایان ربانی [املشی] و مؤمن و جوادی [آملی] بحث شد. امام اصرار به ترمیم دارند. تصفیه دادستانها توسط ستاد پیگیری نشان اشکال در آن سازمان است که ادعای شورای عالی قضائی بود. توسط ایشان پیغام دادم که عجله نکنند تا اطراف قضیّه خوب رسیدگی شود. درباره اصرار بر تنبیه معاون وزیر کار خواستم کوتاه بیایند. بی‌تقصیر است. با آقای [موسوی]اردبیلی و امامی کاشانی هم در این خصوص مذاکره کردم. شب فیلم [آهنگ]برنادت را دیدم. جالب بود.

شنبه ۱۱ دی

با رئیس جمهور تلفنی صحبت کردم و درباره تغییراتی که بنا است در شورای عالی قضائی و شورای نگهبان داده شود، مشاوره شد. قرار شد جلسه شورای عالی دفاع امشب در دفتر امام باشد. با رئیس بانک مرکزی هم درباره وضع بانک‌ها صحبت کردم. اطلاع داد که پس از مصاحبه، وضع پرداخت و دریافت بانک‌ها عادی شده و پولی که از بانک‌ها گرفته‌اند، نصف آن مربوط به هفته آخر برج بوده. از اینکه نرخ طلا بالا رفته نگران بود. احتمالاً تحت تأثیر گذشتن محرم و صفر و شروع فصل ازدواج و هجوم خرید سکه‌های طلا برای هدیه باشد.

درباره حق جعل مالیات از طرف دولت اسلامی و کفّارات برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. نزدیک غروب آقای خامنه‌ای به منزل آمدند و قبل از جلسه شورای عالی دفاع راجع به مطالبی که داشتیم، مذاکره کردیم. مخصوصاً درباره ترمیم شورای عالی قضائی و وضع شورای

---

۱ - "آبعلی" ییلاقی است در نزدیکی تهران در جاده شمال.

نگهبان. احمد آقا هم در جلسه بودند.

سپس در دفتر امام، جلسه شورای عالی دفاع تشکیل شد. درباره لبنان مذاکره کردیم. گزارشی از آموزش مردم لبنان دادند؛ قرار شد به کمک‌ها ادامه دهیم. در دفاع از منابع حیاتی در خلیج فارس تصمیمات جدیدی گرفتیم. درباره ترمیم حقوق درجات پایین ارتش و همکاری با هندوستان در خصوص تقویت نیروی دریائی و چیزهای دیگر، تصمیم اتخاذ شد. آخر شب مصاحبه کردم* و به منزل آمدم. سرمای شدیدی جماران را فرا گرفته است.

یکشنبه ۱۲ دی

تا ساعت نه در منزل بودم. دختر آقای وافی که قرار بود عقد ازدواجش را امام بخواند با اخوی زاده آقای دعائی به منزل ما آمد؛ به انتظار فرصت و نوبت. فاطی برای پذیرایی او ماند. بچه‌ها با سعید برای مراسم افتتاح تله کابین توچال به کوههای البرز رفتند. من هم به منزل امام برای شرکت در مراسم ملاقات ائمه جمعه و جماعات و شخصیتها در ولادت پیغمبر(ص) و امام صادق(ع) رفتم. در حسینیه [جماران] امام جمعه کنیا و رئیس جمهور و امام صحبت کردند. نزدیک ظهر به خانه آمدم.

آقای [موسوی]اردبیلی گفت که ستاد [پیگیری فرمان هشت مادهای امام] نظرش این است که به خاطر مسائل اخیر رفسنجان، رئیس دادگاه باید معزول شود. ناهار آشیخ محمد هاشمیان به خانه ما آمد و دو سه نفر از نوق که یکی مجروح جنگی بود.

عصر در جلسه افتتاحیه کنگره ائمه جمعه و جماعات شرکت کردم و سخنرانی مفصلی در دستاوردهای انقلاب [اسلامی] ایران کردم*. قبلاً قرار بود درباره نماز جمعه صحبت کنم، چون این بحث تحلیلی لازم‌تر بود از من خواستند که به عهده بگیرم. حضار دور من جمع شدند و عکس گرفتند. آقای رئیس جمهور در هتل شام می‌دهند. من چون کار داشتم نماندم. اول شب به خانه برگشتم. آقای حسین هاشمی‌نسب که فرزندش در رفسنجان بازداشت است، آمد و از آشیخ محمد هاشمیان شکایت داشت که ملاحظه قوم و خویشی را در پیگیری ندارد.

دوشنبه ۱۳ دی

به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. طرح موجر و مستاجر در دستور بود. در تنفس برای دویست و سیصد نفر از جانبازان انقلاب خراسان که به مجلس آمده بودند صحبت کردم[1] و آنها را حجت برای مردم در صبر و مقاومت و مایه تداوم روحیه انقلابی خواندم و از دولت خواستم که وسائل تربیت و تحصیل و جذب به کار مناسب آنها را فراهم کند. ظهر چند ملاقات داشتم.

عصر با آقای طالب ابراهیمی وزیر خارجه الجزایر ملاقات داشتم. اطلاع داد که الفتح تصمیم گرفته از راه سیاسی مشکل را حل کند و حاضر نیست در جبهه پایداری فعال باشد و مطالب صریح دیگری گفت و من از ضعف موضع اعراب و امتیاز دادن آنها به آمریکا گله کردم. او علت‌ها را توضیح داد. مذاکرات ثبت شده تاریخی است. اول شب فاطی و یاسر به مجلس آمدند. شام را پاسدارها کباب برایشان خریدند و همانجا خوابیدند. تلفنی با آقای [موسوی]اردبیلی و آقای خامنه‌ای و آقای [میرحسین موسوی]نخست وزیر درباره مسائل جاری و ستاد پیگیری فرمان امام مذاکره کردیم.

سه شنبه ۱۴ دی

به جلسه علنی رفتم. در ماده نه طرح مالک و مستأجر اصلاحات مهمی شد که به دادگاه‌ها حق می‌دهد در مورد تشخیص عسرو حرج برای مستأجر از [صدور] حکم تخلیه خودداری نمایند. در اصل طرح سقف یک سال بود، این سقف را برداشتیم. ظهر گروهی از نمایندگان که به کردستان رفته بودند، راجع به اختلافات استاندار و سپاه و آقای موسوی نماینده امام گزارشی دادند. آقای فاضل هرندی هم از آلمان آمده و از اخلال نماینده یکی از نهادها در روابط حزب جمهوری [اسلامی] و دانشجویان می‌گفتند.

عصر ملاقاتی با سفیر سوئد داشتم که می‌خواست موافقت ما را برای آمدن آقای اولاف پالمه

---

۱ - در این سخنرانی ایشان درباره نقش جانبازان در انقلاب اسلامی و لزوم تهیه یک طرح عمیق و اساسی برای آینده جانبازان سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

نخست وزیر سوئد برای میانجیگری در جنگ جلب کنند و نظرات ما را بفهمد و تلاش داشت که اجازه آمدن سفیر انگلیس به ایران را بگیرد.

سپس با ائمه جمعه گیلان ملاقات داشتم که از حزب [جمهوری اسلامی] شکایت داشتند و استاندار. ملاقاتی با ائمه جمعه اهل سنت سیستان داشتم که خواهان توجه بیشتر به اهل سنت سیستان بودند و اعلام وفاداری می‌نمودند[1].

بعد از نماز مغرب با سفیر آلمان شرقی ملاقات کردم که از طرف رئیس مجلس آلمان شرقی مرا به آلمان دعوت کرد و شرحی از کمکشان در جنگ داد.

چند نفر از جمعیت مبارزه با [استعمال] دخانیات آمدند و برای شروع [کار] مشورت کردند. کمک خواستند. آماری دادند. قرار شد با امام صحبت کنم. در مجلس هم نهضتی [برای مبارزه با استعمال دخانیات] بوجود آمده. شب به منزل آمدم. از جهاد سازندگی کهنوج آمدند و گزارشی از کارهای عمرانی کهنوج دادند که جالب بود.

چهارشنبه ۱۵ دی

مطالعه در کفارات برای خطبه‌های نماز جمعه نمودم. بیانیه امام درباره انحلال گزینش‌ها و انتقاد از عملکرد تند و افراطی حذفی آنان و سئوال‌های بیموردشان منتشر شد. آقای دعاگو معاون وزارت آموزش و پرورش و مسئول گزینش آن وزارت آمد و راجع به پیام امام توضیح دادم.

احمد آقا ظهر آمد و درباره اینگونه پیام‌های امام و لزوم توجّه به آثار آن بحث شد؛ ضمن تحسین اصل اقدام بجای امام که پیام مهمی است برای دلگرم کردن مردم و استعدادها که به آینده خود مطمئن نیستند و جذب نیروها و پاک کردن چهره اسلام از لکهٔ تنگ نظری. احمد آقا از روزنامه جمهوری اسلامی انتظار داشت که در این گونه موارد همکاری بیشتر کنند و در کارها، با نظر مسئولان حزب [جمهوری اسلامی] عمل نماید.

---

۱ - در این ملاقات ایشان سیاست جمهوری اسلامی درباره آبادانی مناطق محروم کشور را تشریح کرد و بر رفع مشکلات منطقه سیستان و بلوچستان قول مساعد داد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

پنجشنبه ۱۶ دی

صبح زود به مجلس رفتم. مقداری از جلسه علنی را اداره کردم و به آقای [محمد]یزدی سپردم و به دفترم برای انجام کارها آمدم. ظهر چند ملاقات داشتم. عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتم. سرگرد ترابی از دفتر مشاورت [ارتش] آمد و گزارشی از نیروی دریائی و هوائی داد. بعداز نماز مغرب آقای [ابوالفضل]توکلی [بینا] سرپرست حج آمد از [سیدمحمدخاتمی] وزیر ارشاد[اسلامی] گلایه داشت. یکی از مسئولان اطلاعات سپاه آمد و راجع به تصمیم در مورد حزب توده پرسید و گزارشی داد.

شب در جلسه‌ای با حضور رئیس جمهور و آقای [محمد مهدی]ربانی املشی شرکت کردم. درباره تصمیم امام در خصوص شورای [عالی] قضائی و تعویض دادستان مذاکره کردیم. آقای ربانی ناراحت است[1]. امروز نامه‌ای به امام نوشته. پیشنماز شیعیان دیترویت آمریکا به دیدنم آمد و از جریان ملاقات شخصیتهای اسلامی باکارتر در جریان گروگانگیری آمریکایها گفت و دفاعی که از ایران کرده. کتابی از نوشته‌هایش را داد؛ عالم روشنی به نظر می‌رسد.

جمعه ۱۷ دی

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم. گروهی از ائمه جمعه و جماعات کنگره وحدت که هنوز در تهرانند، در نماز بودند. درباره مالیات و مسائل روز صحبت کردم. عصر احمد آقا آمد و راجع به مسائل روز و تبعات فرمان امام صحبت کردیم[2]. دکتر ولایتی آمد و راجع به ضرورت حمایت از نیروهای حزب‌اللهی دولت گفت. عازم نیکاراگوئه است، مشورت کرد. ناهار را بچه‌ها

---

۱ ـ آقای محمد مهدی ربانی املشی در تاریخ ۶۱/۱۰/۲۷ در پی عضویت آقای شیخ یوسف صانعی در شورای عالی قضایی، به جای ایشان به عضویت شورای نگهبان منصوب شد و در تاریخ ۶۲/۴/۲۹ با انجام مراسم استقراء (قرعه کشی) از جمع فقهای شورای نگهبان خارج گردید.

۲ ـ در این خطبه به مباحث ادله قرآنی، روایی و عقلی درباره ضرورت پرداخت مالیات به حکومت اسلامی پرداخته شد و در بخش سیاسی مطالبی در مورد ثمرات حضور ائمه جمعه و جماعات جهان اسلام، فرمان حضرت امام(ره) درباره انحلال گزینش‌ها و حضور نیروهای واکنش سریع آمریکا در منطقه مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

در خارج از منزل خوردند و برای من آوردند.

شنبه ۱۸ دی

صبح به زیارت امام رفتم. از آقای ربانی[املشی] دفاع کردم و گفتم مظلوم واقع شده، پیشنهاد تقویت ایشان را در ملاقات کردم. آقای امامی کاشانی هم گفت می‌خواهد در این‌باره صحبت کند.

ایشان راجع به طرح واگذاری اراضی مزروعی معترض بودند و فرمودند ضرورتی در گرفتن اراضی دایر نمی‌بینند و اگر شورای نگهبان هم رد نکنند، خودشان رد می‌کنند. و اصرار داشتند که موارد تشخیص ضرورت در مجلس به آراء بیشتری نیاز دارد. دو سوم آراء حضار و به اضافه نظر کارشناسان لازم است. در مورد جنگ و چیزهای دیگر صحبت کردیم. حالشان خوب است و با نشاط. ستاد پیگیری فرمان هشت ماده‌ای امام و گروههای انتخابیشان هم خدمت امام آمدند.

آقای [محمدی]ری‌شهری پیش از آن به منزل آمد و راجع به گروهی بنام حزب‌الله انحرافی و گروهی ضدانقلاب نظامی مطالبی گفت و نگران آثار تصمیمات فوق قانونی امام در بیانیه‌های اخیر بود. گزارشهای زیادی راجع به آمار خسارات جنگ و فسادهای خریدهای نظامی در خارج خواندم و با رئیس جمهور و وزیر دفاع تلفنی مذاکره کردم.

یکشنبه ۱۹ دی

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. ظهر چند ملاقات داشتم. برف سنگینی باریده و مدرسه‌ها از ظهر تعطیل‌اند. وزیر سپاه و معاونین آمدند و گزارشی دادند و من هم برای آنها صحبت کردم[1]. وزیر فرهنگ و آموزش عالی با هیأتهای بازسازی آمدند و با توجه به فرمان امام راهنمائی در وضع جدید می‌خواستند. مفصلاً برای آنها صحبت کردم[2]. گفتم [تعدادی] از افراد را حتی

---

۱ - در این دیدار درباره امتیازهای وزارت سپاه و لزوم ایجاد نظم در سپاه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی درباره تحرکات ضدانقلاب در دانشگاهها در ابتدای انقلاب، اصول اسلام در تفتیش، لزوم رعایت موازین اسلامی در

الامکان عفو کنیم، ولی اصل، حفظ سلامت محیط تحصیلی و اسلامی بودن آن باید مراعات شود.

اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای در شورای مرکزی حزب شرکت کردم. شرح وظایف حزب مطرح بود که مقداری از آن تصویب شد. راجع به برخوردهای روزنامه [جمهوری اسلامی] در خصوص جریان فکری مقابل گروه تندرو بحث شد و به جائی نرسید؛ قرار شد تعقیب شود. شب برای خواب به مجلس رفتم.

دوشنبه ۲۰ دی

به خاطر برف سنگین مدرسه بچه‌ها تعطیل شد. طرح روابط موجر و مستاجر به تصویب رسید. دوسه گام به نفع مستاجر برداشته شده. آقای ناطق‌نوری وزیر کشور که برای پاسخ سئوال به مجلس آمده بود با آقای [محمد]غفاری نماینده سلماس و آقای [کامل]عابدین زاده نماینده خوی برخورد تلخ داشتند. متأسفانه چنین برخوردهائی بین نمایندگان و وزراء زیاد پیش می‌آید. آقای [علی]آقامحمدی [نماینده همدان] شرحی از کار کمیسیون ویژه نظام بانکی داد. عصر در جلسه حزبیها در مجلس شرکت کردم. با وزیر دفاع ملاقات داشتم که از کمبود پرسنل شکایت داشت.

اول شب ملاقاتی داشتم با علمای قزوین که آقای باریک بین امام جمعه و دبیر حزب [جمهوری اسلامی] از آقای بادامچی گله داشت و درکنار آثار مثبت و مهم از اثر منفی فرمان اخیر امام درباره دادگاه‌های انقلاب و جسارت ضد انقلاب گفت. وزیر کار با معاونان آمدند، گزارشی دادند و من هم برایشان صحبت کردم[1].

آقای صالح خو نماینده ایران در صندوق بین‌المللی پول آمد و شرحی از کارهایش داد و اصرار داشت که مجلس با زیاد شدن سهم ایران موافقت کند. در دوره گذشته موافقت نکردیم. گفت حدود

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

گزینش‌ها و رهبری خردمندانه امام خمینی(ره) مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ - در این سخنرانی رسالت انقلاب اسلامی در مسأله کار و کارگر مورد بحث واقع شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

سیصدمیلیون دلار سهم داریم و ما رئیس گروه هستیم و کرسی داریم. استفاده سیاسی می‌توانیم بکنیم. شب بچه‌ها هم در مجلس ماندند.

سه شنبه ۲۱ دی

ساعت پنج بلند شدم. پس از نماز مشغول مطالعه شدم. ساعت هشت آقای مرتضی الویری آمد و از اینکه آقای اکبرپرورش [وزیر آموزش و پرورش] آقای نوروزی دماوندی را از معاونت [وزارت آموزش و پرورش] به خاطر گزارش بازرسی کل کشور عزل کرده، گله داشت. در جلسه علنی، لایحه تعیین تکلیف اموال فراریان تصویب شد. به خاطر شلوغ‌کاری آقای خلخالی اوقات تلخی کردم. در تنفس برای مسئولان مرکز آموزش غدیر اصفهان که بسیجی‌ها را تعلیم می‌دهند، صحبت کردم*.

چهارشنبه ۲۲ دی

تا بعدازظهر در خانه ماندم. مطالعه می‌کردم. با مهمانان هم گفتگو کردم. عصر در مجلس هیأت رئیسه جلسه داشت. درباره دستور هفته آینده و کارهای اداری ترمیم حقوق کارکنان بحث و تصمیم اتخاذ شد. با شورای سر دبیری روزنامه کیهان ملاقات داشتم که بر ضرورت انتقاد سالم و برخورد سالم اندیشه‌ها و استفاده از نویسندگان قوی غیر منحرف تأکید کردم.

سپس با وزیر معادن و فلزات و معاونان ایشان ملاقات داشتم که بیشتر درباره پروژه عظیم فولاد مبارکه بحث بود و خواهان تصویب هزینه‌های خارج از شمول بودند که بتوانند سرعت عمل داشته باشند و عقب ماندگی را جبران کنند. می‌گفتند سیصد کارخانه در ایتالیا برای این طرح کار می‌کنند. بیست میلیارد تومان در ظرف پنج سال باید خرج شود.

شب به خانه آمدم. برف می‌بارید. آقای مهندس [میرحسین]موسوی تلفن کرد که خبرگزاری [جمهوری اسلامی] اطلاع داده است که صادق طباطبائی در آلمان به اتهام قاچاق تریاک بازداشت و با سپردن ودیعه آزاد شده [است]. احمد آقا تلفن کرد و گفت صادق خودش تکذیب کرده و معتقد است که در ساکش گذاشته‌اند؛ توطئه‌ای است.

تعویض دادستان کل کشور مواجه با علامت سئوال شده و جواب قانع کننده‌ای نداریم به مردم بگوئیم[۱].

پنجشنبه ۲۳ دی

برف می‌بارید. به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. نمایندگان مجلس در شورای سرپرستی صدا وسیما انتخاب شدند. در تنفس برای حزب‌اللهی‌های خرم آباد و بسیج تهران صحبت کردم*. ظهر دکتر مغاره‌ای و دکتر جزایری آمدند و نسبت به طرح انتقال امکانات آموزشی پزشکی از بهداری به دانشگاهها اعتراض داشتند. امروز سرماخوردگی و تب داشتم و به همین دلیل کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] را تعطیل کردم. اول شب با شهردار تهران ملاقات داشتم. خواستار تأیید طرح متروی تهران بودند که پذیرفتم موضوع را پیگیری کنم.

با چهار نفر از اساتید چپی دانشگاه ملاقات داشتم که انتقاداتی به ستاد انقلاب فرهنگی و وضع موجود دانشگاه‌ها داشتند. آخر شب به خانه آمدم. آقای رئیس جمهور تلفن کردند و از اینکه خودم کاندیدای نمایندگی مجلس در [شورای] سرپرستی صدا و سیما نشده‌ام، گله داشتند. ستاد پی‌گیری فرمان امام احاله پرونده آقای [سیدحسین]موسوی تبریزی به دادگاه را به خاطر بازداشت غیر قانونی چند نفر در فرودگاه اعلام کرده است.

جمعه ۲۴ دی

به خاطر تب شدید بد خوابیدم. امروز هم تب دارم. با مسکن خودم را سرحال نگه‌داشته‌ام. نماز جمعه را آقای امامی کاشانی خواندند. شب تلفنی درباره مطالبی که بهتر است مطرح کند، مشورت کردند. دوسه نفر از قم آمدند و از عزل دادستان انقلاب قم (آقای کرجی) گله داشتند و آن را در اثر

---

۱ - طبق روال قانونی دادستان کل کشور توسط رئیس دیوان عالی کشور (رئیس قوه قضائیه فعلی) تعیین می‌شود. امام(ره) با استفاده از حق حکومتی آیت‌الله شیخ یوسف صانعی را مستقیماً به دادستان کل کشور و عضویت در شورای عالی قضایی - به جای آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی - منصوب کرده بودند.

اعمال نفوذ بعضی‌ها می‌دانند. مسکن مصرف کردم. فیلم محاکمه اعضای اتحادیه کمونیستها را گذاشته‌اند که مسئول حمله به آمل و کشتار جمعی از مردم بودند. نوعاً متهمان اظهار ندامت و توبه می‌کردند ولی ریاحی رهبر گروه دو پهلو حرف می‌زد.

شنبه ۲۵ دی

تمام وقت در خانه بودم. برف سنگینی باریده و هنوز هم به طور متناوب می‌بارد. کمی مطالعه کردم و کمی استراحت. هنوز تب دارم ولی تخفیف یافته؛ کسالتی شیوع پیدا کرده. دکتر سعید لاهوتی که به عنوان سرباز در پادگان است، اطلاع داد که او هم آنفولانزا گرفته. پیش از ظهر بچه‌ها از مدرسه برگشتند، به خاطر برف کلاس تشکیل نشده.

آقای صیاد شیرازی آمد و گزارشی از وضع جبهه داد. به زودی حمله وسیعی خواهیم داشت. به ظنّ قوی سرنوشت‌ساز است. عصر احمد آقا آمد و گفت فردا می‌خواهد به ملاقات آقای [محمد مهدی]ربانی[املشی] برود، برای مذاکره در خصوص سمت جدیدی که ممکن است عضویت شورای نگهبان باشد. همچنین گفت انتساب آقای صادق طباطبائی به حکومت باعث شده است که آلمانها برای گرفتن امتیاز قضیه را بزرگ کنند.

یکشنبه ۲۶ دی

صبح زود به مجلس رفتم. به خاطر اینکه تب داشتم، جلسه را به آقای [محمد]یزدی سپردم و به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم و گزارشها را خواندم. دو لایحه جنجالی داشتیم. تفسیر قانون که بین وزارت نفت و سازمان برنامه وبودجه بر سر آن اختلاف است و طرح ادغام مراکز آموزشی بهداری در وزرات علوم که مورد اعتراض وزارت بهداری است. دو طرف از من کمک می‌خواهند؛ هر دو موضوع در عمل به اشکال برخورد و برای بعد ماند. عراقیها با هواپیما و موشک حملاتی کرده‌اند. پیش از ظهر جلسه‌ای با سران کشور واحمد آقاداشتیم.

شب جلسه شورای مرکزی حزب[جمهوری اسلامی] داشتیم. آقای ربانی[املشی] هم شرکت کرده بودند. احمد آقا امروز در منزلشان با ایشان ملاقات کرده و پیشنهاد عضویت در شورای

نگهبان داده که قبول نکرده است. آقای خامنه‌ای برای راضی کردن ایشان خصوصی با ایشان مذاکره کردند. آخر شب احمدآقا تلفن کرد که باز هم هنوز نپذیرفته، قرار شد من هم با ایشان صحبت کنم.

آقای نخست وزیر گزارشی از بررسی خسارت‌های جنگ دادند که از چهار وزارت کشاورزی و صنایع و راه و مخابرات دویست میلیارد تومان و از ناحیه نفت تنها پنجاه‌و شش میلیارد دلار بوده است، البته عدم‌النفع صدور نفت را هم حساب کرده‌اند. بحث‌ها بیشتر در شرح وظایف حزب بود.

دوشنبه ۲۷ دی

به خاطر کسالت به مجلس نرفتم. با آقای ربانی[املشی] تماس گرفتم. ایشان سخت رنجیده است و از طرف اطرافیان تحت فشار است که سمتی نپذیرد. ایشان را نصیحت کردم و گفتم این مقابله به حساب می‌آید و خسارت دارد. قرار شد قبول کند. احمد آقا هم قضیه را تعقیب می‌کرد که بشود. بالاخره پیش از ظهر اطلاع داد که پذیرفته است. به احمد آقا اطلاع دادم. اگر حکم ایشان اعلام شود، به خیلی از بحث‌ها خاتمه خواهد داد. آقای [عباس واعظ] طبسی از مشهد، عفت را برای شرکت در مراسم غبارروبی دعوت کردند. با فاطی و خانم مطهری به مشهد رفتند.

نزدیک ظهر به مجلس رفتم. چند ملاقات داشتم. آقای طهماسبی از اصفهان برای مذاکره درباره اسلحه‌ای که اختراع کرده، «نیمچه تانک[1]» چیزهائی خواست. مسئولان نیروی هوائی از قرارگاه نوح (مشترک سپاه ونیروی هوائی) و سیاسی ایدئولوژی آمدند، برایشان صحبت کردم و از سیاست فرانسه در مورد جنگ انتقاد نمودم[2].

---

۱ - با نصب سلاحی روی خودرو زرهی و تعبیه رادار و یک وسیله خودکار و اتوماتیک گردان، به محض انعکاس چیزی در رادار، سلاح گردان به کار می‌افتد و روی شیء موجود در مقابل رادار شلیک می‌کند. کارایی خوبی برای حفاظت از مراکز حساس در جبهه‌ها و ... دارد.

۲ - در این سخنرانی ایشان همکاری سپاه پاسداران و ارتش را ستود و درباره مسئولیت مهم نیروی دریایی در حفظ امنیت خلیج‌فارس و اثرات آن در منطقه و همچنین سیاست ضد ایران حزب سوسیالیست فرانسه به تفصیل سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳٦۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

سه شنبه ۲۸ دی

در جلسه علنی شرکت کردم. لایحه طرح احیاء و واگذاری اراضی مـزروعی کـه در مـجلس تصویب شده بود از طرف شورای نگهبان با اشکالات فراوان رد شده؛ البته امام دستور داده‌اند که رد شود. امام به خود من گفتند اگر شورای نگهبان هم رد نکند، من خودم رد می‌کنم. تسهیلاتی برای مصرف بودجه طرح فولاد مبارکه و معافیت از قانون محاسبات به تصویب رسید. در تنفس برای گروهی از پاسداران کرج صحبت کردم*.

ظهر چند ملاقات داشتم. نمایندگان اقلیت ارامنه جـنوب و آشـوری‌ها آمـدند و از شـورای خلیفه‌گری و روحانیون اقلیت‌ها شکایت داشتند. عصر دکتر [حبیب‌الله] پیمان آمد و راجع بـه منزوی بودنش حرف و گله داشت و پیشنهاداتی داشت و حرف‌هائی و اظهار وفاداری به انقلاب. مسئولان کمیته امداد آمدند و هدایای مردم برای جنگ را آوردند و کمک بودجه‌ای می‌خواستند. از گزینش آموزش وپرورش آمدند و از آقای [علی‌اکبر]پرورش گله داشتند. وزیر بهداری و معاونش آمدند و راجع به خدمات وزارت بهداری و گله از طرح گرفتن آموزش از آنها گفتند.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه داشتیم. وزیر امور خارجه گزارشی از کنفرانس وزرای امور خارجه در نیکاراگوئه را آورد و راجع به سفر سوریه‌اش مشورت کرد و نظراتی داده شد. عقد دختر آقای [اسماعیل]فدائی نماینده سر بند را هم بستیم. آخر شب به خانه آمدم. فاطی و عفت از مشهد آمده بودند. از سفر راضی بودند. شب فیلم محاکمه اتحادیه کمونیستها را تماشا کردم؛ بد محاکمه کرده‌اند؛ ضرر دارد. آقای [جلال‌الدین]طاهری امام جمعه اصفهان تلفن کرد و از وزیر کشور به خاطر نصب استاندار بدون کسب رضایت ایشان شکایت نمود.

چهارشنبه ۲۹ دی

خاطرات عقب افتاده چند روز را نوشتم. احمد آقا تلفن کرد و به فیلم محاکمه که دیشب پخش شده، سخت معترض بود و قابل توبیخ می‌دانست. به قائم مقام مدیر عامل صدا وسیما تذکر دادم؛ قرار شد رسیدگی کنند. به آقای [علی‌اکبر]ناطق‌نوری وزیر کشور تـلفن کـردم و شکـایت آقـای [جلال‌الدین]طاهری از انتصاب استاندار اصفهان را گفتم. ایشان گفت فرد لایقی است و توافق بر

فرد دیگری ممکن نشده. بیش از یک سال ونیم است که آقای طاهری در مورد استاندار با وزارت کشور اختلاف دارند. اختلافات محلی کار را مشکل کرده و نمی‌توانند روی فردی توافق کنند.

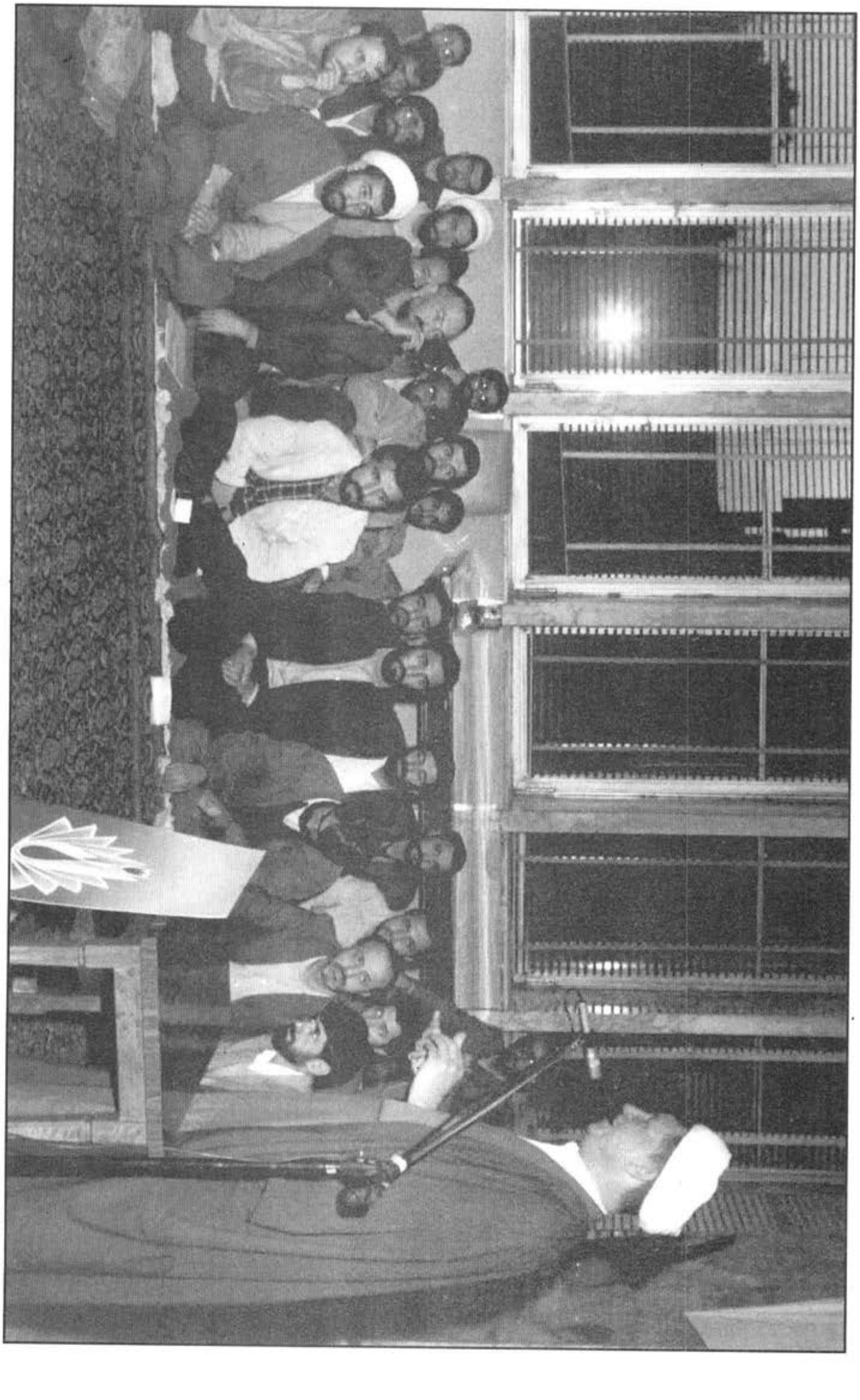
در خانه مطالعه می‌کردم. با آقای خامنه‌ای تلفنی درباره کارها مذاکره کردم. آقای مهندس [میرحسین]موسوی نخست وزیر تلفن کردند که سوریها اصرار دارند، من به سوریه سفر کنم. گفتم چون هنوز آقای حافظ اسد که از طرف رئیس جمهور ما دعوت شده به ایران نیامده، درست نیست که من بروم. آقای دکتر ولایتی تلفن کرد که سوریها می‌گویند سفر ایشان به سوریه کلاً باید سری انجام شود؛ قرار شد با سری بودن مذاکرات موافقت کنیم، نه اصل سفر. خبر رسید که صدام به عربستان سعودی سفر کرده. این روزها سفرها و ملاقات‌های زیادی بین کشورهای عربی انجام می‌شود؛ معلوم نیست علت چیست؟

پنجشنبه ۳۰ دی

به منظور استراحت و کسب سلامتی کامل، امروز هم به مجلس نرفتم. بیشتر وقت را به مطالعه گذراندم. از وزیر بهداری خواستم که خانم فاطمه مرعشی را که اخیراً سه قلو دختر زائیده و مریض شده است، بستری کنند. خانم و دختران امام، مهمان عفت بودند؛ به مناسبت دیدنی پس از مسافرت [مشهد]. آقای [علی‌اکبر]ناطق نوری که خدمت امام رسیده بود تلفنی گفت که از امام خواسته به آقای [جلال‌الدین]طاهری در اصفهان پیغام بدهند که با استاندار مخالفت نکند، احمد آقا گفت امام توسط ایشان چنین پیغامی داده‌اند.

شب محسن عمو زاده از رفسنجان آمد. مدیر بخش ذوب مس سرچشمه است. گزارشی داد و از کمبودها و مشکلات کار گفت. قرار شد ایشان را به وزیر معاون و فلزات معرفی کنم که حرفهای خود را بگوید. از مطالب مهمش صنایع جنبی مس است که اینها اصرار دارند در کرمان بماند و بعضی‌ها می‌خواهند به یزد و جاهای دیگر منتقل شود. راجع به اختلافات آقای [شیخ عباس] پورمحمدی و آقای [شیخ محمد] هاشمیان در رفسنجان که به منبرها کشیده شده، صحبت کرد. گفتم دخالت نمی‌کنم؛ بی اثر است.

بهمـن ۱۳۶۱



جمعه ۱ بهمن ۱۳۶۱ ۶ ربیع الاخر ۱۴۰۳ Jan. 21, 1983

برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. خطبه‌ای در آداب وصول مالیات و لزوم برخورد عطوفانه دولت با مودّیان ایراد کردم و خطبه‌ای در لزوم وحدت نیروهای خط امام و تحلیل نظر مخالفان[1].

یاسر برای رفتن به اسکی بهانه‌گیری می‌کرد؛ با آقای رحمانی محافظ، ایشان را به تله کابین فرستادم. عصر احمد آقا آمد و از بهتر شدن وضع صادق طباطبائی در زندان آلمان به خاطر کمک وزارت خارجه - به طور غیر رسمی - گفت و آخر شب هم تلفن کرد و گفت امام خطبه‌های نماز جمعه را گوش می‌فرمایند و گفتند تأکید کنم که بر روی تقوی بیشتر باید تکیه شود. این تذکر را امام مکرراً داده‌اند و حتی در سخنان علنی با مردم هم مطرح کرده‌اند. ولی امروز من با نقل جمله‌ای از امام علی علیه‌السلام (وَ آمُرُهُ بِتَقْوىَ اللّٰه) بخصوص تکیه کرده بودم؛ لابد امام این بخش را توجه نکرده‌اند. آقای [احمد] طباطبائی هم شب آمد، راجع به تفکیک منزل، که سالها قبل از انقلاب از آقای خانیان به صورت مشاع خریده‌ایم و تفکیک آن دچار مشکل شده است و زمین دیگری در تهران برای تهیه منزل برای بچه‌ها نداریم و باید برای آنها منزل تهیه شود.

شنبه ۲ بهمن

به مطالعه پرداختم. نواری هم برای جواب سئوالات نشریه عروة الوثقی از حزب [جمهوری اسلامی] پر کردم که به مناسبت سالگرد [پیروزی] انقلاب [اسلامی] تهیه می‌کنند[2]. از روزنامه

---

۱ - محور خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام شامل ادله روایی درباره ضرورت پرداخت مالیات، فرهنگ اسلام و شیوه وصول مالیات و خطبه دوم ادامه بحث وحدت مسلمین و نتایج برگزاری هفته وحدت، پاسخ به پرسشهایی درباره ازدواج موقت و اتمام حجت به جهان درباره جنگ عراق با ایران بوده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب

۲ - در این مصاحبه که در تاریخ ۶۱/۱۲/۵ در مجله عروةالوثقی به چاپ رسیده است درباره انگیزه‌های تأسیس حزب جمهوری اسلامی،

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

[جمهوری اسلامی] آقای [مسیح] مهاجری تلفنی اطلاع داد که عراقی‌ها در چنگوله حمله کرده‌اند و شکست خورده‌اند. آقای دکتر ولایتی که از سوریه برگشته، تلفنی اطلاع داد که سفر موفقی داشته‌اند و درباره کیفیت برخورد با عراق و اسرائیل و جبهه پایداری به توافق کامل رسیده‌اند. از لبنان نامه‌هائی از آقای شیخ شمس الدین و برادرش رسیده و برای شیعیان و مجلس اعلی کمک خواسته‌اند.

یکشنبه ۳ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. شش لایحه تصویب شد. قبل از ظهر در کمیسیون سئوالات شرکت کردم و تردیدی که در قانونی بودن آن داشتند، به خاطر حذف کمیسیون تفحّص رفع کردم. ظهر با استاندار لرستان ملاقات داشتم که از پیشرفت کارها راضی بود و از فشار حزب اللهی‌ها ناراضی. آقای دکتر هنجینی هم آمد و گله‌هائی از حزب [جمهوری اسلامی] داشت و درباره طرح حقوق کارکنان مجلس که به کمیسیون ارجاع شده است، مشورت کرد.

عصر جلسه‌ای با نمایندگان امام در نیروهای مسلح آقایان محلاتی، انواری، حقانی، موحدی کرمانی و ناطق نوری داشتیم. قرار شد یک دفتر مرکزی برای هماهنگ کردن و کنترل کارهای این نهادها به وجود آوریم.

شب در دفتر من جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] بود. آقای خامنه‌ای به قم رفته بودند. بیشتر به ذکر اخبار و گزارشها گذشت. آقای عسگراولادی [وزیر بازرگانی] از برخورد و روابط دولت با وزارت بازرگانی گله داشتند که آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر توضیحاتی دادند. آقای [اسدالله] بادامچیان از نتیجه سفر به گیلان برای رفع اختلاف بین حزب آنجا و آقایان [صادق] احسان‌بخش و قربانی گفت که موفق بوده است. مشکل بزرگی در این خصوص در برخورد حزب با بعضی از روحانیون داریم. آقای ناطق‌نوری از برخورد آقای [جلال‌الدین] طاهری با

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

مشورت با بزرگان برای تشکیل حزب و انحلال حزب جمهوری اسلامی سخن گفته شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد د.م" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

اســتانداری اصــفهان و حــمایت امـام از آقـای [جـلال‌الدیـن]طاهری و عـدم تـوفیق آقـایان [جلال‌الدین]طاهری و [علی‌اکبر]پرورش در توافق گفت.

امروز گروهی از داروسازان در مقابل مجلس اجتماع کرده بودند؛ برای تأثیر گذاشتن روی طرحی که به نفع آنها در مجلس مطرح است. دکترهای داروساز با آن مخالف‌اند و با من ملاقاتی داشتند.

آخر شب به خانه آمدم. گزارش جبهه‌ها می‌گویند حمله به تأخیر افتاده؛ آمادگی نداریم.

دوشنبه ۴ بهمن

امروز به خاطر ملاقات با امام جلسه علنی نداشتیم. فقط نمایندگان مجلس در حسینیه جماران حضور داشتند. برف هم به شدت می‌بارید. قبل از صحبت امام، من کمی درباره وضع مجلس و تجلیل از نمایندگان صحبت کردم*. امام در مقدمه صحبت حرفهای من را تأیید کردند، ولی در نصیحت مطالبی گفتند که باعث کدورت خاطر اکثریت نمایندگان شد. امام درباره اسلامی بودن قوانین طوری صحبت کردند که آراء نمایندگان مجلس را تحت‌الشعاع نظرات شورای نگهبان قرار دادند؛ تقویت شورای نگهبان بود و تضعیف مجلس. البته اقلیت نمایندگان که از تندروی مجلس ناراضیند، خوشحال شدند[1]. به دولت هم به خاطر نرسیدن به نیازهای جبهه تاختند. امام از تندروی

---

۱ - امام فرمودند: ... اگر چند مرتبه مردم ببینند که در مجلس، آنهایی را فرستادند در مجلس و همه را به دیانت می‌شناسند، اینها رأی‌هایی می‌دهند که فقهای شورای نگهبان برای خاطر مخالفتش با اسلام رد می‌کند. خوب درشان شبهه پیدا می‌شود... شما آقایان باید توجه به این معنا بکنید که مسائل را طوری طرح کنید، مسائل را طوری رأی بهش بدهید، که در شورای نگهبان رد نشود و یا اگر رد می‌شود، در هر سالی یکی دوتایش رد بشود. اما شما از اینور یکماه زحمت بکشید و صحبت بکنید و رد و ایراد بکنید و یک مسأله‌ای را تمام کنید، آنها بعد از چند روز بگویند اینها خلاف شرع است، با اسلام نمی‌سازد، یا با قانون اساسی مخالف است، که آن هم روی اسلام است. این وهن برای مجلس می‌آورد و این خوف برای ما ایجاد می‌کند که مبادا یک وقتی مردم خیال کنند اینها تدین ندارند، دیدشان آن دیدی که باید باشد، بعضی‌شان نیست والا نه اینکه بی تدین باشند خیر خواهند، حسن نیت دارند، تدین دارند اما آن طور نیست که هم اینها در دیدها یک طور باشند..." این سخنان حضرت امام(ره) در واقع بازتابی از تصویب لایحه اصلاحات ارضی در مجلس و رد آن در شورای نگهبان بود.

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

و چپ‌روی بعضی از نمایندگان و مسئولان نگران شده‌اند و گویا در صدد مهار آن هستند.

بعداً با احمد آقا صحبت کردم و با اجازه امام حمله به دولت و یک جمله از اظهارتشان راجع به نمایندگان حذف شد. من خواستار نقل به معنای سخنان امام شدم که امام نپذیرفتند. معتقدند چیز بدی نگفته‌اند. آقای دکتر [حسن]روحانی هم تلاش کرد ولی به نتیجه نرسید. تا شب در خانه ماندم و مطالعه کردم. غمگین و افسرده بودم.

پاسداران و محافظان هم بعد از ما با امام ملاقات کردند. امام زیاد با آنها صحبت نکردند و فقط دیدار بود. از این جهت هم گله خواهند کرد. آقای آصفی و جمعی از علمای افغانستان در حزب «حرکت اسلامی» افغانستان آمدند و گزارشی از وضع مبارزات شیعه و اختلاف با دیگران دادند و از واحد نهضتهای سپاه گله داشتند و کمک می‌خواستند.

سه شنبه ۵ بهمن

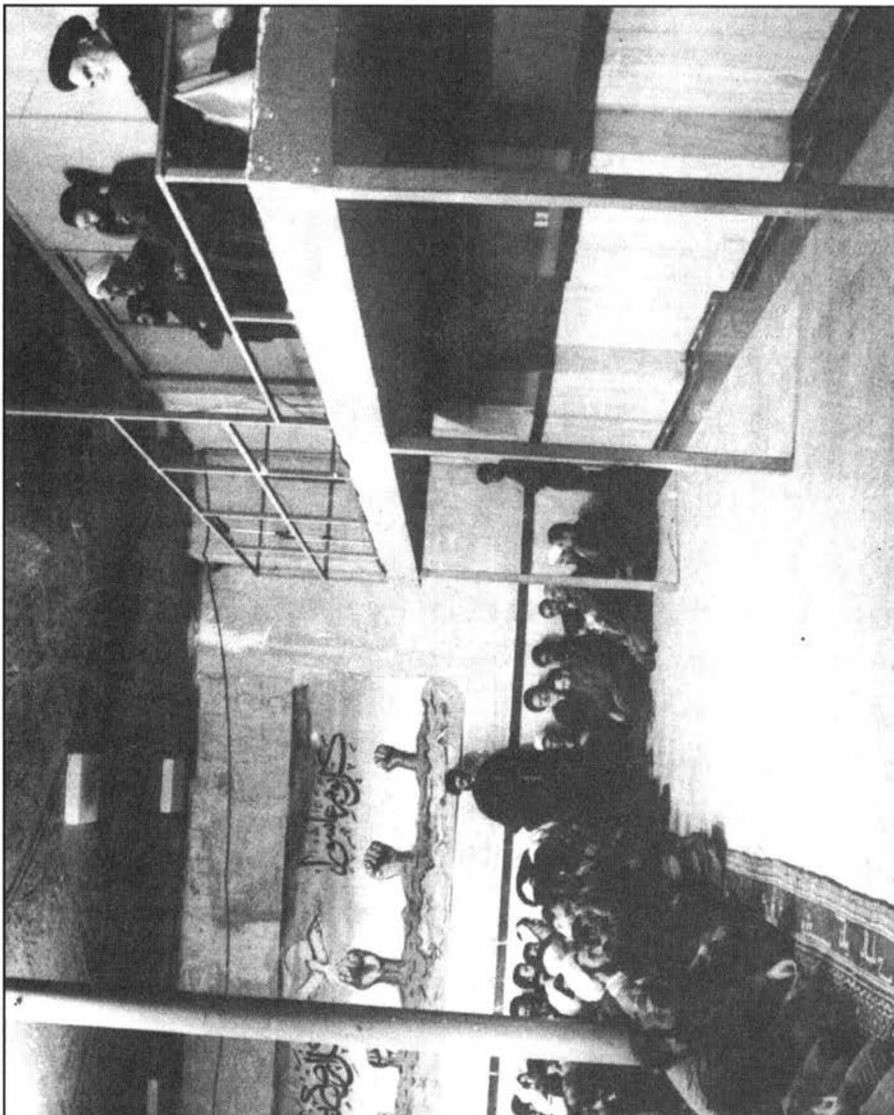
جلسه علنی داشتیم. پیش از دستور درباره اظهارات امام در ملاقات با نمایندگان صحبت کردم[1] و کمی از ناراحتی نمایندگان را تخفیف دادم و توجیه نمودم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای گروهی از مسئولان برگزاری مراسم [دهه فجر] که از پاوه کردستان آمده بودند، صحبت کردم*. ظهر عقد ازدواج یکی از کارمندان مجلس را بستم.

عصر آقای [محسن]رفیق دوست آمد و از نزدیکی حمله جدید گفت. آقای [خسرو]تهرانی از اطلاعات نخست وزیری آمد و راجع به سایت‌های باقیمانده آمریکائیها گفت. نگهداری آنها در

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

رجوع کنید ← صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، جلد دهم.

۱ - در این نطق درباره اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و راهنمایی امام خمینی(ره) در این زمینه مطالبی بیان شد. همچنین ایشان اعلام کرد که در پاسخ به دعوت امام طرحی با یکصدو بیست امضاء تقدیم مجلس شده است که در آیین نامه مجلس گنجانده شود و از این به بعد تشخیص ضرورتهای مقدمه برای اعمال ولایت فقیه در امر اجرای احکام ثانویه مشروط به رأی دو سوم افراد مجلس باشد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



اختیار کمیسیون مشترکی از سپاه و نیروی هوائی و نخست وزیری است و دستگاه‌های پیچیده‌ای دارد که آمریکایی‌ها در زمان شاه برای کنترل شوروی آورده‌اند و پس از انقلاب آنها را ناقص کرده و رفته‌اند. ما توانسته‌ایم رمز آنها را کشف کنیم. آقای بهادران آمد و از اینکه گروهی از کردهای عراقی که چند نفر غربی را در عراق اسیر کرده و سپاه به آنها توجه نمی‌کند، گله داشت.

آقای [غلامعلی] افروز نایب رئیس دانشگاه تهران آمد و درباره لزوم رسمی شدن سرپرستی دکتر [عباس] شیبانی و مشکلات اجرائی طرد جمعی از اساتید توسط افراطیهای دانشگاه گفت. اول شب ائمه جمعه گرگان، نوشهر، چالوس، و... آمدند و از خطر نفوذ و قدرت راستگراها به دنبال اظهارات امام در رابطه با مجلس و شورای نگهبان گفتند.

آقای خرم سفیر ایران در چین آمد. از وضع چین گزارش داد و از علاقه چینی‌ها به توسعه روابط با ایران و جهان سوم گفت. گروهی از مسئولان آموزش اطلاعات سپاه آمدند و گزارشی از تحّول در تربیت کادر اطلاعات مکتبی دادند و من برای آنها صحبت کردم[1].

چهارشنبه ۶ بهمن

در کمیسیون ویژه بررسی لایحه اسلامی کردن بانک‌ها شرکت کردم. لایحه تمام و گزارشی به مجلس داده شد. در کمیسیون بودجه هم که مشغول بررسی لایحه بودجه جدید است، شرکت کردم. ظهر چند ملاقات داشتم. جلسه‌ای هم با نمایندگان جدید الورود میان دوره‌ای داشتیم که آنها را با مجلس و مقررات و... آشنا کنیم[2] و سپس جلسه هیأت رئیسه بود.

بعد از آن با پاسدارها و محافظان خودم جلسه داشتم، برای رسیدگی [به مشکلات] و حل اختلافات آنها. گروهی که از اول با من بودند و من گفتم آنها را منتقل نکنند، با گروهی که بعد از آنها

---

۱ - در این سخنرانی نقش اطلاعات در جامعه اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و درباره فعالیت‌های جاسوسی دشمنان انقلاب اسلامی، اساس سازمان اطلاعات اسلامی، نقش ایمان در اطلاع رسانی و تجربهٔ برخورد با قضیه فرقان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این ملاقات ایشان درباره تقسیم کار در مجلس، ساعات حضور در جلسات، مزایا و امکانات نمایندگان و لزوم رعایت مسایل امنیتی سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

آمده‌اند و سرپرستی هم از آنها است، اختلاف دارند. حدود دو ساعت به حرفهایشان گوش دادم، حرف تازه و قابل توجهی نداشتند. نصیحتشان کردم. قرار شد با هم رفیق باشند. عفت و بچه‌ها شب به مجلس آمدند. برف سنگینی هم می‌بارید.

پنجشنبه ۷ بهمن

جلسه علنی داشتیم. حذف بیمه اجباری کارگاه‌های کوچک مطرح بود. در تنفس برای حزب‌اللهی‌های اراک و کهکیلوئیه صحبت کردم*. ظهر مهمان آقای موسوی اردبیلی بودیم. با رئیس جمهور و نخست وزیر و احمد آقا در موضوعات مهم کشور بحث داشتیم. عصر کلاس [درس] مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتم. سپس ملاقات با دفتر مشاورت امام [در ارتش] که شکایت از عدم همکاری نیروی هوائی در کارگروه متخصص رادار ADS ۴ داشتند و ملاقاتی با مسئولان برگزاری مراسم دهه فجر که شرح کارها را دادند.

ملاقاتی با اعضای هیئت‌های مؤتلفه [اسلامی] که درباره مسائل سیاسی و اقتصادی و اداری بحث بود. ملاقاتی با آقای [محمد]صالحی عضو حقوق‌دان شورای نگهبان که نگران دولتی شدن اقتصاد کشور و عدم انجام مصوبات بود؛ خیالش را راحت کردم. آخر شب به خانه آمدم. سعید [لاهوتی] هم از پادگان آمده بود و از وضع پادگان گفت.

جمعه ۸ بهمن

تمام وقت در خانه بودم، مطالعه و استراحت داشتم. با آقای خامنه‌ای تلفنی صحبت کردم. ایشان خواسته بود که امروز عصر در دفتر ایشان با آقایان صیاد شیرازی و محسن رضائی که برای مشورت در امری از جبهه آمده‌اند، مذاکره کنیم. درباره اسناد یکی از گروههای سیاسی اسلامی که به دست بچه‌های حزب [جمهوری اسلامی] افتاده صحبت شد.

شب در مورد مطلب مهم آقایان صیاد[شیرازی] و [محسن]رضائی پرسیدم. کار مهمشان مشورت برای رفع اختلاف در طرح عملیات بوده. سعید لاهوتی که دوره آموزش را در پادگان می‌گذراند، می‌گفت بخشی از پنجاه پزشک سرباز، چپی و غیر مذهبی‌اند و بخشی از باقی مانده

رفاه‌طلب و می‌گفت اکثریت آنها در پادگان رادیوهای بیگانه را می‌گرفتند و از ضعف تبلیغات سیاسی ایدئولوژی گله داشت.

شنبه ۹ بهمن

در منزل ماندم. مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده بیشتر وقتم را گرفت. عصر آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر تلفنی از مشکلی که برای هیأت‌های واگذاری زمین بعد از رد طرح مصوب مجلس از طرف شورای نگهبان پیش آمده گفت و چاره‌جوئی می‌کرد.

شب احمدآقا تلفن کرد و نگران ملاقات فردای امام با اصناف بود که مبادا بر روال مطالب گذشته در ملاقات نمایندگان مطلبی بیاید و از من خواست که فردا صبح به امام پیامی بدهم. خبر داد که امروز فرماندهان سپاه و ارتش خدمت امام رسیدند و برای شروع کار به جبهه رفته‌اند. متأسفانه امشب خبر رسیده دو نفر از فرماندهان سپاه آقایان باقری و بقائی بر اثر گلوله دشمن هنگام گشت شهید شده‌اند.

شب دکتر ولایتی راجع به آمدن نمایندگان حقوق بشر که نظر به نقض حقوق بشر در ایران داده‌اند، مشورت کرد. نظر موافق دادم و گفتم شایعات خارج خیلی زیاد است و دیدن آنها نظرشان را تعدیل می‌کند.

آخر شب خانواده آقای مطهری آمدند و راجع به انتشار یادداشت‌های ایشان درباره اقتصاد مشورت کردند. محافظه‌کارها و طرفداران سرمایه‌داری، ایشان را ترسانده‌اند. ولی آقای غفاری مسئول جمع‌آوری نوشته‌های ایشان اصرار بر انتشار دارد. قرار شد مطالعه کنم ونظر بدهم.

یکشنبه ۱۰ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. قبل از جلسه علنی گزارشات را خواندم. در جلسه علنی، از شهدای جدید سپاه و دو فرمانده شهید باقری و بقائی تجلیل کردم[1]. جلسه پر هیجانی داشتیم. به خاطر طرح

---

۱ - در این نطق ایشان گفتند: مطمئن هستیم که ارواح آنها به زودی شاهد پیاده شدن پیامشان خواهد بود که عبارتست از کیفر دادن به مجرم متجاوز

اجازه تأسیس داروخانه به نسخه پیچ‌ها با ده سال سابقه کار که موارد فراوان دارد، بالاخره رد شد. در تنفس برای تماشاچی‌ها ـ امور تربیتی و اقلیت‌های مذهبی ـ که برای برگزاری مراسم سالگرد انقلاب برنامه دارند، صحبت کردم[1].

ظهر آقای [مهدی] کروبی آمد و راجع به آزادی آقای [لطف الله] میثمی مذاکره شد. گویا قرار است اگر اسلحه‌های سازمانش را تحویل دهد، آزاد شود. عقد خواهر یکی از پاسدارها را بستم. عصر ملاقاتی با آقای [مسیح] مهاجری مسئول روزنامه جمهوری اسلامی داشتیم که مشکلاتی با مؤسسه کیهان [دارد] که گران می‌گیرد و همکاری صمیمی ندارد و راجع به هیأت امناء که اخیراً برای روزنامه در حزب [جمهوری اسلامی] تصویب شده. از ایشان خواستم بپذیرد که کمتر اشکالات و بحث تکروی پیش بیاید. از سرمقاله‌ای که اخیراً علیه یاسر عرفات نوشته انتقاد کردم و گفتم سیاست ما این نیست که با فلسطینی‌ها جنگ تبلیغاتی شروع کنیم.

آقای [حمید] بهرامی هم از لاهه آمده بود و از اینکه آقای محمدی سرپرست بیانیه الجزایر او را از دفتر لاهه به داوری منتقل کرده گله داشت. آقای [اسدالله] بادامچیان آمد و از بخشهای مختلف حزب [جمهوری اسلامی] به خاطر کم کاری گله داشت و از اختلاف نظرها در حزب در امور اقتصادی. شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. مقداری از شرح وظایف حزب تصویب شد و گزارشی از وضع دفاتر و واحدهای شهرستانها دارند.

دوشنبه ۱۱ بهمن

تا ساعت نه در خانه مطالعه می‌کردم و به خاطر ملاقات امام به مجلس نرفتم. به زیارت امام

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

و آزادی مردم عراق از شر بعثی‌های عفلقی. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۱ ـ در این سخنرانی درباره پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش دشمنان برای شکست انقلاب، شکست بعث عراق در جنگ و ملاقات معاون نخست وزیر عراق با مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

رفتم. آقای [عباس‌واعظ] طبسی هم از مشهد آمده بودند. ایشان درباره ساختمان فلکه مشهد و بعضی از موقوفات آستان قدس [رضوی] در تهران و بازسازی هویزه مطالبی داشت. من درباره لزوم تعدیل اظهارات امام در ملاقات با نمایندگان و اثر نامطلوب آن روی مستضعفان تذکراتی دادم و درباره سران یکی از گروهکهای چپ، مطالبی مشورت شد.

آقای دکتر ولایتی هم آمده بود؛ راجع به مشکل آقای صادق طباطبائی. چون احتمال توطئه را قوی می‌دانند، نظر امام این است که به طور رسمی اقدام بشود و جلوی توطئه احتمالی را بگیریم. بالاخره قرار شد نظر امام انجام شود. امام می‌گویند اگر از او حمایت نشود و محکوم شود، نظام ما بدنام شده و ممکن است نسبت به دیگران پیش بیاید.

سه شنبه ۱۲ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. گزارشها را خواندم و سپس به جلسه علنی رفتم. قبل از دستور درباره سالروز برگشت امام به ایران صحبت کردم و آن را روز رحمت نامیدم[1]. در تنفس برای جمعی از تماشاچیان سخنرانی کردم*. ظهر عقد ازدواج دانشجوئی را بستم.

عصر آقایان کامیاب و عباس صفریان سفرای جدیدمان در ژنو و گابن آمدند و از حوزه مأموریتشان مطالبی گفتند. آقای طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان آمد و گزارشی داد. سه نفر از [اعضای] شورای اسلامی بانک صادرات آمدند و از ضعف مدیریت با ذکر رکود کارها و بی‌علاقگی مدیران به انقلاب اسلامی شکایت داشتند و گزارشی دادند. آقای [مصطفی] هاشمی[طبا] وزیر صنایع آمد. گزارشی از وضع صنایع داد و برای نجات قانون حفاظت کمک خواست. خانواده شهید استاد [کامران]نجات‌اللهی آمدند و برای ادامه تحصیل فرزندشان کمک خواستند.

آقای رئیس جمهور آمدند و راجع به اختلاف نظر فرماندهان نیروی زمینی و سپاه در کیفیت حمله مذاکره کردیم و با جبهه تماس گرفتیم. قرار شد اگر اختلاف دارند به تهران بیایند.

---

۱ - در این نطق ایشان درباره شخصیت امام خمینی(ره) و نقش بی بدیل ایشان در پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام روز رحمت در دوازدهم بهمن هر سال مطالبی بیان داشت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



دیدار با وزیر اطلاعات سوریه

وزیر اطلاعات سوریه به ملاقات آمد. پیام حافظ اسد را آورد و هدفش گرفتن اطمینان از سوی ما برای عربستان سعودی بود. سعودیها مدعی‌اند هواپیماهای ما به حدود کشورشان تجاوز کرده‌اند. گفتم سیاست ایران تعرض به همسایگان نیست ولی آنها هم باید منافع ما را در نظر داشته باشند.

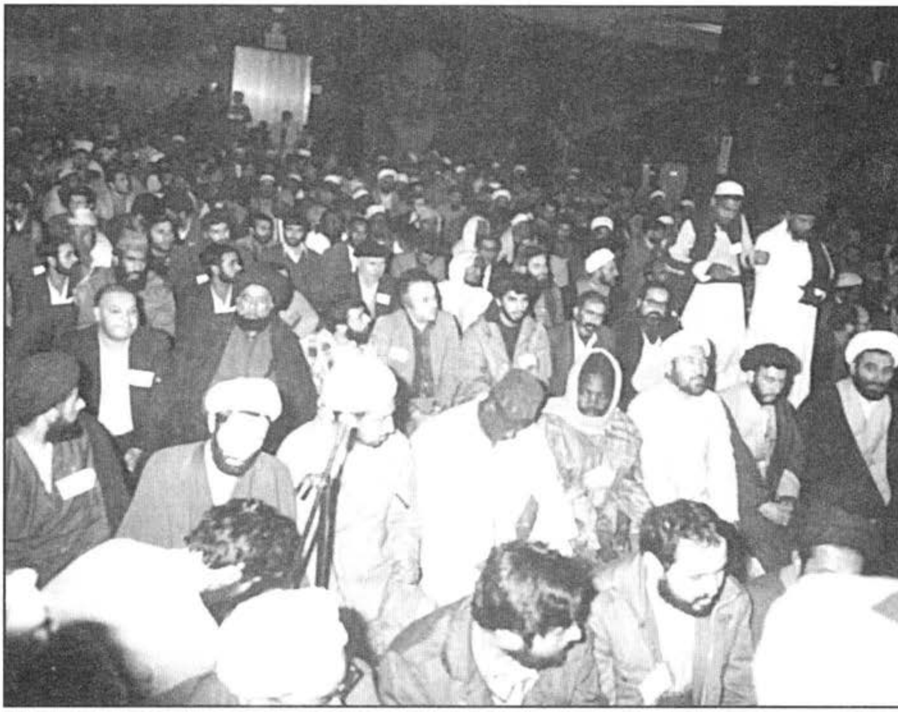
شب وزیر کشاورزی آمد. از تضعیف مدیریت و نبودن خطوط روشن اقتصادی شکایت داشت. وزیر راه [و ترابری] آمد و گزارشی از وضع راه آهن و فرودگاه داد. از برخورد ستاد پیگیری [فرمان امام]، با آقای نوریان مدیر عامل هواپیمائی کشوری، شکایت داشت. به آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر گفتم، قرار شد مهلت بدهند. آقایان امامی و مهندس طاهری آمدند و از اینکه آقای پوراستاد[1] را دادگاه صنفی به ۶۱ روز زندان محکوم کرده، گله داشتند و این را از خط مقابل برای محروم کردن ایشان از نمایندگی می‌دانستند.

چهارشنبه ۱۳ بهمن

تا ظهر درخانه بودم و مطالعه می‌کردم. پاسدارانم و همسرانشان به دست بوس امام رفتند و به خانه ما آمدند. برایشان صحبت کردم. حسین شریفیان از مشهد آمد و از اینکه کارخانه‌ای که در آن کار می‌کند و مصادره شده و بعد از فرمان هشت ماده‌ای امام، بخشی از آن را به صاحبانش برگردانده‌اند، گزارش داد. کارخانه در اختیار بنیاد شهید مشهد است؛ با آقای [مهدی] کروبی صحبت داشت. تصادفاً آن زمان آقای کروبی در منزل ما بودند.

ظهر به دفتر آقای خامنه‌ای رفتیم. آقایان صیاد شیرازی و محسن رضائی از جبهه آمدند. در نحوه عملیات آینده و نقطه آغاز، اختلاف داشتند. تا ساعت چهار بعدازظهر مذاکره کردیم و تصمیم یکطرفه شد؛ آقای صیاد شیرازی کوتاه آمد ولی آقای [محسن] رضائی مقاومت کرد. به خاطر اینکه عمده نیروهای رزمنده در اختیار سپاه [پاسداران] است و با ملاحظات سیاسی و نیاز به سرعت بیشتر برگشتند. در جلسه هیأت رئیسه شرکت کردم. تصمیماتی اتخاذ شد. شب در مجلس ماندم و تا

۱ـ علی اکبر پوراستاد از اعضای هیأتهای مؤتلفه اسلامی در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی وارد مجلس شد و اعتبارنامه وی در ۶۲/۱/۲۵ به تصویب رسید. وی آهن فروش بود.





میهمانان دهه فجر

آخر شب مطالعه کردم. به خاطر مسائل امنیتی و نیز برای صرفه‌جوئی در وقت از آمد و رفت زیاد بین خانه و مجلس پرهیز می‌کنم.

پنجشنبه ۱۴ بهمن

به جلسه علنی رفتم. مهمان‌های دهه فجر و شاگردان مدرسه علوی به عنوان تماشاچی شرکت کرده بودند. بعداز جلسه مهمان‌ها با نمایندگان جلسه گرفتند و دونفر از آنها سخنرانی کردند و من هم صحبت کردم* و به عربی و انگلیسی ترجمه شد. نماز جماعت به امامت من خوانده شد. ناهار مهمان مجلس بودند و عکس‌هائی گرفتند. تحت تأثیر سادگی نمایندگان قرار گرفته بودند.

عصر ملاقاتی با چند جوان شیعه انقلابی داشتم که مشورت‌هائی کردند. ملاقاتی با ابو صالح عضو مجلس فلسطین که به خاطر مخالفت با آقای یاسر عرفات اخراج شده؛ از موضع ما راضی بود و برای طرفداران خودش که مورد خشم الفتح قرار گرفته‌اند، کمک می‌خواست. شب در دفترم با سران قوا جلسه داشتیم و درباره اعلام آزادی مسافرت و تأخیر بازداشت گروهی دیگر از ضد انقلاب تصمیماتی گرفتیم. استاندار اصفهان آقای کوپائی هم آمد و مشکلاتی را مطرح کرد.

جمعه ۱۵ بهمن

تا ساعت ده ونیم در خانه برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه کردم. و سپس برای [اقامه] نماز جمعه به دانشگاه [تهران] رفتم. دیشب از دفتر آیت‌الله منتظری از طریق واحد نهضت‌های اسلامی [سپاه پاسداران] اطلاع دادند که گویا ضد انقلاب امروز در نماز جمعه توطئه‌ای علیه من دارد و لذا مراقبت‌ها شدیدتر شده بود. اسرای عراقی و مهمان‌های دهه فجر و سه هزار بسیجی عازم جبهه در نماز [جمعه] شرکت کرده بودند. خطبه‌ای در کفارات و خطبه‌ای در دستاوردهای انقلاب ایراد کردم[1]. ظهر مهمان داشتیم؛ بستگان عفت و اول شب همشیره فاطمه[2] و بستگان دیگر آمدند.

---

۱ - در این خطبه زکات فطر و شانزده مورد از کفارات در فقه اسلامی تشریح شد و سپس درباره کشف چهره جریانهای داخلی مثل منافقین، جبهه

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

مقداری هم مطالعه کردم. سریال شاه دزد و اخبار و نماز جمعه را از تلویزیون تماشا کردم. اطلاع دادند که زمان حمله معین شده. اخوی محمد تلفن کرد و گفت آقای [غلامحسین] کرباسچی را می‌خواهند از سیمای جمهوری [اسلامی] به استانداری اصفهان منتقل کنند و خودش راضی نیست.

شنبه ۱۶ بهمن

تمام وقت در خانه بودم. استراحت داشتم و مطالعه و نوشتن چند روز خاطره عقب مانده. با آقای بهزاد نبوی درباره صنایع جنبی مس صحبت کردم. کرمانیها و نمایندگان کرمان نگرانند که این صنایع را از کرمان به جای دیگر ببرند. معلوم شد در بررسی به این نتبجه رسیده‌اند که یزد بهترین محل و کرمان دوم و اصفهان سوم و ساوه چهارم است؛ به خاطر اینکه هر چه نزدیکتر به محل مواد اولیه و یا نزدیکتر به محل صنایع کشور باشد در حمل مواد یا محصولات صرف‌جوئی می‌شود و از طرفی استان یزد فاقد استعداد کشاورزی است و دولت در آنجا سرمایه‌گزاری نکرده؛ گر چه صنایع بخش خصوصی زیاد است.

با وزیر دفاع هم درباره مأموریت فرمانده نیروی دریائی به لیبی صحبت کردم و درباره خرید اسلحه. عصر با جبهه تماس گرفتم، برای آمادگی‌هایی که باید داشته باشیم. با رمزی که از پیش معین شده بود [صحبت کردم]. با آقای رئیس جمهور هم درباره خبر ورود هواپیماهای ما به فضای عربستان؛ ایشان از نیروی هوائی توضیح خواسته و برای آینده هم تذکر داده.

آقای [محمد]خاتمی وزیر ارشاد [اسلامی] گفت امام ایشان را خواسته‌اند و گفته‌اند که بعضی از مدرسین [حوزه علمیه] قم می‌گویند کتابی از آقای مطهری در اقتصاد می‌خواهند چاپ کنند که نظر قطعی ایشان نیست. من گفتم بنا شده من هم کتاب را بخوانم و نظر بدهم. دکتر سعید [لاهوتی] با

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

ملی و گروهکهای چپ، اعتصاب در کارخانه‌های فرانسه، صدور انقلاب اسلامی، آشکار شدن ماهیت امپریالیسم، مسأله جنگ و اتمام حجت با دولتهای حامی حکومت عراق سخن گفته شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

۲ - بانو فاطمه هاشمی بهرمانی در ۷۹/۸/۲۶ در اثر بیماری دارفانی را وداع گفت.

لباس سربازی آمد. نواری برای جواب سئوالات نشریه آینده سازان پر کردم[1].

یکشنبه ۱۷ بهمن

مطابق معمول مهدی و یاسر قبل از آفتاب به مدرسه رفتند. پس از آنها من به مجلس رفتم. بعداز مطالعه گزارشها به جلسه علنی رفتم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای محصلان دختر مدرسه معصومیّه قم صحبت کردم*. نمایندگان استانهای همدان، باختران و کردستان ظهر آمدند. بعضی از کردستانی‌ها از کمبودهای کردستان گفتند. نماینده مهاباد از فشار پاسداران و دادگاه‌ها گفت.

عصر آقای [خسرو] تهرانی و همکاران اطلاعاتیش آمدند از مشکلات کار منجمله تأخیر تصویب طرح [تأسیس وزارت اطلاعات] در مجلس و ابهامات شرعی وقانونی و اداری گفتند.

شب در جلسه حزب شرکت کردم. بیشتر در شرح وظایف بحث شد. امروز اطلاع دادند که سران حزب توده را به اتهام جاسوسی دستگیر کرده‌اند[2]. قرار نبود قبل از روشن شدن وضع عملیات اقدام

---

۱ ـ در این مصاحبه که در تاریخ ۲/۱۲/۶۱ در مجله آینده سازان به چاپ رسیده است درباره عوامل پیروزی انقلاب، خاطرات روزهای انقلاب، موانع تداوم انقلاب، موفقیت کنونی انقلاب و نقش تشکل دانش آموزی در پیشبرد انقلاب مطالبی بیان شده است. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ ـ حزب توده ـ به طور رسمی ـ در سال ۱۳۲۰ ش، هنگام اشغال ایران توسط نیروهای ارتش سرخ، تشکیل شد. با خروج قوای روس و شکست فرقه دموکرات آذربایجان و انشعابی که در سال ۱۳۲۶ در داخل حزب (به وسیله خلیل ملکی، جلال آل احمد و ...) پیش آمد، عده‌ای از اعضا تز استقلال حزب از شوروی را مطرح ساختند. در بهمن ۱۳۲۷ به دنبال سوء قصدی به شاه که ضارب آن توده‌ای شناخته شد، این حزب منحل گردید. در سال ۱۳۲۸ حزب به ایدئولوژی مارکسیسم ـ لنینیسم که تا بیش از آن به خاطر ناآگاه ساختن مردم از اعتراف به آن پرهیز داشت، به عنوان مرام حزبی اعتراف کرد. سکوت حزب توده به ویژه رهبری آن (دو جناح کیانوری ـ قاسمی) در شکست و سقوط دولت دکتر مصدق و پیروزی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد نقش به سزایی داشت. در مرداد ۱۳۳۳ شبکه افسران حزب توده کشف شد. عده‌ای اعدام شده و عده‌ای با رژیم شاه به همکاری پرداختند. مواضع مُتلون حزب ـ که رهبر اصلیش به خارج کشور فرار کرده و در دامان "برادر بزرگتر" (شوروی و کشورهای بلوک شرق) به سر می‌بردند ـ تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و نزدیک به پیروزی، حزب در پلنوم شانزدهم ـ که نوعی کودتای کیانوری علیه دبیر کل قبلی ایرج اسکندری بود ـ پشتیبانی از انقلاب اسلامی را اعلام کرد ولی از همان آغاز، علیرغم در خط امام دانستن خود(!) تدارک براندازی می‌دید و به صورت

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

کنند ولی گویا خوف فرار داشته‌اند. اطلاع دادند که امشب بنا است حمله شود. ساعت یازده تماس گرفتم، معلوم شد عملیات بنام "والفجر" و با رمز "یاا لله" از قرارگاه خاتم النبیّین آغاز شده و می‌گویند اول کار نسبتاً موفق است[1].

دوشنبه ۱۸ بهمن

صبح زود از جبهه سراغ گرفتم. معلوم شد خط مقدم و استحکامات عراقی‌ها را در مرز شکسته‌اند و چند پاسگاه خودی و عراقی را از چنگ آنها بیرون آورده‌اند. چند کیلو متر در خاک عراق به طرف العماره پیشروی کرده‌اند، ولی به تمام اهداف نرسیده‌اند.

قبل از دستور [مجلس شورای اسلامی] درباره عملیات [اخیر] صحبت کردم[2]. لایحه سیستم بانکی بدون ربا در شور اول تصویب شد و این گام مهمی به سوی اسلامی کردن بانکها است[3].

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

وسیع به نفع شوروی جاسوسی می‌کرد. سرانجام با دستگیری رهبران و کادرهای اصلی حزب توده در بهمن ٦١ و اردیبهشت ٦٢، سیل اعترافات آغاز شد و افرادی چون کیانوری و احسان طبری به جاسوسی و تلاش برای نابودی جمهوری اسلامی اقرار کردند و حتی احسان طبری کتابی در رد مشی و تاریخ حزب و ایدئولوژی مارکسیسم نوشت که منتشر شد و سرانجام ۴۲ سال عمر سراسر خیانت این حزب پایان یافت. برای آگاهی بیشتر رجوع کنید ← سیاست و سازمان حزب توده از آغاز تا فروپاشی / مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۱ - عملیات والفجر مقدماتی با رمز یاالله یاالله یاالله در منطقه عملیاتی فکه - چزابه به وسعت ۳۰۰ کیلومتر مربع در ساعت ۲۱/۳۰ دقیقه ٦١/١١/١٨ آغاز شد. در این عملیات پاسگاههای ایرانی سوبله، صفریه، رشیده و طاووسیه آزاد شد و پاسگاههای عراقی وهب، کارمه و صفریه به تصرف رزمندگان اسلام در آمد. در این عملیات بیش از ۴۵۰۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یا زخمی شدند و ۱۲۰ نفر به اسارت در آمدند.

۲ - در این نطق درباره عملیات والفجر و اخطار به حامیان عراق در جنگ و لزوم تداوم عملیات تا خاتمه جنگ مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ١٣٦١، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۳ - بانکها مؤسساتی هستند که به غیر از سرمایه اولیه خود، از سپرده‌های مردم هم استفاده می‌کنند و در واقع بانکها براساس پس‌اندازهای مردم تشکیل شده‌اند و به عنوان وکیل مردم می‌باید سعی در حفظ منافع مشتریان خود داشته باشند. بنابراین تلفیق بین سیستم بانکی و اندیشه اسلامی، کاری بزرگ و مهم بود که گاهی اساسی در حل معضلات پیچیده اقتصادی محسوب می‌شد و مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون عملیات بانکی بدون

(ادامه پاورقی در صفحه بعد)

در تنفس برای جمعی از هنرمندان سراسر کشور که برای [مراسم] دهه فجر به تهران آمده‌اند، صحبت کردم*. ظهر جمعی از مدیران شرکت‌های ساختمانی آمدند و از سخت‌گیری‌های مسئولان و عدم پذیرش تعدیل با تورّم و بالا رفتن هزینه کارها شکایت داشتند، قرار شد رسیدگی کنم. عصر مصاحبه‌ای تلویزیونی برای شب ۲۲ بهمن کردم*. ملاقاتی با آقای شفیق معاون وزارت بازرگانی داشتم که درباره کالاهای مصرفی و سیاست توزیع توضیح داد و سیاست مصرف را خواست؛ گفتم نمی‌خواهیم به مردم ریاضت دهیم.

آقای رضوی مسئول کالاهای متروکه گمرک آمد و از اینکه شبهه‌هائی در مشروعیت کارشان شده، نگران بود. گفتم تا قانون اصلاح نشده و یا شورای نگهبان اعلام عدم مشروعیت نکرده به قوانین گذشته عمل کنند. وی گزارشی از حجم کارش داد. ستاد هفت نفره تقسیم زمین [شهری] آمدند و سخت نگران عوارض نامطلوب رد طرح اراضی از طرف شورای نگهبان بودند.

شب در هتل آزادی در مراسم شام مهمانان سالگرد انقلاب [اسلامی] که به نام من داده بودند، شرکت کردم و برایشان درباره جنگ تحمیلی صحبت نمودم و جواب سئوال‌هاشان را دادم[1]. به

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

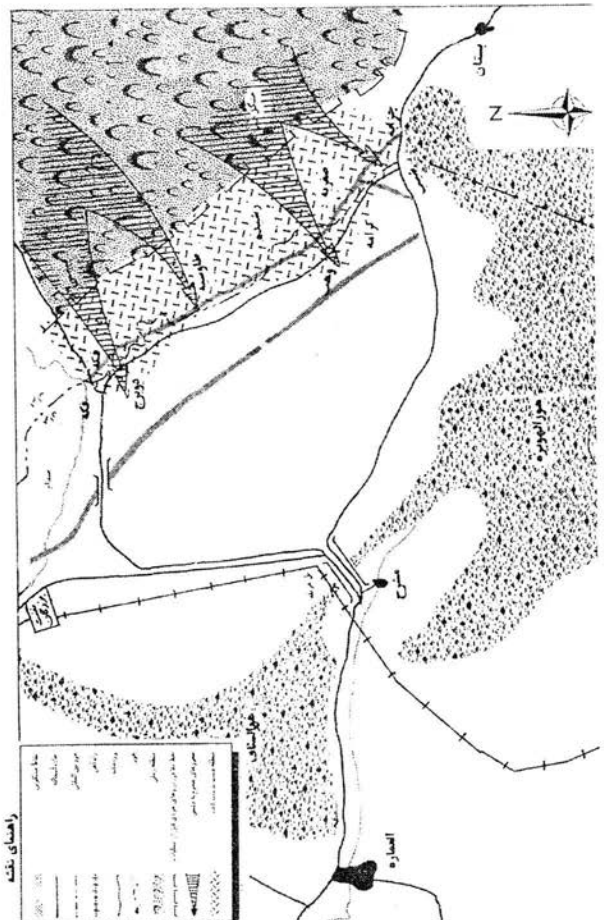
ربا (بهره) تحولی در سیستم بانکداری کشور پدید آورد. این قانون مشتمل بر ۵ فصل و ۲۷ ماده و ۳ تبصره است و در اولین ماده آن درباره اهداف نظام بانکی چنین بیان شده است: ماده ۱ - اهداف نظام بانکی عبارتند از:

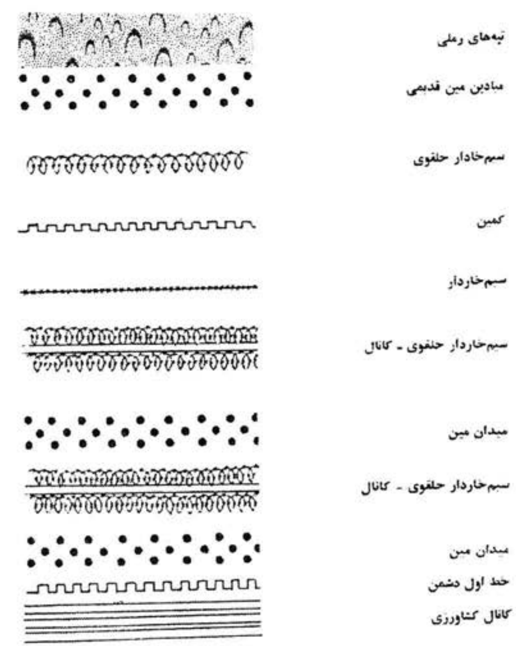
۱ - استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور. ۲ - فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه‌های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری ۳ - ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض‌الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته‌ها و پس‌اندازها و سپرده‌ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه‌گذاری به منظور اجرای بند ۲ و ۹ اصل چهل‌وسوم قانون اساسی ۴ - حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداختها و تسهیل مبادلات بازرگانی ۵ - تسهیل در امور پرداختها و دریافتها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون برعهده بانک گذاشته می‌شود. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

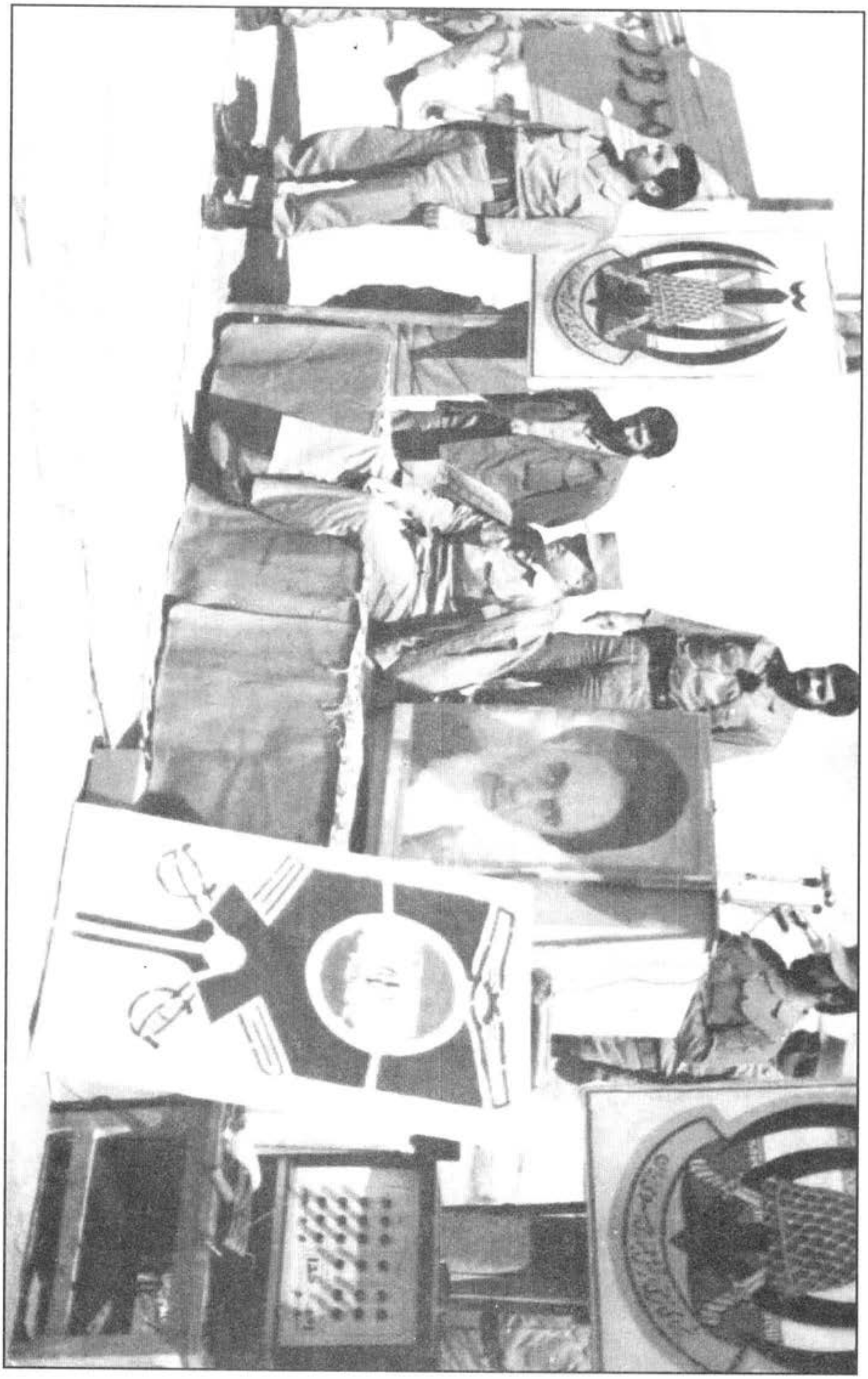
۱ - در این سخنرانی درباره ماهیت جنگ، برنامه‌های استکبار برای شکست انقلاب اسلامی، حرف ایران در جنگ، ماهیت صدام و موضع ایران درخصوص ادامه جنگ مطالبی مطرح شد و در پایان به سؤالات میهمانان پاسخ داده شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

کالک وضعیت و آرایش مواضع مصنوعی و طبیعی دشمن

در منطقه عملیات والفجر مقدماتی







خانه آمدم. فیلم عملیات والفجر را دیدم. بچه‌ها هم در شام و مراسم شرکت کرده بودند؛ از من دیرتر به خانه آمدند. آخر شب تلفنی با آقای موسوی اردبیلی که در جبهه است، گفتگو کردم.

سه شنبه ۱۹ بهمن

تا عصر در خانه ماندم. با استراحت، مطالعه ونوشتن خاطرات گذراندم. با جبهه تماس گرفتم. آقای [رضا] سیف‌اللهی مسئول اطلاعات سپاه گفت، دیشب عملیات کوچکی داشته‌اند برای الحاق دو قرارگاه نجف و کربلا و از بین بردن رخنه‌هایی که دشمن در نیروهای ما داشته. عفت قرار است به منزل احمد آقا برود و با خانم‌های دیگری که برای جبهه چیزهایی بسته بندی می‌کنند، همکاری نماید.

عصر به مجلس رفتم و عفت برای دیدن همسر آقای خامنه‌ای. در مجلس ملاقاتی با دکتر هادی و گروه ناظر بر مجلس اعلای انقلاب [اسلامی] عراق داشتم که از تفرقه و بی تحرکی آنها گفتند. راجع به کیفیت کار آنها و آینده عراق مشاوره شد.

با آقای [محمد مهدی]ربانی املشی ملاقات داشتم که هنوز از عزل ایشان و دیگران از شورای عالی قضائی گله دارند که در این موضوع بحث کردیم. گفتم که گزارش‌های زیادی در چند مورد از طرق مختلف به امام رسیده و ایشان را ناراحت کرده بود و پس از رفع تردید جبران کردند. آقای [محمد]غرضی از اینکه ستاد پیگیری [فرمان امام] دونفر از بخشداران منصوبی ایشان در زمان استانداری خوزستان را تحت تعقیب قرار داده، گله داشت و نگران بود و گفت پس از آغاز حمله، وضع نفت بهتر شده است.

شب، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. گزارشها حاکی از عدم تحقق اهداف مرحله اول و توقف کار است. در مورد اسرای عراقی و راه افتادن کار رادارهای ADS4 که نیروی هوائی همکاری نمی‌کنند و تلاش برای آمدن کشتی‌ها به بندر امام تصمیماتی اتخاذ شد. آقای [خامنه‌ای] رئیس جمهور به دو نفر از فرماندهان در جلسه به خاطر منفی بافی پرخاش کردند. آخر شب به خانه آمدم. با جبهه تماس گرفتم معلوم شد، امشب هم حمله ندارند و مشکلاتی داریم؛ حدود یکصدوبیست نفر اسیر داده‌ایم.

چهارشنبه ۲۰ بهمن

در منزل ماندم. احمد آقا تلفن کرد و گفت با جبهه تماس داشته و گفته‌اند کار حمله چند روزی عقب افتاده، ایشان آمد و مذاکره کردیم، قرار شد من مصاحبه‌ای بکنم و به گونه‌ای اخبار جنگ را بگویم که انتظارات مردم را که در اثر تبلیغات روز اول حمله بالا رفته، هدایت کنم و وضع موجود را توجیه نمایم و روحیه بدهم. عصر آقای انصاری رزمنده‌ای که از جبهه برگشته گزارشی آورد که معلوم شد، امشب حمله داریم و با آقای صیاد شیرازی هم تماس گرفتم و تأیید شد. با اینکه مصاحبه گرها آمده بودند، منصرف شدیم. قرار شد صبر کنیم تا نتیجه عملیات معلوم شود.

گزارش‌ها را از مجلس آوردند، خواندم. مراکز خبری دنیا گیج‌اند، بین اخبار متناقض که از ناحیه ما و عراق پخش می‌شود، نمی‌دانند چه موضعی بگیرند. فرانسوی‌ها جا خورده‌اند و برای جبران عداوت‌های گذشته به ما، می‌خواهند کاری بکنند.

شب مهمان آقای سلیمی از اعضای دفتر امام بودیم. آخر شب که به خانه آمدم، آقای [محسن] رفیق دوست از جبهه تلفن کرد و گفت از ساعت هشت شب حمله آغاز شده و به خوبی پیش می‌رویم.

پنجشنبه ۲۱ بهمن

صبح زود دکتر ولایتی آمد و گزارشی از سفر به کره شمالی و سری لانکا داد و از خودسری عوامل واحد نهضت‌های [سپاه پاسداران] در کارهای خارج از کشور شکایت داشت و پیشنهادهائی از این دو کشور آورده بود.

صبح در اخبار چیزی از حمله دیشب نگفتند، با جبهه تماس گرفتم و معلوم شد نتیجه مطلوب به دست نیامده و بنا است پس از جمع‌بندی اعلام کنند. بالاخره معلوم شد، حمله موفق نبوده و تلفات هم داشته‌ایم: بیش از هزار مجروح و تعدادی اسیر و شهید. میدان جنگ دشت باز است و دشمن کانال و خندق و میدان‌های مین و مانع سیم خاردار و سنگر ایجاد کرده است.

وزیر امور خارجه فرانسه عازم بغداد شده ولی روزنامه لوموند به نوعی انتقاد از سیاست فرانسه کرده و هم از ضعف بغداد گفته. با پیام‌های خصوصی، فرانسوی‌ها از ما خواسته‌اند که روابط را

ترمیم کنیم. یاسر سخت تب کرد. به دکتر مراجعه کردیم، آنژین است. ولی داروی زیـادی داده است.

جمعه ۲۲ بهمن

نماز جمعه را آقای خامنه‌ای اقامه کردند و من تمام وقت در خانه ماندم. دونفر از دفتر امام آمدند و از مخالفت‌های بعضی از افراد جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم گفتند و از اختلافات بعضی از دفاتر حزب در شهرها با بعضی از ائمه جمعه. عصر آقای [محسن] دعاگو آمد و نگران راکد ماندن گزینش‌ها و حرکات خط سوّم و اختلافات درون حزب [جمهوری اسلامی] بود. امیر عراقی آمد و از تغییرات در بنیاد مستضعفان و عزل آقای مهری از بخش بازرگانی گله داشت و اخوی محمد و خانواده‌اش هم شب مهمان ما بودند و شاممان حاضری بود.

احمد آقا آمد و آخرین اخبار جنگ را آورد. حاکی از وجود قدرت نیروهای آماده حمله ولی مشکل بودن کار است. راجع به ادامه جنگ بحث کردیم.

شنبه ۲۳ بهمن

آقایان [محسن] رفیق دوست و [فضل الله] محلاتی از جبهه آمده بودند و گـزارشـی مـفصل آوردند.

شب در دفتر امام با حضور فرماندهان سپاه ونیروی زمینی و رئیس جمهور و آقای [موسوی] اردبیلی جلسه داشتیم. گزارش کامل جبهه را دادند. دو حمله کرده‌ایم، موفق نبوده. در آمار شهدا و اسرایمان اختلاف داشتند. به نظر می‌رسد حملات خوب فرماندهی نشده. آقای صیاد [شیرازی] از سپاه گله داشت. اثر بدی روی ارتشی‌ها گذاشته، چون تعداد نیروهای سپاه با حضور مردم از طریق بسیج خیلی بیشتر از ارتش شده و سپاه می‌خواهد تصمیم گیرنده اصلی باشد. [سپاه] مدعی است هفت برابر نیروهای ارتش، نیرو در جبهه دارد. برای آینده برنامه روشنی نداشتند. در چند مورد بحث شد. قرار شد بروند جبهه، مشورت کنند و اطلاع دهند. شام را مهمان احمد آقا بودیم. آخر شب به خانه آمدم.

یکشنبه ۲۴ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. نمایندگان از عدم موفقیت حمله نگران‌اند و به سپاه و فرماندهی اعتراض دارند. در تنفس برای تماشاچیان که معلولان جنگ بودند و نهضت سواد آموزی درباره جنگ و آینده صحبت کردم[۱]. نماینده مهاباد در نطق پیش از دستور به رفتار سپاه با مردم کردستان اعتراض کرد. مورد اعتراض شدید نمایندگان قرار گرفت. هنوز اعتبار نامه‌اش تصویب نشده و این باعث شد. که بعضی‌ها به فکر افتادند مخالفت کنند[۲].

ظهر چند ملاقات داشتم و عصر با [کمال خرازی] رئیس خبرگزاری پارس که مسئول تبلیغات جنگ هم هست، صحبت داشتم و خط تبلیغات جنگ را توضیح دادم. عراقی‌ها با اغراق غیر قابل قبول از آمار تلفات ما می‌گویند. آقای صیاد[شیرازی] آمد، عازم جبهه بود، گله‌هایش را گفت و برنامه‌های آینده را توضیح داد. بد نیست. شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] داشتیم. اختلافات دوبینش اقتصادی در حزب و دولت مطرح بود.

دوشنبه ۲۵ بهمن

جلسه علنی داشتیم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای تماشاچیان درباره جنگ صحبت کردم*. ظهر با نمایندگان چندین ملاقات داشتم. خاخام یهودیان با نماینده آنها و جمعی از سرانشان آمدند و مبلغ چهل ویک میلیون ریال [کمک] برای جبهه‌ها آوردند و سخت اظهار وفاداری کردند و چند خواسته داشتند مثلاً اجازه با هم بودن کنیسه و مدرسه که اخیراً منع شده‌اند و آزادی چند نفر زندانی که جرائم غیر سیاسی دارند و... من هم برای آنها در وحدت ریشه ادیان

---

۱ - در این سخنرانی درباره پیروزی‌های رزمندگان اسلام در جبهه‌ها و اهمیت مبارزه با بی‌سوادی و شرایط صلح با عراق مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - اعتبار نامه آقای محمد حبیسم سعادتی نماینده مهاباد که در انتخابات میان دوره‌ای وارد مجلس شده بود، مورد تصویب نمایندگان قرار نگرفت و رد شد.

آسمانی صحبت کردم و تشابه نهضت ما با نهضت حضرت موسی علیه‌السلام از لحاظ تاریخی و محتوی و اینکه وجود اسرائیل مزاحم همکاری مسلمین با یهودی‌های عالم است.

آقای [میرعلی نقی] خاموشی نماینده تهران هم آمد. انتقاداتی بر کار مجلس داشت و پیشنهاداتی هم داد. عصر آقای محمدی مسئول دفتر مشاورت امام در نیروی هوائی ـ که به تازگی از انگلستان برگشته ـ آمد و گزارشی از وضع دفاتر خرید ارتش در لندن و وضع سفارت و دانشجویان مسلمان لندن داد. تأکید برضرورت وجود نماینده‌ای از امام یا آقای منتظری در آنجا داشت و هم تعویض کاردارمان و از روحیه و عملکرد آقای معین‌پور فرمانده نیروی هوائی گفت و معتقد است که دیگر نمی‌تواند نیرو را اداره کند. قبلاً طرفدار او بود.

آقای [صادق]تقوائی دادستان امور صنفی آمد و نمونه‌هائی از تخلف‌های وزارت بازرگانی را آورد؛ برای توجیه عملکرد خودشان که اخیراً علیه بازاریها انجام داده‌اند. اول شب گزارشات را خواندم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. عفت و مهدی و یاسر به مجلس آمدند و شب در مجلس ماندند. به خاطر مسائل امنیتی و توصیه مسئولان حفاظت بیشتر در مجلس می‌مانم و از رفت و آمد زیاد پرهیز می‌کنم.

سه شنبه ۲۶ بهمن

چند لایحه را تصویب کردیم، منجمله لایحه عفو در آمد صادرات از مالیات. با این لایحه نمایندگان چپ رو سخت مخالفت کردند. من ناچار به عنوان موافق صحبت کردم و جّو را شکستم وتصویب شد.

در تنفس برای پاسداران و ورزشکاران که تماشاچی مجلس بودند، صحبت کردم*. معمولاً برای تماشاچی‌ها در تنفس صحبت می‌کنم و اگر نکنم گله می‌کنند.

ظهر وزیر دفاع آمد؛ برای توجیه عدم توفیق وزارت در امر خرید اسلحه‌های پیشنهادی که دلیل درستی هم نداشت. آقای مهدی کروبی سرپرست بنیاد شهید هم آمد و مقداری طلا وجواهرات که از مردم خیرّ عرب برای بنیاد شهید توسط من فرستاده بودند، تحویل گرفت. آقای [مصطفی]تبریزی نماینده بجنورد هم آمد و از اینکه در شهرش بعضی‌ها به او و رفقایش به عنوان امتّی فشار می‌آورند، گله داشت و کمک می‌خواست. مهندس [رجبعلی]طاهری [نماینده کازرون] هم لیست جمعی از

نمایندگان را که تقاضای عضویت در حزب جمهوری اسلامی کرده بودند، آورد و مشورت کرد.
عصر گروهی از اطباء آمدند و برای فعالیت روی وزارت بهداشت و درمان که با مخالفت شورای نگهبان در مجلس گیر کرده است، کمک می‌خواستند. گروهی از قضات شرع دادگاه‌های انقلاب آمدند و از عملکرد ستاد پیگیری [فرمان هشت ماده‌ای] امام شکایت داشتند. از فرودگاه هم اعضای دادستانی، تلفنی همین شکایت را داشتند.
آقای [علی اکبر] ناطق نوری هم از برخورد نمایندگان خوزستان با ستاد بازسازی مناطق جنگ زده شکایت آورد و حق با ایشان است. گروهی از مسئولان نیروی زمینی آمدند و راجع به تعویض مسئولان نیروی دریائی افرادی را معرفی کردند و هم برای تعویض ستاد ارتش و افرادی را هم برای [دفتر] مشاورت [ارتش] معرفی کردند که مدتها قبل خواسته بودیم و پیشنهاد ترفیع درجه صیاد شیرازی را هم داشتند. شب پرسنل اطلاعات سپاه آمدند، برایشان صحبت کردم و نصیحت نمودم*.

چهارشنبه ۲۷ بهمن

تا ساعت سه ونیم بعداز ظهر در خانه ماندم و به مطالعه گذراندم. احمد آقا آمد و اطلاع داد که امام پریشب صبح ساعت چهارونیم بعدازنماز شب دچار ناراحتی شده‌اند و پس از یک ساعت مقاومت دیگران را خبر کردند. دکترها آمدند و قلب را زیر کنترل گرفتند و به همین جهت ملاقات هیئت دولت دیروز لغو شد. امام آنها را احضار کرده بودند که درباره اختلافاتشان نصیحتشان کنند. از فردا برای پانزده روز ملاقاتهای امام را لغو اعلام کردند. ولی حالشان بد نیست. ضمناً از شورای سرپرستی صدا وسیما گله داشت و می‌گفت مدیر عامل را تضعیف می‌کنند.
با آقای بهزاد نبوی و آقای [عباس واعظ] طبسی هم درباره امکاناتی که برای بازسازی هویزه خواسته‌اند، مذاکره کردم. نوبت آنها برای تحویل گرفتن ماشین آلات سنگین دیر است و نیازشان فوری. عصر به مجلس رفتم. هیأت رئیسه داشتیم. برنامه هفته آینده و اتومبیل برای نمایندگان جدید و کارهای اداری را تصمیم گرفتیم.
اول شب در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور نخست وزیر و آقای صیاد شیرازی برنامه عملیات آینده را به دنبال عدم توفیق حمله اول والفجر توضیح دادند و امیدوارند. آقای نخست وزیر درباره

تعویض دوسه نفر از وزراء، وزیر جدید اطلاعات و جهاد مشورت کردند؛ به جائی نرسیدیم.

شورای عالی دفاع جلسه داشت. آقای [علی]شمخانی گزارش وضع کردستان و عملیات والفجر را داد، خـوب نـیست. گـفت در [عـملیات] والفـجر [مـقدماتی] نـزدیک ششـصد نـفر شـهید، دوهزاروپانصد نفر مفقود (شامل اسرا) و دوهزاروپانصد نفر مجروح بستری داشته‌ایم و چهل‌وپنج تانک و خودرو از دست داده‌ایم. درباره کارهای لبنان و امکانات خارج از کشور هم تـصمیم گرفتیم. شش ماه احتیاط پزشکان را لغو کردیم. آخر شب مصاحبه رادیو تلویزیونی داشتم*.

خبر رسید که شعبان پاسدار من که به جبهه اعزام شده بود، شهید شده و عفت گریه می‌کرد. من هم خیلی متأثر هستم. برادر دیگرش و شوهر خواهرش قبلاً شهید شده‌اند.

پنجشنبه ۲۸ بهمن

صبح زود به مجلس رفتم. طرح شوراهای اسلامی عمده وقت مجلس راگرفت و درگیری شدید بود؛ در حد بحث. ظهر برای شاخه کارمندی حزب [جمهوری اسلامی] که به مجلس آمده بودند، صحبت کردم با چند نفر از نمایندگان ملاقات داشتم. عصر از دفتر مشـاورت [ارتش] آمـدند و گزارش‌ها و نظراتی ارائه دادند، منجمله پیشنهاد تعویض رئیس دفتر را دادند. و نگرانی ارتشی‌ها را از رشد سپاه گفتند. با معاونان و مدیر کل‌های آموزش وپرورش هم ملاقاتی داشتم و برای آنـها سخنرانی کردم*. با آقای [علی‌اکبر]پرورش هم ملاقاتی داشتیم. سعایتی[1] از ایشان خدمت امام شده که هنگام ابلاغ نظر امام درباره استاندار اصفهان در هیأت دولت ایشان گفته‌اند: "اگر این دستور از پایگاه ظلمت باشد، خوب نیست و اگر از پایگاه نور باشد باید اطاعت کنیم". آقای پرورش اینگونه اظهار را منکر است. با رئیس جدید هواپیمائی کشوری هم ملاقات کردم. مشکلاتش را گفت و تأیید می‌خواست.

شب با رئیس جمهور در دفتر من جلسه خصوصی طولانی داشتیم. درباره نیروهای زمـینی، دریائی، هوائی، دفتر مشاورت [ارتش]، جنگ، انجمن حجتیه، دولت و مجلس و...مذاکراتی به عمل آورده و تصمیمات مفیدی اتخاذ کردیم.

---

۱ - سخن چینی

جمعه ۲۹ بهمن

خاطرات عقب مانده چند روز را نوشتم. نماز جمعه را آقای [محمد]امامی کاشانی اقامه کردند. پیش ازظهر احمد آقا آمد. خبر داد حال امام بهتر است. درباره سیاست جنگ مشاوره کردیم. اکبر آقا صفریان از اصفهان آمده بود واز ضعف مدیریت کارخانه عظیم پلی اکریل و ضرر دهی آن گفت. تا شب گزارشات را خواندم. معمولاً روزهایی که در منزل هستم، مطالعه می‌کنم. گزارشات مفصّل را به خانه می‌آورم.

آقاکمال طباطبائی با خانواده آمدند و برای عفو فریده که به جرم همکاری با چریک‌های اقلیت فدائی به دوسال [زندان] محکوم شده استمداد کردند. دکتر وحید [دستجردی] آمد و نارسائی‌های زندان اوین راگفت و توصیه به گذشت می‌نمود و انتقاد کمی از دکتر [عباس] شیبانی که در دانشگاه تهران به لیبرال‌ها زیاد میدان می‌دهد و راجع به اختلافات اصفهان، گفت. آقای حسین مرعشی معاون استانداری کرمان هم آمد و تخلفات دادگاه انقلاب و سرد شدن بعضی از مردم منطقه در اثر اختلافات و بدرفتاری‌ها راگوشزد کرد. فیلم مصاحبه با اعضای کوموله راکه دستگیر شده و بریده‌اند، گذاشته بودند.

شنبه ۳۰ بهمن

پیش از ظهر با احمدآقا راجع به جنگ و امور قضائی مذاکراتی شد. عصر آقای محسن رفیق‌دوست وضع جبهه راگفت. از اینکه [آقای فاکر] نماینده امام [در سپاه] تصمیمات فرماندهی و شورای مرکزی سپاه را وتو می‌کند، گله داشت. منجمله سپاه می‌خواهد توسعه بدهد و آقای فاکر آن را مایه تضعیف ارتش می‌داند. در اساسنامه سپاه هم چنین حقی به نماینده امام داده شده. پیشنهاد می‌کرد که من همان گونه که نماینده امام در ارتش هستم، در سپاه هم دخالت کنم. نپذیرفتم و گفتم نباید نماینده امام در سپاه تضعیف شود و باید مطابق قانون عمل شود. اطلاع داد که دوربین عکسبرداری از هوا را از سوریه گرفته که کمک بسیار مهمی است و دلیل دوستی سوری‌ها. دوربینهای ما در طول جنگ از دست رفته و سخت مورد نیاز است.

دیشب خبر رسید که در نماز جمعه مشهد، فیلم بردار تلویزیون با سیم برق اقدام به ترور آقای

واعظ طبسی کرده که با دفاع به موقع ایشان و کمک پاسداران موفق نشده و خودش با گلوله محافظان کشته شده. تلفنی با آقای طبسی تماس گرفتم. معلوم شد همکارش راکه احتمالاً در توطئه شریک بوده، بازداشت کرده‌اند و همچنین محافظ آقای شیرازی [امام جمعه مشهد] را که او را کشته، گرفته‌اند و بازجوئی برای کشف شبکه ادامه دارد. منافقین هم در پاریس مسئولیت آن را به عهده گرفته‌اند. شواهدی پیدا شده که از عوامل نفوذی منافقین باشد.

اسفند ۱۳۶۱



یکشنبه ۱ اسفند ۱۳۶۱ ۶ جمادی الاول ۱۴۰۳ Feb. 20, 1983

جلسه علنی داشتیم. چندین لایحه تصویب شد. بعد از تنفس در کمیسیون بودجه شرکت کردم. خیلی از وزراء از برخورد اعضای کمیسیون بودجه شکایت دارند که اخلاقی و واقع بینانه نیست و شورای عالی قضائی هم شکایت داشت که اصرار دارند اعضای شورا را به کمیسیون به کشانند. مقداری نصیحت کردم و خواستم که منطقی برخورد کنند.

ظهر در دفتر چند ملاقات داشتم. عصر دکتر [عبدالله]جاسبی آمد و راجع به حزب [جمهوری اسلامی] و دانشگاه آزاد [اسلامی] مذاکره کردیم. شب جلسه شورای مرکزی حزب داشتیم. شرح وظایف مطرح بود و رسیدگی به اختلافات دو جناح آقایان [اسدالله]بادامچیان و مهندس [میرحسین]موسوی از دو طرف مذاکره کردند. حرف مهمی نداشتند؛ به نظر می‌رسد اختلافات سطحی و وهمی است. قرار است گفتگوها ادامه یابد. آخر شب به خانه آمدم. فیلم مصاحبه گروهک کومله را گذاشته بودند؛ ظاهراً دسته جمعی تائب و نادم‌اند

دوشنبه ۲ اسفند

پیش از دستور درباره سوء قصد به جان آقای [عباس واعظ]طبسی صحبت کردم*. اعتبار نامه آقایان [علی اکبر]پور استاد و [علی نقی سید]خاموشی مطرح شد که آقایان فواد کریمی و [کاظم]اکرمی نمایندگان اهواز و همدان اعتراض کردند. به کمیسیون تحقیق ارجاع شد. بعضی فکر می‌کنند به خاطر اینکه اینها بازاریند با آنان مخالفت می‌کنند. چند لایحه به تصویب رسید.

در تنفس دیروز برای خانواده‌های شهدا و گروهی دیگر که برای تماشا به مجلس آمده بودند، صحبت کردم* و تحلیلی از وضع جنگ ارائه دادم؛ معمولاً گروهی از ارگانهای مختلف به عنوان تماشاچی به مجلس می‌آیند و توقع دارند که من برای آنها صحبت کنم و وقت تنفس که باید استراحت کنم صرف آنها می‌شود. عصر نمایندگان زابل آمدند و راجع به خطر افغان‌ها در مرز مطالبی داشتند که آنها را به آقای [خسرو] تهرانی معرفی کردم که در جلسه شورای تأمین شرکت کنند و مطالبشان را بگویند.

شب در مجلس ماندم. جمعی از وزراء آقایان بهزاد نبوی و [محمد] سلامتی،



آیت اله واعظ طبسی آیت اله هاشمی رفسنجانی

[مصطفی]هاشمی[طبا]، [محمدعلی]نجفی، [هادی]منافی و [محسن]نوربخش رئیس بانک مرکزی شام مهمان من بودند. گروه تند رو کابینه هستند. راجع به جناح مقابل مطالبی داشتند. آقای صیاد [شیرازی] از جبهه تلفن کرد و گفت وقت عملیات چند روز تأخیر افتاده و از من خواست در مراسم فارغ‌التحصیلی آموزشگاه (۰۶) شرکت کنم، گفتم از آقای رئیس جمهور درخواست شود.

سه شنبه ۳ اسفند

تا ساعت هشت مطالعه کردم و کارهای عقب مانده را انجام دادم. در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای انجمن‌های اسلامی اصناف و گردان ثارالله ـ که مسئول گشت در تهران برای مبارزه با تروریست‌ها هستند ـ و ورزشکاران شهر ری صحبت کردم و از انجمن‌های اسلامی خواستم که برای مبارزه با تروریست‌های اقتصادی جدی باشند[1]. اداره بقیه جلسه را به آقای [محمد]یزدی سپردم و به دفترم آمدم.

ظهر اعضای کمیسیون آموزش وپرورش عالی آمدند. انتقادهائی را به وضع جاری داشتند و پیشنهاد برای اصلاح نظام آموزشی وکتب درسی و... قرار شد خودشان کار کنند ومن هم حمایت کنم و لایحه شورای عالی آموزش را که مدتی است به خاطر مخالفت ستاد انقلاب فرهنگی راکد مانده به جریان بیاندازند.

عصر امام جمعه خوانسار وگروهی از مسئولان شهر آمدند. از وضع شهر راضی بودند و پیشنهاد مستقل شدن خوانسار در انتخابات و داشتن نماینده مستقل در مجلس داشتند؛ فعلاً با گلپایگان یک وکیل دارند. سفرا و کارداران جدید در لندن استکهم ولهستان آمدند و برای آنها راجع به سیاست خودمان صحبت کردم. آقای عبدالله نوری نمایندهٔ امام در جهاد آمد و از وضع جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] و لزوم تماس بیشتر ما با طلبه‌ها و [همچنین] نفوذ عناصر بی‌اطلاع از شرایط روز در نیروهای بسیج و کم توجهی سپاه به جهاد در جبهه و... مطالبی گفت.

---

۱ ـ در این سخنرانی نقش پاسداران گروه ثارالله در آرامش جامعه مورد بحث قرار گرفت و در ادامه درباره تروریست‌های اقتصادی و عوامل احتکار و گرانفروشی در جامعه و لزوم هوشیاری درخصوص این توطئه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

آقای [علی] فلاحیان از کمیته مرکزی آمد و خبر خریده شدن لامپ‌های هاگ از بازار سیاه را داد که نمی‌توانستیم بخریم و سخت مورد نیاز است. آقای سلیمی وزیر دفاع آمد و از من خواست که ریاست دفتر مشاورت امام را از ایشان به دیگری منتقل کنم؛ استقبال کردم. آقای طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان آمد و از وزارت مسکن به خاطر ندادن زمین براساس پنجاه هزار خانه که در برنامه بنیاد است، گله نمود و برنامه‌ای ارائه داد که عمده مصالح ساختمان در داخل تهیه شود.

استاندار بوشهر و مقامات دیگر استان آمدند. نگران راه افتادن نیروگاه هسته‌ای و عوارض جنبی آن بودند. مقامات صلیب سرخ جهانی آمدند و از عدم همکاری مسئولان با آنها در انجام وظایفشان درباره اسرا شکایت داشتند و جواب‌هائی دادم. قرار شده تسهیلات فراهم شود.

چهارشنبه ۴ اسفند

تمام وقت در خانه ماندم تا ساعت یازده مطالعه می‌کردم. آقای رئیس جمهور و احمد آقا آمدند، راجع به کسالت امام بحث شد. وضع جسمی امام با توجه به سکته قلبی قبلی ایشان سخت ما را نگران کرده است. دکتر [حسن]عارفی و دکتر رنجبر هم آمدند و توضیح دادند. خیلی مهم نمی‌بینند. ولی در هفته گذشته امام چند بار احساس درد در قفسه سینه کرده‌اند که احتمالا معلول تنگی یکی از عروق قلب است. قرار شد ظهر امروز با اطباء دیگر مشورت کنند و اگر لازم دانستند از خارج متخصص قلب بخواهیم. ناهار را هم مهمان من بودند.

آقای خامنه‌ای ساعت پنج بعداز ظهر رفتند. متن نطقی را که می‌خواهند در کنفرانس غیر متعهدها در دهلی‌نو بخوانند برای مشورت به من دادند. امروز خواندم؛ جامع و متین تهیه شده؛ فقط چند اصلاح مختصر و تذکر به نظرم رسید وبه خواست خودشان به خدمت امام فرستادم که ایشان هم بخوانند و نظر بدهند. امروز خبر مهمی نداشتیم.

پنجشنبه ۵ اسفند

در جلسه علنی چند لایحه تصویب شد و طرح ایجاد دفاتر برای نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه رد شد. اکثریت نمایندگان روحیه خوبی دارند و حاضر نیستند بودجه‌ای بر بیت‌المال

تحمیل شود. در تنفس برای [جمعی از اعضای] امور تربیتی وسپاه و ورزشکاران صحبت کردم[۱]. ظهر چند ملاقات داشتم. آقای [سیدمحمد]کیاوش [نماینده اهواز] وضع لبنان را گفت و دکتر [حسن]روحانی خواستار اعزام بازرس از مجلس به جبهه برای تعقیب ضعف کار فرماندهی بود.

از ستاد نماز جمعه آمدند و برای مخارج پول می‌خواستند. آقای مهدیان ماهی صدهزار تومان می‌دهد ولی اینها بیشتر لازم دارند. تأمین امنیت مراسم و تهیه تجهیزات و اصلاح شرایط محل نماز هزینه دارد.

عصر کلاس درس مواضع حزب جمهوری اسلامی داشتم و ملاقاتی با دفتر مشاورت [ارتش] و وزیر[فرهنگ و] آموزش عالی و اخوان محمد و محمود. محمد به لاهه می‌رود برای بررسی درباره مسائل دعاوی ایران و آمریکا. شب جلسه فوق‌العاده شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی برای بحث در اختلاف دو جناح بود. آقایان بهشتی‌زاده و زورق از یک جناح و آقای عسکراولادی و آقای مهندس طاهری از جناح دیگر حرفهایشان را زدند.

جمعه ۶ اسفند

صبح برای خطبه‌های نماز جمعه مطالعه می‌کردم و سپس برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه تهران رفتم. خطبه‌ها خیلی طولانی شد[۲]. عفت و بچه‌ها هم آمدند. مهدی و یاسر از اینکه در فیلم وصف اول نماز دیده می‌شدند، شب خیلی خوشحال بودند. عصر حاجیه والده و همشیره که از مشهد برگشته بودند، آمدند و خیلی خوشحال شدیم. قرار است چشم والده را که آب مروارید آورده عمل کنند.

---

۱ - در این سخنرانی درباره ثمره ایثارگری و مقاومت کردم، امکان تبدیل شدن ایران به الگوی مرفه اسلامی، و آزمایش در سختی‌ها به عنوان یک سنت الهی مطالبی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی در اسلام در مورد مستحقین دریافت کفارات، شرایط پرداخت کفارات و انفاقات بحث شد و در خطبه دوم مسایل ایران، جهان و منطقه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین درباره سوء قصد به جان آقای واعظ طبسی، مسأله نفت و توطئه‌های امپریالیسم برای کاهش بهای آن، جنگ و دستاوردهای عملیات والفجر مقدماتی مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

آقای احمد طباطبائی هم آمد و خبر داد که زمین منزلمان تفکیک شده. ده سال پیش به طور مشاع سهم ما هفتصد متر مربع بوده است که در تفکیک جدید به دلیل اینکه نتوانسته‌اند قطعه هفتصد متری جدا کنند، ناچار شدیم قطعه هزار متری را بگیریم. بنا است چند واحد مسکونی برای سکونت بچه‌ها ساخته شود.

شب مقداری گزارش‌ها را خواندم. در پاکستان شیعه وسنی سخت به جان هم افتاده‌اند؛ ظاهراً به تحریک اجانب و دشمنان می‌خواهند انفجارهائی که اخیراً در مؤسسات فرانسوی شده به حساب ما بگذارند.

شنبه ۷ اسفند

امروز در خانه ماندم. مقداری مطالعه و صحبت با والده و مشورت ایشان درباره وصیت نامه و کارهای خیری که می‌توانند بکنند. سپس با آقای خامنه‌ای به زیارت امام رفتم. امام چند روز است که کمی کسالت دارند و مراقبت بیشتری از ایشان می‌شود و استراحت دارند. حالشان بد نبود. درباره نطق آقای خامنه‌ای درکنفرانس غیر متعهدها وکتاب اقتصاد آقای مطهری و چیزهای دیگر صحبت کردیم. قرصی برای ایشان از خارج خواسته‌اند؛ خبر آمد که رسیده.

با دکتر ولایتی درباره پس گرفتن قرار داد با ترکیه که در کمیسیون اقتصاد مجلس رد شده، صحبت کردم که در جلسه علنی مطرح نشود. درباره گذرنامه سیاسی نمایندگان مشورت کردم: مشکلی داریم؛ همه گذرنامه سیاسی می‌خواهند. عصر هم احمد آقا آمد و از ناراحتی آقای سلطانی[1] گفت. شب حاجیه بی بی به منزل همشیره زاده محمد رفتند. فردا برای عمل چشم به بیمارستان می‌روند.

یکشنبه ۸ اسفند

صبح خیلی زود با پاسدارها به بهشت زهرا رفتم؛ برای زیارت قبور شهدا، چندین قطعه مرکب

---

۱ - مرحوم آیت‌الله سلطانی طباطبائی پدر همسر مرحوم حاج سید احمد آقا خمینی بود.

از هزاران قبر وعکس و چراغ اختصاص به شهدا دارد و رو به ازدیاد است. بر سر قبور شهدای هفتادو دوتن و آیت‌الله طالقانی و آقایان شهید باهنر و شهید رجائی و شهید چمران و... و یکی از پاسدارانم فاتحه خواندم و گریه کردم.

به مجلس رفتم. چند لایحه تصویب شد. در تنفس برای فرماندهان مناطق و پرسنل سپاه صحبت کردم[1]. بقیه اداره جلسه را به آقای یزدی سپردم و برای انجام کارها به دفترم رفتم. لیست اتومبیل‌هائی که کارخانه بایستی تحویل مجلس برای نمایندگان بدهند، آوردند. اشکال داشت، امضاء نکردم.

ظهر آقای هادی غفاری آمد و گزارشی از کردستان آورد. نیازها را گفت؛ کار فرهنگی، راه سازی و دادگاه فعال و... آقای میریونسی آمد، از اینکه در نماز جمعه به حامیان سرمایه‌داری حمله کرده بودم، گله داشت. جمعی دیگر از روحانیون و بازاری‌ها هم [گله داشتند] در مقابل جمعی از نمایندگان متشکر بودند. روزنامه‌ها این موضوع را تیتر درشت کرده بودند. خانواده شعبان، یکی از پاسدارانم که شهید شده است، آمدند و دلداریشان دادم و کمکشان کردم. عصر اعضای انتظامات و شناسائی حزب [جمهوری اسلامی] آمدند. برایشان صحبت کردم[2]. آقای سید [محمد تقی] مدرسی آمد و مطالبی از گروه الجهاد مصر که برای هدف حکومت اسلامی کار می‌کنند، گفت اطلاعاتمان از آنها کم است.

ستاد بازسازی مناطق جنگ زده آمدند و گزارش کارشان را دادند. راضی‌اند؛ از پیشرفت کار و کمک مردم. آقای حسینی از نیروی هوائی که مورد غضب آقای معین‌پور است آمد و کمک خواست. در شورای مرکزی حزب شرکت کردیم و بحث در بودجه حزب و اختلافات دو جناح بود. قرار شد ده میلیون تومان کمک کنیم و مبلغی برای چاپخانه و شرکت انتشارات به عنوان منبع

---

۱ - در این سخنرانی درباره نقش سپاه در انقلاب اسلامی، ارزش سپاه، ویژگی امنیتی انقلاب اسلامی ایران، وحشت دشمنان از نیروهای داوطلب سپاه، تهاجم همه جانبه دشمنان به انقلاب و پایداری مردم و حساسیت خبری موجود برروی ایران مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ - در این سخنرانی ایشان درباره ارزش تحزب در اسلام، وحشت دشمنان از حزب جمهوری اسلامی، جایگاه حزب در انقلاب، تهمت‌های دشمنان به حزب، مسئولیت خود جوش انتظامات حزب، ضوابط پذیرش اعضا در حزب و پرورش اشخاص برجسته انقلاب در حزب سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

در آمد.

دوشنبه ۹ اسفند

بعد از شروع، جلسه را به آقای [محمد] یزدی واگذار کردم و به دفتر رفتم. تا شب بیشتر وقتم به مطالعه گزارش‌ها و نسخه پیش نویس کتابی که در درباره «مکتب‌ها و ارزش‌ها» ـ که در زندان نوشته‌ام ـ صرف شد. بنا است روزنامه جمهوری و مجله پاسدار انقلاب آن را منتشر کنند. بیشتر کتاب نقد مارکسیسم و کشورهای مارکسیستی است و قبل از چاپ لازم است به دقت ملاحظه شود[1]. خودم در چاپ آن تردید داشتم ولی مسئولان این دو نشریه اصرار دارند و صلاح می‌دانند.

اطلاع دادند [آقای رابح بیطاط] رئیس مجلس الجزایر در رأس هیئتی به ایران می‌آید، قبلاً ایشان را دعوت کرده‌ایم. جواب سفر من به الجزایر است. به روابط عمومی و دفترم گفتم برنامه دیدار و کار را با وزارت خارجه مشخص کنند.

آقای [محمد]غرضی آمد و راجع به قیمت نفت صحبت کردیم. سیاست ما این است که قیمت پایین نیاید، اگر لازم است از تولید اوپک کاسته شود و ما هم به قدر سهم خود از تولید بکاهیم. ایشان هم موافق بود و قرار شد در این راه ایشان را تأیید کنیم. با آقای خامنه‌ای هم تلفنی صحبت کردم، ایشان هم موافق بودند.

سه شنبه ۱۰ اسفند

صبح زود به فرودگاه مهرآباد برای استقبال از مهمان‌های الجزایری رفتم. رأس ساعت هشت و ربع مقرر با [هواپیمائی] لوفت‌هانزا رسیدند. مراسم استقبال انجام شد و [رئیس مجلس الجزایر] در سالن فرودگاه بیانیه‌ای که تهیه کرده بود از روی نوشته خواند. من هم صحبت کوتاهی کردم.

---

۱ ـ این کتاب در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات مؤسسه پاسدار اسلام در ۱۲۸ صفحه و در تیراژ ۵۰۰۰ جلد منتشر گردید. قبل از آن مطالب "ارزشها و مکتبها" به صورت یازده مقاله در ماهنامه "پاسدار اسلام" به چاپ رسیده بود. رجوع کنید ← ارزشها و مکتبها، هاشمی رفسنجانی ـ اکبر، ناشر: پاسدار اسلام، چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۶۸، قم.



رابح بیطاط رئیس مجلس ملی الجزایر

گروهی از هیأت رئیسه مجلس و وزارت امور خارجه هم آمده بودند. ایشان را تا هتل آزادی همراهی کردم. ایشان به استراحت پرداخت و من به مجلس آمدم. دکتر [محمدعلی]هادی [نجف‌آبادی] رئیس کمیسیون سیاست خارجی مسئول همراهی و پذیرائی شد. در حالی که آقای یزدی جلسه را اداره می‌کردند، من در جلسه شرکت کردم و طرح روستا پزشک مطرح بود و وزارت علوم و بهداری هم موافق نبودند؛ کمیسیون بهداری هم رد کرده بود، ولی تصویب شد.

در کمیسیون بودجه شرکت کردم. بعضی از اعضا، زمزمه رد لایحه بودجه را داشتند؛ به خاطر کسر بودجه نامرئی؛ به ادعای خودشان در حدود یکصد میلیارد تومان. صحبت کردم و آنها را به ضرر سیاسی این حرکت توجه دادم. با توجه به جنگ موثر شد، ان‌شاءالله رد نخواهد شد. موضوع پائین آمدن قیمت نفت هم که استکبار و ارتجاع سخت در تلاشند، بی تأثیر در این تردید نیست.

ظهر آقای [عبدالکریم]شرعی [نماینده داراب] آمد و از شورای عالی قضائی شکایت داشت. از من هم به خاطر موضع‌گیری‌های اقتصادی علیه ثروتمندان و انتقاد از حامیان ثروتمندان گله داشت، که با توضیحاتی راضی شد و کمک برای بودجه شورای عالی تبلیغات می‌خواست. و من هم نصایحی کردم. عصر مسئولان وزارت پست و تلگراف وتلفن آمدند. گزارشی خوشحال کننده از پیشرفت کارها دادند. من هم صحبت کردم[1]. مسئول سازمان انرژی اتمی آمد و از مخالفت بعضی از بوشهری‌ها ناراضی بود. قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم.

گروهی از اساتید دانشکده پزشکی آمدند و از بی توجهی به اساتید پزشکی گله داشتند و پیشنهاداتی دادند. سپس گروهی از گردانندگان مجله زن روز آمدند و درد دل کردند. از من خواستند که در نماز جمعه راجع به خانواده بگویم. جالب است که رسانه‌های جمعی هم برای تبلیغ، متوسل به نماز جمعه می‌شوند. قرار شد مصاحبه‌ای با آنها داشته باشم.

هیأت الجزایری، شب مهمان مجلس بودند. ساعت هفت آمدند و از مشاهده موزه‌های فرش و جواهرات دچار تعجب شده بودند که در انقلاب محفوظ مانده است. پس از تشریفات، رئیس مجلس الجزایر بیش از یک ساعت صحبت کرد. سیاست الجزایر را تشریح و از نقاط ضعف‌شان در

---

۱ - در این دیدار ایشان درباره لزوم جدیت متخصصان ایرانی در رفع مشکلات، توجه بیشتر انقلاب اسلامی به روستاها و مناطق محروم و قدردانی از موفقیت‌های وزارت پست و تلگراف و تلفن سخن گفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

برخورد با مسئله فلسطین و ارتجاع و عراق دفاع کرد و پیشنهاداتی درباره جلوگیری از تفرقه در کنفرانس غیر متعهدها ارائه داد. برای شام سر میز رفتیم. نخست وزیر و جمعی از وزراء هم آمده بودند. سر میز شام من و ایشان صحبت مختصری داشتیم. کلیّاتی درباره همکاری دو انقلاب برای اهداف مشترک. از سالن مجلس دیدن کردند و برای استراحت به هتل رفتند و ما پس از تهیه هدیه برای آنها ـ از میان هدایائی که در رژیم سابق، مجلس برای مهمانان تهیه کرده است ـ به خانه رفتیم.

چهارشنبه ۱۱ اسفند

صبح اطلاع دادند که دور دوم مذاکرات با رئیس مجلس الجزایر ساعت نه در مجلس شروع می‌شود. با عجله به مجلس رفتم. کمی دیر رسیدم. ولی مهمان‌ها هم دیر آمدند؛ عدم هماهنگی و بی‌نظمی دفتر و وزارت خارجه. در این جلسه بیشتر من صحبت کردم و نظرات ایران را در مورد موضوعاتی که ایشان مطرح کرده بود گفتم. در [خصوص] قیمت نفت گفتم حاضریم از تولید کم شود؛ برای حفظ قیمت. در مورد فلسطین برخلاف نظر الجزایر گفتم می‌توانیم خیلی جدی در صحنه‌ها باشیم، اصولاً اسرائیل، خطر برای اسلام و منطقه است و به همه مـا مربوط است. الجزایری‌ها با توجه به سازشکاری بعضی از فلسطینی‌ها عملکرد خودشان را اینگونه توجیه می‌کنند که ما نمی‌توانیم فلسطینی‌تر از فلسطینی‌ها باشیم. سپس ایشان به دیدن آقای خامنه‌ای رفت و من به کارها پرداختم.

عصر جلسه هیأت رئیسه داشتیم. مهمانان عصر به زیارت قبور شهدا در بهشت زهرا و به ملاقات آقای منتظری به قم رفتند. شب من و جمعی از هیأت رئیسه و وزارت امور خارجه در خانه سفیر الجزایر مهمان آنها بودیم. از راه قم و ملاقات آقای منتظری راضی بودند. آقای منتظری از موضع یک مرشد روحانی نصیحت کرده بودند. مذاکرات جلسه خیلی دوستانه ولی متفرقه و بی نظم بود. شام تجملاتی دادند. هدایائی برایشان آورده بودیم که داده شد.

خبر رسید که عراقی‌ها در منطقه نوروز خلیج فارس یک کشتی کوچک وزارت نفت و ده نفر از کارکنان شرکت نفت را غرق کرده‌اند، دو چاه را آتش زده‌اند که هنوز می‌سوزد. شرکت نفت در تلاش تهیه وسائل خاموش کردن آتش است. معمولاً برای خاموش کردن این چـاهها از خـارج کارشناس می‌آورده‌اند، اما وزارت نفت مدعی است که خودش می‌تواند خاموش کند، به شرط

تأمین پوشش دفاعی.

پنجشنبه ۱۲ اسفند

صبح زود مطابق قرار به طرف هتل آزادی حرکت کردم که با مهمانان الجزایری به فرودگاه بروم. در بین راه از طریق تلفن ماشین اطلاع دادند که آنها به فرودگاه رفته‌اند. در فرودگاه به آنها ملحق شدیم. یک ساعت معطل شدیم. پذیرائی بد بود. فیلمبردار هم نیامده بود. آقای بیطاط از پخش خبر نظر ایشان درباره محل کنفرانس آینده غیر متعهدها، ناراحت بود. درباره نیروی هسته‌ای و گاز مذاکره کردیم. با ایران ایر عازم دوبی بود. تا دم هواپیما بدرقه کردیم.

به مجلس آمدم. تا عصر در دفترکارم مطالعه و کارکردم. به جلسه علنی نرفتم. عصر آقای [علی] شمخانی معاون سپاه آمد و از وضع روحیه فرماندهان سپاه و مشکلات جنگ گفت و کمک خواست.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای با سران کشور جلسه داشتیم. درباره سفر ایشان به هند و وضع جنگ و چیزهای دیگر مذاکره کردیم.

جمعه ۱۳ اسفند

تا ساعت ده ونیم مطالعه می‌کردم. به نماز جمعه رفتم. خطبه‌ای در اسراف و دیگری در مسائل روز خواندم[1]. خیلی خسته بودم، عصر استراحت کردم. شب به مطالعه گزارشها پرداختم و احمد آقا مرعشی با جمعی آمدند. کمک می‌خواست برای صدور پاسپورت دکتری. در اصفهان در حادثه‌ای همسر آلمانیش کشته شده و می‌خواهد بچه‌هایش را به آلمان ببرد.

---

۱ - در این خطبه‌ها موضوعات اسراف از دیدگاه قرآن، کنفرانس کشورهای غیر متعهد و زندگی و وفات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مورد بحث قرار گرفت. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

شنبه ۱۴ اسفند

مطالعه و نوشتن خاطرات عقب مانده بیشتر وقتم را پرکرد. پیش از ظهر احمد آقا آمد و گفت گویا دادگاه دوسلدورف آلمان با مصونیت آقای صادق طباطبائی موافقت کرده و در صورت آزادی، به عنوان عنصر نامطلوب از آلمان اخراج می‌شود. ملاقات‌های امام بعد از دو هفته شروع شده و حالشان خوب است. از ایشان خواستم که حکم نصب آقای [محمدمهدی]ربانی [املشی] در شورای نگهبان را به این شورا ابلاغ کنند. و گفتم به امام اطلاع دهند که برای هفته آینده آقای [محمد رضا] مهدوی‌کنی را برای نماز جمعه انتخاب کرده‌ام. قبلاً احمد آقا از طرف امام پیام آورده بود که هرکس را به جای خودم انتخاب می‌کنم، قبلاً به امام اطلاع دهم.

از دفتر امام اطلاع دادند که آقای خامنه‌ای برای ملاقات امام آمده‌اند، من هم رفتم. امام را زیارت کردیم. حالشان خوب بود. نگران امنیت سفر آقای خامنه‌ای به هند بودند. توضیحاتی داده شد. البته باز هم خاطر جمع نبودند، بالاجبار راضی شدند. از ایشان تقاضا کردیم کمک مالی به حزب [جمهوری اسلامی]کنند. موافقت کردند که ده میلیون تومان بدهند. از این همه خرج حزب تعجب داشتند.

بعد از ناهار دکتر هادی و آقای پوشنه‌گر که از هند برگشته بودند، آمدند از برنامه‌های خودشان در حاشیه کنفرانس غیر متعهدها گفتند و از ناامنی محیط برای آقای خامنه‌ای؛ نظرشان این بود که ایشان به هند نروند. امروز خبر رسید که صدام هم نمی‌رود. قرار شد عصر با ایشان ملاقات کنند و نظرشان را بگویند و من هم تلفن کنم. عصر عفت به خانه فائزه رفت برای تنظیم جهیزیه او.

آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی اطلاع دادند که فردا شب در منزل ایشان با [جامعه] مدرسین [حوزه علمیه] قم برای بحث در نظرات مختلف اقتصادی جلسه‌ای است و خواسته‌اند که من هم بروم.

شنبه ۱۵ اسفند

صبح زود به دفترم رفتم. گزارشها را خواندم. آقای خامنه‌ای تلفن کردند. اطلاع دادند پیرو مشورت با امام از سفر هند منصرف شده‌اند. در باب اعلام علت انصراف مشورت نمودند. قرار شد

پیش از ظهر جلسه‌ای داشته باشیم.

در جلسه علنی جمعی از نمایندگان از اظهارات روز جمعه آقای [احمد] آذری قمی عصبانی بودند[۱] و می‌خواستند عکس‌العمل نشان دهند، منعشان کردم. فقط آقای [سیدمحمد] کیاوش [نماینده اهواز] به عنوان تفرقه انگیزی در نطق پیش از دستور به ایشان اخطار کرد[۲]. چند لایحه تصویب کردیم. در تنفس برای تماشاچیان صحبت کردم و از آمریکائیان به خاطر بازداشت امام جماعت واشنگتن به جرم حمایت از انقلاب [اسلامی] ایران انتقاد کردم[۳].

ساعت یازده به دفتر رئیس جمهور رفتم. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر هم بودند. قرار شد به جای رئیس جمهور، نخست وزیر [در اجلاس غیر متعهدها] شرکت کنند و ترکیب هیأت همراه هم عوض شود.

ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. عصر گروهی از اعضای حزب بخش استانها آمدند. برای آنها سخنرانی کردم[۴]، و گزارش دادند. اعضای کمیته انقلاب آمدند. اصلاحاتی برای آئین نامه پیشنهاد می‌کردند. در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردیم. بیشتر بحث در نحوه عکس‌العمل در مقابل اظهارات آقای [احمد] آذری قمی بود که ترجیح دادیم ساکت باشیم و رفاقت نمائیم. در

---

۱ - مرحوم آقای احمد آذری قمی دبیر وقت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و عضو مجلس خبرگان در سخنان پیش از خطبه‌های نماز جمعه در زمینه وضع و اجرای قوانین اسلامی مطالبی عنوان کرد. وی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درخواست نمود هر چه زودتر قوانین مورد نیاز جامعه اسلامی را با اتکای به قرآن کریم و اسلام اصیل تصویب نمایند. لحن سخنان وی به نحوی بود که اعتراض جمعی از نمایندگان مجلس را برانگیخت.

۲ - وی گفت: "رعایت تقوی در گفتار لازم است بخصوص در مطالب نمازجمعه و به ویژه در شهر قیام و خون و شهادت قم و برای کسی که در بین روحانیت دارای اعتبارات بسیار است؛ چراکه به فرموده امام امت تفرقه انداختن جز فشل شدن چیز دیگری ندارد و آقای آذری قمی باید به این مسأله توجه داشته باشد."

۳ - در این سخنرانی که در دیدار با گروهی از خانواده‌های شهدا و روحانیون و اعضای حزب جمهوری اسلامی بخش بهار همدان ایراد شد، درباره مقام شهید و قدردانی از خانواده‌های شهدا و حمله پلیس آمریکا به مسجد مسلمانان در واشنگتن مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

۴ - در این سخنرانی درباره لزوم توجه به نقاط ضعف، نقش نیروهای بومی در تشکیلات شهرستانها، نقش مجلس شورای اسلامی در هماهنگی با تشکیلات حزب، جایگاه واحد شهرستانهای حزب در تبلیغات، جدایی مسایل شخصی از امور حزب و تثبیت حزب جمهوری اسلامی در جامعه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰



آیت اله آذری قمی از آقای هاشمی رفسنجانی در بیمارستان عیادت می کند (مربوط به سوء قصد ۱۳۵۸ گروه فرقان)

جلسه منزل آقای موسوی اردبیلی که جمعی از مدرسین [حوزه علمیه قم] حضور داشتند برای بحث در مورد مسائل جاری درست شرکت نکردم. خسته بودم و استخاره‌ام موافقت نکرد.

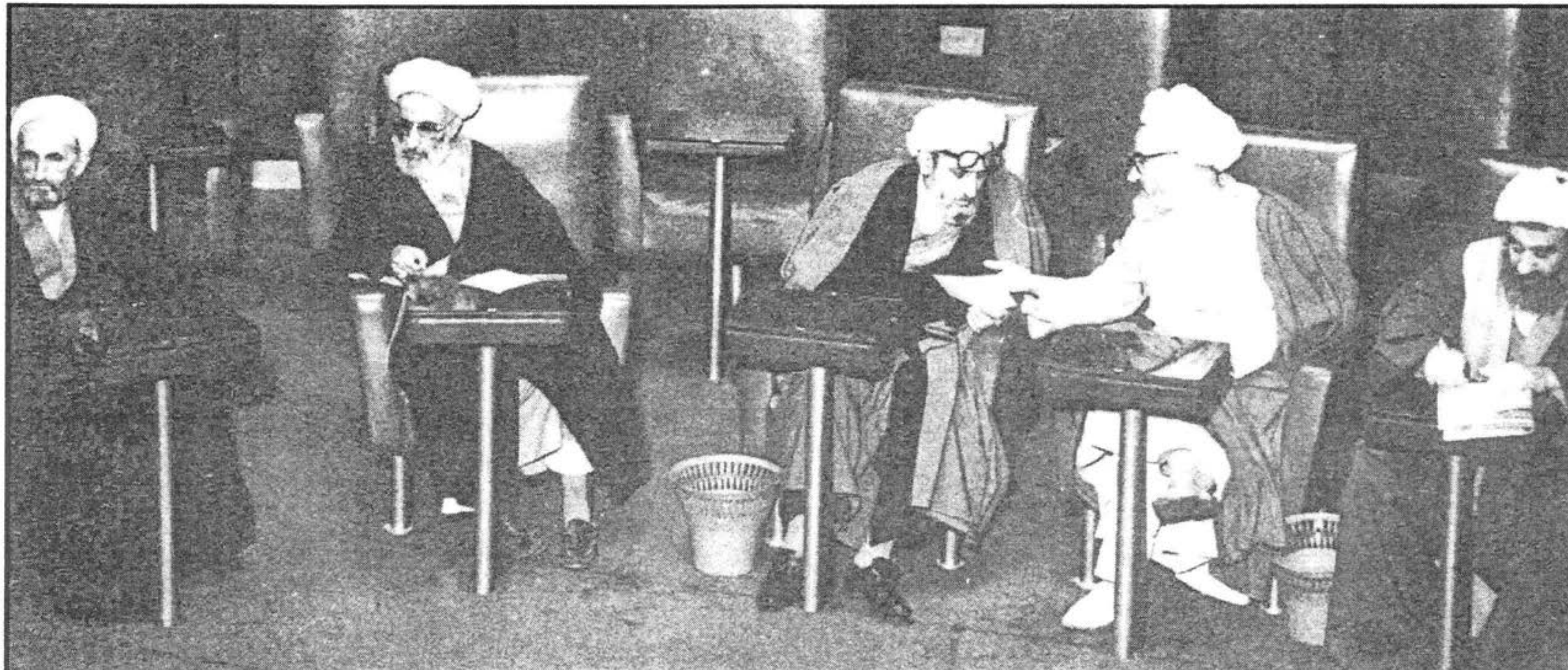
دوشنبه ۱۶ اسفند

چند لایحه تصویب کردیم. بیشتر اصلاح برگشتی‌های شورای نگهبان بود. شورای نگهبان خیلی از لوایح را برمی‌گرداند؛ بی‌اشکال هم نیست. در تنفس برای خانواده‌های شهدا و بسیج قمشه و جرقومیّه صحبت کردم*. سه کیلو طلا برای جنگ آورده‌اند. از هدایای کوچک مردم جمع شده است. ظهر نمایندگان جنوب آمدند و از اختلاف سپاه در آبادان اظهار نگرانی کردند. با آقای فاکر صحبت کردم که رفع نماید.

آقایان [قربانعلی]درّی [نجف آبادی] و [عباس]مظفّر از کمیسیون بودجه آمدند و توضیحاتی درباره بودجه دادند. از ضعف کار دولت در تنظیم بودجه گفتند. عصر در جلسه نمایندگان عضو حزب شرکت کردم. درباره اظهارات آقای [احمد]آذری[قمی] و کیفیت کار واحد حزب در مجلس و کتاب اقتصاد آقای مطهری صحبت کردیم.

آقای وزیر سپاه آمد و از نماینده امام در سپاه گله داشت. آقای [علی اکبر] محتشمی[پور] سفیر ما در سوریه آمدند. از دوستی‌های سوری‌ها و شخص حافظ اسد گفت و از ضعف برخورد وزارت امور خارجه. و وضع لبنان را گفت و از نفوذ انقلاب ما در بقاع و بعلبک.

سرشب برای دیدن والده به خانه اخوی محمد رفتم. والده چشم دومشان را هم عمل کرده و از بیمارستان به خانه منتقل شده بودند. حالشان خوب بود و محمد از نتایج سفرش به لاهه گفت و پیشنهادات اصلاحی در اخبار صدا وسیما دادم. آخر شب به خانه آمدم آقای [علی] عباسپور[تهرانی] و دختر آقای مطهری (همسرش) آمدند. از اینکه سازمان پژوهش‌های [علمی و صنعتی] تحت ریاست وی در کمیسیون بودجه از ریاست جمهوری به وزارت صنایع منتقل شده، انتقاد داشت و هم از کم شدن بودجه. و شرحی از خدمات سازمان را ارائه کرد.



اعضای شورای نگهبان

سه شنبه ۱۷ اسفند

مقداری در منزل کارکردم و به مجلس رفتم. لایحه بودجه مطرح شد. مخبرکمیسیون و مخالفان و موافقان صحبت کردند. تا دوسه روز دیگر هم چنین خواهد بود. نزدیک ظهر اداره جلسه را به آقای یزدی سپردم و برای تماشاچیان که سپاهیان رشت [و اعضای انجمنهای اسلامی فیروزکوه] بودند، صحبت کردم[1].

ظهر آقای [عبدالواحد]موسوی لاری آمد و گزارش سفرش به آلمان، فرانسه و جنوب خلیج فارس را داد. از اختلاف دانشجویان با سفارت‌های آلمان و فرانسه و موفقیت‌های حزب‌الله در محیط دانشجوئی فرانسه و فشار آلمانی‌ها بر دانشجویان اسلامی و مخالفت سفارت ما در دوبی با آقای برقعی که قبلاً نماینده امام بوده گفت.

آقای آشتیانی مسئول ماشین‌های مجلس آمد. قالیچه گرانبهائی از مال خودش برای جنگ آورده بود و خبر داد که پسرش در عملیات والفجر مفقودالاثر شده. (مردم چقدر خوبند). عصر دکتر ارانی از دوستان بنی‌صدر که پاکسازی شده آمد و کمک می‌خواست. روحانیون بوئین زهرا آمدند و برای شهرستان شدن منطقه اصرار داشتند. آقای کوثری مداح اهل بیت آمد و برای ما روضه حضرت زهرا علیهاالسلام خواند. صله‌ای دادم. روضه خوان بسیار خوبی است.

دو نفر از حزب جمهوری [اسلامی] خمین آمدند و از اختلافات خمین و موضع‌گیری آقای [غلامرضا]رضوانی عضو شورای نگهبان شکایت داشتند و از آقای قریشی. آنها را امر به همکاری با آقای جلالی ـ امام جمعه که اخیراً به خمین رفته ـ کردم و از اختلاف برحذر داشتم. گروهی از دانشگاه تربیت مدرس آمدند و از ضعف مدیریت ستاد انقلاب فرهنگی و مخالفت استادان دانشگاه‌ها گفتند و کمک خواستند.

از ستاد همکاری فیضیه و دانشگاه دو نفر آمدند و برای شرکت در سمینارشان دعوت کردند و نشریاتشان را آوردند. آقای گلسرخی از هند آمد و گزارشی از وضع هند و پاکستان و عدم همکاری

---

۱ - در این سخنرانی درباره مردمی بودن انقلاب اسلامی و حرکتهای خود جوش و حوادث جنگل در شمال و خبط منافقین در رفتن به جنگل و مقابله مردم با آنان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

سفارت هند با ایشان داد و برای گرفتن ارز کمک خواست. مقداری گزارش خواندم و کارهای اداری را انجام دادم.

چهارشنبه ۱۸ اسفند

تا ساعت نه ونیم در خانه ماندم نوشتن خاطرات عقب مانده وقت را گرفت. سپس به مجلس رفتم. مخالفان و موافقان بودجه صحبت می‌کردند. ساعت آخر جلسه را اداره کردم. ظهر هم چند ملاقات داشتم. عصر هیئت رئیسه جلسه داشت. اعضای سازمان تبلیغات اسلامی آمدند. گزارش کارهایشان را دادند. من هم در اهمیت این گونه تبلیغات غیر دولتی صحبت کردم[1]. قبل از این ملاقات آقای [احمد]جنتی از لزوم تماس بیشتر ما با شورای نگهبان گفتند.

بعداز جلسه آقایان عبائی و جعفری و واعظی و موسوی تبریزی آمدند و وضع دفتر تبلیغات [اسلامی] قم را گفتند چاره‌جوئی برای اختلاف جامعه مدرسین [حوزه علمیه] قم با بعضی از طلاب نمودند. درباره چگونگی عکس‌العمل در برابر اظهارات آقای آذری قمی بحث شد. آقای [محمد]امامی کاشانی آمد و راجع به دیوان عدالت اداری، گرفتن زمین از مجلس برای مدرسه شهید مطهری و نماز جمعه و منزل‌شان در کنار مجلس صحبت کردیم.

شب فیلم ارائه شده از تلویزیون بغداد درباره عملیات والفجر و اسرای ایرانی در دست عراق که نوارکاست ویدئویی آن را آورده‌اند، دیدم. خیلی متأثر شدم؛ صحنه‌های بسیار بدی بود. دیر وقت با ناراحتی خوابیدم.

خبرهای رسیده از کنفرانس غیر متعهدها نشان می‌دهد که جو کنفرانس علیه ما است: عراق را صلح دوست و ما را جنگ‌طلب معرفی می‌کنند. جناح روسی و جناح آمریکائی کنفرانس در این خصوص یک موضع دارند.

---

۱ - در این سخنرانی درباره حربه تبلیغاتی استکبار، نقش امدادهای غیبی و بودجه حکومت اسلامی مطالبی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

پنجشنبه ۱۹ اسفند

در جلسه علنی درباره بودجه بحث می‌شد. من به عنوان موافق صحبت کردم و به حرفهای شعاری مخالفان تاختم. مخالفان بدون توجه به شرایط جنگی شعارگونه اظهارات تندی کرده بودند. درباره دولت ظهر بعضی‌ها از تندی صحبت‌های من گله کردند. بعضی‌ها تشکر. برای معلولانی که به مجلس آمده بودند صحبت کردم*. ظهر پدر سه شهید از جهرم آمد که به ایشان هدیه دادم. و از صبر و متانتشان قدردانی نمودم.

آقای [گودرز] افتخار جهرمی [عضو حقوقدان شورای نگهبان] آمد و راجع به تصدّی مذاکرات مصالحه در لاهه مشورت کرد، موافقت کردم. گروهی از زنجان آمدند و خواهان برداشتن استاندار بودند. عصر کلاس درس مواضع [حزب جمهوری اسلامی] داشتیم و ملاقاتی با دفتر مشاورت [ارتش] که گزارش رادارهای جنوب و جزایر و مناطق نفتی خلیج فارس را دادند. ملاقاتی با اعضای خانه کارگر [داشتم] که برای آنها صحبت کردم[1]. ملاقاتی با استاندار مازندران و رئیس دانشگاه آنجا که از وضع جنگل و مرزها گفتند و تحویل مُتِل به دانشکده پزشکی و کمک خواستند.

شب جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. وضع جبهه‌ها راکد است و امروز دو کشتی در راه بندر امام موشک خورده که یکی از آنها آسیب جدی دیده.

جمعه ۲۰ اسفند

در خانه ماندم. اقامه [نماز] جمعه را به عهده آقای مهدوی‌کنی گذاشتم. پیش از ظهر آقای [سیدحسین]موسوی [تبریزی] دادستان کل انقلاب به منزل آمد و راجع به کیفیت برخورد با سران حزب توده بازداشتی که حرف نمی‌زنند و چند نفرشان تاکنون اقدام به انتحار کرده‌اند و موفق نشده‌اند، مشورت کرد. قرار شد جلسه‌ای داشته باشیم. گزارشی از وضع زندان‌ها داد و نگران رواج قاچاق و فساد بود و درباره اداره اردوگاه‌های معتادان که بودجه‌اش تصویب شده، بحث کردیم.

---

۱ - در این سخنرانی درباره توطئه ضدانقلاب برای جداکردن کارگران از انقلاب، تحلیل‌های مارکسیستی از انقلاب و وعده الهی در مورد حکومت صالحان مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

عصر احمد آقا آمد و خبر داد صادق طباطبائی غیاباً محکوم به سه سال زندان شده ولی اکنون در ایران است و منکر حمل تریاک است. راجع به جنگ و اظهارات امروز آقای [مهدی]کروبی در نماز جمعه علیه آقای آذری قمی به حمایت از من صحبت کردیم. من معتقدم باید از تشدید اختلاف جلوگیری کرد.

شنبه ۲۱ اسفند

به مجلس رفتم. در بین راه اخبار را گرفتم. آقای [میرحسین موسوی] نخست وزیر که دیشب از دهلی‌نو آمده‌اند، تلفن کردند. راضی برگشته‌اند. گفت علیرغم جو بد کنفرانس که بیشتر به نفع عراق حرف می‌زدند، نتایج جلسه به نفع ما بوده، زیرا درباره جنگ چیزی در قطعنامه نیامده و تعیین محل کنفرانس هشتم هم به وقت دیگری موکول شده است. عراقی‌ها خیلی تلاش کردند که در هر دو موضوع به نفع آنان تصمیم‌گیری شود که نشده.

پیش از دستور مجلس از تلاش هیأت تشکر کردم و پیروزی سیاسی را اعلام نمودم[1]. کلیات بودجه تصویب شد و پیشنهاد یک دوازدهم بودجه رد شد.

ظهر آقای [عبدالحمید باقری]بنابی از تبریز آمد و از آقای [مسلم]ملکوتی و سپاه تبریز گله داشت. آقای حمیدزاده آمد و خبر داد آقای فاضل هرندی در سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه به نفع من و علیه آقای آذری [قمی] حرف زده و مردم با شعارهائی ایشان را تأیید کرده‌اند. عصر ملاقاتی با [ناخدا بهرام افضلی] فرمانده نیروی دریائی داشتم. از سفر لیبی گفت و سئوالات سیاسی داشت، ما بیش از نظامی بودن سیاسی است. آقای طاهری خرم آبادی که از پاکستان آمده است به ملاقات آمد. نیازهایش را مطرح کرد. بودجه بیشتر و حمایت و هماهنگی وزارت امور خارجه

---

۱ - ایشان گفتند: "متشکریم از جناب آقای نخست وزیر و وزیر خارجه و هیأت همراهشان که در کنفرانس غیر متعهدها از حقوق حقه اسلام و انقلاب حمایت کردند و موفق شدند که این شکست بزرگ سیاسی را به متجاوزین وارد بیاورند و بار دیگر دنیا توجه کند که متجاوزی که به کشور انقلاب اسلامی همسایه‌اش تجاوز کرده از حق میربانی غیر متعهدها برخوردار نیست و امیدواریم که ما در آینده شاهد پیروزیهای بیشتر در جبهه‌های سیاسی و پیروزی چشمگیر در جبهه نظامی علیه متجاوزان باشیم. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، نطقهای قبل از دستور سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

وکمک به طلاب سنی ایرانی در پاکستان و دانشجویان.

تا ساعت هشت گزارش‌ها را خواندم و سپس به خانه آمدم. آقای شهاب از وزارت نفت اطلاع داد که دو چاه نفت از سه چاه آتش گرفته نوروز را خاموش کرده‌اند و برای سومی در تلاشند. کار مهم و ارزشمندی است. در ایران بی سابقه است.

آقای [محمدعلی]انصاری از دفتر امام تلفن کرد که مقاله‌ای علیه مخالفانمان نوشته و می‌خواهد به روزنامه بدهد. گفتم صحیح نیست. نباید به اختلافات دامن زد. طرحی در مجلس به دنبال پیشنهاد آقای [عبدالکریم]موسوی اردبیلی در خصوص محدود کردن خانه‌ها به یکی برای هر خانواده، تهیه کرده بودند گفتم بهتر است شورای عالی قضائی به صورت لایحه بفرستند.

یکشنبه ۲۲ اسفند

صبح زود به مجلس رفتم. ساعت هفت ونیم جلسه علنی شروع شد. بحث در لایحه بودجه بود. قبل از دستور، سالگرد رحلت آیت‌الله [ابوالقاسم]کاشانی را متذکر شدم*. در تنفس برای محافظان صحبت کردم. به دفترم رفتم. کارهای اداری را انجام دادم. ظهر آقای جعفری کاندیدای ناموفق بناب آمد و به تصویب اعتبار نامه آقای [میریوسف]جابری[1] اعتراض داشت با اتکاء به نظر شورای نگهبان؛ دیگر گذشته است.

عصر با واحد تبلیغات حزب [جمهوری اسلامی] ملاقات داشتم و درباره تبلیغ صحبت کردم[2] سپس در جلسه شورای مرکزی حزب شرکت کردم. تصویب شرح وظایف و وضع مالی حزب وقتمان را گرفت. آخر شب به مجلس رفتم و گزارشها را خواندم. آقای صیاد [شیرازی] از جبهه تلفن کرده و از اینکه همه فرماندهان از جبهه به شورای عالی دفاع بیایند، ناراضی بود. قبول کردم.

---

۱ - آقای میریوسف جابری بناب در انتخابات میان دوره‌ای از حوزه بناب و ملکان در استان آذربایجان شرقی به مجلس راه یافت. نماینده قبلی این حوزه ـ مرحوم علی اکبر اصغری ـ در اثر تصادف رانندگی درگذشت.

۲ - در این سخنرانی درباره مفهوم تبلیغ و ضرورت آن، تعهد اهل علم در برابر خداوند، وضعیت تبلیغات درکشور، لزوم تجهیز به وسائل مدرن تبلیغاتی، نقش خبرگزاریها در جوسازی، نقطه ضعف تبلیغاتی و اخلال تروریسم در جریان تبلیغاتی حزب مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم،" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۷۹



آقای [علی اصغر]باغانی [نماینده سبزوار] آمد و از اینکه به دنبال حوادث سبزوار برای آقای علوی کیفر خواست صادر شده، نگران بود و از عدم فعالیت حزب [جمهوری اسلامی شاخه] سبزوار نیز.

دوشنبه ۲۳ اسفند

به جلسه علنی رفتم. بحث در تبصره‌های بودجه است. کار به کندی پیش می‌رود. چند نفر مخالف بودجه‌اند و با پیشنهادات بیهوده، سعی در کاستن از بودجه دارند. ولی اکثریت همراه است. در تنفس برای تماشاچیانی که از کمیته انقلاب و سیاسی ـ ایدئولوژیک ارتش و روحانیون غرب تهران بودند صحبت کردم*. و گزارش آنها را شنیدم. سپس به دفترم آمدم، خسته بودم. برخوردهای عصبی در مجلس خسته‌ترم کرده بود. تا بعداز ظهر کسی را نپذیرفتم؛ استراحت کردم و مطالعه گزارش‌ها وانجام کارهای اداری. ساعت سه بعدازظهر جلسه علنی شروع شد. تا ساعت پنج در جلسه ماندم و سپس به آقای [محمد]یزدی سپردم و به دفترم آمدم.

با سفیر نروژ ملاقات داشتم، مطلبی نداشت. فکر می‌کنم جنبه اطلاعاتی داشت و می‌خواست موضع ما را درباره جنگ بداند. به سئوالات او جواب مناسب دادم و روی خواسته‌های اعلام شده تأکید کردم. سپس از جلسه علنی مجلس دیدن کرد. آقای سعد مجبر سفیر لیبی هم به ملاقات آمد. از طرف رئیس لجنه‌های شعبی دعوتی برای من آورده بود که ایام عید به لیبی بروم و از تأثیر منفی سخنان آقای [عبدالسلام]جلود در هند درباره نفی امامت و روحانیت در اسلام نگرانی داشت. می‌خواست تکذیب کند و پیشنهاد می‌کرد که ملاقات امام با آقای قذافی قطعی شود تا ایشان به ایران بیاید. مایل بود که رئیس جمهور با دستور امام از او دعوت کند. چون او رهبر است نه رئیس جمهور.

از دفتر مشاورت [ارتش] آمدند و از نقل و انتقالات وسیع در نیروی زمینی نگران بودند. شب، جلسه شورای عالی دفاع داشتیم. فرماندهان نظامی از اوضاع جبهه و علل ناکامی عملیات والفجر راگفتند؛ مواضع دفاعی دشمن محکم است. قرار شد طرح نهائی را تا چند روز دیگر آماده کنند و ارائه دهند. مصاحبه با صدا وسیما کردم*. آقای دکتر ولایتی از نامه انتقادی که به تشریفات امور خارجه نوشته و انتقاد کرده بودم، ناراحت و گله‌مند بود.

سه شنبه ۲۴ اسفند

بعداز نماز و نوشتن دو روز خاطرات به مجلس رفتم. جلسه علنی را آقای یزدی اداره می‌کرد. در دفترم با آقای [محمدرضا]مهدوی‌کنی ملاقات داشتم. امام ایشان را خواسته‌اند و از اختلافات روحانیون برسر مسائل اقتصادی اظهار نگرانی کرده‌اند و ایشان را مأمور نموده‌اند که دو طرف را در جلسه‌ای جمع و رفع اختلاف نمایند. قرار شد شب جمعه در دفتر آقای خامنه‌ای جلسه داشته باشیم.

بعداز تنفس، جلسه علنی را اداره کردم. پیشرفت کار در تبصره‌های بودجه کند است. تبصره منع استخدام جدید را که کمیسیون گنجانده شده است، اصلاح کردیم. اگر می‌ماند افراد صالح را نمی‌توانستیم به ادارات وارد کنیم. ظهر برای اعضای ستادهای تقسیم زمین و جمعی از کردها و خدمتگزاران در نماز جمعه تهران صحبت کردم[1].

آقای [کاظم]اکرمی همدانی آمد و راجع به پذیرفتن معاونت آموزش آقای [علی‌اکبر]پرورش مشورت کرد. ساعت سه بعداز ظهر مجدداً جلسه مجلس داشتیم، تا ساعت شش.

بعداز نماز مغرب دکتر ولایتی گزارش مبسوطی از فعل و انفعالات کنفرانس غیر متعهدها داد. تصمیم اوپک برای کم کردن پنج دلار از قیمت هر بشکه نفت را مطرح کردیم. خیلی کار بدی است. ضربه بزرگی بر کشورهای نفت خیز وارد کرده. قرار شد تلاش کنیم اگر ممکن است جلوی آن را بگیریم. شب به منزل آمدم. آقای [محمد]غرضی از لندن تلفن کرد. به ایشان این نظر را گفتم. دکتر [محمدعلی]هادی[نجف‌آبادی] که در حاشیه کنفرانس اوپک با وزیر امور خارجه سعودی مذاکراتی داشته، قرار است ایام عید به عربستان برای عمره برود و ممکن است در این خصوص اقدام نماید. احمد آقا هم تلفنی مطالبی گفت.

---

۱ - در این سخنرانی که گروهی از اهالی شهرستان ارومیه و هیأت واگذاری زمین و کارکنان ستاد نماز جمعه تهران حضور داشتند درباره گستره میدان سازندگی در ایران، اجرای حتمی عدالت در کشور و نقش احکام فقهی در اجرای عدالت مباحثی مطرح گردید. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب، ۱۳۸۰

چهارشنبه ۲۵ اسفند

صبح و عصر و شب جلسه مجلس برقرار بود و ملاقات‌ها را حذف کردم. بودجه را رسیدگی می‌کردیم. عصر دوسه ساعتی به دفترم رفتم و کارهای اداری را انجام دادم. خطبه عربی نماز جمعه را نوشتم. شب جلسه شورای مرکزی حزب [جمهوری اسلامی] بود که نتوانستم شرکت کنم.

پنجشنبه ۲۶ اسفند

به مجلس رفتم. ساعت هفت ونیم جلسه آغاز شد. تا ظهر کار بودجه را تمام کردیم. نمایندگان تبصره‌های جدید فراوانی پیشنهاد داده بودند و به خاطر ضیق وقت و نیاز آنها به بحث، موافقت کردند که بعداً به صورت مستقل مطرح شود. در تنفس برای تماشاچیان صحبت کردم[1]. برای اصلاحات درباره ایرادات شورای نگهبان، عصر جلسه را شروع کردیم. ولی نظر شورا نرسید، ناچار به شب موکول کردیم. ساعت هشت شب، نظرات شورای نگهبان مطرح و اصلاح شد.

شب در دفتر آقای خامنه‌ای با حضور جمعی از [اعضای جامعه] مدرسین [حوزه علمیه] قم و آقایان [احمد]جنتی، [یوسف]صانعی، احمد آقا، [عبدالکریم موسوی]اردبیلی و [محمدرضا]مهدوی‌کنی جلسه داشتیم. درباره پیش آمد اخیر و اظهارات آقای آذری قمی در نماز جمعه و اعتراضات مردم در جلسه بحث شد. تفاهم بر قرار شد ساعت دوازده شب به خانه آمدم.

جمعه ۲۷ اسفند

تا ساعت یازده در خانه مطالعه کردم. برای اقامه نماز جمعه به دانشگاه رفتم[2]. آقای

---

۱ ـ در این سخنرانی که خانواده‌های شهدای حزب جمهوری اسلامی و جهاد سازندگی بهشهر حضور داشتند درباره حکومت اسلامی، میدانهای فعالیت و جایگاه خانواده‌های شهدا در جامعه مطالبی بیان شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، سخنرانی‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۰

۲ ـ در این خطبه‌ها ادامه بحث اسراف و تحلیل‌هایی پیرامون کنفرانس اوپک و تصمیم برای کاهش بهای نفت، اجلاس سران کشورهای غیر متعهد

[عباس]واعظ طبسی سخنران قبل از خطبه‌ها بودند و آقای کوثری مصیبت حضرت زهرا(س) را خواند.

آقای غرضی آمد و گزارش کار اوپک را داد و راجع به مسأله جلوگیری از سقوط قیمت نفت تبادل نظر کردیم. آقای صفریان از وزارت خارجه آمد و راجع به پیشنهاد رفتن به لاهه یا گابن مشورت کرد. آقای امیر عراقی هم آمد و شکایتی از آقای طباطبائی سرپرست بنیاد مستضعفان آورد. سعید لاهوتی که در اهواز دوران سربازیش را می‌گذراند، گزارشی از وضع آنجا داد و حمید لاهوتی از تشکر و گله مهندس بازرگان از من گفت؛ تشکر به خاطر حمایت‌ها و گله از بعضی انتقادها.

شنبه ۲۸ اسفند

امروز تعطیل عمومی بود. ولی به خاطر انجام ملاقاتهائی که در هفته قبل برای انجام بودجه لغو کرده بودم، به مجلس رفتم. لایحه بودجه را ابلاغ کردم. کارهای اداری عقب مانده را انجام دادم. آقای سعیدالذاکرین مسئول روابط عمومی [مجلس]آمد و برنامه بزرگداشت سالگرد افتتاح مجلس شورای اسلامی راگفت آقای غروی از تأمین اجتماعی آمد و از آقای دکتر [مهدی]غرضی به خاطر سخت‌گیریها شکایت داشت.

سفیر دانمارک به ملاقات آمد. مطلب مهمی نداشت. آقایان سرگرد ترابی و [علی]شهبازی از دفتر مشاورت امام [در ارتش] آمدند و از وضع نیروی زمینی انتقاد داشتند و گزارشهائی دادند. خانم مجتهدی که در نخست وزیری مسئول اداره حقوقی بوده و اخیراً بعد از استعفاء برکنار شده آمد و شکایت داشت. سفیر کره شمالی آمد و می‌خواست که با تشکیل بین‌المجالس در سئول مخالفت کنیم. معاونان وزارت مسکن [و شهرسازی] آمدند و گزارشی از اجرای قانون اراضی شهری و مشکلاتی که دیوان عدالت اداری در راهشان ایجاد می‌کند، گفتند.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

در دهلی نو و توطئه‌های مشترک غرب و شرق علیه جمهوری اسلامی مطرح شد. رجوع کنید ← کتاب "هاشمی رفسنجانی، خطبه‌های سال ۱۳۶۱، جلد دوم" دفترنشرمعارف انقلاب

عصر نماینده سازمان ملل در ایران ـ که یک هندی است ـ آمد و گفت بیست وهفت میلیون دلار بودجه عمرانی برای ایران دارد، اما مسئولان کشور خوشبین نیستند و همکاری نمی‌کنند. آقای [سعید]رجائی خراسانی نماینده ما در سازمان ملل [متحد] آمد و راجع به سیاست خارجی و کیفیت برخورد با آمریکائیها و سایرین مشورت کرد.

[مسئولان] اطلاعات سپاه آمدند و گزارشی از ضربه‌ای که اخیراً به بخش جنگلی منافقین در مازندران زده‌اند ـ که منجر به قتل و دستگیری بیش از بیست نفر شده ـ گفتند و گزارشی از بازجوئی‌ها از سران حزب توده و اعتراف چند نفر از آنها به جاسوسی و اقدام به انتحار ناموفق چند تن از آنها دادند.

شب در دفتر رئیس جمهور دو جلسه داشتیم. یکی با حضور وزرای امور خارجه و نفت درباره کیفیت برخورد با توطئه پایین آوردن قیمت نفت که قرار شد، در بعد سیاسی و غیر سیاسی اقداماتی به عمل آید و دیگری با مسئولان امنیتی ـ اطلاعاتی و سیاسی درباره کیفیت برخورد با حزب توده که قرار است ترتیب محاکمه علنی جمعی داده شود. ساعت دوازده به خانه آمدم.

امروز یک زاغه مهمات درکازرون در مرکز سپاه منفجر شده و دوازده پاسدار شهید شده‌اند. تاکنون چندین انفجار مهم در مهمات سپاه داشته‌ایم که ناشی از بی‌تجربگی و گاهی خرابکاری است. آقای تیز معز دادستان انقلاب خوزستان که اخیراً از توطئه‌ای جان سالم بدر برده آمد و از ابهام آینده دادستانهای انقلاب مثل ایشان که طبق قانون نمی‌توانند به کار فعلی ادامه دهند و در خطر هستند و از تحصیل عقب مانده‌اند، گفت و ناراحت بود.

یکشنبه ۲۹ اسفند

تمام وقت در منزل بودم. مطالعه گزارش‌ها و استراحت داشتم. پیش از ظهر آقای طاهری‌اصفهانی با آقای [عبدالله] نوری [نماینده امام در] جهاد [سازندگی] به منزل آمدند. آقای طاهری نامه‌ای به امام نوشته و به اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه رسانده بود. در این نامه از مخالفت‌های جمعی از شخصیتهای روحانی ـ بدون ذکر نام ـ شکایت شده و مخصوصاً از اظهارات آقای [احمد] آذری قمی. شب آقای [عبدالمجید] معادیخواه آمد. کتابی که نوشته بود آورد و راجع به پیشرفت کار نهج‌البلاغه و مقدمه‌ای که بر آن نوشته گفت. این کار را ده سال پیش شروع کرده‌ایم.

بعداً ایشان کار را به تنهایی ادامه دادند و هم اکنون کم کم آماده می‌شود. آخر شب فیلم «سنگ اسرارآمیز» را تماشا کردم.

روی هم رفته سال نسبتاً خوبی داشتیم. در زمینه جنگ تحمیلی که مهمترین مسأله نظام است، در جبهه‌ها پیشرفت حاصل شد. ارتش بعثی شکست‌های سختی متحمل گردید و از بسیاری از اراضی اشغالی اخراج شد و بسیاری از یگانهای مهم آن آسیب جدی دیدند و غنایم زیادی بدست آمد. گرچه هنوز نقاط مهمی از خاک کشورمان در اشغال بعثی‌ها است، امید و اعتماد به نفس در مردم و بخصوص نیروهای مسلح بالا رفته ولی توقعات و انتظارات هم زیاد شده و ختم جنگ را مشکل کرده است.

اوضاع اجتماعی و امنیتی کشور بهتر از سال گذشته است. ضدانقلاب ضعیف‌تر و مأیوس‌تر شده و مزاحمت‌ها کمتر شده و امنیت محکم‌تر است و نظام به طرف ثبات پیش می‌رود. از لحاظ سیاسی و مدیریتی هم وضعمان خیلی بهتر است؛ دولت، مجلس و قوه قضائیه هماهنگ‌ترند و نزاعها و کشمکش‌های آزار دهنده و کینه‌ساز کم است.

در ارتباط با سیاست خارجی پیشرفت مهمی نداریم اما به نظر می‌رسد خیلی از کشورهای مستقل امیدشان به تداوم انقلاب و استحکام نظام بیشتر شده و در عمل تمایل به همکاری بیشتری نشان می‌دهند.

گرچه کینه و خصومت استکبار به خاطر مشاهده قدرت دفاعی ما جدی‌تر است و لابد توطئه‌ها و مزاحمت‌ها و تحریم‌ها و بایکوت‌ها و تبلیغات منفی و شاید حمایت بیشتر از بعث عراق مورد توجهشان باشد ولی اگر ما در برخورد با مسائل بین‌المللی پختگی و تدبیر لازم را به کار گیریم ممکن است آنها هم دست از شرارت بردارند.

ضمائم

دانشگاه آزاد اسلامی؛ از ایده تا عمل

نقش دولت در آموزش عالی ایران انکار ناپذیر است. از همان ابتدای ورود آموزش عالی به ایران، دولت آن را به کنترل خود درآورد و همزمان به ایفای چهار نقش اساسی تولید کننده، کارفرما، توزیع کننده و مصرف کننده آموزش عالی پرداخت. ایفای این نقش‌ها به دولت اجازه می‌داد که در حیطه تحصیلات عالی به دخالت گسترده بپردازد. این روند برای ایران آن روز بسیار حیاتی بود. نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی، نه تنها ایران که دیگر کشورهای در حال توسعه را نیز مجبور می‌کرد تا درصد بیشتری از بودجه ملی را صرف آموزش کنند. آمار نشان می‌دهد که در آسیا، کل هزینه‌های عمومی آموزش در خلال دهه ۱۹۶۰ نسبت به دهه قبل از خود سه برابر و در آفریقا و در آمریکای لاتین دو برابر شده و در واقع افزایش هزینه‌های عمومی آموزش در خلال این مدت از هر بخش دیگر اقتصادی بیشتر بوده است به طوری که تا اواسط دهه ۱۹۷۰ بودجه آموزش بسیاری از کشورهای جهان سوم بین ۲۰ تا ۲۵ درصد کل هزینه جاری دولت بوده است.

اما از سویی دیگر به نظر می‌رسید که دخالت دولت در نظام آموزش عالی به سکون سیستمهای آموزشی در مسیر طبیعی فعالیت‌های جمعی منجر شده است به نحوی که تقریباً اثری از انجمن‌ها و تشکلهای فعال علمی که در یک سیستم کار آمد حلقهٔ اتصال بین سیستم و محیط محسوب می‌شوند، به چشم نمی‌خورد. در سیستم آموزش عالی ایران تشکل‌ها و انجمن‌های علمی یا وجود نداشته و یا خصلتی فرسایشی یافته بودند و جریان پردازش اطلاعات و بازخوردها بدون حلقه‌های ارتباطی در یک ساختار متصلب و انعطاف ناپذیر انجام می‌گرفت. به این ترتیب کیفیت نظام آموزش عالی به کمترین حد خود رسیده بود.

از همین رو، در اواخر عمر رژیم پهلوی فضایی برای اقبال به فعالیت بخش خصوصی در حوزه آموزش ایجاد شد و طرحهایی نیز برای دخالت بخش خصوصی در آموزش عالی ارائـه گردید که از آن جمله می‌توان به «دانشگاه آزاد ایرانیان» اشاره کرد.

با وقوع انقلاب اسلامی نوع نگرش به سیستم آموزش عالی تغییر کرد اما بر نقش دولت در توسعه و راهبرد دانشگاه‌ها همچنان تأکید شد. با افزایش جمعیت و بروز تغییر در ارزشهای فردی و اجتماعی که اقبال به تحصیلات عالیه را در ایران به شدت بالا برده بود این حقیقت آشکار شد که دولت نمی‌تواند به تنهایی تأمین کننده هزینه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باشد.

از این رو همانطور که انقلاب اسلامی نهادهای خاص خـویش را در حـوزهای سـیاسی و اجتماعی می‌آفرید؛ «دانشگاه آزاد اسلامی» به عنوان نهادی انقلابی در کنار دستگاه‌های آموزش دولتی مطرح شد و مکمل بخش دولتی در حوزه آموزش گردید.

در این خصوص ذکر دو نکته اساسی ضروری است: اول آنکه «دانشگاه آزاد اسلامی» مکمل دانشگاه‌های دولتی است و نه جایگزین آنها. هدف از ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی به هیچ وجه رویارویی با دانشگاه دولتی نبود بلکه به دلیل موقعیت آن روز ایران، این طرح می‌توانست از یک طرف بخشی از هزینه آموزش عالی را به دوش گیرد و از طرف دیگر به نیاز جمعیت جوان ایران برای ادامه تحصیلات در سطوح عالی پاسخ مثبت دهد. تجربه نشـان داده است کـه دولت در صورتی که تنها اجرا کننده آموزش عالی باشد علاوه براینکه نـمی‌توانـد هـزینه‌های سـنگین آموزش عالی را تأمین کند؛ در تأمین نیازهای نیروی انسانی خود نیز ناکام می‌ماند. باید توجه داشت که در یک جامعه «به همان نسبت که ارزش‌هایمان متعدد می‌شود بایستی ابزار متنوع‌تری بکار گرفته شود. پیچیدگیهای رو به رشد، برعدم اطمینان ما می‌افزاید و ما را بیش از پیش نسبت به حقایق و مفاهیم آنها و همین طور سیاست‌ها و خـط مشـیهای مـنتج از آنـها بـی‌اعـتمادتر می‌نماید. بتدریج که یک و یا چند مؤسسه آموزشی روش‌های جایگزینی را مـهیا مـی‌نمایند اشتباهات نیز جبران می‌شود. آموزش عالی ممکن است نامناسب‌ترین بخش برای گذاردن همه تخم مرغها در یک سبد باشد[۱].»

دوم آنکه برخلاف آنچه گاهی تـصور مـی‌شود دانشگـاه آزاد اسـلامی بـه مـنزله یک نـهاد

۱ - د. ر. تونز. «خصوصی سازی در بخش آموزش عالی». ترجمه هادی شیرازی بهشتی، فصلنامه پـژوهش و بـرنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۲)، ص ۱۸۸.

خصوصی نیست، نشانه‌های زیادی وجود دارد که براساس آنها بهتر است دانشگاه ازاد اسلامی را دانشگاهی غیر دولتی بنامیم تا خصوصی. اول از همه آنکه این دانشگاه شخصیت اصلی خود را از آموزش و پژوهش‌هایی می‌گیرد که اصحاب علم و دانش در آن انجام می‌دهند و نه از منابع اقتصادی خود. این دانشگاه یک مولد اقتصادی نیست بلکه مولد علم و تکنولوژی است. دوم آنکه درآمدهای حاصله دانشگاه به دلیل صرف آنها در زمینه توسعه، دوباره به عرصه آموزش باز می‌گردد و سرانجام آنکه فضای فعالیت دانشگاه یک گستره همگانی است و تمامی اجتماع را در برمی‌گیرد. بنابراین شایسته‌تر است دانشگاه آزاد اسلامی را دانشگاهی غیر دولتی بنامیم تا خصوصی.

طرح ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان مکمل بخش دولتی به چند لحاظ دارای اهمیت بود. استقرار دانشگاه غیردولتی همپای دانشگاه‌های دولتی می‌توانست تأثیر زیادی برکیفیت نظام آموزش عالی در ایران بگذارد و آن را از خصلت «انحصاری» نجات دهد. ما در بخش بعد نشان خواهیم داد که دانشگاه آزاد اسلامی کیفیتهای چندگانه برون داد، درونداد، فرآیند، پیامد و ارزش افزوده[1] آموزش عالی را دستخوش تغییر و تحول ساخت.

همچنین «سیاست پرداخت شهریه» که در طرح دانشگاه آزاد اسلامی پیش بینی شده بود «عدالت اجتماعی» را به شکل مقبول‌تری در آموزش عالی مطرح می‌کرد؛ به نظر می‌رسید با توجه به مزایای شخصی آموزش عالی برای افراد و فرصتهای نابرابر برتری اجتماعی ـ اقتصادی حاصل از آن، از نظر اکثر مردم که هزینه‌های آموزش را به طور غیر مستقیم متحمل می‌شوند ولی

---

۱ ـ کیفیت نظام آموزش عالی را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد:

ـ کیفیت برونداد: به میزان همخوانی دروندادهای آموزش ملی با استانداردهای از پیش تعیین شده یا اهداف.

ـ کیفیت فرآیندها: به میزان سازگاری ـ تدریس ـ یارگیری و فرآیندهای دیگر سازمانی با آنچه از آن فرآیندها انتظار می‌رود اطلاق می‌شود.

ـ کیفیت به عنوان برونداد: اشاره به این دارد که نتایج نظام آموزش عالی (فارغ التحصیل، نتایج پژوهش و خدمات) در مقایسه با استانداردها یا هدفهای پذیرفته شده تا چه اندازه رضایت بخش هستند.

ـ کیفیت به عنوان پیامدها: به میزان رضایت جامعه از اثر دانشگاه براستخدام باقی می‌گذارد.

ـ کیفیت به عنوان ارزش افزوده: ارزیابی وضع فعلی فارغ التحصیلان یا بروندادهای دیگر در مقایسه با وضعیتی که می‌توانسته داشته باشد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله «آغازی بر ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران: چالشها و چشم‌اندازها». عباس بازرگان. ترجمه داوود حاتمی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۰۲، سال ششم، مسلسل ۱۵ و ۱۶ (بهار و تابستان ۱۳۷۷)، صص ۱۲۵ ـ ۱۳۸.

شخصاً از مزایای آن بهره نمی‌برند، پرداخت شهریه، تدبیری عادلانه باشد[۱].

افزون بر اینها تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی به عنوان طرحی غیر دولتی باعث ایجاد رقابت و در نتیجه تلاشهایی در جهت کار آمد کردن و تعالی و تناسب بخشیدن به آموزش عالی می‌شد.

و سرانجام آنکه تحولات جهانی در آن سالها روشن ساخته بود که نقش آموزش عالی بـه عنوان مزیتی در مـناسبات اقـتصادی، امـنیتی، سـیاسی، فـرهنگی و اجـتماعی در جـامعه‌ای دانش‌مدار اجتناب ناپذیر است، از این رو آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان اصلی تضمین کننده امنیت ملی در قرن بیست و یکم نمی‌توانست از نگاه رهبران جمهوری اسـلامی بـرکنار بماند.

یکی از مؤلفه‌های اساسی که بعدها نقش عمده‌ای را در موفقیت دانشگاه آزاد اسلامی ایفا کرد «تکثرگرایی» و «توجه به آمایش سرزمینی» است.

آمایش سرزمینی نوعی برنامه‌ریزی است که سرزمین را عامل تعیین کـننده در تأمـین اهـداف توسعه می‌داند و با شناخت سرزمین و تقسیم کار سرزمینی، فعالیت‌هاو جهت‌ها را مشـخص می‌کند. در آمایش سرزمینی به توزیع بهتر جـمعیت و فـعالیت‌های اسـاسی در زمـینه مـنابع سرزمینی توجه می‌شود. یکی از حوزه‌هایی که آمایش سرزمینی می‌تواند در کارایی آن نـقش مؤثری ایفا نماید آموزش عالی است اما آمایش سرزمینی به دلیل ساخت نظام آموزش عالی در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در سیاست آمایش سرزمینی آمـوزش عـالی، تـوسعه آموزش عالی در مناطق مختلف کشور با هدف تثبیت جمعیت یک منطقه صورت می‌گیرد تا از آن طریق، جمعیت آن منطقه بتواند بدون آنکه مجبور به مهاجرت باشد در منطقه خود به همان خوبی که در جای دیگر زندگی می‌کنند به زندگی بپردازد.

در تعریفی که سازمان برنامه و بودجه از آمایش سرزمینی کرده آمده است: «برنامه‌ریزی و سازمان دادن نحوه اشغال فضا و تعیین محل سکنای انسانها و محل فعالیت‌ها و تـجهیزات و همچنین کنش‌های بین عوامل گوناگون نظام اجتماعی ـ اقتصادی است. آزمایش سرزمینی به خودی خود نمی‌تواند هدف باشد بلکه بیان جغرافیایی و ترجمان فعالیت‌ها و هدف‌هایی است که سیاست دولت تعیین کرده است»[۲].

---

۱ - د. ر. تونز. «خصوصی سازی در بخش آموزش عالی». پیشین، ص ۱۹۱.

۲ - سازمان برنامه و بودجه، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران (تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۳۶۳)، جلد

آمایش سرزمینی در ایران برای تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسـان در فـضا انجام می‌شود. هدف از تنظیم این رابطه «بهره‌برداری از کلیه امکانات برای بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع براساس ارزش‌های اعتقادی، توجه به سوابق فرهنگی و با استفاده از ابزار علم و تجربه در طول زمان است»[۱].

در خلال نیمه دوم قرن بیستم بسیاری از کشورهایی که هم اکنون «در حال توسعه» نامیده می‌شوند با نگاه به کشورهای پیشرفته و با هدف همشکل شدن با آنان به طراحی سیستمها و برنامه‌هایی برای توسعه سیاسی ـ اجتماعی خود پرداختند. بنابراین به سرعت توسعه اجتماعی ـ فرهنگی مورد تأکید قرار گرفت اما به دلیل ترکیب ناموزون ساخت اجتماعی تنها به توسعه مرکز انجامید و بسیاری از مناطق به عنوان اقمار مرکز همچنان عقب مانده باقی ماندند. همچنان که کاکلینسکی می‌گوید: «تجربه نشان داده است که مناطق فقیر فاقد نیروی انسـانی مـناسب، برنامه‌ریزی و مدیریت مؤثر، وسایل ارتباط جمعی و زیر ساختارهای مناسب هستند. این امر باعث عقب‌ماندگی مناطق مذکور شده، آنها را در موقعیتی قرار می‌دهد که قادر بـه رقـابت بـا مناطق نسبتاً مرفه نباشند. به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند این مشکل را حل کند هماهنگ ساختن سطح توسعه اجتماعی این مناطق با دیگر مناطق [مرفه] است»[۲].

یکی از مهمترین الگوهای عملی برای تحقق این امر، آمایش سرزمینی آموزش عالی است. به دلایل زیر آمایش سرزمینی آموزش عالی می‌تواند در برقراری تعادل بین مرکز توسعه یافته و پیرامون توسعه نیافته یک کشور نقش مؤثری ایفاء کند:

۱ـ یکی از مهمترین شاخص‌های عوامل توسعه یافتگی در یک کشور را باید سطح سواد در آن کشور دانست. با یک کشور دچار فقر و بی‌سوادی نمی‌توان به توسعه سیاسی ـ اجـتماعی رسید. با گسترش مؤسسات آموزش عالی به مناطق مختلف، تغییر نگرش اساسی در ساخت جمعیتی ایجاد می‌شود و خصلتی توسعه‌گرا به خود می‌گیرد. فراموش نکنیم که نـقش عـامل انسانی در توسعه یک کشور انکار ناپذیر است.

۲ـ استقرار یک دانشگاه در یک منطقه می‌تواند ساخت جمعیتی آن را همگون سـاخته، از

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

اول، ص ۱۰۹.

۱ - پیشین، صص ۳-۷.

2 - Kuklinski,A, Social Issues in Regional policy and Regional planning. (1974). p. 1840

پراکندگی مفرط آنها جلوگیری نماید. علاوه براین استقرار مؤسسه آموزش عالی در یک منطقه نه تنها فعالیت‌های آموزشی و اداری وابسته به فعالیت‌های آموزشی را در منطقه افزایش می‌دهد، بلکه باعث رونق و گسترش بسیاری از مشاغل تولیدی و خدماتی نظیر تولید مواد غذایی، حمل و نقل، بازرگانی و نظایر آن می‌شود.

۳ـ اهداف آمایشی از طریق فعالیت‌های آموزش عالی سریعتر و با مشکلات کمتری قابل وصول است زیرا علاوه براینکه امکانات کمتری را می‌طلبد، دارای پتانسیل بیشتری برای تحرک اجتماعی است.

۴ـ فعالیت‌های آموزشی در یک منطقه بسیار پایدارتر از فعالیت‌های دیگر نظیر اقتصادی و اجتماعی است و نیاز به نیروی انسانی متخصص در سال‌های آتی، بقای آن را تضمین می‌کند. علاوه براین می‌تواند زمینه را برای فعالیت‌های دیگر سیاسی و اجتماعی مهیا سازد. بنابراین آمایش سرزمینی آموزش عالی ضمن اینکه سهل‌الوصول‌تر است، در برنامه‌های بلند مدت می‌تواند مورد اهتمام جدی قرار گیرد و باعث پرکردن شکاف بین مناطق عقب مانده و پیشرفته باشد.

تا قبل از تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی کمترین توجهی به مسئله آمایش سرزمینی نشده بود. طرح انجام نگرفته‌ای با عنوان «دانشگاه آزاد ایران» هم که در سال‌های قبل از انقلاب مورد توجه قرار گرفت به معنای توسعه آموزش عالی در مناطق جغرافیایی مختلف نبود بلکه طرح آموزش از راه دور بود که همچنان بر تمرکز کلیت دانشگاه تأکید داشت. با وقوع انقلاب اسلامی یکی از اهداف مهم نظام اسلامی رسیدگی به مناطق دور افتاده و محروم از توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود. بنابراین از همان ابتدا نهادهای انقلابی شکل گرفتند و توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق محروم را در سرلوحه کار خویش قرار دادند. بیشتر این نهادها در پی تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی شکل گرفتند و توسعه نیروی انسانی کمتر مورد توجه بود.

دانشگاه آزاد اسلامی در واقع طرحی برای پرکردن این خلاء بود و از آنجا که تقاضا برای آموزش عالی به مراتب بر منابع محدود دولتی فزونی می‌یافت، تأسیس دانشگاهی با ویژگیهای دانشگاه آزاد اسلامی اجتناب ناپذیر می‌نمود. در ذهن مؤسسان دانشگاه آزاد اسلامی روشن بود که می‌بایست این طرح به همان نسبت که ارزش‌های جامعه بعد از انقلاب متعدد می‌شد ابزارهای متنوع‌تری را به خدمت بگیرد.

به هر حال توجه به آمایش سرزمینی و خصلت تکثرگرای دانشگاه آزاد اسلامی نه تنها در توسعه یافتگی منطقه‌ای کشور مؤثر واقع شد بلکه حتی ساختار جمعیتی کشور را دچار دگرگونی و تحول ساخت.

دانشگاه آزاد اسلامی و الگوی جدید تصمیم‌گیری در آموزش عالی

یکی از مؤلفه‌های اساسی دیگر دانشگاه آزاد اسلامی، عرضه الگویی جدید در سیستم تصمیم‌گیری آموزش عالی است. در آن زمان طبیعی بود که در ساختار جدید، سیاستهای راهبرنده حاکم بر آموزش عالی ایران قابل اجرا نبود لذا دانشگاه آزاد اسلامی ناگزیر از دست و پنجه نرم کردن با چالشهای زیر بود:

۱- به واسطه تقلیل نقش دولت از مجری سیاستهای آموزش عالی به هدایت کننده و پشتوانه آن، تمامی نقش دولت به دانشگاه آزاد اسلامی منتقل می‌شد، بدون آنکه منابع آن به حوزه جدید منتقل شود.

۲- محیط اجتماعی به واسطه وقوع انقلاب، اگر چه به دانشگاه آزاد اسلامی به یک نهاد انقلابی می‌نگریست اما ترغیب مردم به مشارکت در این پدیده انقلاب به آسانی به دست نمی‌آمد.

۳- سیاست توسعه منطقه‌ای، عملاً دانشگاه آزاد اسلامی را در چند حوزه درگیر می‌کرد. هیچ یک از این حوزه‌ها در یک سطح توسعه اجتماعی ـ اقتصادی قرار نداشتند (یکی از پیش زمینه‌های آمایش سرزمین) و هماهنگ کردن آنان کاری صعب و دشوار به نظر می‌رسید.

۴- برای تسریع در تثبیت سیستم آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی مجبور به حفظ ثبات در حوزه درونداد، پردازش اطلاعات، برون داد و باز خوردهای خود بود. اختلال در هر یک از این حوزه‌ها به ناکامی در دیگر حوزه‌ها می‌انجامید.

۵- ماهیت انقلابی دانشگاه آزاد اسلامی ایجاب می‌کرد که در محتوا، ساختار و شیوه‌های تحلیل نظام آموزشی خود به جنبه‌های اخلاقی تعالیم ارزشگرای دینی توجه ویژه‌ای داشته باشد.

با فرض وجود این چالشها، سیاست‌های راهبرنده و الگوهای تصمیم‌گیری جدیدی در آموزش عالی ضروری به نظر می‌رسید.

ایران قبل از انقلاب دارای سیستم آموزشی دیوان سالارانه و بروکراتیک بود و به دلیل ساخت استبدادی قدرت، نظام آموزش عالی تحت تأثیر جو سیاسی حاکم بر ایران قرار داشت.

کنترلی که از طریق مرکز و مستقیماً اعمال می‌شد به شدت ساخت نظام آموزشی را محافظه‌کارانه کرده بود و اگر چه یک نوع هماهنگی در قوانین دولتی برای این سیستم به چشم می‌خورد اما چه بسیار قوانینی که به دلیل ساخت ابتدایی قدرت مرکز، کارایی و سودمندی خود را از دست داده بودند. منابع مالی این سیستم تنها از طریق دولت تأمین می‌شد و به همین دلیل شدیداً به ساخت قدرت سیاسی وابسته بود. در طی دوران سلطنت رضاخان، مدیران آموزش عالی عمدتاً از میان کسانی انتخاب می‌شدند که بیشترین سرسپردگی را به نظام پدرشاهی رضاخان داشتند، این وضع در دوران پسر وی، محمد رضا نیز ادامه داشت.

ایراد اساسی دیگر نظام آموزش عالی در نظام تصمیم‌گیری آن نهفته بود. تصمیمات آموزشی عمدتاً براساس نظام دیوان سالاری و بروکراتیک اتخاذ می‌شد و ذینفعان (دانشجویان، اساتید و ...) همچنانکه در تأمین منابع مالی دانشگاه سهمی نداشتند، در تصمیم‌گیری نیز فاقد نقش مؤثر بودند و نظام سیاسی، قوانین را برای آموزش عالی و همینطور برای استخدام و حتی برنامه‌ریزیهای درسی به تصویب می‌رساند.

بعد از انقلاب اسلامی این وضع علیرغم تغییر ساخت قدرت سیاسی ادامه یافت به همین دلیل ایرادات اساسی نظام آموزشی قبل از انقلاب همچنان پا برجا بود با این تفاوت که در این زمان مشکلات عدیده دیگری نیز پدیدار شدند.

جمعیت جوان جویای نام و کار به شدت افزایش یافته بود. بحران جنگ و شرایط انقلابی بیشترین تأثیر را برنظام آموزش عالی گذاشته بود. همچنین در این زمان، دولت توانایی تأمین کامل منابع مالی مربوط به آموزش عالی و توسعه آن را نداشت.

علاوه براین ساختار تقلیدی دانشگاه‌ها که برگرفته از الگوی غرب بود، دولت را در تأمین اعتبار تمام بخش‌های آن با تردید مواجه ساخته بود. اگر چه انقلاب اسلامی به طور چشمگیری مدیون دانشگاهیان در خط امام بود اما ساختار نهادینه شده دانشگاه‌ها عمدتاً ماهیتی ضداسلامی داشت و برای پیشبرد این ساختار، به منابع مالی کلانی نیاز بود که دولت توانایی تأمین آن را نداشت. به گفته آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

نیاز نیروهای جوان کشور به تحصیل در دانشگاه و نیاز فوری کشور به نیروهای تحصیل کرده

دو نیاز مبرم کشور بودند که هیچ افق روشنی هم که امکانات دولتی بتواند این نیازها را تأمین کند وجود نداشت[1].

دانشگاه آزاد اسلامی طرحی بود که نه تنها می‌بایست ایرادات اساسی دانشگاه‌های قبل از انقلاب را برطرف می‌ساخت بلکه لازم بود به نیازهای سربرآورده پس از انقلاب اسلامی نیز پاسخ می‌گفت. پیچیدگی‌های این طرح وقتی نمودار می‌شود که بدانیم نگاه مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی برای ترسیم ساختار آن به هیچ الگوی موجود در خارج از کشور معطوف نبود، اما به طور اعجاب‌انگیزی همه مزایای چهار الگوی تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی را در خود جمع داشت.

تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی

حوالی سالهای ۱۳۶۱و ۱۳۶۲، انقلاب اسلامی روزهای پرباری را پشت سرمی‌گذاشت. در این سالها چشم‌اندازهای پرعظمت برای مردم و یاران انقلاب اسلامی پدیدار شدند. در بُعد داخلی، نهادهای انقلابی به سرعت سربرافراشتند. اصلاح در ساختارهای قدیمی با قدرت تمام ادامه داشت. رهبران انقلاب اسلامی توانسته بودند هژمونی خود را بر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گسترش دهند و مناسبات اسلامی ـ انقلابی را برآنها حاکم سازند.

انقلاب اسلامی در فرامرزهای خود نیز علیرغم جنگ تحمیلی و دسیسه‌های پنهان و آشکار دشمنان که همچنان مرزهای هویتی انقلاب را تهدید می‌کرد، توانست بر بسیاری از بحرانهای اساسی فائق آید و رابطه دوستانه‌ای براساس احترام متقابل با کشورهای دوست برقرار سازد. در این زمان انقلاب اسلامی واقعیتی در جغرافیای سیاسی جهان به شمار می‌رفت.

در اوایل سال ۶۱، سوم خرداد ماه یعنی دقیقاً سه روز پس از اعلام موجودیت دانشگاه آزاد اسلامی، شهر خرمشهر که در اوایل جنگ به تصرف دشمن درآمده بود آزاد شد. بدین ترتیب جمهوری اسلامی توانست بخش وسیعی از خاک تصرف شده خود توسط رژیم بعث عراق را پس گیرد و دشمن را عقب براند. این پیروزی هر گونه تردید را نسبت به آینده انقلاب از بین برد و رهبران آن را قادر ساخت تا با چشم‌انداز بهتری به ترسیم استراتژیهای دراز مدت انقلاب بپردازند.

---

۱ ـ اکبر هاشمی رفسنجانی، سخنرانی به مناسبت افتتاح فاز چهارم واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، پیشین، صص ۱-۲.

افزون براین، در این سالها رهبران جمهوری اسلامی توانستند به طور اعجاب آوری تحزب را در یک انقلاب تازه استقرار یافته نهادینه سازند. این مسئله برای کشوری که تا به آن زمان سابقه موفق حزبی نداشت، سنگین به نظر می‌رسید اما یاران امام و انـقلاب در اوج مـوفقیت خـود توانستند ایده‌ای به نام حزب جمهوری اسلامی راکه از تابستان سال ۱۳۵۶ نضج گرفته بود به حزبی با قدرت تبدیل سازند.

مجموعه این اتفاقات از التهاب جو کشور کاست و فرصتی را برای طرح اندیشه‌های جدید فراهم آورد. فکر ایجاد یک دانشگاه جدید و مردمی با ماهیتی نو و هماهنگ با انقلاب و متناسب با نیازهای جامعه جوان و انقلابی ایران یکی از این اندیشه‌های نوین بود که اول بـار در ذهـن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی یکی از رهبران برجسته انقلاب اسلامی جرقه زد.

حزب جمهوری اسلامی و اندیشه دانشگاه آزاد اسلامی

حزب جمهوری اسلامی به عنوان «پایگاه هم اندیشی رهبران انقلاب اسلامی ایران»، نقش به سزایی در طرح اندیشه‌های نوین انقلاب اسلامی داشت. در حاشیه جلسات مرکزی این حزب بود که ایده دانشگاهی جدید مطرح گردید و آرام آرام، شکلی واقعی به خود گرفت.

بدیهی بود برای راه‌اندازی چنین طرح عظیمی، می‌بایست مـطالعات اسـاسی و بـنیادینی صورت گیرد. این طرح برگرفته از الگوی دانشگاه‌های داخل و یا خارج از کشور نبود و در نوع خود اندیشه‌ای بدیع محسوب می‌شد.

طرح اولیه و اصلی برای تأسیس چنین دانشگاهی دارای دو مرحله بود: مرحله اول عبارت بود از ایجاد فضای آموزشی در سطح آموزش عالی برای جوانان و علاقمندان میلیونی با استفاده از امکانات بالقوه موجود ولی پراکنده و بلااستفاده در کشور و گشودن راهی جدید برای دستیابی آنان به تحصیلات دانشگاهی و مرحله دوم راه‌اندازی واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و ایجاد تأسیسات جدید آزمایشگاهی و کارگاهی با استفاده از شهریه‌های دریافتی و کمکهای اهدایی افراد خیر و نیکوکار. بنابراین پیش از هرگونه اقدام عملی، می‌بایست طرح دانشگاه آزاد اسلامی از لحاظ اقتصادی مورد کنکاش قرار می‌گرفت. از آنجا که در طرح اولیه پیش بینی شده بـود کـه دانشگاهی غیرانتفاعی و غیردولتی تشکیل شود، بررسی موضوع از لحـاظ اقـتصادی اهـمیتی اساسی داشت. به همین منظور مطالعات امکان سنجی دقیقی لازم بود تا به دو سؤال پاسخ دهد:

اول آنکه آیا این چنین طرحی از لحاظ اقتصادی براساس امکانات مالی موجود، عملی بوده و مطلوبیت دارد؟ و دوم آنکه در صورت پاسخ مثبت به سؤال اول، چگونه می‌توان این طرح را براساس مبانی و اصول فرهنگی انقلاب اسلامی ارائه و تبیین کرد؟

بررسیهای اولیه نشان داد که امکانات پراکنده، بلااستفاده و بلاتکلیف یا دارای بهره وری اندک مانند ساختمان و زمین مناسب، کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه و تجهیزات آزمایشگاهی و کارگاهی و نیز نیروی شایسته و علاقمند همچون اساتید دانشگاه و متخصصان با تجربه دارای ساعات فراغت در جامعه فراوان است و در صورت زیر پوشش قرار دادن و بکارگیری این امکانات و ترکیب آنها در قالب سازمانی واحد و فعال و با استفاده صحیح و کامل از آنها به کمک یک برنامه‌ریزی حساب شده، می‌توان مجموعه آموزشی و تحقیقاتی وسیع و فعالی به وجود آورد تا نیاز شدید خیل عظیم جوانان خواستار علم و دانش را در آینده نامحدود جوابگو باشد. لذا برای بررسی جوانب بیشتر، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طرح را در شورای اقتصاد مطرح ساخت و با بعضی از افراد از جمله حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و آقای مهندس میرحسین موسوی رئیس جمهور و نخست وزیر وقت مشورت کرد. این پیشنهاد نه تنها مورد استقبال اعضای شورای اقتصاد و اشخاص یاد شده قرار گرفت بلکه سران شورا بعدها به جمع اعضای هیئت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی پیوستند.

طرح دانشگاه آزاد اسلامی در محضر امام خمینی(ره)

دانشگاه در منظر شخصیتی همچون امام خمینی از دو جهت جایگاهی ویژه می‌یابد: از یک سو امام، عالمی برجسته و فقیهی عارف و عامل و مسلط بر پهنه وسیعی از علوم و معارف حوزوی بود که نفس این وسعت دامنه، توأم با عمق و اجتهاد نظر و رأی کمابیش بدیع در هر یک از زمینه‌ها، از اهتمام و اعتنای ایشان به کسب دانش و معارف حکایت می‌کرد و از طرف دیگر امام رهبری بصیر و دور اندیش بود که افق نگاه نافذش به رسالت آینده انقلاب در هدایت و راهبرد جهان اسلام نظر داشت و در این چشم‌انداز، دانشگاه نقش و اعتباری کم نظیر برای تربیت متخصصان متعهدی داشت که بتوانند چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران را در هم

شکنند و جسارت ایجاد داربستهایی برمحور کرامت انسانی را داشته باشند[۱].

از این رو نظر امام خمینی درباره طرح دانشگاه آزاد اسلامی بسیار مهم و اساسی تلقی می‌شد. موافقت و همراهی امام خمینی به عنوان رهبر فرهمند انقلاب اسلامی با این طرح می‌توانست هرگونه خطری را از اطراف آن دفع کند. امام خمینی در چهار مقطع از دانشگاه آزاد اسلامی حمایت کرد که برای آن بسیار سرنوشت‌ساز بود و دانشگاه را از مواجهه با مخالفان مغرض خود نجات بخشید. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌گوید:

اول انقلاب دغدغه جدی امام این بود که دانشگاه کم داریم و متقاضی تحصیل زیاد و برای اعزام دانشجو به خارج خیلی هم دستمان باز نیست. وقتی که فکر دانشگاه آزاد اسلامی مطرح شد و همین طرح را خدمت ایشان بردیم، روحیه ایشان باز شد و فرمودند: «دریچه خوبی است که می‌شود از آنجا فضای خوبی را دید» و نشانش این بود که ایشان یک میلیون تومان پول دادند. ایشان می‌توانستند بگویند از دولت یا از جای دیگر بگیرید اما مخصوصاً از پول خودشان دادند که این نشانه اظهار علاقه و توجه ایشان به این نهاد بود[۲].

بنابراین آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آخرین مرحله قبل از اعلام عمومی موجودیت دانشگاه، خدمت حضرت امام رسید و موضوع تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی و گزارشی از فعالیتهایی که تا آن روز در این باره انجام شده بود را به عرض ایشان رساند.

بدین ترتیب ایده دانشگاه آزاد اسلامی به تأیید امام خمینی(ره) رسید. ایشان با کمک ده میلیون ریال، آغاز فصلی نوین را در عرصه آموزش عالی گشودند و دست اندرکاران این دانشگاه را به ادامه این امر تشویق و تحریص کردند.

اعلام موجودیت دانشگاه آزاد اسلامی

اکنون همه چیز برای اعلام موضوع ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی در سطح افکار عمومی آماده بود. در این مرحله، از آنجا که ویژگی و جوهره اصلی طرح دانشگاه آزاد اسلامی را مشارکت

---

۱ - معارنت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دانشگاه و دانشگاهیان از دیدگاه امام خمینی (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶)، ص ۷-۸.

۲ - اداره کل اسناد و مدارک دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی در کلام بزرگان، چاپ اول (تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۹.

گسترده مردم شکل می‌داد و قرار بود که مردم در پیدایش و پیشرفت آن نقش اساسی داشته باشند، ایده تأسیس این دانشگاه و گزارش اقدامات انجام گرفته و به ویژه تأیید و حمایت و کمک حضرت امام خمینی(ره)، به وسیله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران اعلام شد و بدین طریق می‌توان گفت که با این اقدام اندیشه دانشگاه آزاد اسلامی رسمیت یافت و در حقیقت موجودیت خویش را اعلام داشت.

جمعه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ را باید روز ظهور دانشگاه آزاد اسلامی نامید. در این روز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بخش مهمی از خطبه دوم نماز جمعه را به اندیشه دانشگاه آزاد اسلامی اختصاص داد و صراحتاً از آن به عنوان حرکتی جدی در آموزش عالی دفاع کرد.

وی ابتدا این پرسش بنیادین را مطرح ساخت که چگونه چراغ دانش سالهای اولیه مسلمانان رو به افول نهاد، در حالی که آنها در قرون اولیه اسلامی همه علوم ممتنع را در خودشان جمع کرده بودند؟ نگرانی آن روز مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی قابل درک بود. در آن روز جمهوری اسلامی میراث‌دار وضعی اسفناک در حوزه تولید و باروری علم و عالم بود. همه نگاه‌ها به غرب معطوف بود و هیچگونه اندیشه اصلاحی نمودار نبود. در این میان سخنان آن روز آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را باید اولین نشانه‌های اندیشه اصلاحی دانست که بر بومی کردن دانش اصرار می‌ورزید. سخنان وی یک شعار ساده سیاسی به حساب نمی‌آمد. ایشان به پشتوانه طرحی سخن می‌گفت که از گفتگو با نخبگان انقلاب اسلامی حاصل گشته بود:

"ما باید یک کاری بکنیم [....] اگر تبلور کرامت خداوند در علم انسان است ما در جمهوری اسلامی نمی‌توانیم بعد از ۱۰ سال دیگر بپذیریم که برای تخصص باید برویم به کالیفرنیا و یا جای دیگری، نمی‌توانیم در مقابل خداوند جواب بدهیم. ما اگر چنین کنیم در آن زمان مسلمان واقعی نخواهیم بود، ما باید یک حرکت جدی در تعلیم بکنیم. نهضت سواد آموزی باید جدی‌تر باشد. ستاد انقلاب فرهنگی باید با این معیار حرکت کند. دانشمندان ما باید به عنوان یک وظیفه برای انتقال اطلاعاتشان و برای گرفتن علوم دیگران یک لحظه را غفلت نکنند و بدانند اگر کسی برای دو روز سوادش برابر باشد مغبون است. این کلمات قصار رهبران ماست و ما باید جوری حرکت کنیم که همه خاک ما، همه وطن ما دانشگاه باشد. باید رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، مجله‌ها، مدرسه‌ها، سینماها، تئاترها، و قرائتخانه‌ها و هر جا که وسیله‌ای است برای بالا بردن آگاهی و علم مردم، استفاده بشود. ما اگر فردا یک ملت مرفهی از لحاظ صنعت نداشته باشیم یا از

لحاظ علم جو نباشیم، مساوی نیست. این دومی خطری مهمتر برای ما است و اساس کار ما اینجاست. امروز یک طرحی در ذهن بنده و دوستان من، جناب رئیس جمهور و نخست وزیر و بعضی از دوستان در ستاد انقلاب فرهنگی مطرح است. من آن را اینجا می‌خواهم مطرح کنم. انشاءالله متفکران این را تقویت می‌کنند و این یکی از وسایل حرکت جدی علم بشود. انقلاب فرهنگی ایجاد بشود. البته ما هنوز تصمیم نهایی نگرفته‌ایم ولی جدی هستیم. روی این طرحی که عرض می‌کنم فکر شود که اگر امروز امکانات ما کافی نیست که هر کس طالب تحصیلات عالیه است و دوره دانشگاه می‌خواهد بخواند، اگر نمی‌توانیم در این دانشگاه‌های محدود جذبشان بکنیم، فکر کنیم و یک راهی را انتخاب کنیم که هیچ طالب علمی مجبور نباشد که دست از تحصیل بکشد و این را فکر کردیم. یکی از طرق این است که از همین امسال در هر جا که دستمان رسید و شاید کم کم به روستا هم بکشد ـ البته به شهرهای کوچک به آسانی می‌رسد ـ مراکزی درست کنیم بنام دانشگاه آزاد اما نه دانشگاه آزاد رژیم گذشته، دانشگاه آزاد واقعی که تحصیلی دانشگاهی را با روش تحصیلی که در حوزه‌های علمیه علوم دینی می‌خوانند، خوانده شود [...] ما فکر کردیم که برویم سراغ این مطلب و در مراکز استانها جاهایی را آزاد شروع کنیم و کسانی که صلاحیتهای فکری دارند را بپذیریم، هر کس می‌خواهد بیاید، شرط دیپلم و اینها نکنیم یک آموزش بگذاریم برای کشف صلاحیتشان. وارد آنجا که شدند کلاسهای محدود مثلاً سی نفری با استاد معین و در ساعت معین نباشد، مثل طلبه‌ها برگزار کنیم، ما وقتی در قم درس می‌خواندیم آقایانی که اینجا هستند می‌دانند، طلبه‌های قم می‌دانند، بعد از سحر که نماز می‌خواندیم، می‌آمدیم مسجد بالاسر، در این مقبره، در آن مقبره، در مسجدها، گوشه و کناری می‌نشستیم، یک استاد، یک شاگرد داشت. یک طلبه، بنده که دروس می‌خواندم مقید نبودم که استاد چه کسی باشد، کسی که یک سال از من جلو بود به من درس می‌داد. آن پایه را من می‌فهمیدم. با استفاده کردن از شیوه تحصیل و تدریس دانشجو از مقام بالاتر به پایین‌تر، دانشجوهای بالاتر درس را بهتر می‌فهمند [...] اساتید داوطلب امروز در دنیا زیادند، بازنشسته‌ها، پیرمردها، اینهایی که گوشه کتابخانه‌ها نشسته‌اند و مطالعه می‌کنند، در خانه‌هایشان نشسته‌اند، شاید در خارج از کشور، کربلا باشند، نجف باشند، شاید پاریس باشند و شاید جای دیگر باشند، آرزو دارند یک محیط این طوری باشد و بیایند حرفهایشان را به یک عده طالب علم بزنند. ما در قم به استاد، حقوق نمی‌دادیم. خودش فکر خودش را می‌کرد. برای دانشجو فکر خانه نمی‌کردیم.

اگر خانه داشتیم یک اتاق می‌دادیم و اگر نداشتیم خودش می‌رفت و پیدا می‌کرد. چند نفر جمع می‌شدند یک خانه می‌گرفتند. اصلاً تقید نداریم. اگر داشته باشیم خوابگاه می‌سازیم، می‌دهیم. همانطور که قم هم می‌دادیم. خیلی از ما هم توی خانه‌ها زندگی می‌کردند. بنده در ۱۷ سالی که در قم بودم شاید ۱۳ سالش خانه و اتاق اجاره می‌کردم. پنج نفر، شش نفر یک اتاق اجاره می‌کردیم. پنج سال آخرش در مدرسه نوبت ما می‌رسید. آمدیم مدرسه. غذا اگر داشتیم، می‌دهیم اگر نداشتیم نمی‌دهیم، بعد تعهد کار هم نداریم. او می‌خواهد درس بخواند ما طالب علم می‌خواهیم. طالب مدرک نمی‌خواهیم آنجا بیاید. او می‌خواهد درس بخواند. البته هر کس درس بخواند یک پایان تحصیل به او می‌دهند که بتواند در صورت لزوم استفاده نماید و مردم بشناسند این فارغ‌التحصیل دانشگاه آزاد است که اگر خواستند به او کار بدهند، اگر خواست در عین تحصیل کار کند ما مجبورش نکنیم از صبح تا شب در مثلاً پنج تا کلاس شرکت کند، یک کلاس شرکت کند بقیه‌اش توی کارخانه است. ببینید چقدر جالب است که یک کارگر کارخانه می‌آید اینجا درس مکانیک می‌خواند. هم آن حرفه‌اش را قوی می‌کند و هم فردا دانشنامه می‌گیرد و همانجا مهندس کارخانه می‌شود. یا کشاورز است می‌آید درسش را می‌خواند و فردا همانجا می‌شود مهندس کشاورزی، ما فکر می‌کنیم بخش خصوصی اینها را به خوبی جذب می‌کند چون اینها طبعاً آدمهای طلبه وارند. نیروهایی که ما امروز در جهاد و در سپاه داریم و بخاطر وظایف انقلابی از دانشگاه بریده‌اند می‌توانند بیایند آنجا درس بخوانند و راهی می‌شود که ما در سراسر این کشور حداقل در مراکز استانها، ده‌ها مدرسه به سبک طلبه‌ای داشته باشیم و درآمد این می‌تواند از وجوه خیریه باشد. یعنی همین الان که بنده عرض می‌کنم ـ گرچه ما هنوز دفتر اعلام نکرده‌ایم ـ ولی آقایان و خانمهایی که مایلند می‌توانند بگویند ما فلان باغ را داریم و می‌دهیم برای آن کار، یکی هم بگوید ما پنجاه تا اتاق داخل آن باغ می‌سازیم و یک استاد یا ده نفر استاد هم بگویند که ما روزی دو ساعت می‌آییم آنجا درس می‌دهیم. یک جایی باید تعیین کنیم، اسم بنویسند، دولت هم البته کمک می‌کند. آزمایشگاه‌ها ساعت فراغتشان را در اختیار آنها می‌گذارند. اگر لازم شد و در یک وضع خاصی استاد متخصص نداشتیم از یک دانشگاه می‌گیریم. با کارخانه‌ها وارد مذاکره می‌شویم امکانات می‌دهیم، امکانات می‌گیریم. کار می‌دهیم، امکانات می‌گیریم. ما فکر کردیم [این] دو تا با هم ترکیب شود، مواد تحصیلی دانشگاه به شیوه درس خواندن طلبه. یک مقدار هم اصلاح بشود که ممکن است بی‌دروازگی عیوبی داشته باشد که ما

این عیوب را برطرف کنیم و در عرض چند سال این کشور را تبدیل کنیم به دستگاهی که عالم می‌آفریند و تحصیل کرده و دانشمند تحویل می‌دهد. آن روز ما می‌توانیم توی این دانشگاه به جای اینکه بچه‌هایمان را به آمریکا بفرستیم و منحرف کنیم، جوانهای مسلمان را از سراسر جهان جمع کنیم، پنج ـ شش سال اینجا بمانند، بعد برگردند و انقلاب این طوری صادر می‌شود. اینها فکر اسلام را، انقلاب اسلامی را می‌کنند. با اینکه یک طلبه امروز، طلبه‌های ما هر جا که باشند به عنوان یک ستون نظامی در همه جهان پیش می‌روند و امروز کارآیی‌شان را نشان داده‌اند و خوب دلیلی ندارد که اگر [در] رشته‌های دیگر، آدم به آن سبک درس بخواند آن طور نشود. بنابراین من از تریبون مقدس نماز جمعه این فکر را مطرح می‌کنم. از جامعه اسلامی دانشگاهیان هم خواسته‌ایم که طرح بدهند و از دوستان در دولت هم خواسته‌ایم و تعقیب هم می‌کنیم. کسانی که حاضرند می‌توانند به عنوان استاد، به نام کمک مالی، دادن یک محل، دادن یک زمین، دادن یک ساختمان برای خوابگاه و هر عنوان دیگر اینجا جمع بشوند و ما با بودجه مردم و با کمک مردم این کشور را به دانشگاه واقعی تبدیل کنیم. البته اگر کافی نبود من خودم پیشنهادم این است که علیرغم آن نظریه‌ای که [معتقد] است بخش خصوصی را در تعلیم شرکت ندهیم، حتی در تعلیم هم شرکت بدهیم. بخشی از کارها را بدهیم به دست آنها، همانطور که در جاهای دیگر هم هست منتهی کنترلشان کنیم که آنجا سودطلبی و تحمیل عقیده و اینها نباشد، صلاح باشد. اگر این دو حرکت را بکنیم ممکن است ما انقلاب فرهنگی واقعی درست کنیم. ممکن است ما در آینده ظرف ده سال دیگر همه چیز داشته باشیم...[1] (تکبیر حضار)

بی‌شک این سخن آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در آن روز به چیزی پیش از یک آرمان تعبیر نشد اما دقیقاً هفده سال بعد در کمال ناباوری، آن آرمان به تحقق پیوست.

دانشگاه آزاد اسلامی اینک از همکاری بیش از ۲۵/۰۰۰ عضو هیئت علمی برخوردار است و سهم خواهران در این تعداد بیش از ۳۵۰۰ نفر است. تعداد کل دانشجویان تا نیمسال اول سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر می‌باشد که براساس یک مرحله آمارگیری، به ترتیب سهم زنان و مردان عبارت است از ۳۰۰/۴۴۲ و ۳۶۸/۷۹۵ نفر و از این میزان تعداد دانشجویان به تفکیک مقطع تحصیلی عبارتند از: کاردانی ۱۲۱/۱۰۸ نفر، کارشناسی پیوسته ۴۸۰/۱۵۵ نفر،

۱ ـ هاشمی رفسنجانی ـ خطبه‌های نماز جمعه، جلد دوم ـ دفترنشرمعارف انقلاب

کارشناسی ناپیوسته ۳۴/۲۵۴ نفر، کارشناسی ارشد ۲۰/۶۳۲ نفر و دکترای حرفه‌ای و تخصصی ۱۳/۰۸۸ نفر.

دانشگاه آزاد اسلامی تاکنون ۶۰۰ هزار فارغ‌التحصیل داشته است که هم اکنون نقش مهمی در گردش چرخهای اقتصادی و فرهنگی کشور به عهده داشته و برخی از فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی نیز در دانشگاه‌های معتبر کشورهای پیشرفته دنیا (برکلی، ساندیاگو، هوستون، تورنتو، اونتاریو، بریتیش کلمبیا در کانادا، لندن، دورهام در انگلستان، گوتبورگ در سوئد و ...) مشغول ادامه تحصیل بوده و این روند رو به افزایش چشمگیر است.

کل فضای فیزیکی دانشگاه در ۱۳۲ واحد دانشگاهی داخلی و دو واحد دانشگاهی در خارج از کشور حدود ۵ میلیون متر مربع است که حدود ۵۰ در صد از این میزان به فضای آموزشی و ۵۰ درصد بقیه به فضای خدماتی و خوابگاه دانشجویی اختصاص دارد. هم اینک بدون داشتن هیچگونه تعهدی از سوی دانشگاه حدود ۸درصد از کل دانشجویان از خوابگاه بهره‌مند می‌باشند و پیش بینی شده است تا در پایان برنامه سوم دانشگاه این میزان به ۲۰درصد کل دانشجویان افزایش یابد.

دانشگاه آزاد اسلامی از بدو تأسیس تاکنون بالغ بر هزاران طرح پژوهشی داشته است. تنها در سال ۱۳۷۷ تعداد ۱۰۰۸ طرح پژوهشی تدوین و از آن تعداد ۶۲۴ طرح اجرا شده است. در ۶ ماه نخست سال ۱۳۷۸ بیش از ۳۵۰ طرح پژوهشی از سوی واحدهای دانشگاهی تدوین و بالغ بر ۲۰درصد از آنها در دست اجرا است. بودجه پژوهشی دانشگاه در سال ۱۳۷۵ افزون بر ۴ میلیارد ریال، در سال ۱۳۷۶ حدود ۸ میلیارد ریال، در سال ۱۳۷۷ بیش از ۱۳/۵ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۸ برابر با ۲۰ میلیارد ریال تعیین شده است.

دانشگاه آزاد اسلامی تاکنون ۴۵۰ عنوان کتاب علمی ـ تخصصی و ۱۱ عنوان مجله دانشگاهی منتشر ساخته و بالغ بر ۱۳۰۰ عنوان مقالات تخصصی و پژوهشی در مجلات گوناگون به انتشار سپرده است.

در بخش تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی موفق شده است بیش از ۵۰/۰۰۰ مسابقه ورزشی و دو المپیاد کشوری ورزشی با حضور بیش از ۴۵۰۰ ورزشکار در بخشهای خواهران و برادران برگزار کند. هم چنین در مسابقات مختلف کشوری و بین‌المللی حائز رتبه‌های قهرمانی و ممتاز شود و قهرمانان ورزشی کشور را برای ادامه تحصیلات تکمیلی با تسهیلات ویژه جذب

نماید و در کنار همه اینها به ارتقاء روحیه پهلوانی در کنار ورزشکارای و قهرمانی پرداخته و در حفظ ارزشهای اسلامی بکوشد.

هم چنین دانشگاه آزاد اسلامی برخود می‌بالد که بیش از ۱۳۱ شهید تقدیم انقلاب اسلامی نموده و تاکنون پذیرای صدها فرزند شهید بوده که تنها آمار ۵۰۰ فرزند عزیز شاهد را از داده‌های اطلاعاتی خود استخراج نموده است و بی‌شک مفتخر است که بسیاری از مسئولان کشوری و مدیران جامعه را در بخشهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در دامان خود پرورانده است.

اقبال عمومی

مهمترین محک برای موفقیت یک سازمان، اقبال عمومی به آن است. دانشگاه آزاد اسلامی به طور منحصر به فردی این خصیصه را داراست. اعلام موجودیت دانشگاه آزاد اسلامی از همان ابتدا با اقبال عمومی مواجه شد و مورد اعتنا و اشتیاق اقشار مختلف مردم قرار گرفت. لازم است بدانیم که این ایده در زمانی مطرح شد که برنامه‌های انقلابی هنوز در فضای ابهام آلودی قرار داشت. اما پشتیبانی مداوم اقشار مردم و سازمانها و نهادهای دولتی که روز بـه روز افـزایش می‌یافت، دانشگاه آزاد اسلامی را به عنوان یک مرکز بسیج علمی و یک ستاد هماهنگ کننده جهت بهره‌وری هر چه بیشتر امکانات موجود و پراکنده کشور در خدمت به نظام آموزش عالی ایران در آورد.

از سوی دیگر اهداف و ویژگیهایی که در این طرح مدنظر بود این ایده را تقویت می‌کرد که دانشگاه آزاد اسلامی اساساً یک نهاد مردمی ـ انقلابی است. این اهداف و ویژگیها، اقبال عمومی را به دانشگاه روز به روز وسعت بخشید و به پایداری و قوام آن کمک کرد. دکـتر جـاسبی در گزارش خود در سال ۱۳۶۲ هدفهای دانشگاه آزاد اسلامی را این گونه برمی‌شمرد:

الف) بالا بردن سطح اطلاعات علمی مردم در زمینه‌های مختلف

ب) گسترش مرزهای دانش از طریق تحقیق و تبادل نظر با سایر منابع علمی جهان

ج) تربیت و تعلیم افراد متعهد جهت رفع نیازهای مشروع جامعه

د) خودکفایی جامعه در زمینه‌های اقتصادی، صنعتی و ...

همان گزارش مهمترین ویژگی دانشگاه آزاد اسلامی را این گونه ذکر می‌کند:

دانشگاه، یک مرکز بسیج علمی و یک سیستم هماهنگ کننده جهت بهره‌وری بیشتر از امکانات علمی، آموزشی و فنی موجود و جذب نیروها و امکانات پراکنده کشور و محل تعلیم و تعلم و کار و تلاش افراد متعهد و ایثارگر و عاشقان کسب علم و معرفت و مؤمن و معتقد به نظام جمهوری اسلامی می‌باشد[1].

دلایل توجه و اقبال مردم و نهادها و طبقات اجتماعی به دانشگاه آزاد اسلامی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- وجود میراث فرهنگی، علمی و هنری در سطح کشور و پذیرش وجود بخش خصوصی در آموزش عالی از طرف مردم و تقاضای روز افزون برای آن

۲- استفاده از منابعی فراتر از منابع دولتی مانند شهریه یا کمکهای افراد خیر و استفاده از سنت حسنه وقف توسط دانشگاه آزاد اسلامی

۳- گسترش مشارکت مالی ـ اجتماعی و تمرکز زدایی از آموزش عالی همسو با سیاستهای دولت و ویژه با توجه به وضعیت عدم اتکاء به درآمدهای ارزی ناشی از نفت و اختصاص سهمی برای هزینه‌های آموزش عالی در سبد خانواده

۴- رقابتی شدن آموزش عالی و تلاش برای حفظ بقا از طریق ارتقاء کیفیت

۵- وجود تأثیرات ناحیه‌ای توسط دانشگاههای آزاد اسلامی و ارتقاء اشتغال، بهبود شاخصهای اقتصادی، توسعه منابع انسانی و تحول فرهنگی در سطح نواحی مجاور این دانشگاه‌ها

۶- وجود تأثیرات سیاسی و جهانی با توجه به اینکه یکی از شاخصهای مهم توسعه فرهنگی یک کشور در سطح بین‌المللی فعال بودن بخش غیر دولتی در آموزش عالی است.

۷- جلوگیری از خروج بسیاری از سرمایه‌های مالی و نیروهای انسانی کشور به خارج به بهانه ادامه تحصیل

۸- کاهش بحران ناشی از افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی و کاهش تنشهای اجتماعی[2]

---

۱ ـ عبدالله جاسبی، «گزارش کوتاهی از رئوس فعالیتهای انجام شده در جهت راه‌اندازی دانشگاه آزاد اسلامی»، پیشین.

۲ ـ محمد حسین یارمحمدیان. «تحلیلی بر دلایل توجه به دانشگاه آزاد اسلامی و انتقادات مطرح شده». توان دانایی: گاهنامه ویژه اولین اجلاس بررسی عملکرد و خدمات دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۵ (مهرماه ۱۳۷۸)، صص ۳۴-۳۵

۹- و افزون بر همه اینها دانشگاه آزاد اسلامی دارای خصیصه‌ای انقلابی و اسلامی بود. بعد از پیروزی انقلاب و توسط رهبران آن تأسیس شده بود و مجموعه این خصائل که مقبول گفتمان غالب آن روز ایران بود به آن مشروعیت می‌بخشید.

با این وجود ذکر این نکته ضروری است که عده‌ای نه تنها این خصایص و ویژگیها را انکار می‌کردند بلکه با اتکا به همانها بنای بر مخالفت با دانشگاه آزاد اسلامی گذاشتند اما به شکرانه مردمی بودن این طرح، دانشگاه آزاد اسلامی نه تنها توانست از زیر بار سنگین مخالفتها سربلند بیرون آید بلکه گاهی اوقات این مخالفتها، عزم طراحان و دست اندرکاران دانشگاه آزاد اسلامی را برای دنبال کردن آنچه مقبول امام و مردم بود جزم‌تر ساخت.

پر بدیهی است که انتظار عدم مخالفت با طرحی که داعیه توسعه در گستره عمومی را دارد نابجا به نظر می‌رسد. ایده دانشگاه آزاد اسلامی نیز از این حیث برکنار نبود. اگر چه بسیاری از این مخالفتها ـ آن طور که زمان بعدها نشان داد ـ غیر منطقی به نظر می‌رسیدند اما همین ویژگی آنها کافی بود تا کار طراحان دانشگاه آزاد اسلامی را سخت‌تر کند. به مـخالفت اصـولی و مـنطقی می‌توان جواب داد، این مخالفتهای مغرضانه هستند که گرچه پاسخ منطقی داده شوند اما همیشه بی‌جواب باقی می‌مانند.

با این حال، با قدرتمندتر شـدن سـاختار دانشگـاه آزاد اسـلامی، آرام آرام زمـزمه آن گـونه مخالفتها یا از بین رفت یا رنگ و بوی نقد به خود گرفت و به ویرایش و پیرایش دانشگاه آزاد اسلامی کمک کرد.

تشکیل هیئت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی

اعلام موجودیت دانشگاه آزاد اسلامی به منزله اولین گام در جهت تحقق عملی آن بود. این اعلام، روند شکل‌گیری دانشگاه را شتاب بیشتری بخشید و طراحان آن را به ترسیم مراحل بعدی سوق داد. در ماه‌های میانی سال ۱۳۶۱ تشکیل هیئت مؤسس و تهیه اساسنامه دوگام اساسی دیگری بود که آنان برای تکوین و تبیین شخصیت حقوقی دانشگاه و استحکام مواضع قانونی آن برداشتند.

اعلام موجودیت دانشگاه، لزوم تشکیل هیئت مؤسس را به عنوان هسـته اصـلی سـازمان مراکزی دانشگاه برای ترسیم استراتژیهای کوتاه مدت و دراز مدت آن ضرورت می‌بخشید. این

ضرورت از آنجا ناشی می‌شد که هیئت مؤسس می‌بایست مراحل اجرایی ایده‌ای را که با اقبال عمومی مواجه شده بود به پیش می‌برد و تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کرد.

بنابراین، این موضوع با مؤسس دانشگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مطرح و قرار شد که با آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور وقت، حجت‌الاسلام حاج سید احمد خمینی و مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر وقت درباره عضویت آنان در هیئت مؤسس گفتگو شود و پس از گفتگو آنها پذیرفتند.

از این رو هیئت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی خصلتی منحصر به فرد به خود گرفت چراکه کسانی به عنوان هسته اولیه دانشگاه گردهم آمدند که همه نخبگان عرافت و برگزیدگان ملت برای مدیریت جامعه انقلابی بودند. در واقع جلسات هیئت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی، ادامه جلسات سران سه قوه بود که در آن مسایل مهم مملکت مطرح می‌شد. این وضع اگر چه از یک سو چشم‌انداز خوش آتیه‌ای را برای دانشگاه فراروی می‌نهاد اما از دیگر سوی تردیدهایی را ایجاد می‌کرد.

دانشگاه آزاد اسلامی برکنار از این غرض‌ورزیهای سیاسی به کار خود ادامه داد و با موفقیت روز افزون توانست به مخالفان خود بقبولاند که التفات و اقبال رهبران انقلاب اسلامی به اندیشه دانشگاه آزاد اسلامی از آنجاکه طرحی انقلابی، اسلامی و ملی است، امری اجتناب ناپذیر است.

و اکنون دانشگاه آزاد اسلامی با تلاش شبانه‌روزی صدها انسان دلباخته و عاشق، به مرکزی برای علم اندوزی و تعلیم و تعلم تبدل شده و آوازه آن هر روز بیش از گذشته در سرتاسر جهان طنین افکنده است.

آرم

جمهوری اسلامی ایران

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد:

شماره.....................

تاریخ.....................

پیوست.....................

«بسمه تعالی»

اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری

یک نسخه از صورتجلسه هیئت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی را بانضمام اساسنامه و تقاضانامه مربوطه جهت ثبت در دفاتر آن اداره و انتشار آگهی و سایر آگهی و سایر اقدامات قانونی ارسال میدارد.

اعضاء هیئت مؤسس به آقای عبدالـ.. جاسبی عضو مؤسس و رئیس دانشگاه وکالت و اختیار تام تفویض نموده‌اند که بنمایندگی از طرف آنان در آن اداره حضور یافته و ضمن تکمیل اظهارنامه ثبتی نسبت به ثبت مفاد صورتجلسه در دفاتر آن اداره و انجام سایر تشریفات قانونی اقدام لازم معمول و بنمایندگی هیئت مؤسس ذیل دفاتر و اسناد مربوطه را امضا نمایند:

بتاریخ: ۱۳۶۱/۱۰/۱

مؤسسین دانشگاه آزاد اسلامی

سید علی خامنه‌ای — اکبر هاشمی رفسنجانی

میر حسین موسوی — سید احمد خمینی

عبدالـ.. جاسبی

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد :

جمهوری اسلامی ایران

" بسمه تعالی "

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

اداره کل ثبت شرکتها وموسسات غیرتجاری

یک نسخه ازصورتجلسه هیئت مؤسس دانشگاه آزاد اسلامی را بانضمام اساسنامه و - تقاضانامه مربوطه جهت ثبت دردفاتر آن اداره وانتشار آگهی وسایر اقدامات قانونی ارسال میدارد.

اعضاء هیئت مؤسس به آقای عبدالله... جاسبی عضو مؤسس ورئیس دانشگاه وکالت واختیار تام تفویض نموده اند که بنمایندگی ازطرف آنان درآن اداره حضور یافته وضمن تکمیل اظهارنامه ثبتی نسبت به ثبت مفاد صورتجلسه دردفاتر آن اداره وانجام سایر تشریفات قانونی اقدام لازم معمول وبنمایندگی هیئت مؤسس ذیل دفاتر واسناد مربوطه را امضاء نمایند:

بتاریخ : ۱۳۶۱/۱۰/۱

موسسین دانشگاه آزاد اسلامی

.سید علی خامنه‌ای.......

میرحسین موسوی.......

...اکبر هاشمی رفسنجانی

...سید احمد خمینی...

....

عبدالله... جاسبی

تقاضانامهٔ ثبت دانشگاه آزاد اسلامی در اداره کل ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری

وزارت دادگستری

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

تقاضانامه ثبت مؤسسه

امضاء کنندگان ذیل مؤسسین............................مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی........

ثبت مؤسسه مزبور را با مشخصات ذیل تقاضا مینمایم:

۱ـ نام مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی ....

۲ـ مقصود از تشکیل بالا بردن سطح اطلاعات علمی مردم ـ گسترش مرزهای دانش از طریق تحقیق و تبادل نظر با سایر منابع علمی جهان ـ تربیت و تعلیم افراد متعهد... (بقیه بشرح ماده یک اساسنامه)

۳ـ تابعیت ایرانی ....

۴ـ مرکز اصلی و نشانی صحیح آن تهران ـ خیابان فرصت شیرازی پلاک شماره ۱۵۵ ....

۵ـ مرکز شعب مختلفه پس از تشکیل اعلام میشود ....

۶ـ اسامی مؤسسین الف ـ سید علی خامنه‌ای. ب ـ اکبر هاشمی رفسنجانی. ج ـ میر حسین موسوی. د ـ سید احمد خمینی. هـ ـ عبدالـ.. جاسبی که در حال حاضر طبق ماده ۲۴ اساسنامه، همگی در حکم اعضاء شورای عالی دانشگاه آزاد اسلامی هستند ....

۷ـ تاریخ تشکیل از تاریخ ثبت مؤسسه ....

۸ـ مدیر یا مدیران مؤسسه و اشخاصیکه از طرف مؤسسه حق امضاء دارند طبق صورتجلسه مورخ ۱۳۶۱/۹/۱۱ مجمع عمومی مؤسسین (که در حکم شورای‌عالی دانشگاه است) آقای عبدالـ.. جاسبی بسمت رئیس دانشگاه تعیین گردید. حق امضاء کلیه اسناد مالی و تعهدآور (رسمی و عادی) و اسناد غیرمالی دانشگاه با رئیس دانشگاه میباشد. اسناد مذکور به مهر دانشگاه نیز ممهور خواهد شد. ....

۹ـ اسامی مدیران شعب بعد از تشکیل شعب اعلام میشود. ....

۱۰ـ دارائی مؤسسه در حال حاضر ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال میباشد که در اختیار ~~شورای عالی دانشگاه~~ رئیس دانشگاه قرار دارد.

تهران ـ بتاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۱ ....

سید علی خامنه‌ای	اکبر هاشمی رفسنجانی	میر حسین موسوی
سید احمد خمینی	عبدالـ.. جاسبی	

امضاء مؤسسین

وزارت دادگستری

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

تقاضانامه ثبت مؤسسه

امضاء کنندگان ذیل مؤسسین مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی

ثبت مؤسسه مزبور را با مشخصات ذیل تقاضا مینمایم :

۱ - نام مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی

۲ - مقصود از تشکیل بالابردن سطح اطلاعات علمی مردم - گسترش مرزهای دانش از طریق تحقیق و تبادل نظر با تکیه بر منابع علمی حوزه - تربیت و تعلیم افراد متعهد ... (بقیه بشرح ماده یک اساسنامه)

۳ - تابعیت ایرانی

٤ - مرکز اصلی ونشانی صحیح آن تهران - خیابان فرصت شیرازی پلاک شماره ۱۵۵

۵ - مرکز شعب مختلفه پس از تشکیل اعلام میشود.

٦ - اسامی مؤسسین الف - سیدعلی خامنه‌ای .ب- اکبرهاشمی رفسنجانی . ج- میرحسین موسوی د- سید احمد خمینی . ه - عبدال... جاسبی که در حال حاضر طبق ماده ۲۲ اساسنامه ، همگی در حکم اعضاء شورایعالی دانشگاه آزاد اسلامی هستند.

۷ - تاریخ تشکیل از تاریخ ثبت موسسه .

۸ - مدیر یا مدیران مؤسسه و اشخاصیکه از طرف مؤسسه حق امضاء دارند طبق صورتجلسه مورخ ۱۳٦۱/۹/۱۱ مجمع عمومی موسسین (که درحکم شورایعالی دانشگاه است) آقای عبدال... جاسبی بسمت رئیس دانشگاه تعیین گردید . حق امضاء کلیه اسناد مالی و تعهدآور (رسمی و عادی) و اسناد غیر مالی دانشگاه با رئیس دانشگاه میباشد . اسناد مذکور به مهر دانشگاه نیز ممهور خواهد شد.

۹ - اسامی مدیران شعب بعد از تشکیل شعب اعلام میشود.

۱۰ - دارائی مؤسسه در حال حاضر مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰/ ریال میباشد که در اختیار شورایعالی دانشگاه / رئیس دانشگاه قرار دارد. تهران - بتاریخ ۱۳٦۱/۱۰/۱

سیدعلی خامنه‌ای   اکبرهاشمی رفسنجانی   میرحسین موسوی

سیداحمد خمینی   عبدال... جاسبی

امضاء مؤسسین

شماره ۶/۲۷۳۴۱ — ۱۳۶۱/۱۲/۴

آگهی تأسیس مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی

نظر به ماده ۸ آیین‌نامه ثبت مؤسسات غیرتجاری

مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ تحت شماره ۲۴۵۱ در این اداره به ثبت رسیده و خلاصه مفاد اساسنامه آن جهت اطلاع عموم آگهی میشود: ۱ـ نام مؤسسه: دانشگاه آزاد اسلامی ۲ـ موضوع مؤسسه: بالا بردن سطح اطلاعات علمی مردم گسترش مرزهای دانش از طریق تحقیق و تبادل نظر با سایر منابع علمی جهان تربیت و تعلیم افراد متعهد بقیه طبق مندرجات اساسنامه ۳ـ تابعیت ایرانی ۴ـ مرکز اصلی مؤسسه: خیابان فرصت شیرازی پلاک شماره ۱۵۵ ـ ۵ـ اسامی مؤسسین: الف: آقایان سید علی خامنه‌ای ب: اکبر هاشمی رفسنجانی ج: میر حسین موسوی د: سید احمد خمینی هـ ـ عبداله جاسبی ۶ـ تاریخ تشکیل مؤسسه: ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ بمدت نامحدود ۷ـ مدیر یا مدیران و اشخاصی که در مؤسسه حق امضا دارند: آقای عبداله جاسبی بسمت رئیس دانشگاه برگزیده شدند کلیه اسناد مالی تعهدآور (رسمی و عادی) و اسناد غیرمالی دانشگاه بامضاء رئیس دانشگاه با مهر مؤسسه معتبر میباشد ۸ـ دارائی مؤسسه: مبلغ ده میلیون ریال است.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

پ ـ ۱۷۸۰۰ — ق ـ ۱۲۹۵۹۰

صفحه

شماره ۶/۲۷۳۴۱ — ۱۳۶۱/۱۲/۴

آگهی تاسیس مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی

نظربه‌ماده ۸ آئین‌نامه ثبت مؤسسات غیرتجارتی

مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی در تاریخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ تحت شماره ۲۴۵۱ دراین اداره به ثبت رسیده و خلاصه مفاداساسنامه آن جهت اطلاع عموم آگهی میشود: ۱ - نام مؤسسه: دانشگاه آزاد اسلامی ۲ - موضوع: مؤسسه: بالابردن سطح اطلاعات علمی مردم گسترش مرزهای دانش ازطریق تحقیق وتبادل‌نظر با سایر منابع علمی‌جهان‌تربیت و تعلیم افراد متعهدبقیه‌طبق‌مندرجات اساسنامه ۳ - تابعیت ایرانی ۴ - مرکز اصلی مؤسسه: خیابان فرصت شیرازی پلاک شماره ۱۵۵ - ۵ - اسامی مؤسسین: الف: آقایان سیدعلی خامنه‌ای ب: اکبرهاشمی رفسنجانی ج: میر حسین موسوی د: سیداحمد خمینی هـ - عبداله جاسبی ۶ - تاریخ تشکیل مؤسسه: ۱۳۶۱/۱۱/۲۷ بمدت نامحدود ۷ - مدیریا مدیران و اشخاصی که درمؤسسه: حق امضاء دارند: آقای عبداله جاسبی بسمت‌رئیس دانشگاه برگزیده شدندکلیه اسناد مالی و تعهدآور (رسمی وعادی) و اسناد غیرمالی دانشگاه‌بامضاء رئیس دانشگاه بامهر مؤسسه معتبر میباشد ۸ - دارائی مؤسسه: مبلغ ده‌میلیون ریال است.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

پ - ۱۷۸۰۰ — ق - ۱۲۹۵۹۰

آگهی تأسیس مؤسسه دانشگاه آزاد اسلامی در روزنامه رسمی ایران

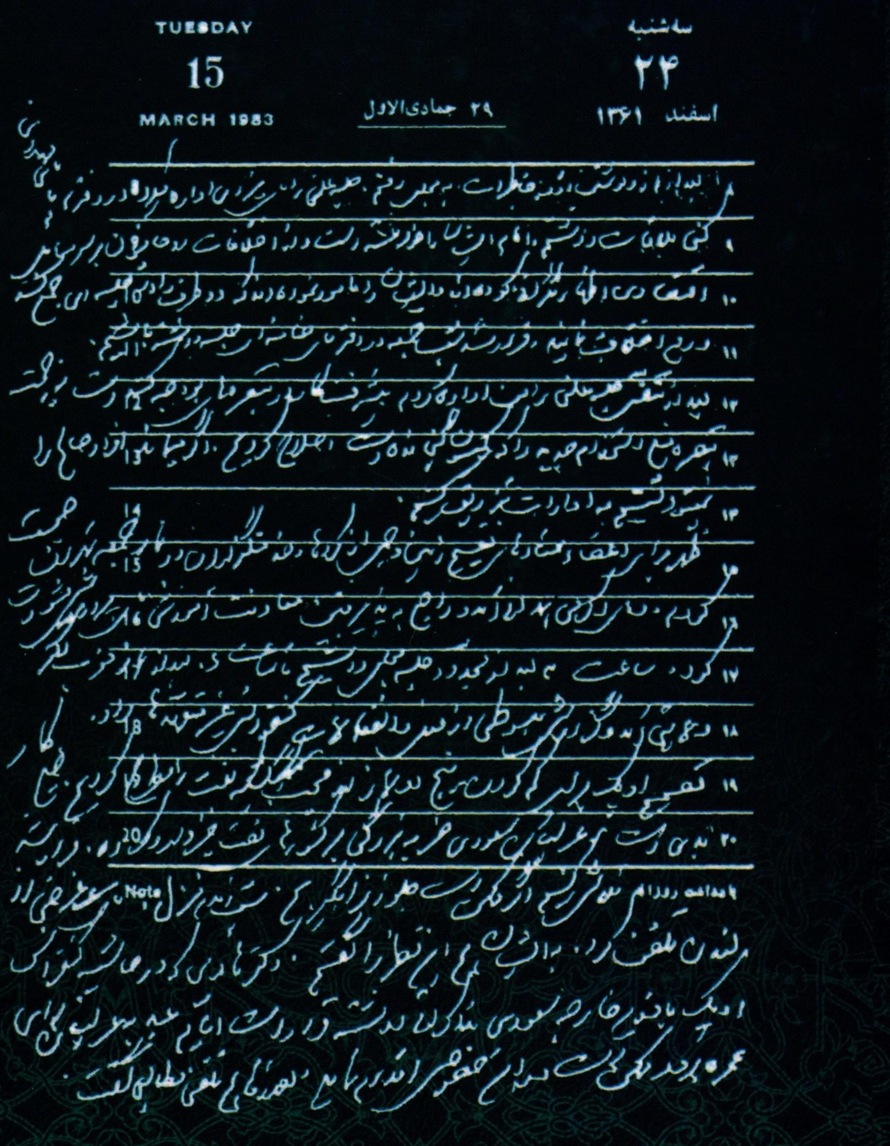
فهرست اعلام

(اشخاص حقیقی، اشخاص حقوقی)

کلید واژه

فهرست جایها

فهرست کتابها و رسانه‌های ارتباط جمعی



TUESDAY

15

MARCH 1983

سه‌شنبه

۲۴

اسفند ۱۳۶۱

۲۹ جمادی‌الاول

[illegible]